

𐎱
P

𐎠
A

𐎢𐎠
RA

𐎢𐎡
SA

𐎱
I

𐎱𐎠
YA

فرهنگ ریشه

واژگان فارسی

تألیف دکتر علی نورائی



بررسی ریشه های واژگان فارسی و مشتقات آنها در زبانهای دیگر

ای راه نما به هر زبان در افواه

از نام تو بردند زبانها به تو راه

مزایا، ویژگی ها و لزوم تألیف فرهنگ ریشه واژگان فارسی

امروز یافتن یک فرهنگ جامع برای پیگیری ریشه واژگان زبان فارسی که اشتقاق واژه هارا بطور مستند و عمیق تعقیب کرده و ارتباط و هم‌ریشه بودن آنها را با لغات زبانهای دیگر روشن کرده باشد بسیار دشوار است. فرهنگهای ریشه شناسی موجود یا در تعداد لغات فارسی خود بسیار محدودند و یا در بحث واژه های ایرانی اشاره ای به مشتقات آنها در زبان فارسی امروزی نکرده و در نتیجه به عنوان فرهنگهای ریشه واژگان فارسی قابل استفاده نمیباشند.

در فرهنگ حاضر که مجموعه ای است از نتایج تحقیق و آراء زبانشناسان و ایرانشناسان در باره ریشه واژگان زبان فارسی سعی شده است که ریشه های لغات تا قدیمیترین شکل شناخته شده آنها تحقیق، تعقیب و مورد بررسی قرار گرفته و لغات هم‌ریشه در زبانهای مختلف معرفی شود. این تحقیق و بررسی در تمام موارد متکی باستناد منابع و مآخذ بوده که برای پیگیری علاقمندان همراه با شماره صفحات آنها مرقوم گردیده است.

اطلاعات مربوط به اشتقاق لغات و ریشه ها بصورت ترسیمی (گرافیک) ارائه شده و مقالات و راهنماهای مختلف آن به زبان فارسی و انگلیسی نوشته شده است تا بتواند تسهیلاتی در تحقیقات آتی جهت ادامه جمع آوری و تکمیل ریشه واژگان زبان فارسی فراهم سازد.

ویژگیهای عمده این فرهنگ عبارتند از:

- ۱) جمع آوری ریشه و شجره ۴۷۰۰ واژه فارسی (۹۰۰۰ واژه ایرانی)
- ۲) ثبت بالغ بر ۱۲۷۰۰ لغت هم‌ریشه با واژه های فارسی در بیش از ۵۰ زبان
- ۳) استفاده از روش ترسیمی (گرافیک) برای نمایش و توضیح شجره ها
- ۴) واژه یاب جداگانه برای هر یک از زبانهای ذکر شده
- ۵) ضبط اشتقاق واژه ها باستناد منابع و مآخذ همراه شماره صفحات
- ۶) استفاده از حروف لاتینی برای تلفظ لغات
- ۷) استفاده از اشعار برای نشان دادن کاربرد لغات.

فهرست مطالب

بخش یک _ مقالات فارسی

- ۱ مزایا، ویژگیها و لزوم تألیف فرهنگ ریشه واژگان فارسی
- ۴ پیشگفتار _ مفاهیم نهفته در ریشه لغات
- ۶ مقدمه _ زبان خالص افسانه ای بیش نیست
- ۱۳ علم ریشه شناسی
- ۱۵ منابع و مآخذ
- ۱۹ راهنمای استفاده از این فرهنگ

بخش دو _ واژه یاب (فهرست لغات در زبانهای مختلف)

- 823..... (بترتیب الفبای فارسی) فهرست لغات فارسی
- 545 (بترتیب الفبای لاتین) فهرست لغات در زبانهای مختلف
- 547..... (بترتیب الفبای لاتین) فهرست ریشه ها

بخش سه _ شجره نامه لغات فارسی 1-541

بخش چهار _ مقالات انگلیسی A-1 - A-19

فهرست جدولهای بخش یک

۸	 سه گروه از زبانهای اصلی دنیا
۹	 واژه های ایرانی که به زبانهای دیگر رفته و به فارسی باز گشته است
۱۰	 واژه های سامی که با ظاهر اروپایی به زبان فارسی وارد شده است
۱۱	 واژه های هند_اروپایی که در قالب عربی به فارسی وارد شده است
۱۲	 واژه های ایرانی در زبان انگلیسی
۱۴	 تغییر اصوات در زبانهای هند_اروپایی
۱۶	 فهرست منابع و معآخذ بترتیب اسامی نویسندگان
۲۰	 ساختمان کلی شجره نامه ها
۲۱	 حروف مورد استفاده در تلفظ لغات

پیشگفتار

مفاهیم نهفته در ریشه لغات

زبان مجموعه ای از دلالت ها یا نشانه هایی می باشد که مردم برای انتقال مفهوم اشیاء، افکار و احساسات خود بکار میبرند. زبان هر ملت نمایانگر فرهنگ و تمدن و گویای آداب و رسوم و طرز فکر و احساس آن ملت است. لذا، مطالعه و آشنایی با ریشه لغات زبان هر قوم وسیله ایست برای شناخت فرهنگ و تمدن آن قوم.

در اثر مهاجرتها و فواصل جغرافیایی بین اقوام گوناگون، اختلافهای جزئی بین لهجه ها تدریجاً به زبانهای متفاوت مبدل شده است چنانچه امروز تفاوتهای بسیاری بین زبان فارسی و زبانهای انگلیسی، فرانسه، آلمانی، روسی و سایر زبانهای هند-اروپایی بچشم میخورد. اما، آنچه از یک مطالعه دقیق روی ریشه لغات و خصوصاً بررسی افکار مستتر در قالب لغات استنباط میشود مفاهیم مشترکی است که به زبان بستگی نداشته و در حقیقت اندیشه و عواطف گوینده را میرساند. این اندیشه های انسانی، که مبین احساسات و عواطف مردم میباشد، بندرت تحت تأثیر فواصل جغرافیایی قرار گرفته و در میان همه اقوام مشترک میباشد.

بعنوان مثال، اگر لغت «انباذ» را در فارسی تجزیه کنیم به دو ریشه هند-اروپایی با معانی «هم» و «سهیم» میرسیم و منظور وصف کسی است که خود را با او سهیم می شماریم. حال اگر لغت «companion» را در زبان انگلیسی یا سایر زبانهای اروپایی تجزیه کنیم، درمیابیم که از دو ریشه هند-اروپایی با معانی «هم» و «نان» تشکیل شده است و منظور وصف کسی است که با او روزی خود را سهیم می شویم. ملاحظه میشود که علیرغم آنکه لغات «انباذ» و «companion» از ریشه های متفاوت بوده و در نقاط دور از هم تحول یافته است ولی در ترکیب هر دو لغت یک مفهوم یگانه با هم بودن و شراکت مستتر است.

آنچه که تحقیق در ریشه لغات تأیید میکند آنست که مردمان با عواطفی مشابه و اندیشه ای مشترک صحبت میکنند که در اقوام مختلف به زیورهای گوناگون الفاظ و اصوات خاص آن قوم آراسته و عرضه میشود.

هدف از نوشتن این فرهنگ جلب توجه خوانندگان به این یگانگی و همبستگی فکری ملتهاست که متأسفانه بعلمت کتمان آن در قالبهای گوناگون الفاظ نه تنها فراموش شده بلکه با یک سلسله

تعصبات قومی و نژاد پرستی جایگزین گردیده است . این هدف را صائب تبریزی بنحوی بسیار شیوا و
رسانین خلاصه میکند:

در حسن بی تکلف معنی نظاره کن

از ره مرو بخال و خط استعاره ها

علی نورائی

بهار ۱۳۷۸

مقدمه

زبان خالص افسانه ای بیش نیست

هیچ زبانی در طول تاریخ خود از تغییر و تبدیل مصون نمانده و اقوام مختلف دائماً در داد و ستد لغات بوده اند. این تغییر و تحول، وقتی که بصورت تدریجی و طبیعی خود انجام میگیرد، نه تنها هویت و خصوصیت هیچ زبانی را تهدید نمیکند بلکه باعث رشد و نمو و شیوایی آن زبان گشته و در خیلی از موارد از نارسایی و متروک شدن زبان نیز جلوگیری میکند.

همانطور که در جدول شماره ۱ نشان داده شده است زبان فارسی یک زبان هند-اروپایی است که، در طول تاریخ چندین هزارساله خود، مانند هر زبان دیگر، پیوسته در تبادل لغت بوده است. برای تحقیق و مطالعه ریشه لغات زبان فارسی باید به سیر آوایی و معنایی آنها در فارسی و سایر زبانهای هند-اروپایی توجه نمود. با توجه باینکه زبان فارسی لغات بسیاری از زبانهای سامی، ترکی و دیگر زبانهای غیر هند-اروپایی در خود پذیرفته است، این زبانها نیز، مانند زبان هند-اروپایی، باید مورد بررسی قرار گیرد.

اگر دور از تعصب قومی و با نظری بازتر به زبانهای مختلف بنگریم متوجه میشویم که از فرقه‌های اساسی بین لغات «بیگانه» و لغات «بومی» هر زبان قدمت ورود آنها به آن زبان میباشد. بعنوان مثال، کمتر کسی در زبان فارسی لغات قند، شکر، چای، کاه یا سپهر را که در قرون گذشته از زبانهای دیگر اقتباس شده بیگانه تلقی میکند و حال آنکه لغات آدرس، پلیس و غیره را که در قرن اخیر وارد زبان فارسی شده و بمیزان زیاد و گسترده ای هم استفاده میشود هنوز بیگانه میشماریم.

برخی از لغات بیگانه و خصوصاً عربی که چند قرن از تاریخ ورودشان به زبان فارسی گذشته چنان در زبان و ادبیات فارسی نفوذ کرده است که جدا سازی و جایگزین ساختن آنها با واژه های فارسی تقریباً غیرممکن است. حذف این لغات معادل است با از دست دادن میراث گرانبهای فرهنگی که از شعرا، ادبا و عرفای لطیف پرداز و ژرف نگری چون حافظ، سعدی، مولوی و غیره برای ما بجای مانده است. این وابستگی عمیق و جدائی ناپذیر به واژه های «غیر بومی» اختصاص به فارسی نداشته و دامنگیر همه زبانها است چنانچه، بعنوان مثال، اگر لغات یونانی و لاتین را از زبانهای اروپایی مانند انگلیسی و آلمانی حذف کنیم آن زبانها استحکام و رسائی و حتی کارائی خود را از دست خواهند داد. باید پذیرفت که زبان «خالص» افسانه ای بیش نیست. البته ناگفته نماند که پذیرفتن لغات «غیر بومی» برای توانا ساختن یک زبان مجوز استفاده نابجا و بی تناسب از واژه های ناهموار بیگانه نیست.

زیرا همانطور که وام صحیح لغات باعث استحکام و پایداری یک زبان میشود، زیاده روی در بکارگیری غیر ضروری از لغات بیگانه نیز موجب تباهی و از دست رفتن هویت آن زبان میگردد.

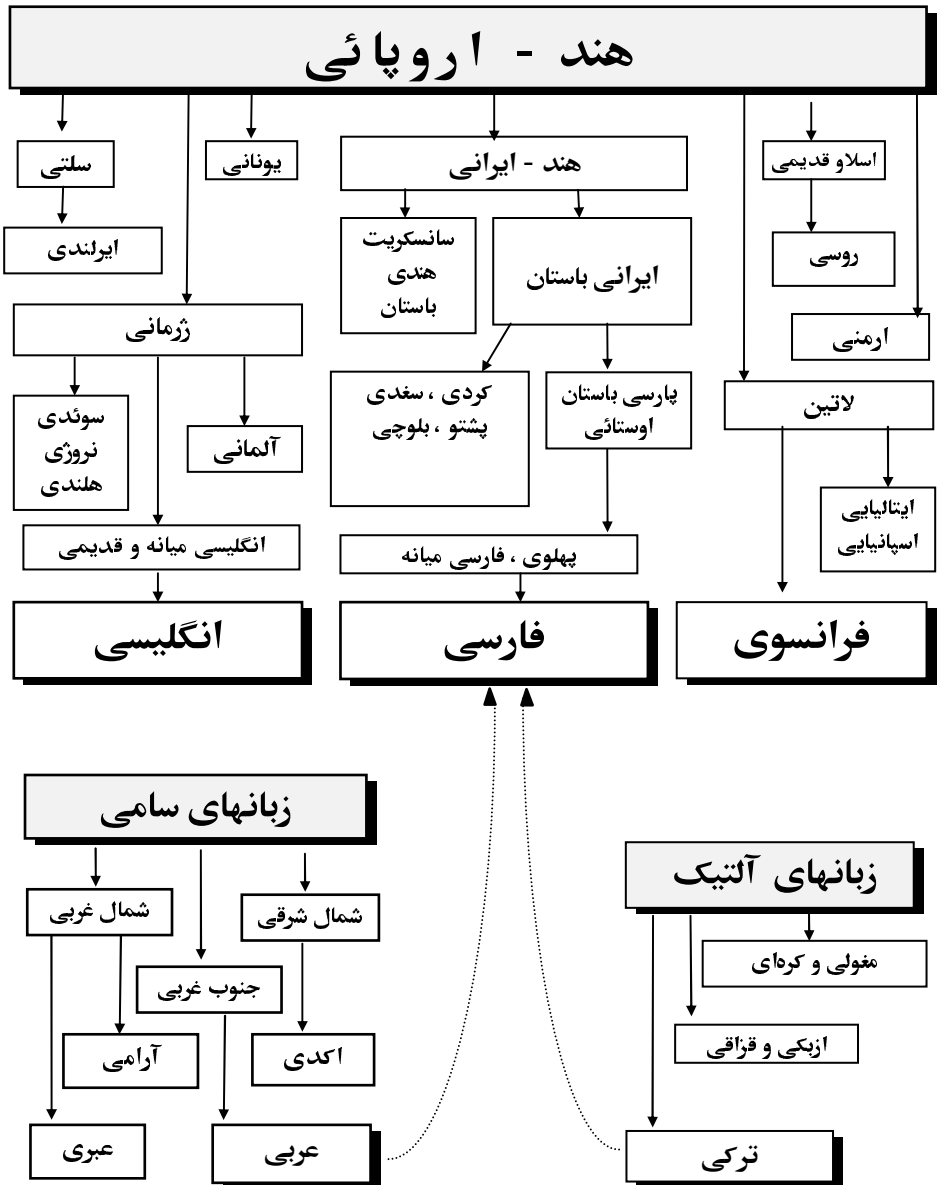
سیر مهاجرتی واژه ها بین زبانهای مختلف گاهی همراه با تغییر و تحولات بسیار جالبی در تلفظ و حتی معانی آنها میباشد. مثلاً لغت «صراط» که از ریشه هند_اروپایی «ster» بمعنای گستردن و سنگفرش کردن است سیر جالبی در زبانهای لاتین و یونانی داشته و نهایتاً در یک قالب عربی وارد زبان فارسی میشود. از مهاجرت‌های قابل توجه دیگر سیر لغات فارسی (یا ایرانی) در زبان انگلیسی میباشد که گاهی تشخیص آن بدون استفاده از قواعد ریشه شناسی ساده نمیشد. نمونه هائی از مهاجرت‌های جالب لغات در جدولهای شماره ۲، ۳، ۴ و ۵ نشان داده شده است.

در فرهنگ حاضر، برای هر لغت فارسی، لغات هم‌ریشه آن در زبان انگلیسی و بسیاری از زبانهای دیگر بررسی شده است و جمعاً بالغ بر ۱۷۴۰۰ واژه از ۱۶۰۰ ریشه متفاوت گردآوری و تجزیه شده که میتوان آنها را بتعداد تقریبی زیر تقسیم بندی کرد:

فارسی	۴۷۰۰ واژه
سایر زبانهای ایرانی	۴۳۰۰ واژه
انگلیسی	۳۳۰۰ واژه
لاتین و یونانی	۱۵۰۰ واژه
هند_اروپایی (ریشه)	۱۴۰۰ واژه
عربی و عبری	۸۰۰ واژه
فرانسه و آلمانی	۴۰۰ واژه
سانسکریت و هندی	۴۰۰ واژه
مجموع زبانهای دیگر	۷۰۰ واژه

جدول شماره ۱

سه گروه از زبانهای اصلی دنیا



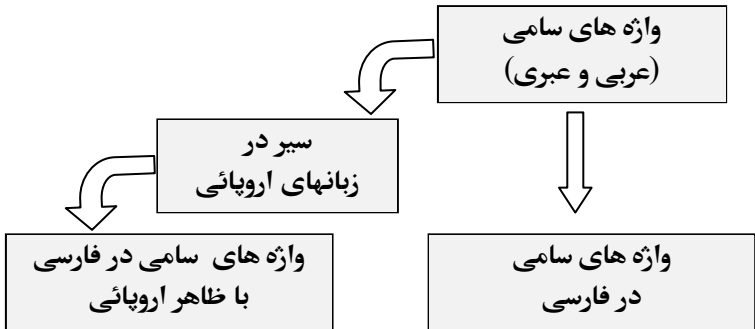
جدول شماره ۲

نمونه‌ای از واژه‌های ایرانی که به زبانهای دیگر رفته و پس از تغییر لهجه و معنی دوباره به زبان فارسی بازگشته است
(برای کسب اطلاعات بیشتر به متن کتاب مراجعه شود)

بازگشت دوباره پس از تغییر لهجه و معنی	واژه‌های ایرانی
عفرینته	آفریده
هندسه ، مهندس	اندازه
بالکن	بالاخانه
پیرامه	پاجامه
فردوس	پوردیس
چمدان	جامه دان
آلکودیتیم	خوارزمی
رواج	رفتن
رزق	روز
زیرکونیم	زرگون
گیتار	سه تار
ساکارز	شکر
وانت	کاروان
قالب ، قلب ، قلاب ، تقلب	کالب ، کالبد
خندق ، قنات ، کانال	کندن
کیوسک	کوشک
تکدی	گدا
جنگه	گناه
خزینہ ، مخزن ، مغازه	گنجینه

جدول شماره ۳

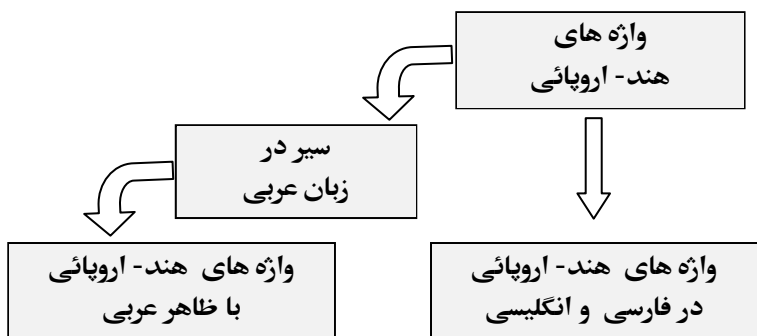
نمونه‌ای از واژه‌های سامی (عربی و عبری) که
با ظاهر اروپائی به زبان فارسی وارد شده است
(برای کسب اطلاعات بیشتر به متن کتاب مراجعه شود)



آدامس	آدم
ساموئل	اسم
آمانوئل ، رافا ئل ، ساموئل گابریل، دنیل ، البزابت، لیزا	الله
آدمیرال	امیر
ترافیک	تفریق
ماساژ	تماس
رافا ئل	رفو
کافه	قهوه
تونیک	کتان
الکل	کحل
بنزین	لبنیات
ماسک	مسخره
آمالگام	ملغمه

جدول شماره ۴

نمونه‌ای از واژه‌های هند-اروپائی که
از طریق عربی به زبان فارسی وارد شده است
(برای کسب اطلاعات بیشتر به متن کتاب مراجعه شود)



پول	مفلس ، افلاس
دیفتری	دفتر
سوراخ	صفر
کلیسا	کناس
نسک	نسخه
army	ارابه
candle	قندیل
canon	قانون
case	قفس
castle	قصر
colon	قولون ، قولنج
devil	ابلیس
escalator	اسکله
join	ازدواج
no	انکار ، نکره
sign	سجل
street	صراط

جدول شماره ۵

نمونه‌ای از واژه‌های ایرانی در زبان انگلیسی

(برای کسب اطلاعات بیشتر به متن کتاب مراجعه شود)



bazaar	بازار
Boron, boric, borax	بوره
pajamas	پا جامه
peach	پارس
paradise	پردیس
path	پند
tiger, Tigris	تند، تیز
algorithm	خوارزمی
zirconium	زرگون
guitar	سه تار
check, chess	شاه
canal, cane, canyon	قنات
caravan, van	کاروان
kiosk	کوشک
magazine, gazette	گنجینه
lotus	لادن
lacquer, shellac	لاک
magic	مغ
Danube	ناودان
lilac	نیلوفر

علم ریشه شناسی

در سال ۱۷۸۶ میلادی یک قاضی انگلیسی در هندوستان بنام سر ویلیام جونز متوجه تشابه چشمگیری بین لغات زبان سانسکریت (هندی باستان) و زبانهای اروپائی گشت و برای اولین بار اعلام کرد که این زبانها باید از یک زبان ریشه یا مادر، که بعد ها هند-اروپائی خوانده شد، گرفته شده باشد. این نظریه سرآغاز مطالعات و اساس علم زبانشناسی قیاسی (تطبیقی) گردید که با استفاده از اصول آن تاکنون بیش از ۲۰۰۰ واژه از زبان هند-اروپائی که اصولاً زبان مکتوبی نبوده بازسازی شده است.

با پراکنده شدن اقوام هند-اروپائی در آسیا و اروپا زبان مشترک آنها تدریجاً به لهجه ها و سپس به زبانهای مختلف تقسیم شد. با مقایسه لغات این زبانها معلوم گشته که تغییر اصوات بین آنها تصادفی نبوده بلکه، بر حسب عادات فونتیک اقوام مختلف، قواعد مشخصی را دنبال میکند. با کشف و استفاده از این قواعد است که امروزه زبانشناسان توانسته اند همیشه بودن لغاتی را که حتی دیگر شباهت ظاهری هم باهم ندارند تشخیص دهند. البته باید متذکر شد که همه تغییر اصوات قابل تعقیب نبوده و این خود دشواریها و اختلاف نظرهایی را در مورد ریشه بعضی لغات پدید آورده است.

برای مثال، از جمله قواعد ساده ریشه شناسی تغییر صدای (D) در آغاز لغات هند-اروپائی به صدای (T) در زبانهای ژرمانیک نظیر انگلیسی میباشد. این صوت در زبانهای اوستائی و پارسی باستان تغییر نکرده و اکنون در زبان فارسی نیز (د) تلفظ میشود مانند (Dwo) هند-اروپائی که در فارسی (دو) و در انگلیسی (Two) تلفظ میشود. جدول شماره ۶ شامل مثالهای دیگری از این تغییر اصوات در میان زبانهای هند-اروپائی میباشد.

بعضی از تغییر اصوات در فارسی بعزت معرب شدن لغات صورت گرفته نظیر تغییر (پ) به (ف) (در واژه (فردوس)، همچنین جابجایی اصوات (ل) و (ر) (در لغاتی نظیر (سوراخ) و (سولاخ) که در بسیاری از زبانهای دیگر نیز معمول است. گاهی دو حرف نیز در یک لغت جابجا میشوند نظیر (مغز) که از واژه قدیمی (مزغ) میباشد.

علم ریشه شناسی بحث جامع و مفصلی است که در این مختصر نمیگنجد. اشارات و مثالهای فوق نمونه های ساده ای از اصول و قواعد ریشه شناسی است که جهت اطلاع کلی خوانندگان میباشد.

جدول شماره ۶

نمونه ای از تغییر اصوات در زبانهای هند-اروپائی

ریشه های هند-اروپائی	لغات انگلیسی از طریق :			لغات فارسی از طریق اوستائی و پارسی باستان
	ژرمانی	یونانی	لاتین	
<u>BH</u> Bhue: to be Bhudh: base	<u>B</u> be bottom	<u>PH</u> physics	<u>F</u> future foundation	<u>B</u> bûdan: to be بودن bon: base بن
<u>D</u> Dwo: two Dekm: ten	<u>T</u> two ten	<u>D</u>	<u>D</u> dime	<u>D</u> do: two دو dah: ten ده
<u>G</u> Gel: form into a ball Gene: to give birth to	<u>K</u> club king	<u>G</u> gene	<u>G</u> globe generate	<u>Z / G</u> golûleh: bullet گلوله zâidan: to bear زاییدن
<u>GH</u> Ghel: yellow color	<u>G</u> gold	<u>KH</u> chlorine	<u>H</u>	<u>Z</u> zar: gold زر
<u>Y</u> Yeu 1: young Yeu 2: to join	<u>J</u> (Y) young yoke	<u>H</u>	<u>J</u> juvenile join	<u>Y</u> (J in Persian) javân: young جوان yûġ: yoke یوغ
<u>L</u> Leuk: light	<u>L</u> light	<u>L</u>	<u>L</u> luster	<u>R</u> rošan: bright روشن
<u>P</u> Pa-ter: protector Ped: foot Peî: fat Pel: to fill Penkwe: five	<u>F</u> father foot fat full five	<u>P</u> Pope podium poly- pentagon	<u>P</u> paternal pedicure pine plenty	<u>P</u> pedar: father پدر pâ: foot پا pîh: fat پیه por: full پر panj: five پنج
<u>S</u> Sem: one Septm: seven	<u>S</u> same seven	<u>H</u> Homo-	<u>S</u> single September	<u>H</u> ham: same هم haft: seven هفت
<u>W</u> Wê: to blow Werg: to work	<u>W</u> wind work		<u>V</u> vent	<u>V</u> (B in Persian) bâd: wind باد varzeš: sport ورزش

منابع و مآخذ

برای آنکه فرهنگ حاضر بتواند یک مرجع مستند و معتبری برای خوانندگان خود باشد، نام مآخذ و منابعی که برای تعیین ارتباط و اشتقاق واژه ها بکار گرفته شده، همراه شماره صفحه آنها در بیش از ۱۱۰۰۰ مورد مختلف ذکر شده است. اسامی نویسندگان و مولفان این منابع و مراجع در جدول شماره ۷ آورده شده است. شرح کامل نشانه های اختصاری آنها در جدول شماره ۴ (TABLEIV) صفحه A-11 بخش چهار این فرهنگ (مقالات انگلیسی) مرقوم گردیده است.

فرهنگهاییکه شامل اطلاعاتی درباره ریشه لغات فارسی میباشند اکثراً برای زبانهای اروپائی نوشته شده است و اطلاعات مربوط به زبانهای ایرانی، در این فرهنگها، بصورت نامنظم و پراکنده و یا بطور ضمنی در لابلای اطلاعات مربوط به زبانهای دیگر آورده شده است. این امر استفاده از منابع خارجی را دشوار میسازد. مشکل دیگر اینست که در این منابع اکثراً به ذکر ریشه لغات پارسی باستان و اوستائی اکتفا شده و رابطه آنها تا لغات فارسی کنونی پیگیری نگشته است. لذا برای تسهیل تحقیقات آتی، اضافه بر درج شماره صفحه منابع و مآخذ، در بخش واژه یاب این فرهنگ برای لغات هر زبان یک فهرست جداگانه آورده شده است.

جدول شماره ۷

فهرست منابع و مآخذ به ترتیب اسمی نویسندگان

زبان فارسی

نشانه های اختصاری منابع و مآخذ	اسامی نویسندگان
ARM	آرین Åryan, A.
ETM, FFD, TZF, ZFS	ابوالقاسمی Abolghâsemî M.
VFO	احمد سلطانی Ahmad Soltanî M.
SOR	اخوان زنجانی Akhavân Zanjânî K.
FRS	اسدی طوسی Asadî Tûsî
AKM	اعلم A`lam A. J.
FVF	امام شوشتری Emâm Shûshtarî
MFL	اورانسی و کشاورز Orânskî & Keshâvarz
VDQ	بدره ای Badreh-i
SBK	بهار Bahâr M. T.
FIB	پور داوود Pûr Dâvûd
BQT	تبریزی Tabrizî M.H.(Borhân)
NFI, ZMA	جنیدی Jonaydî F.
KAS	حسنی داعی الاسلام Hasanî dâ`î Al-Eslâm
AEF	خاقلی مطلق Khâleqî Motlaq Jalâl
VGH	خدایو جم Khadîv Jam H.
MMF	خلیلی Khalîlî K.
FNI	دانایی Dânâyî F.
FAF	دانشگر Dâneshgar A.
DZA	راشد محصل Râshed Mohassel
ARK	رکن زاده Rokn Zâdeh - Âdamîyyat M. H.
IRT, VIE	سجادیه Sajjâdiyyeh M. A.
SAP	سیاح Sayyâh A.
SNS	طاووسی Tavoosî M.
AMD	عمید A`mîd H.
IRN	فره و شی Farahvashî B.
SOD	قریب Gharîb B. (in Persian & English)
SNB	کوثر Kowsar B.
VOP	مشیری Moshîrî M.
MON	معین Mo`in M.
VSF	مهرآوند Mehrâvand K.
MZF	ناتل خانلری Nâtel Khânlarî P.
FVA	نحوی Nahvî S. M.
DMO	نفیسی Nafîsî S.
FSF	نو شین Noushîn A. H.

جدول شماره ۲ (۱۵امه)

فهرست منابع و مآخذ به ترتیب اسامی نویسندگان

زبان انگلیسی

نشانه های اختصاری منابع و مآخذ	اسامی نویسندگان
OXF	اسپیک Speake J.
SKT	اسکیت Skeat W. W.
UNV	انوالا Unvala J. M.
SYN	باک Buck C. D.
NAT	برلیتز Berlitz
FWE	بلیس Bliss A. J.
BLY, ISS, ZAP	بیلی Baily H. W.
PRT	پارتریج Partridge E.
PEI	پای Pei M.
GPL	پلنز Platts J. T. & Ranking G.S.A.
TLM	تولمان Tolman H. C.
TYL	تیلور Taylor W.
FVQ	جفری Jeffrey A.
AVG	جکسون Jackson A. V. W.
DVS	دیویس Davis P.
RCH	ریچاردسون Richardson J.
SHP, OEW	شیپلی Shipley J. T.
FSD	فانک Funk I. K.
WEB	کالینز Collins W.
KLN	کلاین Klein E.
ROW	کلمیورن Claiborne R.
KNT	کنت Kent R. G.
AWH	کیندر Kinder H. & Hilgemann W.
AHM	گرشویچ Gershevitch I.
CEL	گوپتا Gupta S. K.
SIN	لوفر Laufer B.
PHD	مکنزی MacKenzie D. N.
IEC	من Mann S. E.
AHD	موریس Morris W.
NYB	نیبرگ Nyberg H.S.
MAG	وایدنگرن Widengren G.
AID	ویتورت Withworth G. C.
BST	هرن Horn P.
LST, MPP, SLW, SOG	هنینگ Henning W. P.
HJB	یول Yule H. & Burnel A. C.

جدول شماره ۷ (ادامه)

فهرست منابع و مآخذ به ترتیب اسامی نویسندگان

بزبانهای آلمانی و هلندی

نشانه های اختصاری منابع و مآخذ	اسامی نویسندگان
KGW	Ibrâhîm J. ابراهیم
PLA	Asbaghi A. اسبغی
SPG, ARP	Spiegel F. اسپیکل
BRT, HID, ZAW	Bartholomae C. بارتلومه
POK	Pokorny J. پوکورنی
FWK	Dvorak R. دوراک
DOZ	Dozy R. (Dutch) دوزی
AKD	Zimmern H. زیمرن
SDQ	Siddiqi A. صدیقی
AFA	Frankel S. فرانکل
LAG	Lagarde P. لاگارد
LKT	Lokotsch K. لوکوتش
AIN	Liden E. لیدن
LEW, WLD	Walde A. والد
TTS	Vambery H. ومبری
HRN	Horn P. هرن
HUB	Hubschmann H. هوبشمان

بزبان فرانسه

نشانه های اختصاری منابع و مآخذ	اسامی نویسندگان
DRM	Darmester J. دارمستر
DEV	Devic L. M. دوویک
EAV	Duchesne -Guillemin دوشن - گیلمن
LAT	Ernout A. & Meillet ارنو - میله
LAM	Lammens H. لامن
PHN	Pihan A. P. پیهن

بزبان عربی

نشانه های اختصاری منابع و مآخذ	اسامی نویسندگان
AFM	Addi Shir ادی شیر
ARB	Jawâlîqî جوالیقی
KFL	Tha'âlebî ثعالبی
TAD	Unaysî T. عنیسی

راهنمای استفاده از این فرهنگ

در فرهنگ حاضر پیوند واژه‌های هم‌ریشه و مسیر اشتقاق آنها بصورت ترسیمی (گرافیک) در قالب یک شجره نامه نشان داده شده است. برای تعیین مسیر اشتقاق لغات بین زبانها از خطوط جهت نما (فلش) استفاده گردیده است تا خواننده با یک نگاه اجمالی بتواند کلیه مشتقات مندرج برای آن ریشه را یکجا مشاهده نماید.

همانطور که در مثال جدول شماره ۸ نشان داده شده است، ریشه لغات هر شجره در سمت بالا و چپ آن قرار دارد. لغات هر زبان در داخل چهارچوب مستطیل شکل قرار گرفته که در بالای آن نام زبان و منابع مورد استفاده با ذکر شماره صفحه مربوطه مشخص گردیده است. برای لغات فارسی، در صورت امکان، از اشعاری که نمایانگر کاربرد آن لغات باشد شاهد آورده شده است.

شجره‌ها در این فرهنگ بترتیب حروف الفبائی ریشه‌ها تنظیم شده است. برای یافتن یک لغت در هر زبانی ابتدا لازم است که از روی فهرست لغات آن زبان که در بخش واژه یاب آمده است ریشه آن لغت و یا شماره صفحه آنرا پیدا و سپس به آن مراجعه نمود. برای مثال، جهت یافتن ریشه و شجره لغت (رستم) ابتدا، از روی فهرست لغات فارسی، دو ریشه هند-اروپائی (Leudh = رویدن) و (محکم شدن = Tenk) را پیدا کرده و سپس با مراجعه به شماره صفحات داده شده میتوان ریشه، چگونگی اشتقاق و لغات هم‌ریشه رستم را مطالعه نمود.

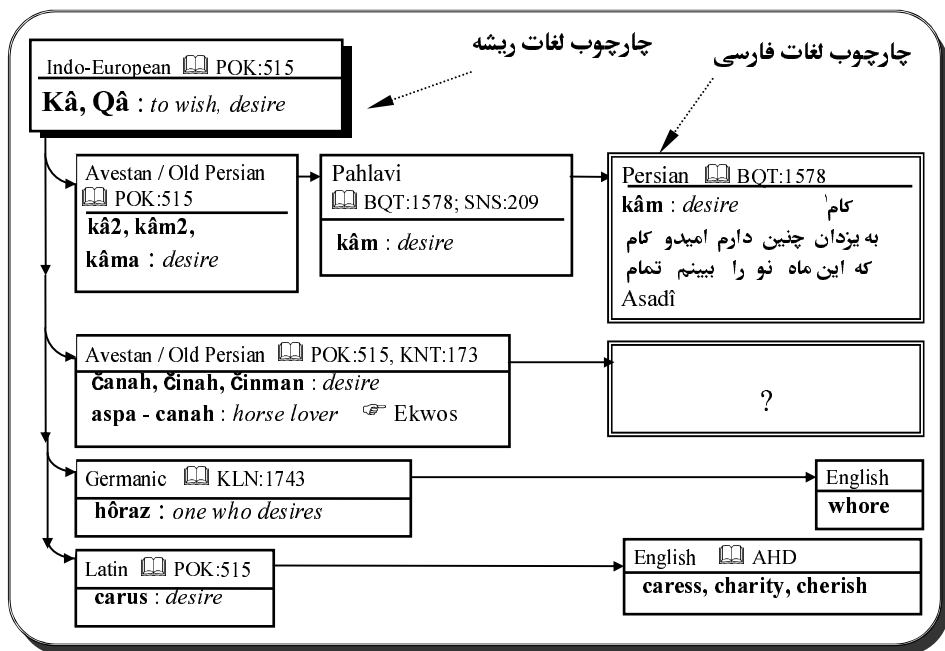
یادآوری این نکته لازم است که چون تأکید این فرهنگ روی ریشه لغات میباشد، معانی بسیاری از لغات از جنبه مفهوم اولیه و ریشه‌ای داده شده است مثل واژه استاد که بمعنی شخصی است که در مقابل جمعی می ایستد. هرگاه مفهوم نخستین یک واژه با مفهوم امروزه آن متفاوت باشد، معنی در گیومه قرار داده شده است.

برای تلفظ لغات در زبانهای مختلف این فرهنگ از ترکیبی از حروف لاتین استفاده شده که در جدول شماره ۹ همراه مثالهایی شرح و نشان داده شده است. در این جدول برای بعضی از اصوات دو نشانه آورده شده نظیر (x) و [kh] که هردو صدای (خ) دارند ولی اولی برای تلفظ لغات بکار رفته (نظیر خَم xam) و دومی برای نوشتن لغات در متون انگلیسی (نظیر خراسان Khorasan) معمول میباشد. جهت ساده کردن حروف تلفظی در این فرهنگ، حروفی که در فارسی اصوات مشابه‌ای دارند فقط با یک حرف صوتی نشان داده شده است نظیر (Z) برای ذ، ز، ض و ظ.

جدول شماره ۸

ساختمان کلی شجره نامه ها

نمونه یک شجره نامه



نمونه چارچوب لغات

جهت کلی اشتقاق
لغات در شجره نامه
(از بالا به پایین و از چپ به راست)

Language Reference (s): page numbers

Word : meaning , other roots, Persian words فارسی

Word : meaning , other roots, Persian words فارسی

One line of poem showing usage of Persian words.

Notes on other possible derivations or special discussion.



نشان منابع و مآخذ



خطوط جهت نما بین چارچوب لغات



نشان رجوع به ریشه های دیگر

خط تقسیم لغات داخل چارچوب

جدول شماره ۹

حروف مورد استفاده در تلفظ لغات

مثال انگلیسی	مثال فارسی	حروف فارسی	حروف تلفظ
Far	âb آب	آ	â
man	asb اسب	ا	a
glottal stop	ma'xaz مأخذ	ء	'
boy	bâr بار	ب	b
pet	par پر	پ	p
toy	talâtom تلاطم	ت ط	t
son	salâm سلام	ث س ص	s
joy	jabr جبر	ج	j
church	Ĉâh چاه	چ	Ĉ [ch]
hot	hâdî هادی	ح ه	h
Scottish loch	xâr خار	خ	x [kh]
day	dast دست	د	d
zebra	zan زن	ذ ز ض ظ	z
ray	râh راه	ر	r
vision	Žarf ژرف	ژ	Ž [jh , zh]
shop	šab شب	ش	š [sh]
strong guttural sound	Sa`dî سعدی	ع	`
gargling sound	ġâz غاز	غ	ġ [gh]
fun	fil فیل	ف	f
emphatic k	qû قو	ق	q [gh]
cake	ketâb کتاب	ک	k
goat	gol گل	گ	g
lip	lab لب	ل	l
man	man من	م	m
noon	nân نان	ن	n
voice	vâhed واحد	و	v
yard	yâr یار	ی	y
boot	pûl پول	او	û (long)
old	ostâd استاد	ا	o (short)
toe	owraq اوراق	او	ô, ow (long)
machine	îmân ایمان	ای	î (long)
bee	Jebraêl جبرئیل	ئی	ê (long)

(۱) حروف داخل [] برای نوشتن لغات در متون انگلیسی میباشد.

(۲) صدای a در لغات سغدی با علامت (ˆ) نشان داده شده است.

واژه یاب

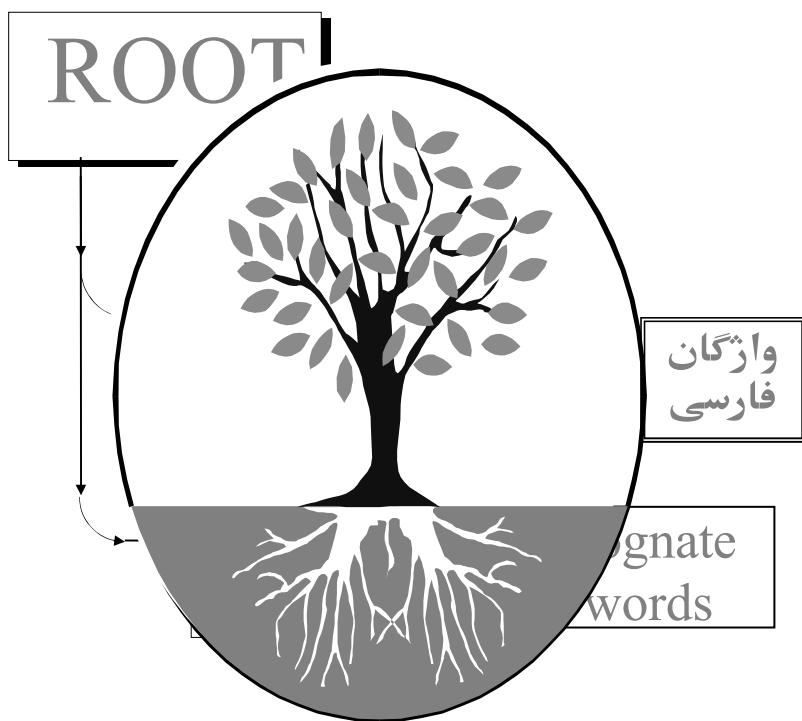
فهرست لغات در زبانهای مختلف

فهرست لغات در زبانهای مختلف

LANGUAGE	صفحه	زبان	LANGUAGE	صفحه	زبان
SEMITIC	745	سامی	ROOTS	547	ریشه ها
SANSKRIT	741	سانسکریت	ARAMAIC	570	آرامی
SOGDIAN	747	سندی	GERMAN	640	آلمانی
CELTIC	597	سلتی	- German (Old High)	642	- قدیمی
SWEDISH	752	سوئدی	- German (Mid. High)	641	- میانه
SYRIAC	753	سوری	ETHIOPIAN	634	اتیوپی
SUMERIAN	751	سومری	ARMENIAN	571	ارمنی
HEBREW	656	عبری	SPANISH	750	اسپانیایی
ARABIC	564	عربی	SLAVIC (Old)	746	اسلاو قدیمی
PERSIAN	702	فارسی	AKKADIAN	563	اکدی
(in Persian Alphabet)	825	با حروف فارسی	ENGLISH	601	انگلیسی
- Persian (Old)	730	- قدیمی	- English (Old)	633	- قدیمی
👉 پهلوی - سندی		- میانه	- English (Middle)	632	- میانه
FRENCH	635	فرانسوی	AVESTAN	572	اوستائی
- French (Old)	639	- قدیمی	ITALIAN	677	ایتالیایی
LATIN	678	لاتین	IRANIAN	674	ایرانی
- Latin (Middle)	627	- میانه	- Iranian (Old)	675	- قدیمی
- Latin (Late)	687	- نو	IRISH	676	ایرلندی
MEDIT	689	مادی	- Irish (Old)	676	- قدیمی
MALAYSIAN	688	مالزی	PARTHIAN	701	پارتی
EGYPTIAN	600	مصری	👉 فارسی - قدیمی	730	پارسی باستان
MONGOLIAN	630	مغولی	PALI	700	پالی
NORSE (Old)	691	نروژی قدیمی	PORTUGUESE	739	پرتغالی
WELSH	756	ولزی	PAHLAVI	692	پهلوی
DUTCH	599	هلندی	TAMIL	754	تامیل
INDO-EUROPEAN	659	هند - اروپایی	TURKISH	755	ترکی
INDO-SCYTHIAN	673	هند - سکائی	CHINESE	598	چینی
HINDUSTANI	658	هندوستانی	RUSSIAN	740	روسی
GREEK	648	یونانی	- Russian (Old)	740	- قدیمی
- Greek (Middle)	655	- میانه	GERMANIC	643	ژرمانی

شجره نامه واژگان فارسی

(بترتیب حروف لاتین ریشه ها)



A

PART 1

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Indo-European POK:1

Ab 1, Ap 1 : water

Avestan / Pahlavi KLN:2

âp : water

Pahlavi BQT:149; IRN:119; AEF:10

âp-tab : a (hot) glittering object, sun [⚡] Tepzâ-âp : spring, river [⚡] Ud 1, Ōs 2ô-pât-ân : place of protected water ways
: (modern city of Abadan in Iran) [⚡] Paav-xur : animal shelter for drinking
and eating [⚡] Swel

Persian

AHD; BQT:1225; IRN:108; MON:1763

âb : water

zahâb : spring, river

آب ا
زهاب (زاب)
آبان، آبادان، گلاب
آبشار، آسیاب، آخور، آخر

English AHD

julep [⚡] Wrdho

Persian PLA:22

âbnîk : good (distilled) water [⚡] Nei 1

آبنیک

Arabic WEB:44; PLA:27

al-anbîq, al-ambîq : distilling apparatus

Some references derive this from Greek "ambix: distill cup".

Persian MON:362

anbîq : still

انبیق

Spanish KLN:47

alambique

French KLN:47

alambic : still

Could be through Latin "alambicum".

English

KLN:47

alembic : still

Pahlavi FVQ:46; ISS:3

âp-rex : a water container for pouring [⚡] Leigh 2na-âp : no water, undiluted (wine), pure [⚡] Ne 1

Persian ISS:3

âbrîz : urn

آبریز

nâb : pure

ناب

Arabic

Persian FVQ:46

ebrîq : a water container

Molavi

ایریق
گر بیافزاید می توفیق را - قوت می بشکند ابریق را

Sanskrit AHD

punj-ab : a region in India crossed by five rivers [⚡] Penkwe

English

Punjab

Indo-European 📖 POK:1

Ab 1, Ap 1 : water

PART 2

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Avestan / Pahlavi

📖 KLN:2

âp : water

Persian 📖 HRN:1; AEF:2

âb : *glitter (as on water surface)* آب ۲

âberû : *"facial shine", good reputation* آبرو

âftâb : *"glitter shine", sun* آفتاب

Ferdowsî جهان گشت با فرّ و آیین و آب
چو آمد به برج حمل آفتاب -

Arabic 📖 AFM:7; FVF:11

âb-bahâ : *"glittering shine", elegance*

abboha : *magnificence, elegance*

Persian 📖 MON:131

obbohat : *elegance* اُبّهت

Semitic FVQ:44; KLN:6

Ab 2 : father

Arabic FVQ:44; FVA:25; LKT:44

ab, abū, a.b.v : father

Persian FVA:25; MON

abū : father

آبو (ابوی)
 ابوعلی سینا ، ابو الفضل ، ابو القاسم
 ابو الحسن ، ابو الفتح ، ابو الهوس

Arabic

FVQ:44; FVA:25; LKT:44; AHD:152

abū-zīnā : "father of whoredom"

referring to gibbons ^{N.y}abū-araq : "father of sweat",
a spicy plant used in medicine

A.r.q

Persian MON:602; FVA:180

būzīneh : gibbon

بوزینه (بوزنه)

چون دل بوزینه گردد آن دلش

از دل بوزینه شد خوار آن گلش

Molavi

Hindustani PRT:253

bojīna

French KLN:655

This monkey was taken
 to France from India
 in the 18th century.

English

KLN:655

gibbon

Middle Latin

AHD:152

borrāco

Old French AHD:152

borrace, bourrache

English AHD:152

borage : a spicy salad seasoning

Hebrew KLN:6

abh : father

English KLN:6

Abot

Hebrew FVQ:44; KLN:6

Abh-raham : father of the multitude (Abraham)

Abh-ram : high father (Abram)

Abh-ner : my father is light (Abner) ^{N.w.r}Ab-šalom : father is peace (Absalom) ^{S.l.m}

Abh-igayil : father is rejoicing (Abigail)

Yo-abh : the Lord is his father (Joab)

Arabic FVQ:44

Abraham : Abraham

Persian

Ebrāhīm

ابراهيم
 بت شکستی گیرم ابراهيم وار
 کو بت تن را فدا کردن به نار

Molavi

English KLN; AHD

Abraham, Abram, Abner, Absalom, Abigail, Jaob

Abâ | Âbu

Sanskrit / Old Persian BQT:218; DRM:129; LKT

Abâ, Sabha: to assemble together

Old Persian BQT:218; DRM:129; LKT

abâ-cari: place of assembly Kwel

Pahlavi BQT:212

vâ-čar: trade center

See AEF:219 for further discussion.

Persian MON; KLN

bâzâr: bazaar

این همه مشتری و گرمی بازار نداشت - یوسفی بود، ولی هیچ خریدار نداشت
Vahshî Bâqî

بازار

Persian BQT:219; HRN:38

bâzargân: merchant

بازرگان

Turkish

Italian

English AHD

bazaar

Semitic KLN:712

A`.b.r: to pass, cross

Arabic KLN:712

a`.b.r: to pass, cross

abara: he passes across

Arabic SBK:69

a`.r.b: distorted form of "a`.b.r" meaning to cross (dwell in) deserts

Arabic SBK:69; KLN:98

a`rab: desert dweller, Arab

Greek KLN:98

French

English KLN:98

Arab

Persian FVA:260

obûr: passing, crossing

عمور
عابر، معبر، معاير

Persian FVA:265

Arab

عرب
إعراب، أعرابي، معرّب

Hebrew KLN:712

âbhar: he passed across

ibhri: he who came from across the river, the Hebrew people who had crossed the river were referred to as "ibhri".

Aramaic KLN:712

lbhray

Greek

Ebraios

Latin

Hebraeus

Persian MON

ebri: Hebrew

ebriânî: Hebrew

عبری

عبرانی

English KLN:712

Hebrew

Âbu

see root: Yb

Hebrew 📖 KLN:21; AHD:14

Ādhāmah : earth, red soil

Hebrew 📖 KLN:21

Ādam, Ādām : made from red soil (earth), man

Arabic

📖 VDQ:106; FVQ:51

Ādam

Latin

English 📖 KLN:21; AHD:14

Adam

Adams : a common family name.
Name of a gum manufacturer.

Persian 📖 MON:12

Ādam

آدم (آدمک ، آدمیزاد)
آدمی در عالم خاکی نمی آید بدست
عالمی دیگر نباید ساخت وز نو آدمی

Persian

ādhāms : chewing gum

آدامس

Indo-European 📖 POK:4

Ag : to drive

Agros : pasture (where cattle is driven)

Avestan 📖 KLN:37; POK:4; PLA:194

az : to drive

azaiti : drives

tara-āz, tara-āzu : balance driver,
scale 📖 Tel

Persian 📖 BQT:480; PLA:194

tarāz : level, balanced, well shaped

تراز ، طراز

tarāzu : balance, scale

ترازو

یاد باد آن شب که آن شمسۀ خوبان تراز
به طرب داشت مرا تا بگه بانگ نماز

Farrokhi

Avestan 📖 POK:4; KLN:37

ajras : pasture

aštrā 1 : whip

ašaya : of both wings?

Pahlavi 📖 SNS:35

aštr, aštar : whip

Persian 📖 SNS:35

aštar : whip (obsolete)

آشتر ۲

This word was not found in MON or BQT

Greek 📖 AHD

agein : to drive

stratos-agein : leading the army, strategy 📖 Ster 1

French

📖 AHD:1273

strategie

Persian 📖 MON:246

esterātežī

استراتژی

English

strategy

English

agony, agriculture

Latin 📖 AHD

agere : to drive

agēns : acting agent

ag-sla : wing

ambractus : envoy

French

agence, agent

Persian 📖 VOP:10

āžāns : agency

آژانس

āžān : agent, policeman

آژان

English

act, acre, exact, -gate, navigate
agent, agency
axle, axis, ambassador, embassy

Agaru | Agaruh

Akkadian 📖 KLN

Agaru : *to hire*

Syriac 📖 KLN

Arabic

📖 AKD:47; FVQ:49

a`jara : *he hired*

Persian 📖 MON

ejâreh : *rent*

ojrat : *wage*

ajr : *reward*

اینهمه شاهد و شکر کز سخنم میریزد

اجر صبريست کز آن شاخ نباتم دادند

Hâfez

Greek 📖 KLN:74; AHD:453

angelos : *hired messenger*

eu-angelos : *messenger of good news*

evangelion : *good news*

Persian 📖 MON:190

Angelyûn : *good news, Bible*

انگلیون
ولی خط مرا افزون ، کرم کن تا کنم موزون
کلامی همچو انگلیون ، به لحنی همچو یوحنا

Sohbat Lârf

Arabic 📖 TAD:5

enjîl : *good news, Bible*

Persian 📖 MON:369

enjîl : *Bible*

انجیل

English 📖 AHD

angel, Los Angeles, Evangelical

Sanskrit 📖 KLN:55

Agaruh : *aloe wood*

Arabic 📖 KLN:55

al-oud : *the wood, also a stringed musical instrument*

Persian 📖 BQT:1385

ūd : *any fragrant wood, also a musical instrument (lute)*

عود
من زمزمه عودم ، تو زمزمه پردازی - من سلسله موجم ، تو سلسله جنبانی

Râhî Mo' ayyerî

French 📖 PHN:240; KLN:605,914

luth : *lute*

flute : *this is influenced by "lute" but is probably from another root*

Persian 📖 MON:2573

folūt

فلوت

English 📖 AHD:776

lute, flute

Hebrew 📖 PRT:13

alôth : *aloe*

Greek

Latin

English 📖 AHD:36; PHN:36

aloe

Indo-European POK:7,8

Agh : to be depressed, to be afraid

Aghlo : disagreeable, adverse

Avestan POK:8

ağô, ağâ : bad, ugly

Pahlavi SNS:38

âğ, âk : trouble, ugliness

Persian SNS:38; BQT:52

âk, ak : trouble, deficiency

Sûzanî آکی نرسید بر تو از من - صدبار مرا ز تو رسید آک

Persian SNS:38; BQT:90

âx, ax : a word of rejection, disgust and grief

Loghatnâme زهری که او چشاند چه جای اخ، که بغ بغ - تیغی که او گذارد چه جای اه، که به به

Old English AHD

eglan : to trouble

English AHD

ail, ailment

Old Norse AHD

agi : frightened

English AHD

awe, awesome

Aghlo

see root: Agh

Agros

see root: Ag

A-gur-ru

see root: Agurru

Akkadian AKD:31; KNT:165

Agurru, A-gur-ru : baked clay, brick

Old Persian KNT:165; PLA:6

aguru : brick

Pahlavi PLA:6

âgur

Persian PLA:6; AFA:5; MON:78

âgur : brick (آگورگر، آگورگری)

Arabic

AFA:5; PLA:6; AKD:31; AFM:7

âjur : brick

This word could have entered Arabic directly from Akkadian / Aramaic (AFA:5)

Persian MON:78

âjor : brick

Ahu | Ai

Avestan BQT:72

Ahu : defect, fault

Pahlavi BQT:72

ahūk 2 : fault

Persian BRT:345

âhũ 2 : defect

Vīs-o-Rāmīn

FAF:38 claims this word is from AV "a-hu: not good".

آهو^۲

زگیتی بی آهو نیابی کسی - اگر چند دارد هنر ها بسی

Avestan

BQT:72; FAF:36; KNT:167

âhita : dirty, faulty

an-âhita : not dirty, clean,
innocent, spotless ^{Ne 1}

Persian FAF:36

Ânâhîta : "innocent, clean", a female name

Nâhîd : "innocent, clean", a female name, a bright star

از آن ترس کو هوش و زور آفرید - درخشنده ناهید و هور آفرید
Ferdowsi

آناهیتا

ناهید

Indo-European POK:10

Ai : to give

Avestan POK:10

aēta : share

Greek AHD

dia-ithan : to decide on one's life

English

diet

Indo-European PRT; KLN; AHD

Aidh, Es 1 : to burn

Avestan / Old Persian

POK:11

aesmo : heat

hēzum : fire wood

Persian BQT:2407; HRN:249

hīzom : firewood

hīmeh : firewood

Molavī

گر گلست اندیشه تو گلشنی - ور بود خاری توهیمه گلشنی

هیزم

هیمه

Avestan

POK:11; HRN:108; SYN:604

ištya : dried clay, brick

Pahlavi

SNS:36

xišt : clay brick

Persian BQT:750; SYN:604

xešt 1 : clay brick

خشت ۱

سر تسلیم من و خشت در می‌کده‌ها

مدعی گر نکند فهم سخن گو سرو خشت

Hāfez

Old Persian KNT:175

išti : sun dried brick

Greek AHD

aithēr : (hot) air

Arabic TAD:1

asīr : ether filling beyond
the atmosphere

Persian MON:143

asīr : ether

آئیر

همچو آن مستی که پرد بر آئیر

Molavī

مه کنارش گیرد و گوید که گیر

Latin AHD

aethēr, aither : ether
beyond earth atmosphere

French MON:134

ether

Persian MON:134

eter : ether

اثر

Germanic AHD

ail : fire

English

anneal

Latin

asetus : burning heat

English

estuary

Aien

see root: Ayer

Aier

see root: Ayer

Indo-European POK:6

Aig- : goat, of a goat

Avestan POK:6; KLN:30

īza : goat

īzaenem : pertaining to (goat) skin

Pahlavi POK:6

azak : goat

Persian POK:6

azg : goat

ازگی ۲

This word is apparently obsolete

Greek POK:6; KLN:30

aigis : goat skin

English KLN:30

aego- : of a goat

Aik | Aios

Indo-European  POK:298; KLN:1106

Aik, Ēik : *to possess, own*

Avestan  POK:298; KLN:1106; SYN:771,772

îs, îše, îšti, âēšâ 1 : *wealth, power*
îsvan, îšvan : *wealthy*

Germanic  AHD

aigan : *to possess*

English

own, owe, ought

Indo-European  POK:15; KLN:1093

Aios, Ayos : *metal*

KLN:1093 claims that this word may have been driven from "Ayashya", ancient name of Cyprus, meaning Cyprus metal.

Avestan  POK:15; KLN:1093

ayô, ayah, ayanh : *metal, bronze*

Pahlavi  BQT:70; HRN:14

âsîn, âhēn : *metal, iron*

Persian  BQT:70; SYN:612

Âhan : *iron, anything hard*

آهن
آهن دلاں به آه ملایم نمیشوند
چون قفل بسته را به نفس وا کند کسی ؟
Sa'eb

Latin  AHD:443

aes : *bronze, money*

aera : *counters for counting, also an era of time*

English

era

Germanic  AHD:925

English

ore

Indo-European POK:17

Aiw : vitality, eternity

Compare with root "Yeu 2: young"

Avestan POK:17

âyu, ay : life, age

yave : forever

Pahlavi

BQT:564; HRN:93

yavē-tân : ever lasting

Persian

jâvîd : eternal

جاوید (جاویدان)

دلش به ناله میازار و ختم کن حافظ

که رستگاری جاوید در کم آزار نیست

Hâfez

Avestan

KLN:31; BQT:264

perana-âyu : full of

life Pel 1

Pahlavi BQT:264

a-purn-ây : not full of

life, young Ne 1

Persian BQT:264

bornâ : young adult

برنا

توانا بود هر که دانا بود

Ferdowsî

زدانش دل پیر برنا بود

Avestan

BQT:718; BRT:1862

xvato-ayâo : alive by itself,

God Seu 1

Hub:54 derives this from

Indo-European root "Ghu"

Pahlavi

xvatây : God

Persian

HRN:108; BQT:779; FSF:159

Xodâ : God

خدا

xadîv : governor, ruler

خدو

xâjeh : master

خواجه

سیامک به دست خرزوان دیو

Ferdowsî

تبه گشت و گشت انجمن بی خدیو

Germanic AHD

aiwi

English

ever, every, never

Latin AHD

English

age, eternity

Indo-European POK:18; KNT:173

Ak, Aq, Aken : sharp, also a sharp stone

PART 1

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Avestan / Old Persian POK:19; KLN:18; KNT

as 1, asan : stone

as-man, as-mana : like stone, sky Men 1

Pahlavi BQT:39,42,43

âs : mill, mill stone

âs-âp : water mill Ab 1

vât-âs : wind mill Wë 1

âs-mân : sky Men1

Persian BQT

âs : mill

âsiyâb : water mill آسیاب، آسیا

bâdâs : wind mill بادآس

âsmân : sky آسمان

آسمان آسیای گردانست

Onsorî این چه خواهدت کردن آخر آس

Avestan / Old Persian

SYN:52; BRT:208; KNT:166; FFD:60; SPG:202

athagaina, athangaina : stone

âthanga, asenga, asan : stone

sang, sax : to weigh

Pahlavi BQT:1175; SNS:193

sang : stone

sang-gil : hard clay

saxt : weigh

Arabic PLA:155; FVQ:164

sijjîl : baked clay

Persian BQT:1175; FFD:60; FSF:224

sang : stone سنگ

sanjîdan : to weigh سنجیدن (سنجه)

sanješ : weighing سنجش

saxtan : to weigh سختن (سختیدن)

همه گنج ارجاسپ در باز کرد

به کپتان درم سختن آغاز کرد

Ferdowsî

Greek AHD

akros : top most

akrobates : one who walks
on tiptoe Gwa

oxus : sharp, sour

French AHD:12

acrobate

oxygene : acid former

Persian MON:75,331

âkrobât آکروبات

oksîžen اکسیژن

English AHD

acrobat, oxygen

Latin AHD

acere : to be sharp

vinum-acer : sharp (soar) wine,
vinegar Woin

acus, acetum

French

acide : sour (sharp)

substance, acid

vinaigre : vinegar

Persian MON:260,276

asîd اسید

aseton آستین

English

acid, acute, vinegar

Persian HJB:3 ?

âčâr : pickles آچار

Hindustani OXF:3

achar : pickles

English OXF:3

achar

Germanic AHD

ak-jô : sharp side

ha-maraz : sharp tool

English

edge
hammer

PART 2

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Indo-European POK:18; KNT:173

Ak, Aq, Aken : *sharp, also a sharp stone*

Indo-European POK:541,542

Ke 1, Kei 3, Ko 1, Koi : *sharp, to sharpen*

Avestan POK:542; SNS:18; IEC:11

saēni, saēniš, čāna : *pointed, sharp*
 or rough objects used for grinding
 asānam : *whetstone*
 abi-čāna, abhi-čāna : *grinding stone*
 Compare with root "Sek"

Persian

POK:542; BQT:1077,1488; SNS:18; MMF:325

sâyīdan : *to grind, rub*

ساییدن

سای ، ساو ، ساب ، سان ، سوهان

fesânīdan : *to grind, rub*

فسانیدن (افسانیدن)

fsân : *grinding stone*

فسان (افسان)

طبع و دل خنجرى و آينه است

رنج و غم صيقلی و افسان است

Mas'ūd Sa'd Salmān

Old Persian IEC:11

asa, asam : *whetstone*

Germanic AHD

hainô : *grinding stone*

English AHD

hone

Greek AHD

kônos : *sharp pointed, cone*

English AHD

cone

Aken

see root: Ak

Indo-European IEC:9

Akos, Ākos : *suffix indicating small size*

Pahlavi MON:2775

-ak

Persian IEC:9; MON:2775

-ak : *a suffix indicating small size*

ک (مرغک ، کنیزک)

از حال نباتی پرسیدم به ستوری

Nâserkhosrow

یک چند همی بودم چون مرغک بی پر

See "Kak" for another possible root of suffix "-ak"

Sanskrit IEC:9

-akah : *small***Ākos**

see root: Akos

Akru | Akwa

Indo-European  POK:23, 179

Akru, Dakru : *tear, tear drop*

Avestan  POK:23; KLN:1578

asrū, asraka : *tear*

Pahlavi

ars : *tear*

Persian  BQT:103; HRN:17

ars : *tear*

ašk : *tear*

ارس

اشک

Germanic  AHD

tahr : *tear*

English

tear 1

Indo-European  POK:23

Akwa : *water*

Latin  AHD

aqua : *water*

Avestan  VFO:15

arva, arvâ : *eagle*

VFO claims these are cognates of English "eagle" and French "aigle" but does not provide any derivation.

Pahlavi  BQT:58; MPP:79

alūh : *eagle*

Persian  MON:85; BQT:58; VFO:15

âleh : *eagle*

آله (له، آلف، آله، آل)
مثل دشمنان تو با تو
حيلة کبک و حمله های له است
Farqadī

Latin  KLN:97,494; WEB:569; FSD:779

aqualius : *water (dark) colored bird, eagle*

French  KLN:494

aigle : *eagle*

English  KLN:494

eagle

French  KLN:495

aquarium

eau : *water*

eau de Cologne : *water (perfume) of Cologne*

Persian  VOP:14,39

âkvârîrūm : *aquarium*

odokolon : *eau de Cologne*

آکواریوم

ادوکلن (ادکلن)

English  AHD

aquarium, aqua, aquatic

Germanic  AHD

ahwjo, aujo : *(thing on) water, island*

English  AHD

island

Indo-European 📖 POK:24

AI 1, OI 1 : *beyond, above*

Indo-European 📖 POK:24,67

Aryo, Ario : *Lord, ruler*

Old Persian / Avestan

📖 AHD; POK; IRN:7,28

aria : *noble*arân : *land of Aryans*

(Indo-Europeans)

art-arân : *holy Aryan land* 📖 Arairyanam-vaēžō : *Aryan race and family*

Persian 📖 PRT:27; MON5:114; PRT:313; IRN:7,28; FSF:40

Ârîyâ

Arân, Îrân, Arâk, Arâq

Ardalân : *"holy Aryan land", a name*Îrânvēj : *original homeland of Aryans*

Avestan

📖 POK:24; BQT:196; IRN:12; FAF:86

airiyava : *helper of Aryans*airya-man : *noble mannered, friend, guest* 📖 Men 1

Persian 📖 POK:67; BQT:196; IRN:12

Îraj : *"helper of Aryans", a male name*îrmân : *guest*

Ferdowsî

Sanskrit 📖 KLN:110; SHP:180

Arya : *noble*

English

Aryan, Ireland

Persian 📖 MON5:212

Îrland

Sogdian 📖 SOD:60

`ry`n-wyj`n : *Aryan family*

Latin 📖 AHD

ille : *that*ultrâ : *beyond*alter : *the other*alius : *from beyond (foreigner)*

English

alarm, alert, alligator
ultimate, ultra-
alternate
alien

Greek 📖 AHD

allos : *other*para-allêlon : *besides one another* 📖 Per 1

Latin 📖 AHD:951

parallêlum : *parallel*

English

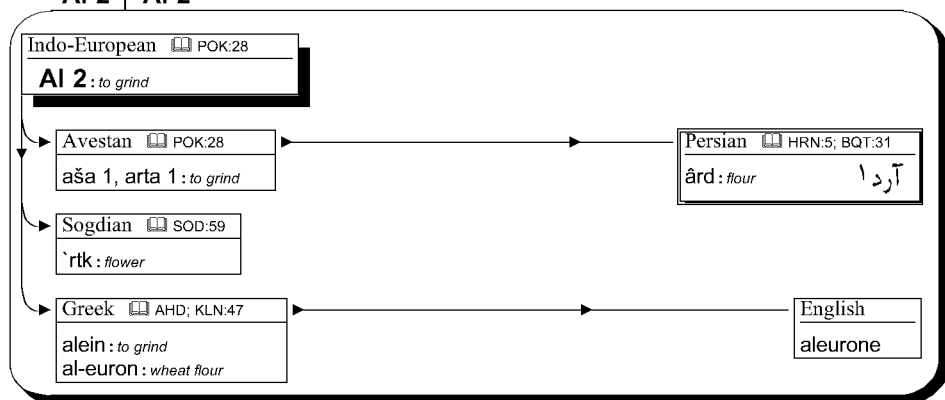
parallel

Germanic 📖 AHD

al-jas : *otherwise*

English

else



Arabic 📖 SAP:43

AI 3 : definite article "the" used as a prefix

The letter "L" changes to the first letter of the following word under certain rules; for example "al-sanâ'a" becomes "as-sanâ'a". Most of these Arabic words have reached Europe through Spanish and French.

Persian 📖 MON

الله، الكل، المثني

Arabic 📖 KLN; AHD; OEW

Amir al-bahr : sea commander,
admiral 📖 A'. m.r

al-fesfeseh : horse food 📖 Ed & Ekwos

English

📖 AHD; OEW

admiral
alfalfa

Persian 📖 MON

âdmîrâl : admiral

آدمیرال

âlfâlfâ : alfalfa

آلفا آلفا

Arabic 📖 KLN; AHD; OEW

al-kahl : highly purified spirits,
alcohol 📖 K.h.I

al-Xwârazmî : the 9th century
mathematician who devised
"algebra". 📖 Ghdhem

al-ithmud : antimony

Latin

French

Persian 📖 MON; VOP

alkol : alcohol

الکل

âlgorîtm : algorithm

آلگوریتم

ântîmoân : antimony

آنتیموان

English 📖 AHD; KLN

alcohol, algorithm, antimony

Arabic 📖 KLN; AHD; OEW; SKT

al-qela : alkaline material obtained
from wood ashes

az-zarnîx : arsenic 📖 Ghel

al-mâlâgma : the soft material,
amalgam 📖 Mel 3

French

Persian 📖 VOP

âlkâfî : alkaline

آلکالی

ârsenîk : arsenic

آرسنیک

English 📖 AHD

alkali, alkaline, arsenic, amalgam

Arabic 📖 KLN; AHD; OEW

Al-lah : the God 📖 Layh

al-qadûs : water carrier, albatross

al-anbîq : distilling apparatus 📖 Nei 1 & Ab 1

al-bâdenjân : aubergine 📖 Vatin-ganah

al-nil : the indigo 📖 Nei 1

English 📖 AHD; OEW

Allah

albatross

alembic

aubergine

anil, aniline

Arabic 📖 KLN; AHD; OEW

al-iksîr : a dry medicine, elixir 📖 Ksero

al-a' sârah : the juice, dye 📖 A'. s.r

al-jabr-w' al- moqâbeleh : reunion and comparison, algebra 📖 J.b.r

al-kîmîyâ : the art of transmutation. 📖 Kers 2 & Gheu

al-oud : the wood, lute 📖 Agaruth

English 📖 AHD; KLN

elixir

alizarin

algebra

alchemy, chemistry

lute, flute, aloe

Arabic 📖 KLN; AHD; OEW

al-bîrquq : early ripening (plum) 📖 Pekw

dr-as-sanâ : house of fabrication, factory 📖 S.n.'a & D.v.r

as-sumut : the directions 📖 Mei 3

Jabal-al-Târiq : "mountain of Tariq" who invaded Spain in 711 📖 J.b.I

al-qubbah : the arch, alcove 📖 Gabbah

English 📖 KLN; OEW

apricot

arsenal

azimuth

Gibraltar

alcove

Al 4 | Âlěiô

Indo-European  POK:27; AHD:1505; IEC:14

Al 4, Âlěiô, Âleños : *to wander, roam, rove*

Persian  IEC:14

âvâreh : *homeless, wanderer, exiled*

آواره (آوار)

Hâfez هوای کوی تو از سر نمیرود ما را - غریب را دل آواره در وطن باشد

Latin  AHD:1505

ulâre : *to wander*

amb-ulâre : *to walk around*  Ambhi

ex-ul : *wandering outside, exile*  Ei

English  AHD

alley, preamble,
ambulate,
exile

Âlěiô

see root: Al 4

Indo-European POK:32

Alek : to ward off, protect

Greek

AHD:1506; KLN:47,856

alexein : to protect
 alex-andros : protector
 of men Ner 1

Arabic

MON5:144

Eskandar

Persian

MON5:144

Eskandar اسکندر
 آیینۀ سکندر جام میست بنگر
 تا بر تو عرضه دارد احوال ملک دارا
 Hâfez

Latin

KLN:47

Alexander

French

MON5:144

Alexandre

Persian

MON5:173

الكساندر (آلكساندر) Alexândr

English

Alexander

Sanskrit POK:32; KLN:47,856

lākṣā, rakṣā : 100,000 soldiers, also a large group of insects, insects
 lāk, rāk : tree resin leaking after being attacked by a swarm of insects
 AHD and OEW:333 derive these words from the root "Reg: to dye".

Persian

KLN:856; BQT:1900

lak : hundred thousand (soldiers)

Onsorî در آن نه سایر ماند و نه طایر از بر خاک - دو لک ز لشکر او شد به زیر خاک نهان
 See "Reg: to dye" for another possible root.

Arabic

AFM:141; FVF:613

lajj : a large group of people,
 also the deepest point of sea.

Persian

MON:3569

lojeh : the deepest point of sea لجه
 کشتی هر که در این لجه خونخوار افتاد
 Sa'dî نشنیدیم که دیگر به کران می آید
 See "Reg: to dye" for another possible root.

Persian

KLN:856; BQT:1878

lāk : red resin, lacquer

Onsorî همی گفت و پیچید بر خشک خاک - ز خون دلش خاک هم رنگ لاک
 See "Reg: to dye" for another possible root.

Portuguese

French

English

SKT:281

lacquer, Shellac

Āleños

see root: Al4

Algwh | Amalaka

Indo-European POK:32

Algwh : *worth, value*

Avestan POK:32; SYN:826

arej, arejah : *value*
arejat-aspa : *(with) valuable horses*  Ekwas
varejah, varecah : *value*

Persian BQT:97,98,102,2265; HRN:241; MON:199, 4999

arj : *value* ارچ (ارچمند ، ارز ، ارزیدن)
rzân : *valuable, also worthless* ارزان (ارزش)
Arjâsp : *"owner of valuable horses"; a male name* ارچاسب
varj : *value* ورج (ورجمند ، ورجاوند)
Ferdowsî : *نه تنها شه و خسرو کشور است*
که شاه است و با ورج پیغمبر است

Old Persian SOD:90

arjana : *valuable*

Sogdian SOD:90,95

`yžn : *valuable*

Greek POK:32

alphein : *to gain, profit*

A.l.h

see root: Layh

Indo-European KLN:46; AHD:1506; POK:33

Alu : *bitter, also used in words related to intoxication, magic and sorcery.*

Latin OEW:84; KLN:46

Alūmen : *alum, a bitter salt of aluminum*

French AHD

aluminium

Persian VOP:18

ālūmīniyom آلومینیم ، آلومینیم

English OEW:84; KLN:57

ale, alum, alumina, aluminum, aluminium

Sanskrit KLN:513

Amalaka, Āmlak : *emblic tree*

Persian BQT:61; MON:90

āmoleh : *emblic tree* آمله (آمَلج)

Arabic KLN:513

amlaj

Middle Latin

emblica

English KLN:513

emblic : *a tree*

Indo-European POK:34

Ambhi, Mbhi, Obhi, Ebhi : around

Ambhō : both

Avestan POK:34

aiwi, aibi, abi, aiwiš, ubē, uwa : over, above, both

Avestan

aiwi-ruč : to light up Leuk

aiwi-reg : to straighten up Reg

aiwi-sâra : around the head Ker 1

aiwi-sara : on the head Ker 1

Persian HRN:22,23

afrūxtan : to light up

afrâštan : to raise

afsâr : bridle

afsar : crown, officer

افروختن

افراشتن (افراز)

افسار

افسر

Avestan HUB:16

aiwi-saoka : burn over Keuk 1

aiwi-kand : to throw away Gwhen 1

aiwi-zâvayeiti : adds up Geu 2

Persian DRM:131; HRN:23

afsûs : regret

afkandan : to throw

afzûdan : to add

افسوس

افکندن

افزودن (فزون)

Avestan

aiwi-fšân : to spread around

aiwi-axš : oversee Okw

Persian HRN:24; BQT:2143; MON:317

afšândan : to spread, sprinkle

afšûn : rake

Molavi

افشاندن (افشان)

افشون

بگیرم ادب را ببندم دو لب را

که تا راز گوید لب درفشانش

Avestan

aiwiš-kar : chase (animals) away Kwer

aiwiš-tap : in heat, in a hurry Tep

Persian BQT:1275; HRN:172,174

šekâr : hunt

šetâftan : to hurry

شکار

شتافتان (شتاب)

Avestan AHM:220

abi-dasta, a-dasta, a-dsta : over hands, sleeve Ghesto

Persian AHM:220

âstîn : sleeve

آستین

Old Persian POK:34

abiš, abiy, abi : over, above

Greek POK:34; AHD:44

amphi : around, on both sides

English

amphitheater, amphibious

Germanic POK:34; AHD

English

both, be-

Latin AHD; KLN:512

ambi-îre : to go around, ambient Ei

ambactus : one who goes around, messenger, servant

English

ambient

ambassador, embassy

Indo-European IEC:19

Ambhō-bhor, Ambhor : a two-handed tool

Bher 1

Persian IEC:19; MON:361

anbor : pliers

انبر

انبره ، انبردست

Ambhō

see root: Ambhi

Ambhō-bhor

see root: Ambhi

Ambhō-Bhor

see root: Bher 1

Ambhor

see root: Ambhi

Amîr

see root: A'm.r

Âmlak

see root: Amalaka

Semitic KLN:62

A`.m.m : to join, unite

Arabic KLN:62

amm 1 : a great crowd
amm 2 : father's brother
ammah : father's sister

Persian FVA:285; SAP:442

amũ : uncle

âm : public

Hâfez
عمو (عمّه)
عام (عموم ، عوام ، تعميم)
محرم راز دل شيدای خود - کس نمی بينم ز خاص و عام را

Hebrew KLN:62

am : people
im : with, together
Immânũ-êl : God is with us ⁶² Layh

French

Persian

Âmânoel : "God is with us"

آمانوئل
امانوئل

English KLN:515

Emmanuel, Immanuel

Semitic KLN:61

A.m.n : to trust

Arabic KLN:61

a.m.n : to trust
amin : trustworthy
imân : belief

Persian FVA:34,35

amn : safe

amânat : trusteeship, consignment, deposit

îmân : (religious) belief, trust
personal names from this root

âmen : truly, certainly, accept it (prayer)

Hâfez
امن (امنيت ، ايمان ، مامن ، ثامن)
امانت
ايمان (يؤمن)
امان ، مامون ، آمينه
آمين
ميكند حافظ دعایی بشنو و آمين بگو - روزی ما باد لعل شكر افشان شما

Hebrew KLN:61

a.m.n : to be trustworthy
âmen : truly, certainly

Greek

KLN:61

amēn

Latin KLN:61

âmēn

English KLN:61

Amen : verily

Pahlavi SNS:6

Āmon : full, filled with

Persian SNS:6; BQT:61; MON:91

āmūdan : to fill with, mix with (آمودن (آمو، آمون)

gohar-āmūd : filled with gems گوهر آمود

Sanāī هم زیانشان ز فحش آموده - هم درونشان به خبث آلوده

Pahlavi SNS:6

abr-āmūn : "filled with clouds", cloudy Nebh

Persian SNS:6

abr-āmūn : cloudy ابر آمون

This word is apparently obsolete.

Arabic KLN:26; FVA:33

A'.m.r : to command

Amīr : commander

Persian FVA:33; MON

amr : order

امر
امور، اوامر، امیر، اُمرا، آمر

mīrzâ : Nobel born Gene 1

میرزا

ammāreh : commanding, demanding

امّاره

ma'mūr : agent (one who has orders)

مأمور (مأموریت)

emârat : kingdom, state

إمارت (امارات)

Arabic KLN:26; FSD:38

Amīr-al-bahr : commander of sea

Amīr-ar-rahl : commander of transportation

Late Latin FSD:38; KLN:26

amiralis, admiralis : sea commander

"bahr" or "rahl" has been dropped

Old French FSD:38

amiral : sea commander

English AHD

admiral

Persian MON:36

âdmîrâl : admiral آد میرال

An 1 | An 2

Indo-European 📖 KLN; AHD; POK:48

An 1 : *breath*

Ansu : *spirit, world*

Avestan 📖 POK:48; KLN:41,1095; AHD; SNS:6; OEW:9

ahu, ahura, anhu, ahva, axva : *life, spirit, world*
prana : *breath of life*
ahura-mazdha : *wise spirit, God* 🌀 Men 1, Dhē 2

Avestan 📖 POK:48; BQT:896; VDQ:36; SOD:127

daoš-ahva : *evil world* 🌀 Dus
barz-ahva : *better (higher) world* 🌀 Bhergh
anhuyat-hača : *from heart (soul)* 🌀 Sekw

Pahlavi 📖 SBK:214; VDQ:36

dužax, barzax

Persian 📖 MON:400; SNB:126

Ahurāmazdā : *God* (اهورا)
اورمزد، هورمزد، هرمزد، هرمز

Persian 📖 BQT:896; VIE:31; VDQ:36

dūzax : *hell* دوزخ
barzax : *middle stage* برزخ

Greek 📖 KLN:118

astma : *hard breath*

French

Persian 📖 MON:55

âsm : *asthma* آسم

English

asthma

Latin 📖 KLN:78

anima : *breath of air, life*

English 📖 AHD

animal, animosity, exhale, inhale

Germanic 📖 AHD:929, 931

ansu : *God*

English

Oswald, Oscar 🌀 Ghei 2

Sanskrit 📖 POK:48, SOD:10

âsu, âsura : *God*

Sogdian 📖 SOD:10

âs`wr : *God*

Indo-European 📖 POK:37

An 2, Eno, Ono : *other*

Avestan / Old Persian 📖 HRN:13; KLN:1108; POK:37

anya, aimya : *other*

Persian 📖 HRN:13

ân : *that* آن

Germanic 📖 AHD; KLN:1102

English

other

Indo-European 📖 IEC:27

An-teros : *second, other, step parent* 🌀 Ter 1

Persian 📖 IEC:27; MON:373

andar : *a suffix meaning step as in step father* - اندر ۲
پدراندر، مادراندر، دختراندر، پسراندر

Sanskrit 📖 IEC:27; POK:37

antarah : *other*

Indo-European  POK:39**An 3, Anô** : *on, upon, above, to*Avestan / Old Persian  POK:39; KLN:67; KNT:164; DZA:57ana : *on, upon*anu, anuv : *to, after, along*anu-i : *going along*Germanic  AHD

ana, ano

Greek

ana- : *according to, upward, back, again*ana-luein : *to loosen back, analyze*analogos : *speak according to, give analogy*

English

on, upon, unless

English  AHD

analysis, analogy, anatomy

An 4

see root: Ne 1

Arabic  FVA:286**A.n.b, anbar** : *amber*Persian  BQT:1382; FVA:286anbar : *amber*

عنبر

Middle Latin  KLN:60English  KLN:60

amber

anbar

see root: A.n.b

Indo-European  POK:41**Andho** : *blind, dark*Avestan  POK:41; SYN:323anda, ando : *blind*Sogdian  SOD:44`nt' : *blind*Latin  AHDumbra : *shadow*

English

umbrella

Ang | Ang

Indo-European POK:46

Ang, Ank, Anq : *to bend*

Avestan KLN:75

angušta : *toe, finger*

Sogdian SOD:41

`ngwšt : *finger*

Persian MON:392

angošt : *finger, toe*

انگشت
انگستر، انگ، انگلک، انگولک

Avestan POK:45; BRT:755

anku, aka : *hook*

duž-aka : *with bad sting hooks, porcupine* Dus

BRT:755 is not quite certain about "duž-aka" etymology.

Pahlavi SNS:168; BQT:1063

žužag, zuzag, jujag : *porcupine*

Persian BRT:755; BQT:1063

žūž : *porcupine* (ژوژ، ژوژه)

Sogdian SOD:32

`kšye : *hook*

Greek AHD

ankura : *anchor*

Persian BQT:1908

langer : *anchor*

لنگر

English AHD

anchor

Sanskrit POK:46; BQT:1254

angam : *member, part*

catur-anga : *the four parts*

(castle, Knight, Bishop

and Pawn) in the game

of chess. Kwetwer

Pahlavi

catrang

Persian BQT:1254; FVF:404

šatrang : *chess*

شترنگ (کترنگ، شطرنج)

تا جز از بیست و چهارش نبود خانه نرد

همچو دو سی و دو خانست نهادهش شترنگ

Najjār

Sanskrit AHD:943; OEW:14

ancati : *he bends*

pari-ancati : *he bends around, PER 1*

pary-anka, palyanka : *a bed carried on poles on the shoulder of two or four men. This name is due to the sagging cloth bottom.*

English AHD; OEW:14

palanquin, palankee

Latin AHD; KLN

angulus : *angle, corner*

English

angle, rectangle, triangle

Germanic AHD; OEW:14

Angul : *an angle-shaped land in Schleswig, W. Germany near Denmark.*

Old English KLN:522; AWH1:129

Engle, Angle : *people of "Angul" who landed in Britain (Engle-Land) around 450 AD*

French

angle-

Persian MON

Engelīs

انگلیس
انگلیسی، انگلستان

English

English, England, Anglo-, Anglo-Saxon

Indo-European POK:42

Angh : *tight, compressed*

Avestan POK:42

azaehē : *compressed, in need*

ni-az : *that which pushes you down, need* Nt 1

Pahlavi MON:4877

niyâz : *need*

Persian BQT:2222; MON:4877

niâz : *need*

نیاز (نیازمند ، نیازومند)

nîâzî : *need, dear friend, sweetheart*

نیازی

دلم خسته ناز توست ای نیازی - که روزی نیاسایی از ناز بازی
Osmân Mokhtârî

Latin AHD

English

anxious, anguish

Germanic AHD

English

anger

Indo-European POK:43

Angwhi : *snake*

Avestan POK:44; KLN:86

aži : *snake*

aži-dahâkô : *biting snake*

Persian BQT:116,1339; PLA:5,190; FSF:43

eždehâk : *serpent*

اژدهاک (ضحاک)

eždehâ : *serpent, also a spear*

اژدها

aždar : *torpedo*

اژدر

بجینید گشتاسپ از پیش صف - یکی باره زیر اژدهایی بکف
Ferdowsî

Latin AHD

anguis : *snake*

English

anguine

Ank

see root: Ang

Anô

see root: An 3

Anôr

see root: Nôr

Anq

see root: Ang

Ansu

see root: An 1

An-teros

see root: An 2

Ap 1

see root: Ab 1

Ap 2 | Apânk

Indo-European 📖 POK:50

Ap 2: to take, receive, reach, attain

Avestan / Old Persian 📖 POK:50; SNS:14; FFD:82

ap 1, af, ab: to receive

apayēiti: received

abi-âp, abi-âf: to detain

Pahlavi 📖 BQT:2254; SNS:14

apâm, avâm: loan, something received.

HRN:31 does not agree with this derivation

Pahlavi 📖 FFD:82

ayâf, ayâb: to find

Persian 📖 SNS:14; BQT:2254; AEF:173

vâm: loan

وام (فام ۲)

avâm: loan

اوام (آوام)

درم خواست فام از پی شهریار

Ferdowsî

برو انجمن شد بسی مایه دار

Persian 📖 BQT:2419; FFD:82

yâftan: to find

یافتن (یافت)

yâbīdan: to find

یابیدن (یاب)

Latin 📖 POK:50; AHD; KLN:22,24,96

apere: to bind, attach, reach

aptus: fit, suited

ad-apt-are: to fit, adapt

ad-eptus: reached

apex: something, reached, apex

co-apere: bond together, couple

English 📖 AHD; KLN:96

apt, aptitude

adapt, adept, inept

apex, attitude

couple

Apâ

see root: Apo

Avestan 📖 SYN:873

Apânk: turned backwards, north

Pahlavi 📖 SYN:870; BQT:99; FSF:58

apâxtar: north, north star

axtar: star

Persian 📖 BQT:99; FSF:58

bâxtar: north

باختر

axtar: star, fate

اختر (اخترشناس)

نبینم همی اختر خویش بد - ندانم چرا بر سرم بد رسد

Ferdowsî

IEC:260 links "axtar" to "setareh: star". See root "Ster 2"

Pahlavi 📖 MON5:275; BQT:297

bâxtri, bâxr, balx:

a city north of

the ancient Iran

Persian 📖 MON5:247

balx: an ancient city

بلخ (بلخش, بدخش, بدخشان)

in Iran famous for its rose-red ruby gems

Arabic 📖 AHD:101

balaxš: ruby

Old French 📖 AHD:101

balais: ruby

English 📖 AHD:101

balas: a rose-

red gem

Sogdian 📖 SOD:39

anxar, `ngr: star

This may be a cognate rather than a

derivative of the Avestan "apânk"

Indo-European POK:53

Apo, Apâ, Apu, Pu 3, Pô 1: off**PART 1**

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Avestan POK:54; BQT:1086

ap 2, apa : off, away, to
apama, apatama : last

Pahlavi AEF:309

apē, ape : apart, without

Pahlavi SNS:26

afdom, awdum : last

Persian AEF:309; MON:131

bî: without

بی - (ابی -)

بی نیاز، بی بهره، بی شمار
بیدسترbî-dastar : beaver that is able to cut trees
"without sickles". Dā 1

Persian MON:72,462; FRS:184

âfdom : last, at last

آفدم، افدم، بافدم

گرچه هرروز اندکی بردار دش - بافدم روزی به پایان آردش Rûdakī

Avestan KNT:168; BQT:1086; FFD:24

â 1 : a prefix for making verbs

â-vare : to bring Bher 1

â-gam : to come Gwa

â-râd, â-râiti 1 : to set up Ar

apa-spar : walk away from, trust Spher

â-kand : to fill Gwhen 1

Persian BQT:1086; HRN:1; FFD:24

â-, a- : a verbal prefix

آ -، ا -

آوردن، آمدن، آراستن، اسپاردن، آکندن

-â- : used to repeat a word

ا -

برابر، دمادم، سراسر، گرداگرد

Avestan KLN:168; POK:844

apa-dâna : off place, secret
room of a palace Dhē 2

â-frî-nami : I praise Prī

â-fritan : to create Prī

â-part : battle Per 3

Persian KNT:168

âpâdânâ : throne room

آپادانا

âfarîn : praise

آفرین

âvard : battle

آفریدن، آفریدگار، نفرین
آورد (آوردگاه)من آورد رستم بسی دیده ام - ز جنگاوران نیز بشنیده ام
Ferdowsī

Arabic

AHD:23; PLA:203

ifrit : demon
creature

Persian MON

efrit : demon

عفریت

عفریته

Old Persian POK:53-55; KNT:168

ap 2, apa : from, away

apa-dâna : off (secret) place Dhē 2

pa 2, pô : under

Old Persian POK:53,55; KNT:168

apa-had : put away Sed

apa-ra : back, later

apa-taram : elsewhere

pan-s-dau : after that

apa-nyâka : ancestors Nyâka

Old Persian POK:53-55

apa-ardha : pushed off,
reverse Ardha

Pahlavi NYB:23

apârôn : wrong,
upside down

Persian MON:4941

vârûn : upside down

وارون

وارونه

Latin AHD

ab : away

English

abnormal

Apo | A`q.b

Indo-European POK:53

Apo, Apâ, Apu, Pu 3, Pô 1 : *off*

PART 2

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Germanic AHD

af : *of*
apo-tero : *after*
eben : *later time, evening*
afug : *turned back*

English

of, off
after
evening
awkward

Indo-European POK:841; AHD:1506

P-os, Pos : *after, behind*

Avestan / Old Persian POK:842

pasča, pasca, pasâ : *after, behind*
paskât : *from behind here*

Sogdian SOD:55,300

pyš, pš : *then, afterwards*

Persian HRN:70; BQT:403; IEC:29

pas : *after*

پس
پسین ، واپسین ، پسوند ، پس انداز
آن نیست که حافظ را رندی پشد از خاطر
کاین سابقه پیشین تا روز پسین باشد
Hâfêz

Latin AHD

post : *after*
pônere : *to place*

English

postpone
oppose, propose, compose, impose, posture

Apu

see root: Apo

Aq

see root: Ak

Syriac KLN:823

A`q.b : *to follow, succeed*

Arabic KLN:823; EVQ:291

a`q.b : *to follow*
a`qeb : *heel*
Ya`qūb : *A prophet's name (follower, successor)*

Persian FVA:276

aqab : *back, behind* عقب
تعقيب ، عقبی ، عقوبت ، عاقبت
Ya`qūb : *Jacob* یعقوب

Hebrew KLN:823; FSD:1307

âqebh : *heel*
Ya`aqôbh : *one that takes by the heel, follower, name of a prophet*

Greek

FSD:1307

Jacobos

Late Latin FSD:1307

Jacobūs

French

Jaques

Persian MON

žâk (ژاکلین)

English AHD:699

Jacqueline

English KLN:823

Jacob, Jack, Jim, James

Persian MON:1233

jak : *jack (for lifting)* جَک

Semitic 📖 FVA:278

A.q.r : to sting, injure

Arabic 📖 FVA:278; KFL:427

aqrab : scorpion

Hebrew 📖 KLN:1404

aqrabh : scorpion

Greek

📖 KLN:1401

skorpios

Latin

📖 AHD:1164

scorpius

French

scorpion

English 📖 KLN:1401; AHD:1164

scorpion

Persian 📖 FVA:278

aqrab : scorpion (عقرب ، عقارب)

Indo-European 📖 POK:55

Ar, Are : to fit together

See Part TWO for more derivatives

PART 1

SEE OTHER PART (S) FOR MORE DERIVATIVES

Avestan / Old Persian

📖 POK:56; IRN:28

arta 2, areta : just, holy

arata, aradra : true

arta-arân : holy Aryan land 📖 AI 1

arta-pa : protector of justice 📖 Pa

arta-xšathra : just king 📖 Ksei 1

aipi-areta : determined 📖 Epi

Sogdian 📖 SOD:58

`rt`w : righteous, holy

Avestan 📖 POK:56; BQT:142

aša 3 : true

aša-vahišta : best justice 📖 Su 1

arta-vah-išta : best justice 📖 Su 1, Isto

aša-van, ša-vant : determined, in order

asvan : holy, sacred

Avestan 📖 WLD:74; POK:56

râd 1 : right, correct, proper

â-râd, â-râiti 1, â-râs- : to set up 📖 Apo

pati-râd : to trim 📖 Per 1 ?

vi-râiti, vi-radh : set apart 📖 Wi

Persian 📖 BQT:98-101; IRN:28

ard : just

ard : 25th day of each Persian month

Ardalân : a male name, "holy land of Aryans"

Ardavân : a male name, "protector of justice"

Ardešîr : a male name, "just king"

nard 1 : backgammon

نهادیم بر جای شطرنج نرد - کنون تا به بازی که آرد نبرد
Ferdowsī

"nard" is a distorted form of "Niv-Ardešîr". See "Nei 1"

Pahlavi 📖 BQT:101,142; SNS:5

aš-vahišt : best truth

urt-vahišt : best truth

ahru, ahnav, ašôg : sacred

Persian 📖 BQT; MON:289; TZF:26

Ordîbehešt : "best truth"

ašû : true, heaven

Persian 📖 BQT:30,437,926,927; AEF:428; FFD:24

râd : liberal, brave

ârastan : decorate (آرایش ، آرای)

pîrastan : to trim (add or cut) (پیراستن)

vîrastan : to edit (ویراستن)

رخ دختران را بیاراستند

سر زلف بر گل بپیراستند
Ferdowsī

Indo-European 📖 POK:55

Ar, Are : to fit together

See part ONE for more derivatives

PART 2

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Avestan 📖 WLD:74; POK:56

ratu : judge, religious leader

Pahlavi 📖 SNS:226

rad : leader, master, Sir

Persian 📖 BQT:943; MON:1645; FSF:199

rad : leader, judge, hero, wise

رَد
دل بخردان داشت و مغز رَدان
دو کتف یلان و هُش موبدان
Ferdowsī

Avestan 📖 POK:56

arānte : puts in order

aram, arem : suitable

Old Persian

📖 WLD:74; POK:56; KNT:205

râd 1, râdiy : cause, reason
because of, due to

Persian 📖 NYB:164; BQT:926; AEF:250

râ : due to, for

čērâ : for what ?

را
چرا ؟
دشمن به قصد حافظ اگر دم زند چه باک
مَنّت خدای را که نیم شرمسار دوست
Hâfez

Greek 📖 AHD; POK

harmos : joint

arthro-itis : inflammation of joints, arthritis

arithmus : number

logos-arithmus : ratio number, logarithm

arma : arms, weapons

French

harmonie

arthrose

logarithme

Persian

📖 MON:3619,5082; AMD:24

hârmônî

ârtotoz

logâritm

هارمونی
آرتروز
لگاریتم

Arabic 📖 BQT:96

arbah, arobeh : arms, war chariot

Persian 📖 BQT:96; MON:2286

arrâbeh : cart, war chariot

ارابه (عَرَّابه)

English

harmony, arthritis, arithmetic, logarithm, arms, army, alarm

Latin 📖 AHD

ars : skill

reri : to consider

ôrdô : row of threads in loom

French 📖 AHD

Persian 📖 MON:41

ârtist

آرتیست

English 📖 AHD

art, artist

English

order, coordinate, ordinary, reason, ratio, rate

Germanic 📖 AHD

English

read, arm

Araq

see root: Ar.q

Old Persian BQT:1445

Ardha : swept, moved, pushed

Old Persian NYB:23,76; BQT:1445

fra-ardha, frârdha, frârdha-van : pushed forward, correct, right^{Per 1}apa-ardha : pushed back, backward, wrong^{Apo}

Pahlavi BQT:1445,2246; NYB:23,76

frârôn : right, honest, upright

apârôn : wrong, bad, upside down

Persian MON:2499

frârûn : correct, honest

فرارون (فریرون ، فیرون)
 حسودت در ید بهرام فیرون
 نظرزی تو ز برجیس فرارون
 Daqīqī

Persian MON:4941

vârûn : upside down, wrong, evil

وارون ، وارونه
 پس ابلیس وارونه آن ژرف چاه - به خاشاک پوشید و بستر د راه
 Ferdowsī

Are

see root: Ar

Arabic KLN:1573; AHD:1317

A`r.f** : to know**Ta`rīf : information

Persian FVA:267

erfân : knowledge, gnosticism

عرفان
 عارف ، معرفت ، عَرَف ، عرفات ، تعریف
 معروف ، مُعرَف ، تعارف ، متعارف ، اعتراف
 ta`refeh : a list of duties imposed on imports or exports
 تَعْرِفَه

Turkish AHD

ta`rifa

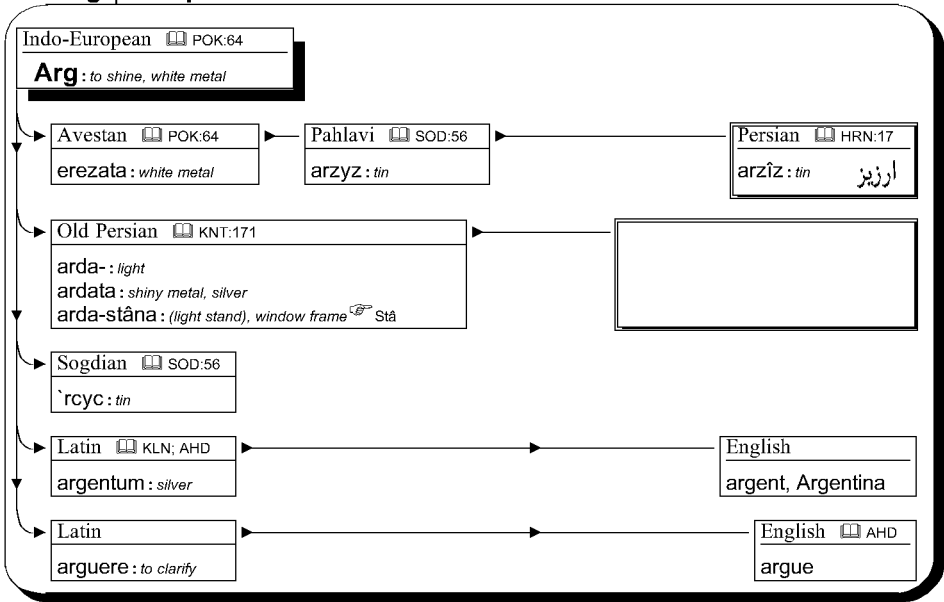
Spanish

tariff

English AHD:1317

tariff

Arg | A.r.q

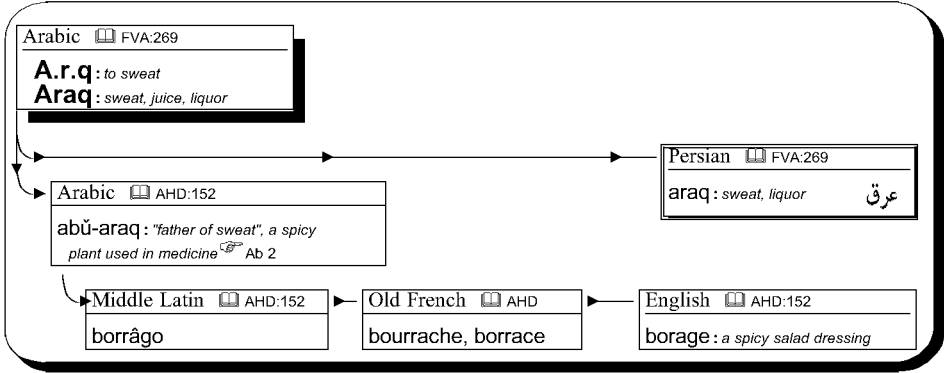


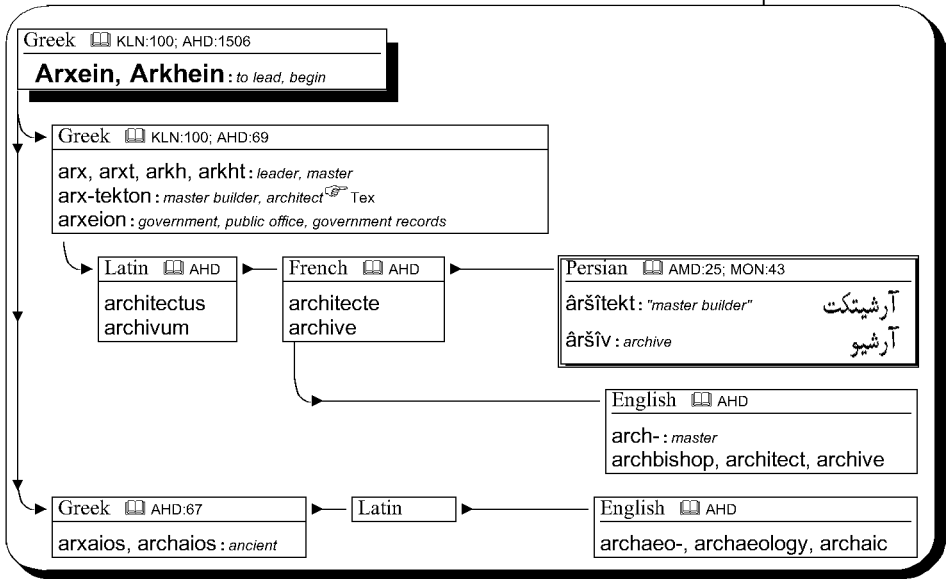
Ario

see root: Al1

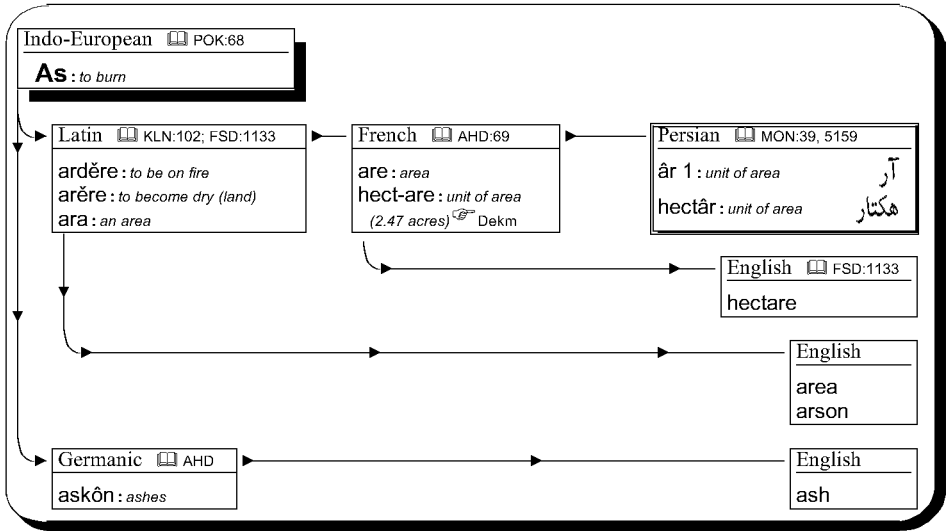
Arkhein

see root: Arxein





Aryo see root: Al 1



A-sěma see root: Sěma

Asfar see root: S.f.r

A`s.r | Āsū

Arabic 📖 KLN:50; FVA:273

A`s.r : to squeeze (the juice out)

Arabic 📖 FVA:273

a`sârah : juice

al-a`sârah : the juice

Persian 📖 FVA:273

osârah, osâreh : juice, extract

Manüchehrī

عصاره (عصیر ، عصار)
عصیر جوانه هنوز از قدح - همی زد به تعجیل پرتابها

Spanish 📖 KLN:50

alizari : juice

French 📖 DEV:23

alizari : madder root

English 📖 AHD:33

alizarin, alizarine : a red dye
extracted from madder root

Akkadian 📖 KLN:113; AHD:77

Āsū : to rise, come out (said of the sun)

Greek 📖 KLN:113; AHD:77

asia : land of sunrise, the East

Latin

French

Persian 📖 MON:37

Āsiyâ : Asia

آسیا ۲

English 📖 KLN:113; AHD:77

Asia

Arabic 📖 KLN:113

waZU : to become beautiful, clean

W.Z.a' : to wash, clean

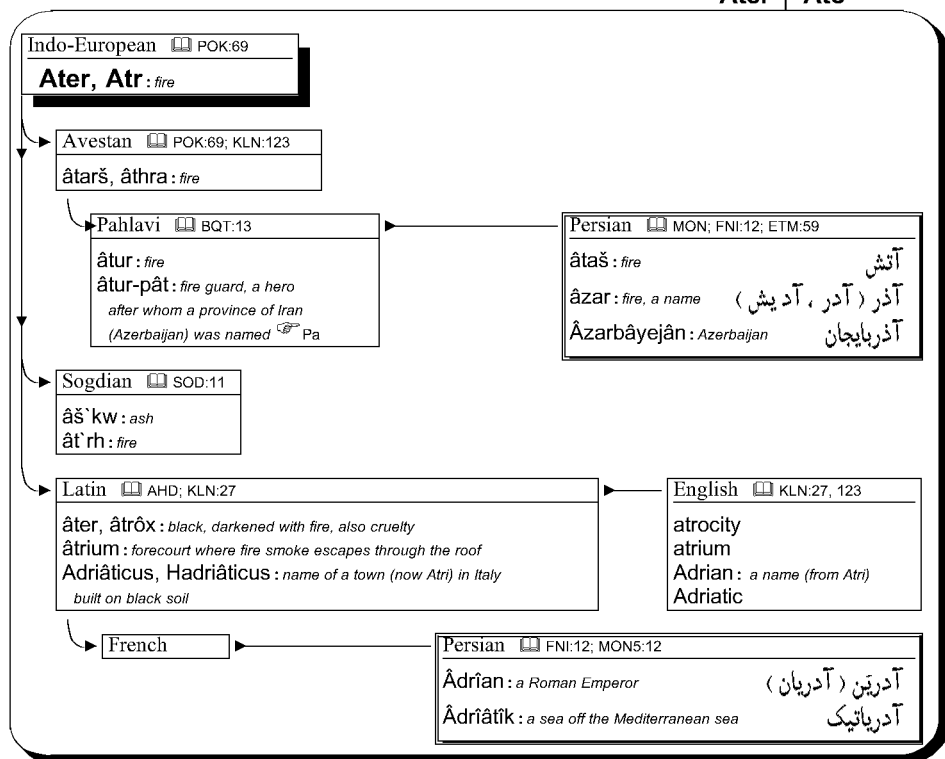
wodu : the washing before prayer

Persian 📖 FVA:432; MON:5037

VOZŪ : the washing (ablution) before prayer

Hâfez

وضو
من همان دم که وضو ساختم از چشمه عشق
چارتکبیر زدم یکسره بر آنچه که هست



Athal

see root: Âtos

Ato

see root: Âtos

Ātos | Au 1

Indo-European  POK:71; AHD:1507

Ātos, Atta, Ato, Athal : *father, mother, family, race*

Avestan  POK:71; FAF:10

âthoya, âthwya : *husband, man, father of Thraëtaona (King Feraydoun)*

Pahlavi  FAF:10

Āspiyan

Persian  SNS:135; MON:5:7; FAF:10

Ābtīn : *name of one of the early kings in Iran*

Ferdowsī

آبتین (آبتین)
تو بشناس کز مرز ایران زمین - یکی مرد بُد، نام او آبتین

Old High German  KLN:27:44; AHD

adal : *lineage, ancestry*

adel-beraht : *bright in nobility (Albert)*  Bhereg

athal-wolf : *noble wolf (Adolph)*  Wel 2

English  KLN:44; AHD

Albert

Adolph

Indo-European  SYN:94; WLD1:44; IEC:178,1369

Tāt, Tāta : *daddy*

Dhēdh : *grandfather*

Persian  IEC:178; MON:1499

dadeh : *grandfather, aunt*

دده

Sanskrit  SYN:94; IEC:1369

tata, tātā : *grandfather*

Greek  IEC:178; SYN:94

tēthē : *father, grandfather*

Latin  SYN:94

tata : *father, grandfather*

Russian  KLN:396

tata : *father*

English  KLN:396

dad, daddy

KLN:396 claims these and most other words on this chart to be of childish origin and does not provide the derivation path

Atr

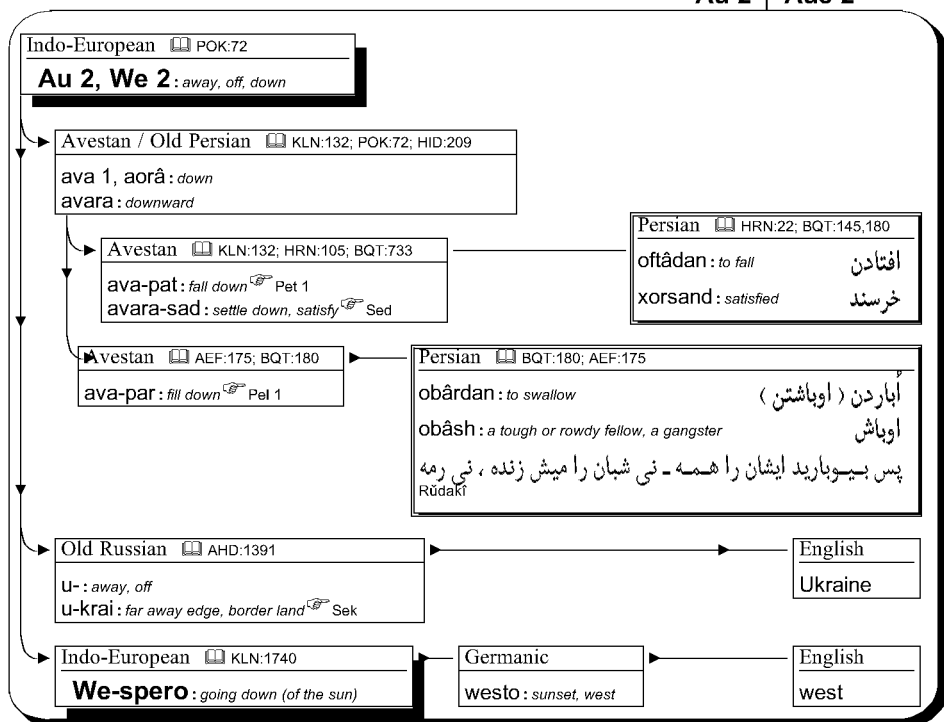
see root: Ater

Atta

see root: Ātos

Au 1

see root: Ōus 1



Au 3

see root : l2

Aüe 1

see root : Wě 1

Aüe 2

see root : Wed

Aueg | Aus 1

Indo-European POK:84

Aueg, Aug, Uog, Ug : to increase, strengthen

Avestan POK:84,85

ugra : strong
aojah, aogah : strength

Avestan HUB:45; NYB:160; BRT:862

pairi-aojastara, pari-aužah : all strong, victorious Per 1

Persian BRT:862; SNS:144

pîrüz : victorious

پیروز (فیروز)

HRN:78 derives "pîrüz" from Avestan "paiti-raočah:toward light" which is not accepted by HUB:45.

Avestan POK:84,85; SYN:876; SOD:30

vaxšaiti, uxšyeiti : grows, strengthens, increases
vaxš 2, uxs : growth

Avestan AEF:291

vana-vaxša : grown in the woods,
pansy, violet Wen

Pahlavi AEF:291

vana-vašak : pansy
HUB:33 doubts this derivation

Persian AEF:291; BQT:308

banafšeh : pansy

بنفشه

banafš : violet, dark

بنفش

جهان شد ز گرد سواران بنفش
درخشان سنان و درفشان درفش

Ferdowsf

Old Persian KNT:177

vaxš : grow
u-vaxštra : well grown (a male name) Su 1

Persian KNT:177

Hovaxšatar : king of Media

هو خستر

Sogdian SOD:30

`xwš`y : to grow

Germanic AHD:1507

wahsan : growth, size

English AHD

waist

Latin AHD:1507

augēre : to increase
augur : divine favor
augustus : majestic, august
auxilium : support, aid

English AHD

auction, augment, author
inaugurate
August
auxiliary

Aug

see root: Aueg

Auo

see root: 12

Aus 1

see root: Őus 1

Indo-European POK:86; KLN:495

Aus 2, Awes : to shine

Ausus : dawn

Avestan POK:86; SYN:871

usaiti : to light up

ušâ : east, dawn (direction of sunrise)

ušas-tara : east

Pahlavi SNS:67

huš : morning

Persian HRN:281; SNS:67

hüş 2 : morning

hüşbâm : morning shine, breakfast Bhâ 1

These words are almost obsolete.

هوش ۲
هوشبام

Indo-European KLN:1702

Wes 2, Wesr : spring

Avestan POK:1174

vasar, vasri : spring

vanri, vanhâr : spring

Sanskrit BQT:1452

vihâra : spring

Sogdian SOD:108

br̥ḡ r : temple

Pahlavi HRN:56

vahâr : spring

Persian POK:1174; KLN:1702

bahâr : spring

بهار

Persian BQT:1452; FRS:87

farxâr : temple

فرخار
فرخار بزرگ و نیک جایی است - گر معدن آن بت نوائی است
Rūdakī

See BQT:1452 for discussion on the derivation

Old Persian KNT:188,207

vâhara : spring time

Latin AHD

vēr : spring

English

vernal

Germanic AHD

aust : direction of sunshine

Austrôn : goddess of dawn

English

east

Easter

Old High German AHD

ôstar : eastern

English

Austria

Latin KLN:130

australis : southern (land)

aurôra : dawn

English

Australia

aurora

Aus 3

see root: Ôus 2

Ausus

see root: Aus 2

Autos | Autos

Greek  KLN:130; AHD:89

Autos : *self*
from uncertain origin

Greek  KLN; AHD

authentēs, afendis : *self doer, authority, ruler, original*

Turkish  KLN:502

afandi : *sir, master*

Persian  MON:319

afandī : *title of respect* افندی

Latin  AHD:89

authenticus : *genuine*

English  AHD

authentic,

German

auto-bahn : *highway*

Persian

otobân : *highway* اتوبان

French

Persian  MON:139

اتوماتیک ، اتوموبیل ، اتوبوس

English  AHD:89; KLN:130

auto-, automobile, automatic

Indo-European POK:86

Aw, Awi, Awei : *bird*

Avestan POK:86; HRN:296; SYN:183

vīš 2 : *bird*vayu : *air*vi 1, vay 1 : *to fly*â-vayeiti : *fled up*

Pahlavi POK:86; NYB:207

vôi, vâv, vâvandak : *bird*

Persian

HRN:995; FRS:56

vây : *bird*

وای

vīš : *bird*

ویش

Both are almost obsolete

Latin POK:86

avis : *bird*

English AHD

aviation, ostrich

Indo-European POK:86,783

Ow, Owo, Ayo, Ôwyo : *a bird egg*

Avestan / Old Persian POK:783; SYN:256

âvaya, xâya : *egg*ap-âvaya : *to castrate*

Pahlavi HRN:103; PLA:104; BQT:711

hâyik, xâyak : *egg, testicle*xâyak-bar, xâyak-bâr : *egg carrier (fish)* Bher 1

Persian

HRN:103; SYN:256; PLA:104

xâyeh : *egg, testicle*

خایه

xâvîyâr : *caviar*

خاویار

Turkish AFM:51

havyâr

Italian

French

English AHD

caviar

Germanic / Old Norse AHD

ajjam : *egg*egg : *egg*

English

kidney, egg

Latin AHD

ôvum : *egg*

English

ovule

Arabic SAP:1123

`Awar : *he damaged*

Arabic SAP:1124; AHD:91; KLN:133

`awâr, `awârîyah : *damaged goods*

Persian MON

âr 2 : *damage, shame*

عار

avâr : *defect, damaged goods, damaged cloth*

عوار

گند باد آن کس که اندر طعن تو گوید سخن

Farrokhf

کور باد آن کس که اندر عرض تو جوید عوار

Spanish

Italian

French KLN:133; AHD:91

avarie : *damage to ship, also (averaged) loss shared equitably among investors*

English

average

Awei

see root: Aw

Awes

see root: Aus 2

Awī

see root: Aw

Indo-European 📖 POK:12; AHD:1507; OEW:3

Ayer, Aier, Aien: *day, morning, early in the day*

Avestan 📖 POK:12; AEF:376

ayare: *day*

prô-ayare: *yesterday* 📖 Per 1

Pahlavi 📖 AEF:376

parēr: *yesterday*

Persian 📖 AEF:376

parîr: *yesterday*

pîrâr: *two years ago*

Nâser-Khosrow

English 📖 AHD; OEW

early, ere, erst

Germanic 📖 AHD:1507; OEW:3

airîz: *early*

Ayo

see root: Aw

Ayos

see root: Aios

Âysan

see root: Zay

B

Indo-European 📖 OEW:22; AHD:1507

Baba : baby words for relatives, imitative of indistinct speech.
Barbarah, Balbarah : people who speak a non-Aryan language.

These words may be related to the root "Pa.to protect, feed".

Greek 📖 OEW:22

barbitos, barbaros : non-Greek, foreign people or things.

Pahlavi 📖 BQT:249; MON:497

barbut : a stringed musical instrument

Latin 📖 AHD

barbaria : foreign country
 barbarus : foreign, rude, wild
 rheu-barbarum : foreign rhubarb 🗨️ Eres 1

Persian 📖 MON:497

barbat : a musical instrument

بربط
 بدانسان سوخت چون شمع که بر من
 صراحی گریه و بربط فغان کرد
 Hāfez

English 📖 OEW:22

barbarian, barbarous, Barbara
 rhubarb

Russian 📖 AHD:100

balalayka : a musical instrument

Persian 📖 VOP:84

bālālāykā : a Russian stringed musical instrument

بالالایکا

English 📖 AHD:100

balalaika

Old French 📖 OEW:22

babine : hanging lip (not talking properly)

English 📖 OEW:22

baboon

Italian 📖 OEW:22

bambino : originally meant a wild and savage man; later changed to a brave and courageous man.

French

bravo : an expression of approval (for bravery).

Persian 📖 VOP:87

brāvo براوو

English 📖 AHD; OEW

brave, bravo

Hindustani 📖 OEW:22

bābū : old man (baby talk)

Persian 📖 MON:430

bāb 3 : an old respectful man

باب ۳ (بابو)
 بابوبوالخیر

Compare with the Persian word "bābā:father". See root "Pa"

Germanic 📖 AHD

English 📖 AHD

baby, babe, babble

Balbarah

see root: Baba

Old Persian  PLA:56**Balūt:** *oak tree, acorn*

Pahlavi

 PLA:56; MON:576balūt, barūt: *oak*Persian  MON:576; BQT:303balūt: *oak*

بلوط

Arabic

 PLA:56; MON:576ballūth: *oak*

Spanish

 KLN:162belloth: *acorn*

English

 KLN:162bellote: *acorn*Indo-European  POK:93; IEC:53.92**Bamb, Bambô, Bhombhos:** *bang, rumble*Persian  IEC:53.92; MON:578bam: *bass, low*

بم

MON derives this word from Arabic but IEC claims it is Indo-European

Greek

 IEC:53

bombos

Latin

 IEC:53

bombus

French  AHD:149

bombe

Persian  VOP:92bomb: *bomb*

بمب (بمب افکن)

English  AHD

bomb

Bambak

see root: Pambak

Bambô

see root: Bamb

Barbarah

see root: Baba

Indo-Schythian  ISS:223**Bata, Vata:** *small, undesirable, bad*Iranian  ISS:224vata: *bad*Pahlavi  ISS:224vat: *bad*Persian  HRN:44; BQT; MON:4993bad 1: *bad*

بَد

vad: *bad*

وَد

Old Persian HRN:36

Batiaxě : *a bowl (of wine)*

The source of the Old Persian form is not clear

Pahlavi AEF:207

bâtak : *wine*

Persian AEF:207

bâdeh : *wine*

bâdiyeh : *bowl (of wine)*

pâtîleh : *pot*

Manüchehrî

VFO.18 claims these words are related to English "pot". Also see "P6 2".

باده
باديه (باطيه)
پاتيله (پاتيل)
برخيز هان اى جاريه، مى درفكن در باطيه
آراسته كن مجلسى، از بلخ تا ارمينيه

Avestan SOD:18

Bazda : *bad, sin*

Sogdian SLW:101; SOD:18

`bz, `bj, `bž, `byz : *sin, bad*

Persian BQT:1485

faž : *dirt, dirty*

fažāk : *dirty, impure*

fažâğand : *dirty*

Asadî

همانا که چون تو فژاک آمدم - و گر چون تو ابله فژاک آمدم

فژ (فژ ۲)
فژاک (فژاکن، فژاگین)
فژاغند (فژاغند، فژاگند)
همانا که چون تو فژاک آمدم - و گر چون تو ابله فژاک آمدم

Bělŭr

see root: Velŭr

Avestan HRN:48

Berenža : *brass*

Persian HRN:48

berenj 1 : *brass*

برنج ۱

Latin PRT:60; KLN:203

bronzium : *brass*

Italian

bronzo

French

Persian MON

bronz : *bronze*

برنز

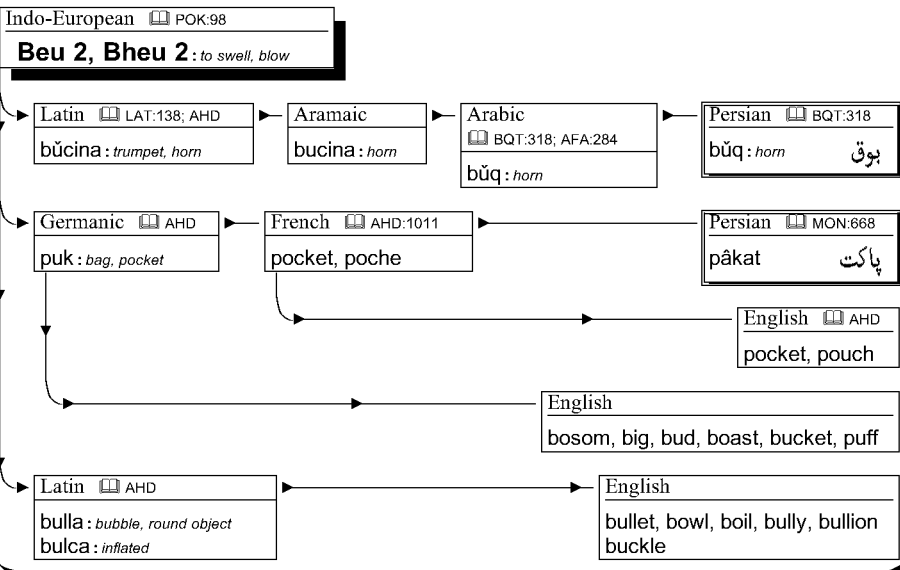
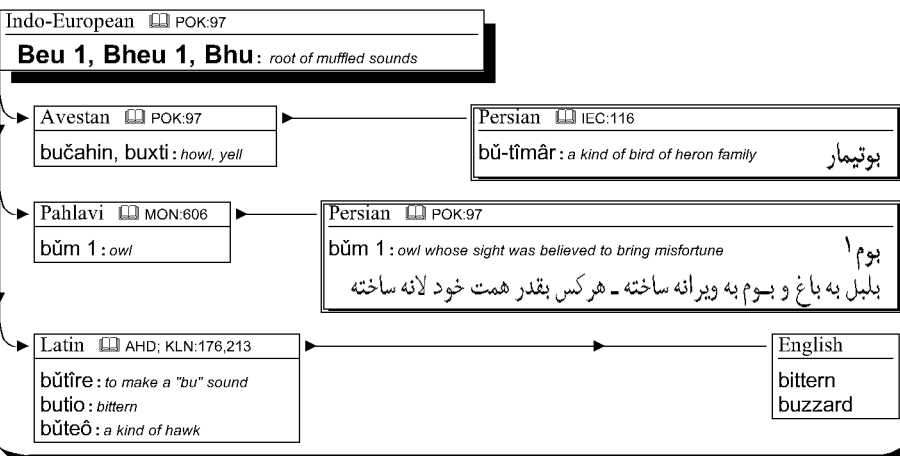
English AHD

bronze

Besmâ

see root: Busmâ

Beu 1 | Bha



Bhâ see root: Bhě

Bha see root: Bhě

Indo-European 📖 POK:104

Bhā 1 : to shine

Avestan 📖 POK:104; SOD:97

bama, bâ, bâmya : bright

Sogdian

📖 BQT:1437; SOD:97

b`m : color, brilliance

Persian 📖 SOD:97; SLW:100

fâm : a suffix meaning color

فام ۱
بدو گفت مادر که ای جان مام - چه بودت که گشتی چنین زرد فام
Ferdowsi

Persian 📖 BQT:227

bâm 1 : morning

بام ۱

bâmdâd : morning

بامداد

بامدادان که برون مینهم از منزل پای
حُسن عهدم نگذارد که نهم پای دگر
Sa`df

Greek 📖 AHD; KLN:1170

phôs : light

phôs-phoros : light bearing (substance) [⚡] Bher 1

phânôs : torch

phanein : to shine

Persian 📖 BQT:1437

fânûs : lantern

فانوس

خانه ام فانوس و مهمان شمع و من پروانه ام
شد مزین از قدوم میهمان کاشانه ام

French

phase, photo, fantome, phosphore

Persian 📖 MON:2470; AMD:1510, 1553

فاز ، فوتو ، فانتوم ، فسفر

English 📖 AHD; KLN

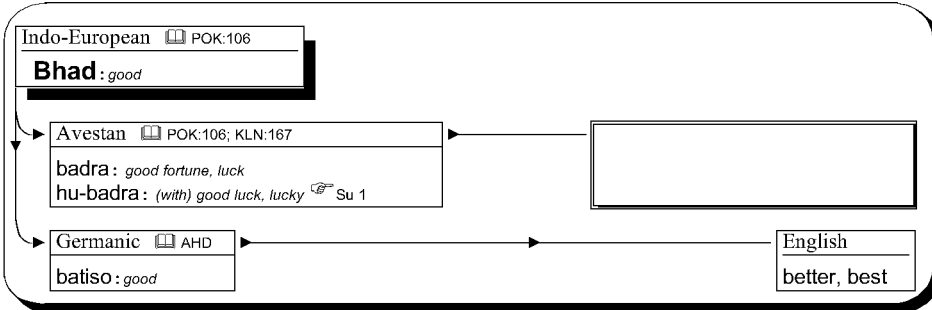
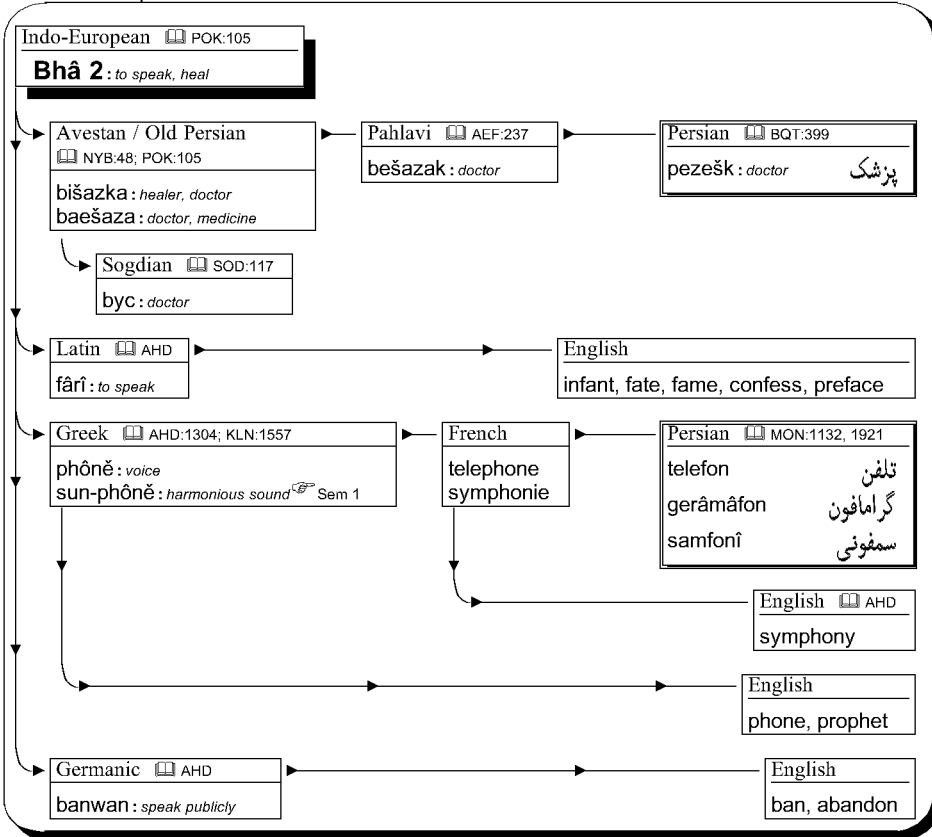
photo, phantom, phase,
phenomenon, emphasis. phosphor

Germanic 📖 AHD

English

beacon

Bhâ 2 | Bhad



PART 1

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Indo-European POK:107; IEC:61

Bhag : to share out, to enjoy

Avestan / Old Persian

POK:107; KNT; KLN:169

baga, baġa : distributor
of good fortune, Godbaxto-dāta : one who is given
a good fortune, lucky D6 2

bax-ta : that which is given, fate

Persian

BQT:203,239; AEF:198,241; ETM:61; FFD:35

baxšīdan : to give

بخشیدن

baxš : division

بخش

baxt : fortune, fate

بخت ۱ (بختیار)

bāj : toll, tax

باج ۱ (باز ۲)

ز دینار پر کرده ده چرم گاو - سه ساله فرستاده شد باز و ساو
Ferdowsī

Avestan

BQT:251,324; SNS:96

baxadra : interest,
something given

Persian

BQT; SNS:96

barx : interest

برخ (برخی)

bahr : interest

بهر (بهره)

تو ای دانشی چند نالی ز چرخ - که ایزد بدی دادت از چرخ برخ
Asadī

Persian

BQT:288,289,337; MON:2558; POK:107; TZF:18

baġ, faġ : God, goddess

بغ، فغ

Baġdād : God-given (city), Baghdad D6 2

بغداد

baġ-stān : location (mountain) of gods Stā

بغستان، فغستان

also a very beautiful person (goddess of beauty)

bīstūn : corruption of "baġ-stān", name of a mountain
upon which ancient Iranians used to worship

بیستون

فغستان چو آمد به مشکوی شاه - یکی تاج بر سر ز مشک سیاه
Ferdowsī

Henning derives "baġ" from Sogdian (SLW:94)

TAD:12 derives "Baghdād" from Persian "baġ-e-dād: garden of justice".

Avestan

HJB:49; BQT:333,1494

baġa-puthra : son of God,
title of respect Pōubaġa-dugdār : daughter of God,
Venus Dheugh

Persian

HJB:49; BQT:333,1494; TZF:18

faġpūr : son of God, title of respect

فغفور

Bīdoxt : "daughter of God"

بیدخت

Avestan

BQT:164

hama-baġa : share together Sem 1

Pahlavi

BQT:164

hambāġ : companion

Persian

anbāz : companion

انباز

anbāġ : rival wife

انباغ

ای خدای پاک و بی انباز و یار

Molavī

دستگیر و جرم ما را در گذار

Turkish

ZMA:49

bak : grand, Lord, God
ata-bak : grand father,
god father

Persian

ETM:60

bak : a title of respect

بک (بگ، بیگ، بیگی)

baygom : "ruler's mother", title of respect Umm

بیگم

atabak : grand father, god father

اتابک

Bhag | Bhag-mos

Indo-European POK:107; IEC:61

Bhag : to share out, to enjoy

PART 2

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Avestan HRN:39; AEF:224

bâga : share, property, garden

Persian HRN:39; AEF:224

bâg : garden

باغ

HUB:23 does not agree with this derivation.

Sogdian SOD:37,100

bxš : to share out

bḡ : God

Sanskrit AHD; HJB:49; KLN:140

bhaḡa : good fortune

bhaḡavant-gita : sound of sublime Gēi

bhaga-dhara : holder of happiness, brave Dher 1

"bhaga-dhara" may be from Persian "faghpoor" (HJB:49)

Mongolian HJB:49

Persian BQT; MON

bahādor : hero

بهادر

English HJB; AID

Bhagavad-Gita, bahadur

Indo-European IEC:61

Bhag-los, Bhag-mos : enjoyment, feasting

Pahlavi

MON:523

bazm : feast

Persian MON:523; IEC:61

bazm : feast

بزم (بزم آرا)

Persian IEC:61; MON:489

bazleh : jest, joke

بذله

MON derives this from Arabic

Greek IEC:61

phagein : to eat

English AHD; IEC:62

-phagos, -phagy, phagocyte, phagomania, phagophobia, esophagus

Indo-European POK:108

Bhâghu : elbow, arm

Avestan POK:108; KLN:190

bâzu, bâzâu : arm

Persian BQT:220

bâzū : arm

بازو

Germanic AHD

boog : bow of a ship

English

bow : front section of a ship

Bhag-los

see root: Bhag

Bhag-mos

see root: Bhag

Indo-European IEC:69,70; POK:112

Bhe, Bheġh : *outside, open*

Bheġh-iks : *outside, excluding, except*

Pahlavi MON:452

a-pāč : *open*

Persian IEC:70

bāz : *open*

باز ۳

Persian IEC:70; MON:473

bejoz : *except, excluding*

بجز

Sanskrit IEC:70

bōhyah : *outside, open*

bahis : *except, excluding*

Indo-European IEC:70; POK:115

Bheg : *to oust out, push out, strike, break*

Germanic AHD:1508

bankon : *river banks*

English AHD

bank, bankrupt, banquet

bench : *originally used by bankers to exchange money*

Indo-European POK:113; IEC:59; WLD2:136

Bhě, Bho, Bha, Bhâ : *indeed*

Avestan POK:113; IEC:59

bâ, bē, beī : *indeed*

Persian IEC:59; MON:424,577

bî-, be- : *emphatic prefixes*

بِ-، بی- (برفت، پیآمد)

baleh, balf : *yes*

بله، بلی

MON derives "baleh & balf" from Arabic
while IEC claims they are Indo-European

Sanskrit IEC:59

bha-la : *yes*

Armenian IEC:59

ba : *yes*

Bheg

see root: Bhe

Bheġh

see root: Bhe

Bheġh-iks

see root: Bhe

Indo-European

POK:120,122,125,158,158; AHD; ROE:65,66

Bhel, Bhelgh, Bhlei, Bhleu:

to swell, blow, thrive, grow, bloom, overflow

PART 1

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Avestan POK:120; BQT:256

barez : *to grow*

bara-s-man : *bundle of twigs*

Pahlavi BQT:256

barsum : *branches, twigs*

Persian BQT:256; SNS:103

barsam : *a bundle of twigs*

used in Zoroastrian ceremonies

برسم

جهانجوی با آن دو خسرو پرست

Ferdowsī

گرفت از پی واژ برسم بدست

Avestan POK:125

baraziš, barašnav : *cushion, pillow*

Pahlavi SNS:98

bālišn, bālēn : *pillow*

Persian POK:125; SNS:98

bâleš : *pillow*

بالش ۱ (بالین)

سپهر بلند ار کشد زین تو

Ferdowsī

سرانجام خشتست بالین تو

Middle German AHD

bole : *beam, plank*

balle : *ball*

French AHD

boulevard

Persian MON:605

būlvār : *boulevard*

بلوار

English AHD

boulevard

Italian AHD:102

palla, pallone : *ball*

ballotta : *a small ball used for voting*

French AHD:102

ballon : *ball*

Persian MON:467

bâlon : *balloon*

بالون ، بالین ۱

English AHD:102

balloon

English AHD:102

ballot

Latin AHD

ballaena : *(spouting) whale*

bulga : *leather bag*

Old French AHD

baleine : *whale*

Persian MON:464,467

bâlon : *whale*

بالین ۲ ، بال ۱

English AHD

baleen

Old French AHD

bougette : *leather bag, budget*

English AHD; ETM:62

budget

French ETM:62

budget

Persian MON:600

būdžeh : *budget*

بودجه

Old Norse AHD

blóm, blómi : *flower*

bulki : *rolled up bundle*

English AHD

bloom, bulk

PART 2

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Indo-European

POK:120,122,125,156,158; AHD; ROE:65,66

Bhel, Bhelgh, Bhlei, Bhleu :

to swell, blow, thrive, grow, bloom, overflow

Latin AHD

fluere : to flow
fluere-ëscnt : showing a flow
in-fluentia : a flowing in
folium : leaf
flôs, flôr : flower

French

Persian MON:97,386,2573; VOP:251

folûor : Fluor gas
فلوئور
flũoresânt : fluorescent lamp
فلورسانت
ânflũanzâ : flu,
آنفلوآنزا , انفلوآنزا
it literally means influence (of a virus).

English AHD

flux, fluid, fluent, flush, fluoride, fluorescent,
influence, foliage, portfolio, Florence, florist,
flourish, flower.

Greek AHD

phullon : leaf
xlôros-phullon : green leaf Ghel

French AHD

chloro-phylle : the green
pigments in plants

Persian MON:3030

kolorofil
کلروفیل

English AHD

chlorophyll

Germanic AHD

bul : bowl
bullôn : bull
balthaz : bold
blôs : flower, blossom
bladaz : leaf, blade
balgîz : bellows

English AHD

bowl
bull
bold
blossom
blade
bellows, belly

Dutch AHD

bluyster : blister
This is a Middle Dutch word.

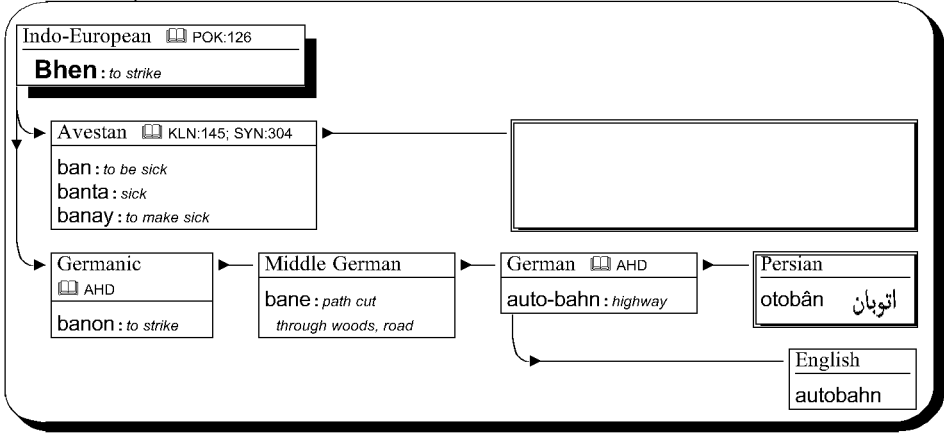
English AHD

blister

Bhelgh

see root: Bhel

Bhen | Bhen



Indo-European 📖 POK:127

Bhendh : to bind, fasten

Avestan 📖 POK:127; BQT:449

banda : band, tie

paiti-band : to attach 📖 Per 3

Persian 📖 AHD:1509; BQT:305; SAP:491

band : band, dam

بند

payvastan : to attach

(پیوند) پیوستن

dül-band : shawl, turban

دولبند

"dül: around" is an Arabic term.

Persian 📖 FVF:98

darband : "enclosed area"

دربند

bandar : "enclosed area", port 📖 Dhwer

بندر

بنادر

Turkish 📖 PHN:363

tülbend : turban

French

English 📖 AHD:1382

turban

Latin 📖 AHD:1380

tulipa : tulip (due to its turban shape)

English 📖 AHD; OEW:247

tulip : this flower was first taken to England in 1575 from Persia via Turkey and Holland.

Old Persian 📖 SOD:105; KNT:199

bandaka : slave

Pahlavi

📖 MON:588; KNT:199

bandak : slave

Persian 📖 MON:588

bandeh : slave

بنده

Avestan / Old Persian

📖 POK:127; AEF:160; HUB:18

basta : bundled up, fastened

ham-basta : tied together, interwoven, spider web

Persian 📖 KLN:152; BQT:164,173,278; AEF:159

bastan : to tie, close

بستن

anbast : tied together, dense, coagulated

انبست

anfast : spider web

انفست

شهنشاهی که خیط شمس گردون - بود بر طاق ایوان وی انفست
Shams Fakhri

Latin 📖 KLN:152,576

fascis : bundle

English 📖 KLN:152

basket

Italian 📖 KLN:576

fascismo : bundle, (a political) group

French

fascism

Persian 📖 MON:2471

fāshîsm (فاشیسم)

English 📖 AHD:477

fascism

Germanic 📖 AHD

band, binda, bund

English 📖 AHD

band, bend, bond, bind, bundle, ribbon

French 📖 KLN:146

bannier : band

English

banner

Indo-European POK:127

Bhengh : *thick, fat*

Avestan POK:127; KLN:1109

bazah : *height, depth*

Sogdian SOD:137

db`nz : *wide, coarse*

Greek AHD

paxus : *tick*

Persian MON:452

bâz : *distance between stretched hands*

باز ۱ (بازه، باز ۱)

بلندیش با چرخ همباز بود - ستبریش بیش از چهل باز بود

Asadī

English AHD

pachy- : *thick*

pachyderm : *thick-skinned animals* Der 1

Indo-European

POK:128,163; KAS:10; PRT:234; SYN:107

Bher 1 : *to carry*

Bhrâ-tar : *load carrier (of family), brother* Ter 3

Avestan / Old Persian

POK:128

bar : *to carry, ride a horse*

baraiti : *carries*

Pahlavi BQT:253

burtan : *to carry away*

bâr 1 : *load*

xâyak-bâr : *egg carrying fish, caviar* Aw

Persian POK:128; BQT; AEF:208,212

bordan : *to carry, take*

بردن

bâr 1 : *load, fruit (tree load)*

بار ۱ (بَر، برخوردار)

xâviyâr : *caviar*

خاویار

barîd : *mail carrier*

بَرید

bâreh : *carrier, horse*

باره

یکی ترگ رومی به سر برنهاد - یکی باره زیر اندرش همچو باد

Ferdowsī

PLA:48, TAD:9 and AFM:18 claim "barîd" is from Pahlavi "burtan".

BQT, MON and AKD:50 claim it is from Latin "veredus: carrier".

Avestan BQT:821, 1773, 1858, 2245; HRN:68,240; FFD:42

aspa-bâra : *horse load, horse rider* Ekwos

xar-bâra : *donkey load, unit of weight* Kar 1

gâtu-bâra : *bed carrier* Gwa

gaoša-vare : *carried by ear* Ous 1

duš-vare : *difficult to carry* Dus

pari-bhar, pari-bar : *carry around, raise (a child)* Per 1

Persian BQT; SNS:133

- وار ۱، سوار، خروار، گهواره

گوشواره، دشوار، امیدوار

پروردن، پرورش، پروردگار

Avestan

BQT:66; MON:1395; DRM:292; FFD:28

â-vare, â-bar-a : *bring* Apo

mîžda-vare : *wage earner* Miždho

dâtô-vare : *carrier of justice* Dhë 2

hvare-varân : *where sun goes, west*

Sâwel

Persian BQT; FSF:58

آوردن، مزدور، داور، دستور، رنجور

خاور، پیامبر، جنگاور، گنجور، جانور

مهر دیدم بامدادان چون بتافت

از خراسان سوی خاور میشتافت

Rūdakī

For a discussion on "dastūr:priest" see "Dhë 2"

PART 2

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Indo-European

POK:128,163; KAS:10; PRT:234; SYN:107

Bher 1 : to carry**Bhrâ-tar** : load carrier (of the family),
brother [☞] Ter 3

Old Persian

POK:128

bar : to carry, ride a horse

Old Persian KNT:200

â-bar : perform

pati-â-bar : bring back, restore [☞] Per 3parâ-bar : take away [☞] Per 1pari-bar : protect, preserve [☞] Per1fra-bar : grant [☞] Per 1

Greek AHD

pherein : to carry

phôs-phoros : light bearing (substance) [☞] Bhâ 1

French

AHD

phosphore

Persian MON:2546

fosfor (فسفر)

English AHD:986

phosphor

Avestan POK:163; KLN:204

brâtar : brother

Persian HRN:45

barâdar : brother برادر

Sogdian SOD:107

br't : brother

Germanic AHD; KLN:203

beran, burthiz, bur, brengan

brôthar : brother

English

bear 1, birth, burden, bring
brother

Latin AHD

ferre : to carry

frater : brother

English

defer, differ, fertile, offer, prefer, refer, suffer, transfer
fraternity

Indo-European IEC:19

Ambhō-Bhor, Ambhor : a two-handed
tool for carrying (hot) objects [☞] Ambhi

Persian IEC:19

ambor : pliers (انبره ، انبردست)

Indo-European POK:137

Bher 2 : to cook

Old Persian POK:137; BQT:270; HRN:47

braij : to cook, fry

Pahlavi SNS:103; BQT:270

brištāg : roasted

brējan : fry roast

Persian MON; BQT:255,270; AEF:256; FFD:37

berešteh : roasted, toasted (برشته)

beryân : roasted بریان

berijab : baking oven (بریزن ، بریز)

Latin AHD

frigere : to roast

English

fry

Bher 3 | Bher 4

Indo-European POK:133, 166

Bher 3, Bhrei : *to cut, pierce*

Avestan

HRN:49; BQT:270

brāy : *to cut*

Pahlavi SNS:105

brīdan : *to cut*

Persian POK:133; BQT:270; HRN:59

borīdan : *to cut* (بریدن (برنده ، برش)

bor : *cutter* (بر (شیشه بر ، سنگ بر ، آهن بر)

bīl : *shovel* بیل

Germanic AHD

borôn : *to bore*

English

bore

Latin AHD

forare : *to pierce*

ferīre : *to cut*

frīcare : *to rub*

English

perforate, interfere
friction, debris

Indo-European KLN:182

bherd : *to cut*

Germanic

BURD : *board*

English AHD

board
border

Indo-European POK:136

Bher 4 : *bright, brown*

Avestan

POK:136; KLN:158

bowra : *red, brown*
animal, beaver

bawraini, bawri : *beaver*

Persian BQT:231,314,315; MON:601; AEF:295

būr : *brownish red, red horse, flushed from embarrassment* بور

būreh : *borax, white* بوره (بورک ، بورق)

بیازید چنگال گردی بزور - بیفشارد یک دست بر پشت بور
Ferdowsī

Arabic BQT:315

būr̥q : *white, shining*

TAD:14 links this word to the Arabic root "B.r.q: shines".

French PHN:71

borax

English AHD:152

borax, boric, Boron

Pahlavi MON:471

bavarak : *beaver*

Persian MON:471

babar : *beaver, red fox* بَبر

Germanic KLN:158; AHD

brūnaz : *brown*

bero : *brown animal, bear, beaver*

English

brown, brunet,
beaver, bear 2, Bernard

Indo-European AHD:1510; POK:132,143; IEC:116

Bher 5, Bheru, Bhereu, Bhreu, Bhru 2 : to boil, bubble

Persian IEC:116; MON:575

balvâ : tumult

بلوا

MON:575 claims this is from an Arabic root

Germanic AHD

breuwan : to brew
braudam : cooked food, bread
brudam : broth
brôd : hatching

English AHD

brew
bread
broth
breed

Germanic AHD

brēthaz : warm air, breath
bres : burning
brenw : to burn
brandaz : a flaming torch

English AHD

breath
braise, breeze
burn
brand, Brandy

Latin AHD

fer-mentum : yeast
fervere : to be boiling

English AHD

ferment
fervent

bherd

see root: Bher 3

Indo-European POK:139

Bhereg, Bhreg : to shine, bright

Avestan POK:139; BQT:137

brâz : to shine

Persian BQT:247; MON:493

barâzîdan : to look nice

برازیدن

barâzandeh : well suited, fit

برازنده

Sogdian SOD:106

br`z`nt : shining

Germanic AHD

berhtaz : bright
berkjôn : white tree, birch
adel-berant : bright in nobility (Albert) [⚡] Åtos

English

bright, Albert, Robert
birch

Bhereu

see root: Bher 5

Indo-European POK:140

Bhergh : *high*

PART 1

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Avestan

POK:140; KLN:188; KNT:200; VDQ:36; MAG:181

berez 1, berezi, berezra, barš,
bareš, berezant, barzman : *high*
barz-ahva : *higher world* [⚡] An 1

Persian

KLN:148; BQT:254,256,300; FSF:78; VDQ:36

borz : *tall, tallness* بُرز
barzax : *middle stage (above hell)* برزخ
barzoy : *"great", a name* برزوی، بروزیه
Fariborz : *"with elegant height",
a male name* [⚡] Sâwel فربرز
نه کوهست از این برزتر در جهان
نه یاقوت دارد جز اینجای کان
Asadī

Persian

KLN:148; BQT:254,256,300; FSF:78

boland : *high* بلند
bâlâ : *up, above* بالا
bâlâ-xâneh : *balcony* [⚡] Gwhen 1 بالاخانه

Italian

LKT:17

barbacane : *a watch room on castle wall*
balcone : *balcony*
AHD derives these words from other roots

French

PHN:55

balcon

Persian

MON:467

bâlkon بالکن

English

KLN:148; LKT:17

barbican, balcony

Avestan

SOD:1

bereg, â-bereg : *high,
desirable*

Pahlavi

SOD:1

âwarzog, ârzôk : *wish, hope*

Persian

BQT; MON:42

ârezû : *hope, wish* آرزو
آرزومند

Avestan

SOD:104

bareša : *high on top
(of a horse neck), mane*

Sogdian

SOD:104

bnš : *mane*

Persian

SOD:140

faš : *mane* فَش (بَش، پَش)
بَش و یال اسبان کران تا کران
براندوده بر مُشت و بر زعفران
Ferdowsī

Sogdian

SOD:1

â-brxsy : *wish*

Old Persian

KNT:200,201

bard- : *to be high or tall*
Bardiya : *the glorified (person)*
baršan : *height, depth*
braz : *prayer*

Persian

FSF:79; KNT:200

Bardiyeh : *"great, tall", a historic male name* بردیه
barmaneš : *with high manners and thoughts* برمنش
bar 2 : *high* [⚡] Upo بُر (برتر، برترین، برین)
از این دخت مهراب و از پورسام - گوی برمنش زاید و نیکنام
Ferdowsī

See root "Upo" for another derivation.

PART 2

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Indo-European 📖 POK:140

Bhergh : *high*

Sanskrit 📖 KLN:194; KNT:201

brhant : *high*brahman : *religious devotion,
prayer*

Persian 📖 BQT:269

brahman : *Priest of an old Indian religion*

برهمن (برهمنه)

دگر باره مهمان دشمن شدی - صنم بودی اکنون برهمن شدی
Ferdowsī

English 📖 KLN:194

Brahma, Brahman

Germanic 📖 AHD

bergaz : *hill*burgs : *hill fort*harja-bergaz : *army hill, harbor* 📖 Koro

English 📖 AHD

iceberg, Canterbury, borough, harbor

Latin 📖 AHD:1509

burgus : *fortified place, town*

Old French 📖 AHD:156

bourg : *town*burgeis : *townsmen*

Persian 📖 MON:601

būržūā : *townsman*

بورژوا

English 📖 AHD:156

bourgeois : *the middle class*

English 📖 AHD

burg, burglar

Latin 📖 KLN:614; AHD:1509

horctus : *high, good*fortctus, fortis : *strong*

English 📖 AHD

fort, force, comfort, effort

Bheru

see root: Bher 5

Bheu

see root: Bhôu

Bheu 1

see root: Beu 1

Bheu 2

see root: Beu 2

Bheu 3 | Bheu 3

Indo-European  POK:146

Bheu 3 : *to exist, grow*

Avestan / Old Persian

 POK:146; BQT:111

būta, bav : *to exist, become*

būšyant, būšyeity : *will exist*

Persian  POK:147; BQT:111,314; MON:603; AEF:293

būdan : *to be*

بودن (بادا، بو ۲)

bāšīdan : *to be*

باشیدن (باشنده، باش، باشد)

bovesh : *being, existence*

بُوش

چو یزدان چنین راند اندر بوش - برآن بود چرخ روان را روش
Ferdowsī

Avestan / Old Persian

 POK:146; BQT:111; KNT:200

būmī : *earth*

būmī-mathan : *earthquake*

urvarā : *plant*

Pahlavi

 AEF:298

būm 2 : *earth*

būmahan : *earthquake*

urvar : *plants*

Persian

 POK:147; BQT:320; MON:401; AEF:299

būm 2 : *earth, country*

بوم ۲

būmmahan : *earthquake*

بومهن (بومهن)

ūrvar : *plant*

اورور

برآمد یکی بومهن نیمشب

Garshāsp

تو گفستی زمین دارد از لرزه تب

Avestan  BQT:223; SYN:1503; POK:146

būiti, buiti daevo : *name of a demon encouraging idolatry*

BQT:233 claims Avestan name "buiti" is cognate with the Sanskrit word

"bhūta : a being, phantom, ghost" from the Indo-European root "Bheu".

Avestan

 BQT:234

būiti-kata : *idol*

house  Ket

Persian  MON:472; BQT:234

bot : *idol*

بُت (بتکده، بتخانه، بت پرست)

در دل ندهم ره پس از این مهر بتان را - مهر لب او بر در این خانه نهادیم
Hāfez

See "Pwt" for another possible root.

Hindustani

Portuguese

English  SKT:366; LKT:30; AID:233

pagoda : *prayer house*

See HJB:652 for a discussion on this word.

Sanskrit  SYN:1503; POK:146

bhu : *become be*

bhūta : *a being, ghost, phantom*

Germanic

English  AHD; POK:149

be, build, beam, booth, boom, husband, neighbor, arbor, herb, bower

Greek  AHD

phuein : *to make grow*

English

physics

Latin  AHD

futurus : *that is to be*

pro-bhwo : *growing forward*

super-bhwo : *being above*

tri-bhu : *third being, the third, a section of the Roman empire*

English  AHD

future

prove

superb

tribe, tribune, contribute

Indo-European POK:150

Bheudh : *to be aware, enlighten*

Avestan / Old Persian

POK:151; BQT:311; FFD:39

baoidi, baodhi, baud-a : *nice aroma*

Persian BQT:311

būy : *smell, aroma*

بوی (بو)

būy-yīdan : *to smell*

بویدن

bū-stān : *place of flowers* Stā

بوستان

Avestan / Old Persian

FFD:40

pati-baus : *to smell, expect, guess*

Pahlavi

FFD:40

payôš : *expect*

Persian FSF:98; FFD:40; BQT:342

bīyūsīdan : *expect, hope*

بیوسیدن (بیوس)

bīyūsandeh : *hopeful*

بیوسنده

nā-bīyūsân : *unexpected*

نابیوسان

برآمد یکی نابیوسان نبرد

که دریا همه خون شد و دشت گرد

Asadī

Sogdian SOD:113

bws : *incense*

Sanskrit AHD

būdhati : *he awakes*

būdha : *wise, aware*

Persian BQT:313

būdā : *Indian philosopher*

بودا

English AHD

Buddha

Germanic AHD

English

bid, forbid

Indo-European POK:152

Bheug, Bheugh : *to purify, save, free*

Avestan POK:152

baog, bunja : *to save*

baoxtar : *rescuer*

Pahlavi

POK:152; SNS:106

bōxtan : *to save, free*

bōzišn : *pardon*

Persian SNS:96,106,107; MON:476

boxt : *saved, rescued, forgiven*

بخت ۲

pūzīdan : *to ask for pardon*

پوزیدن

پوزش، پوز

Old Persian KNT:199

baug : *to set free*

baga-buxša : *God-freed* Bhag

Latin POK:152; AHD

fugere : *to flee*

English AHD

fugitive, centrifugal, refuge

Bheugh

see root: Bheug

Indo-European 📖 POK:153

Bhili, Bhilo : good, friendly, loving

SYN:1110 claims this is an Anatolian word

Greek 📖 POK:154

philos : love

Greek 📖 AHD; KLN

philo-sophos : fond of wisdom
↳ Sophos

Arabic 📖 TAD:53

falsafah

Persian 📖 MON:2567

falsafeh : philosophy
فلسفه
فيلسوف ، فلاسفه

Latin 📖 AHD

French 📖 AHD

English 📖 AHD

philosophy

Greek 📖 AHD; KLN

philo-armonica : fond of music
↳ Ar

philo-hippos : fond of horses
↳ Ekwas

philo-adelphos : fond of brother
↳ Gwelbh

Latin

French 📖 AHD

Persian 📖 VOP:257

فيلارمونيك ، فيليب

English 📖 AHD

Philadelphia
Philip
philharmonic

Persian 📖 MON

Filâdelfiyâ
فيلادلفيا

Greek 📖 AHD; KLN

sūs-philos : friend of swine (shepherd's name) ↳ Su 2

Latin

French 📖 AHD:1306; KLN:1561

Syphilis : name of a shepherd in a poem by a physician (1530) who was the victim of a disease that was later named after his poem hero, Syphilis.

Persian 📖 MON

sîfilîs
sefilîs
سیفیلیس
سفلیس

English 📖 AHD

syphilis

Greek 📖 AHD; KLN

philo-anthôpos : fond of people
↳ Ner 1

philo-logos : fond of reasoning

Latin

French

English

philanthropy
philology

Bhilo

see root: Bhili

Bhlel

see root: Bhel

Bhleu

see root: Bhel

Bhleu

see root: Bhel

Bho

see root: Bhé

Indo-European POK:161

Bhôi : *to fear*

Avestan POK:161,162

bay : *fear*

bhâyaka : *fear*

Persian POK:162; HRN:39,59; BQT:340

bîm : *fear*

bâk : *fear*

بیم
باک

Sanskrit AEF:320

bhay : *to fear*

bhî-ma : *dreadful*

Persian MON:633

bîmeh : *insurance*

بیمه

IEC:723,1562 links this word to root "Weid, Woid: to see"

Bhombhos

see root: Bamb

Indo-European IEC:98

Bhôu, Bheu : *joy, satisfaction*

Sanskrit IEC:98

bhâvita : *well arranged*

Persian IEC:98; MON:607

bûyeh : *desire, hope*

بوی^۲، بویه

چه جورها که کشیدند بلبان از وی

ببوی آنکه دگر نو بهار باز آید

Hâfez

Bhrâ-tar

see root: Bher 1

Bhrâ-ter

see root: Bher 1

Bhra-ter

see root: Ter 3

Bhreg

see root: Bhereg

Bhrei

see root: Bher 3

Bhreu

see root: Bher 5

Indo-European POK:172

Bhru 1 : *eyebrow, beam, log*

Avestan POK

brvat : *brow*

Pahlavi BQT:80

brūk

Persian POK:172; BQT:80; FSF:81

abrû, borû : *eyebrow*

ابرو، بُرو

سیاوش ز گفت گروی زره - بُرو کرد پرچین، رخان پر گره

Ferdowsî

Germanic AHD

brus : *eyebrow*

English

brow, eyebrow

Germanic AHD

brugjô : *wooden bridge*

English

bridge

Bhru 2

see root: Bher 5

Bhu

see root: Beu 1

Bhudh

see root: Bhun

Indo-European POK:174

Bhugo : male animal of various kinds

Avestan POK:174; AEF:272

buza, būza : buck, goat

Pahlavi BQT:271; AEF:272

buc, būž : goat

Persian

boz : goat

بُز

Germanic AHD

bukkaz : male animal

English

buck

Celtic AHD

bukkos : male goat

English

butcher

Indo-European POK:174; IEC:124

Bhun, Bhudh : base, bottom

Avestan POK:174

būnô, būnâ : base

Pahlavi BQT:304; AEF:288

bun : base
bun-dât : foundation

Persian BQT:304; BRT:968; NYB:50; AEF:288,290

bon 1 : base, foundation, house

boneh : house, nest, shelter

bonyâd : foundation, establishment

چوسیم رغ را بچه شد گرسنه - به پرواز بر شد دمان از بنه
Ferdowsi

بُن ۱

بُنه

بنیاد

Old English KLN:189; AHD:1510

botm : lowest part

English

bottom

Latin AHD

fundus : bottom

English

foundation, fundamental, profound

Pahlavi 📖 UNV:78

Bistak : *pistachio*

Persian 📖 PLA:210; AHD:998

pesteh : *pistachio, figuratively used to mean (smiling) lips*

پسته

Hāfēz گرچه از کبر، سخن با من درویش نگفت - جان فدای شکرین پسته خاموش باد

Greek 📖 AHD:998; PLA:210; SKT:394; KLN:1190

pistake, pistakion

MON:2545 claims these Greek words were borrowed from Arabic.

Latin 📖 AHD:998

pistacia, pistacium

Italian 📖 KLN:1190

pistacchio

English 📖 AHD:998

pistachio

Arabic 📖 PLA:210

fustug, fostoq : *pistachio*

MON:2545 claims this word is taken from Aramaic and then passed to Greek.

Persian 📖 MON:2545

fostoq : *pistachio*

فُسْتُق (فستقی)

ماه تمام بر فلک سبز پوش نیست

چون عارض تو پیش خط سبز فستقی

Ahmad Ebn Mohammad

French 📖 AHD:535

English 📖 AHD:535

fustic, fistic

Arabic 📖 KLN:44

B.k.r : *he rose up early*

Arabic 📖 KLN:44

bīkr : *early, fresh, young, virgin***al-bakrah** : *the young camel*

Persian 📖 FVA:51

bekr : *fresh, young, new, virgin*

بکر (بکارت)

ebtekâr : *ingenuity, fresh idea*

ابتکار (مبتکر)

Spanish 📖 AHD:29; KLN:44

al-bacora : *"the young camel", referring to a large fish*

English 📖 AHD:29; KLN:44

albacore : *a large fish*

B.n.v | Boqčâ

Semitic 📖 KLN:163; FVA:53

B.n.v : son, child

Arabic

📖 KLN:163; FVA:53

b.n.v : child

ibn : son

bent : daughter

Persian 📖 MON5:85,285; FVA:53; FSD:197

ebn : son

bent : daughter

banî : sons, children

Ebne-Sînâ : Avicena. A Khwarazmian scholar (980-1037)

Avicena's book, "Canon of Medicine", was the first guide to medical studies in Europe from 12th to 17th century. He published his books in Arabic and was, therefore, often mistaken as an Arab scholar.

ابن

بنت

بنی (بنی آدم ، بنی هاشم)

ابن سینا

English 📖 FSD:197

Avicena, Avicenisim

Hebrew 📖 KLN:163, 164

bēn : son

Ben-yâmîn : son of the right
(prosperous) hand 📖 Y.m.n

Reû-bhen : behold a son

Persian

Benyâmîn : Benjamin

چون نه یعقوبی و نه بن یامین - زین دعا نشنوی مگر آمین
Hadîqat-ol-Haîqat

بنیامین

English 📖 KLN:163; AHD

Benjamin, Ben, Big Ben, Reuben

Turkish 📖 MON:551

Boqčâ, Bûqčâ : a large napkin,
linen for wrapping clothes in it

Persian 📖 MON:551,555

boqčeh : bundle, pack

بغچه (بقیچه ، بوغچه)

Arabic

📖 PLA:53; LAM:37

bouqčeh : bundle

French 📖 TAD:12; LAM:37

bagage : luggage

English

📖 AHD:99; SKT:35; LAM:37

baggage

Semitic 📖 FVQ:75

B.r.k: originally "to kneel" used of the camel.
Eventually the root developed the sense of "to bless".

Arabic 📖 KLN:164; FVQ:75

b.r.k: to bless
barakat: blessing

Akkadian 📖 KLN:164; AHD:579

karābu: to bless (letters are interchanged)

Hebrew 📖 KLN:164, 274

berākah: blessing
kerūbh: a winged
angel (consonants
R & B are reversed)

Arabic

📖 MON:2958

karūbiyy: a winged
angel

Persian 📖 MON:2958

karrūbī: angel (کروبیان، کروبیون)
به تحدید اگر بر کشد تیغ حکم
بمانند کَرَوِ بیان صَم و بُکم
Sa'dī

English 📖 AHD:231

cherub: a winged angel (of love)

Greek 📖 AHD:579; KLN:680

gruphos, grups: an
eagle-headed lion

Latin

📖 AHD:579

gryphus

Old French

📖 KLN:680

grifion

English

📖 AHD:579

griffin

Semitic 📖 KLN:514

B.r.q: to shine

Arabic 📖 KLN:514

b.r.q: to shine

Akkadian 📖 KLN:514

baraqtu: lightning

Greek 📖 KLN:514

smaraldos: a shiny stone, emerald

Arabic

📖 MON:1746

Latin 📖 KLN:514

smaragdus

Old French 📖 KLN:514

esmeralde

Sanskrit 📖 SKT:163; KLN:514

marakata: emerald

Persian 📖 FVA:45; SOR:35

barq: lightning, electricity (برق (براق، بارقه)
چو برق درخشنده از تیره میغ - همی آتش افروخت از هر دو تیغ
Ferdowsī

Persian 📖 MON:1746; KLN:514

zomorrod: emerald (زمرد)
هر آنکه همچو زمرد ز آب خود سبز است
نه شأن ابر شناسد نه شوکت دریا

English 📖 AHD:427

smaragdite: a green mineral

English 📖 AHD:427

emerald

Bu | B.w.s

Indo-European  POK:103; SYN:1113

Bu : *lip, kiss*

Kissing, as an expression of affection, is unknown among many races. There is no conclusive evidence that kissing was known in the Indo-European times.

Persian  POK:103

būs : *kiss*

Ferdowsī

بوس (بوسیدن)
رخ لاله رخ گشت چون سندروس - به پیش سپهد زمین داد بوس

Germanic  AHD

kusjan : *to kiss*

English  AHD

bus : *to kiss loudly*

Indo-Schythian  ISS:256

Būnai : *naked, uncovered*

Avestan  ISS:256

mağna : *naked*

See "Nogw: naked" for another possible root

Pahlavi  ISS:256

brahnak : *naked*

Persian  ISS:256; MON:517

berehneh : *naked*

برهنه
See "Nogw: naked" for another possible root.

Sogdian  ISS:256

bğn'k, bğny : *naked*

Būqčā

see root: Boqčā

Aramaic  TAD:12; KLN:144

Busmā, Besmā : *perfume*

Hebrew  KLN:144

bāsam : *spice, balsam plant*

Greek  KLN:144

balsamon : *balsam plant*

Arabic

 TAD:12; MON:567

bašām : *perfume*

balsām : *balsam plant*

Persian  MON:540,567

balsām : *any resinous plant*

bašām : *seed of a balsam plant*

بلسام
بشام

Latin  KLN:143

balsamun : *balsam*

English  KLN:143

balsam, balsamine, balm, embalm

B.w.s

see root: B.y.z

Semitic 📖 KLN:167

B.y.t. : *house*

Arabic 📖 KLN:167

b.y.t. : *house*bayt : *house*

Persian 📖 FVA:55; MON:618

bayt : *house, room, a line of poem*

بیٔ
ای زوصلت خانه ها دارالشفاء - وی زهجرت بیت ها بیت الحزن Sa'di

Hebrew 📖 KLN:167; FSD:266

baith : *house*Beth-él : *the house of God* ^{אֱלֹהִים} LayhBéth-lexem : *house of food*

English 📖 AHD:127

Bethel, Beth

Bethlehem

Indo-Schythian 📖 ISS:262

Byŭrru : *ten thousand*

Avestan

📖 ISS:262; AEF:324

baevar, baevare :

ten thousand

Pahlavi 📖 AEF:324

bēvar : *ten thousand*bēvar-asp : *(with) ten thousand horses*^{𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥} Ekwas

Persian 📖 MON:635; FSF:98

bāvar : *ten thousand*Bīvarasp : *"with 10,000 horses"*

Ferdowsi

بیور
بیموراسپ
کجا بیور از پهلوانی شمار
بود بر زبان دری ده هزار

Sogdian 📖 ISS:262

brywr : *ten thousand*

Armenian 📖 ISS:262

biur : *ten thousand*

Semitic 📖 KLN:215

B.y.z, B.w.s : *to be white*

AHD:183 ultimately derives this from Egyptian "W.z.linen".

Arabic 📖 KLN:215

b.y.z : *to be white*bayzeh : *egg (so called for its color)*

Persian 📖 FVA:56

batzeh : *egg*bayzī : *ellipse*bayyāz : *whiteness*bayzā : *white, the shining hand of Moses*

شمع هدایت کجا دردل هر کس نهند - همچو کلیمی بگو دیده زیبضا طلب Vahshi

بیضه
بیضی
بیاض
بیضا

Hebrew

📖 AHD:183; KLN:215

bŭtz, būz : *white linen*

Greek 📖 KLN:215

bussos 1 : *linen*

Latin

English 📖 AHD:183

byssus : *white cloth used to wrap mummies*

C

The letter 'C' did not appear in early alphabets. The 'Č' or 'CH' sounds like 'K' in Greek. The 'CH' sound (as in church) is a relatively recent change.

Chinese 📖 KLN:1578; SHP:126

Č'a : *tea*

Chinese

📖 KLN:1578; SHP:126

t'a : *tea*

(South Chinese accent)

Malaysian

teh

Dutch

thee

Persian 📖 MON:1270; SHP:126

čây : *tea*

چای

English 📖 AHD:1320; KLN:1578

tea

Cairya

see root: Čirya

Indo-European 📖 OEW:51

Čar, Char : *idle chat*

Italian 📖 FSD:452; AHD:227

Cerreto : *a village in Italy famous for its idle chatters (quacks)*

Cerretano : *from Cerreto, idle chatter*
ciarlatano : *one who claims to have knowledge that he does not have*

French

📖 AHD:227

charlatan

Persian 📖 VOP:234

čarlâtân : *a person who claims skills he does not have*

شارلاتان

English 📖 AHD:227

charlatan

French 📖 AHD:228

charra : *to chat*

charrado : *a game of phrases and words*

English 📖 AHD:228

charades

Greek 📖 AHD:203; KLN:239; PRT:79

Čartēs, Xartēs : *leaf of papyrus*

Probably from an Egyptian origin

Arabic

📖 TAD:55; VDO:342

qertās : *paper*

Persian 📖 MON:2659

qertās : *paper*

قرطاس

Ferdowsī دبیر جهان‌نیده را خواند شاه - بیاورد قرطاس و مُشک سیاه

Latin 📖 AHD; KLN:239

carta, charta : *papyrus leaf*

French 📖 KLN:239

carte

Persian 📖 MON:2801

kârt : *card* (کارتون)

کارت (کارتون)

English 📖 AHD; KLN

card, carton, cartoon, cartridge, chart

Carya

see root: Čîrya

Čëxara

see root: Čîxâ

Char

see root: Čar

Chinese 📖 KLN:1479; AHD:1237

Chiang-yu: *soybean oil*

Entered Japanese as "shōyū"

Dutch 📖 KLN:1479

soja: *soybean*

OXF:406 claims this word entered Dutch through Japanese "shōyū".

French

Persian 📖 VOP:224

soyâ: *soya*

سویا

English 📖 OXF:406

soya, soy

Chinese 📖 SIN:565

Chou-shu, Shu-shu: *millet*

Mongolian 📖 SIN:565

Persian 📖 MON:2089; BQT:1309

šošo, šušū: *millet*

شوشو

Sūzanf خری که آبخورش زیر ناودان عصیر - علف عصاره بگنی وبخسّم وشوشو

"bagn" and "baxsom" are juices or wines extracted from seeds

Pahlavi 📖 PLA:157

Čîrâğ: *lamp*

Persian 📖 BQT:626

čerâğ: *lamp, light, illumination, guiding light*

Hâfëz چراغ درونها تیره شد باشد که از غیب - چراغی برکُند خلوت نشینی

Arabic 📖 PLA:157

ešrâğ: *illumination, intuition*šarq: *east (where sun rises)*

PLA suggests this as a possible derivation but is not certain.

Arabic 📖 AHD:1152

šarqīyîn: *easterners*

Greek

AHD:1152

Sarakēnos

Latin

AHD:1152

Saracēnus

Old French

AHD:1152

Saracin

English

AHD:1152; KLN:1383

Saracen: *an Arab*

Aramaic 📖 PLA:157

Arabic 📖 PLA:157; FVQ:166; SDQ:72

sîrāj: *lamp*

Persian 📖 FVA:188

serāj: *lamp*

سراج

Čirya | Čixâ

Avestan / Old Persian BRT:598; BQT:676; SYN:1150

Čirya, Ċirya, Cairya, Carya : *brave, quick*

Pahlavi BQT:676

cēr, čērīh : *strong, brave, quick, dominating*

Persian BRT:598; BQT:676

Čîr : *dominating, victorious*

چیر (چیره، چیرگی)
همی تا آ ز باشد بر جهان چیر - نگردد جان مردم از گنه سیر
Vis-o-Rāmīn

Ćirya

see root: Čirya

Sanskrit HRN:168

Čixâ, Ċixâ, Čëxara : *point, tip, any pointed thing, skewer*

Persian BQT:1203; HRN:168; FVF:383

SîX : *skewer*

سیخ (سیخونک)

Turkish TAD:38; BQT:1203; MON:2112

şîş : *skewer*

şîşlik : *meat roasted on a skewer*

şîş-kabob : *meat roasted on a skewer*

Persian MON:2112

şîşlik

şîşkabâb

شیشلیک

شیش کباب

English AHD:1196

shish kebab : *pieces of seasoned meat roasted and served on skewers*

Čixâ

see root: Čixâ

Old Persian  HRN:99

Čop : *stick, wood*

Čop-gân : *a long stick*

Persian  HRN:99

čūb : *wood, stick*

چوب

čowgân : *club, polo*

چوگان

Hāfēz ای جوان سرو قد گویسی بزن - پیش از آن کز قامتت چوگان کنند

Turkish  LKT:35

čūb : *wood, stick*

čubūq, chībuq : *smoking pipe (made from a wooden stem)*

Derivation of the Turkish word from Persian is not clear.

Persian  ARK:211

čopoq : *smoking pipe*

چپق

French  WEB:312

chibouque : *pipe*

English  KLN:275

chibouk : *tobacco pipe*

Greek  SKT:87

French  WEB:312

chicaner : *to wrangle or dispute in a game*

English  WEB:312

chicane : *trick*

chicanery : *cheating*

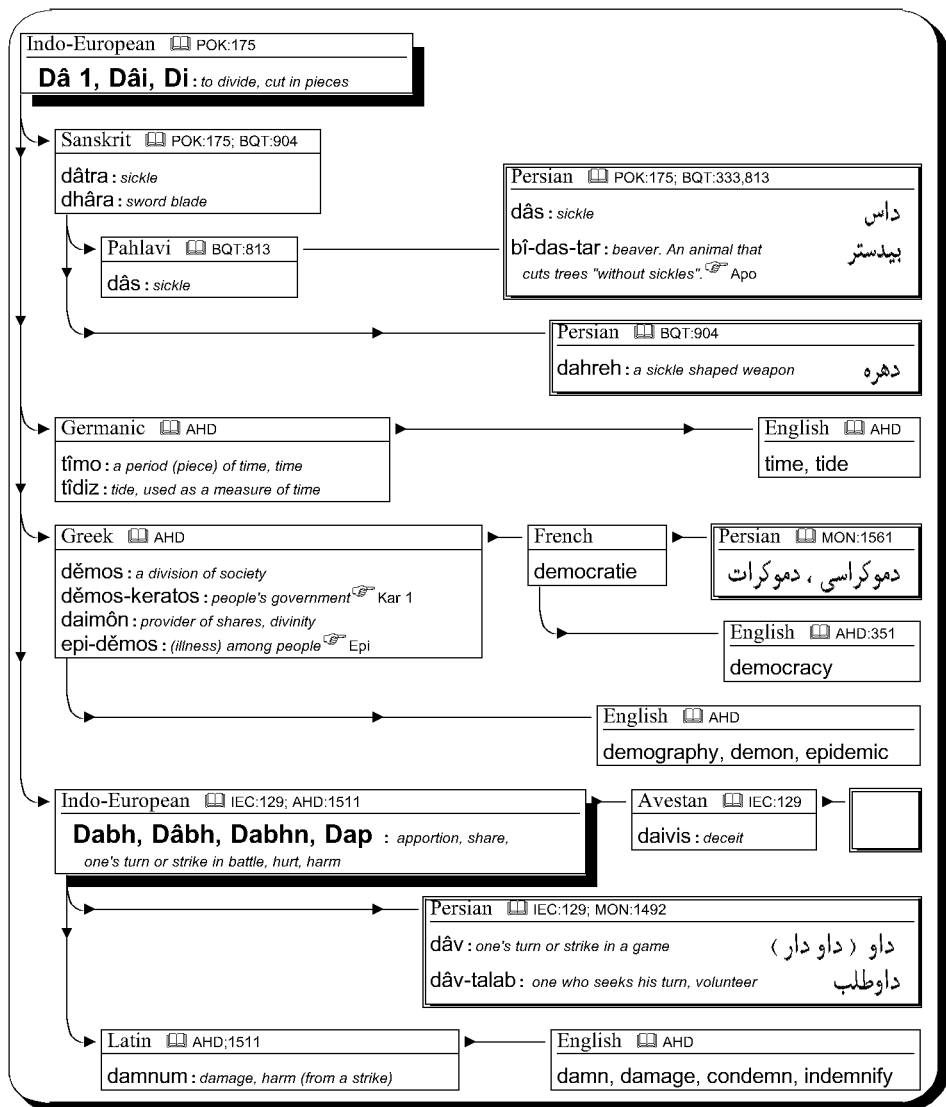
Čop-gân

see root: Čop

Črgāla

see root: Srgāla

D



Indo-European POK:175

Dâ 2 : *to flow*
Dânu : *river*

Avestan / Old Persian POK:175; IRN:123

dânu : *river, water*

nâv-dân : *water river (path), gutter* See Na 1

danuva : *to flow*

Dânavo : *Danube river*

Persian IRN:123

nâvdân : *gutter*

ناودان

Greek POK:175; IRN:123; MON:5:772

Dânao : *Danube*

This word apparently entered European languages through Scythians (7th century B.C.) or Iranian immigrants in Greece.

French

Danube

Persian MON:5:516

Dânûb

دانوب

English FSD:652

Danube

AHD derives this through Latin "Dânuvius"

Dabh
see root: Dâ 1
Dâbh
see root: Dâ 1
Dâbhar
see root: D.b.r
Dabhn
see root: Dâ 1
Dâi
see root: Dâ 1
Dakru
see root: Akru
Dânu
see root: Dâ 2
Dap
see root: Dâ 1

Semitic

Daqal : *fruit of palm tree, date*

Arabic KLN:403; SAP:471

daqal : *inferior date palm*

Persian MON:1543

daqal : *date*

دقل

Greek KLN:403

daktulus : *date*

Latin AHD:337

dactylus : *date*

French

datte

English

date 1 : *fruit*
Dayânu
see root: Dînu

Semitic 📖 KLN:406

D.b.r : to buzz
Dibbēr : he spoke
Dâbhar : word

Arabic 📖 KLN:406

dabbūr, zunbūr : bee
 z.b.n : bee

Persian 📖 FVA:180

zanbūr : bee زنبور

Hebrew 📖 KLN:406

Debhôrâh, Davôrâ : bee,
 name of a prophetess in Bible

English 📖 AHD:340

Deborah, Debbie

Indo-European 📖 POK:183

Dě 1 : to bind, tie

Sanskrit 📖 POK:183

dâman : bind, trap

Persian 📖 BQT:817

dâm : trap دام ۲

Greek 📖 POK:183

dein : to bind
 dia-dein, dia-dēma : a headband tied on two sides 🌀 Dwo

Persian 📖 BQT:921; MON:1603

dayhîm : crown ديهيم

Latin 📖 AHD:363

diadema : crown

English 📖 KLN:440

diadem : crown, royal headband

Indo-European 📖 POK:181

De 2, Do 1 : demonstrative stem

Avestan 📖 POK:182

ka-da, ka-tha : when 🌀 Kwo

Persian 📖 BQT:1748; HRN:96

kay 1 : when کی ۱

Avestan 📖 POK:183; KLN:1622

yeth : at present
 yathât : from where
 dim : him, her, he, she
 dit : it
 -da 5 : toward, to

Germanic 📖 AHD

tô : to

English

to, too

Indo-European 📖 POK:183; AHD

Dei, Deiw, Dyeu, Dyē : *to shine, used to describe bright days and heavenly spirits*

Avestan

📖 POK:185; AHD:1511; BQT:917; SNB:126

daēv, daēvoh : *the meaning, originally, was God but later, when Zoroaster introduced Ahuramazda, old gods were considered as demons.*

Persian 📖 HRN:133

dīv : *demon*

dīvāneh : *mad*

دیو
دیوانه
ما به سلیمان خوشیم ، دیو و پری گو مباش
حسن تو از حد گذشت ، شیوه گری گو مباش
Molavi

Sanskrit

📖 POK:183; AHD

dī, dīp : *to shine*

Pahlavi

📖 BQT:908; SNS:313

dēpāk, dēbāg : *a colorful type of cloth*
BQT is not certain about this derivation.

Persian 📖 BQT:908

dībā : *a colorful cloth*

دِیبا (دیبه ، دیماج)
در گنج دینار و پرمایه تاج
همان گوهر و دیبه و تخت و تاج
Ferdowsi
See root "Zay" for another possible derivation.

Latin 📖 AHD

deus : *God*
diēs : *day*
jovis, jūlius : *from Jupiter*

French 📖 AHD:707

journal : *daily paper*

Persian 📖 MON:1778

žornāl ژورنال

English 📖 AHD:707

journal

English 📖 AHD

deity, divine, dial, diary, journey, Jupiter, July, Julian, Julius

Germanic 📖 AHD

tiwaz : *god of sky*

English

Tuesday

Greek 📖 AHD

Zeus : *ruler of the heavens*

English 📖 AHD

Zeus

Deik | Deiw

Indo-European 📖 POK:188

Deik : to show

Avestan 📖 POK:188

daēs : to show,
demonstrate

Persian 📖 HUB:65; BQT:912

dīs, dīz : color, appearance, resemblance

- دیس ، - دیز
تندیس ، طاقدیس ، شب‌دیز
نه شیرین تر ز شیرین خلق دیدم - نه چون شب‌دیز شیرنگی شنیدم
Nezāmī

Germanic 📖 AHD

taikjan : to show

English

teach, token, toe

Latin 📖 AHD

digitus : pointer, finger
dicere : to say, dictate
index : indicator
iūdex : one who indicates

French

Persian 📖 MON

dīkteh دیکته
dīktâtor دیکتاتور

English

digit, dictate, index, judge

Greek 📖 AHD

dikein : to direct an object, throw

French 📖 KLN:459

Persian 📖 MON

دیسک

English 📖 KLN:433,459

disc, desk, discuss

Deiw

see root: Dei

Indo-European POK:189

Dek : take, accept, understand

Avestan POK:189; WLD1:784; SYN:1227

daxš 1 : make things understandable, teach
fra-daxš-tar : teacher Per 1, Ter 3
daxšta : knowledge, tool

Persian POK:189; BRT:667; BQT:827

daxš 1 : trade, occupation

دخشا

Latin AHD

docēre : to make things clear, teach (doctor, document)
decēre : to be acceptable (decent)
discere : to learn (disciple, discipline)
decus : grace (decorate)
dignus : worth taking (dignity)

French

Persian MON

doktor : doctor

دکتر

dekor : decoration

دکور

English

doctor, document, decent, disciple, discipline, decorate, dignity

Greek AHD

dokein : make things
clear, think

French MON:193

orthodoxe

Persian MON:193

ortodox : with correct thoughts

ارتودوکس

English AHD

heterodox, orthodox, paradox

Indo-European POK:190; AHD:1511

Deks : right, on the right side

Avestan

POK:190

dašina : right

Pahlavi

SNS:316

dašn : right

Persian SNS:316; BQT:866

dašn : right side, also the first (daily) sales

دشن

dašt : the first sales of a business in a day

دشتا

Latin POK:190; AHD

dexter : on the right

English AHD

dexter, dextro-

Indo-European POK:191

Dekm : *ten*

PART 1

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Avestan / Old Persian

POK:191; GPL:41

dasa : *ten*

aeva-dasa : *eleven* 12

tri-dasa : *thirteen* Trei

xšvaš-dasa : *sixteen* Sweks

nava-dasa : *nineteen* Newn

Pahlavi BQT

dah : *ten*

yācdah : *eleven*

sīkdah : *thirteen*

šāncdah : *sixteen*

navasdah : *nineteen*

Persian BQT

dah دَه ۱

yāzdah یازده

sīzdah سیزده

šānzdah شانزده

nūzdah نوزده

Avestan / Old Persian GPL:41; POK:191

saiti 1, sat : *a suffix meaning ten*

vi-saiti : *twenty* Wi

thri-sat : *thirty* Trei

čatvare-sat : *forty* Kwetwer

pančā-sat : *fifty* Penkwe

Persian GPL:41; BQT

بیست ، سی ، چهل ، پنجاه

Avestan / Old Persian GPL:41; POK:191

-iti, -ti : *a suffix meaning ten*

xšvaš-ti : *sixty* Sweks

hapta-iti : *seventy* Septm

ašta-iti : *eighty* Okto

nava-iti : *ninety* Newn

Persian GPL:41

شت ، هفتاد ، هشتاد ، نود

Germanic AHD

tehun, tehan : *ten*

English

ten, teen

Latin AHD:352; POK:191

decem, den : *ten*

decimus : *tenth*

duo-decem : *twelve* Dwo

French AHD

deca : *ten*

deci : *tenth*

douzaine : *dozen*

Persian MON:1572; VOP:167

dekā- دکا - (دکامتر)

desī- دسی - (دسیمتر)

dojīn دوجین

English

deci-, decimal, dime, December, dozen

Latin AHD:352;

dēn-ārius : *a silver coin*

worth ten bronze "asses".

Pahlavi BQT:916

denār : *an old*

monetary unit

Persian BQT:916

dīnār : *an old monetary unit*

دینار

Greek AHD:370

dēnāriōn

Arabic AHD:370

dīnār

English AHD:370; KLN:450

Dinar

Greek AHD

deka : *ten*

English

deca-, decade

PART 2

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Indo-European POK:191

Dekm : *ten*

Indo-European AHD

Dkm-tom, Kmtom : *hundred*

Avestan POK:191, 192

sata, satam : *hundred*

dve-sate, duye-saite : *two hundred* Dwo

Sogdian SOD:147

dwyst : *two hundred*

Greek AHD

hektaton : *hundred*

French

hectare : *a unit of area* As

Persian BQT

sad : *hundred*

صد

devist : *two hundred*

دویست

Persian MON:5159

hectâr : *hectare*

هکتار

هکتولیتَر ، هکتومتر

English AHD:609

hectare

English

hecto- : *hundred*

Germanic AHD

hundan : *hundred*

English

hundred

Latin AHD

centum, centenarium : *hundred*

per-centum : *by hundred*

French

Persian MON:1810

sântimetr

سانتیمتر

pûrsântâz

پورسنتاز

English AHD

centimeter

English

cent, century, percent, centenary, centennial

Greek VDQ:352

kentmnarion : *of a hundred*

Aramaic VDQ:352

Arabic MON:2734

qentâr : *a unit (100 dinars) for measuring large amounts of jewelry.*

Persian MON:2734

qentâr : *a measure or container of valuables*

قنطار (قنطایر)

Nâser-Khosrow

از زرد و سرخ مرد بنفریبد - نار است صرّه وی و قنطارش

Deks

see root: Dek

Del | Dem

Indo-European POK:197; KNT:190

Del, Digho : long

Avestan POK:197; BQT:829; SNS:324

daraga, daraġa, drājah : long
drang : hesitation

Sanskrit SNS:182

dīrġā : late

Old Persian KNT:190

darga : long

Germanic AHD

langaz : long

Latin AHD

longus : long

Persian POK:197; BQT:829,841; SNS:182

derâz : long

dīr : late

derang : length of time, hesitation

دراز

دیر

درنگ

English

long, belong, along

English

oblong, prolong, longitude

Indo-European POK:198

Dem, Domu : house

Avestan POK:199; KNT:302

demâna, nmâna, mân 3 : house
garô-demâna : prayer house,
sky Gwer 2

Pahlavi BQT:894,1949

mân : house
dūtak-mân : smoke house.
Family members who sit
around a fire Dheu 2

Persian SNS:239

mân : house

dūdman : family

مان ۲

دودمان

Persian BQT:1793

garzmân : sky

گرزمان

Old Persian KNT:202

mâna 2 : house
mânya : domestic, house servant

Latin AHD

dominus : lord of the house
domina : lady of the house

French AHD:782

ma-dame : my lady

Persian MON:3681

mâdâm

مادام

English AHD:782

Madame

Italian OEW:58

don : lord
donna, ma-donna : lady, my lady

English OEW:58

Madonna

English AHD

dome, domestic, domain, dominate, condominium, danger, dungeon

Germanic

English AHD

timber

Indo-European POK:199; KLN:442

Dema : *to tame and domesticate animals*

Avestan BQT:817

dâman 1 : *domestic animals*

Persian KLN:1569; POK:199; BQT:817

dâm : *domestic animals*

Ferdowsī

دام^۱
دامداری ، دامپزشکی ، دامپروری
پذیرندهٔ هوش و رای و خرد - مراو را دَد و دام فرمان برد

Greek AHD

daman : *to tame, conquer*a-damas : *unconquerable, hard stone*

Pahlavi

BQT:159; MON:342

almâs : *hard stone*

Persian

almâs : *diamond*

الماس

Latin AHD:364; KLN:442

adamas, dīamas : *hard stone*

English

diamond

Germanic AHD

tamaz : *tame*

English

tame

Indo-European POK:201

Denk : *to bite*

Avestan

POK:201; BQT:884; SYN:138

danta : *tooth*daitika : *wild (biting) animals*

Persian BQT:884; BRT:653; HRN:120

dandân : *tooth*dandeh : *rib*dad : *wild animal*

دندان
دنده
دَد
هیچ کنجی بی دد و بی دام نیست - جز به خلوتگاه حق آرام نیست
Molavī

Sogdian SOD:145

dt : *wild (biting) animal*

Germanic AHD

tangus : *tongs*tanhuz : *holding tight*teng : *spiky*

English

tongs

tough

zinc

Dēnu

see root: Dīnu

Indo-European  POK:203
Deph : to stamp

Greek  AHD
diphtera : prepared hide,
leather used to write on
BQT:870 indicates that this word may
have been derived from Sumerian "Dub".

Arabic
 HJB:329; KLN:487
daftar : record,
record book

Persian  BQT:869
daftar : record book
دفتر
بشوی اوراق اگر همدرس مائی
که درس عشق در دفتر نگنجد
Hāfez

French  KLN:452
diphtherie : membrane, a lung disease

Persian  MON:1593
difteri : diphtheria
دیفتری

English  AHD
diphtheria

Latin  AHD
litera : the text written on animal skin, letter

English
letter, literature

Indo-European POK:206; IEC:165

Der 1, Derô, Drtis, Drtos : to split, to tear

Avestan

POK:206; SYN:565

dar 1, dareta : to split
 nîš-dar : a sharp tool
 for tearing [⚔] Nêkš

Pahlavi SYN:565

darītan : to tear
 dart : pain
 nêš-tar : a sharp,
 pointed tool [⚔] Nêkš

Persian BQT:848; POK:206; SYN:565

darīdan : to tear
 dard : pain
 nîšdar : a tool for cutting

دریدن

درد

نیشدر (نیشتر)

پرده پندار می باید درید

توبه تزویر می باید شکست

Attār

Avestan

POK:208

dereta : cuts, harvests

deretô : cut, mown

Persian POK:208; HRN:124

dero : harvest
 dorūdan : to harvest

درو

درویدن

چو دشنام گویی دعا نشنوی - بجز کشته خویشتن ندروی

Sa'dī

Persian IEC:165

dūl : animal skin used for carrying water

دول

MON & BQT derive this word from Arabic

Avestan

POK:206

darēna : a cut in earth, ravine

Persian BQT:845; HUB:62; HRN:124

darreh : valley

دره

Indo-European POK:211; IEC:159

Drep, Drop, Drap, Drapes : a piece of cloth, banner

Avestan

SYN:396; POK:211; IEC:159

drafšâ, drafšô : banner

Persian BQT:838; HRN:123

derafš : banner

درفش^۲

جهان شد ز گرد سواران بنفش

Ferdowsī

درخشان سنان و درفشان^۱ درفش^۲

Latin

AHD; IEC:159

drappus : cloth

English

drape

Germanic

AHD

teran : to tear

English

tear 2 : to pull apart

Greek

AHD

der-ma : skin

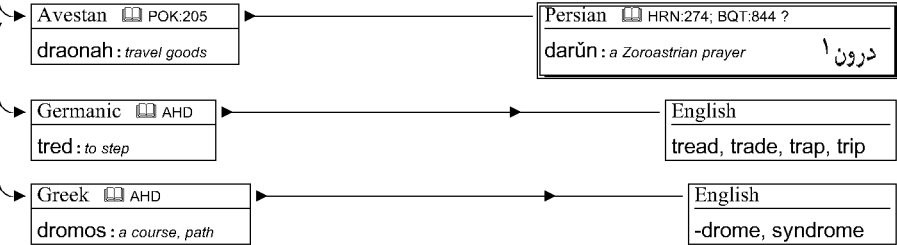
English

derma, -derm, derma : related to skin

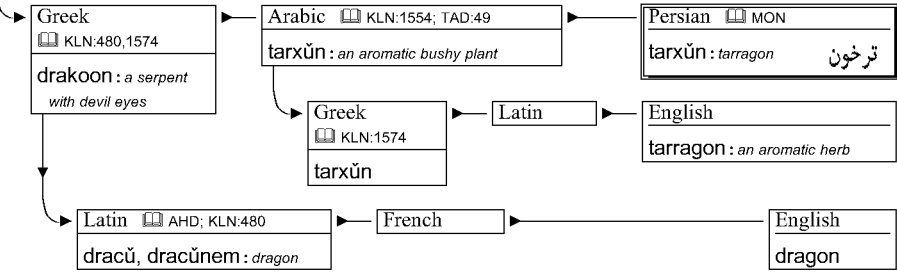
pachyderm : thick-skinned animals [⚔] Bhengh

Der 2 | Derô

Indo-European  POK:205
Der 2 , Deru 2 : *to run*



Indo-European  POK:218
Derk : *to see*



Derô

see root: Der 1

Indo-European POK:214

Deru 1 : wood, tree, to be firm

Avestan POK:214; KLN:1644; SNS:318; ETM:65

dru, dâuru, derežda, draxta : tree, wood
dârug : medicine from plants

Persian BQT:809,843; HRN:116; FVF:256; ETM:65; FSF:177

dorūd 1 : wood

dorūdgar, dorga : wood worker, carpenter

dâr 2 : wood

dârkūb : woodpecker

deraxt : tree

dârū : medicine

Ferdowsī

See "Dher 1" for another possible root of "dârū:medicine".

دُرود ۱
دُرودگر (دُرگر)
دار ۲
دارکوب
درخت
دارو (داروخانه)
بفرمود تا دُرگران آورند - سزاوار چوب گران آورند

Persian FVF:256

dârīyeh : a wood frame, a tambourine with wood rim

داریه

Arabic FVF:256

daf : tambourine

Persian BQT:869

daf : tambourine

šandaf : domestic tambourine Gwhen 1

See "Dup" for another possible root

دَف
شندف

Avestan POK:214; ETM:65

drva : healthy, sound

upa-drava : to good health, good-bye Upo

drva-asti : healthy body

druw-išta : healthiest Isto

Persian POK:214,216; BQT:840,842,843

dorūd 2 : greetings

bedrūd : goodbye

dorost : healthy, right

دُرود ۲
بدرود
درست

Old Persian KNT:190

dâru : wood

asâ-dâru : stone wood, hard wood, ebony Ak

Sanskrit POK:214

druna : made of wood

Persian BQT:854; HRN:124; FRS:217

darūneh : bow, rainbow

Kasāf

درونه
سرو بودیم چند گاه بلند - کوز گشتیم و چون درونه شدیم

Greek IEC:161

drūs : oak

ēn-druon : yoke peg

Germanic AHD

English

tree, true, tray, truth, trust, trim

Latin AHD

durus : hard, long lasting

English

duration

Indo-European POK:214

Deru 1 : wood, tree, to be firm

Avestan POK:214; KLN:1644; SNS:318; ETM:65

dru, dâuru, derežda, draxta : tree, wood
dârug : medicine from plants

Persian BQT:809,843; HRN:116; FVF:256; ETM:65; FSF:177

dorūd 1 : wood

dorūdgar, dorga : wood worker, carpenter

dâr 2 : wood

dârkûb : woodpecker

deraxt : tree

dârû : medicine

Ferdowsī

See "Dher 1" for another possible root of "dârû:medicine".

دُرود ۱
دُرودگر (دُرگر)
دار ۲
دارکوب
درخت
دارو (داروخانه)
بفرمود تا دُرگران آورند - سزاوار چوب گران آورند

Persian FVF:256

dârîyeh : a wood frame, a tambourine with wood rim

داریه

Arabic FVF:256

daf : tambourine

Persian BQT:869

daf : tambourine

šandaf : domestic tambourine Gwhen 1

See "Dup" for another possible root

دَف
شندف

Avestan POK:214; ETM:65

drva : healthy, sound

upa-drava : to good health, good-bye Upo

drva-asti : healthy body

druw-išta : healthiest Isto

Persian POK:214,216; BQT:840,842,843

dorūd 2 : greetings

bedrūd : goodbye

dorost : healthy, right

دُرود ۲
بدرود
درست

Old Persian KNT:190

dâru : wood

asâ-dâru : stone wood, hard wood, ebony Ak

Sanskrit POK:214

druna : made of wood

Persian BQT:854; HRN:124; FRS:217

darūneh : bow, rainbow

Kasāf

درونه
سرو بودیم چند گاه بلند - کوز گشتیم و چون درونه شدیم

Greek IEC:161

drūs : oak

ēn-druon : yoke peg

Germanic AHD

English

tree, true, tray, truth, trust, trim

Latin AHD

durus : hard, long lasting

English

duration

Indo-European  POK:259

Dhars, Dhers: *to dare*

Avestan / Old Persian  POK:259; SYN:1149; KNT:190

darš: *dare, to be bold*
daršam: *boldly*

Old High German  AHD

tar: *dare*

Latin  AHD

infestare: *to disturb*

Persian  HRN:122; BQT:837

dorošt: *large, rough* درشت

POK:216 derives this from the Indo-European root "Deru 1:wood, firm".

English

dare

English

infest, manifest

Indo-European  POK:241

Dhē 1 *:to suckle milk, to produce*
Dhe-mnā *:one who gives milk, nurse*
Compare with the root "Dheugh: to milk"

Avestan  POK:241

daenu: *female*

Avestan / Old Persian  POK:242

dânô: *grain*
danāxe: *grain*

Sogdian  SOD:134,136

d'n: *seed*
d'yh: *female servant*

Latin  AHD

fēmina: *female*
filius: *son*
fē-tus: *offspring*

Persian  BQT:822; HRN:119

dāyeh: *baby sitter, nurse* دایه
dāyē: *mother's brother* دایی

Persian  BQT:820

dāneh: *grain* دانه
dāng: *one sixth of the property* دانگ

English

female
affiliation
fetus

Indo-European AHD:1512; POK:235

Dhē 2 : *to do, set*

PART 1

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Avestan POK:235

ma[n]dz-dha : *done learning, wise* ^{Men 1}
ahura-mazdha : *wise spirit (God)* ^{An 1, Men 1}

Persian KLN:1095

Mazdā : *wise (God)* ^{مَزدا}
Ahurāmazdā : *God* ^{اَهُرَا مَزدا}

Avestan BQT:169,418; POK:238

dāman 2 : *statute*
han-dāma : *put together, shape* ^{Sem}
paiti-dāma : *protection for body* ^{Pa}

Persian MON:813

andām : *body, shape* ^{اندام}
panām : *a protective mouthpiece* ^{پَنام}
panāmīdan : *to prevent, deprive* ^{پَنامیدن}
بتا نگارا از چشم بد بترس همی
چرا نداری باخوشتن همی تو پنام
Shahīd Balkhī

Pahlavi

handām : *figure*
pa-dām, panum : *a cloth mouthpiece worn to protect the holy fire*

Avestan POK:235; HRN:236; KNT:168; FFD:52

dāta 1, dā 1 : *to put, set*
ni-dā : *to put down, lay down, also to hide* ^{Nt 1}
upa-ni-dā : *hidden* ^{Upo}
apa-dāna : *the concealed part of a palace* ^{Apo}

Persian BQT:2211, 2214

nahādan : *to do* ^{نَهَادَن (نهاد)}
nahān : *covered, hidden* ^{نَهَان (پنهان)}
āpādānā : *the throne room* ^{آپادانا}

Avestan POK:238

dhana : *vessel, holder, pot*
gao-dana, gao-di : *milk container* ^{Gwou}

Persian BQT:818

dān : *vessel, holder* ^{دان - (گلدان، زهدان، چمدان)}
Note that "dān" in Persian "nāv-dān: water gutter", is from a different root (see Dā 2).

Sogdian SOD:174

gwd`k : *container*

Avestan POK:235; FFD:52

dā 2 : *to settle, to give*
dātō, dāta 3 : *that which is settled, law*
dātō-vare : *carrier of judgment, judge* ^{Bher 1}

Persian BQT:807,814,821; HRN:118; NYB:60

dād : *justice* ^{داد (دادسرا، دادستان، دادرس)}
dāvar : *judge, referee* ^{داور}
NYB:60 derives "dād" from "dādan: to give one's right"

Pahlavi HRN:127

dast-war : *judge, priest*
dāstān : *law, a legal case (story)*
NYB:59 claims "dastwar" from Avestan "dah: to teach"

Persian BQT:862

dastūr : *story, priest, agenda* ^{دستور}
dāstān : *story* ^{داستان (دستان)}

PART 2

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Indo-European AHD:1512; POK:235

Dhě 2 : to do, set

Greek AHD

tithenai : to put
apo-tithenai : to put away, store
para-en-tithenai : to put in besides ^{En}
thēma : thing placed

French

AHD:156,1334

botica : gift store
paranthese, these, theme

Persian

MON:625,1076,1137

būṭīk : gift store
parāntez : parenthesis
tem, tez : subject

بوتیک

پرانتر

تیم، تیز

English AHD:156,1334

boutique, theme, thesis, parenthesis

Germanic AHD

dōn : to do

English AHD

do, deed

Latin AHD

facere : to do, make
faciēs : shape, face
opi-facium : work to do, office ^{Op}
facilis : that which can be done

English

-fy, fortify, modify
fact, benefit, defeat, perfect, profit
factor, factory, affect, effect, face, surface
office
facility, difficult, faculty

Indo-European KLN:573

Dhě-mo, Dh-mo : house (something built or done)

Latin KLN:573

famul, famulus, familia : belonging to the house

English KLN:573

family, familiar

Sanskrit KLN:573

dhāman : seat, house

Dhědh

see root: Ātos

Indo-European IEC:178

Dhedh 2 : nurse

Persian MON:1499

dadeh : maid servant, nurse

داده

Greek IEC:178

tēthē 2 : nurse

Dhegh

see root: Dhogh

Dhehem

see root: Ghnhem

Dheigh | Dheigh

Indo-European 📖 POK:244; KNT:191; IEC:203

Dheigh, Dhigha : to form out of clay, to knead clay or dough

Old Persian 📖 HRN:133; KNT:191; IEC:191

didâ, dēğā-vâra : clay wall [⚡] Wer 3

Sogdian 📖 SOD:151

dyz` : fort

Persian 📖 BQT:918

dīvâr : wall

دیوار

Avestan 📖 POK:244

daeza : wall, fortification

Persian 📖 BQT:851; MON:528

dež : fort

دژ (دژبان، دژدار)

dež-pol : strong bridge

دژ پل (دزفول)

Avestan 📖 POK:244

pairi-daeza : with walls
around it (garden) [⚡] Per 1

Persian 📖 BQT:359; MON:680

pālīz, jālīz : melon farm

پالیز ، جالیز

زمانی بدین داس گندم درو - بکن پاک پالیزم از خار و خو
Asadī

Persian 📖 BQT:1455

pardīs, ferdows : heaven

پردیس ، فردوس

Greek 📖 AHD:950

paradeisos : garden, park

English

paradise

Old Persian 📖 HUB:65; KLN:469

daika : clay pot

Persian 📖 BQT:912,914; KLN:469

dīg

دیگ (دیزی)

Germanic 📖 AHD

daigaz : dough

dīg : one who kneads dough, lady of the house

English

dough

lady, dairy

Latin 📖 AHD

figūra : result of kneading, shape

English

figure, fiction

Indo-European POK:247

Dhem : to make vapor, raise dust

Avestan POK:247

dam : to blow, breathe

da-dhmainya : I inflate, breathe

Persian POK:247; BQT:876,877; HRN:127

dam : breath, air, vapor, weather

damīdan : to blow, breathe

damā : weather, heat

Damāvand : a mountain (with vapor)

BQT:878 derives "Damāvand" from the root "Dumb".

دم
دمیدن
دما
دماوند

Germanic

English POK:248; KLN:399

damp, dim

Dhe-mnâ

see root: Dhě 1

Dhě-mo

see root: Dhě 2

Indo-European POK:249

Dhen, Dhont : to flow, run around

Sanskrit POK:249

dhan : to run

Persian BQT:888; POK:249; HRN:128; FSF:88; MON:1562

danīdan : to run joyfully

dan : joyful shouting

danân : running, excited

Ferdowsī

پس اندر سپاه منوچهر شاه - دمان و دنان برگرفتند راه

دَنیدن
دَن
دَنان

Latin AHD

font : spring, fountain

English

fountain

Dher 1 | Dher 1

Indo-European POK:252

Dher 1 : to hold firmly, keep

Avestan / Old Persian POK:252

dâr 2, dr : to hold

Pahlavi FFD:43,52

dâštan : to have

pad-en-dâštan : to take, consider

Persian BQT:810; FFD:43

-dâr 3 : a suffix meaning owner, holder

dâštan : to have, own

pendâštan : to think, consider

دار ۳

داشتن

پنداشتن (پندار)

Persian BQT:840; HRN:116,123

darmân : cure

dârû : medicine

ETM:65 suggests a different root for "dârû:medicine". See Deru 1

درمان

دارو

Avestan BQT:1055; HRN:117

zaenô-hara : hold your weapon, beware Ghei 2

Persian BQT:1055

zenhâr : beware

زینهار ، زینهار

Avestan POK:252,258

dereza : to hold together, close, tighten

Persian HRN:122; CEL3:254; MON:1510

darz : seam

darzî : tailor

darzmân : thread

darzan : needle

درز (درزه)

درزی

درزمان

درزن

Avestan BQT:170; HRN:122

han-dareza : pull together, unite, fortify Sem 1

Persian BQT:170

andarz : advice

اندرز

Old Persian AHD:335

dâr : to hold

dârayat-vahu : he holds goodness Su 1

Persian BQT:813; TZF:13

Dâriûš : Darius, king of Persia

dârâbgard : "city of Dârâb" Kwer

داریوش

دارا ، داراب

دارابگرد

Sogdian SOD:135

d'r : to hold, have

Sanskrit POK:252

dhar : to hold, keep

bhaga-dhara : holder of happiness Bhag

Hindustani HJB:49; KLN:140

bahaudur : a title of respect in India

Mongolian HJB

bahâdûr : brave

Persian

HJB:49; BQT; MON

bahâdor : brave

بهادر

Latin AHD

firmus : firm, strong

English AHD

firm, farm, confirm

Greek AHD

thornus : support, seat

English

throne

Indo-European POK:251

Dher 2, Dherabh, Dhrâbh : *to make muddy, unclear, dark***Dhragh 2** : *to confuse, disturb*

Avestan POK:252

driwi 1 : *dark birth mark*

Germanic AHD

derk : *dark*

English

dark

Greek AHD

traxus : *disturbing, rough*

Latin

French

Persian MON:1058

tarâxom : *trachoma*

تراخم

English

trachoma

Dherabh

see root: Dher 2

Dhers

see root: Dhars

Indo-European POK:259

Dheu 1 : *to flow*

Avestan / Old Persian FFD:54

daw : *to run*

Pahlavi

POK:259; FFD:54

davîtan : *to run*

Persian BQT:902; HRN:130

davidan : *to run*

دویدن

دو ۲، دوئده، پادو

Sanskrit POK:259

dhav : *to run*

Germanic AHD

dauwaz : *dew*

English

dew

Dheu 2 | Dheu 2

Indo-European POK:262

Dheu 2, Dhu, Dhu-bh : *smoke, mist, dizziness, dull color*

Avestan

POK:262

dvaiddi 1 : *smoke*

Pahlavi

HRN:129; POK:262; BQT:894

dūd : *smoke*

dūtak-mân : *smoke house, also
family members sitting around
fire in their house* Dem

Persian

BQT:894; HRN:129

dūd : *smoke*

dūdeh : *soot*

dūdman : *family*

بدو گفت رو پیش دستان بگوی
کز این دودهٔ سام شد رنگ و بوی
Ferdowsī

دود

دوده

دودمان

Avestan

POK:262; BRT:688

dav 1 : *press*

dvaiddi 2 : *we both press*

Neither POK nor BRT are
certain about this derivation

Avestan

BQT:172

han-davathe : *pressed
together, depressed.*
 Sem 1

Persian

BQT:172

andūh : *sorrow*

andūhgīn : *sorry*

اندوه

اندوهگین

Greek

AHD; KLN:1670

tuphein : *to make smoke*

tuphos : *smoke*

tuphun : *typhoon*

Latin

French

Persian

MON:1181

tīffūs : *typhus*

tīffoid : *typhoid*

تیفوس

تیفوئید

English

AHD

typhus, typhoid

Arabic

KLN:1670; SKT:581

tūfān : *hurricane, typhoon*

Persian

MON:2240

tūfān : *typhoon, rain*

طوفان
حافظ از دست مده دولت این کشتی نوح
Hāfez ورنه طوفان حوادث ببرد بنیادت

طوفان

English

SKT:581

typhoon

KLN:1670 derives it from a Chinese root but indicates
that it is influenced by the Arabic word "tūfān".

Latin

AHD

fūmus : *smoke*

English

fume, perfume

Germanic

AHD

English

dizzy, deaf, dumb, dull, deer, dust, dove

Indo-European POK:261

Dheu 3 : to shine

Avestan / Old Persian

POK:261; BQT:172,1008; FFD:32,58

dav 2, dū: to wipe, clean

han-du, ham-dū: to smear together Sem 1

uz-dāvayati, uz-dū: wipes off

Persian BQT:1008

andūdan: to smear, mix

اندودن (اندا، اندای)

zodūdan: to wipe out

زدودن (زدا، زدای)

Sanskrit POK:261

dhāv: to smear

Indo-European POK:271,277; WLD:847,868

Dheugh, Dhugh : to milk

Compare with the root "Dhē 1: to suckle milk"

Iranian POK:271; SYN:386

dhaug, daux, dauxš: to milk

Pahlavi HRN:129

dūxtan, dōxtan: to milk

dūšitan: to milk

Persian BQT:892,899; POK:271; SYN:386; AEF:273; FFD:54

dūšīdan: to milk

دوشیدن (دوش، شیردوش)

dūšīzeh: "milkmaid" of the family. See "doxtar"

دوشیزه

dūxtan 2: to milk

دوختن ۲

dūg: diluted yogurt

دوغ

بز و میش بد شیرور همچنین - به دوشیزگان داده بد پاکدین
Ferdowsī"dūšīzeh" has lost its original meaning as "milkmaid" and,
in some prints of this poem, has been changed to "dūšandegân"

Indo-European SHP:329; POK:277; WLD:868

Dhugh-tar : milkmaid (of the family), daughter Ter 3

Avestan KLN:404; POK:277; BQT:333

dugeda, duḡdār: daughter (milkmaid)

baḡa-duḡdār: God's daughter Bhag

â-zarema-dugedâ: non-aging woman

Ger 2

Persian BQT:333,826; WLD:868

doxtar: daughter, girl

دختر (دخت)

Bîdoxt: "daughter of God"

بیدخت

Âzarmîdoxt: "ageless woman"

آزرمیدخت

Germanic AHD; PEI:45

dohter, dohtor

English

daughter

Sanskrit CEL3:321

duhi-tar: one who milks the cow, daughter

Dheye | Dheye

Indo-European POK:243

Dheye : *to see*

Avestan

POK:243; BQT:373,910; SOD:421

dā 3, dāy, dāi, dī : *to see*

vaēna 2 : *observer*

upa-dīta : *apparent* Upo

daēman : *eye*

Pahlavi BQT:74,373,910

dītan : *to see*

ādēnak : *mirror*

pa-dīt : *apparent*

dēmān : *appearance*

HUB:38 claims "pa-dīt"

was first formed in

Pahlavi.

Persian BQT:74,910,915

dīdan : *to see*

دیدن

آینه ، پدید ، پدیدار ، پدیده

dīm, dīmeḥ : *light*

دیم، دیمه

بدانگه که صبح زمان دیمه داد

زراتشت فرخ ز مادر بزاد

Zartosht-Nāmeḥ

Old Persian KNT:191; AEF:322; FFD:55

dī, dāy, wai, vāe : *to see*

vāe-na, vaina : *observer*

vaināhiy : *if I see*

vēn-am, vaenāmi : *I see*

adhi-vaina : *ornament*

Pahlavi BQT:340

vēn-āk, vēn-āg : *one sees*

adhvēnak : *ornament*

Persian

BQT:29,340; SNS:291; AEF:80

bīnā : *one who sees*

بینا (بینش)

بین ، دوربین ، ذره بین

āzīn : *ornament*

آذین

āin : *ceremony, customs*

آیین (هر آینه)

ādīneh : *day of "ornaments", Friday*

آدینه

SOG:17 derives "āzīn" from "āzīdan:to sew".

Sanskrit POK:243

dhi : *to see, to think*

dhyānah : *seeing mentally*

Pahlavi

BQT:558

gyān, jān : *soul*

Persian HUB:49; BQT:558

jān : *soul, life*

جان (جانور)

HRN:93 derives this from AV "dhay:to see"

Avestan / Old Persian

POK:243; KNT:191; FFD:33

dais : *to show, think*

ham-dais-a : *to think* Sem 1

Pahlavi FFD:33

handēš : *thought*

Persian FFD:33

andīšīdan : *to think*

اندیشیدن

اندیشه ، اندیش ، اندیشمند

Avestan POK:243

daēna : *insight, religion*

Pahlavi

BQT:916

dīn : *religion*

Persian BQT:916; MON:1597; FSF:191

dīn 1 : *religion*

دین ۱

بیاموز آیین و دین بهی - که بی دین ناخوب باشد مهی

Ferdowsī

Arabic BQT:916; FVQ:131

dīn 1 : *religion*

FVQ:132 claims Arabic borrowed "dīn 1"

from Iranian and "dīn 2: judgment day"

from Aramaic. See root "Dīnu".

Persian FVA:148

ادیان ، دیانت

تدین ، متدین

Sogdian

SOD:148,421

wyn : *to see*

dyn, dynh : *religion*

dyn-d'r : *religious*

Greek POK:243; AHD

sema : *things seen, signs*

Arabic VDQ:275

sīmā : *sign, symbol*

Persian MON:1983

sīmā : *sign, face*

سیما

English AHD

semantics

Dhigha

see root: Dheigh

Indo-European IEC:191

Dhīs : village, earth ?

Avestan / Old Persian SYN:1302; KNT:190; BRT:706

dahyu, dainhu : land, country

Pahlavi

BQT:902; SNS:242

deh, dih : village

Persian SYN:1302; BQT:902; MON:1585; TZF:13

deh 2 : village, country

دِه ۲ (دیه)

dehât : villages

دهات (دهاتی)

dehgân : villager, farmer

دهگان (دهقان)

dehxodâ : owner or ruler of a village

دهخدا (دخو)

دهبان ، دهدار ، دهکیا ، دهستان ، دهکده

خواجه پندارد که روزی دِه ۲ دهد

این نمی داند که روزی دِه ۳ دهد

Molavî

Avestan KNT:208

visa-dahyu, vîspa-dahyu : for all provinces Wi

Dh-mo

see root: Dhě2

Indo-European POK:240

Dhogh, Dhegh : to heat, burn

Avestan POK:240; BQT:815, 827

dağa, dāğah : hot
daxša : burnt
daxma : place for burning the dead

Persian FSF:173

dāğ : hot داغ
daxš 2 : dark دخش ۲
daxmeh : tomb دخمه
گناهش به یزدان بخشنده بخش
مکن روز بر دشمن و دوست دخش Ferdowsī

Avestan AHM:181,192

daxš 2, rax, rak : to hurt (burn)
fra-daxšanā : a device to hurt or strike from a distance, sling Per 1

Persian AHM:192; MON:2564

falâxon : sling فلاخن (فلاخان، فلخمان، فلخم)
کرکس بودی که زی توام افکندی
خویشتن اندر نهادمی بفلاخن Rūdakī

Sogdian SOD:139

dǣm`y : grove

Avestan NYB:217; KLN:404

dažaiti : to burn
vi-dāz : to melt Wi

Persian MON:3199; BQT:1777

godâzâidan : to burn, melt گدازیدن (جانگداز)
ای مجلسیان سوز دل حافظ مسکین
از شمع پیرسید که در سوز و گداز است
Compare with derivations from root "Teku 1:to flow, run" Hâfez

Latin AHD

febris : fever

English

fever

Germanic KLN:404

dagaz : day

English

day, dawn

Indo-European IEC:379,407; POK:399

Geulo, Ğuël, Ğul, Guheguh : coal

Avestan HRN:163; BQT:1150; IEC:379,407
skarana, skairya : coal

Persian BQT:1028,1150; HRN:163; MON

sekâr : coal سکار (شکار)
zoğâl : coal ذغال (زغال، زغال، زغال)
sekârû : cooked on charcoal سکارو، سکاروا، سکالو
sekâr âhanj : iron tool for barbecuing سکار آهنج
بدار دنیا چو برفروخت آتش ظلم
سکار آن بجهنم همی خورد چو ظلم
Sūzanī Samarqandī

Germanic POK:399; IEC:407

chol, kolo, kolam : coal

English AHD

coal

Dhont

see root: Dhen

Dhrābh

see root: Dher 2

Indo-European POK:257

Dhragh 1, Dhreg : to pull

Russian AHD:400

drožki : carriage

Persian MON:1511; BQT:837

doroškeh : horse driven carriage

درشکه

English

droshky

Germanic AHD

dragan : to draw

English

draw, drag, draft

Germanic AHD

drinkan : draw into the mouth

English

drink, drown

Dhragh 2

see root: Dher 2

Dhreg

see root: Dhragh 1

Indo-European POK:276

Dhreugh : to deceive

Avestan POK:276; BQT:845; SNS:324

draoga, drauga : a lie, a demon

dravant, drvant : one who likes lies, atheist.

Persian

BQT:846; SNS:324; BQT:845; TZF:22

dorūg : a lie

دروغ

dorvand : atheist

دروند

Pahlavi BQT:846; SNS:324,325

drōg : a lie

druvand : non-believer

Old Persian KNT:191

duruj : lie, deceive

Germanic AHD

drauma : illusion, vision

English

dream

Dhrugh

see root: Dhwer

Dhu

see root: Dheu 2

Dhu-bh

see root: Dheu 2

Dhugh

see root: Dheugh

Dhugh-tar

see root: Dheugh

Dhumbhma

see root: Dumb

Indo-European IEC:224

Dhūs : *whir, whirling object, spindle*

Latin IEC:224

fūsus : *spindle*

POK:448 derives this word from root "Gheu 1 : to pour".

Persian IEC:224

dūk : *spindle*

دوک

Indo-European POK:278; KNT:191

Dhwer, Dhruh, Dhwor : *door*

Avestan / Old Persian BQT:828; KNT:191

dvar, duvara : *door*

Sogdian SOD:138

dbr : *door*

Persian BQT; FVF:98,240

dar : *door*

darband : "enclosed area" Bhendhe

bandar : "enclosed area", seaport Bhendhe

در (دروازه، دربان)

در بند

بندر (بنادر)

Arabic FVF:240

darb : *gate*

Persian MON:1503

darb : *door*

درب

Germanic AHD

durunz : *door*

English

door

Greek AHD:1343

thura : *door*

thuroidēs : *door shaped (gland)*

French

Persian MON:1178

tīroīd : *thyroid*

تیروئید

English

thyroid

Latin AHD

foris, foras : *outdoors, outside*

English AHD

forest, foreign

Dhwor

see root: Dhwer

Di

see root: Dā 1

Dibbër

see root: D.b.r

Indo-European  POK:223; PRT:335; KNT:211

Dinghw, Dnghu, Ghu 2, Ghuâ : *tongue*

Avestan  PRT:335; SYN:230; KNT:211,214

zav 1, zbâ : *call*

hizû, hizvâ : *tongue*

Pahlavi

uzvân

Sogdian  SOD:91

'zb`k : *tongue*

Persian

 PRT:335; BQT:1003; BRT:1815; IEC:409,410; MON

zabân : *tongue, language*

hozvân : *tongue*

زبان
هزوان

Old Persian  KNT:211,214

zbâ : *call*

hizana, hazana : *tongue*

Sanskrit  KNT:211

hũ, hvâ : *call*

jihva : *tongue*

Germanic  AHD

tungôn : *tongue*

English

tongue

Latin  AHD

dingua, lingua : *tongue, language*

English

language

Dīnu | Do 1

Akkadian 📖 BQT:916; KLN:399

Dīnu, Dēnu : law, right, judgment

Dayānu : judge

Aramaic 📖 BQT:916; KLN:399

dīn : to rule

medhīnah : district of a governor, province

Arabic 📖 BQT:916; FVQ:131

dīn 2 : judgment

yawm-ed-dīn : day of judgment

dayn : debt

FVQ:132 claims Arabic "dīn:religion" is borrowed from Iranian while "dīn:day of judgment" is borrowed from Aramaic and passed into Iranian languages. See root "Dheye".

Persian

📖 FVA:148; MON:1597

dīn 2 : judgment day

dayn : debt

See root "Dheye"

for "dīn: religion".

دین ۲
دین ۳

Arabic 📖 KLN:399

madīneh : city

tamaddon : civilization

Persian 📖 MON; FVA:379

madīneh : city

مدینه
مدنی ، مداین ، تمدن ، متمدن

Hebrew 📖 KLN:399; BQT:916

dīn : to judge

dān : judge

Dānī-ēl : God is my judge 📖 Layh

English

Dan, Daniel

Dkm-tom

see root: Dekm

Dlgho

see root: Del

Semitic 📖 KLN:419

D.l.l : to hang down, languish

Arabic 📖 KLN:419

dz.l.l, z.l.l : to be low, humble, poor

Persian 📖 FVA:150

zalīl : weak, humiliated

ذلیل
ذلات ، ذلت

Hebrew 📖 KLN:419

delilah : thin, delicate, amorous

Persian 📖 MON:526

Dalīleh : the mistress of Samson

دليلة

English 📖 KLN:419; WEB:480

Delilah

Dnghu

see root: Dinghw

Do 1

see root: De 2

Indo-European 📖 POK:223

Dô 2 : to give, create

Avestan / Sanskrit 📖 BQT:121; POK:223,225

dâ 4 : to give
dâtar : giver, God

Pahlavi 📖 NYB:56; HRN:61,115

dâtan : to give
dâdâr : God
dâhišn : gift
paiti-dâhišn : reward, given back 📖 Per 3

Persian 📖 BQT:289,815; FSF:169; SNS:295

dâdan : to give دادن
 deh 3: giver ده ۳ (روزی ده)
 Bağdâd : God-given (city) 📖 Bhag بغداد
 dâdâr : God دادار
 dâšan : gift, tip (دهش, دشت ۲) داشن
 pādâs : reward پاداش (پاداشت, پاداشن)
 سبک خنجر اندر دهانش نهاد
 زدادار نیکی دهش کرد یاد
 Ferdowsī
 TAD:12 derives Baghdād from Persian
 "bāğ-e-dād: garden of justice".

Avestan 📖 BQT:121,907

dathuš : creator
spento-dâto : holy creation
📖 Kwen

Persian 📖 MON:1588

day : creator, the tenth month in Persian calendar دی ۲
 Esfandiyâr : "holy creation", a male name اسفندیار
 See root "Ghei 1" for another possible derivation of "day"

Avestan 📖 BQT:2396; HRN:248

dâta 2 : giver, owner
ûši-dâta : gifted with intelligence 📖 Ōus 1

Persian

hūšyâr : aware, intelligent هوشیار

Avestan 📖 POK:225

dâthra : gift

Pahlavi 📖 SNS:298

dâsr : gift, kindness

Latin 📖 AHD

dare : to give
donum : gift

English

add, data, edit, rent, tradition, surrender
 date 2 : time
 donate, pardon

Greek 📖 AHD

didonai : to give
dōron : gift

English

dose
 Dorothy, Theodore

Turkish 📖 AHD:389

Dolmak : to wind, wrap

Turkish 📖 AHD:389

dolman : wrapping, cover, coating

Persian 📖 MON:1554

dolmeh : food wrapped in vine leaves دلمه

German 📖 AHD:389

dolman : a kind of cloak

French

English 📖 AHD:389; KLN:473

dolman : cloak or coat with large sleeves
 dolman sleeve

Domu

see root: Dem

Indo-European 📖 POK:226

Dous : *arm*

Avestan 📖 POK:226

daoš : *shoulder*

Persian 📖 BQT:898; HRN:130; POK:226

dūš : *shoulder*

دوش ۲

Drap

see root: Der 1

Drapses

see root: Der 1

Greek 📖 FVQ:129

Drassoman : *as much as one can hold in the hand, later it was used as a unit of weight and finally a coin*

Greek 📖 FVQ:129

draxmon, draxmē : *a coin, also a unit of weight*
This may be from a Semitic root

Pahlavi 📖 FVQ:130; MON:1513

dram, diram : *a silver coin, also a unit of weight*

Persian 📖 BQT:840

deram : *a coin*

درم

درهم

Arabic 📖 TAD:27

derham : *a coin and also a unit of weight.*
This is possibly from Pahlavi (FVQ:130).

Indo-European 📖 WLD:821

Dregh : *unwilling*

Avestan 📖 WLD:821

drigu, dregu, driwi 2 : *poor*

Pahlavi 📖 BRT:849

driyōš : *poor*

Persian 📖 BQT:846; HRN:124; KLN:431

darviš : *poor*

درویش

دريوش، دريوز، دريوزگی

TAD:27 suggests "darvish" is a distorted form of Persian "dar pish" :
at the door, beggar". BQT:846 does not agree with this derivation.**Drep**

see root: Der 1

Drop

see root: Der 1

Drtis

see root: Der 1

Drtos

see root: Der 1

Sumerian 📖 AKD:19; BQT:823

Dub, Dup : *tablet, scripture*

Old Persian 📖 BQT:823

dipi : *to write*

Persian 📖 BQT:824; KLN:467; AKD:19; ETM:36

dabîr : *writer, teacher*dabestân : *place of teachers (school)* ^{دبستان} Stâdîbâčeh : *preface*dîvân : *register book*

دبیر

دبستان (دبیرستان)

دبیاچه

دیوان

Arabic 📖 FVF:13,273

adab : *literature, discipline*dîwân : *register, book*

Persian 📖 FVA:28; FVF:273

adab : *discipline*adabiyyât : *literature*tadvîn : *writing*

آداب (مؤدب، تأدیپ، آداب)

ادبیات (ادیپ)

تدوین (مدون)

Sogdian 📖 SOD:148

dyb-yy : *letter*

Akkadian 📖 AKD:19; BQT:823

duppu, tuppu : *tablet*

Aramaic

dappa, dup : *skin
for writing tablet*

Arabic 📖 MON:1540

daf : *a tambourine made of
animal skin on a frame*

Persian 📖 MON:1540

daf : *tambourine*

دَف (شندف)

See "Deru 1" for another possible root

Dumb | Dup

Indo-European POK:227

Dumb, Dhumbhma : *tail*

Avestan POK:227; HRN:128

duma : *tail*

Persian BQT:876,882

dom, donb : *tail* (دُنب , دُنباله)

donbeh : *fatty tail of a lamb* دنبه

Persian FVF:258; MON:1563

donbal : *abscess* دُنبَل

donbalân : *animal testicles* دُنبَلان

Arabic FVF:258

domal : *abscess*

Persian MON:1561

domal : *abscess* دُمَل

See "Dus" for another possible root of "domal"

Persian BQT:878

Damâvand : *a mountain north of Tehran originally a village at the mountain "tail"* دماوند

MON5:536 derives this word from the root "Dhem"

Persian MON:1563

donbak, tonbak : *a long tailed drum* دُنبَك , تَنبَك

Persian NYB:82

každom : *scorpion, literally "stinging tail"* کُژدَم

Germanic POK:227

tappa, tuppa : *plug*

English AHD

tap, top, tip, tattoo, tampon

Dup

see root: Dub

Indo-European POK:227

Dus : *bad, evil*

Avestan POK:227; FSF:179, 183

duš, duž, duždâo : *bad, evil*
 duš-manah : *with evil thoughts* Men 1
 duš-nâma : *bad name* Nomn
 duš-vâre : *difficult to carry* Bher 1
 duš-xv-athra, duž-âthra : *not easy*
 Êter

Persian BQT:850,853,867; HRN:126; MON:1536

dozd : *thief* دزد
 došman : *enemy* دشمن (دُشمن، دُرم، دُرمناک)
 došnâm : *insult* دشنام (دُشنام)
 došvâr : *difficult* دشوار (دُشوار)
 došxâr : *difficult* دشخوار
 دُزآگاه، دُزآلود، دُزآهنگ، دُزبرو
 چنين گفت با او يل اسفنديار
 كه كارى گرفتيم دشخوار خوار

Ferdowsî

Avestan BQT:897; VIE:31; TZF:22

duš-haem : *bad tempered* Haem
 duš-yâta : *backbite* Yem
 daoš-ahva, duž-axva : *evil world*
 An 1
 duš-pithwa : *bad fat, abscess*

Pahlavi SBK:214

duzax : *hell*

Persian BQT:896; HRN:129; VIE:31; TZF:21

dožxîm : *bad tempered* دُزخيم (دُزخيم)
 došyâd : *humiliation of people in their absence* دشيامد
 dūzax : *hell* دوزخ
 dožpîh : *abscess* دُزپيه (دُشپيل، دُزک، دُغل)
 چنان مهربان بود دُزخيم شد
 وزو شهر ايران پر از بيم شد

Ferdowsî

See "Dumb" for another possible derivation of "doma"

Avestan BRT:755; BQT:1063

duž-aka : *with bad sting hooks, porcupine* Ang
 BRT:755 is not quite certain about this derivation.

Pahlavi

SNS:168; BQT:1063

žužag, zuzag, jujag :
porcupine, chicken

Persian

BRT:755; BQT:1063; HRN:152; MON:1250,1320; IEC:1391

žūž : *porcupine* ژوژ (ژوژه)
 jūjeh : *chicken* جوجه (جوزه، چوزه)

Avestan AVG:237

duš-kareta : *ill-done* Kwer
 duš-cithra, duš-citra : *of evil seed (race)* Skai
 duš-uxta : *ill-spoken* Wegwh
 duš-daēna : *of evil conscience* Dheye

Greek AHD

dus : *bad*

Latin

dys- : *faulty, diseased*

English

dysfunction, dystrophy

Dvei

see root: Dwei

D.v.r | Dwei

Arabic 📖 KLN:397; FVA:146

D.v.r : to turn, go around, encircle

Arabic 📖 FVA:146; KLN:108,397

dâîrah : circle

dâr : house, originally surrounding a court

dahr : a round of (long) time

dâr-as-sanâ' : house of construction,
factory 🏭 S.n.'a

Persian 📖 FVA:146

dowr : around, perimeter

دور ۲

دوره ، دوران ، دایر ، دایره ، داریه

دوّار ، مدوّر ، مقدار ، اداره ، مدیر

dâr 1 : house دار ۱ (دیار ، دیار)

dahr : a long time, world, fortune

دهر

مرو به خانه ارباب بی مروّت دهر

Hâfez که کنج عافیت در سرای خویشتن است

Greek 📖 KLN:108

arsonalos : factory,
workshop

Italian 📖 AHD:74; KLN:108

darsena, arsenale : naval dockyard

English 📖 AHD:74

arsenal

Indo-European 📖 POK:227

Dwei, Dvei : to fear

Avestan 📖 POK:228; KLN:454

dvaētha : threat, menace

dvaēš, tbaēš : sick, ill

Pahlavi 📖 POK:228

bēš 1 : sorrow

See "Weis" for an
alternative root.

Persian 📖 MON:627

bīš 2 : a poisonous plant

بیش ۲

Sogdian 📖 SOD:138

db`yš : enmity, harm

Latin 📖 AHD

dīrus : horrible

English

dire

Greek 📖 KLN:451

deinos : dreadful

deinos-saura : dreadful lizard

English

dinosaur

Indo-European 📖 POK:230;

Dwo : two

Avestan 📖 POK:230; KLN:440,1669; SOD:145

dva, duva : two
 duva-dasa : twelve 🌀 Dekm
 dve-sate : two hundred 🌀 Dekm
 duvitya-kara : the other one
 biš : more

Persian 📖 BQT:888,902,914; HRN:132; HUB:65

do : two
 devīst : two hundred
 dīgar, degar : other
 biš 1 : more

دوا
 دو یست
 دیگر ، دگر
 بیش ۱

Latin 📖 AHD; KLN:175

bi, bis : two
 bis-coctus : cooked twice (biscuit) 🌀 Pekw
 duo : two
 duo-decem : two ten (dozen) 🌀 Dekm

French 📖 KLN:175

biscuit, douzaine

Persian 📖 MON:1572

بسکویت ، دوجین

English 📖 KLN:175

biscuit, dozen

English 📖 AHD

bicycle, binary

Greek 📖 AHD

di, dis : two
 dia : through, across, apart
 di-ploos : twofold, pamphlet

Greek 📖 AHD

dia-dein, dia-dēma : a head-
 band tied on two sides 🌀 Dē 1

Persian

📖 MON:1603; BQT:921

dayhīm : crown

دیهیم

Greek 📖 AHD

di-ploos : twofold, pamphlet,
 diploma

French

diplôme, diplomate

Persian 📖 MON:1590

دپلیم ، دیپلمات

English 📖 AHD

diploma, diplomat

Greek 📖 KLN:440

dia-bainein : going across (liquid in diabetic patients) 🌀 Gwa
 dia-luein, dialuses : to loosen (filter) apart, dialysis 🌀 Leu
 dia-phragna : completely enclosed
 dia-metros : (diameter line) that measures across 🌀 Me

French

Persian 📖 MON

dīyābet

دیابت

dīyālīz

دیالیز

dīyāfrāgm

دیافراگم

Latin 📖 AHD

English 📖 AHD

diabetes, dialysis, diameter

Greek 📖 KLN:440; AHD:361

dia-ballein : to throw across, slander
 🌀 Gwel 1
 diabolos : slanderer, devil

Arabic

📖 BQT:83; FVQ:48

eblis, iblis : devil

Persian 📖 BQT:83

eblīs

ابلیس

Latin 📖 AHD

English 📖 AHD

devil

Germanic 📖 AHD

twai : two

English

two, twelve, twenty, twice, twin, between

Dyě

see root: Dei

Dyeu

see root: Dei

E

E

see root: 12

Ebhi

see root: Ambhi

Indo-European  POK:287**Ed** : to eatAvestan  POK:287; BQT:44,1624

adâiti : to eat

asa 1 : food

xarka-asa : eating bird  Ker 3Persian  BQT:2099

âš : a kind of soup

آش

nâštâ : not eaten

ناشتا

karkas : vulture

کرکس

Avestan  BQT:119aspa-asa : horse food  EkwoPahlavi  BQT:119,1624

aspast, aspasti : alfalfa

Persian  BQT:119

aspast : alfalfa

اسپست (سپست)

سنبیل و سوسن کجا آمد بدست از روضه ای

کاندرو تخم سپست و سیر و سپسهر برند

Sanâf

Syriac

 BQT:119

pespesta

Arabic

al-fesfeseh : alfalfa

Persian  BQT:1624

fesfeseh : alfalfa

فُسْفَسَه ، فُصْفَصَه

Spanish

English  AHD

alfalfa

Sogdian  SOD:70

šp'dy : food, dish

Germanic  AHD

it-an : to eat

tanth-uz, tunth-sk : eater (tooth, tusk)

English  AHD

eat, etch

tooth, tusk

Latin  AHD

ed-ere : to eat

dent : tooth

English

edible

dental, denture

Eg | Ei

Indo-European POK:291

Eg: /

Avestan / Old Persian KLN:763; POK:291; TLM:62

azem, adam, manâ 1, maiy : *me, mine*

Sogdian SOD:93,223

`zw

my' : *me, my*

Germanic AHD

eg, ic: /

English

I

Latin AHD

ego: /

English

ego

Persian BQT:2036; SNS:221

man 1: /

من ۱

Indo-European POK:293,501; KLN:825

Ei, Ey, I 1, lâ 1: to go

PART 1

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Avestan

POK:293-296; KLN:825

yâ 1: *to go*

yâiti: *goes*

aëiti, yeinti: *gone*

â-aiti, âiti 2

duž-ita: *hard motion*

yâh 1: *road, motion*

Pahlavi BQT:551; ISS:252

giyâk, givâk: *location*

givâk-rôp: *"room sweeper",*

broom  Raup

Persian HRN:94; BQT:551

jâ: *place, location*

جا

jâ-rûb: *broom*

جاروب (جارو)

Old Persian POK:293; FFD:35

ay: *to move*

aitiy: *gone, went*

upâ-aitiy, upâ-ay-a: *ought to*

 Upo

Pahlavi AEF:234; FFD:35

upâyat: *have to, must*

apâyistan: *have to, must*

abâyist: *have to, must*

Persian AEF:234

bâyad: *must*

باید

بایست, بایستن

Sanskrit

KLN:825

yâna: *path*

Persian BQT:589

jan: *side, path*

Ferdowsî پرندوش از این جن سواری گذشت - که لرزید از او سر بسر بوم و دشت

جن

Sanskrit OEW:78

jadoo: *going against someone's wishes, sorcery*

Compare with root "Yâ".

Latin AHD

îre: *to go*

trans-îre: *to go over*  Ter 1

ambi-îre: *to go around, ambient*  Ambhi

circum-îre: *to go around, circuit*

ex-îre: *to go out, exit*

in-itiium: *to go in, start, initiate*

French

transit

Persian MON:1061

trânsîf: *transit*

ترانزیت

English

transit, ambient, circuit, exit, initial

PART 2

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Indo-European POK:293,501; KLN:825

Ei, Ey, I 1, lâ 1 : *to go*

Greek AHD

ieani : *to go*
ion 2 : *going particle*

French

Persian

yon : *ion* یون

English AHD

ion

Indo-European POK:296; KLN:1761

Yě, Yero : *year*
lě, lěro, laro : *year*

Avestan POK:296; KLN:1796

yâr, yâra : *year*
yân 2, jâr, jaiti : *year*

Pahlavi HRN:249

yâirka : *one year old.*

Persian BQT:2406

hîrak : *a baby animal* هیرک

Latin AHD

yâ-mo : *beginning of year,*
god of doors

French

Janiver : *January*

Persian MON:1775

Žānvīyeh : *January* ژانویه

English

January, janitor

Germanic AHD

yëram, jëram : *year*

English

year

Greek AHD

hōros : *time*
hōrâ : *season*

English

hour, horoscope

Indo-European KLN:1743

Wi-itos : *to go (gone) apart, wide* Wi

Germanic

wît, wîdaz : *wide*

English

wide

Ēik

see root: Aik

Indo-European POK:299

Eis 1 : *passion*

Avestan POK:299; BQT:754

aes-ma, aëš-ma : *anger*

Persian HRN:109

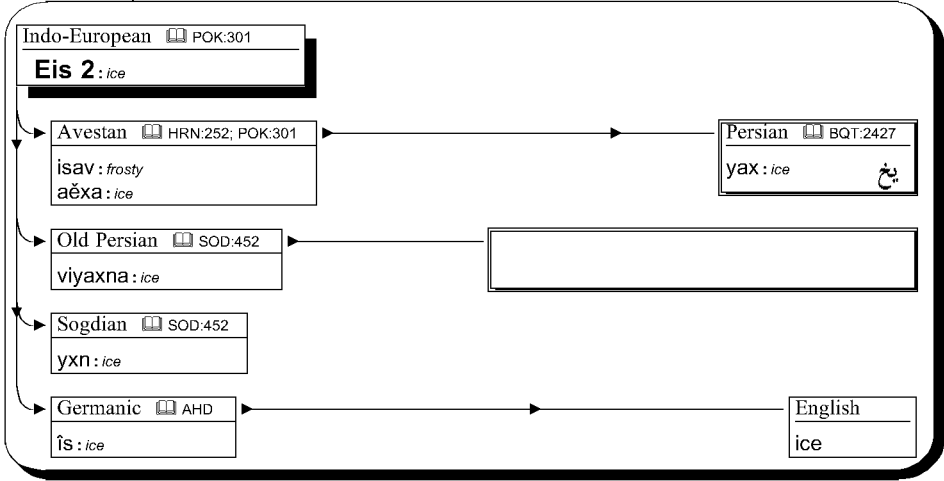
xešm (xašm) : *anger* خشم

Germanic AHD

is-areno : *holy metal*

English

iron



Indo-European 📖 POK:301

Ekwos : horse

Avestan 📖 POK:301; DVS:42; BQT:1819

aspa : horse

aspa-bâra : horse load, rider 🐾 Bher 1

Pahlavi 📖 BQT:119

asp : horse

asbâr : rider

Persian 📖 MON; BQT

asb : horse

اسب

savâr : rider

سوار

Avestan

📖 BQT; POK:1082; KNT; HRN:206; AEF:324

tum-âspa : (with) strong horses 🐾 Tëu

keresa-aspa : (with) lean horses 🐾 Kerk

višta-aspa : (with) gray or old horses

baevare-aspa : (with) 10,000 horses

Baevare

Persian

Tahmâsb : with strong horses

تهماسب

Garšâsp : with lean horses

گرشاسب

Goštâsp : with old horses

گشتاسب

Bîvarasp : with 10,000 horses

بیوراسب

افسانه شد حدیث فریدون و بیوراسب

Khâqânî Zîn hrdwân kdam be mxbâr nktar ast

Avestan

📖 BQT; POK:1082; KNT; HRN:206; MON5:419

aršan-aspa : (with) male horses 🐾 Eres 1

aurvat-aspa : (with) swift horses 🐾 Er 1

arejat-aspa : (with) valuable horses

Alghw

jâm-âspa : owning horses

Persian 📖 MON

Aršâsp : "with male horses"

ارشاسب

Gošnâsp : "with male horses"

گشناسب

Lohrâsb : "with swift horses"

لهراسب

Arjâsp : "with valuable horses"

ارجاسب

Jâmâsb : "owning horses"

جاماسب

دشمن دیو خوی چون ارجاسب

Qâ'ânî Châlsh az hêbt to gâsteh tbeh

Avestan 📖 BQT:1819

aspa-asa : horse food 🐾 Ed

Persian

aspast : alfalfa

اسپست (سپست)

سنبل و سوسن کجا آمد بدست از روضه ای

Sanâf Kandro tخم سپست و سیر و سپسنبر برند

Pahlavi 📖 BQT:119

aspast : horse food, alfalfa

Syriac 📖 BQT:119

pespesta : alfalfa

Arabic

alfesfeseh : alfalfa

Persian 📖 MON:2547

fasfaseh : فصفسه

English 📖 AHD:32

alfalfa

Sanskrit 📖 MON:246; BQT:125

asva-tara : related to a horse

Pahlavi

Persian

astar : mule

استر

Greek 📖 AHD

hippos : horse

philo-hippos : horse

lover 🐾 Bhili

Latin

French 📖 AHD

Persian 📖 MON

Fîlîp : "horse lover"

فیلپ

English 📖 AHD

hippopotamus, Philip

El 2 | Elu-ephas

Indo-European 📖 POK:302; KLN:509

El 2, Elk, Eln : red or brown used in animal and tree names

Avestan 📖 POK:302

auruša : pale red, white

Pahlavi 📖 BQT:55

arūs : white

Persian 📖 BQT:55; MON:80

âl : pale red, pink

âlgūneh : a pinkish face powder

Balkhī آن بناگوش کز صفا گوینی - بر کشیده است آگونه به سیم

آل (آله , آلك , آلا)

آگونه

Germanic 📖 AHD

elmo, almo, elwa : red, brown

English

elm, alder, elk

Germanic 📖 KLN:860

lambiz : lamb

English 📖 KLN:860

lamb

Indo-European 📖 POK:308; KLN:509

El 3 : to bend, elbow

Elei, Lei, Olēna

Avestan 📖 POK:308

arethna : arm, elbow

Persian 📖 MPP:79

âryšnug : elbow

Persian 📖 BQT:32; MPP:79

ârenj : elbow

آرنج (آرن , آران , آرنج)

Avestan 📖 POK:308

frâ-râthni : forearm 📖 Per 1

Old Persian 📖 MPP:79

arašni : elbow

Germanic 📖 AHD

alino : forearm

English

elbow

Elei

see root: El 3

Elk

see root: El 2

Eln

see root: El 2

Elu

see root: Yb

Elu-ephas

see root: Yb

Indo-European 📖 POK:311; WLD1:125

Embhi : *honey, honey bee*

Avestan 📖 SOD:42

ang, angu : *honey*
angu-paēna : *sweet sap*
𐬀𐬀𐬎 Paf

Pahlavi 📖 WLD1:125

ang, angubin : *honey*

Persian 📖 BQT:174; HRN:254

ang : *honey* انگ ۲
انگبین ، سکنجبین ، گزانگبین ، انغوزه

Sogdian 📖 SOD:42

`nkwpyñ : *honey*

Sanskrit 📖 POK:311

hingu : *resin*

Sogdian 📖 SOD:87

inku, `ynkw : *resin*

Latin 📖 WLD1:125

apis : *bee*

English 📖 KLN:89

apiary, apiology

Greek 📖 POK:311

ampis : *honey*

Indo-European 📖 IEC:257

Ēmos : *a suffix meaning most or last*

Avestan 📖 IEC:257

-emō : *most or extreme*

Persian 📖 IEC:257

-om : *a suffix indicating the order of a number*م ۲
دوّم ، چهارم ، پنجم

Latin 📖 IEC:257

-imus
inf-imus : *lowest*
post-omus : *lowest*
max-imus : *maximum*
min-imus : *minimum*

English 📖 AHD

maximum
minimum

En | Enomn

Indo-European POK:311

En : in, inside

Ndher, Ndhos, Ndhi : in, under

Avestan / Old Persian POK:311; DZA:57

an-tar, an-tare, antara : among, in

Persian HRN:27; BRT:132

andar : inside اندر (اندران ، اندرون)

Avestan KLN:1677

hača-adairi : from under Sekw

Pahlavi

azîr, azêr : under

Persian BQT:1051

Zîr : under زیر

Old Persian POK:311

adi, adyi : in
adi-sta : in standing Stâ
adi-var : in truth, indeed
Wel 1

Pahlavi HRN:6,20

ô-statan : to be in standing
ê-var : indeed
ê-vâr : ?
ê-vân : ?

Persian HRN

îstâdan : to stand ایستادن
ârî : yes, indeed آری

Greek AHD

en-, eis- : in, inside
para-en-tithenai : put in besides Dhë 2
epi-eis-hodos : coming in besides Sed

French

parenthese

Persian MON:652

parântez : parenthesis پرانتز

English

parenthesis, episode

Germanic AHD

in, innera, anda

English

in, and, under

Latin AHD

intrô, intrâ, inter

English

inter-, international, interest,
interface, intestine, intimate
in- 1, en-, inferior

Enek

see root: Neku

Enk

see root: Neku

Eno

see root: An 2

Enomn

see root: Nomn

Indo-European WLD1:134

Ens : meet with hostile intent

WLD expresses uncertainty about derivation of these words

Avestan

WLD1:134; BRT:361

ans-*tha*, asta 1 : *enmity*

astai : *to hate*

ans-*ra*, as-*ra*,

anra, angra : *devilish*

Avestan

POK:726; KGW:46; SIN:1179; ETM:35

anra-mainyu, angra-manyu, ahra-manyu : *evil spirit* Men 1

Persian

BQT:2083; FSF:36

ahrīman : *devil*

اَهرِمن (آهرمن)

ز فریادرس زور و فریاد خواست - از آهرمن بد کنش داد خواست
Ferdowsī

Old Persian

WLD1:134

arika, ahrika : *adversely disposed*

Indo-European POK:323; KLN:1065

Epi, Opi : at, near, against

Avestan / Old Persian KLN:530; POK:57

aipi : *to, toward, also*

aipi-areta : *set, determined* Ar

aply, ape, apaya

Latin AHD

ob : *to against, before*

English

obtain, offer, oppose, omit

Greek AHD

epi : *on, over, among*

epi-skopos : *one rank*

above bishop Spek

Old Persian

MON:1901; FSF:228

skuba : *bishop, priest*

Persian

MON:1901; FSF:228

sekubā : *a Christian bishop*

سکوبا

نوشتند نامه به هر کشوری

سکوبا و بطریق و هر مهتری
Ferdowsī

Arabic

MON:270; TAD:3

osqof : *bishop*

Persian

MON:270; FSF:44

osqof : *bishop*

اسقف

سقف گفت کاین نیست کاری گران - که پیش از تو بودند چندی سران
Ferdowsī

Latin AHD

episcopus, biscopos : *priest*

epi-dēmia : *(illness) among people* Dā

epi-lēpsia : *hold upon*

English AHD

Episcopal, bishop
epidemic, epilepsy

Indo-European POK:327

Er 1, Or : to set in motion, excite**PART 1**

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Avestan / Old Persian

POK:327; BRT:184,368; FSF:105

ar, ra 1 : to move

ras 1, rasa : to come, arrive

paity-âra : against progress, ugly Per 3

pati-ara : challenge, fight Per 3

Persian HRN:137; BQT:374,950; FSF:107; FFD:56

resîdan : to arrive, to ripe (رسیدن (رس، نورسیده)

patyâreh : enemy, ugly (پتیاره، پتیره)

pazîreh : to challenge an enemy, fight (پذیره)

پذیره شدش دیو را جنگجوی

سپه را چوروی اندر آمد به روی

Ferdowsî

Avestan / Old Persian

POK:331; IRN:112; KNT:170

aurva, aurvant : swift, fast

auruma : wildly

aurvat-aspa : (with) fast

horses Ekws

Persian BQT:111,160,1918; IRN:114

Arvand : Tigris river (اروند)

Alvand : name of a mountain with many springs (الوند)

Lohrâsp : "with fast horses", a male name (لهراسپ)

اگر پهلوانی ندانی زبان

بتازی تو ارواند را دجله خوان

Ferdowsî

"Arvand:swift" is a translation of "Dejleh:swift". See Root "Steig"

Sanskrit POK:330

rad, radati : scrapes, scratches

Persian MON:964; HRN:138

randîdan (رنندیدن (رنده)

Avestan BQT:987; SYN:278; HRN:142

rî, rae, raec 1 : to release, discharge, defecate

Pahlavi HRN:142; BQT:987; SNS:235

rîtan : to defecate

rēman : dirty discharges from eyes etc.

Persian HRN:142; BQT:987,990

rîdan : defecate (ریدن)

rîm : dirt, evil (ریم، ریمه)

dirty discharge from the eye

او را ز ریمنی گهر پاک باز داشت

ممکن نباشد از گهر پاک ریمنی

Manüchehrî

Avestan / Sanskrit

WLD1:136; AEF:20

ari, arika, araeka :

enemy, hostility, hatred

Persian BQT:33; AEF:20,21

ârîg : hostility, hatred (آریغ (آریغ)

rîg : animosity, also hated, enemy, dung (ریغ)

جهان ویژه کردم به برتنده تیغ - چرا دارد ازمن به دل شاه ریغ

Ferdowsî

Avestan POK:327-331

arati : energy

aranu, ham-aranu : hostile coincidence, fight, competition Sem 1

ham-ara, ham-aratha : opponents Sem 1

râna 1 : fighter

artha : affair

Latin AHD

oriri : to appear, rise (sun)

rivus : stream

English

orient, origin, abort
rival, derive

Germanic AHD

ri-nwan : to run

art : to be

English

run
are

PART 2

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Indo-European POK:327

Er 1, Or : to set in motion, exciteIndo-European
POK:339**Ergħ** : to excite,
tremble

Avestan POK:339

ereğant : angry,
evil

Persian BQT:32

arğandeh : angry ارغنده ، آرغنده ، آرغده
پس آن بی درفش پلید و سترگ
به پیش اندر آید چو ارغنده گرگ
Daqlqf

Sogdian SOD:57

`rğnt : greedy

Greek AHD

orğ-eyo, orxeisthai : to dance

French

orchestre

Persian MON:205

orkestr : orchestra ارکستر

English AHD

orchestra

Er 2

see root: Ere 1

Erdh

see root: Ered

Indo-European POK:332

Ere 1, Re, Er 2 : to split, loosen

Avestan POK:332; SYN:863; BRT:193

areda, aredha : side, half

Latin AHD

rarus : having intervals between, full of empty spaces, sparse
rête, rêtis : net

English AHD

rare
retina**Ere 2**

see root: Eres 1

Erëbu | Ered

Akkadian 📖 AKD:64; KLN:550

Erëbu : to enter, to go down (sunset)

Arabic 📖 AKD:640,854

ğ.r.b : to set (sun)

mağreb : sunset, west

Mağreb al aqsâ : "west of the extreme", Morocco

Persian 📖 MON

ğarb : west (غرب (مغرب، غروب))

Italian 📖 AHD:854

Marocco : Morocco

Arabic

Marâkeš

Persian

Marâkeš : Morocco

مراکش

MON:1946 derives this from a different Arabic root.

English 📖 AHD:854; NAT:163

Morocco

Hebrew 📖 AKD:64; KLN:550

`erebh : sunset, west

Greek 📖 KLN:550; AHD:452

europa : land of sunset

Latin 📖 AHD:452

europa : Europe

French

Europe

Persian

اروپا

English 📖 AHD

Europe

Indo-European 📖 POK:339,1167; KLN:1097

Ered, Erdh, Weredh, Werdh : to grow, high

Avestan 📖 POK:339,1167

eredva : high

vared, vard, ward : up,

high, growing

Persian 📖 HRN:39,210; BQT:227,1848; FFD:35

vâlâ : great, high

bâlîdan : to grow, boast

Sanâf ۱ بالش آمد ز ناز در بالش ۲
تاکه بنشست خواجه در بالش ۱ - بالش ۱ آمد ز ناز در بالش ۲

See root "Bhel" for derivation of Persian "bâlesh 1: pillow".

والا

بالیدن (بال ۲، بالش ۲)

Avestan / Sanskrit

📖 POK:1167

vi-var-d : to grow out 📖 Wi

Persian 📖 BQT:1848; HRN:210; MON:3427

govâlîdan : to grow

گوالیدن (گوالاندن، گوال)
بزرگان گنج و سیم و زر گوالند - تواز آزادگی مردم گوالی

FFD:75 derives these words from Old Persian "wi-ward"

Old Persian 📖 FFD:75

ward : to grow

wi-ward : to grow out

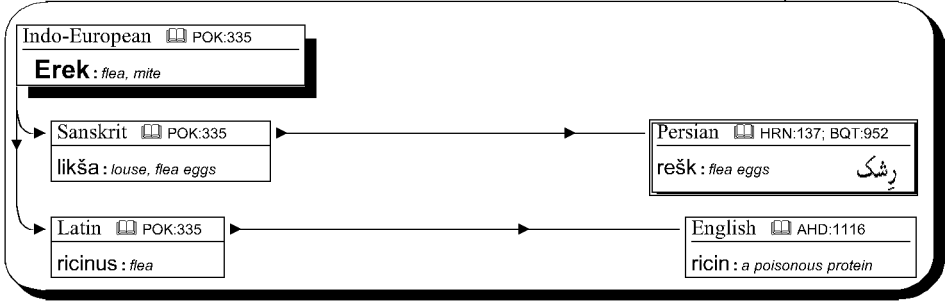
Greek 📖 POK:1167; KLN:1097

orthos : correct, right

English

ortho- : correct

orthodox, orthogonal, orthodontics, orthopedics



Indo-European POK:335

Eres 1 : to flow, to be wet

Eršen : ejector of semen, male

Ros : dew

Ers : to be in motion

Ere 2 : to have bad will

Avestan / Old Persian

POK:336; AHD:1480; SOD:414

aršan, varešna : man, hero

xšaya-aršan : hero among kings or king of men

Ksei 1

aršan-aspa : (with) male horses Ekwos

syāva-aršan : (with) black male animals Kei 1

Persian

BQT:1119; FNI:34

Aršân : "man, masculine"

ارشان

Xašâyâr : "king of men"

خشايار

Aršâsp : "with male horses"

ارشاسپ

Sîyâvaš : "with black horses"

سیاوش

Pahlavi MON:3329

vušn, gushn : male

gušn-asp : (with) male horses Ekwos

Persian BQT:1821; HRN:206; MON6:1706; FSF:297

gošn, gošan : male, strong, husband, big, wide

gošnî : insemination

Gošnasp : "with male horses", a male name

گشنسپ (گشناسب)

درختی گشن سایه بر پیش آب - نهان گشته زو چشمه آفتاب

Ferdowsî

Sogdian SOD:414

wšn : male

Avestan POK:336; AHD:1115; SOD:339

ranhâ : vein

ranha : a mystical river. Former name of Volga was Rha.

raēvas : rhubarb, grown on Rha (Volga) banks.

Pahlavi

SOD:339

rahg : vein

rag : vein

Persian

SOD:339

rag : vein

رگ

Persian BQT:991

rîvand : rhubarb ریوند (ریواس)

Greek

AHD:1115

rha : rhubarb

rhéon

Latin AHD:1115

rha : rhubarb

rheu-barbarum : foreign rhubarb Baba

English

rhubarb

Avestan POK:337

araska : enmity

Persian BQT:952

arašk, rašk : envy, zeal

ارشک، رشک

من از رشک روی تو دیدن نیارم - به تیره شب اندر مه آسمانی

Farokht

Sogdian SOD:56

r'sk : envy

Latin AHD

ros-maris : sea dew

English AHD

Rosemary

Germanic AHD

rēs : rushing

English

race : compete

Latin AHD; POK:336

errāre : to wander

English

error

Indo-European POK:335

Eres 2 : *to pierce*

Avestan / Old Persian

POK:335; KNT:172; TZF:31

aršti, aštrā 2 : *a short spear*aršti-bara : *spear man (carrier)* Bher 1u-ārštika : *good spear man* Su 1

Persian BQT:751; TZF:31

xešt 2 : *a short spear*

خِشت ۲

چو شیر نر بر آن خوک دژم تاخت

Vis-o-Rāmīn

سیه پر خشت پیچان را بیانداخت

Ergh

see root: Er1

Ers

see root: Eres 1

Ersen

see root: Eres 1

Es 1

see root: Aidh

Indo-European POK:340,341,342; IEC:254

Es 2, Es-ti : *to be*

Avestan POK:340; KNT:214; IEC:254

ahmi : *I am*asti : *it is*hant, hat : *true, real*haithya : *true*

Persian IEC:250,254; MON:260,345

astan : *to be*

استن

ast 1 : *is*

است ۱

-am : *(I) am*

-آم

امروز که در دست توام مرحمتی کن

Háfēz

فردا که شوم خاک چه سود اشک ندامت

Old Persian POK:340,341; KNT:214

amiy : *I am*hašiya : *true*

Germanic AHD

izmi : *am*isti : *is*sijai : *may it be so, yes*

English AHD

am

is

yes

Latin AHD

esse : *to be*

French AHD

Persian VOP:43

esāns : *essence*

اسانس

English AHD

essence

English AHD

absent, interest, present, entity, proud

Sanskrit IEC:254, AHD:1298

asti : *is*su-asti, svasti : *well being, good luck* Su 1

English AHD:1298

swastica, swastika : *an ancient religious symbol adopted in 1935 as an emblem of Nazi Germany***Es-ti**

see root: Es 2

Esu

see root: Su 1

Indo-European POK:344; IEC:1347; WLD1:264

Ēter : internal (insignificant) organs

Avestan POK:344

xv-âthra : insignificant, low in value
duš-âthra : not insignificant,
difficult [☞] Dus
su-âthra : ? [☞] Su 1

Pahlavi

HRN:110,127

xâr
dušxvâr

Persian

BQT:780,866; HRN:110,127

xâr 1 : of low value
došvâr : difficult

خوار
دشوار

See root "Xwâr" for
a different derivation

E-tero

see root: I 2

Indo-European POK:344; KLN:545

Eti : above, beyond

Avestan KLN:545; KNT:166

aiti 1 : over, beyond

Old Persian KNT:166

ati : beyond

Latin KLN:545

et : and
et-cē-terī : and other things [☞] I 2, Ki 2

English AHD

et cetera

Germanic KLN:545

ith : back, again, water flowing back, whirlpool

English AHD

eddy, eddy current

Indo-European POK:345

Eu 1, Ewân, Wâ : to be empty

Avestan POK:345; KLN:1687

unâ, ūna, uyamna : empty, needing

Persian POK:345; HRN:243; BQT:2293

vang 1 : empty, poor

ونگ ۱

نهال باغ جلال تراست گردون برگ
ذکات گنج عطای تراست قارون ونگ

Mansūr Shīrāzī

HUB:105 has doubts about this etymology.

Latin AHD

vâstus : empty, waste
vacâre : to be empty, vacant
vânus : empty, vain

English AHD

waste
vacate, vacuum, vacation, void, avoid
vain, vanity, vanish

Germanic AHD

wanatôn : lacking, needing

English AHD

want

Eueguh	<i>see root:</i> Wegwh
Eu-es	<i>see root:</i> Wes 3
Ewân	<i>see root:</i> Eu 1
Ewegwh	<i>see root:</i> Wegwh
Ew-es	<i>see root:</i> Wes 3
Ey	<i>see root:</i> Ei

F

Old French 📖 AHD:522,1515

Frankon : free people, conquerors,
referring to the Germanic tribe
which conquered Gaul about 500 AD.

This is a Frankish word.

Old French 📖 AHD:522

franc : free
France : land of free people

Arabic 📖 HJB:352

faranji, al-faranji : French, European

Persian 📖 MON:2528

Farânseh : France (فرانسه ، فرانکین)

Persian 📖 BQT:1471

farangî : European (فرنگ (فرنگستان ، افرنجی)
زی فرنگستان سه کرت شاه ایران راند خنگ
خواست تا ایران شود همچون فرنگستان قشنگ
Bahâr

English 📖 AHD; KLN:614

Frank, Franc, France, Franklin, franchise

Old Persian 📖 HRN:182

Fra-sanga : a distance of about five kilometers

Pahlavi 📖 BQT:1462

farsang

Persian 📖 MON:743,2517; BQT:1462

farsang : a distance of about 5 kilometers (فرسنگ (پرسنگ)
farsax : Arabic pronunciation of "farsang" فرسخ

Greek

📖 KLN:1127

parsanges

Latin 📖 AHD:952

parsanga

English 📖 AHD:952

parsang : an ancient Persian unit of distance (3.5 miles)

Arabic 📖 KLN:1637

F.r.q : to split, divide**Tafriq** : distribution

Persian 📖 FVA:313

farq : difference, dividing line

فَرْق

فارق ، فاروق ، تفریق ، تفرقه ، فراق

مفارقة ، متفرق ، متفرقة ، فرقه

forqân : ability to distinguish (between good and bad), Koran

فُرْقَان

Molavî نور هر گوهر کزو تابان شدی - حق و باطل را از او فرقان شدی

Italian 📖 KLN:1637

traffico : traffic

traficare : to trade

KLN:1637 claims "traffico" is possibly from Arabic "tafriq: distribution", influenced by Latin "traficere: to take over".

French 📖 KLN:1637

trafic

Persian

trâfic : traffic

ترافیک

English 📖 KLN:1637

traffic

Avestan 📖 HRN:24

Fšân : spread, sprinkle

Avestan 📖 HRN:24

aiwi-fšân : spread over, spread around 𐬀𐬀𐬎 Ambhi

Pahlavi 📖 BQT:1492

afšântan : to sprinkle

Persian 📖 HRN:24; BQT:1492; AEF:137

afšândan : to sprinkle, scatter

افشاندن (فشاندن)

afshân : scattered

افشان

afšûn : rake (for spreading sand, etc.)

افشون

اگر شراب خوری جرعه ای فشان بر خاک

Hâfez

از آن گناه که خیری رسد به غیر چه باک

G

Iranian AFM:123

Gabbah : dome, vault, blister

Persian MON:2894,2898

kobbeh : pile, heap (کُپِه)

kapîdan : to pile up (کَپِیدن)

Arabic FVF:520; AFM:120

qabbah : it was arched, bent

al-qubbaḥ : the arch, vaulted tent

q.b.b : to be bent, crooked, vaulted

KLN:46 claims these words are from the Semitic root "q.b.b: to be bent"

Persian MON:2637; VGH:94; FVA:323

qobbeh : dome, vault (قُبَّه)

Spanish KLN:46

alcoba : arched area

French KLN:46

alcove

English KLN:46; TYL:567

alcove : a recessed section in a room

Gag

see root: Kak 4

Indo-European POK:351

Gal, Galgh, Galagh : to shout, complain

Avestan POK:351

garez : to complain

Pahlavi BQT:1832

gilak : complaint

Persian BQT:1832

geleh : complaint

گِلِه کو پیک صبح تا گِلِه های شب فراق

Hâfez با آن خجسته طالع فرخنده پی کنم ؟

Germanic AHD

kall : to shout

English

call

Galagh

see root: Gal

Galgh

see root: Gal

Indo-Schythian 📖 ISS:27

Gan : to seize

Indo-Schythian 📖 ISS:27

Uysgani : vulture

Sogdian 📖 ISS:27; SOD:163

ğnw, ġan : power, force, skill

Persian 📖 ISS:27; BQT:1023

zağan : a black bird (kite)

زغن
جمله صید این جهانیم ای پسر
ما چو صعوه ، مرگ برسان زغن
Rūdakī

Indo-European 📖 POK:352

Gang : to mock, hum

Sanskrit

📖 POK:352

gunj : to hum

Pahlavi

📖 MON:3418; BQT:1844

gung : dumb

Persian 📖 HRN:209; BQT:1844

gong : deaf, dumb

گنگ
گنگ باد آنکس که اندر طعن تو گوید سخن
کور باد آنکس که اندر عرض تو جوید عوار
Farrokhi

Avestan 📖 HUB:95; SYN:516

Gantuma : wheat

Cognate with Sanskrit "gódhūma".

Pahlavi 📖 HRN:209

gantum : wheat

Persian 📖 BQT:1842; MON:3411

gandom : wheat

gandomgūn : wheat colored [⚡] Gēugandom-ba : wheat soup [⚡] Pekw

گندم (گندمک ، گندمینه)
گندمگون
گندم با (گندم وا)
خال مشکین که بدان عارض گندمگون است
سرّ آن دانه که شد رهزن آدم با اوست
Hāfez

Avestan 📖 BQT:1779

Garenu : scab on animal skin

Pahlavi 📖 MON:3211

gar 2 : scab

Persian 📖 HRN:200; BQT:1779; MON:3211

gar 3 : scab on skin (causing baldness)

gargen : one who has scab, bald

گر ۳ (گری ۲)
گر ۳ : scab on skin (causing baldness)
گرگین (گرگین)
گر نخواستی رفیع گر ۳ از گرگنان پرهیز کن
چهل گر ۳ است ای پسر پرهیز کن زمین زشت گر ۲
Nāser-Khosrow

Gargelos

see root: Gwer 3

Akkadian 📖 HRN:199

Gassu : mortar

Avestan 📖 HRN:199

vīčiča : mortar, gypsum

Old Persian 📖 HRN:199

gač : chalk

MON and HUB:90 derive this word from Arabic word "jass" which is derived from the same Akkadian root.

Persian 📖 SNS:310

gač : chalk

گچ
به سنگ و به گچ دیو دیوار کرد
نخست از برش هندسی کار کرد
Ferdowsi

Greek 📖 AHD:588; AKD:32

gupsos : gypsum

Arabic 📖 BQT:1776; TAD:20

jabsîn, jass, jafsîn : chalk

Persian 📖 BQT

jabsîn : chalk

جبسین

Latin 📖 AHD

gypsum

English

gypsum

Indo-European 📖 IEC:388

Ĝaulos : vessel, boat

Persian 📖 AEC:388; BQT:1044

zowraq : boat

zowraqî : a boat-shaped hat

زورق
زورقی

Greek 📖 AHD:539; IEC:388

gaulos, galea : merchant ship

Latin 📖 AHD:539

galeota, galea : ship

English 📖 AHD:539

galleon, galiot, galliot, galley

Gě

see root: Gěi

Gebh

see root: Geph

Indo-European 📖 POK:355

Gěi, Gě, Gî : to sing, song

Avestan 📖 POK:355; KLN:169

gâ 1 : to sing

gâtâ : song, religious hymn

Persian 📖 MON:61648; MON:3190; KLN:169

gât : Zoroastrian religious songs

gâh 1 : music, tune

گات (گاتها)
گاه ۱ (سه گاه ، چهارگاه)

Sanskrit 📖 POK:355

gâ : to sing

gâyati : sings

bhagavant-gita : sound of sublime Bhag

Old Persian 📖 MON:4878

niğây : praise

Pahlavi 📖 MON:4878

niğâyîšn : praise

Persian 📖 BQT:2224

nîyâyeš : praise

نیایش

English 📖 KLN:169

Bhagavad-Gita

Indo-European POK:357-364, SYN:908; IEC:303

Gel, Geli, Gelu, Glue, Geleb, Gelu*to form into a ball, stick together*

Persian IEC:303

gŭy : ball, also competition in any game

گوی

Hāfez حافظا ببر تو گوی فصاحت که مدعی - هیچش هنر نمود و خبر نیز هم نداشت

Sanskrit POK:357, 361

glāv, gula, glāu-h : parcel, ball

Persian POK:361; MON:3382; BQT:1861

gulleh : ball, bullet

گوله

goluleh : bullet

گلوله

Latin AHD;

globus : ball

gluten : glue

French

globule

Persian MON:3363

golobūl : globule

گلوبول

English AHD

globe, globule

glue

Germanic AHD

klukjan : to clutch

English AHD

clutch

Persian MON:3015

kelāč : clutch

کلاچ

Germanic AHD

klub : a lump or group

French

club

Persian MON:3039

klub : a club or association

کلبوب

English

club

Germanic AHD

kling : to cling

klimban : to hold on, climb

klūd : , a hill, rock, cloud

klamp, klump, klut : a wooden shoe, clumsy person

klaijo : sticky mud

English

cling,
climb,
cloud,
clamp, clumsy, clown,
clay**Geleb**

see root: Gel

Geli

see root: Gel

Gelu

see root: Gel

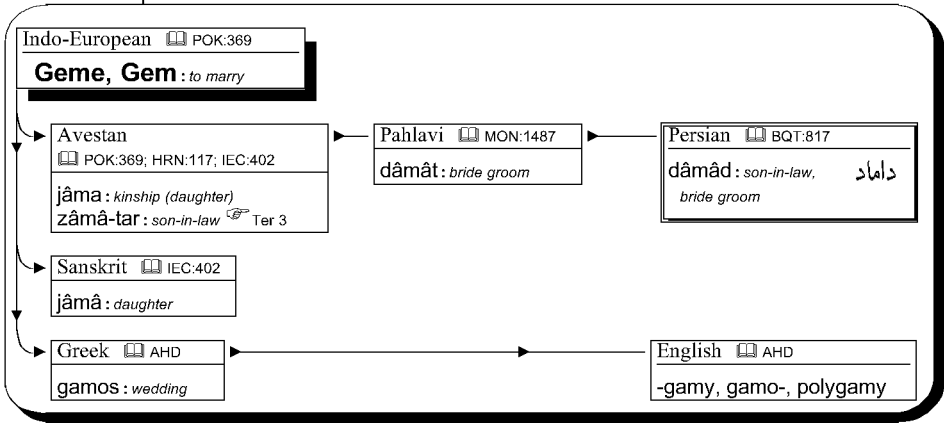
Gelu

see root: Gel

Gem

see root: Geme

Geme | Gen



Geme-tar

Gen

see root : Ter 3

see root : Gnô

Indo-European 📖 POK:373

Gene 1 : to give birth to

Avestan 📖 POK:373; SOD:462

zan 1 : to give birth to

zâta 1 : born

â-zâta 1 : free born, noble

ni-zâti : race, generation

fra-zaintiš : offspring, child 📖 Per 1

Sogdian 📖 SOD:462

zn` : to give birth to

Persian 📖 POK:373; BQT:34,995,1459,2134; HRN:181,231

zâdan, zâidan : to give birth to

(زادن (زاییدن , زائو)

mîrzâ : Nobel born, title of respect 📖 A.m.r

میرزا

âzâd : free

آزاد

nežâd : race

نژاد

farzand : child

فرزند

Avestan / Old Persian 📖 POK:376; KNT:211

zana 1 : human being

Sanskrit 📖 POK:375

ja : made of

krmi-ja : a red dye "made of worms" 📖 Wer 2

Persian 📖 BQT:1527

qermez : red

قرمز

Arabic 📖 KLN:373

qirmiz : red

English 📖 KLN:373

crimson, carmine, kermes

Latin 📖 AHD

gener, gent, genius,

ingenium, germen,

nâtus (gnâtus), prae-gnâs

French

Persian 📖 MON

جرم , ژنرال , ژاندارم

ژنراتور , ناسیونال

English 📖 AHD

genius, engine, engineer, general, gentle
pregnant, generation, nation, nature, Noel

Greek 📖 AHD

genos : race, family

eu-genos : well born 📖 Su 1

French

Persian 📖 MON

ژن , اکسیژن , هیدروژن

English

gene, oxygen, hydrogen, Eugene

Germanic 📖 AHD

kundjaz : family

kundigaz : royal born, king

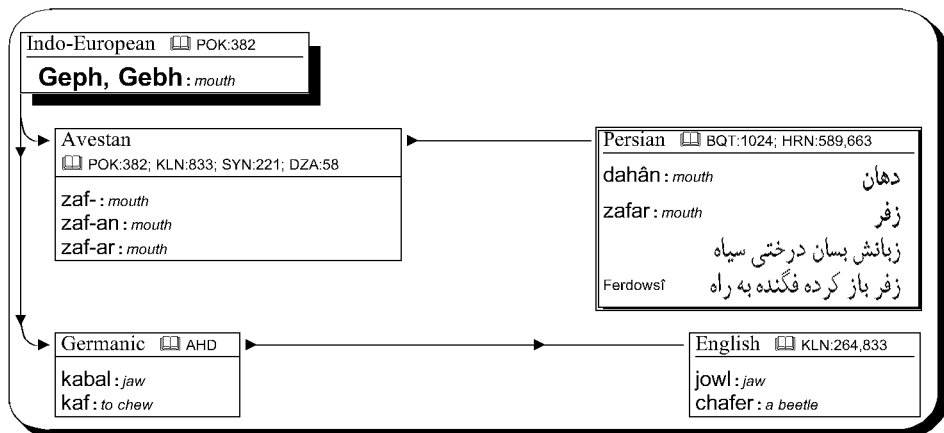
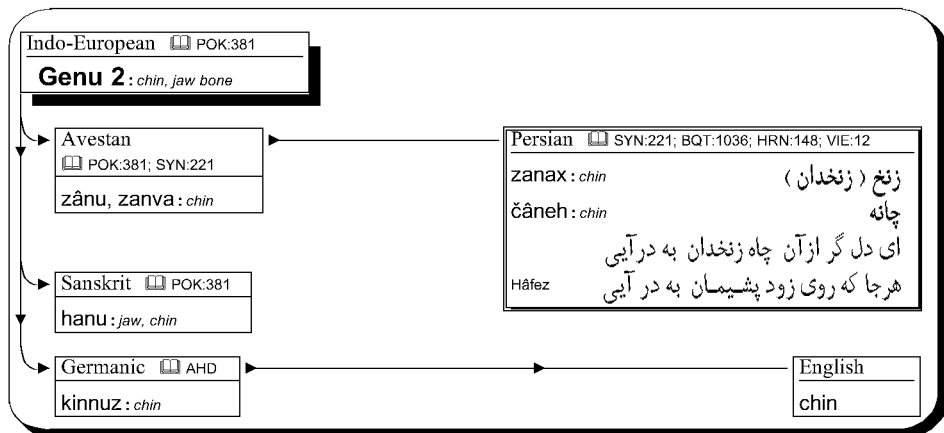
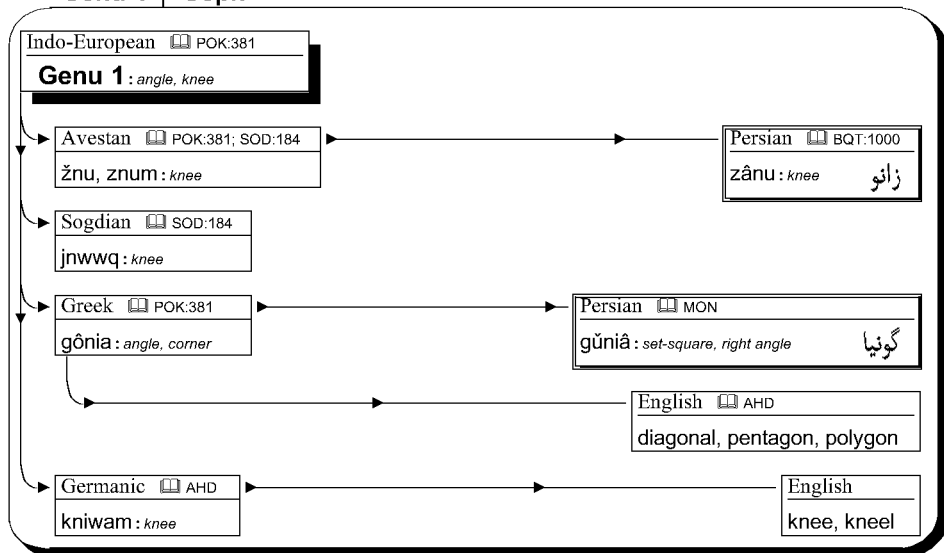
English

kind, king

Gene 2

see root: Gnô

Genu 1 | Geph



Indo-European 📖 POK:385

Ger 1 : *crooked, curved, round object*

Sanskrit 📖 POK:386

grath, granth : *knot*

Old Persian 📖 BQT:1803

gratha : *knot, tie*
gravatha : *assemblage, group*

Persian 📖 BQT:1803; MON:3280

gereh : *knot* گره

Pahlavi 📖 VFO:25

groh : *group*

Persian 📖 MON

gorūh : *group* گروه

Italian 📖 AHD:582,1516

grappo : *assemblage*

French

groupe

English

group

Germanic 📖 AHD

grāppon : *a hook used for harvesting grapes*

English

grape

Old English 📖 AHD

English

cripple, creep, crutch, crank, crumb, crop, crib, cradle, cart

Dutch 📖 AHD

crule

This is a Middle Dutch word.

English

curl

Indo-European POK:390

Ger 2, Greno : to become ripe, grow old

Avestan / Old Persian POK:390

zar 2 : to grow old
 zarmân : old man
 zarwân, zaurva : old age
 â-zarema-dugedâ : ageless woman
 Ne 1 & Dheugh
 zara-uštra : "with old camels" Wes 1
 Some references (BQT:1011) link "zara" to the Indo-European root "Ghel/yellow", thus "zara-uštra" means (with) yellow camels.

Persian HRN:143; POK:390; BQT:36,1015,1017

zar 2 : old (زرمان)
 zâl : old زال
 zâr 1 : ill, weak زار
 zarvân : time زروان
 Āzarmîdoxt : "ageless woman" آرمیدخت
 Zartošt : Zoroaster زرتشت، زردشت

Pahlavi MON:199

arzan : millet

Persian IEC:406

arzan : millet (ارزن (ارژن)

Persian IEC:406

zîreh : caraway seed (زیره (زیره با)

Sanskrit IEC:406

jîrna : caraway seed

Latin AHD

granum : grain

Italian

granito : grained, grained rock

French KLN:674

granite

Persian MON:3223

gerânît : hard rock گرانیت

English KLN:674

granite

English AHD

grain, granule, gravy, pomegranate

Middle German AHD

karl : (grown and mature) man

French / English

Persian MON

کارل، شارل، چارلی، کارولینا، کارلوس

English

Carl, Karl, Carolina, Charles

Germanic AHD

karnam : grain

English

corn

Indo-European POK:391

Ger 3 : *to awaken*

Avestan POK:391

gar 1 : *to wake up*â-gara-yeiti : *wakes up*

Pahlavi POK:391

vîgrâs : *to awaken*wiğrâd : *awake*

Persian MON:621

bîdâr : *awake*

بیدار

Greek AHD

gregorious : *awake, watchful*

Latin

gregorious

English

Gregory, Gregorian

Indo-European POK:383; IEC:308

Ger 4, Gurr, Gurô : *to cry hoarsely, growl*

Persian MON:2411; IEC:308

ğorridan : *to growl*

غریدن (غر، غرآن، غریش)

Sanskrit POK:383

jaratē : *to cry loudly*

Persian HRN:143; BQT:995

zâr 2 : *cry*

زار ۲ (زاری)

Germanic AHD

krě, krô, kur : *to cry, growl*kranu : *crane*

English IEC:308; AHD

crow, crack, croon, cur
crane

Greek AHD:1516

geranous : *crane*

English AHD

geranium

Latin AHD; IEC:308

grūs : *crane*gurriô : *churr, croon*

Indo-European POK:394-398; POK:588-592

Gěu 1, Gu : to bend

Keu 1, Keup, Kumb, Kub, Keub, Keuk 2 : to bend, curved, hump

Compare with root "Kam 2:to bend"

PART 1

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Avestan POK:398

gaošaka : corner

Persian BQT:1859

gūšeh : corner

گوشه

Persian BQT:1731

kūšk : a room at the top corner of a castle, castle

کوشک (کوشه)

Turkish

KLN:847

kiošk : pavilion

French

kiosque

Persian MON:3160

kīusk : kiosk

کیوسک

English KLN:847

kiosk

Avestan SYN:1051; SNS:90

gaona : hair, hair color

hamo-gaona : all colors (everyone) Sem 1

nī-gaona : downward N1 1

Sogdian SOD:174

gwn`k : hair

Pahlavi

BQT:671

gōn : color

cigōn : how

hamōgēn : all

ni-kūn : downward

Persian BQT:1861; MON:3473

gūn : color

گون (چگونه، چون، همگی)

negūn : downward

نگون (سرنگون، نگوئسار)

zargūn : golden, a yellow mineral Ghel

زرگون

French

jargon : a yellow mineral

English

AHD:1489

zircon, zirconium

Persian

زیرکونیم

Avestan POK:394

gunda : ball of dough

Persian HRN:209; BQT:1843

gondeh : a lump of dough, large

گنده

Pahlavi POK:396

gumbat : dome

Persian MON:3396; BQT:1836

gonbad : dome

گنبد

Persian POK:395; POK:589; LAT:488

gūz : a lump on the back bone

غوز (قوز، کوز، کوز)

gūzak : ankle

غوزک (قوزک، گوزک)

Old Persian KNT:178

kaufa : mountain

Greek AHD

guros : ring

English

gyroscope

Indo-European POK:394-398; POK:588-592

Gëu 1, Gu : to bend

Keu 1, Keup, Kumb, Kub, Keub, Keuk 2 : to bend, curved, hump

See and compare with root "Kam.to bend"

PART 2

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Avestan POK:591,592; KLN:391

kaofa : mountain

xumba : bent container, pot

Pahlavi HRN:195

kôf : mountain

xombak : a jar

Persian BQT:768,1739; WLD1:376

kûh : mountain

kohân : camel's hump

xom : jar

Ferdowsî

کوه
کوهان (کوه)
خُم (خمره)
چو روی هوا گشت چون آبَنوس
نهادند بر کوهه پَسل کوس

Avestan POK:395,588

kava : humped

fra-kava : humped front

apa-kava : humped back

Latin AHD

cuppa : curved-in pot

cymbalon : curved-in plate

Arabic

ARK:223; TAD:44

koab : cup

akvâb : cups

sanj : cymbal

Persian MON:332,1336; TAD:44

akvâb : cups, jars

sanj : cymbal

See root "Keg" for another possible derivation.

اکواب

صنج (سج)

English

cup, hump, cymbal

Germanic AHD

haup : heap

English

heap, hip, high, height

Indo-European POK:399

Geu 2, Geua : to hasten

Avestan POK:399; BQT:148

zavah, zâvar : power, force

api-zâwar : tool

Persian POK:399; BQT:148; HRN:149

zûr 1 : force, power

zâvar : power, force

zâv : powerful, strong

abzâr, afzâr : tools

For a different derivation of "abzâr & afzâr" see root "Ghei 2".

زور ۱

زاوَر

زاو

ابزار ، افزار

Avestan POK:399; HUB:16

zava : haste

aiwi-zâvayeiti : adds up Ambhi

Persian POK:399; BQT:1043; HRN:149; HUB:16

zûd : fast, soon

afzûdan : to increase

زود

افزودن

افزایش ، افزون ، فزون

Old Persian SOD:103

abi-jâvaya : to increase Ambhi

Sogdian SOD:103

bj'w : to increase

Geu 3 | Ghaise

Indo-European 📖 POK:400

Geu 3, Gyeu, Gieu : *to chew*

Old Persian 📖 POK:400

jutan : *to chew*

Persian 📖 KLN:275

javîdan : *to chew* جویدن (جاویدن ، جاییدن)

Germanic 📖 AHD

kewwan : *to chew*

English 📖 KLN:274

chew

Geua

see root: Geu 2

Geulo

see root: Dhogh

Indo-European 📖 POK:399

Geus : *to love, favor, choose*

Avestan / Old Persian 📖 POK:399; KNT:189

zaošô : *to agree*

zuštô : *favorite*

dauštar : *friend*

Persian 📖 HRN:130; BQT:897

dûst : *friend* دوست

Germanic 📖 AHD

kiusan : *to choose*

English

choose, choice

Latin 📖 AHD:377

gustus : *taste*

dis-goust : *dislike*

English

disgust

Indo-European 📖 POK:409; CEL5:7

Ghaido : *goat*

Armenian 📖 CEL5:7; MON:1712

jag : *young beast*

Persian 📖 CEL5:7; MON:1712

zâq : *young of any animal* زاق

zâq-dân : *womb* زاقدان See Dhë 2

Germanic 📖 AHD:1517

gât : *goat*

English 📖 AHD

goat

Ghaise

see root: Ghei 2

Indo-European 📖 POK:410

Ghait, Ghaita : wavy hair

Avestan / Old Persian 📖 POK:410; KLN:264

gaësa, gaësu : hair

ges, gesuk : hair

Persian 📖 POK:410; BQT:1870

gîs : hair

گیس (گیسو)
دوش در حلقهٔ ما قصهٔ گیسوی تو بود
تا دل شب سخن از سلسلهٔ موی تو بود
Hâfez

Greek 📖 AHD

xaitê : long hair

English 📖 AHD

chaeta : bristle worm

Ghaita

see root: Ghait

Indo-European 📖 POK:412; IEC:314

Ghans : goose

Persian 📖 IEC:314; MON:2375

ğâz : goose

غاز

Sanskrit 📖 UEC:314; POK:412

hamsîh : goose

Germanic 📖 AHD:1517

gans, ganr, ganôton : goose

English 📖 AHD

goose, gander, gannet

Latin 📖 AHD

ânsér, hansér : goose

Greek 📖 IEC:314

khên : goose

Ghau

see root: Ghu 1

Ghazâl

see root: Ğ.z.l

Ghdes

see root: Ghdiēs

Indo-European 📖 POK:414; SYN:16; AHD:1513

Ghdhem, Dhehem : earth

Avestan / Old Persian 📖 AHD; BQT:1032; KNT:177

zam : earth

Persian

zamīn : earth

زمین

Avestan / Old Persian 📖 KNT:177

u-vâra-zmī : good ... land 📖 Su 1

The meaning of "vâra" is not clear

Avestan / Old Persian 📖 BQT:22(Introduction),781; MON5:488

huvârazmîš, xvarazmîš, xvârizem :

An ancient city believed to be one of the original residences of the Aryan people (Aīryanemwaejō). Now it is known as "Khiva" in central Asia between Uzbekistan and Turkmenistan, along the Amu Darya

Persian 📖 BQT:781,805; MON5:488,491; KLN:49

Xârazm, Khârazm : a city in central Asia, modern Khiva

Xârazmī : from Khârazm

Xîveh, Xîvaq : Khârazm

Hâfez حافظ تو ترک غمره خوبان نمیکنی - دانی کجاست جای تو خوارزم یا خجند

Khârazmī is surname of Abū Ja'far Mohammad ibn Musā, the great mathematician of the ninth century. His great work "Al-Jabr wal Moqābeleh" introduced the Arabic numerals and Algebra in Europe.

خوارزم

خوارزمی

خیوه، خیوق

Arabic

Al-Xwârazmī : the ninth century mathematician

Middle Latin 📖 AHD:33; KLN:49

algorithmus : the Arabic system of numerals

French

📖 AHD:33

algorithme, algorithme

Persian 📖 VOP:17

āloritm : a type of computational procedure

آلگوریتم

English 📖 KLN:49

algorithm, algorithm

Old Persian 📖 KNT:177

ud-zma, uzma : grown up from ground 📖 Ud 1

Latin 📖 AHD

humus : earth

homo : man

humanus : kind

English

humble, humility

human, homicide

humane

Greek 📖 AHD

gumon : man

English

bridegroom

Indo-European POK:416

Ghdies, Ghdes, Ghies, Ghes : *yester*

Avestan POK:416; KLN:1762

zyô : *yester*

Pahlavi

dîk

Persian MON:1588

dî : *yester* (دی ۳ (دیروز ، دیشب)

Sogdian SOD:94

`zyy-mydd : *yesterday*

Germanic AHD

ges-ter : *yester*

English

yester, yesterday

Indo-European POK:418; KLN:666

Ghě 1, Ghěi 3 : *to go, to let go, also to go without (lack)***Ghi-ghe-me** : *I reach, meet with*

Avestan POK:418; KLN:666

zâ 1 : *to go*â-zâ : *go to, go near* Apouz-zâ, uzayantô : *to spring up, burst open* Ud 1zazâmi : *I dismiss*avâ-zazâmi : *I let off (remove)*, Au 2frâ-zazâmi, upa-zazâmi : *to let to, forward* Upo, Per 1

Germanic AHD

gee-n : *to go*

English

go, ago, forego

Latin AHD

hērēs : *one who goes without parents, orphan*

English

heir, heredity, heritage, inherit

Ghe 2

see root: Ki2

Ghebh-el | Ghěi

Indo-European 📖 POK:423

Ghebh-el : *head, top*

Greek 📖

POK:423; KLN:259

kephalē : *head*

Arabic 📖

MON:2769; KLN:259

qîphaleh, al-qîphâl : *head*

KLN:259 claims this is of an unknown origin and is mistaken with the Greek word by translators of Avicenna

Persian 📖

MON:2769

qîfâl : *head*

قیفال

ورید قیفالی

Latin 📖

KLN:259

cephalicus : *head*

English 📖

AHD

cephalic

Italian 📖

TAD:65

cuffia : *headband, scarf*

Arabic 📖

TAD:65

kūfiyyah : *scarf*

Persian 📖

MON:3127

kūfiyyeh : *scarf*

کوفیه

Germanic 📖

AHD

gabl : *top*

English

gable

Indo-European 📖 POK:419; IEC:418

Ghěi, Ğhî, Ğhiâ : *to yawn*

Persian 📖

IEC:418; MON:2470; FRS:120

fâž : *yawn*

فاز ، فازه

fâžidan : *to yawn*

فازیدن

اگر ندانی باندیش تاچگونه بود - که سیر خورده بفازد بهار که اشتر Labibi

Germanic 📖

AHD:1517

ginôn : *yawn*

Old English 📖

AHD:1517

geonian : *yawn*

English 📖

AHD

yawn

Greek 📖

AHD:1517

khasma : *yawning (wide open) gulf*

English 📖

AHD

chasm

Old Norse 📖

AHD:1517

gap : *chasm*

gapa : *to open mouth*

geispa : *to yawn*

English 📖

AHD

gap, gape, gasp

Indo-European 📖 POK:425

Ghei 1, Ghiem, Ghi, Khai, Khei : *winter*

Avestan / Old Persian

📖 POK:425

zem : *cold*zyâ 1, zyâo, zimô : *winter*

Persian 📖 BQT:1028,1032; FVF:320

zam : *cold*zemestan : *winter* 📖 Stā

areas with cold winters

zamharîr : *a very cold place*

Manüchehrf

زم

زمستان

سمیرم ، سمیران ، شمیران

زمهریر

برگ بنفشه چون بُن ناخن شده کبود

در دست شیر خواره بسرمای زمهریر

Avestan 📖 POK:425; KLN:728; SYN:1014

zaem, zyam : *winter*

Persian 📖 POK:425; SYN:1014

day : *(first month of) winter*

BQT:907 derives this word from the Avestan root "datuš:creator". See root "Dô 2".

دی ۱

Sanskrit 📖 POK:425

hima : *snow*hima-alaya : *home of snow*

Persian 📖 MON6:2320

hîmâlâyâ : *Himalayan mountains*

هیمالیا

English

Himalayan

Latin 📖 AHD

hibernus : *pertaining to winter*

English

hibernate

Ghei 2 | Ghěi 3

Indo-European POK:410,424

Ghei 2 : to propel, move forward

Ghaise : spear

Avestan POK:424; KLN:666; SYN:1384

zaēna 1 : weapon

zaya : tools, equipment

zayan : equipped, armed

zaenô-hâra : hold (your) weapon,

be careful Dher 1

Pahlavi

ISS:16

abzâr : tools

Persian ISS:16

abzâr, afzâr : tools ابزار ، افزار

For a different derivation of these words see root "Geu 2".

Persian BQT:1054; PLA:162; FVF:2

zîn : saddle زین

âb-zîn : water saddle, bath tub, ship آبزین ؟ ، آبزن

apsân : grinding stone اپسان ؟

Arabic

PLA:162; FVQ:171; VDQ:260

safan : to peel

safîneh : ship

AFA:216 disagrees with this derivation

Persian MON; VGH:74

safîneh : ship, book (of poems) سفینه

در این زمانه رفیقی که خالی از خلل است

صراحی می ناب و سفینه غزل است

Hâfez

Persian HUB:60; HRN:116; BQT:1055

zenhâr : beware

زندهار (زینهار)

Avestan HRN:149; DRM:290

zaēna 2 : chain ?

zaēna-dana : house of chains, prison Dhē 2

Persian HRN:149

zanjîr : chain زنجیر

zendân : prison زندان

Avestan POK:424

zaēmi : eager

zaēman : active

zaēnah-vant : watchful

Germanic AHD

gaizaz : spear

English

garlic : (due to its spear shaped leaves)

auger, garfish

Oscar, Edgar, Roger, Gerald

Ghěi 3

see root: Ghě 1

Indo-European POK:427

Gheis, Gheizd : to frighten, to be angry

Avestan POK:427; KLN:655

zaēša, zaēšta : terrible, ugly

zōišnu : shuddering

zōižd-išta : most abominable lsto

Sogdian SOD:472

žyšt : ugly

Germanic AHD

gaistaz : a ghost

Persian BQT:1021; HRN:147

zešt : ugly

زشت

English

ghost

Gheizd

see root: Gheis

Indo-European POK:429

Ghel : to shine, also a bright yellow color**PART 1**

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Avestan POK:429; KLN:667; SOD:411

zarena, zari, zaranya, zairita, zareta : golden, yellow

Persian

HRN:145; BQT:1012

zar 1 : gold زرا، زبر

zard : yellow زرد

zardak : carrot زردک

zarnīx : arsenic زرنيخ

Persian HRN:145; BQT:1012

zargūn : golden Gəu 1 زرگون

French

jargon : a yellow mineral

English

AHD:1489

zircon

zirconium

Persian

زبرکونیم

Arabic SKT:26; KLN:108

az-zarnīx Al 3

Greek

KLN:108

arsenikon

Latin

French

Persian VOP:41

ârsenīk : arsenic

آرسنیک

English KLN:108

arsenic

Sogdian SOD:471

zyrn : gold

Old Persian KNT:189

daraniya : gold

daraniya-kara : goldsmith Kwer

Avestan / Old Persian

POK:429

zahr, zara 1 : bile

Persian

zahreh : bile, courage

زهره

Molavi زهره ندارم که بگویم تو را - بی من بیچاره چرا بوده ای

Ghel | Gheled

Indo-European POK:429

Ghel : to shine, also a bright yellow color

PART 2

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Greek AHD:236

xlôros : greenish yellow color
xlôros-phullon : green leaf (chlorophyll)
Bhel

French

Persian MON

kolor : chlorine کلر
کلروفیل ، کلروفرم

English

chlorine, chlorophyll

Greek AHD:817

xolê : bile
melan-xolia : black bile, a disease Mel 1

Latin

melancholia

Persian BQT:795,1947

mâlixũlîâ : melancholy (مالیخولیا خولیا)

Arabic

AFM:59; FVF:223

xîyâl : imagination
Arabic "xîyâl" is a
distorted form of Persian
"xũlîa:imagination".

Persian MON:1466

xîyâl : imagination (خیال تخیل)
بر خیالی صلحشان و جنگشان
وز خیالی فخرشان و ننگشان
Molavî

French

English

melancholy

Germanic

English AHD

gold, yellow, glass,
gloss, glow, glad

Persian MON:3513

gilâs : a glass drinking cup گیلاس

Indo-European POK:435

Gheled : ice, hail

Sanskrit POK:435

jada : hail, also cold and dry

Persian BQT:1057; MON:1775; FSF:216

žâleh : hail, dew ژاله
تو گفتی هوا ژاله بارد همی - به سنگ اندرون لاله کارد همی
Ferdowsî

Greek AHD

xalaza : hail stone, also any lump sum object, tumor

English

chalazion : an eyelid tumor

Indo-European 📖 POK:436

Ghen : *to bite, chew*

Avestan 📖 POK:436;

gnixta : *chewed*

aiwi-gnixta : *eaten up, eroded* ^{𐬀𐬀𐬎} Ambhi

Germanic 📖 AHD

gnag : *to bite*

gnatt : *a biting insect*

English

gnaw, gnat

Indo-European 📖 POK:438; IEC:414,571

Ghengh : *to proceed, step*

Ksengio : *pace*

Avestan 📖 POK:438; KLN:639; IEC:414

zanga : *ankle*

zangô : *upper part of the foot*

Persian 📖 HRN:302

zang : *foot (obsolete)*

زنگ

Sanskrit 📖 IEC:414,571

janh : *dash around*

janghâ : *lower leg*

xanjami : *limp*

Persian 📖 IEC:414

jang : *fight*

جنگ

xeng : *(white) horse*

خنگ

Germanic 📖 KLN:639; AHD:542

gang : *going, journey, passage*

(*a group of people going together*)

English 📖 KLN:639

gang

gangster

Persian 📖 VOP:303

gângester : *gangster*

گانگستر

Gher 1 | Gher 2

Indo-European POK:442, 444

Gher 1, Gherd : *to grasp, enclose*

Ghordho : *an enclosed land, yard, garden*

Avestan / Old Persian

WLD1:603; HRN:6; HUB:6; FFD:25

zar 1 : *to harm*

â-zâr : *harm* Apo

âzâra : *oppressed*

Persian WLD1:603; FFD:25

âzâr : *harm*

آزار (آزارش)

âzordan : *to harm* (آزردن، آزارده)

Sogdian SOD:55

‘pz’rn : *to harm*

Greek AHD

XORUS : *an enclosed dancing group*

Latin

French

Persian MON:2927

kor : *a singing group*

گَر

English

chorus, choir

Greek KLN:284

ġr-on-os, chronos, xronos :
that which encloses all things, time

Arabic

TAD:56

qarn : *a century*

Persian MON:2665

qarn : *a century*

قَرَن (قرون)

Latin AHD:240

chronicus : *time*

French AHD; KLN

chronique

English AHD; KLN

chronic, chronicle, chronological,
chronometer, synchronize

Germanic

English AHD

yard, orchard, garden, kindergarten

Latin AHD

hortus : *garden*

English

horticulture, court, courtesy, curtain

Gher 2

see root: Ghîad

Indo-European OEW:120; POK:439,457

Gher 3 : to scratch, scrape away**Ghrēi, Ghreu** : to rub, grind

Sanskrit OEW:120

ghat : a place where sins are wiped away, a shrine

Greek OEW:120

xriein, khriein : anoint

Christ : the anointed

English OEW:120

Christ,
Christian, Christmas

Persian VOP:281

krīsmas : Christmass

کریسمس

Turkish OEW:120

xoroзма : anointment

Old French

OEW:120

cresme

French

KLN:369

creme

Persian VOP:280

kerem : cream

کیرم

English KLN:369

cream

Greek AHD:240

xrōs : skin, rough surface

xroma : complexion, color

French AHD:240

chrome

Persian VOP:281

korom : chromium

koromosom : chromosome

کروم
کروموزم

English AHD:240

chrome, chromium, chromosome

Greek AHD

kharax, xarax : a pointed stake, character

English AHD

character

Germanic AHD

grautaz : coarse, large

English AHD

great

Celtic AHD

graw : rough surface, gravel

English AHD

gravel

Indo-European POK:440

Gher 4 : to wish, desire, want

Avestan POK:440

zara 2 : desire, aim, target

Germanic AHD

gernjan : want

grēduz : hunger

English AHD

yearn

greed, greedy

Latin AHD

hortārī : to urge

English AHD

exhort

Greek AHD

khoris. xoris : grace

English AHD

charisma, charismatic

Gherd

see root: Gher 1

Indo-European POK:445

Ghers : to be horrified, to stare

Avestan POK:445; KLN:744

zrš, zarš : to be horrified
zaršayamna : ruffling one's feathers

Latin POK:445

horrēre : to be horrified

English

horror

Indo-European POK:446

Gherto : milk, butter

Sanskrit POK:446; AEF:40

ḡar : milk, also anything wet
â-gar : to soak, also to swallow
AEF:40 lists the Latin word
"Vorāre:to swallow" as a cognate.
See root "Gwer 3.to swallow".

Persian POK:446; HRN:9; AEF:41; BQT:47

āḡâr : wetness, humidity

āḡârîdan : to soak

âḡeštan : to soak in (mix with)

âḡar : water puddles in a dried river

Nâser-Khosrow

آغار
آغاریدن (آغاردن ، آگردن)
آغشتن
آغر
از هرچه سبو پر کنی از زیر و زپهلوش
زان چیز برون آید و بیرون دهد آغار

Persian BQT:1465; FRS:98; MON:2520

farḡârîdan : to soak ^{Per 1}

farḡâr : soaked

farḡar : little puddles of water in a dried river

farḡan : new river

farḡandeh : rotten

Farrokhf از آب دریا گفتی همی بگوش آمد - که شهریارا دریا توئی و من فرغر

فرغاریدن ، فرگردن
فرغار
فرغر
فرغن
فرغنده

Ghes

see root: Ghdieš

Indo-European POK:446

Gheslo : *thousand*

Avestan POK:446

hazanrem, hazangra : *thousand*

Persian POK:446; BQT:2331

hezâr : *thousand* هزار

Greek POK:446

xilio : *thousand*

French AHD

kilo-

Persian MON:3156

kîlo : *thousand* کیلو

کیلوگرم، کیلومتر، کیلووات

English AHD

kilo, kilogram, kilometer, kilowatt

Latin AHD; KLN:979; BQT:2080

smî-gžlî : *one thousandth* Sem 1millia pasuum : *thousand steps*millie : *a measure of distance*Derivation of "millia" or "millie"
from "smî-gžlî" is not quite certain.

Arabic

Persian MON:4505; BQT:2080

mîl : *a mile, a road marker* میل

زیک میل کرد آفریدون نگاه

یکی کاخ دید اندر آن شهر شاه

Ferdowsî

French AHD

Persian MON:4507

mîlî : *one thousandth* میلی

میلیمتر، میلیگرم، میلیون، میلیارد

English

mile, millimeter, milligram, million,illiard

Indo-European POK:447

Ghesto, Ghesto : *hand*

Avestan / Old Persian

POK:447; KLN:707; KNT:190

zasta : *hand*dasta : *hand*dasta-karta : *hand-made* Kwerabi-dasta, a-dsta : *over hands, sleeve* Ambhi

Sogdian SOD:144

dst : *hand*

Persian BQT:854; AHM:220; MON

dast : *hand* دست

دستار، دستگاه

آستین (آستن، آستیم)

ای دل بیا که ما به پناه خدا رویم

ز آنچ آستین کوته و دست دراز کرد

Hâfêz

Sanskrit POK:447

hastah : *hand*

English KLN:707

hasta : *symbolic position of the hands in dancing*

Gheu 1 | Gheue

Indo-European  POK:447

Gheu 1 : *to pour*

Avestan  POK:447

zaothra, zaothar, zaothr : *holy water*

Pahlavi

zôṭ : *holy water*

Persian  MON:1761; BQT:1043

zawr : *holy water*

(in Zoroastrian religion)

زور

Avestan  POK:447; SOD:184

âzūtay : *melted butter or fat*

zav 2 : *a kind of alcoholic beverage*

Germanic  AHD

English  KLN

geyser, gust, ingot, nugget

Latin  AHD

fundere : *to pour*

English

funnel, fuse

Persian  MON:2599

fiyûz : *fuse*

فیوز

French  AHD

refuse : *poured back, rejected*

Persian  MON:1665

refûzeh : *failed*

رفوزه

English  AHD

refuse, confuse, refund, font

Greek  OEW:124; FSD:66

xymeia : *infusion by pouring (mixing) liquids*

KLN:45 does not accept this derivation (folk etymology)

Arabic  OEW:124; FSD:66

al-kimyâ : *chemistry*

KLN:45; OEW:182 & AHD:30 derive this word from the Egyptian word "khem: black". See root "Kers 2".

Persian  BQT:1759

kîmiyâ

کیمیا (کیموس)

آنچه زر میشود از پرتو آن قلب سیاه

کیمیائست که در صحبت درویشانست

Hâfez
See "Kers 2" for another possible root.

Latin  AHD

alchemy

French

Persian  MON:2115

šîmî

شیمی

English  KLN:45

alchemy, chemistry, chemical

Gheu 2

see root: Ghu 1

Gheu-bh

see root: Ghu 1

Gheue

see root: Ghu 1

Indo-European POK:450

Gheugh, Ghŭgh : *to hide, conceal*

Old Persian

POK:450; KNT:182; SOD:50; SYN:852

gaud : *to hide*â-gaud : *cover*apa-gaudaya : *to uncover* Apo

Sogdian SOD:3,5

â-gaud, `g`wd : *cover,**barn, shelter*`g`wnd : *to cover*

Persian

MON:68; SOD:3

âğol : *barn*آغل
آغیل , آغال

Avestan

POK:450; KNT:182; SYN:852

guz, gaoz : *to conceal*fra-gauzayanta : *to conceal*

Sanskrit POK:450; KNT:182

gŭhati : *conceals***Ghi***see root: Ghei 1***Ghî***see root: Ghëi***Ghiâ***see root: Ghëi***Ghiem***see root: Ghei 1***Ghies***see root: Ghdiés***Ghi-ghe-me***see root: Ghë 1*

Indo-European POK:451

Ghlâd : *to sound, to ring*

Avestan POK:451

zrâda : *linked armor*

Pahlavi VQD:257

zrih

Persian POK:451; HRN:146; BQT:1019

zereh : *armor*

زره

Arabic VQD:257

zard, sarad : *armor*zarrâd : *armor maker*

Persian MON:1729

zarrâd : *armor maker*زرّاد
زرّادخانه , زرّادگاه

Indo-European POK:439,451

Gher 2 : *to call out*

Germanic AHD

grētan : *to moan*grōtjan : *to speak*

English

regret

greet

Ghordho*see root: Gher 1***Ghosh***see root: Ôus 1***Ghosto***see root: Ghesto*

Ghou-ro-s | Ghreu

Indo-European POK:453

Ghou-ro-s : terrifying

Sanskrit POK:453

Ġōrāh : terrifying

Persian HRN:210

gūr : grave

gūrāb : the dome built over a grave

Rashīdī : گور (گورابه) فریت کمتر از جور و ستم نیست - که چاه گور از گورابه کم نیست

Indo-European POK:455

Ghrehb : seize

Avestan / Old Persian

POK:455; SOD:237

grab : to grab

paiti-grab : accept Per 3

gerew-āiti, gerewn-āiti : he seized

gāuru-ayeiti, garb-āyiti : he seized

ni-gerepto : to be pressed down Ni 1

Persian BQT:374,1797,1802

gereftan : to grab, take گرفتن

pazīroftan : accept پذیرفتن (دلپذیر)

gero : collateral گرو (گروگان)

Hāfēz در همه دیرمغان نیست چومن شیدایی

خرقه جایی گرو باده و دفتر جایی

Hāfēz

SNS:322 claims that Persian "gero: collateral"

is derived from "garīveh: neck" meaning to

accept responsibility. See root "Gwer 3".

Sogdian SOD:167

grb : to grab, understand

Germanic AHD

grab : to grab

English

grab, grasp

Ghrēi

see root: Gher 3

Indo-European POK:458

Ghrem : anger

Avestan

POK:458

gram : anger

Persian POK:458; MON:2413; FRS:187

gozm, gožm : anger

Rūdāf شیر غزم آورد و جست از جای خویش - و آمد آن خرگوش را آرنده پیش

غزم، غزم

Germanic AHD

grimmaz, grum

English

grim, grumble

Ghreu

see root: Gher 3

Arabic KLN:237; SAP:1152

Gh.r.f: *to draw water*

Arabic KLN:237

gharrâf: *drinking jug*

Persian FVA:296; MON:308

eġterâf: *to draw water by hands*

اغتراف

Spanish AHD:201

French AHD:201

English KLN:237

carafe: *a glass bottle*

Indo-European POK:413

Ghu 1, Ghau, Gheue, Gheu 2: *to call for help, appeal*

Indo-European AHD

Ghu-to: *God, one who is called upon for help*

Avestan WLD:599; KLN:413

zavaiti: *invoked, God*

Pahlavi HUB:54

xvatây: *God*

See root "Ahw" for a different derivation

Persian BQT:718; HRN:104; FSF:159

Xodâ: *God (who is called upon for help)*

خدا

xadieve: *governor, king*

خدیو

xâjeh: *master*

خواجه

سیامک به دست خرزوان دیو

Ferdowsî

تبه گشت و ماند انجمن بی خدیو

See above references for more details

Germanic AHD

Gudam: *God*

English AHD

God, good-bye, good-night

Indo-European KNT:182

Gheu-bh: *to speak*

Old Persian

BQT:1821; FFD:75; KNT:182

gaub, gub: *to speak*

Pahlavi

FFD:75; MON:3333

guftan: *to tell*

Persian FFD:75; HRN:206; BQT:1775,1821; MON:3195

goftan: *to tell*

گفتن (گو، گفتار، گویش)

gotpan: *to tell, say*

گپتن

gap: *gossip*

گپ (گب)

که زهر ناشسته رویی گپ زنی

Molavi

شرم داری، وز خدای خویش نی

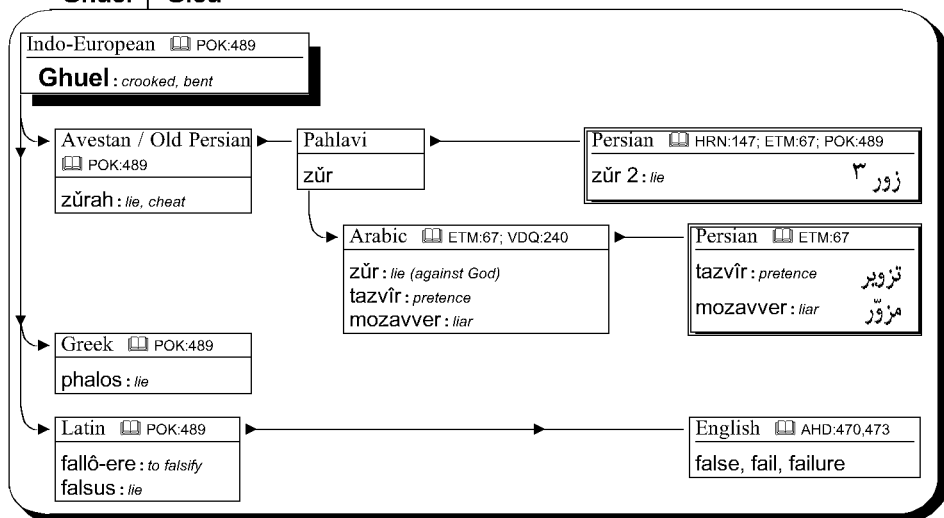
Ghu 2

see root: Dinghw

Ghuâ

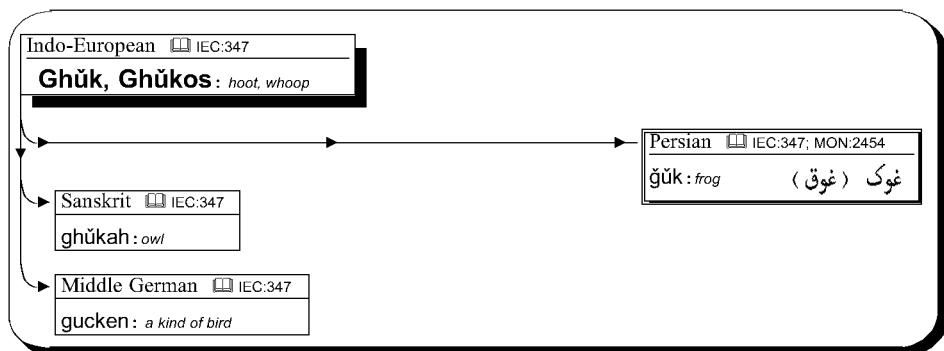
see root: Dinghw

Ghuel | Gieu



Ghūgh

see root: Gheugh



Ghūkos

see root: Ghūk

Ġhumbo

see root: Gwa

Ghu-to

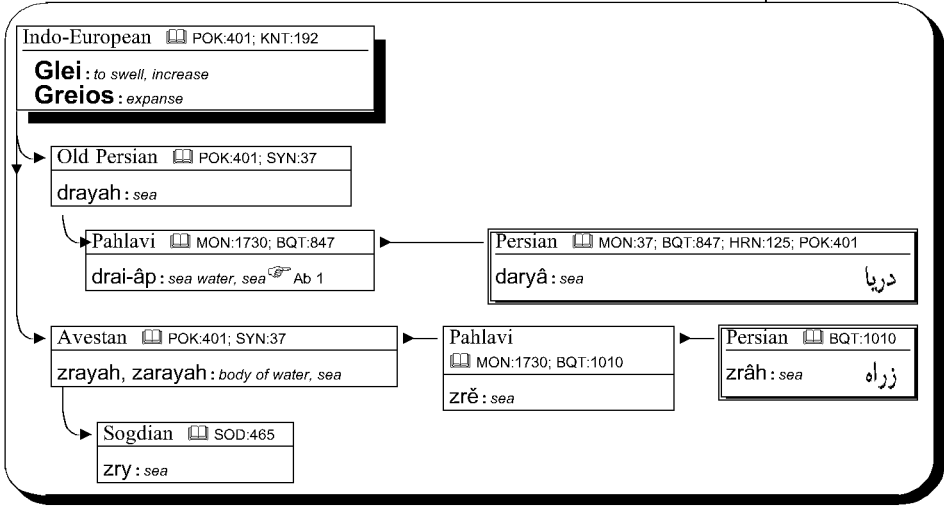
see root: Ghu 1

Gî

see root: Gěi

Gieu

see root: Geu 3



Glue

see root: Gel

Gnô | Gogelos

Indo-European 📖 POK:376

Gnô, Gen, Gene 2 : to know

Avestan / Old Persian

📖 POK:376; BQT:1298

zan 2, zânâ 2 : to know
dan, dâna : to know

Persian 📖 BQT; FFD:53

Zand : interpretation of the Avesta book

zandîq : familiar with the Zand book (non-Moslem)

dânestan : to know

dân : with knowledge in

Daqqîf یکی زردشت وارم آرزو یست - که پیش از بر خوانم از بر

زند

زندیق

دانستن (دانا، دانش)

- دان ۲ (سخندان، کاردان)

Old Persian

📖 POK:376; BQT:1298

xšnâ : to know

Persian 📖 SPG:216

šenâxtan : to recognize

Vajdf یارب بقدر قدر تو نشناختم تو را - در حد فکر کوتاه خود ساختم تو را

شناختن (آشنا، شناس)

Sanskrit 📖 POK:377

pra-jan : one who knows in advance,
one who has perception, wise 📖 Per 1

Pahlavi

📖 BQT:1459; HRN:181

farzânak : wise

Persian

Farzâneh فرزانه

فرزین

Germanic 📖 AHD

know, kunnan

English

know, can

Latin 📖 AHD

gnôcere, nôcere 1 : get to know
î-gnôrâre : not to know, ignore 📖 Ne 1
nôbilis : well known
norma : rule, pattern

French

Persian 📖 MON:4704

normâl : normal نرمال

not : a tone نُت، نوت

nobel : noble نوبل

English

note, notify, notorious, acquaint, recognize
ignore, noble, norm, normal, abnormal, enormous

Greek 📖 AHD

gignôskein : to know

English 📖 AHD:563

gnosis : intuitive apprehension of spiritual truths
diagnosis

Indo-European 📖 IEC:287

Gogel, Gogelos : knob, tapering object

Armenian 📖 IEC:287

kakġi : lime tree (from the fruit shape)

Persian 📖 IEC:287; MON:3306

gazar : carrot

گَزَر

Gogelos

see root: Gogel

Sanskrit 📖 HRN:211

Gôtra : race, origin, substance

Pahlavi 📖 HRN:211

gôhar : substance, material

Persian 📖 BQT:1862; PLA:101; ARK:249; FSF:302

gohar : substance, anything of value, gem

گوهر، گهر، گوهران

جوهر، جواهر

Ferdowsî جوان بود و از گوهر پهلوان - خردمند و بیدار و روشنروان

Indo-European 📖 POK:404

Gras : to eat

Greek 📖 POK:404

gangraina, gagrajna

decay of tissue (in a limb)

Arabic 📖 BQT:1339

Persian 📖 MON:2383

ġânqrâyâ : gangrene

غانقرایا، غانقرایا

Latin 📖 AHD:542

gangraena

English

gangrene

Indo-European 📖 POK:456

Gredh : to walk, go

Avestan / Old Persian

📖 POK:456; FFD:71

aiwi-grad-mahi : we begin

gerezdi : agreement

grâ : to lean toward

Pahlavi

📖 FFD:71

grây : to lean
toward

Persian 📖 FFD:71; BQT:1783; VSF:16

grâyîdan : to be inclined

گراییدن

گرایستن، گرای، گرایش

گهی دل بر رفتن گرایش کند

Nezâmî گهی خواب را سرستایش کند

Latin 📖 POK:456

gradi, gressus : to walk, go

gradus : step

French 📖 AHD

grade, congrès

Persian 📖 MON:3102,3212

kongereh 2 : congress

کنگره ۲

گرا، سانتیگراد

English 📖 AHD

grade, congress, centigrade, degree, gradient

English 📖 AHD

aggressive, progress, regression, ingredient, graduate

Greios

see root: Glei

Greno

see root: Ger 2

Gu

see root: Ğeu 1

Ğuël

see root: Dhogh

Guhâ	<i>see root: Gwhi</i>
Guheguh	<i>see root: Dhogh</i>
Guhei	<i>see root: Gwhi</i>
Ġul	<i>see root: Dhogh</i>
Gulgul	<i>see root: Gwer 3</i>
Gumnos	<i>see root: Nogw</i>
Gunos	<i>see root: Nogw</i>

Persian 📖 MON:3434

Gürb, Kûrb : *stocking* (گورب (گوراب ۲)

Arabic 📖 FVF:177; ARB:101

jaurb, jaurab : *stocking, sock*
j.r.b : *he wears socks*

Persian 📖 MON:3434

jûrâb : *stocking, sock* جوراب

Portuguese 📖 KLN:678

greba : *leg or shin protection*

Old French 📖 KLN:678

greve : *shin armor, shin*

English 📖 KLN:678

greave : *leg armor*
AHD:577 derives this word from a different root.

Indo-European 📖 IEC:307

Gurdos, Gurdus : *brave, proud*

Old Persian

📖 BQT:1786; HUB:91

Vtra, Vurt : *hero*

Pahlavi 📖 BQT:1786

gort, gurt : *hero, strong*

Persian 📖 HRN:200; BQT:1786; IEC:307

gord : *strong, hero* (گردان، گردزاد)
بهومان چنین گفت سهراب گرد
که اندیشه از دل بباید سترد
Ferdownsi

Armenian 📖 IEC:307

kord : *rough*

Indo-European 📖 IEC:373

Gurdos, Gurdus : *sluggish, stupid*

Persian 📖 IEC:373; MON:3470

gûl : *stupid* (گول زدن، گول خوردن)
آن زنک میخواست تا با مول خود - جمع گردد پیش شوی گول خود
Molavi

Latin 📖 IEC:373

gurdus : *stupid*

Greek 📖 IEC:373

bradus : *sluggish*

Latin 📖 IEC:373

bardus : *stupid*

Gurdus

see root: Gurdos

Gurô

see root: Ger 4

Gurr

see root: Ger 4

Indo-Schythian  ISS:74**Gūysna**: *deer, stag*Avestan  ISS:74gavasna: *deer*Pahlavi  ISS:74; BQT:1754; UNV:56

gw'zn, gavāzan

Persian  BQT:1754gavazn: *deer*

گوزن

Sogdian  SOD:180gwzn: *deer*Semitic  FVA:304**Ĝ.v.I**: *to take suddenly*Arabic  FVA:304ġala: *he took suddenly*ġūl: *one who attacks suddenly, demon*umme-ġilân: *"mother of demons",**referring to desert bushes**believed to nourish demons.*  UmmPersian  FVA:304; MON:4261; BQT:2023ġūl: *demon, large person*

غول

ġāleleh: *difficulty*

غائله

moġilân: *desert thorn bushes*

مغیلان

در بیابان گر بشوق کعبه خواهی زد قدم

Hāfez

سرزنشها گر کند خار مغیلان غم مخور

English  KLN:48,655alġol: *the demon star*ghoul: *demon*

Indo-European POK:463

Gwa, Gwâ, Gwen 2: *to walk, to step, to come, to go*

Avestan / Old Persian POK:463; KLN:318

gam : *to come, step*
jam, jantu : *to go*

Avestan POK:463

gâman : *step*
a-gam : *to come* ^{Apo}
ni-gama : *come down (in sheath)* ^{Ni}
paiti-gama : *come forth (with a message)* ^{Per 3}

Avestan BQT:166,1451

fra-jâma : *gone forward (to a destination)* ^{Per 1}
han-jâma : *conclusion* ^{Sem 1}
han-jâmana : *coming together* ^{Sem 1}

Avestan / Old Persian POK:463; KNT:183

gât, gâthu, gâv, gâtuš : *place, seat, throne*
gâtu-bar : *(baby) carriage* ^{Bher 1}

Old Persian BQT:2368; KNT:212

ham-gmatana, hangmatâna : *(a place for) coming together*
^{Sem 1}

Avestan / Old Persian

PLA:146; NYB:228; SBK:203

jamâna : *a step (period) of time*
thamân : *time*

Arabic PLA:146; NYB:228

zamân : *time*
KLN:951 derives this from Akkadian "Simânu: appointed time". NYB:228 claims they are ultimately from Old Persian "jamâna:time".

Avestan / Old Persian BQT:2383

gâma : *a step (period) of time*
han-gâma : *at the same time, during* ^{Sem 1}

PART 1

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Persian HRN:11; BQT:434,1765,2223; SPG:217

gâm : *step* گام
âmadan : *to come* آمدن (آینده)
nîyâm : *sheath* نیام
payâm : *message* پیام (پیامبر، پیغام، پیغمبر)
گفت مرا دولت نو: راه مرو رنجبه مشو
زانک من از لطف و کرم سوی تو آئینده شدم
Molavi

Persian ETM; FFD

farjâm : *end* فرجام (فرجامیدن)
anjâm : *conclusion* انجام (انجامیدن)
anjoman : *society, meeting* انجمن

Persian BQT:1771,1773

gâh 2 : *place, position, rank* گاه ۲
دانشگاه، خانگاه، خاقانه، گهواره

Arabic

FVF:144

jâh : *rank*

Persian MON

jâh : *position* جاه

Persian BQT:2368

Ekbâtân اکباتان (همدان)

Persian MON:1746

zamân : *time* زمان
همی خواهیم از روشن کردگار
که چندان زمان یابم از روزگار
Ferdowsi

Persian MON:1746

mozmen : *old* مزمن
azmaneh : *times* ازمنه

Persian BQT:2383

hengâm : *during* هنگام
ناهنگام، شب هنگام

PART 2

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Indo-European POK:463

Gwa, Gwâ, Gwen 2 : *to walk, to step, to come, to go*

Avestan / Old Persian POK:464,465

aiwi-gaiti : *to come here* ^W Ambhi
 ni-jâma : *birth, origin, race*
 gemton : *to give birth to*
 gimsenin : *birth*
 gemmons : *born*

Greek AHD;KLN

bainein : *to go, walk, step*
 dia-bainein : *going across (referring to excessive thirst and urination due to diabetes)* ^W Dwo
 akro-bates : *stepping on tiptoe* ^W Ak

French

Persian MON:75,1588

دپات ، آکروبات

English AHD

diabetes, acrobat

French AHD:110

basse, bassin : *base, bottom*

Persian VOP:83

bâsan : *buttock, hip*

باسن

English AHD:110

base, basic

Latin AHD

venîr : *to come*

English

avenue, event, prevent, invent

Germanic AHD

kuman : *to come*

English

come, become, welcome, income

Indo-European IEC:425

Ĝhumbo : *start, move, jump*

Pahlavi MON:1244

junbîtan : *to move*

Persian MON:1244; IEC:425

jonbîdan : *to move*

جنیدن

جنبش ، جنبنده ، جنبان

Gwâ

see root: Gwa

Indo-European POK:465

Gwadh : *to sink*

Avestan POK:465

vi-gâthô : *ravine, canyon* ^W Wi

Sanskrit POK:465

gâhate : *immersed*
 vi-gâha : *depth*

Greek AHD:1519

bussos 2 : *bottom of the sea*

Latin AHD

abyssus

English AHD

abyss : *a bottomless void or pit, hell*

Gwag

see root: Wag 2

Gwāk

see root: Wag 2

Indo-European POK:465

Gwebh 1 : to dip, sink

Avestan

POK:466

jafra : deep

Pahlavi

FVA:293

žafṛ

Persian

BQT:1059; HRN:152

žarf : deep

ژرف (ژرفا)
یکی ژرف دریاست بن ناپدید - در گنج رازش ندارد کلید
Ferdowsī

Greek

POK:466; AHD

baptein : to dip

English

Baptist

Indo-European POK:466

Gwebh 2 : slime, sliminess, toad

Old Persian

POK:466

gabawo : toad

Germanic

AHD:1519

quabbeln : to shake like jelly, tremble

English

quaver, quiver

Indo-European POK:466

Gwedh : to injure, destroy

Avestan

POK:466; SYN:1024

gantay, ganti, gainti : bad smell

Sogdian

SOD:164

gnc : bad smelling

Old Persian

SYN:1024; KNT:183

gasta : offensive, evil

Pahlavi

MON:3314

gasta : ugly

Persian

BQT:1841; HRN:208; SYN:1179

gand : stink

گند
gandīdan : to rot
گندیدن

Persian

MON:3314; SYN:1024

gast : bad, ugly

گست
چه عاشق باشد اندر عشق، چه مست
کجا بر چشم او نیکی بود گست
Vīs-o-Rāmīn

Gwěguos

see root: Wag 2

Indo-European POK:467

Gwei : to live

Avestan / Old Persian

KLN:1288; POK:467,750; SNS:173; SOD:91

jiva, jīta, jva : living

merezū-jīta : short lived, short

hu-jyāti : healthy, prosperous 𐬔𐬀 Su 1

Pahlavi BQT:606,1038

zivastan : to live

zivandak : mercury, "living (metal)"

Arabic PLA:102

zībaq

Avestan BQT:1872

gayō-maretan : perishable life (man) 𐬔𐬀 Mer 2

Avestan / Old Persian

POK:467

gaētha : to exist

gaētha-nām : existing things

gaitha : living property, cattle

Pahlavi HRN:212

gētīk, gētē : world

gēhān : world

Persian MON

zīstan : to live

زیستن

زیست ، زی ، آبرزی

zendegī : life (زنده)

jīveh : mercury (جیوه)

Persian MON:1768

zībaq : mercury

زببق

Persian BQT:1872; ZMA:21

Kīūmars : "mortal man"

کیومرث

Persian BQT:1868

gīfi : world

gīfi : world

keyhān : world (جهان)

Avestan POK:468

žīra, ā-žīra : alert

Persian FAF:28

zīrak : alert, smart

āžīr : alert, warning siren, smart

Ferdowsī سپه را بیاری و آژیر باش - شب و روز با ترکش و تیر باش

Latin AHD

viva, vivere : to live, life

French

vitamine

Persian MON

vītāmīn : vitamin

ویتامین

English

vital, survive, vitamin

Greek AHD

bios : life

mikro-bios : little creature

hu-giēs : good life, good health 𐬔𐬀 Su 1

French

microbe

Persian MON:4500

mīkrob : microbe

میکروب

English

microbe, biology, hygiene

Greek AHD; OE:135

zoe : life

zoidion : carved animal figure

English OE:135

zoo, zoology

zodiac

Germanic AHD

kwi-kwaz : living, full of energy

English

quick

Gweie | Gwel 1

Indo-European POK:469

Gweie, Gweye : to over power, defeat

Avestan POK:469; SOD:470

zinât : to injure

zyâ 3, zyâni : injury

Persian BQT:1050

zîyân : loss, damage

زیان

Avestan

POK:470; HRN:197; FFD:70

gâ 2 : to rape

gâmô : sexual intercourse, rape

Pahlavi HRN:197

gâtan : to engage in
sexual intercourse

Persian HRN:197; FFD:70

gâdan

گادن (گاییدن)
گاد ، گای

Avestan POK:469

žayâi : to defeat.

žya 4 : defeated, diluted

Old English AHD:1070

âcwencan : to quench

English AHD

quench

Indo-European POK:472

Gwel 1 : to throw, reach

Avestan POK:472; KLN:143

ni-ğrâ-ire : they are thrown down NT 1

ni-gar

Greek AHD

ballein : to throw

para-ballein : to throw (set) beside,

to talk to a group Per 1

sum-ballein : throw together, compare Sem 1

dia-ballein : to throw across, slander Dwo

dia-bolos : slanderer, devil Dwo

French AHD

parler : to talk

symbole : signs

(used for comparison)

Persian

MON:1981

پارلمان ، سَمبُول

English

parliament

Latin AHD

English

ballistic, parabola, hyperbola, metabolism, problem, symbol, devil

Arabic FVQ:47; KLN:496

eblis, iblis : devil

Persian BQT:83

eblîs : devil

ابلیس

Greek AHD

ballizein : to dance

French

bal, ballet : dance

Persian MON:466

bâlet : ballet

بالت

English

ballet

English

ballroom, ballad

Indo-European 📖 POK:470

Gwel 2 : *to pierce*

Greek 📖 POK:470; KLN:1068

obelos, obolos : *spike, nail,
also nail-shaped Greek coins, money*
obelekos : *a narrow pointed stone pillar*

Persian 📖 BQT:428

pūl : *money*

پول

Arabic 📖 ARK:232; TAD:52

fals : *money, also the scales on fish skin*
flūs : *coins*
eflās : *poverty*
mofles : *poor*

Persian 📖 FVA:319; BQT:428; ARK:232

fals : *money, fish scales*
eflās : *poverty, not having money*
mofles : *poor, without money*

فلس

افلاس

مفلس

Latin 📖 KLN:1068

obolus : *spike, a narrow pointed
stone pillar, also a Greek coin*

English 📖 KLN:1068; SKT:354

Obol : *an ancient Greek coin*
obelus : *a line-shaped symbol (-)
used in marking manuscripts.*
obelisk : *a narrow pointed stone pillar*

Indo-European 📖 POK:473

Gwelbh : *womb*

Avestan 📖 POK:473; KLN:483

garewa : *womb*
garebuš : *young animal*

Greek 📖 POK:473; KLN:483

delphus : *womb*
delphis : *a marine mammal, dolphin*
adelphos : *born from same womb (brothers)*
philo-adelphos : *brotherly love* ^{CB} Bhili

Arabic 📖 TAD:28

Persian 📖 MON:1552

dolfin

دلفین

English

dolphin, Philadelphia

Persian

Filādelfiyā

فیلا دلفیا

Germanic 📖 AHD

kilbur : *young animal*

English

calf

Gwen 1 | Gwer 1

Indo-European POK:473

Gwen 1, Gwenâ, Gwŭnâ : *woman, female*

Avestan POK:473; SYN:82

ğnâ, genâ, žaini, jâni : *woman*

Persian POK:473; BQT:1033

zan : *woman, wife*

زن

Sanskrit POK:473

gnâ, gunâ, jani, kan, kanya : *woman*

Germanic AHD

kweniz : *woman*

English

queen

Greek

gune : *woman*

Latin

English

gyno-, gynecology

Gwen 2

see root: Gwa

Gwenâ

see root: Gwen 1

Indo-European POK:476

Gwer 1 : *heavy*

Avestan

POK:476

gouru : *heavy*

Persian BQT:1781; MON:3214

gerân : *heavy, expensive*

گران

Hâfez سینه تنگ من و بار غم او ، هیهات - مرد این بار گران نیست دل مسکینم

Latin AHD

gravis : *heavy*

English

grave : *serious*
gravity, grief

Greek AHD

barus : *heavy*

baros : *weight*

French

Persian MON:451,452

باریم ، بارومتر

English

barium, barometer

Indo-European POK:478

Gwer 2, Gwere 1 : *to praise, welcome, sing*

Avestan POK:478

gar 2, gard, grad, grd, grnâti : *to call, pray*
 garo-gar : *fulfiller of prayers, God*
 garô-demâna : *house of prayer, sky* ^{Dem}
 paiti-gar : *to speak against, blame* ^{Per 3}

Persian HRN:202,204; BQT:1793-1806

gerîstan : *to cry* (گری، گریه)
 garogar : *God* گروگر
 garzmân : *sky* گرزمان
 payğāreh : *blame* پیغاره، بیغاره
 فرزندان تو امروز بود جاهل وعاصی
 فردات چه فریاد رسد پیش گروگر
 Nâser-Khosrow

Pahlavi MON:3214

gar-âmik : *revered, respected*

Persian MON:3214; IEC:376

gerâmi : *dear, respected* گرامی
 پذیره فرستاد خسرو سوار
 گرانمایگان گرامی هزار
 Ferdowsi

Latin AHD

gratus : *agreeable, grateful*
 grâtia : *favor*

English

grace, gracious, grateful, agree, congratulate

Gwer 3 | Gwer 3

Indo-European POK:474

Gwer 3, Gwere 2: to swallow

Avestan

POK:474; KNT:199

gar 3: to swallow, devour

jaraiti: swallows

garah: throat

Pahlavi

HRN:207

garūk: throat

Persian

POK:474; BQT:1832; MON:3334

galū: throat

gal: throat, neck, a narrow pass

Compare with "gal: mountain" from root "Gwer 4".

گلو
گل (گلاویز)

Avestan

KNT:199

pati-gāra: a cup "for drinking"

Per 3

Persian

KNT:199

piyāleh: drinking cup or bowl

MON:862 lists "piyāleh" as a cognate of Greek "piále"

پیاله (پیناله)

Old Persian

KNT:199

gar: to devour

Avestan

POK:475; BQT:1807

grīvā: neck, also a hump

grīvā-pān: protector of neck, collar Pa

For sense development from "neck" to "hump" compare Indo-European roots "Men 3:to stand out" and "Mon:neck".

Also compare with derivatives of root "Gwer 4".

Persian

SYN:233; BQT:1807

garīveh: mountain, hilly land

garībân: collar

در شاهراه جاه و بزرگی خطر بسی است
آن به کزین گریوه سبکسار بگذری
Hāfez

گریوه
گریبان

Greek

AHD

bronxos: throat

French

Persian

MON:514

bronšît

برونشیت

English

bronchitis

Latin

AHD

vorâre: to swallow

English

AHD

voracious, carnivorous

Indo-European

IEC:265,305

Gargelos, Gulgul: gargle

Persian

IEC:265,305; MON:1408

ğerğereh: gargle

xerxereh: throat

ğolğol: boil, gargle

غرغره
خرخره
غلغل، قلقل

Sanskrit

IEC:265

gargarah: gargle

Latin

AHD

gurges: throat

gurguliô: windpipe

English

AHD

gargle

Indo-European POK:477

Gwer 4 : mountain

Avestan

POK:477; KLN:374; SYN:25

gairi : mountain

Compare with derivatives
of the Indo-European
root "Gwer 3".

Pahlavi

SNS:318

gar 1 : mountain

Persian

MON:3212; SNS:318

gar 1 : mountain

garšāh : a male name

It literally means "king of mountains"

گَر ۱
گَرشاه (گلشاه)

Old Slavic

KLN:374

čurva : mountain

Čurvatīnŭ : a mountainous
area in former
Yugoslavia, Croatia

French

KLN:368

Chorwat : Croatia and its people
cravate : neckpiece worn by the
Croats, a fashion in Croatia

Persian

MON:2930

krāvāt : cravat

کراوات

English

KLN

Croat, Croatia, cravat

Gwere 1

see root: Gwer 2

Gwere 2

see root: Gwer 3

Indo-European POK:479

Gwes, Zgwes : to extinguish

Sanskrit

POK:479

jas : extinguished,
exhausted, wounded

Avestan

HRN:145

zaxya : wound

Persian

BQT:1007

zaxm : wound

zaxmeh : plectrum

زخم
زخمه

Greek

KLN:111

a-sbenunai : not extinguishable ^{ⲛⲉ} Ne 1

English

AHD:78

asbestos

Gweye

see root: Gweie

Indo-European POK:487

Gwhder : to flow, run

Avestan

POK:487

xšar : to flow

Sanskrit

POK:487

kša : to flow

Persian

HRN:172; BQT:1223-1265

šārīdan : to flow

شاریدن (شیریدن)
شار، آبشار، سرشار، شران، شرشر

Gwhedh | Gwhen 1

Indo-European POK:488

Gwhedh : to ask, wish, want

Avestan / Old Persian

POK:488; WLD:673; SYN:1471; HRN:470

ža 3, gad : to want, wish, beg

žaidhyemi, žadiyâmiy : I wish

hu-jasta : well wished, blessed[☞] Su 1

a-žasta

Persian BQT:717,1453,1776; HRN:470

gedâ : beggar

گدا

xojasteh : blessed

خجسته، فرخجسته

Arabic FVF:565

kadâ : beggar

Persian FVF:565; FVA:349

takaddî : begging

تکدی
مُتکدی

Indo-European POK:491

Gwhen 1 : to swell, fill

PART 1

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Avestan / Old Persian ZMA:49-51

šan, šyangh : house, household

Cognate with "kan 1, xan, gan 1: to dig out an mound up (a shelter)"

Pahlavi BQT:46; ZMA:49-51

šân : house, shelter

â-šan-ak : house

hu-šangh : with good

household[☞] Su 1

Persian ZMA:49-50; BQT:46,2395

šan : house

شَن (- شان، - شانه، بَغ شَن، شَنْدِیز)

گَلَشَن، کاشان، کاشانه، آشیان، آشیانه

šandaf : house tambourine[☞] Deru 1

شَندَف

Hūžšang : owner of good household[☞] Su 1

هُوشَنگ

See "Kweye" for another possible root of "āšlyān(eh)".

Sanskrit PRT:75

gānâ : ditch

xanda : a broken

lump of sugar

Persian BQT:1544

qand : sugar

قند (قنداغ، قنداب، قنددان، قندران)

شفا ز گفته شکر فشان حافظ جو - که حاجتت بعلاج گلاب و قند مباد

Hâfēz

Arabic KLN:231

qandat : sugar candy

French

English AHD:196

candy

PART 2

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Indo-European 📖 POK:491

Gwhen 1 : to swell, fill

Avestan / Old Persian 📖 POK:491; HRN:194; BRT:583; ZMA:49

kan 1, xan, gan 1 : to dig dirt out and mound it up
čât : well

Pahlavi

📖 HRN:194; BQT:1707; SNS:8,155

kantan, xandan : to dig
kandak : a dug-in house
xânig : spring, water pond
čâh : well

Persian 📖 BQT; HRN:186; FVF:593

kandan : to dig

کندن (کان)

kandak : places dug out in a house

کندک

kandūk : grain silo, bee hive

کندوک

کندوله ، کندوچ ، کندو ، کندره ، کندور
ده و دو هزار انگبین کندره - به دژها کشند آنهمه یکسره
Ferdows!

Greek 📖 SKT:217

konda, kondu : a drinking vessel

Derivation from Persian is debated.

Italian 📖 SKT:217; PRT:260

gonda, gondola : gondola
(due to its shape)

English

📖 SKT:217

gondola

Persian 📖 MON:3102

kanand : a tool for tilling earth

کَنتند

برگیر کنند و تبر و تیشه و ناوه
تا ناوه کشی، خار زنی کرد بیابان
Khojasteh

Persian 📖 BQT; SYN:46; MON:1395

xânî : spring, water pond

خانی

čâh : water well

چاه

Persian

📖 HRN:194; BQT; ZMA:51; MON

xâneh : house

خانه

خان ، خَن ، گلخن

خانگاه ، خانقاه

ğâneh : house

غانه

- غان ، دامغان

Persian 📖 MON:465

bâlâxâneh : top room, balcony

بالاخانه

Italian 📖 LKT:17

barbacane, balcone

French

📖 PHN:55

balcon

Persian 📖 MON:467

bâlkon

بالکن

English 📖 KLN:148; LKT:17

barbican, balcony

See AHD for different roots

Arabic 📖 PLA:113

xandaq : a dug out trench

Persian 📖 MON:1443

xandaq

خندق

Indo-European POK:491

Gwhen 1 : to swell, fill

PART 3

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Avestan / Old Persian POK:491; HRN:194; BRT:583

kan 1, xan, gan 1 : to dig dirt out and mound it up

Avestan POK:491; HRN:194

â-kand, â-gand : to fill Apo

aiwi-kand : to throw away Ambhi

para-kan : spread around Per 1

paiti-kan : front digger, arrow
Per 3

Persian BQT:1526; FFD:26

âkandan : to fill

آکندن (آگندن)

kažākand : silk-filled. Kaž

کژآکند (قراگند)

afkandan : to throw, drop

افکندن (افگندن, افکن)

parâkandan : to spread around

پراکندن (پراگندن)

paykân : arrow

پیکان

Old Persian KNT:178

ni-kan : dig down destroy Nî 1

vi-kan : dig apart, destroy Wi

Sogdian BQT:1165,1703

kang, kanp : colony of houses, village

Pahlavi

Persian BQT:1703

Samarqand سمرقند (سمرکند)

Arabic

KLN:232; SAP:100; ARB:261; FVF:539,545

qanah : reed, cane

qanât : underground water way

q.n.v : to dig a well or water channel

These words reached Greek and
Latin through Semitic languages

Persian

MON; FVA:341; KLN:231; SNS:8

qanât : underground water way

قنات

moqannî : well digger

مقنی

Greek KLN:232

kanon : rod, measuring stick

Arabic

BQT:1516

qânun : law

Persian BQT:1516; MON:2875

qânun : rule, law (قانون ۲)

English AHD:197

canon : law

Latin KLN

canalis : water pipe

French

Persian MON

kânâl : canal, channel

کانال

English

canal, channel

Greek AHD:1520; KLN:231

canna : reed

English AHD

cane, cannon, canyon

Sogdian SOD:124

c't : water well

Indo-European POK:492

Gwhen 2: to strike, hurt

Avestan

POK:492; HRN:204; BQT:324; FFD:25

žata 2, jan, gan 2, gaz, gaš : to hit,
harm, bite

â-ža-ta 2 : harmed

vi-jainti : to sting, harm Wi

varathra-ğam : demon killer Wer 3

Persian

HRN:204; BQT:324,1007,1812; FSF:26

zadan : to hit, strike

âzdan : to poke

آزیدن , آژیدن , آجیدن , آژدن , آژدن
گزیدن (گزیدن, گشتن ۲, گزند)

gazidan : to sting

Bahrâm : "demon killer", a male name

به داغی جگرشان کنسی آرده - که بخشایش آرد بر ایشان دده
Ferdowsî

Old Persian

KNT:184,185

jan : to strike

Old Persian

HRN:231

ni-jan : to strike down,
to put (somebody) down
NT 1

Persian

BQT:2134; HRN:231; MON:4713

nažand : put down, feeling sad

نژند
چنین داد پاسخ که چرخ بلند
دلهم کرد پر درد و جانم نژند
Ferdowsî

Old Persian

KNT:184

ava-jan, apa-jan :
to strike down, kill

Persian

BQT:184; FSF:55

owžandan : to strike down

اورژندن (اورژدن , - اوژن)
اورژیدن , شیراوژن , گرداوژن
گرفتند هر سه ورا در کنار - بهر سید شیراوژن از شهریار
Ferdowsî

Old Persian

POK:1170; BQT:1669

vâra-ğna : lamb killer (falcon, crow) Weren

Sogdian

SOD:398

w'rgn'k : falcon

Persian

BQT:1669; SOD:398

varğeneh : falcon

ورغنه

kalāğ : crow

کلاغ

Old Persian

KNT:184,185; HRN:231

pati-jan : fight against Per 3

fra-jan : cut off Per 1

vi-jan : strike apart, shatter Wi

Avestan / Old Persian

AHD:1520; AEF:335

jatara : resin (obtained by striking a tree trunk)

jathra : poison

paiti-jathra : anti-poison Per 3

Derivation of "jatara : resin" is not certain

Persian

MON:1776; BQT:175,1776

žad : resin

ژد (ژه , زه ۳)

angzeh : sweet resin Embhi

انگزه , انگورژد , انغوزه

Persian

BQT:1047

zahr : poison

pâdzahr : antitoxin

پادزهر (پازهر , پای زهر)
مبادا که گستاخ باشی به دهر - یکی زهر یابد یکی پای زهر
Ferdowsî
KLN:168 derives this from Avestan "zahr: bile". See "Ghel".

Arabic

FVF:50

bâdzahr

English

AHD

bezoar

Germanic

AHD:1520

guthjō : war

English

gun

Latin

AHD

fendere, off-endere, de-fendere : to strike off, attack

English

fender, fence, offense, defense

Gwher | Gwhi

Indo-European POK:493

Gwher : warm

Avestan POK:493; KNT:183

garema : warm

Persian HRN:203; BQT:1800

garm : warm

گرم
گرما، گرمابه

Old Persian POK:493

garma : warm

garma-pada : name of a (hot) month

Sogdian SOD:169

grm : warm

Greek AHD

thermos : warm, heat

French

Persian MON:1072

ترموس، ترمومتر، ترموستات

English AHD

thermometer, thermostat, thermos

Latin AHD

for-nus, fornâx : oven

for-ceps : fire tongs ^{Kap}

English

furnace

forceps

French PHN:187

four : oven

This word has possibly
reached French through
Arabic.

Persian VOP:246; FVF:485,497; MON:2527,2529; PHN:187

fer : oven

forn : a clay oven for baking bread

fârîneh : a kind of thick bread

There is an indication that Latin word "for:oven" reached (old) Persian
and then found its way back in Europe (France) through Arabic.

فر
فرن

فاربنيه (فرنې، فرنېه)

Indo-European POK:481,489; AHD

Gwhi, Guhâ, Guhei : thread, string

Avestan POK:481

žyâ 2 : bow string

Persian HRN:150; BQT:1046

zeh 1 : bow string

زه ۱

Latin POK:489; AHD

filum : thread

French AHD

fil : thread (used to tie papers)

filet : a strip of boneless meat

Persian MON:2599

fileh : filet

فيله

English AHD

file, filament, filet

Italian AHD

pro-filare : to draw
an outline

French

Persian VOP:117

profil : shaped hollow metal extrusions

پروفيل

English AHD

profile

Indo-European KLN:364; POK:483

Gwou : *cow, ox, bull*

Avestan KLN:364

gâuš, gave, ga 3, gâvô, gavâm, gao :

cow, domestic animal

Persian SYN:202; BQT:1856; HRN:210; MON:3430

gâv : *cow*gũ-pân : *one who looks after cows* Pagũ-sâleh : *calf* Kel 1gũšt : *meat*گاو
گوپان
گوساله
گوشت

Avestan BQT:1855; POK:237

gao-spenta : *holy farm animal, sheep* Kwengao-di, gao-dana : *milk container*

Persian HRN:210

gũspand, gũsfand : *sheep* گوسفند, گوسپند

Sanskrit POK:482

gâuh : *cow*gô-pâ-h, gôpâ : *shepherd, protector* Pa

Avestan / Sanskrit HRN:237

gôp, gôh : *to protect, preserve*

See HRN:237 notes for discussion

Avestan

HRN:237

ni-gôp : *to hide, protect* Nt 1

Pahlavi SNS:262

nihuftan : *to hide*

FFD:80 derives this word from Old Persian "ni-thuf-ta: hide".

Persian MON:4870; HRN:236

nehoftan : *to hide*آن شنیدی که شاهی به نهفت
بادل از دست رفته ای میگفت
Sa' dī

نهفتن

Old Persian SOD:180

gaithâ : *herd*

Sogdian SOD:180

gydh : *herd*

Germanic KLN; AHD; POK

koūs : *cow*

English

cow

Latin AHD

bōs, bov- : *cow*

English

beef

Greek AHD

bous : *cow*

English

buffalo, butter

Indo-European

AHD:1520; POK:483

Gwôu : *dung*

Avestan

POK:484

gutha : *dung*

Persian BQT:1723,1863; HRN:211; SOG:57

goh : *dung*cūd : *fertilizer*tūdeh : *pile, heap*گوه
کود
توده**Gwôu**

see root: Gwou

Gwŭnâ

see root: Gwen 1

Gyeu

see root: Geu 3

Gyūna

see root: Yau

Arabic FVA:209

Ġ.z.l, Ghazāl : a new born deer, a wild goat

Persian FVA:297

gāzāl : antelope

Ġazāleh : a name

Hātef Esfahānī تو آن وحشی غزال و هر قدم از من رمیدنها - من واین دشت بی پایان و بیحاصل دویدنها

غزال

غزاله

Spanish SKT:209

gacele

French KLN:644

gazel

English AHD:547

Gazelle

Parthian SOD:182

Gzn : treasure

Pahlavi BQT:1841; FVQ:122

ganj : treasure

FVQ indicates that this word is possibly borrowed from a Median root

Persian BQT:1838,1841

ganj : treasure

gonjāndan : to fit in

گنج (گنجور ، گنجه)

گنجاندن (گنجایش)

English FSD:1313

Jasper 1 : "treasurer", a male name

Arabic FVQ:251; ARB:297

kanz : treasure

Persian MON:3096

kanz : treasure

کنز (کنوز)

Arabic PLA:108; FVQ:122; DOZ:60

x.z.n : he saves, stores

maxzan : storage

maxâzin : storage

Persian FVA

خازن ، مخزن ، خزانه ، خزینه

Italian

mazazzino : storage

French

magasin : storage, store

English KLN:922

magazine

Turkish ETM:70

maghazeh : store

Persian ETM:70

mağâzeh : shop, store

مغازه

Arabic KLN:648; FVA:82

j.n.z : covers, hides

jenâzeh : casket

Persian FVA:82

jenâzeh : casket, dead body

جنازه

Greek KLN:644; FVQ:251

gaza : treasure

Latin

gaza : treasure, the smallest

Venetian coin paid for

a newspaper, newspaper.

French

gazette

newspaper

English KLN:644

gazette

Sogdian SOD:182

gzn : treasure

H

Aramaic 📖 Vdq:176

Habl : *rope*

Arabic

📖 KLN:216

habl : *rope, cable*

Persian 📖 FVA:89

habl : *rope*

کله دلو کرد آن پسندیده کیش - چو حبل اندر آن بست دستار خویش Sa'di

Portuguese 📖 KLN:216

cable

KLN:216 claims this is a blend of Arabic "habl: rope" and Latin "caplum: a halter for cattle".

AHD and FSD drive it from Latin (See "Kap").

French

📖 KLN:216

kâbl

Persian 📖 MON:2777

kâbl : *cable*

کابل

English 📖 KLN:216

cable

See root "Kap" for another possible root.

Avestan 📖 HRN:114; FVS:168,179

Haem, Haya : *character, nature*

Pahlavi

📖 PHD:94; HRN:114

xîm : *temper, nature*

Persian 📖 BQT:804; HRN:114; FSF:168,179

xîm : *temper, nature*dožxîm : *bad tempered* [☞] Dus

Ferdowsi

دگر خوی را آنک خوانیم خیم - که با او ندارد دل از دیو بیم
بدخیم، خوش خیم
درخیم

Avestan 📖 MON:5095

Hâvana : *mortar*

Pahlavi

📖 MON:5095

hâvan : *mortar*

Persian 📖 BQT:2312; HRN:244

hâvan : *mortar*

Marzbân Námeh

نه پیش من دواوین بود و دفتر - نه عیسی را عقاقیر است و هاون

هاون

Haya

see root: Haem

Hebrew  KLN:3

Hebhel : *breath, vanity, name of the second son of Adam and Eve*

Arabic

Persian  AKM:1; MON6:2237

Hâbîl : *the second son of Adam and Eve*

هابیل

عدوت باد چو هاروت و دوست چون زهره - ولیت باد چو هابیل و خصم چون قابیل
Qatrân

Greek  KLN:3

Abel

Latin

English  KLN:3

Abel

Egyptian  AHD:411

Hebni : *ebony tree (common in India)*

Greek  AHD:411

ebnos : *ebony tree*

Pahlavi

 MON:26

âwanos

Persian  KLN:496; BQT:12

âbnūs : *ebony*

آبنوس

چو روی هوا گشت چون آبنوس - نهادند بر کوه پیل کوس
Ferdowsî

Latin  AHD

ebeninus : *(made of) ebony*

English

ebony

Semitic  KLN:694

H.j.r : *to emigrate*

Arabic  KLN:694

h.j.r : *to emigrate*

Persian  FVA:443

hejrat : *departure, departure of Mohammad from Mecca*

هجرت

هجر ، هجری ، هاجر ، مهجور ، هجران
مهاجر ، مهاجرت

از پای فتادیم چو آمد غم هجران - در درد بمردیم چو از دست دوا رفت
Háfêz

Hebrew  KLN:694; FSD:1101

Hăġâr : *wandering*

English  FSD:1101

Hagar : *a Biblical name, mother of Ishmael*

Semitic 📖 KLN:701

H.n.n : to have grace and kindness

Arabic 📖 KLN:701

H.n.n : to have grace

Hannāneh : gracious, kind, also sad and sorry (possibly due to the hard crying of "Hannāneh" after the prophet Mohammad passed away).

Persian 📖 MON; FVA:115

hanân : kindness

hannân : kind, gracious, one who cries

hanîn : sorrow, kindness

Qā'ānī

حنان

حنان , حنانه

حنين

شاه ز خدمت تو هر گه که دور مانم

حنانه وار هر دم از دل کشم حنين را

Hebrew 📖 KLN:701

hānan : was gracious

hannah : kindness, Anna

Yô-hānan : 'The Lord is gracious', John

Persian 📖 MON:2343; AKM:36

Yūhannâ : Saint John

Yahyâ : "God is gracious, a male name"

Sohbat Lārī

يوحنا

يحيى

ولی خط مرا افزون ، کرم کن تا کنم موزون

کلامی همچو انگلیون ، به لحنی همچو یوحنا

Old Persian 📖 SOD:443

yâna : grace

Sogdian 📖 SOD:443

y'n : grace

Greek 📖 KLN

Anna : gracious

Iwannos : gracious

Latin

English 📖 KLN:78,831

Anne, Ann, Anna

John, Jane, Jean, Joanne

Greek 📖 KLN:813; OEW:xi

Ion 1 : Hellenic people who settled in the Mediterranean islands in 1100 BC.

The link between the tribe names "Iwnios, Iwn, Iwnos and Iawn" and "Iwannos: gracious", which is the root of many names, is not quite clear

Old Persian 📖 KLN:813; KNT:204

yauna : Greek

Persian 📖 BQT:2549

yūnân : Greece

یونان

Latin 📖 KLN:813

Iōnius : Ionian

English

Ionian, Ionic

Russian 📖 KLN:821

English 📖 KLN:821

Ivan

Semitic 📖 FVA:98

H.r.m : to forbid

Arabic 📖 KLN:703; FVA:98

harâm : forbidden
 harîm : forbidden area
 harem : private quarters
 ihrâm : prohibition
 Moharram : the month
 of fasting

Persian 📖 FVA:98

harâm : forbidden (حرام (معروم، تحریم، محترم)
 harîm : territory, protected area (حریم (خرم)
 hermân : prohibition, disappointment حرمان
 hormat : dignity, respect حرمت (احترام، محترم)
 ehrâm : entering a respectful state, pilgrim's dress إحرام
 Moharram : a month when certain acts are forbidden مُحَرَّم
 روا مدار خدایا که در حریم وصال
 رقیب محرم و حرمان نصیب من باشد
 Háfez

English 📖 KLN:703, TYL:568

harem : women's quarters in a house
 ihram : pilgrim's dress
 Moharram : a lunar month

Spanish 📖 KLN:704

harmathan : forbidden, evil, a bad Sahara wind

English 📖 KLN:704

harmattan : a type of (bad) Sahara wind

Spanish 📖 KLN:941

marrano : forbidden, pork, pig

English 📖 KLN:941

marrano : a Jew converted to Christianity

Hebrew 📖 KLN:723,937

hêrem : forbidden
 mohoram-atta : you are under ban

English 📖 KLN:723,937

herem : biblical ban, excommunication
 maranatha : curse

Arabic 📖 FVA:101

H.s.n : to be kind, to do good things

Arabic 📖 FVA:101; HJB:419

hosn : beauty, goodness
 Hasan, Hosayn : names of Mohammad's
 grandsons martyred in Karbalâ battle.
 Yâ-Hasan! Yâ-Hosayn! : cry of
 Moslems at procession of Moharram.

Persian 📖 FVA:101

hosn : goodness, beauty, advantage حُسن
 Hasan : name(s) حَسَن (حسین، محسن، احسان)
 ahsan : (word of) admiration احسن (تحسین)
 مُرد مُحسن لیک احسانش نمرَد
 نَزَد یزدان دین احسان نیست خُرد
 Molavi

Hindustani 📖 HJB:419

English 📖 AHD:626; FSD:1166; KLN:735

Hobson-jobson : corruption of Arabic phrase
 "Yâ-Hasan Yâ-Hosayn!" referring to a crowd excitement.

Arabic 📖 FVA:102; KLN:706

H.š.š : to dry (a vegetable or plant)

Arabic 📖 FVA:102; KLN:706

hašīš : hemp

Hašāšīn : hemp users, referred to the followers of Hasan Sabbāh who used to kill their political enemies after using Hashīsh.

Persian 📖 FVA:102

hašīš : hemp

حشیش

English 📖 KLN:706

hašīš

Italian

assassino : murder

English 📖 KLN:115;

assassin, assassinate

Greek 📖 AHD:644; KLN:752

Hyakinthos : a bulbous plant with a cluster of very fragrant flowers.

The word is apparently a pre-Hellenic word of the Mediterranean origin.

BQT:2420 and SNS:299 interpret the Greek word as "a kind of poison".

Pahlavi

📖 SNS:299

yākand : ruby

Persian

📖 BQT:2420; MON:5247; MZF:340

yākand : ruby

یاکند

Arabic

📖 BQT:2420; SNS:299

yāqūt : ruby

Persian 📖 SNS:299; FAF:712

yāqūt : ruby, also red lips

یاقوت

ای خنده زده لعل تو بر حقه یاقوت

یاقوت لب لعل تو مرجان مرا قوت

Safāf Qahfarrokhi

Latin 📖 AHD:644

hyacinthus : hyacinth

French

English 📖 AHD

hyacinth

Semitic 📖 KLN:552; FVA:118

H.y.y : to live

Arabic 📖 KLN:552; FVA:118

h.y.y : to live

hayât : life

hawwâ : the living being, Eve

Persian 📖 FVA:118

hayât : life

حیات (حَی)

ehyâ : to bring back to life, purify

احیاء

hayavân : living creature, animal

حیوان

havvâ : Eve

حوا

جان رفت در سر می و حافظ ز عشق سوخت

عیسی دمی کجاست که احیای ما کند

Hāfez

Hebrew 📖 KLN:552

hawwâ : a living being, Adam's wife

Latin 📖 KLN:552; AHD:453

Eve

English 📖 AHD:453

Eve

I

11

see root: Ei

Indo-European POK:281; KNT:203

I 2, lo, E : pronominal stem

PART 1

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Avestan

POK:281,285; KLN:763

itha, itta, aēta-vant : *here, there, so, thus, then*

Persian BQT:193,197; HRN:32

îdar : *here*îdūn : *now, such*

Ferdowsf

ایدر

ایدون

دل و جانم ایدر بماند همی - مرثه خون دل برفشاند همی

Avestan

POK:283; KNT:203

im, iyam, imam : *she, he, then*
it : *that*yô : *who, which, what*ya-târa : *which one (of two)*

Germanic / Old English AHD

English

yet, yes, if

Latin AHD

îdem, iden : *same*îta-em : *item*

English

identify, identical, identity
item, iterate

Indo-European AHD:1520,1523

E-tero : *the other***Ke-e-tero** : *other time, other part, again* ☞ Ki 2

Avestan KLN:545; POK:284

a-târa : *one of the two*

at-zur

Latin KLN:545; POK:284

ce-terus : *the other part*et-cô-terî : *and other things* ☞ Eti

English

et cetera

PART 2

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Indo-European POK:281

I 2, lo, E : *pronominal stem*

Indo-European POK:73,75,281,286

Au 3, Ao, Oi-no : *one, this one*
Uê, Uo : *or*

Avestan / Old Persian

POK:73,75,286; BQT:2417; KNT:164

ava 2, aiva, aëva, aeva, aivaka : *one*
aeva-data, aeva-dasa : *eleven* ^{De} Dekm
aiva-čiy : *nothing* ^{De} Kwo
va, vâ : *or*

Pahlavi BQT; SNS:91; GPL:41

ëvak, yak : *one*
yâcdah : *eleven*
hëč : *nothing*
ayâb, ayâ, ayâo : *or*

Persian BQT:2417,2446; SNS:86,91

yak, yek : *one*
yâzdah : *eleven*
hič : *nothing, no*
yâ : *or*یک
یازده
هیچ
یا

Avestan / Old Persian POK:74

uta, utâ, uiti : *and*

Sogdian SOD:72

`ty : *and*

Pahlavi

SNS:256

ud : *and*

Persian BQT:2242; SNS:256; TZF:20; MON:4921

O, va : *and*

Ferdowsi

من و اسب و شبدیز و شمشیر تیز - نگیرم فریب و ندارم گریز

The Arabic "va" pronunciation has influenced the Persian pronunciation

و، و

Old Persian / Sanskrit

POK:75,286; BQT:199; TZF:13; SOD:85,220

aina, êna, aita, aëta : *this one, this*
ima, imam : *this*

Sogdian SOD:85,220

`yd : *this*
mw : *this*

Pahlavi MON:345,421

ën : *this*
im : *this*

Persian MON; TZF:13

în : *this*em : *this*این
ام (امروز، امشب، امسال)

Germanic AHD

ainaz, ainigaz : *one*

English

one, an, none, eleven, alone, any

Latin AHD

ũnus : *one*
ne-ũllus : *not any, null*
^{De} Ne 1

English

union, onion, ounce, inch, unique, unite, unit, universe
null

lâ 1

see root: Ei

lâ 2

see root: Yâ

lag

see root: Yag

laro

see root: Ei

lātis

see root: lātos

lātom

see root: lātos

Indo-European IEC:441

lātos, lātom, lātis : *going, movement, crowd, turn, period*

Avestan IEC:441

yātem : *road*

Sanskrit IEC:441

yātām : *road*

Persian IEC:441

jāddeh : *road*

جاده

MON:1202 claims "jāddeh" is an Arabic word while FVF:140 and AFM:39 indicate that Arabic has borrowed it from Persian

lě

see root: Ei

lěro

see root: Ei

leu

see root: Yeu 2

Indo-European POK:512

leuo, Yewo : *grain*

Avestan

SYN:513; POK:512; KLN:1766

yava : *grain*

Sogdian SOD:448

yw : *barley*

Pahlavi

BQT:594

jav : *grain, barley*

Persian BQT:594

jo : *barley*

جو

مگوی آنچه طاقت نداری شنود

Sa'df که جو کشته گندم نخواهد درُود

Greek AHD

zeiai : *grain*

English KLN:1766

Zea : *a genus of grasses*

Turkish KLN:656

ljlak, Yelek : *sleeveless coat*

Persian BQT:584

jalitqeh : *waist coat without sleeves*

جلیتقه (جلیقه)

Arabic KLN:656

jaleco : *coat of Christians*

Spanish

French

Persian VOP:206

žilet : *gilet*

ژلیت (ژلیله)

English KLN:656

gilet

lo

see root: l2

Indo-European KLN:35

Isto : a suffix meaning *most* or *last*

Avestan / Old Persian KNT:191,202

išta : a superlative suffix

Avestan KNT:202; TZF:26; BQT:2133

aša-vah-išta, arta-vah-išta : *best justice* Arvah-išta : *best place, heaven* Su 1zōižd-išta : *most abominable, ugly* Gheistanj-išta : *most pulled together, tight* Tenk

Persian MON; BQT; TZF

Ordībehešt : "*best justice*" اردیبهشتbehešt : "*best place*" بهشتzešt : *ugly* زشتtang : *tight* تنگ (تنگنا , تنگه)

Avestan KNT:202; TZF:26; BQT:2133

nazd-išta : *closest, first* Sedfrā-išta : *most plentiful* Pel 1mas-išta, math-išta, maz-išta : *greatest*

Māk, Meg

kas-išta : *least* Kak 3

Persian MON; BQT; TZF

naxost : "*closest*", *first* نخست (نزدیک)farhast : *too much, magic* فرهشتmehast : *greatest* مهشتkâst : *least, deficiency, lacking* کاست

نیست را هست کند تنبل اوی

هست را نیست کند فرهشتش

Abū-Nasr Marghzi

Avestan BQT; KNT:191; POK:775

spenta-išta : *holiest* Kwenduva-išta : *furthest away* Deu 2druw-išta : *healthiest* Deru 1âs-išto : *fastest* Ōkusra-ēšta : *most beautiful, best* Krei

Germanic

KLN:543; AHD:448

istaz, isto

Old English KLN:1007; AHD:126

-est, -ost

lat-est : *latest, last*bet-est : *best*maē-st : *most*fyr-st : *first*

English AHD; KLN

-est

last

best

most

first

lu

see root: Yu

J

Jabra

see root: J.b.r

Arabic 📖 AHD:192

Jamal : camel

Persian 📖 FVA:81

jamal : camel

جمال

Greek

📖 AHD:192

kamēlos

Latin

📖 AHD:192

camēlus

Old French 📖 AHD:192

chamel, chameal

English 📖 AHD

camel

Sanskrit 📖 AHD:710

Jangalah : wasteland covered with wild growths

Hindustani 📖 KLN:836

jangal : forest

Persian 📖 BQT:592

jangal : forest

جنگل

English 📖 KLN:836; AID:140

jungle

Arabic 📖 FVA:67

J.b.b : a long woolen garment

Persian 📖 FVA:67

jobbeh : garment

جبه

Spanish 📖 FSD:1333

juba : garment

French 📖 PHN:221

jupe, jupon : skirt

Persian 📖 VOP:204

žūp : skirt (مینی ژوپ ، ژوپین)

English 📖 KLN:836; FSD:1333

jupon, jupe, mini-jupe

Semitic 📖 KLN:169

J.b.l : *mountain*

Arabic 📖 KLN:170; FVA:68

j.b.l, jabal : *mountain*jabal-al-târiq : *mountain of Târiq.**Tariq invaded Spain in 711.*

Persian 📖 FVA:68

jabal : *mountain*jabal-ottâreq : *Gibraltar*جَبَل (جِبَال)
جبل الطارق

English 📖 KLN:655

Gibraltar

Hebrew 📖 KLN:169

gebhal : *mountain, frontier town, a Phoenician port where papyrus was sold*

Greek 📖 KLN:169; NAT:110

bublos : *Greek name of the "Gebhal" port,
assimilated from Hebrew word "Gebhal".**Rolled paper from Gebhal.*bibua : *collection of writings, book*

Latin

📖 KLN:169

biblia : *book*

English

📖 KLN:169; AHD:129

Bible, biblical
bibliography

Aramaic 📖 KLN:633; SOR:41

J.b.r : to reunite, join together, force

Jabra : powerful, man

Arabic 📖 KLN:633; FVA:67

J.b.r : to reunite, force

Al-Jabr-w'al-Moqâbalah : "Reunion and Comparison", title of the first book on Algebra. It was written in Arabic by Al-Khârazmî, the ninth century Iranian mathematician. 📖 Ghdhem

Persian 📖 FVA:67

jabr : force, algebra

jabarût : mightiness, celestial kingdom

jobrân : compensation

"Jobrân" is does not exist in Arabic.

French 📖 PHN:26

algebre

English 📖 KLN:48

algebra

Persian 📖 MON:3193; SOR:41

gabr : man, referred to Zoroastrians, a non-believer (in Islam)

Onsorî
BQT:1774 does not agree with this derivation.

گبر
گبرک ، گبرکان ، گبرکی

تو مرد دینی و این رسم گبرانست - روانداری بر دین گبرکان رفتن

Hebrew 📖 KLN:633

gabhar : was strong, man

Gabhri-ël : "man of God", Gabriel 📖 Layh

Arabic

Jebraïl : Gabriel

Persian 📖 MON:1215

Jebre'îl : Gabriel (man of God)

جبرئیل

Latin

French

Persian 📖 MON

Gâbrîyel : "man of God", a male name

گابریل

English 📖 KLN:633

Gabriel

Jol

see root: Ul

Jor

see root: Ul

Jur

see root: Ul

K

Indo-European 📖 POK:515

Kâ 1, Qâ : *to wish, desire*

Avestan / Old Persian

📖 POK:515

kâ 2, kâm 2, kâma : *desire*

Sogdian 📖 SOD:186

k`m: *wish, desire*

Pahlavi

📖 BQT:1578; SNS:209

kâm: *desire*

Persian 📖 BQT:1578

کام ۱ (کامیاب، کامکار)
 به یزدان چنین دارم آئید و کام
 که این ماه نور را ببینم تمام
 Asadī

Avestan / Old Persian 📖 POK:515; KNT:173

čānah, čīnah, čīman : *desire*aspa-canah : *horse lover* 🐎 Ekwas

Germanic 📖 KLN:1743

hōraz : *one who desires*

English

whore

Latin 📖 POK:515

carus : *desire*

English

caress, charity, cherish

Ka 2

see root: Kwon

Arabic 📖 FVA:353; KLN:380; PHN:131

K.a`.b : *cube*

Persian 📖 FVA:353

ka`b : *ankle bone, cube root*

کعب

Ka`beh : *Kaaba, center point*

کعبه

moka`ab : *cube, cubic*

مکعب

به طواف کعبه رفتم به حرم رهم ندادند - که تو در برون چه کردی که درون خانه آیی
 Erāqī

English 📖 AHD:713

Kaaba, Caaba

Greek 📖 KLN:380; PHN:131

kubos, kybos : *cube*

POK:589 & AHD:320 derive Greek "kubos:cube" from
 Indo-European "Keube:hump, bent". See root "Gëu 1"

Latin

📖 WEB:441; FSD:626

cubus : *cube*

English

📖 AHD:320

cube

Kâd 1 | Kafa

Indo-European POK:517

Kâd 1 : *sorrow, hatred*

Avestan POK:517

sâdra : *pain, grief*

Persian BQT:1069; MON:1790

sâr : *grief, pain*

سار ۲

Germanic AHD

hatiz : *hate*

English

hate

Indo-European POK:516

Kad 2 : *to fall*

Latin POK:516; AHD

cadentia : *a fall, a chance*
ob-cad-ere, occâsiô : *to fall down as an opportunity, occasion*

French AHD

Persian VOP:56,234

čâns : *chance*

okâzîon : *opportunity*

شانس
اُکازیون

English AHD

chance, occasion

Latin POK:516; AHD

cad-ere : *to fall*
ad-cad-ere, accidere : *to fall upon, accident*
in-cad-ere, incidere : *to fall upon, incident*
casicare : *to fall (cascade)*
de-cad-ere : *to fall down, decay*

English AHD

accident
incident
cascade
decay

Avestan HRN:192; KGW:281

Kafa : *foam*

This is cognate with Sanskrit "kapha" and Russian "kaplja: drops"

Pahlavi MON:2997

kaf : *froth, foam*

Persian BQT:1658; MON:2997,3002

kaf : *foam, froth, lather*

kafč-lîz : *a ladle for removing scum or foam from liquids*

Molavî

کف (کف آلود ، کفچ)
کفچلیز
تو در این جوشش چو معمار منی - کفچلیزم زن که بس خوش میزنی

IEC:481 derives Persian "kofč: ladle" from

Indo-European root "Kauks: shell, bowl, cup"

Sogdian SOD:199

kwb : *foam*

Ethiopian 📖 KLN:309

Kaffa : the plant or drink coming from Kaffa,
a district in southwestern Ethiopia

Arabic

qahwah : a drink or
plant from Kaffa

Persian 📖 MON:2756

qahveh : coffee قهوه

Turkish

📖 AHD:258

qahve' : coffee

Italian

French

café' : coffee,
also a coffee house

Persian 📖 MON:2851

kāfeh : coffee house کافه

English 📖 AHD:258; KLN:309

coffee, café', caffeine

Pahlavi 📖 MON:3005

Kafš : shoe, boot

Persian 📖 MON:3005

kafš : shoe کفش

Arabic 📖 MON:3005

Persian 📖 MON:3000

kaffāš : shoe maker or mender کفافش

Greek 📖 IEC:1628

kaukis : a kind of shoe
kaukalon : boot shaft

Armenian 📖 IEC:1628

kawšik : shoe

Iranian 📖 PLA:11

Kaftân : a silk-filled war garment

Persian 📖 BQT:759; MON:1431

xaftân : armor

خفتان (خفدان)

Ferdowsi به خفتانش بر نیزه بگذاشتم - به نیرو از آن زینش برداشتم

Arabic

📖 PLA:111

qaftan : armor

Turkish

📖 BQT:760

qaftan

Russian

📖 AHD:187

kaftan

English 📖 KLN:220; AHD:187

caftan : a long-sleeved garment

Kag

see root: Keg

Kagas

see root: Kagaš

Kagaš | Kak 1

Turkish 📖 SIN:559

Kagaš, Kagat, Kagas, Kagaz : *tree bark*

Pahlavi 📖 SIN:559; PLA:225

kāgad : *paper*

Chinese paper was imported in Iran (Samarghand) as early as 650 AD but the word "kāğaz" was not borrowed from the Chinese word "Ku-Čih".

Persian 📖 BQT:1569

kāğaz : *paper*

کاغذ
کاغذ بدیدند و قلم بشکستند
وز دست زبان حرف گیران رستند
Sa'df

Kagat

see root: Kagaš

Kagaz

see root: Kagaš

Avestan 📖 BQT:1612; SOD:193

Kahrpu, Kharpuna : *lizard*

Pahlavi 📖 BQT:1612; SOD:193

karpu, krpwk : *lizard*

Sogdian 📖 SOD:193

krps`k : *lizard*

Persian 📖 MON:2933

karbâsũ : *lizard*

کرباسو
کرباسو ، کربسو ، کرش ، کرباشه ، چلباسه
میکشد هم نهنگ را راسو - مرگ عقرب بود ز کرباسو
Āzarī Tūsī

Indo-European 📖 POK:522

Kak 1 : *to have power, help, enable*

Avestan 📖 POK:522; HRN:152; FFD:58

sak, sač, sâx : *to do, make*

sačaiti : *able, qualified, deserving*

Persian 📖 HRN:152,160,162; BQT:1137; POK:522

sâxtan : *to build*

sezīdan : *to qualify*

ساختن (سازیدن، سازش، سازگار)
سزیدن (سزا، سزاوار)

Avestan 📖 POK:522

čagad : *helped*

čageman : *gift*

čagvah : *offered*

Sanskrit 📖 POK:522;

saknôti : *he is able to do*

siksati : *he helps, serves*

čakta : *strong, hard*

Pahlavi 📖 BQT:1106

saxt : *hard*

Persian 📖 SNS:173

saxt : *hard, difficult*

سخت

English 📖 AHD:1205

Sikh : *a follower of Sikhism (a Hindu religious community)*

Old English 📖 POK:522

haeccan : *to hatch*

English 📖 AHD:603

hatch

Indo-European 📖 POK:523

Kâk 2, Kank, Kâkha : twig, branch

Sanskrit 📖 POK:523

śâxa, câxa : branch

Persian 📖 POK:523; BQT:1219; SYN:525

šâx : horn, branch

شاخ (شاخه)

Sanskrit 📖 POK:523

śakala : part, piece

Persian 📖 BQT:1280

šeklah : slice, piece, a torn piece of garment

شکله

Sogdian 📖 SOD:376

šnk : branch

Indo-European 📖 POK:521

Kak 3 : to become thin

Avestan / Old Persian

📖 POK:521; FFD:67

kasu : small

kâs : to reduce

kas-yah : less 📖 Yah 5

kas-išta : smallest, least 📖 Isto

Persian 📖 HUB:86; BQT:1564; HRN:185; FFD:67

-ak : suffix indicating smallness

-ک (مرغک)

kâstan : to reduce

کاستن

کاهیدن، کاه ۲، کاهش، کاست

درد تاریکیست درد خواستن - رفتن و بیهوده خود را کاستن
Forûgh Farrokh-Zâd

See "Akos" for another possible root of suffix "-ak"

Aramaic / Indo European 📖 POK:349; BQT:1572; AHD:1520

Kak 4, Gag : a round object (loaf), cake

This word is apparently of Egyptian origin

Persian 📖 BQT:1572

kâk : dry hard bread, a dry cookie

کاک

Arabic 📖 SDQ:71; PLA:233

ka`k : a dry bread

Persian 📖 BQT:1572

ka`k : dry bread

کعک

Germanic 📖 POK:349; AHD

kakan

English

cake

Dutch 📖 AHD

koek

English

cookie

Kâkha

see root: Kâk 2

Kakîna

see root: Kakis

Kakis | Kam 1

Indo-European IEC:599

Kakis, Kakus, Kakîna : *spike, prong*

Sanskrit IEC:599

sakulah : *spur on cow's hoof*

Persian IEC:599

sagak : *buckle*

سگک

Kakus

see root: Kakis

Kâl

see root: Kûr

Kalwo

see root: Kelewo

Indo-European IEC:466

Kam 1 : *to restrain*

Persian IEC:466; MON:3076

kamand : *halter*

کمند

Hâfez می نوش و جهان بخش که از زلف کمندت - شد گردن بد خواه گرفتار سلاسل

Greek IEC:466

kēmos : *halter*

Latin IEC:466

cāmus : *halter, yoke*

Dutch IEC:466

haam : *halter*

English IEC:466

hame : *part of a harness*

Indo-European POK:524,525

Kam 2, Kamer, Kamp : to bend, also a cavity, vault Qam, Qem

See and compare with "Gëu 1: to bend"

Avestan POK:524

kamarâ : waist,
belt, also a vault

Persian BQT:1694; MON:3068

kamar : waist, belt

kamrâ : a room with high ceiling, also a stable

A'ma'q Boxârâf

English AHD

cummerbund, kummerbund

Old Persian POK:524,525

kanpa : to bend

čam : to bend,
move fluently

Compare with Avestan

"xumba: bent" from

Indo-European "Gëu 1: to bend".

Persian POK:525; BQT:620,658,661,768,1439; HRN:99; FFD:48

čapeh : turned over, bent

čap : left

čafteh : bent

čamidan 1 : walk fluently

xam : a curve

Hâfez

چپه

چپ

چفته (چمبر)

چمیدن ۱ (چماندن، چمان)

خم ۲ (خمیدن، خماندن)

سر و چپان من چرا، میل چمن نمیکنند؟

همدم گل نمیشود، یاد سمن نمیکنند؟

Greek AHD

kamara : a vault

kaminos : fire

for heating a room

Latin AHD

camera : room

caminus : hearth

French AHD

cabaret

chambre

Persian MON:2777

kâbâreh :

cabaret

کاباره

English AHD

cabaret, chamber

English AHD

camera, chimney

Germanic AHD

himin, hîbin : the vault (of heaven)

English

heaven

Latin POK:525; AHD:193

campus : bent (land between
mountains), a valley, open field

Campania : (open fields) name of an
area in Italy famous for its scales

French KLN:266

champaigne

open country, also
name of a French district
famous for its wine

Persian MON:2001

šâmpâyın :

Champaign

شامپاین

English KLN:266

Champaign, champion, camp

Persian MON:2896; ARK:222; PLA:216

capân : a weighing scale

Ferdowsf

کپان (قپان، قبان)

همه گنج ارجاسپ در باز کرد - به کپان درم سختن آغاز کرد

Kamer

see root: Kam 2

Indo-European  WLD:601; IEC:1044

Kamma, Quômn, Sqombh-no : *little, small*

Avestan / Old Persian

 WLD:601; KNT:179; IEC:1044

kamna, kamnô : *little*

Persian  BQT:1689

kam : *little*

kamîn : *least*

Sa'dîف بگذار که بندهٔ کمینم - تا در صف بندگان نشینم

کم
کمین (کمینه)

Kamp

see root: Kam 2

Indo-European POK:526

Kand 1, Qand : to shine, to be white

Sanskrit POK:526

kandrak : shining

kandana, kundruka : sandalwood

Pahlavi SIN:585

kundurūk : sandalwood

Persian SIN:552,585; BQT:664,1174,1705; MON:1930

kondor : incense

sandal : sandalwood, sandal shoe

sandali : chair (originally made of sandalwood)

کندر (چُندل، چُندن)
سندل
صندلی
بفروز و بسوز پیش خویش امشب - چندان که توان ز عود و از چُندن
Asjadī Marvazī

Greek

KLN:1380; SKT:462

santalon : sandal tree

santalion : sandal shoe

Latin

French

English

sandal

Sanskrit AHD:1149

candrah-rāga : bright red (resin from tree)

Greek AHD:1149

sandarak, sandaraxē :
a red resin from trees

Arabic TAD:37

sendarūs :
a resinous tree

Persian MON:1929

sandarūs (سندروس)
a resinous tree and its red resin

Latin AHD

sandraca : red pigment, red resin

English AHD:1149

sandarac

Latin AHD; KLN:231

candidus : glowing white
candidare : to make white or bright
candidātus : candidate (due to their
white toga)

French

candidat

Persian MON:2874

kāndīd : candidate
کاندید ، کاندیدا

English

candid, candidate, candle, chandelier, incandescent

Greek AHD

kandhēla : light,
lamp, candle

Arabic

TAD:59; BQT:1545
qandīl : light, lamp

Persian MON:2734; ARK:235

qandīl : lamp
قندیل
چو از زلف شب باز شد تابها
فرو مُرد قندیل محرابها
Manūchehrī

Kand 2

see root: Skand

Kank

see root: Kāk 2

Kânûnu | Kapastay

Akkadian 📖 MON:2875; BQT:1580

Kânûnu : *fireplace*

Syriac 📖 MON:2875

Arabic 📖 MON:2875

Persian 📖 BQT:1580; MON:2875

kânûn : *fireplace, hart*

Anvarī چو گیرد آتش خشم تو بالا - نیابد از دو عالم نیم کانون

کانون!

Indo-European 📖 POK:527

Kap, Qap : *grasp*

Old Persian 📖 BQT:636

čīfsati : *attach*

Persian 📖 POK:527; HRN:98; IEC:473

časbīdan : *to attach*

چسپیدن، چسپیدن، چفسیدن، چسب

Old Persian 📖 POK:527; HUB:89

kapithe : *a box for measuring grain*

Pahlavi 📖 MON:3010

kapīč

Persian 📖 MON:3010

kavīz : *a measure of capacity*

کویز، کفیز، قفیز

Greek

kapsa : *box, cage*

Arabic 📖 MON:2700

Persian 📖 BQT:1534

qafas : *cage*

قفس

Latin 📖 POK:524

capere : *to take*

capsa : *case, box*

for-ceps : *fire tongs* 🐾 Gwher

French

Persian 📖 MON:1997,2777,2896

کپسول، کابل، شاسی

English 📖 AHD

case, capsule, cable, chassis
catch, receive, deceive, forceps

See root "Habl: rope" for another possible root for "cable".

English 📖 AHD

capstan, caption, captive, accept, except

Germanic 📖 AHD

hāben : *to have*

hafigaz : *containing something, heavy*

English

have, heavy

Old Persian / Avestan 📖 BRT:436

Kapastay, Kapasti : *poison, a bitter plant*

Pahlavi

HRN:187

kapast : *poison*

Persian 📖 BQT:1588

kabast : *poison*

Ferdowsī

چرا کشت باید درختی بدست - که بارش بود زهر و بیخش کبست

کبست (کبستو)

Kapasti

see root: Kapastay

Indo-European POK:530

Kapho : hoof

Avestan POK:530

safa : hoof

Pahlavi HRN:164

sumb 1 : hoof

Persian BQT:1163

som : hoof (سَمِا سَنَب)

Persian MON:1825; SOD:65

safal : hoof (of a camel) (سَفَل سَفَل , شَفَل , سَوَل)

Germanic AHD

hōfaz : hoof

English

hoof

Greek AHD:199; KLN:234

Kapparis : a shrub

Persian KLN:234; SKT:75; BQT:1587; KGW:98; AFM:131

kabar : a shrub

کَبَر (قَبَر , قَبَارِيس)

KGW:98 indicates that this word reached Europe from Old Persian through the Greek

Latin AFM:131; KLN:234

capparis

English

caper

Old Persian MON6:1487

Kapül : city of Kabul in Afghanistan

Pahlavi

MON6:1487

kâpül

Persian MON6:1487; AHD:589; VFO:24

Kâbol : Kabul

kowlî : gypsy

kâboli : a dried fruit from Kabul

کابول کولی (کابلی)
کابلی
کاین صید نکردند به مردی و به اقبال - داستان که به کابل شد و رستم به سمندگان
Asir

Note that the English word "gypsy", short for "E-gypsi-an", is from a different root but was used to refer to Kabul nomads who migrated to Europe in the 14th & 15th century and were mistaken with Egyptians.

English KLN:272

Kabul

chebule : a dried fruit (originally from Kabul)

Indo-European POK:531; IEC:1056,1632

Kar 1, Qar 1, Quseros, Qhar : *hard*
Karkar, Kongar : *hardened or fortified, armor, fort*

Avestan POK:531; SYN:1201

xratu : *mental strength, intelligent work*

Pahlavi

xrat : *intelligence*

Persian BQT:729

xerad : *intelligence* خِرَد

Sanskrit POK:531; KLN:703

xara : *hard, rough*

karkarah : *hard*

karkatah : *crab (hard body)*

Pahlavi

BQT:697; WLD:355; SYN:173

xâr : *hard, rough*

kar-cang : *crab*

Persian BQT; HRN

xâr 2 : *thorn* خَار

xârâ : *a hard stone* خَارَا

xarčang : *crab* خَرچَنگ

Avestan

SOD:166

xara : *a harsh
voiced animal,
donkey*

Pahlavi WLD:355; SYN:173

xar : *donkey, harsh*

xar-bâra : *donkey load*

Bher 1

xar-buz : *harsh melon
or cucumber*

Persian BQT; HRN; FVF:190

xar : *donkey, symbol of harshness* خَر

خروار، خربزه، خرگوش، خرمگس، خرمهره

خر عیسی گرش به مکه برند

چون بیاید هنوز خر باشد Sa'dī

Sogdian SOD:166

Xr : *donkey*

xr-tr'k, xara-tara : *related to a donkey, mule*

Persian MON:2615

qâter : *mule* قاطر (قاطر)

Sanskrit POK:531; IEC:1632

kankarta, kankatih : *fortified,
armor*

Persian IEC:1632; MON:3102

kongareh : *battlement on a castle wall* کَنگَرِه ۱

کَنگَرِه ویران کنید از منجنیق - تا رود فرق از میان این فریق Molavī

Germanic

KLN:703; AHD

harduz : *hard*

Old French AHD:1257

estandard : *standing firm,*
*a flag or rule that
stands firm* Stā

Persian MON:239

estândârd : *standard* استاندارد

English

standard

English

hard, Richard, Bernard
Leonard, Gerard

Greek AHD:351

keratos : *strength, government*

dêmos-keratos : *people's*

government Dā

karkanos : *crab*

French AHD

Persian MON:1561

demokrâsî : *democracy* دِمُوکراسی

English

democracy

English

carcinogen

English

cancer

Latin KLN:230

carcro : *hard*

cancer : *hard bodied animal, crab*

Indo-European IEC:1056

Qusëro : *scrape, scratch*

Persian IEC:1056

xârîdan : *to scratch, itch*

خَارِیدَن (خارش)

Turkish 📖 TTS:79

Kar 2, Qar 2 : black, old, bad luck

Persian 📖 MON:2650, 2670

qareh : black قره (قرا)
قره نی ، قره قروت ، قراقوش

Turkish 📖 FSD:398; AHD:201

kara-kūlāk, qara-qulāq :
a wild cat with "black ears"

Persian 📖 MON:2670

qareh-qūlāq : black-ear cat, caracal قره قولاق
Compare with "syāh-gūsh:caracal" from root "Kei 1"

French 📖 AHD:202

English 📖 FSD:398

caracal : a wild cat with black ears

Karkar

see root: Kar 1

Sanskrit 📖 KLN:238; SYN:402

Karpāsah : cotton

Persian 📖 KLN:238; MON:2932

karpās : cotton cloth کرپاس

Arabic

📖 MON:2932; KLN:238

karbās

Persian 📖 MON:2932

karbās : cotton cloth کرپاس
وگر چرخ اطلس رود بر خلافت
روانی چو کرپاسش از هم درانی
Vahshī

Greek 📖 KLN:238

karpasos : cotton

Latin 📖 KLN:238

English 📖 KLN:238

carbasus : lint

Sanskrit 📖 KLN:229

Karpurah, Karpūrah : camphor tree

Pahlavi

📖 VDQ:356; BQT:1571

kāpūr : camphor

Persian 📖 BQT:1571

kāfūr : camphor کافور

Manūchehrī

نریزد از درخت ارس کافور - نخیزد از میان لاد لادن

Arabic 📖 PLA:225; DOZ:47; VDQ:356

kāfūr

TAD:60 derives this from Greek "kafoura".

Middle Latin

📖 KLN:229

camphora

French

English 📖 KLN:229

camphor

AHD traces this to the
Malay word "kāpūr: chalk"

Karpūrah

see root: Karpurah

Karšvar | Kâtara

Avestan / Old Persian 📖 BRT:459; HRN:191

Karšvar : a "circle" of land, country

Pahlavi 📖 BRT:459

kīšvar : country

Persian 📖 BQT:1656; BRT:459

kešvar : country

کشور

Kas 1

see root: Kes 1

Indo-European 📖 POK:533; WLD1:358

Kâs 2 : to direct, command

Avestan / Old Persian

📖 POK:533; BRT:1574; SYN:1338; BQT:354

sâs 1, sâh 1 : command

sâsta, sâstar : ruler, oppressor

sâxvan, sâsnâ : instructions, teachings

paiti-sahva : return of speech, answer 📖 Per 3

Pahlavi

📖 BQT:354,1573; MON:1843

sâstâr : ruler, oppressor

sâstâreh : bad domination

soxvan : instructions, speech

passaxv, pasux : answer

Persian

📖 BQT:354,1072,1107; HRN:160; MON:1796; FSF:99

sâstâ : oppressor, demon

soxan : speech

pâsox : answer

See "Kens" for another possible root of "soxan".

See "Wegwh" for another possible root of "pâsox"

ساستا، ساستار

سخن

پاسخ

Avestan 📖 MON:2987; SOD:204; BQT:1651

Kasyapa : tortoise

Cognate with Sanskrit "kaçyâpa"

Persian 📖 MON:2987; BQT:1651; HRN:191

kašaf : tortoise

Rūdakf چون کشف انبوه غوغایی بدید - بانگ و زخ مردمان، خشم آفرید

کشف

Sogdian 📖 SOD:204

kyšf : tortoise

Sanskrit 📖 BQT:1555

Kâtara : shy, disoriented, wandering

Persian 📖 BQT:1555

kâtûreh : wandering, disoriented, dizziness

Rūdakf

Persian words may be cognates with rather than derivatives from Sanskrit

کاتوره (کاتور)

هیچ راحت می نیبیم در سرود و رود تو
جز که از فریاد و زخمه ات خلق را کاتوره خاست

Indo-European  POK:535; WLD:331**Kau, Qau 1** : *to strike, beat*

Avestan

 SYN:290; WLD:331; SNS:150kōš : *strike*fra-košaiti : *kills*kau-kušati : *tries, fights*thwaxša : *try*Persian  BQT:1648, 1731koštan : *to kill*kūšīdan : *to try, to fight*زهر تن شاه غمخواره ایم - نه از کوشش و جنگ بیچاره ایم
Ferdowsī

کشتن

کوشیدن (کوشش)

Germanic  AHDhaujam : *cut grass*

English

hay, hoe

Indo-European  IEC:483; POK:434**Kau 2, Qau 2, Kāukos** : *to howl, a raucous bird*Persian  IEC:1521; MON:2888kabk : *partridge*بھوای کبک رفتم که چو باز حمله آرم - زهلاک خویش غافل که ز پی بود عقابم
Qaān

کبک

Sanskrit  AHD:1521cakōra : *partridge***Kāukos**

see root: Kau 2

Indo-Schythian  ISS:43**Kavūta** : *gray, dark blue*Old Persian  ISS:43kapautaka : *gray, dove*

Pahlavi

 HRN:187; KNT:178

kapôt, kapôtar

Sogdian  ISS:43; SOD:191kp'wtk : *blue*kp'wt'yčh : *dove*Persian  BQT:1589; MON:2890kabūd : *gray, dark blue, purple*kabūtar : *dove*غلام همت آنم که زیر چرخ کبود
زهرچه رنگ تعلق پذیرد آزاد است
Hāfez

کبود

کبوتر (کفتر)

CEL6:46 derives "kabūtar" from
Indo-European "Kepro: a kind of bird"Latin  ISS:43capotes : *dove (a Latin-Armenian word)*Greek  ISS:43kapauta : *dove (a Greek-Armenian word)*Sanskrit  ISS:43kapōta : *dark blue, dove*

Kayik | Keanos

Turkish 📖 KLN:220

Kayik : *boat*

Persian 📖 MON:2629; ARK:214

qâyeq : *boat*

قایق

Italian 📖 KLN:220

caicco

French 📖 PHN:85

English 📖 AHD:187; LKT:81; KLN:220; FWE:45

caique : *a row or sail boat*

Kaz

see root: Kaž

Old Persian

Kaž, Kaz : *inexpensive silk*

Pahlavi

📖 BQT:1637; PLA:218

kac, kač : *an inexpensive silk*

Persian 📖 MON:2963

kaž : *inexpensive silk*

کَز (کَر، غَز، غَزَاو)

kazâkand : *silk-filled* 📖 Gwhen 1

کَزَاکَنْد (کَرَاکَنْد)

French 📖 AHD:209

casaqueand, casaque : *a kind of silk-filled garment*

English 📖 KLN:246

cassock : *a long garment worn by the clergy*

Arabic

📖 LKT:91; PLA:218; NFI:40

qaz : *a type of cloth*

Persian 📖 MON

qaz : *a kind of cloth*

قَز، قَزَاغَنْد

French 📖 NFI:40

gaze : *a loosely woven cotton fabric*

AHD and KLN derive this from Gaza in Palestine where the fabric was supposed to be made

Persian 📖 MON:3166

gâz : *a surgical dressing*

گَز

English 📖 KLN

gauze

Ke 1

see root: Ak

Ke 2

see root: Ki 2

Greek 📖 KNT:164

Keanos : *lying, sitting*

Greek 📖 KNT:164

o-keanos : *lying around, water surrounding the earth*
FSD:1707 & TAD:5 derive this word from Greek "ôkys:swift". See Root "Ôku:swift".

Arabic 📖 TAD:5

oqyânûs : *ocean*

Persian 📖 MON:327

oqyânûs : *ocean*

اقیانوس

Latin 📖 AHD:909

ôceanus : *ocean*

English 📖 AHD

ocean

Ke-e-tero

see root: 12

Indo-European POK:537; IEC:458

Keg, Keng, Kek, Kenk 2, Kag : hook

Avestan

POK:537

cang : hook

Persian

POK:537; BQT:665

čang : hook, paw, harp (چنگ (چنگال، چنگک))

Arabic

PLA:188

sanj : harp, cymbal

Persian

MON:2165

sanj, senj : cymbal

صنج

See root "Gäu 1" for another possible derivation.

Persian

IEC:458; MON:2910

kaj : bent, crooked, tilted, wrong

کج (کژ، کژدم)

وز خم ابروی توام هیچ گشایشی نشد - وه که در این خیال کج عمر عزیز شد تلف Háfēz

Germanic

AHD

hōka : hook

hakkijan : to hack

English

hook, hack

Indo-European POK:540

Kei 1, Kiē 1 : gray or black color, dark

Avestan

POK:541; BRT:1631

syâva : black

syâva-aršan : (with) "black male"

animals Eres 1

syâ-maka : owner of "black hair"

Persian

HRN:168; BQT:1199; SNS:172

sîyâh : black

Sîyâvaš, Sîyâmak : male names

sîyâhgüş : the caracal Ous 1

Compare "sîyâ-güş" with Turkish "kara-külâk: black ear" which is the root of English "caracal". See Root "Kar 2".

سیاه

سیاوش، سیامک

سیاه گوش

Hindustani

English

KLN:1554

syagush : the caracal

Avestan

POK:541; KLN:288

sâma : black

Persian

BQT:1075

sâm : "black", a male name

سام

Avestan

POK:541

saēna : gray, gray bird (falcon)

saēna-mereğa : dark bird Mereğa

Persian

BQT:1237; HRN:169

šâhîn : falcon

sîmorğ : a legendary bird

شاهین

سیمرغ

Sogdian

SOD:370

š`w : black

Germanic

AHD

hiwan : color, hue

English

hue

Latin

POK:541

cimex : black bug

English

cimex, chinch

Kei 2 | Kei 3

Indo-European POK:539
Kei 2, Kie 2, Ki 1 : to set in motion

Old Persian POK:539; HRN:172
šiyav : to set in motion, march
šaw : to go

Pahlavi HRN:172
šutan : to become

Persian BQT:1261; FFD:62
šodan : to become (شدن (شو، تاشو)

Avestan POK:539
šav 2, šyav : to go
šyaothna : conduct, effect
šyaoman : action, work
fra-šūte : put in motion, moved

Greek POK:539
kinein : to move
kinēma : motion

French AHD:243
cinema : motion

Persian MON:1985
sīnemâ : cinema سینما

English
cinema

English
kinetic

Latin AHD
ciĕre : to move
citāre : to put in motion, summon

English
citation, excite, solicit

Kei 3

see root: Ak

Indo-European POK:539

Kei 4 : to lie, rest**Koi-to** : bed, couch, home, domain

Greek POK:539; TAD:2

koite, ari-koite : (decorated) bed

koiman : put to sleep

koimētērion : sleeping room

Arabic

TAD:2; FVA:30

arīkeh : throne

a.r.k : bed

Persian FVA:30; MON:210; BQT:112

arīkeh : bed, throne, domain

arāek : thrones, domains

اریکه

ارایک

Latin AHD:217

coemeterion : sleeping room, graveyard

English AHD

cemetery

Sanskrit AHD:1196

siva : auspicious, dear

Persian MON:5:960

Šivā : one of the Hindu Gods

شیوا ۲

English AHD

Siva, Shiva : the God of destruction and reproduction in Hinduism

Latin AHD

cīvis : a member of the household, citizen

English AHD

civil, civic, city, civilization

Old High German AHD

heim : home

heimerich : house ruler

Old French AHD

ham, hamlet : village

English AHD

hamlet, Hamlet

English AHD:615

Henry

Kek

see root: Keg

Indo-European WLD1:381; POK:543; IEC:1390

Keku, Qeque : club, hammer**Teuk-os** : beak, peak, tip

Avestan POK:543

kakuš, čakuš : ax,
hammer

Pahlavi

BQT:613

cakōč : ax

Persian POK:543; SYN:597; BRT:575; MON:1268; IEC:1390

čakkoš : hammer

čāqu : knife

IEC links "čakkoš" to "čowgân". See root "Čop"

چکش (چکوچ، چاکوچ)

چاقو

Old Persian POK:543

queke : club, staff

Pahlavi MON:1300

čakāt : peak, tip

Sanskrit IEC:1390

čokah : peak, hammer

Persian FRS:80; MON:1300

čakād : peak, summit, high point

Ferdowsī

بیامد دوان دیده بان از چکاد - که آمد از ایران سپاهی چو باد

چکاد (چکاده)

Kel 1 | Kel 2

Indo-European POK:551; SYN:1078

Kel 1 : cold, also warm, warm season, a year

This root has two opposing meanings

Avestan POK:551; SYN:1078

sareta : cold
saretha : bringing cold

Sogdian SOD:362

srt : cold

Pahlavi HRN:23

sart : cold (adj.)
sarmāk : cold (noun)
awsartan : to become cold, to lose hope.

Persian

POK:551; SYN:1078; BQT:149;

sard : cold سرد (سرما)
afsordan : to lose hope افسردن

Avestan POK:551; SYN:1012

sarez, sareda :
a warm season, a year

Pahlavi

HRN:153

sālak, sāl : year

Persian POK:551; SYN:1012

sāl : year سال
gūsāleh : calf (one year old) گوساله

Old Persian

SYN:1012; KNT:188; BQT:7

thard, sard : year
upa-sard : toward the year, beginning of the year, spring

Persian BQT:7

ābsāl : spring آبسال (آبسالان)
همان شیپور با صد راه نالان - بسان بلبل اندر آبسالان
Vis-o-Rāmīn

Latin AHD

calor : heat
calere : to be warm
calefāre : to warm up

French AHD

calorie, chauffeur, chauffage

Persian MON:2090,2860

کالری، شوفاژ

Sogdian SOD:361

srd : year

English AHD

calorie, chauffeur

Indo-European POK:553

Kel 2 : to cover

Pahlavi HRN:192,193; HUB:88

kulāf : cover, hat
kurpak : shelter, hut

Persian BQT:1671,1673; PLA:233

kolāh : hat کلاه
kolbeh : hut کلبه (کلبک)

Greek

AHD; SYN:460

kaluptein : to cover
kolba : shelter, hut

Latin AHD

eu-calīptus : a plant with "well covered" flowers Su 1

Persian MON:404

okālīptūs : eucalyptus اکالیپتوس

English

eucalyptus

Germanic AHD

hallō : covered place
helmaz : head cover

English

hall, hell, hole, hollow helmet

Latin AHD

color : that which covers
cēlare : to hide

English

color, conceal

Indo-European POK:548

Kel 3 : to shout, call

Greek POK:548; AHD:412

ek-kalein : to call out

ekkleisia : an assembly of people

Pahlavi

MON:3050

kilīsyāġ : church

Persian BQT:1688

kelīśā : church

کلیسا (کلیسیا)

صلیب و خاج بسوزد کلیسیا بکند
بنای مدرسه بر گنبد گران آرد

Kamāl Esmā'īl

Aramaic TAD:65

kenušta : assembly
of peopleK.n.s, K.n.š : he
gathered

Arabic SAP:1448

k.n.s : he gathered,
collected, swept
kanīseh : Jewish
temple

Persian MON:3105,3096

kans : sweeping of the house

کنس

kannās : cleaning person

کناس

kanīseh : Jewish temple

کنیسه

Hebrew KLN:849

kānas : he gathered

keneseth : assembly

Pahlavi

MON:3096

kanašya :

Jewish
assembly

Persian BQT:1709

kenešt : Jewish assembly

کینشت، گنشت

تنها نه منم خانه دل بتکه کرده
درهر قدمی صومعه‌ای هست و گنشتی

Hâfez

English AHD:724; KLN:849

Kneseth : Israeli parliament

Latin POK:548; AHD

classis : summons, a group of people

French AHD:248

classe

Persian MON:3015

kelâs : class

کلاس

English

class

Latin AHD

concilium : a meeting

French AHD:303

concilie : assembly

Persian MON:3097

konsül : council, consul

کنسول ، قونسول

English

council, consul

Latin AHD

clâmâre : to call

kalendae : first day of month (for announcements)

clârus : clear

English

claim, calendar, clear, declare

Kel 4 | Kel 6

Indo-European POK:546; KLN:316

Kel 4, Qel : gray, black, dark

Greek POK:547

kolumbos : a gray bird

Latin AHD:264

col-umba : gray bird,
pigeon, dove

Persian POK:547

čarmeh : horse

Ferdowsī پر از خشم و پر کینه سالار نو - نشست از بر چرمه تیز رو

چرمه

English AHD

Columbia, Colombia, Columbus, Columba, Colombo
columbarium : a pigeonhole in a dovecote

These words reached English through Italian, Spanish and other languages

Indo-European POK:550

Kel 5 : cup, bowl

Greek POK:550

kalix : cup

Latin POK:550

calix : cup

Sanskrit POK:550

kalasah : cup

Syriac AFM:131

Persian AFM:131; MON

kāseh : bowl (کاسه، کاسبرگ)

kūzeh : pitcher, jug (کوزه، کوز)

Arabic AFM:131; VDQ:355

ka's : cup

Indo-European POK:545

Kel 6 : to strike, cut, stab

Persian MON:3037; IEC:464

kaland, kolang : spade

Molavi کلند، کلنگ
کو حمیت تا ز تیشه وز کلند - اینچنین که را بکلی برکنند

Latin AHD:1521

gladius : sword

English AHD

gladiator

French VOP:307

gladiyator

Persian VOP:307

gelâdfyâtor : gladiator

گلادیاتور

Latin AHD:1521

clamitas : injury

English AHD

calamity

Greek AHD:1521

klon : twig

English AHD

clone

Indo-European POK:554; KLN:226

Kelewo, Kalwo : *lacking, bald*

Sogdian SLW:10.1.96

krw' : *empty, lacking*
the link is note quite certain

Persian BQT:1631

karveh : *tooth cavity*

کَرَوِه ۲
باز چون بر گرفت دست زروی - کَرَوِه دندان و پشت چوگان است
Rūdakt

Avestan POK:554; KLN:226

kaurva : *bald*

Persian BQT:1665; POK:554

kal : *bald*

کَل ، کچل

Latin AHD; KLN:226

calvus : *bald*
calvaria : *skull, smooth hill*

English

Calvary : *the hill where Jesus was crucified*
Calvin : *male name*

Indo-European POK:556

Kem 1 : *stick*

Avestan POK:556; AHM:274

simā : *yoke beam*
simōithrā : *ring beneath horse's neck*

Persian HRN:168; BQT:1205; AHM:274

sîm 1 : *yoke beam*

سیم ۱

Indo-European POK:556; CEL6:122

Kem 2 : *to cover*

Greek VDG:352

kamision : *shirt*

Latin POK:556

camisia : *shirt*

Arabic

VDG:352; OXF:209

qamîs : *cotton shirt*

Persian MON:2729

qamîs : *cotton shirt*

قميص ، قميصه

English OXF:209

kameez : *shirt*

Old French AHD:230

chemise : *shirt, cover*

Persian MON:2079

šomîz : *file folder*

شمیز^p

English AHD:193

camisa, chemise, chemisette

Ken | Kenk 2

Indo-European 📖 POK:563

Ken : *young, fresh*

Avestan 📖 POK:563; SOD:190

kan 2, kaine, kainīn, kaimyâ : *young girl*
kan-yâ, kain-ika : *small woman*

Sogdian 📖 SOD:190

knc : *girl*
knc`k : *young girl*

Latin 📖 POK:563

re-cens : *fresh, new*

Pahlavi

📖 FSF:275; HRN:194

kanik : *young girl*
kaničak : *young girl*

Persian

📖 BQT:1715; HRN:174

kanîz : *maid*

کنیز
کنیزک

English

recent

Keng

see root: Keg

Indo-European 📖 POK:566

Kenk 1 : *heel, knee*

Koksâ : *hip*

Avestan / Old Persian

📖 KLN:735; BRT:456

kaša : *arm pit*
karš : *to pull*

Persian 📖 HRN:191; BQT:1653,1657,1755

kešâleh : *crutch*

کشاله

kešîdan : *to pull*

کشیدن

kaškûl : *Dervish's cup that is "carried by the shoulder"*

کَشکول

tîr-kaš : *bag for carrying arrows, quiver* 📖 Steig

تیرکش (ترکش)

kîš 1 : *distorted form of "tîr-kaš", quiver*

کیش ۱

kîš 2 : *a "kîš 1"-looking island south of Iran*

کیش ۲

Anvarî Abîvardî

آسمان گر سلاح پریندد - تیر تدبیر تو نه‌د در کیش ۱

Latin 📖 AHD:326

coxa : *hip*
coxînus : *hip rest*

Old French 📖 AHD

cuisse, coissin : *cushion*

Persian 📖 VOP:296

kûsan : *cushion*

کوسن

English

cushion

English

heel

Kenk 2

see root: Keg

Indo-European POK:566; WLD1:403

Kens : to speak solemnly, proclaim

Old Persian POK:566; KNT:188

thah : to say, declare

thâtiy : says

Persian TZF:19

soxan : speech

سخن

See "Kâs 2" for another possible root of "soxan"

Avestan POK:566; KNT:188

sah 2 : to say, declare

Persian IEC:608

afsâneh : fable

افسانه (فسانه)

ره زین شب تاریک نبردند برون - گفتند فسانه ای و در خواب شدند
Khayyâm

Latin POK:566; AHD:1522

cēns-ēre : to judge, estimate, tax

French

censur : censor

Persian VOP:210

sânsor : censor

سانسور

English AHD:1522

censor, census

Greek AHD:301,1522

kos-mein : to arrange in order

kos-mētikos : skilled in beautifying

kos-mos : arrangement, world

A possible derivation from

Indo-European "Kens".

French AHD:301

cosmetique : cosmetic

Persian VOP:321

mâtîk : lipstick

ماتیک

English AHD:301

cosmetic

English AHD

cosmos, cosmic

Ker 1 | Ker 2

Indo-European POK:574; KLN:261,657

Ker 1 : head, horn

Avestan AHD; POK:574; KLN:261

sarah, sârah : head

Pahlavi

Persian BQT

سر ، افسر ، افسار ، ساربان
سردار ، سالار ، سرشار

Avestan POK:574; BRT:1650; LEW:905

srū 1, srvâ 1 : head, horn, nail
srū-bhara, srvara : carried
on the head, horn Bher 1

Persian BQT:1130; HRN:162

sorū, sarūn : horn
سُرو ، سَروُن
زَپیشانی هر یک از مرد و زن - سَرونی است بر رُسته چون کر گدن
Nezāmī

Greek KLN:237

keras, keration : little horn,
also referred to the horned-
shaped fruit of the carob tree

Arabic KLN:237; TAD:60

qirât : fruit of the carob tree which
was used as a unit of weight.

Persian

qîrât قیراط

Middle Latin

French

English

carat

English

rhinoceros

Greek AHD:831

hemi-kranion : pain
in "one half of head"

Latin

hemi-crania

French AHD:831

migrene : headache

Persian MON:4503

mîgren میگرن

English AHD:831

migraine

Different Languages AHD

English

carrot, cheek, corner, horn

Sanskrit AHD:1522; KLN:657

srnga : horn
sringa-vera : horn-shaped
root of ginger

Pahlavi VDQ:42

šanga-vîr, singiber

Persian MON:1751; VDQ:42

šangabîl : ginger
شنگبیل

Pali KLN:657

singivera : ginger

Greek KLN:657

ziggiberis : ginger

Arabic VDQ:238

zanzabîl : ginger
From Greek through Syriac.

Persian

MON:1751; VDQ:238

zanjebîl : ginger
زنجبیل

Latin KLN:657

gingiber, zingiber,
zinziber

Old French

KLN:657

gingiber, gingiver

English AHD:667; KLN:657

ginger, gingerale

Ker 2

see root: Sek

Indo-European POK:567

Ker 3, Qer, Qor, Qr : loud noise, noisy birds

Avestan POK:571; KLN:1305

xraos : loud noise

Pahlavi BQT:741

xrusiten : yell, roar

xros : rooster

Persian IRT:44

xorūšīdan : to roar, scream

xorūs : rooster

Rūdakī سگالیده در جنگ مانند قوچ - تیر برده بر سر چو تاج خروج

خروشیدن

خروس (خروج)

Avestan POK:568

kahrkatāt : some noisy birds

kahrkā-asa : eating bird (vulture) Ed

Sogdian SOD:128

crks : vulture

Persian BQT:1624,2268; MON:5001

karkas : vulture

kark, karak : poultry

Anvarī تانباشد همچو عنقا خاصه در عزلت غراب
تانباشد همچو شاهین خاصه در قدرت کرک

کرکس

کرک (ورثک، وردیج)

کرک (ورثک، وردیج)

کرک (ورثک، وردیج)

کرک (ورثک، وردیج)

کرک (ورثک، وردیج)

کرک (ورثک، وردیج)

کرک (ورثک، وردیج)

کرک (ورثک، وردیج)

کرک (ورثک، وردیج)

کرک (ورثک، وردیج)

کرک (ورثک، وردیج)

کرک (ورثک، وردیج)

کرک (ورثک، وردیج)

کرک (ورثک، وردیج)

کرک (ورثک، وردیج)

کرک (ورثک، وردیج)

کرک (ورثک، وردیج)

کرک (ورثک، وردیج)

کرک (ورثک، وردیج)

کرک (ورثک، وردیج)

کرک (ورثک، وردیج)

کرک (ورثک، وردیج)

کرک (ورثک، وردیج)

کرک (ورثک، وردیج)

کرک (ورثک، وردیج)

کرک (ورثک، وردیج)

کرک (ورثک، وردیج)

کرک (ورثک، وردیج)

کرک (ورثک، وردیج)

کرک (ورثک، وردیج)

کرک (ورثک، وردیج)

کرک (ورثک، وردیج)

Sanskrit POK

krosa : a loud sound,
also the distance reached
by such a loud voice

Persian BQT:1630; MON:2960

korūh : a unit of distance (about two miles)

Khāqānī داد نقیب صبا عرض سپاه بهار - کر دو گروهی بدید یاو گیان خزان

گروه ۱

Germanic AHD

hr : a ringing sound
skrainjan, skreki : scream
krik : to creak

English

ringing, rook, raven
scream, screech
cricket

Ker 4 | Kerb

Indo-European POK:573,583

Ker 4, Kers 1, Kerb : dirt, dark, black

Pahlavi

POK:573

karic : dirt,
manure

Persian POK:573; BQT:1631; MON:1281

kareh : dirt

čardeh : a suffix indicating (dark) color

چرده (سیاه چرده)
چرته، چرد، چرزه
چون دست و پای پاک نینیمت جان و دل - این هردو پاک بینم و آن هردو با کره
Nāser-Khosrow

کره^۱

Old Persian POK:583

kirsman : black

Persian BQT:1619

kars : dirt (کرس، کرسنه^۱)

Sanskrit POK:583

kr̥ṣṇa : black

Persian BQT:1619

karsneh : a black grain (کرسنه^۲ (کسنی، کشنک)

Hindustani AHD:727

kriṣṇa : the black one

English AHD:727

Krishna

Indo-European POK:571; IEC:590

Ker 5, Kur, Kertâ : heat, fire

Persian IEC:590; MON:3121

kūreh : fireplace, oven, kiln

کوره
به آسانی مرا از من ربودی - درون کوره غم آزمودی
Moshîrî

Germanic AHD:1522

herthō : hearth

English AHD

hearth

Latin AHD:1522

carbō : charcoal

English AHD

carbon, carburetor

French AHD

Persian VOP:267,278

karbon : carbon (کربن (کاربن)
کرمیات، کربنیک، کربور، کاربوراتور

Latin AHD:1522

cremare : to burn

English AHD

cremate

Greek AHD:1522

keramos : potter's clay

English AHD

ceramic

French

Persian VOP:211

serâmic : ceramic (سرامیک)

Kerb

see root: Ker 4

Indo-European POK:579; SYN:251

Kerd 1, Kred : *heart*

Avestan

POK:580; KLN:352; SYN:251; LAT:254

zered, zaredaya : *heart, center*zraz-da, sraz-da : *to give heart, believe.*

D6 2

Pahlavi

BQT:873

dīl : *heart*

Persian BQT:873; LAT:254

del : *heart*

دل

The "z" sound is kept in
Kurdish "zar:heart" and
Baluchi "zirdé:heart".

Germanic AHD

hert-on : *heart*

English

heart

Latin AHD; POK:580

cor : *heart*ad-cor : *at heart, agreeable, in harmony*re-cor : *remind, remember, record*com-cors : *of same heart, in harmony*crédere : *to put heart in something,
believe*

French AHD

Persian MON:76

âkordîon : *accordion*

آکوردئون

English AHD

accord, accordion, record
concord, courage, credit

English AHD

core, cordial

Greek AHD

kardia : *heart*

English

cardiac, cardiovascular

Indo-European POK:579

Kerd 2, Kerdho, Kerdha : *row, herd*

Avestan POK:579

saredha : *way, kind, race, breed*

Pahlavi

sartak : *breed*

Persian BQT:1122; SNS:183

sardeh : *race, breed, kind*

سرده

Germanic AHD

herdô : *herd*

English

herd

Kerdha

see root: Kerd 2

Kerdho

see root: Kerd 2

Kerk | Kertâ

Indo-European 📖 POK:581

Kerk, Kork, Krk : *thin, slender*

Avestan 📖 POK:581; BQT:1795; KLN:672

keresa : *thin, little*

keresa-vazda : *with "little power"*

keresa-aspa : *with "lean horses"*

👉 Ekwos

Persian 📖 BQT:1795

Garsîvaz : *"with little power", a male name*

Garšâsp : *"with lean horses", a male name*

گرسیوز
گرشاسپ

Sogdian 📖 SOD:32,195

`ks, ks : *thin, small, weak*

Latin 📖 POK:581; KLN:672

gracilis : *slender*

English 📖 AHD:570

gracile

Këros

see root: Sper

Kers 1

see root: Ker 4

Indo-European 📖 OEW:182

Kers 2 : *black*

Egyptian 📖 AHD:30; OEW:182

khem : *black*

chem : *a native word for Egypt due to its black soil at Nile shores*

Greek 📖 AHD:30; KLN:45

xēma : *black land, the former name of Egypt, the art of transmutation practiced by the Egyptians.*

Arabic 📖 AHD

al-kimyâ, al-kîmîya : *the art of transmutation*

OEW:124 & FSD:66 say it is possible this word is derived from Greek "xymeia:infusion" from root "Gheu:to pour". KLN:45, however, does not agree.

Persian 📖 BQT:1759

kîmîyâ : *chemistry, any rare substance*

کیمیا

آنان که در مخالفت پادشاه دین
بردند دستبرد به مکر و به کیمیا
Sûzanî

Latin 📖 AHD

alchymia

French

alchemie, chimie : *chemistry*

Persian 📖 MON:2115

šîmî : *chemistry*

شیمی

English 📖 KLN:45

chemistry, alchemist

Sanskrit 📖 OEW:182

Krishna : *the black one, title of an Indian God*

English 📖 OEW:182

Krishna

Persian 📖 MON:1572

Krîšnâ : *an old Indian god*

کریشنا

Kertâ

see root: Ker 5

Indo-European POK:586

Kes 1, Kas 1 : to cut

Latin AHD

castrum, castellum : an "isolated"
fortified place, camp, castle
castrare : to cut

Arabic KLN:45

al-qasr : castle

Persian MON:2682

qasr : castle

قصر

French AHD

chateau

English

chateau, castle

English AHD

castrate, chastity

Indo-European POK:585; WLD1:449

Kes 2, Qseu : to scratch

Avestan POK:585; KNT:175

hu-xšnuta, hu-šnūta : well polished,
pleasant, happy [☞] Su 1
xšnāvaya : to satisfy

Sogdian SOD:83

xšn`w : to satisfy

Persian HRN:113; BQT:755; FFD:52

xošnūd : happy

خشنود

خوشیدن، خوش

Greek POK:587; IEC:572

ksniō : to scratch, comb
kseō : rake

Pahlavi HRN:170

šānak : comb

Persian BQT:1230

šāneh : comb

شانه ۱

English KLN:1758

xyster : bone scraper

Persian POK:585; BQT:1307

šūr : with sharp taste, salty

شور (شوره)

shūr-bā : a salty soup [☞] Pekw

شوربا

Khāqānī
گر برای شوربایی بر در اینها روی - اولت سبکا دهند از چهره آنگه شوربا

Persian IEC:572

xasīdan : to chew

خسیدن ؟

This word was not found in MON.

Ket | Keu 2

Indo-European POK:586

Ket, Kot : *living room*

Avestan POK:586

kata : *house*

būiti-kata : *idol house* Bheu 3

BQT:234 claims Avestan "kata: house, space, a dug-in place" is derived from Avestan "kan: to dig" and is cognate with Persian "xāneh: house".

See Indo-European root "Gwhen 1" for more details.

Pahlavi BQT:1604

katak : *house*

bôt-katak : *temple*

Persian POK:586; BQT:1604

kad- : *of the house*

-kadeh : *house of* (کده , دهکده , دانشکده , دهکده)

Hindustani

Portuguese

English

SKT:366; LKT:30; AID:233

pagoda

See HJB:652 for more details.

Keu 1

see root: Gëu 1

Indo-European POK:592; IEC:589

Keu 2 : *vault, hole, to swell*

Kuur, Kūros : *hole*

Künos : *lump, swelling, body*

Avestan POK:593; FFD:61

surâ, suwrâ : *hole*

sufrâ, sufrâka : *to plow,*

pierce

sub, sunb, saub : *pierce*

Pahlavi

SNS:192

sūrâk : *hole*

sulâk : *hole*

sumb 2 : *ramrod*

Persian

BQT:1185; HRN; ZAW:233; MON:1657

surâx : *hole*

softan : *to pierce*

sonbeh, sombeh : *ramrod*

sonbîdan : *to pierce, ram*

Pahlavi BQT:1738

kūn : *buttocks*

Persian IEC:589

kūn : *buttocks*

Latin AHD

cavus : *hollow*

cumulus : *heap*

English

cave, cage, jail, excavate

accumulate

Sanskrit POK:592

sunyâ, sunyâh : *empty*

Arabic KLN:290

safara : *was empty*

sefr, sifr : *empty, zero, a loan translation of the old Sanskrit word "Sunyâh"*

Persian MON

sefr : *zero*

Spanish

AHD; KLN:290

cifrâ : *zero*

French

chiffre

English

AHD:243

cipher, decipher

Latin KLN:290

zephyrum : *empty*

French

zero

English

zero

Indo-European POK:587

Keu 3, Kou, Skeu 3, Skou : to watch, see, hear

Avestan

HRN:196; FAF:504

kavi : sovereign

kâvâ-usân : rich king

Pahlavi

HRN:196

kay : king

kayos : rich king

Sogdian

SOD:202

qwy : giant, hero

Persian

BQT:1749-1751; MON:3147; FAF:491,504

kay 2 : king

کی ۳ (کیتباد ، کیخسرو ، کیکاوس)

Kāvūs : "rich king", a male name

کاووس (قابوس)

kîyâ : a respected person in a group

کیا (کیانوش)

kîyân : kings

کیان (کیانی)

ای دربر سران قوی دل نهفته سر - وی بر دل کیان مبارز نهاده کی
Osmân Mokhtârî

Persian

POK:588; ZAW:81

šokuh : glory

شکوه

Sanskrit

POK:587; HRN:196

kavî : wise, sovereign

Avestan

WLD:1369; POK:587

čevîši : attend, expect, hope

Old Persian

POK:588

au-šaudîhtwei : to trust

Greek

AHD

akavein : to hear

kudos : glory

French

acoustique

Persian

VOP:15

âküstîk : acoustic

آکوستیک

English

acoustic

kudos : glory

Latin

AHD

cavēre : to watch

English

caveat, caution, precaution

Germanic

AHD

haujjan : to hear

skauuon : to look, show

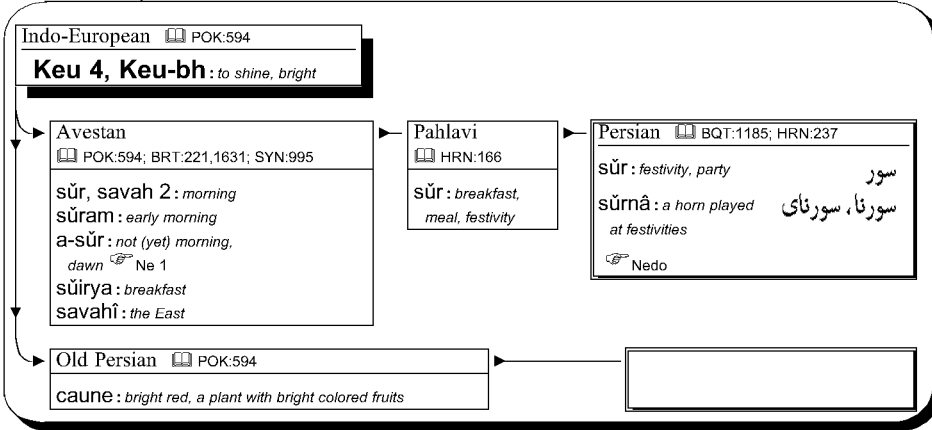
English

hear, show

Keu 3

see root: Skeu 2

Keu 4 | Keued



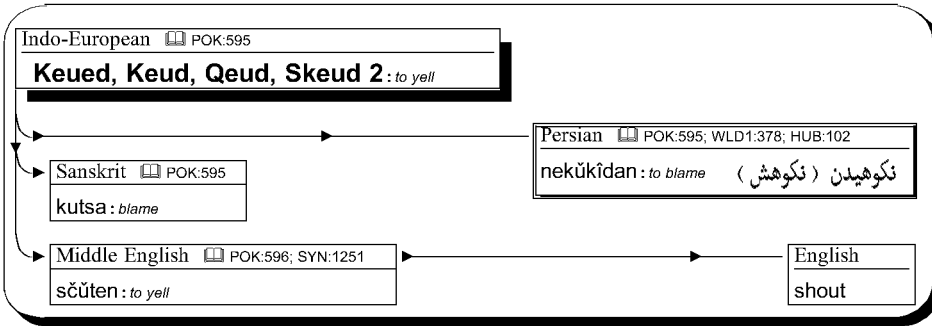
- Kĕu 5

see root: Kŭ 1
- Keub

see root: Gĕu 1
- Keu-bh

see root: Keu 4
- Keud

see root: Keued



Indo-European POK:597

Keuk 1 : to shine, be white

Avestan

POK:597; HRN:161,165; IRN:128

saoč, sauk, saux : to light up

saoka : flame

suxra : glowing red

suxra-varđ : red rose Wrdho

aiwi-saoka : burn in regret Ambhi

upa-suxta, âtra-saoka, saočint

Persian

BQT:1183,1189,1195; DRM:131; IRN:128; FFD:61

sūxtan : to burn

سوختن
سوزش، سوزان، سوزاک، سوز، جانشوز

sūk : sorrow, mourning

سوگ (سوگ)

sořx : red

سرخ (سرخاب، سهراب)

Sohrvard : a town near Tehran (Red Rose)

سهرورد

afsūs : regret

افسوس

Avestan

HRN:167

saokenta : a burning substance, sulfur

saokenta-vant : a drink mixed with sulfur

Sogdian

SOD:365

swgnd, swk`nt : oath

Persian

BQT:1190

sogand : oath

سوگند

Originally "sogand" was a sulfur filled drink given to defendants to determine the truth based on their body reaction to sulfur.

Greek

POK:597

kuknos : white, white swan

English

cygnet : young swan

Keuk 2

see root: Gëu 1

Keup

see root: Gëu 1

Armenian MON:1384

Khâč, Xâč 2 : cross

Persian

HUB:227; BQT:696; MON:1384

xâj : cross, club suit in cards

خاج

Kamâl Esmâll

صليب و خاج بسوزد کليسيا بکند - بنای مدرسه بر گنبد گران آرد

Indo-European POK:634; WLD1:341

Khâd, Qhâd : to bite

Sanskrit

POK:634

xâd : to bite

Avestan

HRN:104

xad 1

Persian

BQT:712

xâyîdan : to grind with teeth, chew

خاییدن (خای)

Ferdowsî

همی لب به دندان بخایید شاه - همی کرد خیره بدیشان نگاه

Khai

see root: Ghei 1

Khan | Ki 1

Mongolian KLN:844

Khan : ruler

Turkish KLN:844

khan : ruler

Persian BQT:707; MON

xân : sir, title of respect

خان (خانسامان ، خانم)

Arabic

KLN:844

xân

English KLN:844

khan : title of respect

AHD claims "khan" entered English from Turkish through Latin & French

Kharpuna

see root: Kahrpu

Khei

see root: Ghei 1

Mongolian KLN:251

Khitan : an area in north west China

Persian BQT:715

xotan : poetic name for China

خُتن (خُتا ، خطا ، خطان)

دو چشم شوخ تو بر هم زده ختا و ختن - بچین زلف تو ماچین و هند داده خراج
Hâfez

Sogdian SOD:174

ġwdnyk : Khotanese

Middle Latin KLN:251

cataya

English KLN:251

Cathay, Khitan, Khotan : poetic names of China

Arabic FVA:348; KLN:46

K.h.l : very fine Antimony powder used for coloring eyelids.

Arabic FVA:348

kohl : powder for coloring eyelids, also believed to cure certain eye diseases.

kahhâl : eye doctor

al-kahl, alkoûl : highly purified spirits

Persian FVA:348; MON:2919

kohl : eye powder

kahhâl : eye doctor

kohûl : alcohol

ای بر زعرشت پایگه ، بر سر کشان رانده سپه
در چشم خضر از گرد ره ، کحل مسیحا ریخته
Vahshî

Latin KLN:46

alcohol : spirit of wine

French

alcool

Persian MON:342

alkol : alcohol

الکل

English KLN:46; AHD:30

alcohol

Ki 1

see root: Kei 2

Indo-European  POK:417,609; KLN:710**Ki 2, Ko 2, Kyô, Ke 2, Ghe 2** : *this*Avestan  KLN:735; POK:417zî : *for, because, indeed*
nôit-zîGermanic  AHD

hi

English  AHD

he, him, his, her, here, hence, it

Indo-European  AHD:1523**Ke-e-tero** : *other part,*
other time, again  2Latin  AHD:1523; KLN:545; POK:284ce-terus : *the other part*
et-cē-terī : *and other things*  Eti

English

et cetera

Kiě 1

see root : Kei 1

Kie 2

see root : Kei 2

Indo-European  IEC:622**Kiěs** : *bug, tick*Armenian  IEC:622čēc : *mite*Greek  IEC:622sēs, seos : *mite*Persian  IEC:622; MON:1795sâs : *louse, bug*

سâس ۲

Indo-European  POK:598**Kiph** : *thin flexible twig*Sanskrit  POK:598; WLD1:452šiphâ, čiphâ : *twig, hair*Persian  BQT:1272; MON:2052šafš : *twig, wire*

شَفَش (شَفْشِه , شَفْشَف)

šafšâhang : *a tool for extruding thin silver and gold wires*

شَفْشَاهَنگ , شَفْشَاهَنج

Greek  POK:598xiphos : *branch, rod*Arabic  TAD:39,78sayf : *sword*s.y.f : *to strike with a sword*Persian  MON:1979sayf : *sword*

سيف

Kîru | Klâu

Akkadian 📖 AKD:60

Kîru : wax

Latin 📖 KLN

crassus : fat, oil
crassia : thickness (of liquids)

Old French

English

📖 KLN; AHD
grease

Persian 📖 VFO:24

grîs : grease گریس

Greek

📖 AHD:718

kēros : wax

Aramaic

qîra : wax, tar

Arabic 📖 AKD:60

qîr : tar
târ : tar

Persian 📖 MON:2765; BQT:1550

qîr : tar قیر

English 📖 KLN:843

kerosene

Kitintu

see root: Kitu

Akkadian 📖 BQT:1594

Kitu, Kitintu, Kitunnû : cotton clothing

Arabic

📖 BQT:1594

qutun : cotton

Persian 📖 BQT:1594; MON:3543

katân : cotton کتان
Nezâm Qârî مرا اگر چه به بستر لَت کتان انداخت - زروی صوف نظر بر نمیتوان انداخت

Spanish 📖 AHD

coton

French

coton

English 📖 KLN:360

cotton

Hebrew 📖 KLN:1664

kuttoneth : cotton clothing

Aramaic

📖 KLN:1664

kittunâ

Latin 📖 KLN:1664

ctunica, tunica : cotton clothing, tunic

Persian 📖 MON:1154

tonekeh : underwear تَنَكِه
"tonekeh" is probably from "tonok: thin, soft".
See root "Ten 1".

French

English

tunic

Persian 📖 VOP:154

tonîc : a piece of women clothing تونیک

Greek 📖 KLN:1664

kiton : cotton shirt

English 📖 AHD:236

chiton

Kitunnû

see root: Kitu

Klâu

see root: Klêu 2

Indo-European POK:600

Klei : to lean

Avestan POK:600

sray-, srinav-, srinu- : to lean
srita, sray- : leaned

Greek POK:600

klīma : sloping surface or land

Arabic TAD:57

eqḷīm : a zone on
earth, country

Persian MON:326

eqḷīm : country

اقلیم
تنت زورمندست و لشکر گران
ولیکن در اقلیم دشمن مران
Sa'dī

Latin AHD

clīma : a zone of earth

English AHD

climate

Greek AHD:1523

klinē : bed
klīmax : ladder

French AHD

clinic

Persian MON:3051

kelīnīk : clinic

کلینیک

English AHD

climax

Latin AHD:1523

clīmāre : to lean, bend
cliēns : dependent, client

English AHD

decline, incline, recline
client

Germanic AHD:1523

hlinēn : to lean
hlaider : ladder
hlid : that which bends over and covers, a lid

English AHD

lean
ladder
lid

Indo-European POK:602

Klem : tired, loose, dull

Sanskrit POK:602

sramana, saman : dull, a dull
person who is not interested
in anything but worshipping,
a monk.

Pahlavi TZF:77

šaman : idol
worshipper

Persian BQT:1296; ETM:37; TZF:77

šaman : idol worshiper

شمن
اگر تاج ایران سپارد به من
پرستش کنم چون بتان را شمن
Ferdowsī

Kleu 1 | Kleu 1

Indo-European POK:605

Kleu 1 : to hear

Avestan HRN:177

sru 2, srav, xšnu, xšnaw : to hear

Pahlavi FFD:64

ašnūdan : to hear

Persian BQT:1304

šenīdan : to hear

شنیدن

شنودن ، شنو ، حرف شنو

Avestan

POK:605; KLN:1456; FFD:60

sravah : word, speech

srū-ta : speech

sraw : to read

srāw : to sing

Persian BQT:1131,1302; MON; FRS:27

sarvā : poem, story

سروا (سرواد ، سرواده)

سرود ، سرودن ، سراییدن ، سرای ۲

چند دهی وعده دروغ همی - چند فروشی تو بر من این سروا

Ormazd

Avestan HRN:108; SNS:331

hu-srav : well famed, famous Su 1

dāuš-sravah : ill-famed Dus

Pahlavi BQT:748

hu-srov : well-famed,

title of kings and
in-laws.

Persian BQT:748,749

XOSROW : (well famed) king, ruler

خسرو (کسری)

XOSOR : father-in-law

خُسر (خسور ، خسوره)

XOŠŪ : mother-in-law

خُشو

Farrokhī

بد سگال تو و مخالف تو - خشوی جنگجوی با داماد

Pahlavi SNS:331

du-srav : ill famed, infamous Dus

Avestan POK:605

sraoθra, sraosha : ear,
one who listens and
follows

Pahlavi BQT:1132

srōsh : one who
obeys (God)

Persian BQT

sorūsh : one of God's angels

سُروش

لطف الهی بکند کار خویش

Hāfēz

مژده رحمت برساند سروش

Old Slavic

KLN:1456

slovo : word

Slověninū : Slav

Middle Greek KLN:1456

slabnovus : Slav, also slaves taken from the Slavs

Middle Latin

slavous : Slav,
slave

French

Persian MON

اسلاو ، چکوسلواکی ، یوگوسلاوی

English

Slav, Yugoslavia,
Czechoslovakia, slave

Germanic AHD

hlusinôn : to listen

hlūdaz : loud

English

listen, loud

Latin AHD

cluere : to be named

English

client

Indo-European 📖 POK:604

Klěu 2, Klāu : *hook, peg used to lock doors*

Greek 📖 AHD

kleiein : *to close*

kleidos, kleiss : *key*

Aramaic

Arabic 📖 FVQ:267

eqfīd : *key*

meqlād, maqāfīd

FVF:35 claims "eqfīd" is from Persian "kelīd:key".

Persian 📖 BQT:1687; FVQ:268; ARK:236

kelīd : *key*

کلید

Persian 📖 MON:4283

meqlād : *key*

مقلاد

مقالید

Germanic 📖 AHD

hluta : *portion obtained*

English

lot, lottery, lotto

Latin 📖 AHD

claudere : *to lock up, close*

English

close, closet, clause

include, exclude, conclude

Indo-European 📖 IEC:1637

Klis : *adhere*

Old Iranian 📖 FFD:60

sriš, sraiš : *a plant and its resin that was used for making glue.*

Avestan

📖 BQT:1136; FFD:60

sriš : *to join, attach, glue*

Pahlavi

📖 FFD:60

sriš : *glue*

Persian

📖 BQT:1136; FFD:60; MON:1867,1880; IEC:1637

serišš : *glue*

سیریش (سیرش، سیریشم)

Avestan

📖 HRN:162; HUB:75

sraēš : *mixture, nature*

Persian 📖 BQT:1124; HRN:162

serešt : *nature*

سرشت

sereštan : *to mix*

سرشتن

عیب رندان مکن ای زاهد پاکیزه سرشت

که گناه دگران بر تو نخواهند نوشت

Hāfēz

Sanskrit 📖 BQT:1134; IEC:1637

slisyāmī : *adhere*

črī : *bind, mix*

Klou-ni | Kork

Indo-European 📖 POK:607

Klou-ni : *buttock, rump*

Avestan

📖 POK:607

sraoni : *buttock*

Pahlavi

📖 HRN:162

sarūk : *buttock*

Persian

📖 BQT:1134

sorūn : *buttock*

سُرون^۲ (سَرین)
چونز دیک اسب اندر آمدز راه - سرونِی بزد بر سَرین سیاه
Ferdowsī

Old Persian

📖 POK:608

slaunis : *buttock*

Latin

📖 POK:607

clūnis : *buttock*

Kmtom

see root: Dekm

Ko 1

see root: Ak

Ko 2

see root: Ki 2

Koi

see root: Ak

Koi-to

see root: Kei 4

Koksâ

see root: Kenk 1

Kolemâ

see root: Kolemos

Indo-European 📖 POK:612

Kolemos, Kolemâ : *grass, reed, cane*

Greek

📖 POK:612

kalamos : *a reed (used as a pen)*

Arabic

📖 TAD:57

qalam : *pen*

Persian

📖 MON:2715

qalam : *pen, item*

قلم (اَقلام)
خود قلم اندر نوشتن میشتافت
چون به عشق آمد قلم بر خود شکافت
Molavī

Latin

📖 AHD:201

calamus : *reed, cane*

French

📖 AHD

caramel : *burnt cane sugar*

Persian

📖 MON:2796

kârâmel : *caramel*

کارامل

Sanskrit

📖 POK:612

kalama : *pen*

English

📖 AHD

caramel

Kongar

see root: Kar 1

Kork

see root: Kerk

Indo-European POK:615

Korkâ : gravel

Sanskrit POK:615

sarkarah : gravel, sugar

Pali

sakkara : sugar

Persian BQT:1279

šekar : sugar

شکر

Arabic PLA:163

sukkar

Middle Latin

AHD:1287

succarum

French

sucré

Persian MON:1802

sākâroz

ساکاروز

English KLN:1539

sugar, sucrose

Greek

KLN:1370

sakkaron

Latin

saccharon

English AHD:1140

saccharin, saccharose

French VOP:208

saccharine : sugar,
sweet bread

Persian VOP:208

sâxârîn : a type of (سوخاری)
sweet breadMON:1945 derives "soxâr" from
Russian "suxâr: sweet bread"

Greek KLN:324

kroke : pebbles
krokodilos : pebble worm

Latin

crocodillus

English

crocodile

Indo-European POK:615

Kormo : pain, suffering

Avestan

POK:615

fšarema : pain

Persian HRN:172; BQT:1264

šarm : shame

شرم

Háfēz فردا که پیشگاه حقیقت شود پدید - شرمنده رهروی که عمل بر مجاز کرد

Germanic AHD

harmaz : pain

English

harm

Koro | koroos

Indo-European  POK:615; IEC:536

Koro : war, army, a large crowd
Koros : fighting, bullying, arrogance

Old Persian  POK:615; KNT:175

kâr 2, kâra 2 : war, army, people
u-kâra : good army  Su 1

Persian  BQT:1575; HRN:237; MON:2957

kâr- : a prefix meaning war, army کار ۲ (کارزار)
kâr-dâr : operations chief  Dher 1 کاردار
kâr-vân : army, caravan کاروان
kor-nâ : army horn  Nedo کرنا
kâlenjâr : fight کالنجار (کلنجار)

French  KLN:238

caravane

English

caravan, van

Germanic  AHD

harjaz, hari : army
harjon : to raid
harja-waldaz : army commander
harja-bergaz : army hill  Bherg

English

Oliver, Herbert, Herman, Walter
Harry
Harold
harbor

Indo-European  IEC:538

koroos : bitter, harsh

Persian  IEC:538

karb : sorrow کرب
MON:2932 claims this is derived from Arabic

Germanic  IEC:538

hare, harwer, herwes : bitter

Italian  IEC:538

garbo : bitter

Kor-ôna

Koros

koroos

see root: Sker 1

see root: Koro

see root: Koro

Indo-European POK:616; AHD:1524

Kost: bone, rib, side of anything

AHD claims that this may be related to the root "Ost=bone".

Pahlavi

BQT:1643; AEF:261

kost: side

uparō-kušta-pāma:

protection for the sides

Upo & Pa

Persian

BQT:261, 1643, 1649

kostī: side, also a belt

košti: belt, wrestling (by grabbing the opponent's belt)

bargostovān: armor (worn to protect the sides)

در خرابات نبینی که ز مستی همه سال - راهب دیر ترا کشتی و زَنار دهد
 Sanāf

کستی

کشتی

برگستوان

Latin

AHD

costa: rib, side

French

AHD:327

cotelette: cutlet (originally from rib meat)

Persian

kotlet: cutlet

کُتلت

English

cutlet

English

coast

Kot

see root: Ket

Kou

see root: Keu 3

Sanskrit BQT:724; MON:1406; HRN:104

Kram, Krāmati: to walk, to step

Avestan / Old Persian FFD:50

xram: to step, walk

Pahlavi FFD:50

a-xrām: to walk flauntily

Persian MON:1406; FFD:50; BQT:724

xarāmīdan: to walk flauntily

خرامیدن (خرام، خرامان)

Sa'df چند خرامی و تکبر کنی - دولت پارینه تصوّر کنی

Krāmati

see root: Kram

Kred

see root: Kerd 1

Indo-European POK:618

Krei: shine, glow, beauty

Avestan POK:618; KLN:371

srī, srayan: beauty

srīra: beautiful

sra-yah: more beautiful, better Yah 5

sra-ēšta: most beautiful, best īštā

Krep

see root: Kwer

Krep-ed-tro

see root: Kwer

Indo-European POK:621; KLN:252

Kreu, Qreu, Qreus, Qruwes, Qrus : *to be icy,**also anything solid, coagulated blood, bloody*

Greek KLN:252

casos : *ice*
 kau-casos : *shining*
with ice ☞ Kü 1
(mountains)

Latin KLN:252

caucasus : *a very*
mountainous area
between Caspian
and Black seas.

Arabic

Persian MON:1474

qafqâz : *Caucasia*

قفقاز

English KLN:252

Caucasian

Greek KLN:252,380

cros : *frost*
 crystacus : *ice*

Latin

crystallum : *ice,*
gloss

French

crystal

Persian

krîstâl : *crystal*

کریستال

English KLN:380

crystal

English

cryogenic

Avestan POK:621; KLN:377

xrû, xrûm : *bloody flesh*
 xrûra : *bloody, cruel*
 xrûma, xrûta, xrus : *dreadful*
 xrûzdra : *heart*

Sogdian SOD:432

xrwm : *earth, soil*

Persian IEC:562; MON:3040

kolûx : *dried pieces of mud*

کلوخ

چو کردی با کلوخ انداز پیکار - سر خود را بنادانی شکستی
Sa'df

Greek AHD

kreas : *flesh*
 pan-kreas : *all flesh*

French

pancreas

Persian VOP:108

pânkrâs : *pancreas*

پانکراس

English

pancreas

Latin KLN:378

crusta : *hardened by freezing*
 crûdus : *bloody, raw*

English

crust
crude**Krk**

see root: Kerk

Arabic 📖 FVA:350

K.r.v : a ball, sphere

Arabic 📖 FVA:350

koreh : sphere,
planet, ball

Persian 📖 FVA:350

koreh : sphere, planet, ball

کُره (کرات)

Arabic 📖 FSD:1312; PLA:85; AFM:39

jarrah : a round glass or earthen vessel

Persian 📖 MON:1226

jarreh : jar

جَرَّة

French

📖 PHN:217; AHD:701

jarre : jar

English 📖 FSD:1312; TYL:568

jar : vessel

Sogdian 📖 SOD:186; SLW:99

K`s : pig

Persian 📖 BQT:1563; SLW:99

kâs 2 : pig

کاس ۲ (کاسموی)

Ezzeddin Tabasf

اندر کفش آن تیغ درخشنده شب داج - گفتی تو که پیشک از زفر کاس برآمد

Indo-European POK:626; KLN:272

Ksei 1, Qsëi : to be able to, to qualify, to rule

Avestan / Old Persian POK:626; KNT:181; SPG:215

xšây, xši 2 : to rule, to qualify

xšaça : king, ruler

xša-thra, xšathra : "having a king", kingdom

"-thra, -tra" are Avestan suffixes meaning "having, owner of".

Pahlavi

BQT:626; HRN:177; HUB:83

šâh : king

šēr : lion

šatr : kingdom, town

Persian POK:626; BQT:648; ZMA:25

šâh : king شاه

šîr 2 : lion شیر ۲

šahr : town city شهر

čak : a promissory note, check چک

ز هیتال تا پیش رود بزرگ - به بهرام بخشید و بنوشت چک
Ferdowsî

Arabic KLN:272

English KLN:272,946

French

check, chess,
checkmate M.v.t

Avestan HRN:100,177; KLN:1110,1386; BQT:1316

arta-xšatra : just king Ar

paiti-xšatra : protecting king Pa

xšathra-vairya : choice kingdom Wel 1

xšathra-dâra : holder of city, mayor Dher 1

xšatra-pavan : protector of kingdom Pa

Persian BQT; ETM:67

ardešîr : the just king اردشیر

pâdešâh : protecting king پادشاه

šahrîvar : desired kingdom شهریور

šahrdâr : mayor شهردار (شهريار)

Greek ETM:67

sâtrâpēs : governor

French ETM:67

satrape : governor

Persian ETM:67

sâtrâp : governor ساتراپ

Avestan AHD:1480

xšâya-aršân : king of men Eres 1

Persian BQT; ZFS:52

xašâyâr : "king of men" خاشایار

Greek AHD:1400

xerexes : a king of Persia who invaded Greece 480 BC

English AHD

Xerexes

Pahlavi HRN:171; FFD:62

šâyîtan : to be able to, deserve

Persian BQT:1237

šâyestan : to deserve, qualify شایستن

شایسته، شایان، شایگان، شاید

Sogdian SOD:26,28

xš'y : to rule

xšae-wan : title of some kings

Persian SOD:26,28

afšîn : title of some kings, a male name افشین

Indo-European WLD1:501; BRT:541

Ksei 2 : *bright*

Avestan WLD1:501; BQT:788,1320

xšae-ta, xšôithmi : *bright*hvare-xšâeta : *bright sun* Sâwelyima-xšâetem : *brilliant king* Yemraoç-xšaena, raoxšna : *bright light*

Leuk

drafša : *(bright) banner*

Persian BQT:756; MON:1425

šîd : *bright*

شید (شیده)

xoršîd : *brilliant sun*

خورشید (مهشید)

Jamšîd : *"brilliant king", a male name*

جمشید

draxšîdan : *to shine*

درخشیدن (رخشیدن، رخش)

rowšan : *bright*

روشن (روشنایی)

drafšîdan : *to shine*درفشیدن (درفش^۱)

جهان شد ز گرد سواران بنفش

درفشان^۱ و درفشان^۲

Ferdowsî

Avestan

WLD1:501; BQT:1320; SYN:1053

a-xšae-na : *not bright,**a dark color, green* Ne 1

Persian BQT:756; MON:1425; FRS:89

xašan : *dark blue*

خَشن (خشی، خشین، خشینه)

xašîsâr : *a blue bird with white head*

خَشیسار

خَشیسار، خشنسار

پیاده همی رفت جویان شکار - خشیسار دید اندر آن رودبار

Ferdowsî

Sogdian SOD:27

âxs`ynh : *green*

Indo-European POK:626

Ksei 3 : *to settle*

Avestan POK:626

šaēiti, shiti : *living place*šôithra : *land*

Greek POK:626; AHD:45

ktizein : *to found, establish*amphi-ktuoness : *established around each other* Ambhi

English KLN:65; AHD

amphictyony : *confederation of states in ancient Greece***Ksengio**

see root: Ghengh

Ksero | Kseud

Indo-European POK:625

Ksero : dry

Greek

POK:625; AHD:424

xēros : dry powder,
medicine

Arabic

AHD:424

al-iksir : *elixir* A13

Persian

MON:331

eksîr : *elixir*

اکسیر

جز قلب تیره هیچ نشد حاصل و هنوز

Hâfêz باطل در این خیال که اکسیر میکنند

French

DEV:108

English

KLN:509

elixir

English

KLN:1757

xer-, xero- : dry

xeroderma : roughness of the skin

Latin

KLN:1422

serenus : clear, calm sky

English

serene, serenity

French

serenade : music played at night

English

serenade

Indo-European POK:625

Kseubh : to shake, rock, disturb

Avestan

POK:625; FFD:26

xšaob, xšufsan : disturbance

xšaob : to shake

â-xšuf-ta : disturbed

â-xšaob-a : disturbance

Pahlavi

ISS:11

âšūp

âšūptak

Persian

POK:625; BQT:45; MON:2988; FFD:26

âšūb : disturbance

آشوب

âšoftan : to be disturbed

آشفتن (آشفته)

kašoftan, kašaftan : to disturb

کَشَفْتَن

کَشَفْتَنگی

یکی را خانه شادی کَشَفْتَن

Vis-o-Râmîn

یکی را باغ پیروزی شکفته

Indo-European POK:625; WLD1:502

Kseud, Qseud : water, to clean by stamping in water

Avestan

POK:625; WLD1:502

xšaod, xšaud : flow

xšudra : water, liquid, semen

xšâudra : male, husband

xšvîd : milk

svêstas : butter

Persian

HRN:172,177; BQT:1267,1312; FFD:63

šostan : to clean, wash

شستن

شوی^۱، رختشوی، شور^۲

šūy : husband

شوی^۲ (شوهر، شو، زناشوئی)

Indo-European IEC:573

Ksîp, Ksîph : strike, weapon, spike
Ksiptom, Ksiptis : stab, wound

Avestan / Old Persian HRN:178, FFD:65

xšîp, xšwaip, xšwaif : movement, strike
 xšvaepâ : back, behind, slope

Pahlavi

HRN:178

šîp : slope

Persian BQT:1318; MON:2101

šîb : slope

شیب ۱

Avestan BQT:2147; HRN:231

ni-xšvaepâ : down slope Nf 1

Persian BQT:2147

našîb : down slope, low land

نشیب

Pahlavi FFD:65

šîb : to be disturbed

šēb : whip

Persian FFD:65; MON:2101

šîftan : to be agitated

šîbîdan : to be disturbed

شیفتن (شیفته)
 شیبیدن (شیب ۲)
 شکیب آور از درد و بر من مشیب - که از مهر بسیار بهتر شکیب

Asadī

Persian MON:2101

šîb : whip

شیب ۳

Sogdian SOD:439

xwšyp : whip

Sanskrit IEC:573

ksiptam : wound

Greek IEC:573

ksiphos : thrusting sword

Latin IEC:573

sipillus : razor

Ksîph

see root: Ksîp

Ksiptis

see root: Ksîp

Ksiptom

see root: Ksîp

Ksîro | Ksudros

Indo-European WLD1:503

Ksîro : *milk*

Avestan

AHD:1175; HRN:178; SOD:29

xšîra, xšvipata : *milk*

apa-xšîra : *milk*

Persian SYN:385; BQT:1322; HRN:178; MON:2108,5187; ETM:69

šîr 1 : *milk*

شیر ۱ (شیرین ، شیرینی)

šîr-o-šekar : *milk and sugar, a kind of silk fabric*

شیر و شکر

ham-šîreh : *sister*

همشیره

تا تو تاریک و ملول و تیره ای - دان که با دیو لعین همشیره ای

Molavi

Hindustani

English AHD:1175; KLN:1411

seersucker : *a cotton fabric with a striped pattern*

Sogdian SOD:29,82

`xšy`bt : *milk*

Sanskrit WLD1:503; SYN:385

kšîra : *milk*

Indo-European IEC:576,1060

Ksudros, Qusudros : *coarse, granular, crushed in small pieces*

Avestan

BQT:729; IEC:576,1060

xšudram : *seed*

xvareta : *small*

Pahlavi BQT

kvart : *small*

Persian BQT:729; IEC:576,1060

xord : *small*

خُرد (خرده ، خردسال)

چند استخوان که هاون دوران روزگار

خُردش چنان بکوفت که خاکش غبار کرد

Sa'di

Sanskrit IEC:576

ksudrah : *small*

Armenian IEC:576

xord : *small*

Indo-European 📖 POK:595

Kũ 1, Kũ 5 : to burn

Greek 📖 POK:595; WLD1:376; KLN:223

Kalo : to burn, firewood

kalo-podein : wooden foot, mold 📖 Ped

Pahlavi 📖 BQT:1095

kal-pâd : fabrication mold, shape, body

IEC:1049,1051 derives this word from

Avestan "kehrp: flesh", from Indo-European root "Kwrp, Kwerp: shape, form body".

Persian 📖 MON:2858; IEC:1047

kâlâ : manufactured good, merchandise کالا

چو کالا بر فراز عرصه چیدی

عیان تا آخر بازی بدیدی

Assâr

References not clear on the exact path of derivation

Persian 📖 BQT:1075; MON:2859

kāleb : mold, body کالب

kâlbod : body کالبد

این من و این من که در این کالب است - هیچ مگو جنبش این قالب است Nezâmi

Arabic 📖 KLN:223; PLA:215

qâlib : mold

q.l.b : to make, turn around

Persian 📖 MON:2621; FVA:337

qâleb : mold قالب

قلب , انقلاب , منقلب

مقلوب , تقلب , قلاب

Italian 📖 KLN:223

calibro : mold, size

French

Persian 📖 MON:2621

کالبر

English

caliber

Greek 📖 KLN:252

kau : burning, shining

kau-casos :

(mountains) shining
with ice 📖 Kreu

Latin

caucasus : a very
mountainous area
between Caspian
and Black seas

Arabic

Persian 📖 MON5:1474

qafqâz : Caucasia قفقاز

English 📖 KLN:252

Caucasian

Greek 📖 KLN:253; POK:595

kauma : burning heat

holo-kaustos : burnt whole 📖 Sol

Latin 📖 AHD:191,629

cauma : heat of the day, resting period

holocaustum : burnt whole

English

calm

holocaust

Kū 2 | Kuei

Indo-European POK:626

Kū 2 : *spike*

Avestan POK:626

sū-ka : *needle*

Persian BQT:1187, HRN:167

sūzan : *needle*

sūk : *needle-like growth at the tip of wheat*

سوزن
سوک ۲، سوک ۲

Latin POK:626

cuneus : *wedge*

English

cuneiform, coin

Kū 3

see root: Skeu 2

Indo-European IEC:1021

Kuātos, Quātos, Quātis : *straw ?*

Sanskrit HRN:186

Kāča : *straw*

Pahlavi HRN:186

kah : *straw*

kah-rupāti : *amber* Leup

Persian BQT:1583; IEC:1021

kāh : *straw*

kāhrobā : *amber*

کاهربا (کهربا)
فراق یار که پیش تو برگ کاهی نیست
بیا و بر دل من بین که کوه الوندست

Sa'dī

Kub

see root: Gēu 1

Kue

see root: Kwe

Indo-European POK:629

Kuei, Kweit : *white, shining*

Sanskrit POK:629

čvitra : *white*

svēta : *white*

Old Persian BQT:1092

sipithra : *white, bright sky*

Pahlavi BQT:1092

spihr : *sky*

Persian BQT:1092

sepehr : *sky, fate*

سپهر (اسپهر)
سیر سپهر و دور قمر را چه اختیار
در گردشند بر حسب اختیار دوست

See "Spher" for another possible root

Avestan POK:629

spaēta : *white*

spiti-doithra : *bright*

Sogdian SOD:64

ʿspʿyt : *white*

Persian HRN:157

sepīd : *white*

سپید (سپیده، سفید)

Germanic AHD

hwītaz : *white*

hwaitjaz : *wheat*

English AHD

white, wheat

Sanskrit 𑀓 SIN:545

Kulanjā : a plant (*alpina galanga*)

Persian 𑀓 MON:1437, SIN:545

xalanj, xalang : *galingale*

خلنج , خلنگ

Arabic 𑀓 PLA:112

xalanj, xalanjan

Middle Latin

𑀓 KLN:635

galinga

English 𑀓 SIN:545, AHD:539, KLN:635

galingale

AHD:539 & KLN:635 derive it from Chinese
 "Ka0-Liang Čaing: ginger from Kao-Liang".
 SIN:545 calls this a translation error.

Kumb

see root: Gëu 1

Indo-European 𑀓 IEC:588,589

Kund, Kundos : blunt, stout, stocky, rough

Persian 𑀓 IEC:588

kond 1, blunt, dull, not sharp

kondī : dullness

Sa'dī نه شمشیر کُنداواران ۲ کُندا ۱ بود - که کین آوری زاختر تند بود

کُندا ۱

کُندی ۲

Sanskrit 𑀓 IEC:588,589

kunthah : blunt, strong,
 hero

Persian 𑀓 MON:3088

kond 2 : a strong fighter, hero

kondī 2 : courage

kondāvar : fighter

Ferdowsī نگه کن سواران و کُنداواران - چو بهرام و چون زنگه شاوران

کُندا ۲

کُندی ۲

کُنداوار ۲

Armenian 𑀓 IEC:588

kunt, kund : stocky

Kundos

see root: Kund

Indo-European 𑀓 IEC:588,1635

Kung, Kunki, Kungios : corner

Persian 𑀓 IEC:588,1635

konj : corner, hunchback

konj-kāv : "digging into corners", curious

Sanāī گر همچو روح راه نیابی بر آسمان - اصحاب کُف وار برو کُنج غار گیر

کُنج

کُنجکاو

Sanskrit 𑀓 IEC:1635

kunče : bend

Armenian 𑀓 IEC:1635

knčirn : knot, twist

Dutch 𑀓 IEC:1635

konk

English 𑀓 IEC:1635

hunch, hunch-back

KLN:750 claims it could be a deformation of "hump"

Kungios

see root: Kung

Kunki

see root: Kung

Kūnos

see root: Keu 2

Indo-European POK:627

Kup 1, Sup 2: shoulder

Avestan

POK:627

supti: shoulder

Persian SYN:236; POK:627; BQT:1143; HRN:163

soft: shoulder

Ferdowsī

سُفت
بر آن سُفت سپمینش مشکین کمند - سرش گشته چون حلقه پای بند

Indo-European POK:596

Kūp 2, Kwěp: to smoke, cook,
also move violently, be agitated

Sanskrit POK:596; SYN:188

kapi: incense, smoke (color)
kapila: brownish / reddish color
kapī: brownish animal, monkey
POK indicates that "kapi" is not verified.

Pahlavi

HRN:87; SIN:581

kapik: monkey

Persian

BQT:1593; FSF:268; HUB:87

kapī: monkey

کپی، کپی
بر هر دو بیشه یکی بُرز کوه
بر آن کوه کپی فراوان گروه

Ferdowsī

Old Persian POK:597

kupsins: mists

Latin POK:596; AHD:1524

vapor: steam

English AHD

vapor, evaporate

Latin AHD:1524

cupere: desire

English

Cupid

Akkadian AKD:60

Kupriti: sulfur

Aramaic AKD:60

gubritā, kubritā: sulfur

Arabic

AKD:60; BQT:1588

kibrit: sulfur, match

Persian BQT:1588; MON:2887

kebrīt: sulfur, match

کبریت

Indo-European 📖 POK:524; IEC:591,1046

Kūr, Quóros : *dark, blind*

Kâl : *prison*

Avestan 📖 IEC:1046

kaurvô : *black*

Pahlavi 📖 MON:3118

kôr : *blind*

Persian 📖 MON:3118; IEC:1046

kūr : *blind*

کور
شبهه که بی توام شب کور است در خیال
ور بی تو بامداد کنم روز محشر است
Sa'dī

Sanskrit 📖 POK:524; IEC:1046

kârâ : *prison*

Greek 📖 IEC:1046

pôros : *dark, blind*

Kur

see root: Ker 5

Kûrb

see root: Gûrb

Kurkana

see root: Kurkanû

Akkadian 📖 AKD:57

Kurkanû, Kurkana : *saffron*

Aramaic

📖 KLN:375; AKD:57

kûrkema

Arabic 📖 AKD:57

korkom

Persian 📖 BQT:1624

korkom : *Indian saffron*

کرکم

Late Latin 📖 KLN:385; PHN:133

curcum : *saffron*

English 📖 AHD:323

curcuma

Akkadian 📖 AKD:51

Kurkizannu : *rhinoceros*

Syriac

📖 AKD:51

karkedânâ

Arabic

📖 AKD:51

karkadan

Persian 📖 BQT:1622; FSF:270

karg, kargadan : *rhinoceros*

کرگ ، کرگدن
کمانهای چرخ و سپرهای کرگ - همه برجها پر ز خفتان و ترگ
Ferdowsī

Kūros

see root: Keu 2

Kur-wo

see root: Sker 1

Kut | Kwe

Indo-European IEC:594

Kut : *small, short*

Avestan HUB:89; HRN:194; IEC:594

ku, kva, kutaka : *small*
kvataka, kautaka : *child*

Persian BQT:1721; IEC:594

kūtâh : *short* کوتاه
kūdak : *child* کودک
kūčak : *small* کوچک

- Kut-no** see root: Skeu 2
- Kuur** see root: Keu 2
- Ku-z-dho** see root: Skeu 2
- Kwal** see root: Skwalo
- Kwalo** see root: Skwalo
- Kwalos** see root: Skwalo

Indo-European POK:635

Kwe, Qwe, Kue, Que, Kwi 2 : *and*

Avestan POK:635; KLN:1425

ca, ča : *and*
čiš-ca 1 : *any, whatever*
čit 1

Old Persian POK:635

câ, čâ : *and*
čiy 1

Latin POK:635

que : *and*
semi-sque : *one half more*

English KLN:1425

sesqui- : *half more*
sesqui centennial

Indo-European POK:637

Kwei 1, Qwei, Qwi : to pay back, revenge, punish

Avestan

POK:637; SYN:826,1447

kây 1 : be punished

kaēnâ : punishment

kātha : revenge

čitha : penalty

čisti : sorrow

Persian

POK:637; KLN:1759

kîn : hostility, revenge

کین (کینه)
گفتم زمن ای ماه چرا مهر بُریدی ؟ - گفتا که فلک بامن بد مهر به کین بود

Háfēz

Sogdian

SOD:203

kyn, kynh : vengeance, hatred

Greek

KLN:1447

poinē : penalty

English

AHD

punish, penalty, pain

Indo-European POK:637

Kwei 2, Kwoi : to pile up, build, make

Avestan

POK:637,638

kay 2, kaeš, čay, čî 1 : to select, prepare

čayeiti, činvaiti : selects, sorts

pairi-čayeti : set around Per 1

ham-či, ham-čay : to put together Sem 1

vi-čay, vi-kay : to choose apart, select Wi

Persian

POK:637; BQT:167,380,676; HRN:204; AEF:152,582

čīdan : to put in order, arrange, cut

parčīn : fence

anjīdan : to cut up in pieces, pierce

gozīdan : choose

Labīf

گزیدن (برگزیدن)

به خنجر همه تنش انجیده اند

بر آن خاک و خوش پشنجیده اند

HUB:18 does not agree that

"čīdan" and "anjīdan" are related.

Avestan

HRN:90; FFD:47

taug, taux : to pay

Pahlavi

HRN:90; FFD:47

tōxtan : to pay

Persian

HRN:90; FFD:47

tozīdan : to pay

توزیدن (توختن، توز، کینه توز)

چو وامش بتوزی درم صد هزار

بدنه تا بدارد زما یادگار

Ferdowsī

Old Persian

KNT:209

sâ 1 : to build, pile up

fra-sâ : build, erect

Avestan

KNT:209

spâ 2 : throw away

Pahlavi

KNT:209

pari-sp : wall (built around) Per 1

Avestan

POK:637

kaēš : make

fra-kaēš, vi-kaēš : to prepare, arrange

Greek

AHD

poiein : to create

English

poem, poet

Kweit

see root: Kuei

Indo-European POK:638

Kwek, Qwek: to appear, see, show

Avestan POK:638; KLN:42; SYN:1436

kas, čas, čas̥: to behold, see, taste

časman: eyes

â-kasat: he saw, is informed

ni-kasa: look^{Wi} N1vi-kâs, vi-kaya, vi-či: see apart, distinguish^{Wi}

Pahlavi ISS:98

časîšn: taste

časîtan: to taste

Persian BQT:52,638,1849,2163; HRN:210

čas̥m: eye چشم

âgâh: aware آگاه

negâh: look نگاه

govâh: witness گواه

Persian ISS:98

časîdan: to taste (چاشیدن) (چشایی، چاشنی)

čâst: morning meal چاشت

Indo-European POK:640

Kwel, Qwel: to move around, dwell**PART 1**

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Avestan / Old Persian POK:640; BQT:629; SYN:725,905

čaxra, čakra, caxra: wheel

Persian

čarx: wheel چرخ

Avestan BQT:635; DRM; FFD:73

car, čâr: to move around, graze

wi-čâr: to do^{Wi}

Pahlavi

čâr: to graze

vâ-čâr: place to get together,
bazaar^{Abâ}

wîzârdan: to do, translate

Persian MON:1268; BQT:614; FFD:73

čarîdan: to graze چریدن

zâr 2: place of, home of - زار ۳

bâzâr: "place of assembly", bazaar بازار (بازرگان)

gozârdan: to do, translate گلزار، کارزار، مرغزار، چمنزار، علفزار

gozârdan: to do, translate گزاردن

gozârdan: to do, translate گزارش، گزاره، گزیر، ناگزیر

Hâfêz اگر گفتم دعای می فروشان - چه باشد حق نعمت میگزارم

Hâfêz

Turkish AHD

Italian

English AHD

bazaar

Sanskrit POK:639

cal: to move

Persian BQT:639

čalîdan: to walk proudly چلیدن (چالیدن)

čâlâk: quick, fast چالاک

čâleš: struggle, quarrel چالش

Nezâmî زگزر گران سنگ چالشگران - شده ماهی و گاو را سر گران

Sogdian SOD:131

cxr: wheel

Avestan POK:639; SOD:203

kar 2, karša: to plow

karaya: to sow

Pahlavi SNS:220

kištan: to plow,
sow, plant

Persian BQT:1567; HRN:185

kāštan: to plant کاشتن (کشتن، کشت، کشاورز)

kârîdan 1: to plant کاریدن ۱ (کار ۳)

PART 2

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Indo-European POK:640

Kwel, Qwel : to, move around, dwell

Greek AHD

ku-klos : wheel
telos : end of a cycle, far away
telesma : mystery

Arabic

Persian MON:2232

telesm : mystery, spell

طلمس

French

Persian MON

سیکل ، سیلندر
تلسکوپ ، تلوزیون ، تلگراف

English

cycle, cylinder, encyclopedia
tele-, teletype, telescope, television, telegraph

Russian SYN:724; AHD

koleso : wheel
kaljaska : carriage

Persian MON:2861

kāleskeh : carriage

کالسکه

German AHD

hwe-hula : wheel

English

wheel

Latin AHD

col-ere : to inhabit
col-lum : neck

English

colony, culture, clown
collar

Indo-European POK:630

Kwen 1 : holy

Avestan

KLN:746; SYN:1476; HRN:210; BQT:121,210

spenta : holy, also an herb
spento-dāto : holy creation D6 2
gao-spenta : holy domestic animal, sheep
Gwou

Persian

esfand : an aromatic plant

اسفند

Esfandiyār : "holy creation", a name

اسفندیار

gūsfand : sheep

گوسفند

Greek KLN:7

apsinthion : an herb

Arabic TAD:4

afsantīn

Persian MON:316

afsantīn : an herb

افستین

Germanic AHD; KLN:746

hun-slam : holy

English

housel : communion

Kwen 2 | Kwer

Indo-European POK:640

Kwen 2: sip, swallow

Old Iranian AHM:184

čam: to sip, drink

Persian POK:640; AHM:184

čamīdan 2: to sip, drink (obsolete)

چَمیدن ۲ (چَم)

Sanskrit POK:640

čamati, camati: to sip

Persian POK:640

kām 2: palate

کام ۲

Kwëp

see root: Kūp 2

Indo-European POK:641

Kwer, Qwer: to make, form

PART 1

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Avestan / Old Persian

NYB:157; HRN:80; ZAW:38; SYN:628

kar 1, kara 1: to work

kara-manah: wise at work, manager Men 1

paiti-kāra: work against, fight Per 3

paiti-kara: form against (like) something Per 3

aiwiš-kar: chase (animals) away, hunt Ambhi

wi-kār: to digest Wi

Persian BQT:1549,1617,1779

kārīdan 2: to do

کاریدن ۲ (کارن، کار)

gar 2: a suffix meaning worker

گر ۲

آهنگر، کوزه گر، زرگر

kahr-mān: wise at work, hero

کهرمان، قهرمان

Persian DMO:115; MON:2057,3426; FFD:68,75

paykār: fight

پیکار

paykar: body, statue

پیکر

šekār: hunt

شکار (شکاریدن، شکر ۲)

govārdan: digest

گواردن (گوارا، گوارش)

Avestan / Old Persian

HRN:201; ZAW:38

krta: creation, city

yazato-karteta: God's

creation Yag

Persian BQT:1787,2432; DMO:115

-vard, -gard, -jerd: town, installations

-ورد، -گرد، -جرد

ابیورد، بروگرد، سوسنگرد، دستگرد

Yazdgerd: "God's creation", a male name Yag

یزدگرد

Lājvard: "home of Turkish Lāj(in) tribe" Lājīn

لاجورد

Avestan

BQT:173; ZAW:38,242; HRN:28,232; HUB:39

han-kar: to do (consider) all, imagine Sem 1

han-kareyemi, han-keretha: consider

haša-kerta: one who pays attention

and follows, a student Sekw

pai-ri-kara: go (draw) around,

a compass Per 1

Persian BQT:173,2157,2164; ZAW:38,242

engārdan: imagine

انگاردن (انگاشتن، انگار)

نگاردیدن، نگاشتن، نگار، نگرستن

نگاردن، نگارش، نگریدن، نگرستن

šāgerd: student, follower

شاگرد

pargār: compass, necklace, fortune

پرگار

همانا که برگشت پرگار ما

Ferdowsī

غنوده شد آن بخت بیدار ما

HUB:39 is not sure about the derivation of "pargār"

PART 2

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Indo-European POK:641

Kwer, Qwer : to make, form

Avestan POK:641

čâra : to mediate

vi-čir : to judge, judgment Wi

Arabic

Sanskrit AHD

sams-kṛta : worked before, prepared

Sogdian SOD:32

kṛty' : work, manner

n'-kṛtk : not done, uncoined

silver Ne 1

Indo-European POK:620; KLN:355

Krep : body**Krep-ed-tro** : body eaters, carnivorous creatures Ed

Avestan POK:620

kerefs : body

xrafstra : carnivorous
creatures

Latin AHD

corpus : form, body

Pahlavi SNS:40

xrafstar : pests,
troublesome creatures

French AHD:300; KLN:355

cors : body

corset : little body, bra

Persian BQT:1778,1809,1814,2258; HRN:205,242

čâreh : relief, solution

vačar : judgment

gozîr : relief, remedy

چاره

وچر

گزیر (ناگزیر)

Persian BQT:2279

vazîr : judge, minister

وزیر

Persian MON:5:809

sanskṛit : Sanskrit

سنسکريت (سانسکريت)

English

Sanskrit

Persian BQT:2157

noqreh : silver

نقره

Compare with the etymology of Persian word "sîm: silver"

Persian SNS:40; MON:1411,1419

xerafstar : pest

خرفستر (خستر)

Persian MON

korset : bra

کرست

English AHD:298

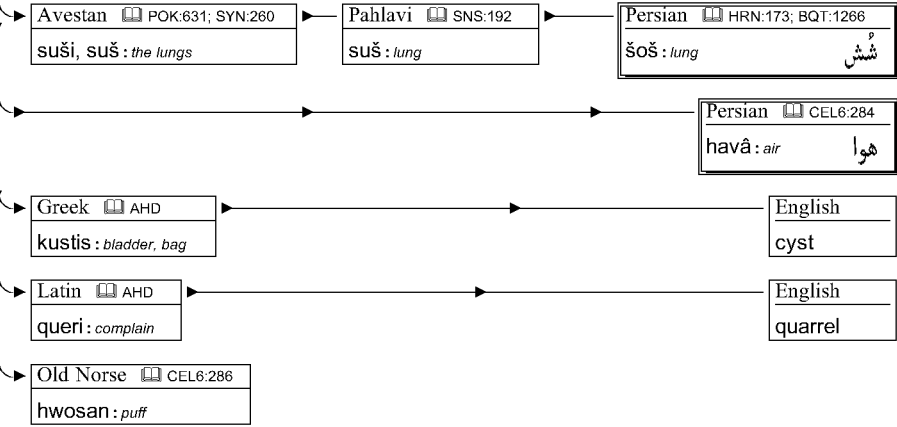
corpse, corporation, corset

Kwermi

see root: Wer 2

Indo-European POK:631; CEL6:284

Kwes : *to pant, to breathe fast*



Indo-European 📖 POK:642

Kwetwer, Qwetwor : four

Avestan 📖 POK:642

čatwārao : four

Persian 📖 POK:642

چهار ، چهارک ، چهارده ، چهل

Armenian 📖 SNS:148

čatvar : one fourth

Persian 📖 SNS:148

katvar : one quarter of a kilogram (250 grams)

چَتَوَر

MON:1273 claims this word has entered Persian through Russian.

Sanskrit 📖 BQT:1254

catr-anga : four members,
referring to the chess game 🎮 Ang

Persian

katrang : chess

کَتَرَنگ (شترنگ ، شطرنج)
تا جز از بیست و چهارش نبود خانه نرد
همچو دو سی و دو خانست نهادش شترنگ
Najjār

Pahlavi

catrang : chess

Latin 📖 AHD:1068

quadrus : four
quadrāgintā : forty

French

Persian 📖 MON

kādr : frame, framework

کادر

English 📖 AHD

cadre, squad, square, quart, quarter

Italian 📖 AHD:1068

quadratīna : forty, forty days of isolation
at the entry ports of a country enforced
upon people or products suspected of
carrying contagious diseases

Arabic 📖 TAD:62

karantīnā, qarantīna : quarantine

Persian 📖 MON:2666

qarantīn : quarantine (قرنطینه)

English 📖 AHD:1068

quarantine

Germanic 📖 AHD

petwor : four

English

four, fourteen, forty

Greek 📖 AHD:1365

tra-peza : "four-legged"
table, trapezoid 🎮 Ped

Arabic 📖 MON:1481

dar-bezin : a seating area
between two doors of a room

Persian 📖 MON:1481

dārābzīn : a seating area

دارابزین
دارافزین ، داروزین

Latin 📖 AHD

English 📖 AHD

trapezoid, trapeze

Kweye | K.w.n

Indo-European 📖 KLN:1740; POK:638

Kweye, Qweye : *quiet, comfortable*

Avestan / Old Persian

📖 POK:638; KLN:1740; KNT:210; ZFS:51

šâ 3, šyâ 2 : *to rest*

â-šyâ : *resting place, nest*

šâiti 2, šyâti : *happiness, peace*

Persian 📖

HRN:6,169; BQT:46,1222

ašîyâneh : *nest*

šâd : *happy*

See "Gwhen 1" for another possible root of "âšîyân(eh)"

آشپانه (آشیان)

شاد (شادی، شادمان)

Latin 📖

AHD

quiēs : *quiet*

trans-quillus : *calm*

English

quiet, tranquil

Germanic 📖 AHD; KLN:1740

hwîlō : *resting period, a length of time*

English

while

Kwi 1

see root: Kwo

Kwi 2

see root: Kwe

Semitic 📖 KLN:1433; SAP:716

K.w.n : *to be, to stand firm*

Arabic 📖 SAP:1454

k.w.n : *to become,
to be, to exist*

Persian 📖 MON; FVA:359; FSF:265

makân : *place*

kâenât : *beings, world*

takvîn : *creation*

kon : *short for Arabic phrase "kon fayakun"*

Ferdowsî

مکان

کائنات، کاینات

تکوین

کن (کاف و نون)

دو گیتی پدید آمد از کاف و نون

چرا نی بفرمان او در نه چون

Semitic 📖 KLN:1433; AKD:30

s.k.n : *to lay, set, deposit*

Arabic 📖 SAP:716

Persian 📖 MON

سکون، ساکن، مسکن

مُسکن، تسکین، همسکین

Hebrew 📖 KLN:1433

šekinah : *standing calm,
dwelling place (of God)*

Arabic 📖 MON:1902

Persian 📖 MON:1902

Sakîneh : *"calm, peaceful"
a female name*

سَکینه

Indo-European  POK:644,646; AHD**Kwo, Kwi 1** : stem of interrogative and relative pronounsAvestan  POK:644,648; BQT:1748; HRN:196

kô, ka 1, kû 1, kû-thra, ka-hya : *who, which, where?*
 kâ 3 : *how?*
 kam 1, kam-čit, katama : *which?*
 kat : *whether*
 ka-da, ka-tha : *when?*  De 2
 katâra : *which of the two? either*

Persian  BQT:672

kû : *where?* کو
 kojâ : *where?* کجا
 kodâm : *which?* کدام
 kay 1 : *when?* کی ۱
 kî : *who?* کی ۲

Avestan  POK:644,648; BQT:1748; HRN:196

č-, čũ, čî 2 : *how?*
 čiš 2, čiš-ca 2 : *who?*
 čēc : *whether*
 cit : *even, in any case*
 čaiti, chvant : *how many?*
 ča-hyâ : *who, which?*

Persian  BQT:672

čeh : *what?* چه (چی)
 čün : *how?* چون
 čîz : *thing* چیز
 čand : *how many?* چند

Old Persian  POK:644; SNS:86

ka 1, kam 1 : *if*
 kâi-gi : *what, how?*
 čiy 2 : *even, in any case*
 čiš-čiy, kaš-čiy : *who?*
 aiva-čiy : *nothing, none*  1 2

Persian  BQT:1641; SNS:86

kas : *person* کس ۱
 hîč : *nothing, none* هیچ

Germanic  POK:464; AHD

hwa, hwi : ?
 hwatharaz

English

who, what, why, which, how, where, when
 either, neither

Latin  AHD

qu-, quantis, qualis

English

quantity, quality

Kwoi

see root: Kwei 2

Kwon | Kwon

Indo-European POK:632; KLN:746; BQT:1155

Kwon, Ka 2, Sua : dog

Avestan / Old Persian POK:632; KLN:746

spâ 1, sũnô : dog
spakâ : dog

Pahlavi HRN:164

sak : dog

Persian BQT:1155

sag : dog

سگ

Avestan POK:632; FIB:207

spâda, spâtha : army
spatha-paiti : army protector (leader)
Per 3
Aspadâna : city of the army (Isfahan)

Persian BQT:118,1087; HRN:155; POK:632

sepâh : army
sepahbod : Lieutenant-general
Esfahân : Name of a city in central Iran

سپاه (سپه)

سپهبد (سپهسالار)

اصفهان

Sogdian SOD:94

sp'd, 'spd : army

Old Persian KNT:210

spâda : army

Old Persian KNT:209

sakâ 2 : dog

Germanic AHD

hundaz : dog

English

hound

Latin KLN:746

canis : dog
insula canaria : dog island, named after its large dogs

English

kennel

Canary Islands

Spanish KLN:230

canario : from Canary Islands < a bird >

French

canari : canary bird

Persian MON:2730

qanârî : canary

قناری

English AHD

canary

Indo-European POK:648

Kwri, Qwri : *to buy*

Avestan / Old Persian FFD:50

xřī : *to buy*

Sanskrit POK:648; BQT:743

krī : *to buy*

Sogdian SOD:167

xr' yn : *to buy*

Greek KLN:1241

priamus : *redeemed*

Persian POK:648; KLN:1241; SYN:817; BQT:743

xarīdan : *to buy, accept*

خریدن (خرید ، خریدار)

او علم نمی شنید ، لب بر بستم

Abū-Sa'īd Abol-Khayr

او عقل نمی خرید ، دیوانه شدم

English

Priam : *king of Troy in Greek mythology*

Indo-European POK:649

Kwsep : *darkness*

Avestan

POK:649; DRM2:161

xšap : *night*xšāfniya : *night meal*xšapan : *nightly*

Sogdian SOD:29,432

xšp : *night*xš`m : *evening*

Persian MON; BQT:1229,1239; HRN:169; SYN:992

šab : *night*

شب

šabdīz : a "dark colored" horse Deik

شب‌دیز

šabestan : "place for holding the night", bed Sta

شبستان

شبگیر ، شبگرد ، شب‌رنگ ، شب‌هانگ

šām : *dinner, night*

شام (شامگاه)

Nezāmī نه شیرین تر ز شیرین خلق دیدم - نه چون شب‌دیز شیرنگی شنیدم

Kyô

see root: Ki2

L

Indo-European IEC:659; POK:651

Lâ, Lâiô : roar, bark, bellow

Persian IEC:659; MON:3549

lâyîdan : to express sorrow

لاییدن

Molavî ملامتم مکنید ار دراز میلایم - بود که کشف شود حال بنده پیش شما

Germanic AHD:1525

lollen : to lull

English AHD

lull

Latin AHD

lâmentum : expression of sorrow

English AHD

lament

Greek AHD

lalein : to talk

lalos : talkative

English AHD

glossolalia, echolalia

Akkadian AHD:730

Ladunu : resin of a certain tree

Arabic

Persian KLN:855; MON:3523

lâdan : lotus, its good smell

لادن

Manûchehrî نریزد از درخت ارس کافور - نخیزد از میان لاد لادن

Greek

BQT:1876; SKT:1286

lâdon, lôtos

Latin

AHD:771

lôtus

English

lotus

Lâiô

see root: Lâ

Turkish MON6:1773

Lājīn : *name of a Turkish tribe*

Persian MON6:1773; KLN:137

Lājīn : *name of a Turkish tribe*

Lāj-vard : *a city in Turkestan recorded by Marco Polo* ^{Kwer}

lājvard : *lapis lazuli from city of Lājvard, its blue color*

Khāqānī قدش مروتی است بر این سقف لاجورد - فرش رفوگریست بر این فرش باستان

لاجین
لاجورد ۱
لاجورد ۲
لاژورد، لاجوردین

Arabic PLA:240; AFM:141; AHD:737

al-lāzaward : *lapis lazuli*

Latin KLN; AHD; KGW:108

lazulum : *(stone of) lazuli*

azzurum : *the blue color of lapis lazuli*

The initial "L" was mistaken for the definite article and consequently dropped in some words

English

AHD; KLN; WEB

lapis lazuli

azure

azulene

Lak

see root: Lēk

Lakat

see root: Lēk

Lakt

see root: Lēk

Indo-European WLD2:443

Lakti, Ljakti : *stick, club*

Avestan WLD2:443; SYN:525; BRT:1236

yaxšti, yaxštay : *branch, twig*

thri-yaxštay : *with three branches*

Sanskrit WLD2:443

yaśtiḥ : *branch, stick*

Hindustani HJB:510

lathi : *stick, club*

English KLN:868

lathi : *stick, club*

Lâl | Laqalaqa

Persian BQT:1879; KLN:904

Lâl : *red color*

لال

Persian BQT:1879; MON:3536

lâleh : *a red flower (tulip)*

لاله

âlâleh : *a red flower*

آلاله

دو لب چو نار کفیده، دو رخ چو سوسن سرخ - دو رخ چو نار شکفته، دو لب چو لاله لال

Persian BQT:1880; MON:3536

lâlak : *red leather and shoes made from it*

لالک (لالکا)

دریغ از آن شرف و خوبی و فضایل او - که عاشق است بر آن لاله روی لالک دوز

Persian BQT:1880

lâleh-sâr : *a red-headed bird* ^ش Ker 1

لاله سار

lâlas : *a red silk fabric*

لالس

گه در قدم باغ کشد فضل تو دیبا - گه بر سر کهسار نهد حکم تو لالس

Badr Jâjemî

Arabic

AFM:142; PLA:241; TAD:66

la'l : *red, a red stone, red ruby*

Persian BQT:1879

la'l : *red ruby, also used to describe lips*

لعل

لعل تو که هست جان حافظ - دور از لب مردمان دون باد

Hâfez

Hindustani KLN:904

lâl : *red*

lâl-šarâb : *red wine* ^ش Š.r.b

English KLN:904

loll sharob : *red wine*

Indo-European IEC:663

Lang̊ : *to droop, be sad, sorrow*

Sanskrit BQT:963

rdiyate : *to be in pain, disturbed*

Pahlavi

BQT:963

ranz, ranj : *pain, suffering*

Persian MON:1676; IEC:663

ranj : *pain, suffering* (رنج، رنجور، رنجبر، رنجش)

ranjândan : *to hurt* (رنجاندن، رنجانیدن، رنجیدن)

درخت دوستی بنشان که کام دل ببار آرد

نهال دشمنی برکن که رنج بشمار آرد

Hâfez

Greek IEC:663

laggazô, laggeô : *to droop*

Lap-aro

see root: Lep

Akkadian AKD:52

Laqalaqa : *flamingo, stork*

Arabic MON:3616; AKD:52

laqlaq : *stork*

laqlaqeh : *stork's cry*

Persian BQT:1902

laklak, laqlaq : *stork*

لکک (لقلق، لغلق)

laqlaqeh : *slang speech*

لقلقه (لقلغه)

هست دربند لقلقه مانده - از در معنی و خبر رانده

Sanâf

PART 1

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Semitic / Syriac KLN:505; FVQ:66; VDQ:125

Layh : to be high**A.l.h** : to worship

Hebrew KLN:505,510

Eloh, Elohim, Ēl : God

English KLN:505,510

Elohim, El : God

Hebrew KLN:138,505; AHD:94

Bābh-ēl : "gate to God", Babel, Babylonia N.b.b

Gebher-ēl : "man of God", Gabriel J.b.r

Yīshmā-ēl : "God hears", Ishmael S.m.'a

Mīxā-ēl : "who is like God ?", Michael

Yisrā-ēl : "soldier of God", Israel

Azra-ēl : "God has helped", Azrael

Arabic FVQ

- el, ēl : a suffix meaning
"pertaining to God"

Persian FVQ; MON

بابل ، جبرئیل
اسماعیل ، میکائیل
اسرائیل ، عزرائیل

Latin

French

Persian MON

Gābrīel گابریل

English KLN; AHD

Babel, Babylonia, Gabriel, Ishmael, Michael, Israel, Azrael

Hebrew KLN:1682

Urī-ēl : "flame of God" or "my light is God"

Persian AKM:64

Ureil : name of an angel

اوریل

English KLN:1682

Uriel

Hebrew KLN

Dānī-ēl : "God is my judge", Daniel Dīnu

Ēl-īyyāh : "Lord is God", Elijah

Immānū-ēl : "God is with us", Immanuel

Rephā-ēl : "God has healed", Raphael R.f.a'

Ēli-šebha : "God is an oath", Elizabeth

Šēmu-ēl : "name of God", Samuel

Arabic FVQ

Persian FVA; MON

Dānyāl : a prophet

دانیال

Elyās : a prophet

إلياس

سکندر جست لیکن یافت بهره
ز آب زندگانی خضر و الیاس
Sanâf

Latin

French

Persian MON

الیزه ، شانزه لیزه ، آمانوئل
دانیل ، رافائل ، الیزابت ، ساموئل

English KLN; AHD

Elijah, Immanuel, Daniel, Raphael, Elizabeth, Samuel

Hebrew KLN; AHD

Beth-ēl : 'house of God', Bethel B.y.t

Yô-ēl : 'Lord is God', Joel

Ēl-īša : God is salvation

Nethan-ēl : God has given, God given

Latin

English KLN; AHD

Bethel
Joel
Elisha
Nathaniel

Semitic / Syriac 📖 KLN:505; FVQ:66; VDQ:125

Layh : *to be high***A.l.h** : *to worship*

PART 2

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Arabic

📖 KLN:505; FVQ:33

Al-lah, Allah : *the God*

👉 Al 3

A.l.h : *God*

Persian 📖 FVA:33

Allâh : *God*

Bâbâ Tâher

الله (اله، الهى، الهيات)
خوشا آنان که الله یارشان بى - بحمد و قل هو الله کارشان بى

English 📖 KLN:51; AHD

Allah

Semitic 📖 BQT:1886; KFL:430

L.b.n : *to be white*

Arabic 📖 BQT:308; KLN:164,875

laban, l.b.n : *milk*luban : *the white resin of sandalwood*luban jâwî : *the resin of Java (Sumatra)*

Persian 📖 FVA:363

labanîyyât : *dairy products*

لبنیات

Spanish

loben jui, benjui : *balsamic resin*

French 📖 AHD:124

benjoin

Persian 📖 BQT:308

benzîn : *gasoline*

بنزین

English 📖 AHD:124; OEW:61

benzoin, benzene

Indo-European 📖 POK:655

Lëb : *lip*

Iranian

📖 BQT:1885

lap : *lip*

Pahlavi

📖 MON:3551

lab : *lip*

Persian 📖 HRN:212; MON:3551

lab : *lip, also side or edge of anything*لب
لبالب، لبریز، لبیدیس، لبخند، لبچین
بگیرم ادب را ببندم دو لب را - که تا راز گوید لب دُر فشانش
Molavi

Germanic 📖 AHD

lep : *lip*

English

lip

Indo-European POK:660

Legwh : *light in weight, quick in movement*

Persian IEC:700, MON:3530

lâğar : *lean*

Ferdowsī

لاغر
بود کو بجای تو کمتر بود - هم از رشک مهر تو لاغر شود

Avestan POK:660

ragu, ravi : *quick*

Germanic AHD:1525

lihtjaz : *light in weight*

English AHD

light 2

Latin AHD:1525

levis : *of low weight*levâr : *lift*carni-levâre : *reduce weight, a feast before fasting* Sek

English AHD

leaven, lever, alleviate, carnival, elevate, relieve

French

carnaval

Persian VOP:269

kârnâval : *carnival*

کارناوال

Indo-European POK:662; IEC:706

Lěi, Lôi : *slime, sticky*

Sanskrit IEC:706

layah : *adherence*

Persian IEC:706

lây : *mud, sediment*

لای (گل و لای ، لایروبی)

Old English AHD:1216

slim : *mud*

English AHD

slime

Latin POK:662

limere : *to smear*lîmus : *slime***Lei**

see root: El3

Leig | Leigh 1

Indo-European 📖 POK:667

Leig : *to leap, jump*

Persian 📖 POK:667; MON:86; BQT:59

ālīzīdan : *to jump around*

آلیزیدن (آلیختن)

آلیزدن ، آلیزش

ālīz : *a "jumping" horse*

آلیز

Sarāḡ-ed-Dīn نفیس چون سیر گشت بستیزد - توسن آسا بهر سو آلیزد

Germanic 📖 POK:667

laik : *to jump*

English

lark : *a carefree adventure*

Indo-European 📖 POK:668

Leigh 1 : *to lick*

Avestan

📖 POK:668; KLN:886; SYN:267

leiš, raēz, rēh : *to lick*

Sogdian 📖 SOD:348

rys : *to lick*

Persian 📖 BQT:1895; HRN:212; FFD:76

līśīdan : *to lick*

لیسیدن

līštan : *to lick*

لیشتن (لیشتن)

لشتند آستانت بزرگان و مهتران - چون یوز پیر لشته بلب کاسه پنیر
Sūzanī

Germanic 📖 AHD

likkon : *to lick*

English

lick

Indo-European POK:669

Leigh 2, Leikw : *to leave*

Avestan POK:669; FFD:72; SOD:11

raexnah, raix, raik, raic̥, raeč 2 : *to leave*
 réxt, rēz, hæek 1 : *to pour*
 paiti-raeč : *avoid, leave* ^{Per 3}
 vi-raeč : *leave away, run away* ^{Wi}

Pahlavi

BQT; HRN:141,203; FVQ:46; SNS:115

rextan : *to pour*
 âp-rex : *water pot, kettle* ^{Ab 1}
 v-rextan : *run away*
 par-hēxtan, pahrežišn : *to avoid*

Persian POK:669; BQT; AEF:373

rīxtan : *to pour* (ریختن, ریزش, آبریز)
 gorīxtan : *to flee* (گریختن, گریز)
 parhīxtan : *to avoid* (پرهیختن, پرهیز)

Arabic FVQ:46

Persian MON:125

ebriq : *a water or wine container* (ایریق)
 Molavi گریبافزاید می توفیق را - قوت می بشکند ایریق را

Latin AHD

liquēre : *to be liquid*

English

liquid, liquor

Germanic AHD

English

lend, loan

Germanic AHD

-lif : *left over*

English

eleven, twelve

Greek AHD:413

ek-leipein : *to leave out*
 ek-leipsis : *cessation (of light)*

Arabic TAD:63

kosūf, xosūf :
eclipse

Persian MON:2975

kosūf : *eclipse* (کسوف, خسوف)

Latin AHD:413

eclīpsis

English AHD:413

eclipse

Leikw

see root: Leigh 2

Leip | Lek

Indo-European POK:670

Leip : to smear with oil,
cover, preserve

Sanskrit BQT:991

rēp : to deceive
pra-rēp : cover, deceive

Persian HRN:142,184; MON:1707

farīb : deceit, trick (فریب (فریبا، فریبنده)
farīftan : to deceive (فریفتن (فریبیدن، فریبش
rīv : deceit (ریو (ریوه)
Sa'dī که زنهار از این مکر و دستان و ریو - بجای سلیمان نشستن چو دیو

Germanic AHD; KLN:874,887,899

English
life, live, liver

Indo-European POK:672

Leith : to go forth, die

Avestan POK:672; WLD:401; ETM:66

raēth, ris 1, rith : to die
iris-ta, ris-ta : dead

Pahlavi NYB:170; HRN:103

rist : dead
rist-axež : rising dead ^{Swiğ}

Persian BQT:948; HRN:136; NYB:170

rastāxīz : rising of the dead (رستاخیز (رستخیز)
به کین من امروز تا رستخیز - نیینی جز از گرز و شمشر تیز
Ferdowsī

Germanic AHD

laipjan : to lead
laidô : way

English
lead, load

Indo-European POK:673; OEW:217

Lek : to leap, fly, kick

Old Iranian AHM:182

lakata, rakata : kick

Persian AHM:182; MON:3620

lagad : kick (لگد (لغد)

Greek OEW:217; POK:673

lagadon : a leap, kick

English OEW:217
leg

Latin OEW:217

locusta, lacertilia : leaping animals

English AHD; KLN

locust, lobster, lizard, alligator

Indo-European 📖 POK:674; IEC:660,661

Lĕk, Lak : *to tear*

Lakt, Lakat : *rag, scrap*

Armenian 📖 IEC:661

lat : *cloth, rag*

Latin 📖 AHD:1526

lacer : *torn*

Greek 📖 IEC:660

lakis : *rag*

Persian 📖 IEC:661; MON:3563,3573

laxt : *scrap, piece, rag*

همان تخت پیروزه ده لخت بود - جهان روشن از قر آن تخت بود
Ferdowsī

See "Letro" for another possible root.

لخت (لَت)

English 📖 AHD

lacerate

Sanskrit 📖 IEC:661

laktakah : *rag*

Leng

see root: Longos

Lenghō

see root: Longos

Indo-European 📖 IEC:680; POK:678; AHD:1526

Lep : *to peel*

Lepos : *flap, skin*

Lap-aro : *soft, friendly*

Latin 📖 IEC:680

lepos : *wit*

Greek 📖 AHD:1526

laparos : *soft*

Persian 📖 IEC:680; MON:3518,3530

lāf : *using soft and friendly words, bragging*

lābeh : *flattery*

در آن نامه سوگند های گران - فریبنده چون لابه مادران
Nezāmī

لاف

لابه

English 📖 AHD

laparotomy : *surgical incision into abdominal wall*

Lepos

see root: Lep

Indo-European 📖 IEC:680

Lĕs, Lĕsâ, Lĕsos, Lesiom : *place, space, area*

Old High German 📖 IEC:680

gi-lâri : *room, dwelling*

Persian 📖 IEC:680; MON:3522

lâx : *a suffix meaning place of*

- لاخت
سنگلاخ، هندولاخ

Lĕsâ

see root: Lĕs

Lesiom

see root: Lĕs

Lěsos

see root: Lěs

Letrâ

see root: Letro

Indo-European 📖 POK:681; IEC:681

Letro, Letros, Letrâ : *skim, strip, piece*

Persian 📖 IEC:681; MON:3563

latreh : *fragment, piece (of cloth)*

Nezâm Qârf لَترِه (لَت ، لَت و پار) مرا اگر چه به بستر لَت کتان انداخت - زروی صوف نظر بر نمیتوان انداخت

See "Lěk" for another possible root.

Germanic 📖 AHD:1526

lethram : *leather*

English 📖 AHD

leather

Letros

see root: Letro

Indo-European 📖 POK:681

Leu, Lu : *to smear, make dirty*

Avestan / Old Persian 📖 FFD:26

rũ, râu : *to be dirty*

â-rũ-ta, â-râw, aya : *dirty*

Pahlavi

📖 BQT:58,358; HRN:10,62; HUB:8,36

â-lutan : *to make dirty* ^{⚠️} Apo

pâlutan (pat-lutan) : *to filter, protect against dirt* ^{⚠️} Pa

HUB:36 does not agree with the link between "âlûdan" and "pâlûdan".

Persian 📖 AEF:340; FFD:26

âludan : *to make dirty*

pâludan : *to clean*

pâlâyeš : *cleaning*

pâludeh : *cleaned, a dessert*

pâlûneh : *filter, pot used for cleaning*

pâlân : *a straw-filled saddle*

پالودن (آلای) پالودن (پالیدن) پالایش پالوده ، فالوده پالونه پالان پالود جان خویش به پالونۀ بلا پیمود عمر خویش به پیمائۀ زمان

Moe'zzî

Greek 📖 AHD:364

dia-luein : *to loosen apart*

dia-lusis : *filtering* ^{⚠️} Dwo

French

Persian

diyâlîz : *dialysis*

دیالیز

English 📖 AHD:364

dialyze, dialysis

Latin 📖 AHD

lutum : *dirt*

polluere : *to pollute*

English

pollution

Indo-European  POK:684; KLN:885; SYN:874; VDQ:39**Leudh, Rei** : *to grow*

Avestan

 KLN:885; SYN:874raod 1, raoda, raodha :
*growth, face*Persian  BQT:944rŭy-īdan : *to grow*

رو ییدن (رُستن)

rŭy 1 : *face*

روی ۱ (رو)

Persian  BQT:944; FSF:199raz : *garden, vineyard, vine*

رَزَا (رُزبان، رُزبن)

Ferdowsī

چو ببرید رستم تن شاخ گز - بیامد ز دریا بایوان و رز

Arabic  PLA:138rauza : *garden*AFM:75 derives this from Persian "rīxtan: to pour";
see "Leigh 2". VDQ:226 derives it from Pahlavi
"rôt: river"; see "Ser 1".Persian  MONrowzeh : *garden*

روضه (ریاض)

امشب آن نیست که در خواب رود چشم ندیم
خواب در روضه رضوان نکند اهل نعیم
Sa'dī

Persian

rŭnĭk : *beautiful*  Nei 1

رونیک (نیکروی)

Arabic  AFM:74raonaq : *beauty, splendor*Persian  MON:1694rownaq : *growth, success*

رونق

Pahlavi  MON:1689rōstāk : *village*Persian  IEC:1103; MON:1689rŭstā : *village* (روستای)Avestan  KLN:885; SYN:874raodha-taxma : *grown strong, name of a legendary hero*  TenkPersian  BQTRostam : *a legendary hero*

رُستم

Avestan  VDQ:39; MAG:186hava-rd : *well grown, well built, beautiful*  Su 1

Pahlavi

 MAG:186; VDQ:39hu-rust : *well built, beautiful*  Su 1

Arabic

 VDQ:39; MAG:186hŭr : *houries of paradise*Persian  MON:1378hŭr 1 : *a heavenly woman*

حور

حوری، حورالعین، حوروش

Sogdian  SOD:344rwd : *to grow*Indo-European  KLN:885leudho : *people*leudheros : *free*

Latin

liber : *free*

English

liberty, deliver, Latvia

leudheros

see root: Leudh

leudho

see root: Leudh

Indo-European  POK:687; KNT:205**Leuk, Leuqos** : *light, brightness***Avestan** HRN:23,136,140; SYN:470,991; BQT:31raočah : *light*raoč-xšaema, raoxšna : *bright**light*  Ksei 2a-raxša : *bright*aiwi-raocya : *light up*  Ambhi**Persian**  BQT:97,147,976; FSF:176rūz : *day* (روز (روزنه، فروزان، فروغ)rošan : *bright* روشنraxš : *bright(ness), white* رخش (درخش، درفش^۱)Āāraš : *"bright", a male name* آرشafrūxtan : *to kindle* افروختن

جهان شد ز گرد سواران بنفش

درخشان سنان و درفشان^۲ درفش^۲

Ferdowsī

Arabic  AFM:72; PLA:135rezq : *daily food*

Derived from Persian "rūz".

Persian  MONrezq : *daily bread* رزق

ارزاق، رزاق، رازق

Sogdian  SOD:146,345dwk` : *world*rwxšn : *bright, light***Old Persian**  KNT:205raucah : *day***Latin**  AHDlūstrāre : *to make bright, purify***French****Persian**  MON:3650lūstr : *chandelier* لوستر**English**  AHD:776

luster, illustrate

Latin  AHDlumen, lūx : *light*luna : *moon***English**

illuminate, lunar

Germanic  AHD

liuhtam

English  AHD

light 1, lightning, lighting

Indo-European POK:690

Leup : *to break, peel off*

Avestan / Old Persian

FFD:55

rup, rupā : *to rob*

Pahlavi HRN:135

rôp 1 : *to rob*

kah-rupâti : *amber*

Kuâtos

Persian BQT:938

robŭdan : *to steal*

-robâ : *attracting*

ربودن (رباییدن)

-رُبا، آهنبِرا، کهربا

Sanskrit HRN:135; POK:690

lôp : *to rob*

lôtan : *booty*

English KLN:905

loot

Germanic AHD

*A group of words meaning bark peeled off trees,
roofs made of bark, roof or top of a high place*

English

leaf, lodge, loft

Latin

English

lobby

Leuqos

see root: Leuk

Liginnu

see root: Lignu

Ligittu

see root: Lignu

Akkadian AKD:21; BQT:1904

Lignu, Liginnu, Ligittu : *a pot for measuring wheat*

Aramaic AKD:21; BQT:1904

laqna, lakan, lagînâ : *tub*

Arabic BQT:1904

laqan : *tub, basin*

Persian MON:3621

lagan : *tub*

لگن

Greek BQT:1904

lekanē : *tub*

Limŭ

see root: Nimbŭ

Lithra | Longos

Indo-European AHD:1527

Lithra : a scale, balance

This is most likely a Mediterranean word

Greek

AHD:762; KLN:896

litra : a unit of weight,
also a unit of
liquid measure

Middle Latin

AHD:762; KLN:896

litra : a liquid measure

French

AHD:762

litre

Persian VOP:318

litr : liter

لیتر

English AHD:762

litre, liter

Arabic VGH:65

litr : liter

ratl : a large liquid
container

"ratl" is a distorted form of "litr"

Persian MON:1660; VGH:65

litr : liter

ratl : a large cup of wine

دل میخواره را باشد به می آز - بسی رطل و بسی ساغر خورد باز
Vīs-o-Rāmīn

لیتر

رطل

Latin AHD:349

Libra : balance, Roman pound

Dē-libērāre : to weight well, ponder

English KLN:886; AHD:349

Libra, deliberate, equilibrium

Ljakti

see root: Lakti

Lôi

see root: Lěi

Loik

see root: Uroiks

Long

see root: Longos

Indo-European IEC:678,709

Longos, Lenghō, Leng, Long : limp, lame, bent, also a low land, meadow

Persian IEC:678,709

lang : lame

لنگ

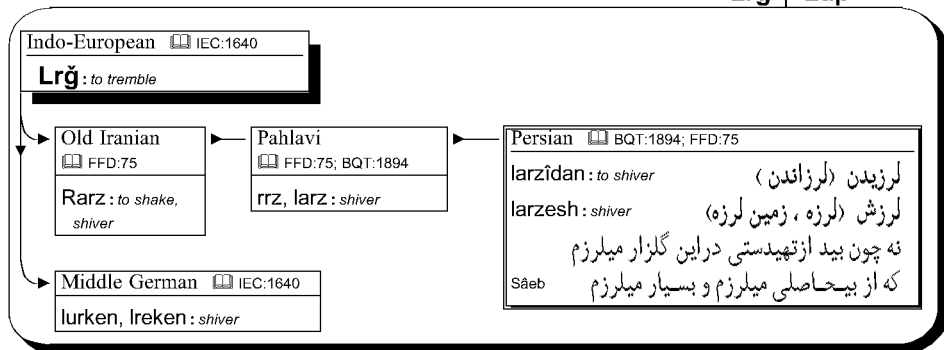
Hāfēz پای ما لنگ است و منزل بس دراز - دست ما کوتاه و خرما بر نخیل

Sanskrit IEC:709

langah : lame

Greek IEC:709

loggos : grove



Lu

Lup

see root: Leu

see root: Wel 2

M

Indo-European 📖 POK:694; PRT:386,863; SYN:103

Mâ : *breast*

Mâ-ter : *feeder (of the family), mother* 📖 Ter 3

This has probably started as a nursery word and became a usual term in the Indo-European languages.

Avestan 📖 POK:694; SKT:336

mâtār : *mother*

Pahlavi 📖 BQT:1933; SNS:237

mâtār : *mother*

matak : *female*

mâdiyânag, mâyag : *essence*

Persian

📖 BQT:1933,1946,1964; HRN:213; MON:3716; SNS:237

mâdar : *mother*

mâdeh : *female*

mâyeh : *origin, originality, essence, value*

مادر (مادر، ماما)
ماده (مادگان، مادیان، ماکیان)
مایه
تا ز درج گهر گشاید قند - گویدش مادگانه لفظی چند
Haft Paykar

Germanic 📖 AHD; KLN

môthar

English

mother

Latin 📖 AHD; KLN:948

mamma : *breast*

mâter : *mother*

mâtrix : *pregnant animal, womb*

mâteriës, materia : *tree's source of growth, trunk, also hard wood, material*

French

Persian 📖 MON:3679,3716

مامان، ممه

English 📖 AHD

mammal, maternal, maternity, matrimony, matrix, matter, material

Greek 📖 AHD

mêtēr : *mother, main, central*

English

metro, metropolitan

Indo-European 📖 POK:694

Mad : wet, also food

Avestan 📖 POK:694; SYN:184

masya 1 : fish

mada : having too much liquid, drunk

mad : a water bird, mina

Persian 📖 BQT:1961,2007; FRS:137

mâhî : fish ماهی

mast : drunk مست

mâğ : a black water bird, mina مرغ

همچو هندو که او بود غواص - مرغ در آب درجوی شدست
Rūdakī

Sanskrit / Armenian 📖 POK:694

māstu, maccum : yogurt, sour cream

Persian 📖 HRN:215; POK:694; BQT:1941

māst : yogurt

ماست (ماسیدن)

Sanskrit 📖 AHD:867

madati : a water bird, mina

Hindustani

mainâ : mina

English

mina, myna : a bird

Germanic 📖 AHD

English

meat, mate 1 : companion

Latin 📖 POK:694; AHD:805

mattus : drunk, not sober, dull

FSD:1526 derives Latin "mattus: drunk" from Persian "mât: confused" which is borrowed from Arabic. See "M.v.tto die".

French

English 📖 AHD:805

mat, matte : dull, also picture frame

KLN:946 derives these words from a Semitic root. See root "M.v.t".

Avestan / Old Persian 📖 HRN:227; HUB:100

Madhaxa, Mazaxa : grasshopper**Madika** : grasshopper

Page 18 in the introduction of BQT indicates that all these words are from a Sogdian root and cognate with Armenian "marax".

Pahlavi 📖 HRN:222,227; BQT:2031

madhax, mazax, matax : grasshopper

maig : a kind of grasshopper, shrimp

Persian 📖 HRN:222,227; BQT:2031; MON:4503

malax : grasshopper

mayg : shrimp

ملخ
میگ (میگو)**Madika**

see root: Madhaxa

Avestan 📖 HRN:221; MPP:85

Mağa : hole, recess

Persian 📖 BQT:2021; MPP:85; FRS:145

mağ : hole, a place dug in ground

۲. مَغ، مَغاک، مَغاک
Rūdakī ابله و فرزانه را فرجام خاک - جایگاه هر دو اندر یک مَغاک

Magh1 | Magh1

Indo-European POK:695

Magh1 : *might, power*

Avestan / Old Persian POK:695; AHD; KLN:923

magus, maeg, megan, moghu : Zoroastrian priest
maguš : *magician*

Pahlavi MON:4248,4421

magu : Zoroastrian priest
magu-pat : *head priest* ^{CE} Per 3

Arabic VQD:374

majūs : Zoroastrian

Greek

magos

Latin

magus

French

English

magic

Germanic AHD; KLN

mag, mahti : *power*

English

main, might, may

Greek

KLN:919; AHD:780

mexana, māxanā,
mexos : *means*
maxanikon : *a war machine*

Persian BQT:2039; FSF:311; AFM:164; MON:4384

manjanik : *mangonel*

Ferdowsī

منجنیک ، منجنیق
نیاید برو منجنیق و نه تیر - بایاد ترا دید آن ناگزیر

AHD:793 and KLN:933 derive the English "mangonel" from the Greek word "manganon:charm" which is from Indo-European root "Meng:to beautify".

Latin

māčina : *engine*

French

Persian MON:3701,4312

ماشین ، مکانیک ، مکانیزم

English

machine, mechanic

Indo-European 📖 POK:697

Magh 2 : *to fight*

Avestan / Old Persian 📖 POK:697; AHD:1541

ha-mazan : *the warrior* ^{𐬨𐬀𐬨𐬀𐬭𐬀} So

Greek

📖 AHD:40,1541; PRT:14

amazon : *woman warrior*
KLN:59 derives this
from Hebrew.

Latin

French

Persian 📖 MON5:58

âmazôn : *warrior*

آمازون^۱

English 📖 AHD:40,1541

Amazon 1 : *woman warrior*

Spanish 📖 KLN:59

Amazonas : *referred to a tribe in South
America - a Spanish explorer found
their women helping men in battle.*

French

Persian 📖 MON5:58

âmazôn :
name of a river

آمازون^۲

English 📖 KLN:59

Amazon 2 : *name of a river*

Indo-European 📖 POK:696

Maghos : *young*

Maghu : *boy, unmarried*

Avestan 📖 POK:696; KLN:924

mağava : *unmarried*

Germanic 📖 AHD

magadi : *young girl*

English

maid, maiden

Maghu

see root: Maghos

Aramaic 📖 MON:4036

Mağšîsa : *stone*

Persian 📖 SKT:314; KLN:937; BQT:1938; MON:4036

marqašîšâ : *an iron mineral (ore)*

مرقشیشا

Arabic

📖 KLN:937

marqašîtha

Spanish

📖 KLN:937

marcaxita

Middle Latin

📖 KLN:937

marchasita

French

📖 KLN:937

marcassite

English

📖 KLN:937

marcasite

Māk | Mana

Indo-European 📖 POK:699

Māk : long, thin, slender

This root may be related to "Meg: great"

Avestan / Old Persian

📖 POK:699; KNT:201; SYN:880

mas : long

masah : length, size

mas-yâ 2 : longer 📖 Yah 5

mas-yah : greater 📖 Yah 5

mas-išta : longest 📖 Isto

math-išta : the supreme

Compare with root "Meg: great".

Persian 📖 HRN:224; BQT:2002,2058

meh 2 : great

mehast : greatest

meznâ : balance, scale

ز شاه جهاندار خورشید دهر - مهست و سرافراز و گیرنده شهر
Ferdowsi

"meznâ" was not found in MON. Also see Root "Meg: great"

مه ۲

مهست

میزنا

Greek 📖 AHD

makros : long

makedonios : tall ones, people from the highlanders
(an area north of Greece), Macedonia

Persian 📖 MON5:2007

Maqdūniyyeh : Macedonia

مقدونیه

Latin

English

Macedonia

English

macro-, macron

Latin 📖 AHD

macer : thin

English

meager

Indo-European 📖 POK:699

Mako : house fly

Avestan 📖 POK:699; SYN:193

maxši : house fly

SYN:193 claims an imitative

origin (Indo-European "Mu", "Mus").

Pahlavi

📖 HRN:221; SNS:238; ISS:278

maxš : house fly

makas, magas : fly

Persian

📖 BQT:2029; HRN:221

magas : house fly

مگس

Sogdian 📖 ISS:278

mwǰšk : house fly

Sumerian 📖 AKD:20,21; KLN:982

Mana : an ancient unit of weight

Akkadian

📖 AKD:20,21

mānu : unit of weight

Sanskrit

📖 KLN:949

manā

Persian 📖 BQT:2035

man 2 : a unit of weight equal to 3 kilograms

من ۲

Greek

mna

Latin

mina

English 📖 AHD:834; KLN:982

mina, mine : old units of weight and money

Latin 📖 SYN:417; KLN:932

Mantellum : cloak, towel
Mantil : cloak

Arabic 📖 KLN:932

mandīl : turban, napkin

Persian 📖 MON:4389

mandīl : napkin, turban

مندیل

English 📖 KLN:932

mandil : turban

French 📖 KLN:934

manteau : cloak

Persian 📖 MON:3718

mānto : manteau

مانتو

English

manteau

Mantil

see root: Mantellum

Manu

see root: Men 1

Manus

see root: Men 1

Avestan 📖 BQT:1990

Mareğâ : grass

EAV:866 indicates that this word is related to the Greek word "amorphous: shepherd".

Persian 📖 BQT:1990; MON:4019

marğ : grass, a kind of fast growing weed

مرغ ۲

marğzâr : meadow 🌿 Kwel

مرغزار

Ferdowsī بیاسود چندی زبهر شکار - همی گشت در کوه و در مرغزار

Sogdian 📖 SOD:216

mrğ : meadow

Sanskrit 📖 KLN:1018

Mašakah : animal skin used for carrying water

Pahlavi 📖 BQT:2014

mašk : leather

Persian 📖 MON:4147; BQT:2014

mašk : animal skin for carrying water

مَشک ۳

مَشکول، مَشکوله

maškū : (royal) tent

مَشکول ۲

Ferdowsī فغنستان چو آمد به مَشکوی شاه - یکی تاج بر سر ز مَشک سپاه

Hindustani 📖 KLN:1018

masak : animal skin for carrying water

English 📖 KLN:1018

mussuck, mussuk : animal skin for carrying water

Masgdā | Mě 1

Aramaic 📖 KLN:1007; VDQ:379

Masgdā : *place of worship*

Arabic 📖 KLN:1007

masjed : *mosque*

s.j.d. : *to prostrate,
pray to God*

FVF:638 claims that
Arabic "masjed" is
from Persian "mazget"

Persian 📖 FVA:185

sojūd : *prostration*

سجود (سجده)

sâjed : *one who prays to God*

ساجد (سَجَاد ، سَجَّادَه)

masjed : *place of prayers, mosque*

مسجد

همه کس طالب یارند چه هشیار و چه مست

Hāfez

همه جا خائۀ عشقت چه مسجد چه کینشت

Spanish 📖 KLN:1007

mesquita : *mosque*

Italian

moschea

French 📖 KLN:1007

mosquee : *mosque*

English

📖 KLN:1007

mosque

Persian 📖 BQT:2001; FVF:638; MON:4063

mazget : *mosque*

مزگت ، مزکت

Asadī

سخن دوزخی را بهشتی کند - سخن مزگتی را کنشتی کند

Massa

see root: M.s.s

Mâ-ter

see root: Mâ

Mazaxa

see root: Madhaxa

Mbh

see root: Nobh

Mbhi

see root: Ambhi

Indo-European 📖 POK:703; KNT:210

Mě 1 : *no, not*

Avestan / Old Persian

📖 POK:703; KNT:201

mâ 2 : *no, not*

mâ-tya : *that not, lest*

Persian 📖 MON:3677

ma- : *a prefix negating verbs*

مَ - (مرو ، مگو ، مباد)

پس از مرگ جوانان گل مماناد - پس از گل در چمن بلبل مخواناد

Qabfahī

Sanskrit 📖 POK:703

mâ : *no, not*

Greek 📖 POK:703

mě : *no, not*

PART 1

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Indo-European 📖 POK:703, 731

Me 2 : *to measure***Mēnôt** : *moon used to measure time*

Avestan / Old Persian

📖 POK:703,731; SYN:54,877,1010

mā 1 : *to measure*māh, mähya : *moon, also month*māh-tab : *moonshine* 🌀 Tep

Persian 📖 POK:731; BQT:1956,1958; SNS:37,113

māh : *moon, also month*

ماه

mahtāb : *moonshine*

مهتاب

Old Persian 📖 KNT:201

fra-ma-na : *to measure beforehand, decide, order* 🌀 Per 1â-mâ : *extend*

Persian 📖 BQT:1470; FFD:66

farmān : *order*

فرمان

فرمودن , فرمایش , فرمانده

Avestan 📖 HRN:80,233; BQT:37; FFD:25

paiti-mâ : *measure* 🌀 Per 3âiz-mâ, uz-mâ-ta : *measure, test*ni-mâ : *measure down, display* 🌀 Nf 1

Persian 📖 BQT:37,448,2171

paymūdan : *to measure, walk*

پیمودن

پیمان , پیمانه , هواپیما

âzmūdan : *to test*

آزمودن (آزمایش , آزمون)

nomūdan : *to show*

نمودن

نما , نمایش , نمودار , نماینده

Greek 📖 AHD

metron : *measure*dia-metros : *(line) that measures across, diameter* 🌀 Dwo

French 📖 AHD:865

metre

Persian 📖 MON:3800

metr

متر

English 📖 AHD

meter, diameter, geometry

Latin

English

measure, dimension, semester

Germanic 📖 AHD

English

meal, moon, month, Monday

Indo-European POK:703, 731

Me 2 : to measure

Mēnôt : moon used to measure time

Indo-European POK:705

Med : to take appropriate measures, to cure

Avestan POK:705; SYN:307

vi-mad : care giver, physician Wi

Pahlavi

vîmâr : patient

Persian BQT:340; HRN:59

bîmâr : patient

بیمار

Avestan / Old Persian POK:705

azdâ : indicator, hint, news

Latin AHD

English

medicine, remedy, moderate

Latin AHD

French

Persian MON

مدل ، مدرن ، کمند

modus : size

English

mode, model, modern, modest, module, turmoil, mold, mood, commode

Germanic

English

must 1 : have to empty

Med

see root: Me 2

Indo-European POK:707

Medhu : honey

Avestan POK:707

madhu : honey

madha : wine

Persian BQT:2071; HRN:225; SYN:389

may : wine

mol : wine

می
مُل

به زربنه جام اندرون لعل مل - فروزنده چون لاله بر زرد گل
Onsorî

For another possible root of "mol" see Mer 2

Sogdian SOD:220

mwd : wine

Greek AHD:1524

methu : wine

French AHD:826

English

methylene

Indo-European

Medhyo : *middle*

Avestan 📖 KLN:954; HRN:225

maidyâna : *middle*

Sogdian 📖 SOD:223

myd'n : *middle*

Germanic 📖 AHD; KLN

midja : *middle*

Latin 📖 AHD

medius : *middle*medi-terrâneous : *in land sea* 🌀 Ters

Pahlavi

Persian

miyân : *middle*

میان

English

middle

French

Persian 📖 MON:3974

مدیوم ، مدیترانه

English

immediate, median, medium, mean 1
Mediterranean

Indo-European 📖 POK:708; KLN:958

Meg, Megh : *great*

This root may be related to "Mâk:long, slender"

Avestan / Old Persian

📖 POK:708; KLN:958; SYN:878

maz, mazant : *great*maz-yah, mathi-yah : *greater* 🌀 Yah 5maz-išta : *greatest* 🌀 Istomazah, mazan : *size, greatness*

Compare with the AV/OPR word

from Root "Mâk: long"

Pahlavi

meh : *great*

Persian

📖 HRN:224; BQT:2002,2058

meh 2 : *great*

مه ۲

mehast : *greatest*

مِهست

meznâ : *balance, scale*

مِزنَا

"meznâ" was not found in MON.

See Mâk for another possible root.

Sanskrit 📖 AHD

mahâ : *great*mahâ-râja : *great king* 🌀 Reg

Hindustani

Persian 📖 MON:4458

mahârâjeh : *great king (of India)*

مِهَارَاژِه

English 📖 AHD

maharajah, mahatma

Germanic 📖 AHD

mikila

English

much, more

Latin 📖 AHD

maximus : *greatest*

French

Persian 📖 MON

mâxîmom

مَکسیم

English

magnitude, majesty, major, magnum, master, maximum, May, mayor

Greek 📖 AHD

megas : *great*

English

omega, mega-

Megh

see root: Meg

Indo-European POK:711

Mei 1 : *soft, mild*

Avestan

POK:712; MON:4494

mayazda : a special meal
of Zoroastrians, guests
guests invited to a meal

Pahlavi

BQT:2076; VDQ:370

mayazd, mâz : *feast*

Persian

BQT:2076; MON:4494

mayazd : *feast, guests* میزادmîzbân : *host* میزبان

ای به میزد اندرون هزار فریدون
ای به نبرد اندرون هزار تهمتن

Farrokhi

Arabic

AFM:148; VDQ:370

mâ`da : *food, food table*

Persian

MON:3674

mâdeh : *food* مائده (مایده)

Latin

AHD:1528

mitis : *soft*

English

mitigate : *soften, moderate*

Indo-European POK:709

Mei 2 : *to fix, build, fence*

Old Persian

BQT:2073; KNT:202

maixa : *nail*mayûxa : *door knob*

Persian

POK:709

mîx : *nail* میخmîxak : *carnation* میخک

Latin

AHD

mũñre : *to fortify*

English

ammunition

Indo-European 📖 POK:710,713,715; AHD:1528

Mei 3, Meih: : to go
Meigw : to move, change
Moin : common

Avestan 📖 POK:710,715; KLN:953

maēni : punishment
 mithō : false
 mithwara : paired
 mithahya : evil

Latin 📖 KLN:1767

se-miŭta : path

Arabic 📖 KLN:1767

samt : way, path, direction
 as-sumut : directions

Persian 📖 MON:1919

samt : path, direction سمت

French

English 📖 KLN:1767

zenith, azimuth

Latin 📖 AHD

commūnis : common
 migāre : change one's place of living

French 📖 AHD

communisme

Persian 📖 MON6:1603

کمونیزم ، کمونیسم

English 📖 AHD

communism, communist
 common, communicate

English 📖 AHD

migrate, immigration

Germanic 📖 AHD

ga-maid-az : changed for worse (mad)
 missa : in a changed manner, wrongly
 gamainiz : common, ordinary, low value (mean)

English 📖 AHD

mad
 mis-, mistake, misfortune
 mean 2 : inferior

Indo-European 📖 POK:710

Mei 4 : to bind, tie

Avestan / Old Persian 📖 POK:710; KNT:203

mithra : bond, friendship, kindness, angel of light guarding the truth.

Persian 📖 BQT:2060; MON5:2056; KNT:203

mehr : angel of light, sun, a month in the Persian calendar

Mas'ūd Sa'd Salmān

مهر
 مهربان ، مهرگان ، مهرداد ، میترا
 روز مهر و ماه مهر و جشن فرخ مهرگان - مهر بغزا ای نگار مهر چهر مهربان

Greek 📖 KLN:989; AHD:841

mithras : God of light

Latin

English

Mithras : God of light

Indo-European 📖 POK:712-714; AHD

Meig, Meik : *to mix*

Meigh 1 : *to sprinkle, urinate*

Meigh 2 : *to blink, cover, darken*

Avestan 📖 POK:714; BQT:1835

minašti : *to mix, mixed*

vi-maik, vi-minašti : *to mix* 📖 Wi

Persian 📖 HRN:12

āmīxtan : *to mix*

(آمیزش) آمیختن

gomīxtan : *to mix up*

گمیختن

Avestan 📖 POK:713; BQT:62; SYN:273

maēz : *urine*

Sogdian 📖 SOD:227

myz`y : *urine*

Persian 📖 BQT:1835,2073; MON:4493

mīz : *urine*

میز

mīxtan : *to urinate*

میختن

میزراه ، گمیز

Sanāī باچنین دل چه جای باران است - ابر بر تو گمیز هم نکند

Avestan 📖 POK:713; BQT:2079

maēga : *cloud*

Pahlavi 📖 ISS:285

mīg : *cloud*

Persian 📖 HRN:226; ISS:285

mīg : *cloud*

میغ

meh 1 : *fog*

مه ۱

همی گفت کای پادشاهی دریغ

Asadī که ماهت نهان شدبه تاریک میغ

Persian 📖 POK:712; HRN:219; BQT:2006

možeh, možgân : *eyelashes*

مژه ، مژگان

Latin 📖 AHD

miscēre : *to mix*

English

mix, miscellaneous

Germanic 📖 AHD

mih-stu : *fine rain, mist*

English

mist

Meigh 1

see root: Meig

Meigh 2

see root: Meig

Meigw

see root: Mei 3

Meih

see root: Mei 3

Meik

see root: Meig

Indo-European 📖 POK:715

Meit, Meith : *to stay*

Avestan 📖 POK:715

maēt : *to stay*maēthman : *guest, one who stays*maēthanam : *staying place, house, homeland*

Persian 📖 BQT:2069,2084

mehmân, mîhmân : *guest*

مهمان ، میهمان

mîhan : *homeland*

میهن

خانه ام فانوس و مهمان شمع و من پروانه ام
شد مزین از قدوم میهمان کاشانه ام**Meith**

see root: Meit

Indo-European 📖 POK:720

Mel 1 : *black, dirty*

Greek

melan-xolē : *black bile, mental disorder* 📖 Ghel

Latin 📖 AHD:817

melancholy :
mental disorder

Persian 📖 BQT:1947

mālīxūliā : *melancholy*

مالخولیا

English

melancholy

Indo-European 📖 POK:719,724

Mel 2, Melo, Smelo : *small, insignificant, also bad and harmful*

These words may be related to root "Mer 2: to harm, die".

Avestan 📖 POK:719; SYN:1177; PRT:374; HRN:283

mairya : *harmful, evil*HRN:283 , BQT:1934 and SNS:239 link this word
to the Indo-European root "Mer 2: to harm, die".

Persian 📖 HRN:283; BQT:1934

mâr : *snake*

مار

Latin 📖 AHD

male, malus : *harmful*mal-aria : *bad (sick) air* 📖 Wě 1

Italian

French

Persian 📖 MON:3709

mâlârîyâ : *malaria*

مالاریا

English

malfunction, malicious, malady,
malaria, malignant, dismal

Germanic 📖 KLN:1461

smal : *small animal*

English

small

Mel 3 | Melo

Indo-European POK:716

Mel 3 : soft, soft material

Greek POK:719

malaxos : soft
malagma : soft material

Arabic KLN:58

al-mâlâgmâ : the "soft"
material

Persian MON:4345

malġam : paste, ointment

ملغم
ملغمه ، الغام

French KLN:58

amalgame

English AHD

amalgam

Germanic AHD

meltan : to melt
milks : mulch
smelt, malta, mildja, milks

English AHD

melt, smelt, malt, mild, mulch, enamel

Latin AHD

mollis : soft

English AHD

mollusk

Celtic AHD

molto : sheep

English AHD

mutton

Indo-European POK:722

Melġ : to wipe off, to milk

Avestan POK:722; FFD:77

marz, marez, mrz, mard :
to wipe, sweep, rub

Persian

BQT:1948,2010; HRN:214; SYN:569; MON:4010; SNS:245; FFD:77

mâlîdan : to rub

مالیدن (ماله ، مالش، مال)

moštan : to rub, massage

مُشتن (مُشت ۲)

morz : intercourse, also the anus, bottom

مُرز ۲ (مُرزیدن)

Molavi

چند کوبد زخمهای گرزشان - برسر هر ژارژا و مُرزشان

Avestan POK:722; BQT:1448; HRN:12

â-marz : wipe out the sins, forgive
fra-â-marz : one who forgives all sins
Per 1

Persian

âmorzîdan : to forgive

آمرزیدن (آمرزش)

Farâmarz : "one who forgives", male name

فرامرز

Germanic AHD

milkan : to milk

English

milk

Latin AHD

mulġere : to milk

English

emulsion

Melo

see root: Mel 2

Indo-European POK:726

Men 1 : to think**PART 1**

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Avestan

POK:726,727; BQT

manah, maiti : *mind, manners*-man 1 : to be similar to
mathrô, mathra : *holy instructions*

Pahlavi

SNS:240,254

mēnīsm : *manners*mānsr : *holy instructions*

Persian

BQT

maneš : *manners* منش، مانستن

mānastan : to resemble (مانستن (مانند)

māndan 1 : to resemble (ماندن ۱ (مان ۱)

Avestan

POK:726; BQT

vahu-man : *well mannered* Su 1duš-manah : *with unfriendly thoughts* Dushaxa-manah : *with friendly thoughts* Sekwhu-man : *with good manners* Su 1

Persian

BQT:1949, 2316; HRN; ZMA:19

Bahman : "with good manners" بهمن

Haxāmaneš : "with friendly thoughts" هخامنش

došman : "with unfriendly thoughts" دشمن

Hūman : "well mannered" هومن

Avestan

POK:726; BQT

kara-manah : *with knowledge of work* Kwervi-manah : *to think apart, guess* Winaire-manāw : *with manly manners*
Ner 1

Persian

BQT:1949, 2316; HRN

qahremān : "with skilful manners" قهرمان

Narīmān : "with manly manners" نریمان

gomān : "a distinguishing thought" گمان

Avestan

POK:726; BQT

prati-man : *with opposite thoughts* Per 3šāiti-man : *with happy thoughts* Kweyedereza-man : *like (for) a seam, thread*
Dher 1as-man : *like (a big) stone, sky* Akham-mana : *like that* Sem 1

Persian

BQT

pašîmân : (پشیمان (پشیمان
"with regretting mind"

šâdmân : "with happy thoughts" شادمان

darzmân : "like a seam" درزمان

âsmân : "like a (big blue) stone" آسمان

hamân : "like same" همان

Old Persian

KNT:202,212

man 1 : to think

manah : *thinking power*maniš : *manner*haxâ-maniš : *with friendly manners*

Avestan

POK:726; AHD:26; KLN; KGW:46

mainyu : *spirit, heaven*anra-mainyu, angra-manyu : *evil spirit* Ens

Persian

BQT:2083; HRN:227

mînũ : *heaven* مینوmînâ : *blue (skylake) gloss, glass* میناahrîman : *evil* اهریمن

Germanic

AHD; KLN

English

mind

Indo-European 📖 POK:726

Men 1 : *to think*

Greek 📖 KLN:947; AHD:864

mousa : *protector of arts*
 matos : *mind, will*
 autos-matos : *has mind of itself* 🌀 Autos

Latin

French

musique

Persian 📖 MON:4063, 4433

موزیک ، مزقان ، مزغان

Persian 📖 BQT:2052; MON:4432

موزه ۱، موزائیک ، اتوماتیک

English 📖 AHD

music, museum, mosaic, amnesty, maniac, automatic

Latin 📖 AHD

ment, mēns : *mind*

English 📖 AHD

 mental, mention, monitor, monster
 monument, comment, demonstrate

Indo-European 📖 KLN:930; POK:700

Manu, Manus : *one who thinks, man*

Avestan

📖 POK:700; KLN:930; BQT:2047; SNS:241

manu, manuś, mainyuś : *man(ly)*
 manuś-čitra : *with manly face, or of "Manush" race* 🌀 Skai

Persian 📖 BQT:2047

 Manūčehr : *"from Manush family"*
 a male name

منوچهر

Germanic 📖 AHD

manna : *man*

French

mannequin : *manikin*

Persian 📖 MON:3721

mānkan : *manikin*

مانکن

English 📖 KLN:930

man, Norman, Herman, manikin

Indo-European 📖 POK:730

Men-dh : *to learn*

Avestan 📖 AHD; KLN:1095

ma[n]dz-dha, mazdha : *learned, wise* 🌀 Dhē 2
 ahura-mazdha : *wise spirit* 🌀 An 1
 mazda-yasna : *God worshipper* 🌀 Yag

Persian 📖 BQT:109

Mazdā : *"wise"*

مزدا

Ahūrāmazdā : *"wise spirit"*

اهورامزدا (هرمز)

mazdīsnā : *God worshipper*

مزديسنا

Greek 📖 AHD

manthanein : *to learn*

English

mathematics

PART 2

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Indo-European POK:729

Men 2 : *to remain*

BQT:1949 claims this word is ultimately from root "Dem:house"

Avestan / Old Persian

KLN:934; HRN:215; KNT:202

man 2 : *await*

Pahlavi HRN:215

mân-stan : *to stay*

Persian BQT:1950

mândan 2 : *to remain, stay*

ماندن ۲

Avestan SNS:74

upa-mati : *remain, endure, keep the hopes up* ^{٢٢} Upo

Pahlavi SNS:74

ômēd : *hope*

Persian MON

omīd : *hope*

امید (امیدوار)

AEF:147 offers a few possible roots for this word and concludes that the root is not quite clear.

Latin AHD; KLN

manēre : *to remain*

English

mansion, permanent, remain

Indo-European POK:726

Men 3 : *to stand out, project*

Avestan POK:726; KLN:1009

mati, mnti : *sticking out, prominent*fra-manyente : *they get a head start*

Latin AHD

mont : *mountain*

French

Persian MON

مونترال ، مونثکارلو
موننگمری ، پارامونت

English KLN:1009

mount, mountain, amount, paramount, piedmont

Latin AHD

minēre : *to project*

English

prominent, eminent, imminent

Indo-European POK:726,747; KLN:932

Mon, Mono : *neck, throat*

Avestan POK:747

minu : *throat*manaothri, moneutro : *neck, throat*

Germanic AHD

monô : *neck*

English KLN:932

mane

Men-dh

see root: Men 1

Měnôt

see root: Me 2

Menth | Mer 1

Indo-European 📖 POK:732

Menth : *mouth, to chew*

Greek 📖 POK:732; AHD:1529

math-ya : *to chew*
mustax : *upper lip*
mastax : *mouth*
mastixan : *to grind the teeth*
mastixē : *chewing gum*

Arabic 📖 TAD:69

mastakî : *a resinous plant and its resin used for chewing*

Persian 📖 MON:4173

mastakî : *a resinous plant and its chewable resin*

مصطکی

English 📖 AHD

mustache

Germanic 📖 AHD

muntha : *mouth*

English 📖 AHD

mouth

Indo-European 📖 POK:732

Menth, Meth : *to turn, stir*

Avestan

📖 POK:732; BQT:2040; FSF:311

mant 1 : *to stir, turn*

mant 2, vant : *in control, owner*

The link of "mant 2: owner" and "mant 1: stir" is unclear unless "stir" means "to be in control".

Pahlavi

📖 BQT:2040

mand, omand :

owner, with, like

Persian 📖 BQT:2040; FSF:311

mand : *(suffix) owner of, with*

مند

ارچمند ، دانشمند ، هنرمند ، نیازمند
دانشومند ، برومند ، خردومند ، نیازومند
من نیازومند تو گشتم و هر کو شد چنین
عاشق ناز تو، می زبیدش هر گونه نیاز
Manūchehrī

Latin 📖 POK:732

manphur, manfur : *lathe, a lathed object*

French 📖 AHD:793

mandrin : *lathe*

English 📖 AHD:793

mandrel, mandril

Indo-European 📖 POK:969

Mer 1, Smer : *to remember, be anxious about*

Avestan 📖 MON; KLN:961; FFD:64

mar 1, smer : *to remember*

mar-aiti, hiš-mar-aiti : *counted for*

â-mar : *(count) to remember*

vi-mar : *designate (off)* 𐬯𐬀𐬭𐬀 Wī

Persian 📖 HUB:95; HRN:208; BQT:1834, 1978

mar : *account, count, number*

مر

âmâr : *census*

آمار

šemordan : *to count*

شمردن (شمار، شمارش، شماره)

gomârdan : *designate*

گماردن (گماشتن، گماشته)

اگر چند با ما بسی لشکر است

ازین زاوولی رنج ما بی مراست

Asadī

Sogdian 📖 SOD:69

šm`r : *thought, imagination*

Latin 📖 AHD

me-mor : *mindful*

English 📖 AHD

memory, remember

Different Languages 📖 AHD; KLN:943

English

martyr, mourn

PART 1

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Indo-European POK:735,970; AHD:1529

Mer 2 : to rub away, harm, die**Mer-d, Mer-k** : destroy**Mor-to** : mortal man**Smerd** : painful

Avestan

POK:735; BQT:1872,1934,1982-6; KLN:1005

mar 2 : to die

mahrka, marathyu : death

mareta, maša : mortal man

mardta : everyone

gayo-mereta : perishable life, human Gwei

a-mereta, amaša : eternal

Persian BQT; HRN:218-9; ZMA:21

mordan : to die (مردن (مرگ)

mard : mortal man (مرد (مردم)

Kīūmars : "mortal world, man" کیومرث

amordād : "not mortal" (امرداد (مرداد)

Pahlavi SOD:219; BQT:2017

murdyānag, mašyānag : mortal man

maša : Adam

mašyōi : Eve

Persian SOD:218; BQT:2017

mašyā : Adam مشیا

mašyāneh : Eve (مشیانه (مشیوئی)

Avestan AEF:378; HRN:69

awiš-mar, wizmar : to fade, wither

HUB:41 does not agree with this derivation

Persian BQT:400

pajhmordan : to fade, wither (پژمردن (پژمردن)

Avestan POK:737; KNT:203

morandat, marenčaiti : destroys

maraxš : spoil

mared : destroy

Old Persian KNT:202,203; SOD:218,225

mar, mariya : to die

marta : dead

martiya : mortal man

Sogdian SOD:218

marty : man

Old Persian KNT:203

mard : crush

mard-una : crusher of grapes

into wine, wine merchant

Persian KNT:203

mol : wine مُل

Onsori به زرينه جام اندرون لعل مل - فروزنده چون لاله بر زرد گل

For another possible root of Persian "mol: wine" see root "Medhu".

Greek POK:736

maraino : rub off

marmaros : polished stone, rock

marmaron : marble

Persian MON:4045; BQT:1996

marmar : marble stone (مرمر (مرمرین)

Latin AHD:797

marmor : marble

French AHD:797

marbre

English AHD:797

marble

Germanic AHD

marôn : goblin

mur-thra : murder

English AHD

nightmare

murder

Mer 2 | Mereḡa

Indo-European 📖 POK:735,970; AHD:1529

Mer 2 : *to rub away, harm, die*

Mer-d, Mer-k : *destroy*

Mor-to : *mortal man*

Smerd : *painful*

PART 2

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Latin 📖 AHD

mors : *death*

môr-târium : *ground down, mortar*

mordĕre : *to bite*

morbus : *disease*

English 📖 AHD

mortal, mortuary, mortgage

mortar

remorse

morbid

Old High German 📖 AHD; KLN:1461

smerzan : *painful*

English 📖 KLN:1461

smart

Indo-European 📖 POK:737

Mer 3 : *to disturb*

Sanskrit 📖 HRN:101,181

â-marš : *to tolerate, be quiet*

pra-marš : *to forget*

Persian 📖 BQT:706,1448

xâmūš : *quiet, turned off*

خاموش

Avestan / Old Persian 📖 FFD:65

muš, fra-â-muš : *to forget*

Pahlavi 📖 FFD:65

frâmūštan : *to forget*

Persian 📖 FFD:65; MON:2506

faramūšidan : *to forget*

فراموشیدن

فراموشانیدن ، فراموشیدن

فراموش ، فرامش ، فرامشت ، فرامشی

چون تیغ بدست آری مردم نتوان کشت

نزدیک خداوند بدی نیست فرامشت

Nâser-Khosrow

Germanic 📖 AHD

English

mar : *to damage*

Mer-d

see root: Mer 2

Mereḡ

see root: Merg

Avestan 📖 BQT:190; KLN:959

Mereḡa : *a large bird*

Saēna-mereḡa : *dark hawk bird* 🦅 Kei 1

Pahlavi 📖 BQT

murḡ, merv : *bird*

sēn-murv : *hawk bird*

Persian 📖 BQT:1211,1990; SYN:183

morḡ : *bird*

مُرغ ۱

sîmorḡ : *a legendary bird*

سپهر مرغ

Sogdian 📖 SOD:217

mrḡ : *bird*

Indo-European POK:738

Merg, Mereg : mark, border

Avestan POK:738; KLN:940

mereza : boundary

Persian BQT:1986

marz : border

مرز

Germanic

mark : to mark

English

mark, remark, march

Latin AHD

margo : border, edge

English

margin

Mer-k

see root: Mer2

Indo-European POK:739

Merk : to take, grasp

Latin POK:739

merx, comerx :
merchandise

Italian MON:3392

commerci : commerce

Portuguese

cumerx : trade

Persian MON:3392; HJB:384

gomrok : customs duties

گمرک

gambroon : former name
of port "Bandar Abbās".

گمبرون

English AHD

commerce, merchant, market

Latin AHD

merces : pay, reward, kindness
Mercurius : god of commerce

French

Persian MON:4015

merci : thanks

مرسی

English AHD:821

mercy : kindness

French

Persian MON

مرکور ، مرکور کرم

English

mercury

Meth

see root: Menth

Meu 1 | Meug

Indo-European 📖 POK:741

Meu 1 : *damp, dirty*

Avestan 📖 POK:741; HRN:285; KLN:1008

mūthra : *dirty liquid, urine*

Germanic 📖 AHD

meus : *damp*

Latin 📖 AHD

mustus : *wet, new*

Middle Greek 📖 AHD

mudde : *wet earth*

English

moss

English

must 2 : *damp*
mustard

English

mud

Meu 2

see root: Mew

Indo-European 📖 POK:744

Meug : *wet, slippery,*

also to give up, let go, flee, deliver, describe

Avestan 📖 POK:744; FFD:27

fra-muxti : *open up, describe, clarify*
a-maux-ta : *learned*

Old Persian 📖 POK:744

a-mutha, a-muntha : *fled*

Sanskrit 📖 POK:744

mūkti : *slipped out, lost,*
anything thrown away (worthless)
munthate : *untie, describe, explain*

Germanic 📖 AHD

smug : *wetness, figurative slipperiness*

Greek

muxa : *lamp wick*

Latin

mucūs : *moist*

Persian 📖 FFD:27; MON:91

āmūxtan : *to learn*

āmūzāndan : *to teach*

آموزش ، آموزگار ، آموزشگاه
آموزاندن
آموزتن

Persian 📖 BQT:2024; HRN:221

moft : *worthless, free*

مفت

English

smuggle

English

match 1 : *a piece of wood that catches fire by friction*

English

moist, mucus

Indo-European 📖 POK:745

Meuk : *scratch, rub*

Avestan 📖 POK:745

mušti : *fist*

Persian 📖 BQT:2010; HRN:220

mošt : *fist*

مشت ۱

Latin 📖 POK:745

mucrô : *sharp point*

English 📖 AHD:860

MUCRO : *sharp point of plants*

Indo-European 📖 IEC:1643

Meuk : *stocking, boot*

Avestan 📖 HRN:223

maoč : *shoe, boot*

Pahlavi 📖 BQT:2051

môzag, mûcak : *shoe, boot*

Persian 📖 MON:4432

mûzeh : *boot, shoe*

موزه ۲

همیشه به یک ساق موزه درون
یکی خنجرى داشتى آبگون
Ferdowsi

Avestan 📖 SNS:247; HRN:223

paitiš-muxtâ : *to put on (shoes)* 🌀 Per 3

fra-muxti : *to take out (shoes)* 🌀 Per 1

Sanskrit 📖 HRN:223

môč : *shoe*

Old English 📖 IEC:1643

měo, mēon : *shoe sole*

Indo-European 📖 POK:743

Mew, Meu 2 : *to push away, move*

Avestan 📖 POK:743; ISS:331

mivâmahî : *(we) eliminate*
a-muyamnô : *not movable* 🌀 Ne 1

Pahlavi 📖 ISS:331

mûtak : *move*
parmûtan : *to move*

Latin 📖 AHD

movêre : *to move*

English 📖 AHD

mobile, momentum, motion, motive, motor, move,
commotion, emotion, promote, remote, remove

Miždho | Moiso

Indo-European 📖 POK:746

Miždho : reward

Avestan 📖 POK:746; KLN:957

mīžda : reward

mīžda-vare : wage earner 🐄 Bher 1

Sogdian 📖 SOD:227

myzd : reward, salary

Persian 📖 BQT:2000; HRN:219

moždeh : reward, worthy news

mozd : wage, pay, salary

mozdūr : wage earner, mercenary

مژده (مژدگانی)

مژد

مژدور

Germanic 📖 AHD

medo : reward

English

meed : reward

Semitic 📖 KLN:928; FVA:384

M.l.h : salt

Arabic 📖 KLN:928

m.l.h, milh : salt

Persian 📖 FVA:384

melh : salt
ملح (املاح)
ملاحت، مליح، ملبیه

Hebrew 📖 KLN:928

melah : salt

mallūh : mallow plant

Latin 📖 KLN:928

malva : mallow

English 📖 KLN:928

mallow, mauve

Greek

malaxe : mallow

English 📖 AHD:1527

malachite : a dark green mineral, copper carbonate

Semitic 📖 KLN:926

malha : salt. Name of a Phoenician colony given to a Spanish port.

Spanish 📖 KLN:926

Malaga : a Spanish port

French

Malaga

Persian 📖 MON6:1883

mālāgā : a Spanish port

مالاگا

English 📖 KLN:926

Malaga : a Spanish port and its famous wine

Moin

see root: Mei 3

Indo-European 📖 POK:747

Moiso : sheep

Avestan 📖 POK:747; SYN:158

māēša : ram

māēši : sheep

Persian 📖 BQT:2078; HRN:226

mīš : ram

gāvmīš : buffalo 🐄 Gwou

Ferdowsī

همه پایه ها چون سر گاو میش - یکی تخت زرین نهادند پیش

میش

گاو میش

Mon	see root: Men 3
Mono	see root: Men 3
Mor-to	see root: Mer 2
Morui	see root: Morwi

Indo-European 📖 POK:749

Morwi, Morui : *ant*

Avestan 📖 POK:749
maoirī : *ant*

Pahlavi 📖 BQT:2049; SNS:248
mōr, mōrčag : *ant*

Persian 📖 BQT:2049
mūr : *ant* (مور (مورچه، موریانه))

Latin 📖 AHD
vormīca, formica : *ant*

French

Persian 📖 MON
کلروفرم ، اسیدفرمیک

English 📖 AHD
formic [acid]
chloroform

Indo-European 📖 IEC:802

Moudh, Moudhiō : *to mourn*

Avestan 📖 HRN:224
mōy : *groaning*
a-mayavā : *grief*

Pahlavi
📖 HRN:224; FFD:77; MON
mōy, mōyak : *groaning*
must : *groaning, complaint*

Old Iranian 📖 FFD:77
maud, mauda : *to cry, to groan*

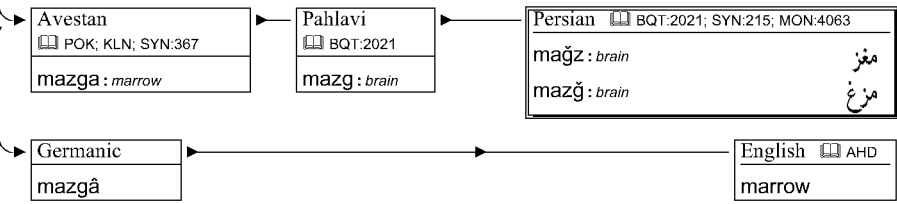
Persian 📖 HRN:224; FFD:77; MON:4080,4433,4455; IEC:802
mūy-īdan : *to cry* (موییدن (مویه، موی، موز، موزه))
most : *groaning, complaint, sorrow* مُست ۲ (مُستمند)
من این مُست گران را با که گویم
من این بیداد را داد از که خواهم
Vīs-o-Rāmīn
HRN:223 links these to Avestan "amā-yavā.grief". See root "Ome".

Moudhiō	see root: Moudh
Mozgho	see root: Mozgo

Mozgo | M.s.h

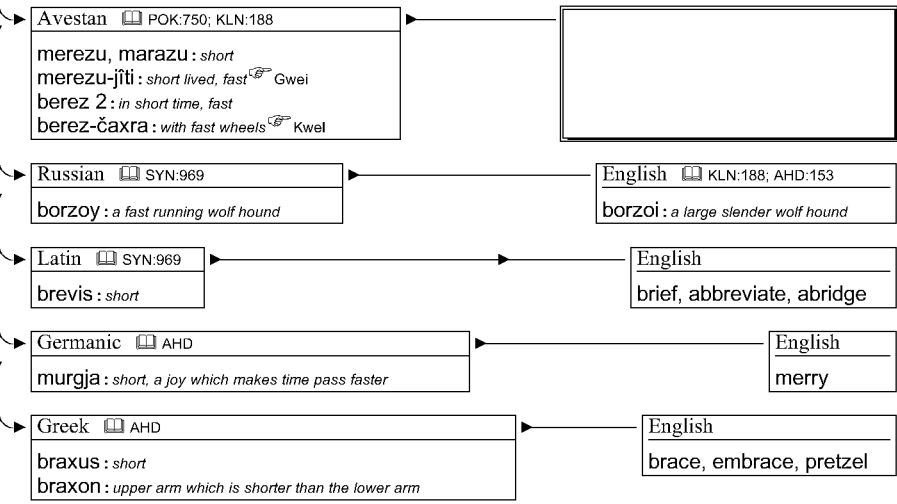
Indo-European  POK:750; KLN:941

Mozgo, Mozgho : *marrow*



Indo-European  POK:750

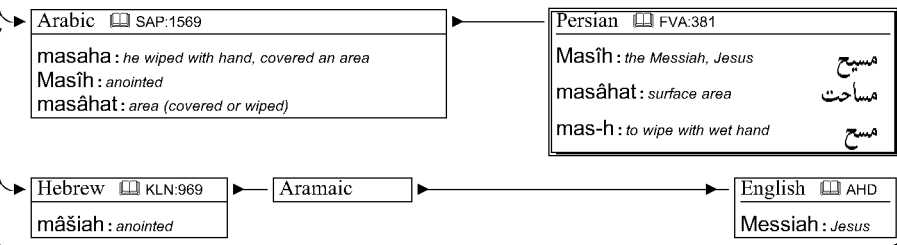
Mreğu, Mrğu : *short*



Mrğu see root: Mreğu

Semitic  KLN:969

M.s.h : *to touch, rub, anoint*



Arabic 📖 FVA:381

M.s.s : *to touch***Massa** : *he touched*

Persian 📖 MON; FVA:381

mass : *to touch*

مَسَّ (مُمَاس ، تَمَاس)

French 📖 PHN:257

Persian 📖 MON:3697

māsāz : *massage*

ماساژ

English 📖 KLN:944

massage

Indo-European 📖 POK:752

Mu, Mus : *a mouse, muscle*

Sanskrit

mus : *mouse*muska : *testicle*

Persian 📖 POK:752; BQT:2053

mūš : *mouse*

موش

Persian 📖 POK:752; BQT:2053; MON:4147

mošk : *musk*

مُشک ۱ (مِسک)

mešk : *musk*

مِشک ۲ (بیدمشک)

meškī : *musk color, black*

مِشکِی (مِشکین)

Ferdowsī : موشکوی شاه - یکی تاج بر سر ز مُشک سیاه

Greek

Latin

muskus

French

English

📖 AHD:865

musk

Germanic 📖 AHD

mus : *mouse*

English

mouse

Latin 📖 AHD

mus : *mouse, muscle*

English

muscle

Mūk | Mūrā

Indo-European 📖 POK:752; IEC:814

Mūk : *pile, peak, spike*

Persian 📖 IEC:814; MON:4445

mūk : *sting*

موک

Germanic 📖 AHD:1530

mūgôn, mūhôn : *heap*

English 📖 AHD

mow : *heap of grain*

Old Norse 📖 AHD:1530

mūgi : *heap*

English 📖 AHD

mogul : *a mound on a ski slope*

Dutch 📖 AHD:1530

mocke : *thing*

male-mocke : *"silly thing", a bird*

English 📖 AHD

malle-muck : *a kind of bird*

Persian 📖 BQT:2055

Mūm : *wax*

موم

Arabic 📖 PLA:254; AFM:148

mūmīya : *wax used
in embalming*

Latin

📖 SKT:340

mumia

French

English 📖 KLN:1014

mummy, mummery

Indo-Schythian 📖 ISS:283

Mūrā : *seal, coin, jewel*

Pahlavi 📖 KLN:993; ISS:284

mutrāk, mudrāk : *ring*
mudar, muhr : *seal*

Persian 📖 HRN:224; BQT:2062,2068; ISS:284

mohr : *seal, coin*

مُهر (مَمهور ، مهره)

بسان سوسن اگر ده زبان شود حافظا

Hāfez چو غنچه پیش تو اش مُهر بر زبان باشد

Sogdian 📖 ISS:284

mwhrg`n

Sanskrit 📖 KLN:993

mūdrā : *coin, seal*

Pahlavi 📖 PLA:247; FVQ:261

Murvârît : *small pearl*

Persian 📖 BQT:1997; FVQ:261; KGW:112

morvârîd : *pearl*مروارید
زشوق لعل تو حافظ نوشت شعری چند - بخوان تو نظمش و در گوش کن چو مروارید

BQT derives this word from Greek

Aramaic 📖 FVQ:261

Arabic

📖 FVQ:261; PLA:247

mardjân : *pearl, coral*

Persian 📖 BQT:1981

marjân : *coral*مرجان
گوهر پاک بپاید که شود قابل فیض
ورنه هر سنگ و گلی لؤلؤ و مرجان نشود

Greek

📖 AHD:1527; KGW:111; FVQ:261

margarites : *pearl*

Latin

Old French

English

margarite, margarine,
Margaret, Marjorie,
Margarita, Maggie, Rita**Mus**

see root: Mu

Arabic 📖 FVA:384; KLN:946

M.v.t : *to die*

Arabic

📖 FVA:387

maot : *death*

Persian 📖 FVA:387; MON:3678,4421

mawt, mowt : *death*

موت (مَمَات)

mayyet : *dead person*

میت

mât : *dead, dull, confused*

مات

kîš-mât : "king is dead", *checkmate* 📖 Ksei 1

کیش مات

من چو ابرم تو زمین موسی نبات - حق شه شطرنج و ما مائیم مات

Latin 📖 FSD:1526

mattus : *dull, dead*

POK:694 derives Latin "mattus" from Indo-European root "Mad: wet".

French

📖 FSD:1526

mat : *dull*

English 📖 FSD:526

mat 1 : *dull*

AHD:805 derives English "mat" from root "Mad".

French 📖 PHN:257; DEV:159

mat : *defeated*e'chec et mat : *checkmate*"checkmate" reached Europe
through debatable paths

English 📖 LKT:115; KLN:946

mate 2 : *to overcome*
checkmate

Spanish

📖 KLN:946

matar : *to kill*matador : *(bull) killer*

French 📖 MON:3678

matador

Persian 📖 MON:3678

mâtâdor

ماتادور

English 📖 KLN:946

matador

N

Indo-European 📖 POK:755

Na 1, Nau, Naus : boat

Avestan / Old Persian

📖 PRT:429; HRN:229; IRN:123

nâu, nâviya : ship. Also any groove, line, cavity or trench used as a guide for carrying water, grain, arrow, etc.

nâv-dân : water path, gutter

👉 Dâ 2

Persian 📖 BQT:2110; MON:4644

nâv : ship, water path, pipe, river

nâv-dân : water way, gutter 👉 Dâ 2

Attâr

ناو
ناودان
ناوشکن ، ناودیس ، ناوسار ، ناخدا
ناوگان ، ناوران ، ناوبان ، ناودار
درتجیر طفل میزد دست و پا - آب می بردش به ناو آسیا

Persian 📖 MON:4645,4650

nâvânîdan : to bend something (shape like a boat)

nâvîdan : to walk while moving to the sides (like a ship)

Molavî

ناوانیدن
ناویدن
چو مست هر طرفی می فتی و می ناوی - که شب گذشت کنون نوبت دعاست، فحش

Persian 📖 MON:4649; BQT:2112; FSF:321

nâveh : a guide for feeding grains to a mill, a hollow piece of wood used for carrying mud and cement, the groove on grains, the hole or guide used for shooting small arrows, the arrow shot this way.

nâvak : a small arrow (shot through a guide)

ناه
ناوک
دلم از ناوک مرگان جفا دوخته ای - کشتن عاشق بیدل ز که آموخته ای Bahâr

Latin 📖 AHD

navis : ship

English

navy, navigate

Greek 📖 AHD

naus : ship

English

nautical, nausea, noise, nautilus, astronaut, cosmonaut, aeronaut

Indo-European 📖 POK:754

Nâ 2 : to help

Avestan / Old Persian 📖 HUB:43; HRN:72

pa-nâtha, pati-nâtha, pa-nâh : protection help, shelter 👉 Pa

Persian 📖 HRN:72; BQT:418

panâh : shelter

پناه

Akkadian 📖 AKD:60

Nabatu : *to shine*

Nabtu, Naptu : *light, lamp oil*

Aramaic 📖 KLN:1027

naftā : *oil*

Arabic 📖 KLN:1027

naft : *oil* نفط

Persian 📖 KLN:1027; BQT:2155; AKD:60; MON:4777

naft : *oil, kerosene*

نفت ، نفت
هر کجا نفت و آب جمع شوند - نفت بالا و آب زیرتر است
Khâqānf
POK:316 & HRN:232 derive "naft" from "Nebh:cloud".

Greek 📖 FSD:1649; KLN:1027

naphta : *oil*

SKT:344 derives the Greek word from Persian "naft: oil".

French 📖 PHN:283

Persian 📖 MON

naftālin : *Naphthalene*

نفتالین

Latin 📖 KLN:1027

naphtha

English

naphthalene, naphthol

Indo-European 📖 AHD

Nabja : *beak*

Persian 📖 ISS:143; MON:4857

nok, nūk : *tip, beak*

nūl : *beak*

نوک
نول
حرص بٹا آمد کہ نولش در زمین - در تر و در خشک میجوید دفين
Molavī

Sogdian 📖 MON

nwk : *beak*

Old English 📖 ISS:143

nebb : *nose, beak*

English 📖 AHD

neb, nib, nipple, nibble

Nabtu

see root: Nabatu

Avestan / Old Persian 📖 HRN:239; SYN:936; BRT:1036

Naēma : *half*

This word is cognate with Sanskrit word "nēma:half"

Pahlavi

📖 BQT:2233; SNS:290

nēm : *half*

Persian 📖 BQT:2233; BRT:1036

nīm : *half*

نیم (نیمه، نیمروز، نیم رخ، نیمشب)
روندگان طریقت به نیم جو نخرند - قباى اطلس آنکس که از هنر عاریست
Hāfēz

Naēza | Namra

Avestan 📖 BQT:2226

Naēza : *sharp point*

Pahlavi 📖 MON:4884

nēzak : *spear*

Persian 📖 BQT:2226; PLA:265; SDQ:73; FSF:336

nayzeh : *spear, also a flag post*

Daqīqf

نیزه (نیزه)
جهان از بدی ویژه او داشتی - برزم اندرون نیزه او داشتی

Old Persian 📖 BQT:2107

Nagan, Nağan : *bread*

Pahlavi

📖 BQT:2107; SNS:223

nân : *bread*

Persian 📖 BQT:2107; HRN:229; HUB:101

nân : *bread, food, sustenance*

Ferdowsī

نان
ز گیتی دگر هر که درویش بود - و گرنانش از کوشش خویش بود

Nağan

see root: Nagan

Indo-European 📖 IEC:825

Naks, Nask : *twist, twine*

Avestan 📖 IEC:825

naska : *thread*

Pahlavi 📖 MON:4683

nax : *thread*

Persian 📖 IEC:825; MON:4683

nax : *thread, string*

نخ

Latin 📖 IEC:825

naxae : *bonds*

Avestan / Sanskrit 📖 HRN:230

Namra : *soft*

Pahlavi 📖 HRN:230

namr, narm : *soft*
namrak, narmak : *soft thing, pillow*

Persian 📖 BQT:2130

narm : *soft*

Sanâf

نرم (نرمه، نرمک)
من از آتش عشق هم نرم گردم - اگرچه ز پولاد سخت است لادم

Arabic 📖 Vdq:403

namraq : *pillow*
namâreq : *pillows*

Persian 📖 MON:4815

namraq : *pillow*

نَمَرَق (نمرقه، نمارق)

Avestan 📖 HRN:230

namra-vâxš : *soft sound (voice)* ^{Wekw}

Indo-European 📖 POK:754

Nana, Nena : a child word for mother a nurse

Sanskrit 📖 POK:754; KLN:1062

nana : mother

Persian 📖 KLN:1062; POK:754; HRN:234

naneh : a slang word for mother or nurse

نه

English 📖 AHD

nana, nanny

Late Latin 📖 AHD

nun

English 📖 KLN:1062

nun, nunnery

Greek 📖 POK:754; AHD

nana : aunt
nannus : little old
man, a dwarf

Latin 📖 AHD:872

nanūs : dwarf, short

English 📖 AHD:872; KLN:1027

nano- : a prefix meaning a small amount,
one billionth of a specified unit.
nanosecond, nanometer**Naptu**

see root: Nabatu

Sanskrit 📖 HJB:642

Naranga : orange tree

Persian 📖 HJB:642; BQT:2095

nâreng : a citrus fruit

nârengî : tangerine

anâr : pomegranate (see SKT:360)

IEC:1645 derives "anâr" from Indo-European roots "Nôr, Anôr: juicy"

نارنگ

نارنگی

انار ؟

Arabic

nâranj

Persian 📖 MON

nârenj : a citrus fruit

نارنج
نارنجی ، نارنجک

Spanish

naranja

Italian

arancia

French

English 📖 SKT:360

orange

Narda

see root: Nedo

Nârikelah | N.b.b

Sanskrit KLN:1028

Nârikelah, Nârikerah : coconut

Pahlavi PLA:256

anârgîl

Persian AHD:873; BQT:2095

nârgîl : coconut

nârgîleh : a water pipe made with coconut shell

نارگیل
نارگیله

French AHD:873

narguile : water pipe

English

nargeela, narghile :
water pipe

Nârikerah

see root: Nârikelah

Indo-European POK:755,768

Nas : nose

Avestan / Old Persian KNT:193

nâh, nâham : nose

Sanskrit KNT:193

nas : nose

Germanic AHD

nasô : nose

Latin AHD

nâsus : nose

English KNT:193

nose, nostril

English AHD

nasal, naso-

Nask

see root: Naks

Nau

see root: Na 1

Naus

see root: Na 1

Semitic KLN:138

N.b.b : to make hollow, dig a hole

Akkadian KLN:138; AKD:30

nebâbâ : hole

imbûbu : hollow tube

bâbu : door

bâb-ilu : gate to gods 𒂗 Layh

Aramaic AKD:30

Arabic

Persian MON

bâb 2 : door

anbûb : pipe, flute

Bâbel : Babylonia

باب ۲
انبوب
بابل

Hebrew

English KLN:138

Babel, Babylonia

Ndher

see root: En

Ndhi

see root: En

Ndhos

see root: En

Indo-European POK:756; KNT:167

Ne 1, Nei 3, An 4: *no, not***PART 1**

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Avestan / Old Persian POK:756

na 1, ni 3, naiy: *no, not*ni-us-tavah: *not out of power, strong* Ud 1, Tëu 1

Persian BQT:2210

na: *no*

نَا (نَا)

nastüh: *energetic (fighter)*

نَستوه

Avestan / Old Persian

POK:757; KNT:167

a- 2, â- 2, an-: *no, not*

Pahlavi BQT:264; KNT:209

a-purn-ây: *"not full of life",*
young Aiw

Persian BQT:264

bornâ: *young*

بَرِنَا

Avestan / Old Persian BQT:36,72,788

an-âhita: *not dirty, innocent* Ahuan-aoša: *not mortal* Ōus 1â-zarema-dugedâ: *ageless woman*

Ger 2

a-xšae-na: *not bright, dark blue*

Ksei 2

Persian MON, BQT

ânâhîtâ: *"innocent, pure"*

آناهیتا (ناهید)

anūseh: *eternal*

انوشه (انوشیروان)

âzarmîdoxt: *"ageless woman"*

آزرمیدخت

xašan:

a blue bird Ksei 2

خَشن (خشیار ، خشنسار)

Avestan / Old Persian BQT:46; POK:594,743

a-karana: *endless* Karanaa-muyamnô: *not movable* Mewa-sūr: *not morning yet, dawn* Keu 4an-usant: *not willing, reluctant* Wek

Sanskrit AHD

a-, an-: *not*

Germanic AHD

ne, na, un-

English

no, none, not, nothing, nor, neither, never, un-, undo

Sogdian SOD:32

n` : *no, not*n`-krtk: *"not done", uncoined silver* Kwer

Persian BQT:2157

noqreh: *silver*

نقره

Latin AHD

ne: *not*ne-ūllus: *not any, null* 1 2ni-scīre: *not knowing, silly*nek, neg: *not*negāre: *to negate, deny*

Arabic TAD:73

naker, n.k.r: *to negate,*
deny, not recognize

Persian FVA:415

enkār: *denial*

انکار

مُنکِر ، نَكِير ، نکره

English AHD

null, nice, negative, neglect, negotiate, deny

Ne 1 | Ne 2

Indo-European  POK:756; KNT:167

Ne 1, Nei 3, An 4: *no, not*

PART 2

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Greek  AHD

a-, an- : *no, not*

a-sēma : *unstamped (silver)*  Sēma

a-tomos : *"not breakable", atom*

a-sphallein, asphaltos : *"not slippery", asphalt*  Sphallein

a-sbenunai : *"not extinguishable", asbestos*  Gwes

Pahlavi  KNT:209

asēm : *silver*

sîm : *silver*

Persian  KNT:209; BQT; MON

sîm 2 : *silver, also referring to mercury and electric wire*  Sēma

سیم ۲

Latin

French

Persian  VOP

atom : *"not splittable", atom*

âsfâlt : *"not slippery"* (آسفالت ، آسفالت ، آسفالت)  آسفالت

English  AHD

a-, an-, atom, asphalt, asbestos

Latin  AHD

in- : *not*

English  AHD

in- 2, ineffective

Indo-European  POK:758

Ne 2, Nes 2: *our, us*

Avestan  POK:758; KLN:1683

na 2 : *us*

ahma, ahmāka : *we*

Pahlavi  BQT:1931; SNS:232

amâg, amâh : *we, us*

Persian  BQT:1931

mâ : *we, us*

ما

Old Persian  SOD:209

amāxam : *we*

Sogdian  SOD:206,209

m`x, m`ġw : *we*

Germanic  AHD

uns : *us*

unsara : *our*

English

us, our, ours

Indo-European 📖 POK:315

Nebh : cloud**Nembh** : moisture**Ombhro** : rain

Avestan 📖 POK:316

nab, napta : humidity,
moisture

Pahlavi

📖 HRN:232; SNS:282

namb : moisture

Persian 📖 POK:316; BQT:2167; HRN:232

nam : moisture

نم

Persian 📖 SNS:282; HRN:232; BQT:2155; POK:316

naft : oil, kerosene

نفت (نفت)

Ferdowsī

باسپ و بنفت آتش اندر زدند - همه هندیان دست بر سر زدند

See BQT:2155 and Akkadian root "Nabatu:to shine" for another derivation.

Avestan 📖 BQT:2170; MON:4818

nemadhka : salt

Persian 📖 BQT:2170; MON:4818

namak : salt, charm (نمکدان ، نمکین ، نمک)

Sogdian 📖 SOD:239

nm`dk : salt

Avestan 📖 KLN:772; POK:316; SNS:11

awrem, awra, awar : cloud

BQT:79 derives these from Sanskrit

"ab-bhra: water carrier".

See roots "Ab 1" & "Bher 1"

Pahlavi 📖 SNS:11

awr, avr, abr : cloud

abr-āmūn : cloudy

Persian 📖 POK:316; SNS:11

abr : cloud

abrāmūn : cloudy

ابر
ابرآمون

Latin 📖 AHD

Neptunus : sea god

French

Persian 📖 MON

Neptune

نپتون

English

Neptune

Latin

English

nebula, nimbus

Ned | Nedo

Indo-European POK:758

Ned : to bind, tie

Avestan

POK:759

naska : book

Pahlavi

MON

nask : book

Persian BQT:2140; MON:4727

nask : Zoroastrian book or any section of it

نَسک
از اطاعت با پدر زردشت پیر - خود به نسک آفرینگان گفته است
Labīf

Arabic

VDQ:400

nasx : written text

Persian FVA:399

nosxeh : copy, prescription

نُسخه (نسخه)
ناسخ، استنساخ، نسخ^۲

Germanic

AHD

English

net 2 : mesh

Latin

AHD

nōdus : knot

nectere : to tie

English

node, annex, connect

Indo-European POK:759; BQT:2221

Nedo, Narda : reed, pipe, flute

Old Persian

HRN:237

nada : flute

Persian POK:759; BQT:1185,2104,2221; MON:2957

nâi, nay, nâl : flute, windpipe

sumây, sornâ : a flute played at festivities^{Keu 4}

kornâ : a horn played at war^{Koro}

qaraney : black flute^{Kar 2}

عیس چو توئی ما را هم کاسهٔ مریم کن - طنبور دل ما را هم نالهٔ سُرنا کن
Molavî

نای، نی، نال

سورنای، سُرنا

کُرنا (کارنای)

قره نی، قرنی

Sanskrit

POK:759; HRN:237

nadah : reed

naladam, nalada

Persian SKT:344; HRN:237; BQT:2093

nard 2 : spikenard

نرد^۲، نارد، ناردین

Arabic

PLA:257

nard

Greek

nardos

Latin

nardus

English KLN:1028

nard, spikenard

PART 1

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Indo-European  POK:760

Nei 1, Ni 2 : *to shine, to be excited*

Old Persian  POK:760; KNT:192; AIN:59; SPG:227

ni 3, naiba : *beautiful, brave, good*

Pahlavi  SNS:291; BQT:2237; AIN:60

něv : *brave*

něv-ak : *good*

Persian  KLN:1033; BQT:2127; TZF:20

Nīv : *brave*

nard 1 : *backgammon, distorted form of "Nīv Ardešīr"  Ar*

nīk : *good, pure*

Ferdowsī *چو طوس و چو گودرز گشواد و گيو - چو گرگين و فرهاد و بهرام نيو*

نيو (نيوان)

نرد ۱

نيک (نيکو)

Persian  PLA:27

âbnīk : *good (distilled) water?*  Ab 1

آب نيك

Greek  WEB:44

ambix : *a cup used in distilling water*

Arabic  WEB:44; PLA:27

al-anbīq, al-ambīq : *distilling apparatus*

May have been derived from Greek "ambix" which is related to the Persian word (WEB:44 & TAD:4).

Persian  MON:362

anbīq : *distilling apparatus*

انبیق

Spanish  KLN:47

alambique :

distilling apparatus

French  KLN:47

alambic

May be through Latin "alambicum"

English

alembic

Persian

rūnīk : *beautiful*  Leudh

رونيک (نيکرو)

Arabic  AFM:74; FVF:297

raonaq : *beauty, splendor*

Persian  MON:1694

rownaq : *splendor, success*

رونق

Latin  KLN:1033

ni-tēre : *to shine*

English

neat

net 1 : *pure*

Nei 1 | Neia

Indo-European 📖 POK:760

Nei 1, Ni 2 : *to shine, to be excited*

PART 2

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Sanskrit

📖 POK:760; UNV:51

nīli, nīlah : *dark blue*

nīlotpala : *blue lotus*

Persian 📖 BQT:2231

nīl : *indigo*

līlak : *lilac*

Farrokhi Sīstāni

نیل، نیلوفر، نیلپر، نیلقر، نیله
لیلک
برآمد نیلگون ابری ز روی نیلگون دریا
چو رای عاشقان گردان چو طمع بیدلان شیدا

Arabic

laylak

Spanish

French

English 📖 AHD:757

lilac

Arabic

📖 AHD:52

al-nīl : *the indigo*

Portuguese

English 📖 AHD:52

anil, aniline

French

📖 AHD:52

aniline

Persian 📖 MON:98

ânâlîn

آنیلین

Indo-European 📖 POK:760

Nei 2, Neia, Nī 3 : *to lead, guide*

Avestan / Old Persian

📖 KLN:1026; HRN:265; SYN:712; POK:760; KNT:193

nī 2, nay : *to guide*

nayeiti : *leads*

fra-nay : *leads forward* 🌀 Per 1

Pahlavi 📖 HRN:265

nītan : *to lead*

ânītan : *to bring*

Nei 3

see root: Nei 1

Neia

see root: Nei 2

Indo-European POK:762

Nek 1 : to destroy

Sanskrit POK:762; BQT:1471; HRN:285

nāṣa : to disappear
 pra-naṣa : to be finished
 pra-nač : absent, absent minded

Persian HRN:182; BQT:1471

farnâs : dumb, crazy

فَرَنَاس
 گفت نقاش چونکه نشناسم - که نه دیوانه و نه فرناسم
 Orisrî Balxî

Avestan

POK:762; KLN:1059; SYN:290; KNT:192

nasayeti, nashta : disappear
 nasu, nas 1 : corpse, decayed body
 nasu-pâka : corpse burner ^{Ter 1} Pekw

Pahlavi

SNS:272

nasâ, nasây :
 corpse

Persian BQT:2136; MON:4714

nasâ : corpse, corruption

نَاسَا
 نَاسَا و پلیدی بدانجا برند
 که مردم بران راه برنگذرند
 Zartosht-Nâmeh

Old Persian

KNT:192,193

nath : perish
 vi-nath : injure,
 harm ^{Ter 1} Wi

Pahlavi BQT:1836; SNS:282; MAG:186

vinâs, vinâh, gunâh : destruction, sin

Arabic VDAQ:38; MAG:186

jonâh : sin

Persian BQT:1836

gonâh : sin

Persian MON:1243,1245

jonâh : sin (جنه)

Latin AHD

nocēre 2 : to harm
 noxa : injury

English

nuisance, innocent
 noxious, obnoxious

Greek AHD

nek-tar : death overcoming drink ^{Ter 1}

English

nectar, nectarine

Nek 2

see root: Neku

Sanskrit HRN:238

Někš : to pierce

Pahlavi

BQT:2228; HUB:104

něš : sting
 nēš-tar : a sharp,
 pointed tool ^{Ter 1} Der 1

Persian BQT:2228; SYN:565

nîš : sting

nîštar : a sharp tool, tooth

Ferdowsî

نیشتر، نشتر، نیشدر
 سرو دارد و نیشتر چون گراز - نیارد شدن پیل پیشش فراز
 Der 1

Neku | Nekwt

Indo-European  POK:316; KLN:524

Neku, Nokut, Nek 2, Nk, Enek, Enk : *to reach, arrive, carry*

Avestan

 KLN:524; SYN:707; BRT:1067

nas 2 : *to attain, reach*

naš : *to carry*

nasaiti : *he reaches*

fra-nāš : *to bring*  Per 1

ašnaoti : *he arrives at*

asa 2 : *parcel, shipment*

Old Persian  TZF:62

âs 2, âša : *to arrive, come*

It is not certain if these words
belong to this family of words.

Persian  TZF:62

âsîdan : *to arrive, come*

آسیدن
زبان پهلوی هر کو شناسد - خراسان آن بود کزوی خورآسد
Fakhr Gorgānī

Germanic  AHD

ga-nôga : *not little, sufficient*

English  KLN:524

enough

Germanic  AHD

bher-nk : *to arrive carrying (something), bring*  Bher 1

English

bring

Nekw

see root: Noktis

Nekwt

see root: Noktis

Indo-European POK:763

Nem 1 : to assign, take

Avestan
POK:763; KLN:1048

nemah 1 : loan,
what is given
back, a prayer

Pahlavi BRT:1070

namač : prayer
BQT:2167, POK:764 and SYN:544
derive this word from Old Persian
"nam: to bow in respect". See "Nem 2"

Persian BQT:1070

namâz : prayer نماز
چو نزدیک رستم فراز آمدند
پیاپی به رسم نماز آمدند
Ferdowsi

Greek AHD

nomos : law

Arabic

BQT:2106; MON:4629

nâmûs : law, rules

Persian

nâmûs : rules, dignity, family ناموس

Latin AHD

numerus : a portion, a number

English AHD

-nomy, economy, astronomy

Italian

numero

Arabic MON:4815

nomreh

Persian MON:4815

nomreh : number (نمره)

French AHD

nombre

English AHD

number, numerous

Different Languages AHD

English AHD

numb, nomad

Indo-European POK:764

Nem 2 : to bend, bow in respect,
also brush wood and twigs

Avestan / Old Persian
POK:764; WLD2:234; SYN:544

nam : to bend, bow
nemah 2 : bowing in respect
namaiti : bends
fra-namaiti, apa-namaiti
nemata 1 : twigs

Pahlavi BQT:2167

namač : bowing, prayer
BRT:1070 derives it from
Avestan "nemah: what one
owes." See root "Nem 1".

Persian BQT:2167; FSF:328

namâz : prayer نماز
چو نزدیک رستم فراز آمدند
پیاپی به رسم نماز آمدند
Ferdowsi

Avestan NYB:135

Nemata 2, Nimatâ : straw, grass

Pahlavi NYB:135; HRN:233

namat : felt rug or cloth

Persian BQT:2169; KLN:1026

namad : a thick felt cloth نمد

Sogdian SOD:240

nmt : felt

Nembh

see root: Nebh

Nena

see root: Nana

Indo-European  POK:764; IEC:836

Nepôt: grandson

Neptis: grand daughter

Avestan / Old Persian

 KLN:1039; POK:764; KNT:193; MFL:102; IEC:836

napāt, napā: grandson

naptis: grand daughter

Pahlavi  PHD:57

nab: grandchild

Persian

 BQT:2117,2208; HRN:234; IEC:836; MON

naveh: grandchild

نوه

نواده ، نبیره ، نواسه ، نواشه

nabas: daughter's child

نَبَس (نبسه)

صفت ذات او همین نه بس است

که رسول خدای را نبس است

Amīr Khosrow

Latin  KLN:1039; POK:764

nepōs: grandson

Old French  AHD

neveu: nephew

English

nephew, niece

Neptis

see root: Nepôt

Indo-European  POK:765**Ner 1** : vital energy, manAvestan  POK:765; SYN:81; HRN:238

nar, nairya : man, male

naire-manâw : manly mannered  Men 1

nairyava : manliness, strength

Persian  BQT:1796,2126,2132,2225

nar : male

Narimân : "like a man", a male name

nîrû : strength

نر

نریمان

نیرو

Avestan  POK:765

nâirî : female, lady, woman

Pahlavi  SNS:264

nâyrig : (pious) woman

Avestan  POK:765hu-nara : good virtue, skill  Su 1Persian  BQT:2381

honar : skill, virtue, art

هنر

Greek  AHD; KLN:47

a-ner, andros : man

alex-andros : protector of men  Alekphilo-anthrôpos : fond of people  BhiliEnglish  AHD

android

Alexander, Andrew

philanthropy

Syriac  VDQ:108Arabic  VDQ:108Edrîs : name
of a prophetPersian  MON5:109

Edrîs : a prophet

إدریس

عیسی و ادریس بر گردون شدند

Molavi با ملایک چون که هم جنس آمدند

Arabic

Eskander : Alexander

Persian  MON5:144

Eskandar

اسکندر

Ner 2 | Nes 2

Indo-European POK:975; KLN:1028

Ner 2, Nerq, Sner, Snerq : to turn twist

Greek POK:975; KLN:1028; SKT:344; PRT:427

narkē : cramp, numbness

narkissos : a beautiful flower plant known
for the seductive properties of its flowers

Pahlavi BQT:2129

narkis : narcissus

Latin KLN:1028

French

Germanic AHD

snaerwa : cord, trap
narwa : narrow

Persian BQT:2129

narges : narcissus

nargeseh : star, sky

nargesī : a food

گرد نرگس دان گردون بین هزاران نرگسه
هر طرف زمین نرگسه صد گلستان آمد پدید
A'mīd Lobakī

English AHD:872

narcissus

English

narcotics

English

snare, narrow

Nerq

see root: Ner 2

Indo-European POK:766

Nes 1 : to join, reunite, return, be safe

Avestan POK:766

asta 2 : home, residence

Greek POK:766

naos : temple, sanctuary

Syriac

MON:4649

nausâ : grave,
cemetery

Arabic

MON:4649

nâvūs : tomb,
underground
cemetery

Persian MON:4649; BQT:2086

nâvūs : cemetery,
temple, church

ناووس ، ناوس ، ناؤوس
بسام ابرص و حربا و خنفسا و جعل
بجیغه گاه و بناووس و مستراح و خلاب
Khâqânī

Greek AHD

nostos : a return home

English AHD

nostalgia

Germanic AHD

nas-ja : food for journey

English AHD

harness

Nes 2

see root: Ne 2

Indo-European POK:767

Neu : *to cry*

Avestan / Old Persian FFD:77

nard : *to cry*

Persian FFD:77

nâlfidan : *to moan*

نَالیدن (ناله ، نال)

HUB:103 derives "nâlfidan" from Sanskrit "nard: to cry".

Sanskrit POK:767

nav, navatē, nāuti :
to cry

Persian HRN:149,236; BQT:2209; MON:4859

novīdan : *to cry*

نُویدن

zenūdan : *to cry, moan*

زَنُودَن (زَنُوییدن ، زَنُویه)

Labībī

زرد دل آن شب بدان سان نُوید - که از ناله اش ، هیچکس نغنیوید

Latin POK; AHD

nūntium : *message*

English

announce, pronounce

Neudh

see root: Sneudh

Indo-European POK:318

Newn : *nine*

Avestan POK:318

nava 1, nauma : *nine*

navaiti : *ninety*

nava-dasa : *nineteen* Dekm

Pahlavi BQT:2210

naum

Persian BQT:2195

noh : *nine*

نه

نود ، نوزده

Old Persian BQT:2210

navama : *ninth*

Germanic AHD

niwum : *nine*

English

nine, ninety, nineteen

Latin AHD

novem : *nine, ninth month*

nōna : *ninth hour after sunrise (noon)*

English

November
noon

Indo-European POK:769,770; AHD:1531

Newo : *new*

Nu : *new time, now*

Avestan POK:769,770; KLN:1059; KNT:194; IEC:854

nava 2 : *new*

nũ, nũrem : *now*

Pahlavi

MON:4859

nīvēd : *good news*

Sogdian SOD:246

nwr : *now*

Old Persian POK:770; KNT:194

nũram : *now*

Germanic AHD:1531

neuja : *new, now*

Greek AHD

neos : *new*

Latin AHD

novus : *new*

Persian BQT:2173; HRN:236

now : *new*

aknũn, knũn : *now*

نو
اکنون، کنون

Persian IEC:842; MON:4859

novīd : *good news*

نوید
بیا که رایت منصور پادشاه رسید - نوید فتح و بشارت به مهر و ماه رسید
Hāfez

نوید

بیا که رایت منصور پادشاه رسید - نوید فتح و بشارت به مهر و ماه رسید
Hāfez

Indo-European KLN:1042

Nî 1 : down, below

Avestan / Old Persian KLN:1042

ni 1 : down

Avestan / Old Persian

BQT:2134,2145,2147,2201; POK:884

ni-jan : put down, sad[⌚] Gwhen 2ni-had, ni-shidhaiti : to sit down[⌚] Sedni-xšvaepâ : down slope[⌚] Xshvaepâni-pais : write down[⌚] Peigni-part : fight down[⌚] Per 3ni-vart : roll down[⌚] Wer 2

Persian BQT

nažand : sad, put down

نژند

nešastan : to sit down (نشستن، نشیمن، نشیم)

našib : down slope

نشیب

neveštan : to write down

نوشتن

nabard : fight

نبرد

navardīdan : to roll

نوردیدن (نورد)

نباشد شادمانی بی نژندی

Ferdowsī

نه پیروزی بود بی مستمندی

Avestan / Old Persian

POK:235,454; BQT:2211; HRN:238

ni-dâ : to lay down, hide[⌚] Dhē 2ni-gaoša : to listen[⌚] Ōus 1ni-gâma : (place for) inserting down[⌚] Gwani-kasa : look[⌚] Kwek

ni-az : that which pushes you down, need

[⌚] Angh

Persian

nahâdan : to lay down

نهادن (نهان)

niūšīdan : to listen

نیوشیدن

nîâm : sheath

نیام

negâh : look

نگاه

nîâz : need

نیاز

به گوش هوش نیوش از من و به عشرت گوش
که این سخن سحر از هاتمم به گوش آمد
Hâfez

Avestan / Old Persian

BQT:2171; HRN:233

ni-mâ : measure down, show[⌚] Menî-gaona : downward[⌚] Gëu 1

Persian MON:4812

nemūdan : to display

نمودن

نمود، نمودار

nemâīdan : to represent

نماییدن

نما، نمایش، نماینده، نمایان

negūn : downward

نگون (نگونسار، سرنگون)

Avestan SOD:237,244,252

ni-gerepta : pressed down[⌚] Grehbni-yaštâya : to settle down establish[⌚] Stani-paidhya : to lie down (step down)[⌚] Ped?

Germanic AHD; KLN:1042

nith : below

nist : place to sit down, nest

English

beneath, underneath

nest

Ni 2

see root: Nei 1

Nî 3

see root: Nei 2

Nimatâ

see root: Nemata 2

Sanskrit / Malaysian 📖 SKT:295; HJB:514

Nîmbŭ, Limŭ : *lemon, lime*

Persian 📖 BQT:1922; MON:3671

lîmŭ : *lemon, lime*

ليمو

Turkish

limon

French 📖 VOP:319

limon, limonâd

Persian 📖 VOP:319

lîmonâd : *lemonade*

ليموناد

English 📖 KLN:878; AHD:748

lemon, lemonade

Arabic

lîmah

Spanish

lima

French

English

📖 KLN:890; AHD:758

lime : *a citrus fruit*

Persian 📖 VOP:314

lây : *a drink*

لايم

Indo-European 📖 KLN:1049

Nis

Avestan / Old Persian 📖 KNT:193; KLN:1049; DZA:57

niš, nij : *away, off, out*

niš-bar : *to carry out* 🌀 Bher

Sanskrit 📖 AHD:889; KLN:1049

nir-vanah : *blowing out, extinction* 🌀 Wê 1

Persian 📖 MON:4882

nîrvânâ : *extinction of soul by absorption into the Supreme Being*

نيروانا

English 📖 AHD:889

Nirvana : *extinction of soul by absorption into the Supreme Being*

Akkadian 📖 AKD:61

Nitiru : *natron; carbonate of soda*

Hebrew

📖 AKD:61; KLN:1031

nither, nether :
natron

Greek

📖 KLN:1049

natron

Arabic

📖 KLN:1031

natrūn

Persian 📖 MON:4745

natrūn : *sodium*

نطرون

Spanish 📖 KLN:1031

natron

English

natron

Latin 📖 KLN:1049

nitrum : *natron*
natrium : *sodium*

Persian 📖 MON:4880

nītrīc : *nitric*

نیتریک اسید

nītrāt : *nitrate*

نیترات

nītrogen : *nitrogen*

نیتروژن

French 📖 KLN

nitre : *nitrate*
of potassium

English 📖 AHD; KLN

nitre, nitrate, nitric, nitrogen, nitroglycerine

Nk

see root: Neku

Indo-European 📖 POK:314

Nobh, Ombh, Mbh : *nave, hub*

Avestan / Old Persian 📖 POK:314

nâf, nâfah, nafa, nâfô : *nave*

Persian 📖 KLN:1032; HRN:228; BQT:2100

nâf : *nave*

ناف

nâfeh : *musk bag*

نافه

Sanskrit 📖 SNS:258; POK:314

nâbh, nâbhi : *nave, family, race*

Germanic 📖 AHD

nabo

English

nave, navel, auger

Latin 📖 AHD

umbilicus : *navel*

English

umbilicus

Nôġ | Nogh

Indo-European IEC:848, 1236

Nôġ, Snôġ : *whim, triviality, fancy*

Old Iranian FFD:77

nâz : *happiness, pride*

Pahlavi FFD:77

nâz : *to be happy, mince*
nâčuk : *delicate*

Persian FFD:77; HRN:228

nâz : *affected manners, pride*

nâzok : *thin, delicate*

Sâeb

ناز (نازیدن ، نازنین)

نازک

نازی که داشتم به پدر چون عزیز مصر

در غربت این زمان ز خریدار میکشم

Greek IEC:848, 1236

nôgla : *snacks*

Latin IEC:848, 1236

nŭgae, nôgae : *trifles*

Indo-European POK:780

Nogh, Onogh : *nail*

Sanskrit

POK:780; SNS:258

nakhâ, naxâ : *nail*

Pahlavi

SNS:258; HRN:228

nâxun : *nail*

Persian

POK:780; BQT:2089; SYN:245; KLN:1028

nâxon : *nail*

ناخن

Germanic AHD

nagla : *nail*

English

nail

Indo-European POK:769

Nogw : *naked*

Avestan POK:769; KLN:1026; SYN:325

mağnâ : *naked*

See "Būnai: *naked*" for another possible root

Pahlavi ISS:256

brahnak : *naked*

Persian ISS:256; MON:517

berehneh : *naked*

برهنه

See "Būnai: *naked*" for another possible root.

Germanic AHD

nakw-eda

English

naked

Latin AHD

nudus : *naked*

English

nude

Indo-European IEC:364

Gumnos, Gunos : *beautiful, naked*

Persian IEC:364; MON:4760

na-ġām : *not beautiful, ugly* Ne 1

نَعام

چون صورت و کار دیو را دیدی
بگذار طریقت نغامش را

Nāser-Khosrow

Latin IEC:364

vinnus : *wanton*

Greek AHD

gumnos : *naked*

gumnazein : *to train naked*

French

Persian MON:1779

žimnâstik : *gymnastics*

ژیمناستیک

English

gymnasium, gymnastics, gym

Indo-European POK:762; AHD:1530; IEC:850; SYN:992

Noktis, Neku, Nekwt : *night*

Old Persian IEC:850

naktin : *night*

Sanskrit IEC:850; KLN:1047

naktih : *night*

naktam : *at night*

Germanic POK:762

naht : *night*

English KLN:1047; AHD

night, nightingale

Latin POK:762

nox, noct : *night*

noctua : *night owl*

English AHD

nocti-, nocturnal

noctule

Greek POK:762

nux, nukti : *night*

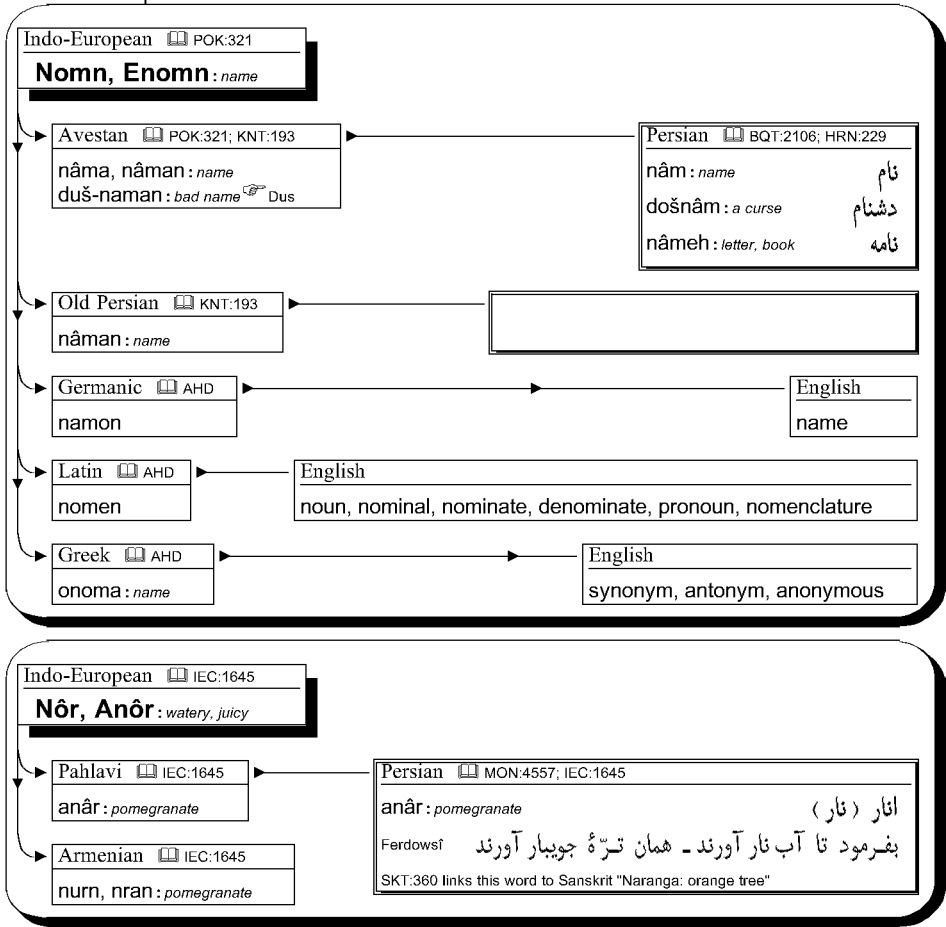
English AHD

nyctalopia

Nokut

see root: Neku

Nomn | Nu



Nu

see root: Newo

Semitic 📖 KLN:982

N.w.r : *to shine, light up*

Arabic 📖 KLN:963,982

nūr : *light*

nār : *fire*

manāreh : *candlestick, lighthouse, minaret*

Persian 📖 MON; SAP:1734; FVA:418

nūr : *light*

نور (انوار ، انور) نورانی ، نیر ، منور ، تنویر

manâr : *minaret*

منار (مناره) نار

English 📖 KLN:982

minaret

Hebrew 📖 KLN:963

mēnôrâh : *candlestick*

ab-ner : *my father is light* 📖 Ab 2

English

menorah, Abner

Avestan / Old Persian 📖 SYN:110; KNT:194

Nyâka, Nyākâ : *grand parent*

Pahlavi 📖 BQT:2221; UNV:52

niyâk, niyâkân : *grandparents*

Persian 📖 BQT:2221; HRN:238

nîyâ : *ancestor*

نیا ، نیاکان چنين بود رسم نیاکان تو - سرافراز و دیندار و پاکان تو

Ferdowsi

Avestan / Old Persian 📖 KNT:168

apa-nyâka : *great grandfather, ancestor* 📖 Apo

Nyākâ

see root: Nyâka

O

Obhi

see root: Ambhi

Indo-European WLD1:167

Oies : pole

Avestan SYN:496; BRT:32

aeša 2 : pole, plow shaft

Persian HRN:114; BQT:803; MON:1465

xîš 2 : plow or wagon pole

xîškâr : farmer

Ferdowsî

خیش، خویش ۲
خیشکار، خویشکار ۲
کنم چاه آب اندرو صد هزار - توانگر کنم مردم خیش کار

Oi-no

see root: 12

Indo-European POK:775

Okto : eight

Avestan / Old Persian POK:775; KLN:504; GPL:41

ašta 3 : eight

ašta-dasa : eighteen ^{De} Dekm

aštâti, aštaiti : eighty

Persian BQT:2238

hašt : eight

هشت

هشجده، هشتاد

Germanic AHD

ahtô

English

eight, eighteen, eighty

Greek AHD

oktô : eight

oktô-pous : eight legged ^{Ped}

French

octopode

Persian MON:164

اختاپوس

Latin AHD

octô

English

October, octagon, octave

Sanskrit DVS:130

astâu : eight

Indo-European POK:775

Ôku : swift

Avestan POK:775

âsu : swift

âsya : faster

âs-išto : fastest 𐬯𐬀𐬎𐬎

Sogdian SOD:10

âs`wk` : deer, gazelle

Pahlavi BQT:71; SOD:10

âhūk 1, âhūg : a fast running animal, deer

Persian MON:109

âhū 1 : deer

آهوا

Avestan / Old Persian

BRT:458

karši-ptan : swift flying 𐬕𐬀𐬱𐬀𐬎 Pet 1

Compare with Latin "acu-pedius"

Pahlavi HRN:191

karšift : a fast bird

Persian

BQT:1652; MON:2988; HRN:191

kašak : a bird, magpie

کَشَک

کَشَکَرِک

Latin AHD; POK:775,826

acu : swift

acu-pedius, acci-piter : fast flying (bird), falcon 𐬕𐬀𐬎 Pet 1

English AHD:9

accipiter : a hawk

Greek

FSD:1707?

ôkys : swift

Greek

FSD:1707; TAD:5

ôkeanos : swift, ocean
KNT:164 derives this word from Greek "Keanos:lying, siting".
See Root "Keanos".

Arabic TAD:5

oqyânūs : ocean

Persian MON:327

oqyânūs : ocean

اقیانوس

Latin AHD:909

ôceanus : ocean

English AHD

ocean

Indo-European POK:775

Okw : eye, to see

Avestan POK:775

aši, axši : eyes

aiwi-axši : to oversee 𐬕𐬀𐬎 Ambhi

Pahlavi

ni-aš, niš : to watch

Persian BQT:2143

nešân : a mark, sign, medallion

نشان

Germanic AHD:1467

augôn : eye

vind-auga : wind eye (opening) 𐬕𐬀𐬎 Wě 1

English

eye

window

Greek AHD

opsis : sight

English AHD

optic, autopsy, synopsis

OI 1

see root: AI 1

OI 2

see root: UI

Olëna

see root: EI 3

Ombh

see root: Nobh

Ombhro

see root: Nebh

Indo-European 📖 POK:778

Ome : to move with energy

Avestan 📖 POK:778; SYN:298

ama : strength, attack (injury) force
 amâ-yavâ : injury, annoyance, grief
 arša-ama : with power of a bear [⚡] Rktho

Persian 📖 BQT:31

Aršām : "strong as a bear",
 a male name

ارشام (آرشام)

Sogdian 📖 SOD:6

âm'n : power, force, strength

Ono

see root: An 2

Onogh

see root: Nogh

Indo-European 📖 POK:780

Op : work, produce in abundance

Avestan 📖 POK:780

hu-apah, hv-apah : good work [⚡] Su 1
 afnah : possessions

Sogdian 📖 SOD:436

xwp : good

Persian 📖 HRN:111

xūb : good, nice
 خوب

Germanic 📖 AHD

oft : frequently

English

often

Latin 📖 AHD; KLN

opus : work
 optimus : with most production or possessions
 co-op : plenty
 optio : choice (from abundance)
 opi-facium : work to be done, duty [⚡] Dhē 2

English

opera, operate, maneuver
 optimum
 copy
 option
 office

French

Persian 📖 MON

اپرا ، مانور

Opi

see root: Epi

Indo-European POK:325

Opop : a bird sound

Persian POK:325; BQT:424; IRT:46

pupu : a bird with tall crown and long beak

Manūchehrf

پوپو (پوپک، پوپه)
پوپک پیکي نامه زده اندر سر خویش - نامه گه باز کند گه شکند بر شکنا

Latin POK:424; AHD:633

upūpa

English

hoopoe

Or

see root: Er 1

Indo-European POK:782

Orghi : testicle

Avestan POK:782; KLN:1092; SYN:257

ērēzi, arazi : testicles

Greek POK:782

orxis : orchid flower
named after its
testicle-shaped root

Latin

orchis

French

Persian

orkīdeh : orchid

ارکیده

English AHD:924; KLN:1092

orchid

Ōs

see root: Ōus 2

Indo-European  POK:783

Ost : *bone*

See the note under root "Kostrib bone"

Avestan

 SYN:207; POK:783; KLN:1099

ast, ascu : *bone*

asča : *shin bone*

Pahlavi

 BQT:124; HRN:20

astag, astak : *bone*

astuxan : *bone*

Persian  MON

ast 2 : *bone*

است ۲

ostoxân : *bone*

استخوان

hasteh : *core*

هسته

xastu : *core*

خستو ۱

Old Persian  TZF:26

ast : *bone*

Sogdian  SOD:67

`stk : *bone*

Latin  AHD

os 1 : *bone*

English

os, ossify

Greek  AHD

osteon : *bone*

ostreon : *oyster*

English

osteo- , oyster

Indo-European  POK:78,785; KLN:126,494

Ōus 1, Au 1, Aus 1 : *ear*

PART 1

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Avestan  POK:78; HRN:8; KLN:126

aviš, avišiya : *heard, known, clear*

Persian

āškār : *clear, obvious*

آشکار

Avestan  POK:785

ūši : *two ears, intelligence, mortal life*

ūši-dāta : *intelligent*  Dô 2

Persian  POK:785

hūš 1 : *intelligence*

هوش ۱

hūšyâr : *intelligent*

هوشیار

Avestan  BQT:178; FSF:51

an-aoša : *without a mortal life*

Persian  BQT:178; FSF:51

anušeh : *eternal, happiness, wine*

انوشه

Anošîravân : *"with eternal spirit"*

انوشیروان

بدو گفت پیران که ای شهریار

Ferdowsî

انوشه بُدی تا بود روزگار

Pahlavi  BQT:178

anōšak : *eternal life*

anōšak-ruvân : *with eternal spirit*

Persian  ARM:206; HRN:30

nūš : *drink (for eternal life)*

نوش، نوشدارو، نوشابه

nūšîn : *sweet drink*

نوشین

nūšîdan : *to drink*

نوشیدن

Indo-European POK:78,785; KLN:126,494

Ôus 1, Au 1, Aus 1 : ear

PART 2

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Indo-European

POK:457

Ghosh : ear

Derivation from this root is not certain.

Avestan

POK:457; BQT:1858

gaoša : ear

gaoša-vare : carried by the ear

Bher 1

Persian

gūš : ear

gūšvāreh : earrings

گوش

گوشواره

Avestan POK:454

ni-gaoša : to listen

Nf 1

Persian BQT:2239; MON:4746

nīušīdan : to listen (نیوشیدن (نیوشه

nağūšīdan : to listen (نغوشیدن (نغوشه

فرستاده را گفت نیکو نیوش

بگو آنچه بشنیده‌ای تیز هوش

Ferdowsī

Pahlavi ETM:71

ni-ğōšāg : one who listens, referred to the followers of the Mānī religion. It was later used to mean a "non-Moslem"

Persian ETM:71; MON:4746

naghūšā : نغوشا (نغوشاک)

The followers of Mānī religion

تاویل کرد موبد از مذهب نغوشا

Daqīqī

آن زردهشت کو بود استاد پیش دانا

Germanic AHD

English

ear

Greek AHD

English

anesthesia

Latin AHD

audire : to hear

English

audio, audience, audit, obey

Ôus 2 | Ozgho

Indo-European POK:784

Ôus 2, Ôs, Aus 3 : *mouth, lip*

Avestan

POK:785; SYN:228; KLN:1091; BQT:1049

âh : *mouth*

aošta, aoštra : *lip*

uz-ah, zâ 2 : *push out of opening, give birth* Ud 1

zâ-dhana : *child holder, womb* Dhē 2

zâ-âp : *spring, river* Ab 1

Persian

MON:1763; IRN:108

zeh 2 : *to give birth* (زهیدن ، زاهیدن) زه ۲

zehdân : *womb* زهدان

zahâb : *river, spring* (زاب) زهاب

گیرم که خارم خارِ بد، خار از پی گل میزهد

صراف ز رهم می نهَد جو بر سرِ مثقالها

Molavî

Latin

AHD:929; KLN

ôs 2, ôr : *mouth, face*

ôscillum : *a face mask hung from a tree to swing(oscillate) in the wind*

English

oral, orifice, oscillate; usher

Ow

see root: Aw

Owo

see root: Aw

Ôwyo

see root: Aw

Ozdo

see root: Ozgho

Indo-European POK:786

Ozgho, Ozdo : *branch, bud, offspring*

Pahlavi POK:786; IEC:863

azg : *branch, offspring*

Sanskrit IEC:863

adgah : *stalk*

Persian BQT:114,115; IEC:863; MON:218

azğ : *branch, shoot* ازغ ، ازغ ، آ ازغ ، ازگ ۱

azm : *child* ازم

Old Norse AHD:910

oddi : *bud, point, triangle, third or any odd number*

English

odd

P

PART 1

SEE OTHER PART (S) FOR MORE DERIVATIVES

Indo-European

POK:787,842; SYN:103; KAS:10

Pa : *to protect, to feed*

Pa-ter : *protector, feeder (of the family), father* ^{Ter 3}

Poti, Potiš : *protector, husband, power, also self*

This has probably started as a nursery word and became a usual term in the Indo-European languages. Compare with the root "Baba".

Avestan / Old Persian

HRN:41,72; KLN:114; AHD:1532

pa 1 : *to guard*

Avestan / Old Persian

POK:842; HRN:41; KLN:144,157; AHD:1532

paiti 1, patiy, pavan, pâna : *master, protector*

pathra : *protection*

fšu-paiti : *cattle protector,*

shepherd ^{Pek}

paiti-xšathra : *protecting king* ^{Ksei 1}

Avestan

POK:842; SNS:267

xvaē-pati, xvaē-paithya : *one's own self* ^{Seu 1}
"pati, paithya" means self or own in this combination

Avestan / Old Persian

HRN:72

âthur-pât-gan : *fire protector* ^{Ater}

pa-nâh : *protecting help,*

shelter ^{Nâ 2}

paiti-dâma : *body protection* ^{Dhē 2}

Pahlavi

IRN:119

ô-pât-ân : *city with protected waterways*

^{Ab 1}

arta-pân : *protector of justice* ^{Ar}

Avestan

POK:829; SYN:104

pitar : *father*

Persian

BQT:358,1069; KLN:169; FSF:335; TZF:21

pâyîdan : *to watch* پاییدن (پادن، پای ۲، پاس)
پاد، پادشاه، پادگان

bân : *a suffix meaning protector* - بان ۱

پاسبان، دربان، سروان، چوپان، شبان
pâlûdan : *not to contaminate, clean* پالودن

پالایش، پالوده، فالوده، پالان
پاسبان حرم دل شده ام شب همه شب
تا در این پرده جز اندیشه او نگذارم
Hâfēz

Persian

POK:842; SNS:267

xîš 1 : *self* خویش ۱

Persian

BQT:418

Âzarbâyjân : *A city in Iran* آذربایجان

panâh : *shelter* پناه

panâm : *mouth guard used by Zoroastrians* پنام

Persian

IRN:119; BQT:98,101

Âbâdân : *a port city at Persian Gulf* آبادان

Ardavân : *"protector of justice"* اردوان

Persian

pedar : *father* پدر

Indo-European

POK:787,842; SYN:103; KAS:10

Pa : *to protect, to feed***Pa-ter** : *protector, feeder (of the family),**father* Ter 3**Poti, Potiš** : *protector,**husband, power, also self*

This has probably started as a nursery word and became a usual term in the Indo-European languages. Compare with the root "Baba".

PART 2

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Pahlavi BQT:202

pâp, Pâpak : *father. Suffix -k**indicates respect and love.*

BQT claims these are cognates with

Latin "papa" but does not give details.

Persian BQT:202; HRN:34; NYB:150; MON:428; AEF:197

bâb 1 : *father*

باب ۱ (بابا، بابو، بابک، بابکان)

سدیگر بهر سیدش افراسیاب - از ایران و از شهر و از مام و باب
Ferdowsi

The words "bâb" and "bâbü" as a title of respect may be from a different root and mixed up with "bâbâ.father" See root "Baba".

Germanic AHD

fôd : *food***fadar** : *feeder, father*

English AHD; DVS:142

food, feed, fur
father, pattern

Latin POK:847; AHD

potere (potis) : *to be able***pâscere** : *to feed***pater** : *feeder, father*

English AHD; DVS:142

potent, potential, power, possible, possess
pasture, pantry, company
paternal, patronage

Greek AHD

pater, pappas

English AHD; DVS:142

patriot, Pope, papa

Pag

see root: Pak

Pais

see root: Pis

Paita

see root: Pele

Indo-European POK:787

Pak, Pag : *to fasten*

Avestan POK:787; KLN:1110

pas : *to tie, fetter*

Latin KLN; AHD

pangere : *to fasten***pacici** : *to agree***pâlus** : *stick, pole***pâgus** : *boundary staked out on ground***prô-pâgēs** : *offspring*

English AHD

pact, compact
peace, pace, Pacific, pacify
pole, palette
peasant
propagate

Iranian  SYN:402**Pambak, Bambak** : *cotton*

Pahlavi

 BQT:419; MON:814panbak, pambak :
*cotton*Persian  BQT:419; MON:814panbeh : *cotton, to have cotton in ears means to be ignorant*Nezâmi پننه
نظامی بس کن این گفتار خاموش - چه گوینی با جهان پننه در گوشGreek  KLN:185bombax : *silk cotton*

Latin

 KLN:185

bombyx

French

English  KLN:185bombast, bombazine : *soft padding*Aramaic  SYN:402bambak : *cotton*Indo-European  POK:789**Parîkā** : *sweet heart, fairy*Avestan  POK:789; KLN:1115pairikā : *beautiful woman*

AEF:375 has a discussion on the original meanings of "pairikā" as a seducer.

Pahlavi

 POK:789; KLN:1115parîk : *fairy*Persian  POK:789; KLN:1115; HRN:69; BQT:396,864parî : *fairy; beautiful woman*پری
پریسا، پریدخت، پرپیچهر، پرپوش
طفیل هستی عشقند آدمی و پری
ارادتسی بنما تا سعادتسی ببری
HâfezEnglish  KLN:1158; SKT:384Peri : *fairy*

Semitic

Arabic  KLN:1115Bilqîs : *queen of Saba (Saba)*

KLN links this word to the other words in the chart but does not provide details.

Persian  MON:5:277Belqîs : *queen of Saba*بلقیس
همچو آن هدیه که بلقیس از سبا
بر سلیمان می فرستاد ای کیا
MolaviGreek  KLN:1115pallas : *maiden*Pallas : *a Greek goddess protecting Troy*Latin  KLN:1115English  KLN:1115palladium : *a metallic element***Parni**

see root: Parth

Pârsa | Partia

Old Persian 📖 KNT:196

Pârsa : name of an Aryan (Indo-European) tribe who migrated south to Persia (Iran) about 4000 years ago. Also name of a province south of the Persian Empire

Persian 📖 BQT; MON5:322; IRN:63

Pârs, Fârs : *Persia*

Pâsârgâd : home of the Pârs people

Pâsârgâd was also name of an early Iranian tribe.

پارس ۱، فارس
پاسارگاد، پارسه گاد

Greek

📖 SYN:377

persis : *Persia*

Latin

persis : *Persia, Persian*

malus persica : *Persian apple (peach)*

English 📖 AHD:963

Persia, peach

French 📖 VOP:120

pêches : *peach*

pêches melba : *peach ice cream*

Persian 📖 VOP:120

pešmelbâ : a fancy
peach ice cream

پشملبا

Old Persian 📖 KNT:196

Parth, Parni : the name of a tribe in Khorāsān who rose to power and pushed the Greeks out of Iran in 250 BC.

Parthava, Partia : the province of Parthians in N.E. of the Persian Empire.

Persian 📖 BQT; MON; FSF:117

pârt : an ancient Iranian dynasty

pahlov : a Parthian, a strong and brave hero

Ferdowsī

هم از پهلوی، پارس، کوچ و بلوچ - زگیلان جنگی و دشت سروج

پارت
پهلوا
پهلبد، پهلوی

English 📖 AHD:955; WEB:1306

Parthia

parting shot : thrusts delivered in retreat as Parthian archers used to do

Latin 📖 AHD:952

perica pellis : *Parthian leather*
particaminum

Old French

parchemin

English

parchment

Parthava

see root: Parth

Partia

see root: Parth

Sanskrit 📖 SYN:26

Parvan : knot**Parvata** : knotty, rugged

Avestan 📖 SYN:26; BQT:401

paurvatā : mountain range

paurvatā-vac : sound of mountains,

echo 🗣️ Wekw

Persian 📖 BQT:345,399,401

paž : rough terrain, mountain

pâpaž : mountain range, rough terrain

pažvâk, pežvâk : echo

Khosravânî

سفر خوش است کسی را که بامراد بود
اگر سراسر کوه و پز آیدش در پیش**Parvata**

see root: Parvan

Pa-ter

see root: Pa

Indo-European 📖 POK:790

Ped, Pod : foot**PART 1**

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Avestan / Old Persian 📖 KLN:1112

pâd, pâdha, pad, pada : foot, step

Persian 📖 BQT:344,367; HRN:63

pâ : foot, base

pây-în : towards the feet, down

pâ-jâmeš : pants, pajamas 🗣️ Yôs

Ferdowsî

بشهر اندر آمد سراسر سپاه - پپی را نبد بر زمین نیز راه

پا (پای، پی، پاچه، پایه)

پایین

پاجامه

Hindustani

📖 HJB:748

pañ-jâma

English

📖 AHD:943; KLN:1112; AID:234

pajamas

Persian 📖 MON:868,902

pîjâmeš (پی جامة)

Avestan 📖 POK:790

padika : walker

padâtaka : pedestrian

Persian 📖 BQT:434; NYB:147

payk : messenger

piyâdeš : pedestrian

Hâfez

مرحبا ای پیک مشتاقان بگو پیغام دوست
تا کنم جان از سر رغبت فدای نام دوست

پیک

پیاده

Sogdian

📖 SOD:270,273

pd : foot

pdny : heel

Persian 📖 SOD:270; FRS:173; SLW:98

pal : heel

Ma'rûfî

همیشه کفش و پلش را کفیده بینم من - بجای کفش و پلش دل کفیده بایستی

پل

Latin 📖 AHD; KLN:1166

ped : foot

ped-yôs : lowest, worst

English

dispatch, impede, pedestrian, pessimism, pedicure

Indo-European 📖 POK:790

Ped, Pod : *foot***PART 2**

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Greek 📖 AHD:1365; KLN; POK:790

pous, peza : *foot*kalo-podion : *wooden foot, mold* ^{كؤ 1}oktô-pous : *eight legged, octopus* ^{Okto}

Pahlavi 📖 BQT:1075

kal-pâd : *mold, shape, body*

IEC:1049,1051 derives this word from Avestan "kehrp: flesh", from Indo-European root "Kwrp, Kwerp: shape, form body".

Persian 📖 MON:2858; IEC:1047

kâlâ : *manufactured good, merchandise*

کالا

چو کالا بر فراز عرصه چیدی

Assâr

عیان تا آخر بازی بدیدی

References are not very clear on the derivation paths.

Persian 📖 BQT:1075; MON:2859

kâleb : *mold*

کالب

kâlbod : *body*

کالبد

این من و این من که در این کالب است - هیچ مگو جنبش این قالب است

Nezâmf

Arabic 📖 KLN:223; PLA:215

qalib : *mold*q.l.b : *to make, turn around*

Persian 📖 MON:2621; FVA:337

qâleb : *mold*

قالب

قلب ، انقلاب ، منقلب

مقلوب ، تقلب ، قالب

Italian 📖 KLN:223

calibro : *mold, size*

French

Persian 📖 MON:2868

کالبر

English

caliber

French

octopode

Persian 📖 MON:164

oxtâpûs

اختاپوس

English

octopus, pilot, podium

Greek 📖 AHD:1365

tra-peza : *"four-legged"*table, trapezoid ^{Kwetwer}

Arabic 📖 MON:1481

dar-bezin : *a seating area between two doors of a room*

Persian 📖 MON:1481

dârâbzîn :

a seating area

دارابزین

داربازین، دارافزین، داروزین

Latin 📖 AHD

English 📖 AHD

trapezoid, trapeze

Germanic 📖 AHD

fot : *foot*

English

foot, fetch

Indo-European POK:792

Peg : breast

Sanskrit AHD

pakṣa : breast, wing

Hindustani AHD; KLN:1272

pankâ : a curtain used to fan a room

Persian MON:824

pankeh : fan پنکه

English AHD:1060; KLN:1272; FWE:233

punka : curtain used for fanning a room

Latin AHD

pectus : breast

English AHD

pectoral

Indo-European POK:793

Peî : sap, fat

Avestan HRN:81,181

pitū, pithwa : food, fat
fra-pithwa : fat (adjective)
Per 1
duš-pithwa : bad fat,
abscess Dus

Pahlavi BQT:1450

pîh : fat (noun)
fra-pîh : fat (adjective)

Persian BQT:1450; MON:844

pîh : fat (noun) پیه (په)
farbeh : fat (adjective) فربه
صد جگر پاره شد زهر سوبی
تا درآمد پهی به پهلویی
Nezāmī

Persian BQT:852; MON:1523

došpîh : abscess دُشپیه (دُشپیه)

Avestan POK:793

payah : milk
paēman : mother's
milk

Persian MON:969; BQT:449; SNS:141

pînū : dried whey, sour milk
panîr : cheese
Nâser-Khosrow

پینو
پنیر

نیکی بگزین و بد به نادان ده - روغن بخر و جدا کن از پینو

Avestan SOD:42

angu-paēna : sweet sap,
honey Embhi

Pahlavi BQT:174

angubin : honey

Persian BQT:174

angabîn : sweet sap, honey انگبین
سکنجبین، گزانگبین
آن یکی گفت انگبین دارم بسی
میفروشم سخت ارزان، کو کسی؟
Attâr

Sogdian SOD:53,109

pt : meat
pt-xw' r : meat eater
brpyğ : fat

Germanic AHD

faitaz : fat

English

fat

Latin AHD

pinus : a resinous tree (pine)

English

pine

Indo-European POK:794

Peig : to mark

Avestan

POK:794; SYN:1284; SNS:143

paes, paeš : to decorate,
mark

paēsah, pištra : decorated,
skilled

Persian BQT:440, 443; MON:904; HRN:80

pīseh : black and white markings

پیسِه

pīšī : a disease identified with markings on skin

پیمِسی

pīseh : skill, job skill, job

پیشِه

Sa'dī هر پیسه گمان مبر که خالی است - باشد که پلنگ خفته باشد

Avestan / Old Persian POK:794; SYN:1284

ni-pais : mark down, write Nf 1

Pahlavi

BQT:2201; UNV:54

nipištan : to write

nibištan : to write

nipēk, nibēg : book,

written material

Persian ZFS:37; MON:4669

neveštan : to write

نوشتن

nobī : book, the holy Koran

نُبی

موسیچه و قمری چو مقریانند

Khosrovānī

از سروینان هریکی نبی خوان

Old Persian SNS:164; KNT:194

paith : to mark, decorate

ni-paith : mark down, write Nf 1

Latin AHD

pingere : paint, picture, tattoo

English

paint, picture, pigment

Germanic AHD

fihla : cutting tool

English

file : grinding tool

Indo-European 📖 POK:797

Pek : wool, to pluck wool

Peku : woolly animals, cattle, property

Avestan 📖 POK:797

pasu, pašman : wool

fšu : cattle

fšu-pait : protector of cattle, shepherd 🐑 Pa

Persian 📖 POK:797; SNS:123,125

pašm : wool

šabân, čûpân : shepherd

پشم
شبان ، چوپان

Sogdian 📖 SOD:51,298

ps : sheep

Germanic 📖 AHD

feht : to pluck out wool, fight

English

fight

Germanic 📖 AHD

fehu : property

fēlag : partner sharing property

English

fellow

Latin 📖 AHD

feudum : property, feudal state

French

feodal

Persian 📖 MON

feodâl : owner of large land

فئودال

English

feudal

Peku

see root: Pek

Indo-European POK:798

Pekw : *to cook*

Avestan POK:798; BQT:370; SYN:336; FFD:40

pax, pač, pačaiti : *to cook*

-pāka : *a suffix referring to the cook.*

nasu-pāka : *corpse burner* Nek 1

Pahlavi SNS:137; FFD:40

puxtag : *cooked*

paz : *cook*

Persian BQT:370; AEF:195; IEC:920

poxtan : *to cook, bake*

پختن (پزیدن، پز)

bâ, vâ : *suffixes referring to*

با، - وا

the cook or how something is cooked.

نانوا، شوربا، سپیدبا، سِکبا، فاربا

گر برای شوربایی بر در اینها روی

Khâqânî

اولت سِکبا دهند از چهره آنکه شوربا

Latin AHD

coquere : *to cook, ripen*

bis-coctus : *twice cooked bread* Dwo

English

cook, cuisine,
kiln, kitchen

French AHD:135

biscuit : *a thin cracker*

Persian MON:626

bîskūîf : *biscuit*

بیسکویت

English

biscuit

Arabic AHD:65

al-birquq : *early ripening (plum)*

English AHD:65

apricot

Greek AHD:1059

peptein : *to cook*

pepôn : *a large melon (edible only when ripe)*

French

pompon : *pumpkin*

English

pumpkin

Indo-European POK:799

Pel 1, Ple : *to fill***Pelu :** *a quantity of, a group of*

Avestan POK:799

par 1, perana : *full*ham-par : *to fill together, store* Sem 1perana-âyu : *full of life* AiW

Persian BQT:163,264; FFD:31

por : *full*anbâr : *storage* (انباردن , انباشتن) پُرbornâ : *young* برنا

Avestan

AEF:175; BQT:180

ava-par : *fill down*

Pel 1

Persian BQT:180; AEF:175; FFD:31

obârdan : *to swallow* اِبَارْدَن (اوباردن)obâštan : *to swallow* اِبَاشْتَن (اوباشتن)obâsh : *a tough or rowdy fellow, a gangster* اوباش

Ferdowsî اگر مرگ کس را نیوباردی - زبیر و جوان خاک بسپاردی

Avestan POK:800

frâ 1, fra 1 : *plenty*frâ-yah : *more* Yah 5fra-ēšta : *most* Isto

Pahlavi SNS:126; BQT:1479; MON:2538

frây, frēh : *plenty*frēh-est : *most, plenty*

Persian BQT:1479; MON:2537,2538

fereh, fareh : *plenty, good* فَرِه , فَرِهfarh-ast : *too much, magic* فَرِهَسْت

نیست را هست کند تنبل اوی

هست را نیست کند فرهستش

Abū-Nasr Marghẓī

Avestan POK:800

paoiry-aēnini :

a cluster of stars

Persian BQT:395; AEF:372

parvin : *a cluster of stars*

Ferdowsî پروین (پَرَو , پَرَن) - چو رخسارتو تابش پَرَو نیست

Avestan KNT:196; POK:800; IEC:974

pouru, paourus : *much, many*

Persian IEC:956,974; MON:2508

farāvân : *plenty* فراوان

Old Persian KNT:196; POK:800

paru,parav : *much, many*paru-zana : *many kinds of men* Gene 1

Germanic POK

ful-naz : *to fill*

English AHD

full, to fill

Latin POK

pla-no : *full*pl-us : *more*

English AHD

plenty, plus, manipulate

Greek

pol-us : *many*

French

poly- : *multiple, many*

Persian MON

پلی کپی , پلی تکنیک

English AHD

poly-, polygon, polygamy, polynomial

Pel 2 | Pel 3

Indo-European 📖 POK:804; IEC:977

Pel 2 : *pale, gray*

Porkwos : *bright, clean, pure*

Avestan 📖 POK:807

pouruša, parya :
gray, old

Persian 📖 BQT:436

pîr : *old, aged, spiritual leader*

پیر
بندۀ پیر خراباتم که لطفش داریم است
ورنه لطف شیخ وزاهد گاه هست و گاه نیست
Hāfēz

Persian 📖 MON:653; IEC:977

pârsâ : *chaste* (پارسای)

Sanskrit 📖 IEC:978

parūśah : *colorful*

Latin 📖 AHD

pallēre : *to be pale*
falcō : *gray bird*

English 📖 AHD

pale, appall
falcon

Indo-European 📖 POK:802

Pel 3 : *dust, flour*

Latin 📖 AHD

pulvis, pollen : *dust*

French 📖 AHD:1024

poudre : *dust, powder*

Persian 📖 MON:827

poūdr : *powder*

پودر

Turkish 📖 BQT:216; TAD:6

Persian 📖 BQT:216

bârūt : *gun powder*

باروت

English 📖 AHD

powder, pulverize

English 📖 AHD

pollen

Indo-European POK:805; IEC:918; CEL2:3

Pele, Pelt, Paita : to spread, make flat

Iranian IEC:918

partaka : flap of cloth,
curtain

Pahlavi PHD:64

pardag : curtain, veil

Sanskrit IEC:918

patah : cloth, screen
garment, canvas

Sogdian SOD:284

prd' nk, prd' nk, prthynq : curtain

Persian LAT:853

pardeh : curtain

پرده (پرده دار، سرپرده، پردگی)
طلايه ز هر سو برون تاختند - به هر پرده ای پاسبان ساختند

Ferdowsī LKT:131 claims this has reached Europe through Arabic.

Hindustani HJB:744; AID:242

pardah : curtain, veil

English

AHD:1061; KLN:1273; FWE:233

pardah, purdah : veil

Greek AHD:1533; IEC:918

plan-asthai : to wander around
plas-sein : to spread out in a mold

French VOP:120

plasma
plastique

Persian VOP:120

plāsmā : plasma پلازما
plāstik : plastic پلاستیک

English AHD

planet, plasma, plaster, airplane, plastic

Germanic POK:805

fel-thus : flat land
flō-ruz : floor

English AHD

field
floor

Latin AHD:1533

plā-nus : flat
pal-ma : palm of hand

English AHD

plane, plain, plan, explain
palm

Indo-European

POK:833

Plat : to spread

Avestan

POK:833; KLN:1192

frathah : wide

Persian BQT:1444; HRN:180

farâx : wide, large

فراخ

Germanic AHD

flataz : flat

English

flat

Greek

AHD

platus : flat

Latin AHD:1004

plattus

French VOP:120

platine : platinum

Persian VOP:120

pelâtīn : platinum

پلاتین

English AHD

plate, place, plaza, plateau, platinum

Pelt

see root: Pele

Pelu

see root: Pel 1

Pen

see root: Spen

Pend

see root: Spen

Indo-European POK:808

Penkwe : five

Avestan POK:808

panca : five
pancâsas : fifty

Sogdian SOD:276

pncw, pnz, pnc : five
pnc's : fifty

Sanskrit AHD

panca : five

English AHD

punch : drink
Punjab Ab 1

Persian BQT:419; MON

panj : five (پنج (پنجگان، پنجم، پنجمین، پنجاب)
panjeh : hand (five fingers) (پنجه (پنچک، پنچول)
pânzdah : fifteen Dekm پانزده
pânsad : five hundred Dekm پانصد

Persian MON:822

pânc : a drink made of several (five) fruits (پانچ (پنچ)

Germanic AHD

finfi : five
fingwraz : one of the five, finger
funh-stiz : five fingers, fist

English AHD

five, fifty, fifteen
finger
fist

Greek AHD

pente : five

English AHD

penta-, pentagon

Indo-European POK:808

Pent : to go, pass

Avestan / Old Persian

POK:808; KNT:195

pant, panta, path, pathi, pathâ :
way, path, advice

Persian BQT:422

pand : advice پند
دندانۀ هر قصری پندی دهدت نو نو
Khâqâni پند سر دندانۀ بشنو زین دندان

Scythian AHD:1533

Germanic AHD:1533; KLN:1139

patha : way

English

path

Germanic AHD

finthan : to discover

English

find

Latin AHD

pont : bridge, path over water

English

pontoon

Russian AHD

put : way

English

Sputnik

PART 1

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Indo-European POK:810

Per 1 : around, forward.

Also see roots "Per 2", "Per 3" and "Per 4".

Avestan POK:244,810

pairi, pari, parâ 3, para 3 : *around, perimeter*
 pairi-daeza : *walled-in place, paradise* Dheigh
 pairi-vâra : *sheltered from all around, a barn* Wer 3
 pairi-vaz : *fly around* Wegh
 pairi-šta : *stand around, nurse* Stâ
 pairi-čayēiti : *sort around, divider* Kwei 2

Persian HRN:66; BQT:376-91,437

pîrāmūn : *perimeter* پیرامون
 پردیس، پالیز، جالیز
 پرواز
 پرستیدن، پرستار، پرچین

Greek AHD:950

paradeisos : *paradise*

English

paradise

Avestan

POK; HUB:39; HRN:68

para-kan : *spread around* Gwhen
 para-tab : *shine forward* Tep
 para-tak : *run around, to do* Teku 1

Persian BQT; HUB:39; SNS:133

parākandan : *spread* پراکندن (پراگندن، پراکن)
 partow : *beam of light* پرتو
 pardāxtan : *to do* پرداختن

Avestan

POK; HUB:39; HRN:68

par-šti : *back (causing to stand up)*
 Stâ
 pari-bar, pari-bahr : *carry around, develop* Bher 1
 pairi-kara : *go (draw) around, a compass* Kwer

Persian BQT; HUB:39; SNS:133

pošt : *back* پشت
 parvardan : *develop* پروردن
 pargâr : *compass, fortune, necklace* پرگار
 چنین است گفتار و کردار نیست
 جز از گردش کُر پرگار نیست
 Ferdowsî
 HUB:39 is not sure about the derivation of "pargâr"

Avestan HRN:184; BQT:1442-82

fra 2, frank : *forward*
 fra-thang : *pull forward (culture)* Ten 1
 fra-stâ : *stand (send) forward* Stâ
 fra-aiš, fraēšta : *sent forward (angel)* Stâ
 fra-var : *protecting all around, Farvahr* Wer 3
 fra-var-tinam : *month of Farvahr*

Persian BQT:1446,1482

farâ : *forward, more* فرا (فرا تر)
 فراگرفتن، فراز، فراسو، فرهنگ
 فرستادن، فرشته
 فروهر، فروردین، فردین

Sogdian SOD:155

frtr : *more, better*

Avestan HRN:184; BQT:1442-82

fra-â-marz : *one who forgives all* Mēlg
 fara-mana : *pre-evaluate, order* Me
 fra-dâta : *promotion, call for help*
 fra-jâma : *end of going (destination)* Gwa
 fra-vaxš : *call out to sell* Wekw

Persian BQT:1482

فرامرز، فرمان
 فریاد، فرجام
 فروختن

Indo-European 📖 POK:810

Per 1 : around, forward.

Also see roots "Per 2", "Per 3" and "Per 4".

PART 2

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Old Persian 📖 POK:813; KNT:198,200

fra : forward

frava, fravata : forward, downward

fra-bar : offer, grant 🌀 Bher 1

Pahlavi

📖 KNT:198

frôt : downward

Persian

📖 KNT:198; BQT:1473; HRN:183

forū : down

فرو (فروُد)

forūtan : down to earth

فروتَن

Avestan 📖 POK:810,813,815; HRN:61; AEF:376

paurva, parô, para 4, parâ 4 : former,

earlier

parô-ayare : last day 🌀 Ayer

Persian 📖 BQT:349,397; AEF:331,368,376; ZMA:55

پار ، پارسال ، پارینه ، پَرَن ، پَرندوش
 پَریر ، پَریروز ، پیرار ، پیروسال
 چنبن داد پاسخ که برکوه و دشت
 سواری پرندوش بر من گذشت

Ferdowsi

Old Persian 📖 KNT:195,196

paruva : early

pariy : around

para : later, beyond

parâ : along

Sanskrit 📖 POK:813

pra-jan : with perception,
 one who understands
 beforehand 🌀 Gnô

Pahlavi 📖 BQT

farzânak : smart

Persian 📖 BQT:1459; HRN:181

Farzâneh (فرزین)

Germanic 📖 AHD

fer, fruma, furista

English

far, for, former, first

Latin 📖 AHD

per, pro : first, forward, along

prô-tahere : to draw forward

primo-capus : first in rank, prince

para-meter : measure along

French 📖 AHD

Persian 📖 MON

پارامتر ، پُرتَره ، پرنسس

English 📖 AHD

per, perimeter, parameter, portrait, prince

Greek 📖 AHD

proto- : first

para : along with

para-bolâre : to throw (talk) around 🌀 Gwel 1

proto-inin : of prime value

proto-kolla : the first attached (page)

para-sitos : (uninvited guest) along for food

French 📖 AHD

Persian 📖 MON

پارازیت ، پَرُتَکَل ،
 پارلمان ، پَرَتین

English 📖 AHD

parasite, parallel, protein, parabola,
 parliament, protocol, paragraph

Indo-European 📖 POK:810,811; IEC:927

Per-per-os : flighty, giddy

Latin 📖 IEC:927; POK:811

perperus : rashly

Persian 📖 IEC:927; MON:2521

farfar : in hurry

فَرَفَر

برداشت کلک و کاغذ و فَرَفَر نوشت

Anvari

فی الفور این قصیده مطبوع آبدار

Indo-European 📖 POK:817

Per 2 : to lead or fly across.

Related to the Indo-European root "Per 1".

Avestan

📖 POK:817; KLN:1220

peretu : bridge

Pahlavi

📖 SNS:137

puhl : bridge

Persian

📖 BQT:414

pol : bridge

پُل
دست طمع به پیش خسان میکنی دراز
پل بسته ای که بگذری از آبروی خویش

Sâeb

Avestan

📖 POK:817; AHD:452

hu-parathwa : good to cross over, 🏞️ Su 1
Euphrates river in Iraq.

Persian

forât : Euphrates river

فَرات

Greek

📖 AHD:452

Euphrates

Latin

English

Euphrates

Avestan

📖 POK:816

par 2 : there, over there

pâra 2 : end, shore

Pahlavi

📖 AEF:209

bâr 2 : shore, edge

Persian

📖 AEF:209

bâr 3 : a suffix meaning shore

- بار ۳
رودبار، جویبار، زنگبار، دریابار

Avestan

📖 POK:817,850

parena : feather, wing

Persian

📖 BQT:397; DRM:286

par : feather, wing

پَر (پریدن، پروانه)

Latin

📖 AHD

porta : gate

portâre : to carry

French

📖 AHD

Persian

📖 MON

پاسپورت، ترانسپورت، اسپرت

English

📖 AHD

port, passport, transport, report, support, sport

Indo-European POK:815-818

Per 3 : *opposite, against, in front of, strike*

Related to the Indo-European root "Per 1".

PART 1

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Avestan / Old Persian

POK:815

paiti 2, paiti 3, pati, patiy :

opposite, in front of, against

Pahlavi BQT:440

paitiš, pat, peš :

*in front of, before,
leader*

Persian BQT:242,440,2405

piš : *front, ahead* پیش (پیشینه)

پیشانی، پیشوا، پیشرفت، پیشخدمت

bod, bad 2 : (suffix) *leadership* بد

سپهبد، هیربد، موبد

Pahlavi HRN:33; AEF:190

pad, pa : *to, toward*

HRN:33 claims these prefixes are combinations of Avestan "upa" and "paiti". See root "Upa".

Persian AEF:190,191

be[h] : *to, toward* به (په ۲)

The "b-" and "p-" prefixes have lost their original meaning.

Avestan HRN:68-88; BQT:400-445

paiti-kan : *front digger* Gwhen 1paiti-gar : *say against someone,**blame* Gwer 2paiti-gama : *bring forward (a message)*

Gwa

paiti-kâra : *do (fight) against* Kwer

Persian BQT; HRN

paykân : *arrow tip* پیکانpaygâreh : *blame* پیغارهpaygâm : *message* پیغام (پیغمبر، پیام، پیامبر)paykâr : *fight* پیکار

Avestan HRN:68-88; BQT:400-445

paiti-band : *to bond against/with* Bhendhpaiti-man : *to think against, regret* Men 1

Persian BQT; HRN

payvastan : *join* پیوستن (پیوند)pažmân : *regretting* پژمان (پشیمان)

خداوند زیبای برتر منش

Ferdowsî از او دور پیغاره و سرزنش

Avestan

HRN:68-88; BQT:354,400-434; FSF:99; POK:243

paiti-ma : *to measure against* Mepaiti-raeč : *to leave, avoid* Leigh 2paiti-dâhišn : *given back, reward* Dô 2paiti-sahva : *answer to speech* Kâs 2paiti-râman : *well arranged,**pleasant* Rem

Persian BQT; HRN

paymûdan : *to walk, measure* پیمودن

پیمان، پیمانه

parhixtan : *to avoid* پرهیختن (پرهیز)pâdâš : *reward* پاداش (پاداشن)pâsox : *answer* پاسخPedrâm : *"pleasant"* پدرام

بد و نیک را هر دو پاداشن است

خُنک آنک جاننش از خرد روشن است

Asadî Tûsî

Avestan POK:818

peret : *fight against*ni-part : *fight down* Nt 1â-part : *battle* Apo

Persian BQT:2115; HRN:230

nabard : *battle* نبردâvard : *battle* آورد (آوردگاه)

PART 2

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Indo-European POK:815-818

Per 3 : *opposite, against, in front of, strike*

Related to the Indo-European root "Per 1".

Avestan / Old Persian AEF:336

paiti-jathra : *anti-toxin* ^{Er 2} Gwhen 2
 KLN:169 derives the first part from the
 Indo-European root "Pa:protect" but HUB:36
 and MON:648 do not agree with him.

Persian AEF:334; MON:648; FVF:50

pādzahr : *antitoxin* (پاذهر)
 مبادا که گستاخ باشی به دهر - یکی زهر یابد یکی پای زهر
 Ferdowsi

Arabic FVF:50

bezoar

English AHD:1520

bezoar

Avestan / Old Persian FSF:107; BQT:374; KNT:194

paiti-grab, pati-grab : *to accept* ^{Er 1} Ghrebh
paiti-ar, pati-ara : *challenge, fight* ^{Er 1}
paity-âra : *against progress, enemy, ugly* ^{Er 1}
pati-kara : *form against, body* ^{Kwer}

Pahlavi

FSF:107; BQT:374; MON

padiraftan : *accept*
patirak : *to fight, confront*
patyârak : *ugly*
patkar : *body, bundle*

Sogdian SOD:311

ptkr'k : *image*

Persian BQT; HRN; MON

pazîroftan : *accept* پذیرفتن
pazîreh : *confront* پذیره
patyâreh : *ugly* پتیاره، پتیره
paykar : *image, statue* پیکر (پیکره)
 پذیره شدش دیو را جنگجوی
 سپه را چو روی اندر آمد به روی
 Ferdowsi

Latin AHD

premere : *to strike or press against*
pressuss : *press, pressure*

French

Persian MON

پرس، کمپرس

English AHD

press, compress, print, express

Per 4 | Perk 1

Indo-European POK:817

Per 4, Pera : to assign, to trade.

Related to the Indo-European root "Per 1".

Avestan

POK:817

pâra 1 : debt

Pahlavi

NYB:150

pârak : debt,
bribe, gift

Persian

MON; BQT:351; AEF:333

pâreh : money, gift, a piece of something

پاره (آتشپاره)

به از نیکو سخن چیزی نیابی - که زی دانا بری بر رسم پاره
Nâser-Khosrow

Latin

AHD; KLN:1133

portio, pars : part

pertum : price, worth

English

part, parcel, portion, compare
price, prize, prison

Greek

POK:817; AHD; KLN:1219

pornē : "purchased", prostitute

English

pornography

Pera

see root: Per 4

Indo-European POK:821

Perk 1 : to ask

Avestan

POK:821; SNS:141; AEF:205

fras : to ask

frasâ, frasna : question

prs-sa, pere-sa : to ask

peresaiti : he asks

paiti-frasna : interrogation,
punishment Per 3

Pahlavi

BQT:206,385

porsitan : to ask

pâti-frâs : punishment

Persian

BQT:385; AEF:205; ETM:62

porsîdan : to ask

پرسیدن (پرسش)

pâdafrâh : punishment

پادافراه

ترا زین پیش بسیار آزمودم
چه پاداش و چه پادافره نمودم
Vîs-o-Râmin

See derivation through Old Persian

Old Persian

POK:821; TZF:26; KNT:176

pare-sa : to ask

aparsam : I asked

frašta, frasta : interrogated

Pahlavi

TZF:26

purs : to ask

Persian

TZF:26

porsîdan : to ask

پرسیدن (پرسش)

See the derivation through Avestan.

Latin

POK; AHD

precârî : to pray, ask from God

prex : prayer

English

pray, prayer

Indo-European POK:820

Perk 2 : *rib, chest*

Avestan POK:820

paresu, peresu : *rib, side*

Sogdian SOD:289

prs` : *side, hour, time*

Pahlavi SNS:114

pahlūg : *side*

Persian AEF:415

pahlū : *side* پهلو ۲

Sanskrit POK:820

paršu, pāršu, pāršva : *rib, side***Per-per-os**

see root: Per 1

Indo-European POK:823

Persna : *heel*

Avestan POK:823

pāšna : *heel*

Sogdian SOD:301

pšn` : *heel*

Pahlavi BQT:355

pāšnak : *heel*

Persian

pāšneh : *heel* پاشنه

Latin AHD

perna : *ham, a sea mussel*pernula : *pearl*

English

pearl

Indo-European POK:990

Pestěno : *breast*

Avestan KLN:1513; POK:990

fštāna : *breast*

Sogdian SOD:70

`štnh : *breast*

Persian POK:990; BQT:405

pestān : *breast* پستان

Greek POK:990

sthēthos : *breast*

English KLN:1513

stethoscope

Pet 1 | Pet 1

Indo-European POK:825

Pet 1 : to fly, to fall

Avestan / Old Persian

POK:825; HRN:22

ptâta, tâta : falling

ava-pat : to fall down Au 2

Pahlavi BQT:145

oftâtan : to fall down

Persian BQT:145

oftâdan : to fall down

افتادن

Avestan AEF:382; HUB:41

patta : fallen, low, inferior

HRN:70 claims it is from a different root.

Persian AEF:382

past 1 : low, inferior

پست ۱

Avestan POK:825

pataiti, patayeiti : flies

patareta : flying

Avestan POK:825

fra-ptaražât : bird Per 1

paiti-pasti : approach, step Per 3

Old Persian

POK:825; KNT:194

pat : to fly

Old Persian POK:825; KNT:194

ud-pat : rise up, rebel Ud 1

ud-a-pat-atâ : arose, rose up Ud 1

Avestan / Old Persian

POK:825; BRT:458

karši-ptan : swift flying (bird)

Oku

Compare with Latin "acu-pedius"

Pahlavi HRN:191

karšift : a fast bird

Persian BQT:1659; HRN:191

kašak : a fast bird, magpie

کَشک

کَشک , کَشکرک

Germanic AHD

fethro : feather

English

feather

Latin AHD; BRT:458

petere : to go forward

piter : fly

acci-piter, acu-pedius : a swift flying bird, falcon Oku

English AHD

compete, repeat
accipiter

Greek AHD

petron : wing

heli-k-pter : spiral wing

French AHD:611

helicopter

Persian MON:5165

helicopter : helicopter

هلیکوپتر

Sanskrit POK:825

patita : fallen, low

English AHD

helicopter

Greek AHD

pipo : to fall

potamos : falling water, river

hipos ho potamios : river horse, hippopotamus Ekwos

English

hippopotamus

Indo-European POK:824

Pet 2 : to spread

Avestan POK:824

pathana, perethu : wide

Latin POK:824

pandere : to spread out (walk)

passus : step, pace

French

Persian BQT:433

pahn : wide (پهن، پهنه)

Persian MON

pâssâge پاساژ

pâsport : passport پاسپورت

English AHD

pass, passage, passport
compass, pace

Greek AHD:980

petalon : leaf

patanê : platter, a wide plate or pot (pan)

English

petal, pan

Indo-European

Peu, Peue, Pu 1 : to purify

Avestan HRN:62

pāvaka : pure, clean

Pahlavi

Persian

pâk : clean, pure پاک

Latin AHD; KLN

pūrus : clean

English

pure

Peua

see root: Pū4

Indo-European POK:998

Peud, Spheud : to press, hasten

Old Iranian FFD:44

paud, paud-a : to run

Pahlavi FFD:44

pôy : to run

Greek POK:998

speudo : hasten

Persian POK:998; ISS:130; MON:826

pū : running

پو (پوی، پویه، تکاپو)

pūyīdan : to walk fast

پویندن (پوینده)

pūyâ : runner

پویا (پویان)

pūyânīdan : to make animals go fast

پویانیدن (پویانندن)

Ferdowsī

نبد راه بر کوه از هیچ روی - بگشتم بسی گرد او پوی پوی

Peue

see root: Peu

Peuk | Piko

Indo-European POK:828

Peuk, Pug : *to prick*

Avestan SNS:175; HUB:73

spôz : *to pull out, remove, also hesitate*

Pahlavi HRN:156

spož, spôxtan : *to pierce, pull out*

HRN is not certain about the link with Latin word "pungere"

Pahlavi SNS:175

spôzed : *hesitate*

Persian BQT:1091; FSF:221

sepūxtan : سپوختن^۱ (اسپوختن^۱ ، سپوزیدن)
to pierce, throw in, pull out

ولی را گاه نه بر گاه بنشان - عدو را چاه کن در چاه بسپوز
Sūzant

Persian BQT:1091; FSF:221

sepūxtan : *to hesitate, delay*

sepūz-gār : *one who hesitates* سپوزگار^۲ (اسپوختن^۲)

نه مرگ از تن خویش بتوان سپوخت - نه چشم جهان کس به سوزن بدوخت
Ferdowsi

Latin AHD

pungere : *to prick*

English AHD

puncture
pivot, point, punctuate

Persian MON:822

pančār : *punctured, flat (tire)*

پنچر

Pî

see root: Pô 2

Pikho

see root: Piko

Indo-European POK:830; WLD2:70

Piko, Pikho : *lump, knot*

Avestan POK:830; WLD2:70

pixa : *knot, ball*

nava-pixem : *a stick with nine knots used in Zoroastrian ceremonies.*

Pahlavi SNS:143

pēxak : *a stick with none knots*

Sogdian SOD:335

pyx : *knot*

Persian MON:880

pīxtan : *to wrap up in a bundle*

زبالا برایشان درم ریختند - زمشک و زعنبر همی پیختند
Ferdowsi

پیختن

Indo-European POK:830; IEC:940,1650

Pilo, Pisos : *hair*

Persian IEC:940,1650

pīleh : *cocoon*

Mas'ūd Sa'd Salmān

پيله
کرم پيله همی بخود بتند - که همی بند گردش چپ و راست

Latin AHD:1535; IEC:1650

pilus : *hair*

pileus : *felt cap*

English AHD

pile, pluck, plush, caterpillar, pillage

Greek IEC:1650; AHD:1535

pilos : *felt*

English AHD

pilocarpine

Indo-European POK:830

Pin : *wood, tree stump*

Greek POK:830; SYN:345

pinakx : *board, platter*

Persian BQT:1502

pangân : *cup*

پنگان

Arabic

Persian MON

fenjân : *cup*

فنجان

Sanskrit AHD:1535; KLN:1154; SYN:382

Pippali : *pepper*

Persian BQT:1499; FVF:503

pelpel : *pepper*

Manūchehrf

پلپل
تو گویی پلپل سوده بکف داشت - پراکند از دو کف در دیده پلپل

Arabic FVF:503

felfel : *pepper*

Persian BQT:1499

felfel : *pepper*

فلفل

Greek AHD:972

peperi

Latin

English KLN:1154

pepper

Pis | Poin

Indo-European WLD2:1

Pis, Pais: *crush, grind*

Avestan WLD2:1

pīšant: *crushing, grinding*

pīštra: *flour*

Sanskrit WLD2:1

pinaṣṭi: *crushed*

pīṣṭah: *flour*

Persian HUB:42; MON:782

pest, past 2: *flour, crushed roasted wheat*

Ferdowsī بی‌آورد جامی زی‌اقوت زرد - پر از شکر و پست با آب سرد پست ۲

Pislos

see root: Pilo

Plat

see root: Pele

Ple

see root: Pel 1

Pneu

see root: Skēu 1

Pô 1

see root: Apo

Indo-European POK:839

Pô 2, Pôi, Pî: *to drink*

Sanskrit POK:839

pâti: *drinks*

pâtīla: *a large drinking vessel*

The link between "pâti" and "pâtīla" is not certain.

Persian MON:643

pâtīl: *a large liquid container*

پاتیل (پاتیلہ)

For another possible root of "pâtīl" see root "Batiaxé".

Avestan POK:839

vispo-pitay: *drunk*

Greek AHD

pūsīs: *drunk*

sun-posion: *a*

drinking party Sem 1

Latin

French

VOP:216

symposium

Persian VOP:216

sampoziyom:

سمپوزیم

a "drinking party"

English KLN:1557

symposium

Latin

POK:839

bibere: *to drink*

pôtus: *drunk*

English AHD

potion, poison
beer, beverage

Pod

see root: Ped

Pôi

see root: Pô 2

Poin

see root: Spen

Indo-European 📖 POK:847

Pôl : *to touch, feel*

Persian 📖 POK:841; MON:680

pâlîdan : *to touch a surface in search of something*

پالیدن ۲

Greek 📖 AHD

psallein : *to touch, play harp*

Arabic 📖 KLN:1382

santîr : *a kind of harp*

Persian 📖 MON:1927

santur : *a stringed music instrument*

سنتور

Germanic 📖 AHD

fôljan : *to feel*

English

feel

Porkwos

see root: Pel 2

P-os

see root: Apo

Pos

see root: Apo

Pahlavi 📖 FFD:44

Pôš : *cover, clothes*

Persian 📖 FFD:44

püş : *cover*

پوش (پوشه، پوشک، پوشاک، پوشنه)

püşîdan : *to cover, to wear*

پوشیدن (پوشا)

pâ-püş : *foot wear, shoe* ^{FFD} Ped

پاپوش

Hâfêz چه جای صحبت نامحرم است مجلس انس - سر پیاله بپوشان که خرقه پوش آمد

Arabic 📖 KLN:138,1573

ba-buš : *shoe*tar-buš : *sweat cap*

"tar: sweat" is from a Turkish root.

French

📖 KLN:138,1573

babouche

tarbouche

English 📖 KLN:138,1573

babouche : *shoe*tarboouche : *a brimless cap*

Turkish 📖 SYN:428

babuč : *shoe*

Greek 📖 SYN:428

papoutsi : *shoe***Poti**

see root: Pa

Potiš

see root: Pa

Indo-European 📖 POK:842

Pôu : *small, young*

Avestan 📖 POK:842

pu 1, pu-thra, puthra : *son, child*
 xšathra-puthra : *son of king* 🌀 Kseī
 bağa-puthra : *son of God* 🌀 Bhag
 a-puthra-tanu : *having a child in body, pregnant* 🌀 Ten 1

Persian 📖 BQT; AEF:384

pesar : *boy, son* (پسر (پس ۲، پور، پوره)
 شاهپور، فغپور
 âbestan : *"with a child in the body"* آبتن
 کدام شربت نوشید پوره ادهم
 که مست وار شد از ملک مملکت بیزار
 Molavi

Old Persian 📖 TZF:13; MFL:102

puča : *son*

Greek 📖 AHD

pais : *child*

English

pediatrics, encyclopedia

Latin 📖 AHD

parrum-affinis : *with little similarity to other materials, referred to paraffin*

French

paraffine

Persian 📖 MON

pârâfin پارافین

English

paraffin

Latin 📖 AHD

pau-per : *with little, poor*
 pu-llus : *young, youngster*

English

poor, poverty
 pony, pupil, puppet, puppy

Germanic 📖 AHD

fawaz : *few, little*

English

few

Indo-European POK:844

Prî : to love, praise

Avestan POK:844

âfritan : to create
 â-fri-nami : I praise
 Apo

Persian BQT:51

âfarîn : praise
 âfarîdan : to create (آفریدن) آفرین (آفریدگار)
 nefrîn : curse نفرین
 اگر دشنام فرمایی و گر نفرین ، دعا گویم
 Hâfez جواب تلخ میزید لب لعل شکر خارا

Arabic AHD:23; PLA:203

ifrît : demon creature
 RCH.lxxvii derives it
 from Arabic "A.f.r"

Persian MON

efrît : demon عفریت (عفریته)

Sogdian SOD:3

ˈpryn : to praise
 ˈprytyy : created
 ˈfryn, ˈfrywn : praise

Germanic AHD

fri : friend, free, good

English

free, fresh, friend, Friday

Indo-European POK:823; IEC:1003

Prs : speck, spot, sprinkle

Avestan IEC:1003; POK:823

pareš : drip
 paršuya : of water

Persian IEC:1003; MON:665

pâšîdan : sprinkle, scatter پاشیدن (پاشیدن ، پاش)

Sanskrit IEC:1003

parsamî : sprinkle

Greek IEC:1003

pardakos : wet

Medit

PRT:349; IEC:998,1003

parnas, pard : a
 spotted animal

Sanskrit

PRT:349; KLN:1129

pardâku : panther

Persian HRN:72; SKT:372; BQT:416

pard : panther پارد ، پارس ۲

palang : leopard پلنگ

yūspalang :

a kind of leopard ۳ Yeu 3 یوزپلنگ

Greek

KLN:1129; PRT:349

pardos : panther

Latin AHD:952

pardus : panther

English KLN:1129; PRT:349; SKT:372

pard, leopard

Pu 1

see root: Peu

Pu 2 | Puk

Indo-European POK:847

Pu 2 : *to blow, swell*

Persian POK:847; HRN:75

puk : *empty*

پوک

Latin AHD

pustula : *blister*

English

pus, pustule

Pu 3

see root: Apo

Indo-European POK:848

Pŭ 4, Peua : *to decay, rot*

Avestan POK:849; SNS:137

pu 2, pav, puyeiti : *to decay*

pŭtay, pŭiti : *rotten*

Pahlavi POK:849; SNS:137

pŭsitan : *to rot*

pŭdag, pŭtak : *rotten*

Persian BQT:425,429; FFD:44; BLY:73

pŭsīdan : *to rot*

پوسیدن (پوس)

pŭdeh : *rotten*

پوده

چو پور پدر رفت سوی پدر - تو اندوه این چوب پوده مخور
Ferdowsī

This poem is about the wooden cross of Jesus.

Germanic AHD

fŭ-faz : *rotten*

fŭlithō : *foulness*

fausa : *spongy, rotten*

English AHD

foul

filth

fuzzy

Pug

see root: Peuk

Indo-European POK:849

Puk : *bundled together*

Avestan POK:849; SOD:298

pusā : *crown made of
bundled twigs and flowers*

pusā-ka : *garland, crown*

Sogdian SOD:298

ps'k : *crown*

Pahlavi

MON:779

pusag : *crown*

Persian MON:779; FRS:146

pasāk : *crown of flowers*

پَساک (پَساک)

چونکه یکی تاج و بساک ملوک
باز یکی کوفته آسپاست

Kasâf

Greek AHD

puknos : *strong, thick, dense*

English AHD

pycnometer : *a device for measuring density*

Greek POK:849

am-pus : *headband*

Sanskrit KLN:1185

Pulāka : ball of rice

Persian KLN:1185; HJB:710; MON:810

polow : cooked rice (پلو، پَلاو)

Turkish KLN:1185; DEV:186

pilâw : cooked rice

English LKT:132

pilau, pilaf, pilaff

French DEV:186

pilau

Sogdian SOD:332; SLW:94

Pwt : Buddha, also used to mean an idol

According to SLW:94, this word has a Chinese / Indian root.

Pahlavi

BQT

bôt : idol

Persian MON:472; BQT:234; SLW:94

bot : idol

بُت (بت پرست)

bot-kadeh : idol house, prayer house

بتکده (بتخانه)

این همه جنگ و جدل حاصل کوته نظری است - گر نظر پاک کنی کعبه و بتخانه یکپست
Emād Khorāsānī

See "Bheu 3" for another possible root.

Hindustani

Portuguese

English SKT:366; LKT:30; AID:233

pagoda : prayer house

See HJB:652 for a discussion on this word.

Q

Qâ	<i>see root:</i> Kâ 1
Qam	<i>see root:</i> Kam 2
Qand	<i>see root:</i> Kand 1
Qap	<i>see root:</i> Kap
Qar 1	<i>see root:</i> Kar 1
Qar 2	<i>see root:</i> Kar 2
Qau 1	<i>see root:</i> Kau
Qau 2	<i>see root:</i> Kau 2

Semitic  KLN:219

Q.d.m : to step, proceed,
also the East where sun comes from

Arabic  KLN:219

q.d.m : to step,
proceed, advance

Persian  FVA:327

qadam : step

qedam : forward, getting ahead, advancement

قَدَم (قَدُوم ، اَقْدَام)
قَدَم
مَقْدَم ، مَقْدَمَه ، تَقْدِيم ، قَدِيم ، قَدَمَت
ایندوست بدوستی قرینیم ترا - هر جا که قدم نهی زمینیم ترا
Molavi

Greek  KLN:219

Kadmos : a man who came
from the East (mythology)
kadmia : Kadman earth,
zinc ore

Latin  AHD:186

cadmīa : zinc ore,
often mixed with
cadmium.

English  AHD:186

cadmium, Camille, Camilla

Persian

kādmīom : cadmium

کادمیم

Qel	<i>see root:</i> Kel 4
Qela	<i>see root:</i> Q.l.y
Qely	<i>see root:</i> Q.l.y
Qem	<i>see root:</i> Kam 2
Queque	<i>see root:</i> Keku
Qer	<i>see root:</i> Ker 3

Qeud see root: Keued

Qhâd see root: Khâd

Qhar see root: Kar 1

Arabic  AHD:202

Qirbah, Qirrâbah : a leathern bottle

Persian  AHD:202; FVA:328; MON:2651

Qarrâbeh : a glass bottle (for wine)

قَرَّابَه (قَرَاب)

Hâfez در عهد پادشاه خطا بخش جرم پوش - حافظ قرايه کش شد و مفتی پياله نوش

English  WEB:272; KLN:238; AHD:202

carboy : large glass bottle

Qirrâbah see root: Qirbah

Arabic  SAP:93

Q.l.y : to cook or barbecue meat

Qely, Qela : alkaline material
obtained from wood ash

Persian  SAP:94; MON:2724

qalya : alkaline

قلیا

qalyeh : a food made with meat

قلیه

French  KLN:50

alcali : alkali

English  KLN:50

alkali, alkaline

Qor see root: Ker 3

Qr see root: Ker 3

Qreu see root: Kreu

Qreus see root: Kreu

Q.r.m | Quseros

Arabic 📖 FVA:330

Q.r.m : a fabric with colored patterns

Arabic 📖 FVA:330

miqrameh : embroidered cloth

Turkish 📖 AHD:781

makrama :
towel, napkin

Italian

macrame

French

macrame

Persian 📖 FVA:330; MON:4296

meqrameh : embroidered cloth

مِقْرَمِه

Persian

makromeh :
an ornamental lacework

مَكْرَمِه

English 📖 AHD:781

macrame : coarse lacework used to trim furniture

Qrus

see root: Kreu

Qruwes

see root: Kreu

Qsěi

see root: Ksei 1

Qseu

see root: Kes 2

Qseud

see root: Kseud

Semitic 📖 KLN:255

Q.t.r : to smoke, exhale

Arabic 📖 KLN:255; SAP:1272

Q.t.r : to smoke, smell

Hebrew

📖 KLN:255

qâter : smoke,
incense

Greek 📖 KLN:255

Kedrus : a tree
(wood) used
for burning
sacrifices

Latin 📖 KLN:255

cedrus : cedar tree

Persian 📖 MON:1846

sedr : cedar tree

سيدر

French

📖 FSD:428

cedre

English 📖 FSD:428; KLN:255

cedar, citric, citrus

Quâtis

see root: Kuâtos

Quâtos

see root: Kuâtos

Que

see root: Kwe

Quômn

see root: Kamma

Quôros

see root: Kŭr

Qusěro

see root: Kar 1

Quseros

see root: Kar 1

Qusēros	<i>see root: Sper</i>
Qusudros	<i>see root: Ksudros</i>
Qwe	<i>see root: Kwe</i>
Qwei	<i>see root: Kwei 1</i>
Qwek	<i>see root: Kwek</i>
Qwel	<i>see root: Kwel</i>
Qwer	<i>see root: Kwer</i>
Qwetwor	<i>see root: Kwetwer</i>
Qweye	<i>see root: Kweye</i>
Qwi	<i>see root: Kwei 1</i>
Qwri	<i>see root: Kwri</i>

R

Old Persian / Avestan 𐎱𐎠𐎼𐎿 MON5:636

Ragâ, Rağâ: *city of "Ray" south of Tehran.*

Persian 𐎱𐎠𐎼𐎿 BQT:985; FVF:278

Ray : *a city south of Tehran*

râzî : *from Ray*

râzegî : *a famous type of grape from Ray*

"râzeg" was not found in MON.

ری
رازی
رازگی

Arabic 𐎱𐎠𐎼𐎿 FVF:278

râzeqî : *a type of grape*

Persian 𐎱𐎠𐎼𐎿 FVF:278

râzeqî : *a type of grape*

رازقی

Greek 𐎱𐎠𐎼𐎿 MON5:636

Râzex : *city of Ray*

râzakēne : *from Ray*

Rağâ

see root: Ragâ

Akkadian 𐎱𐎠𐎼𐎿 KLN:1573; AHD:396

Ragâmu: *to call*

Targumânu: *interpreter*

Aramaic 𐎱𐎠𐎼𐎿 AHD:396; KLN:1573

tûrgemânâ : *interpreter*

Arabic 𐎱𐎠𐎼𐎿 KLN:1573; DOZ:35

tarjama, tardjama : *he translated*

Middle Greek 𐎱𐎠𐎼𐎿 AHD:396

dragoumanos

Latin 𐎱𐎠𐎼𐎿 AHD:396

dragumanus

Old French 𐎱𐎠𐎼𐎿 AHD:396

drugeman

English 𐎱𐎠𐎼𐎿 AHD:396

dragoman : *an interpreter*

Persian 𐎱𐎠𐎼𐎿 MON:1064; SOR:37

tarjomeh : *translation*

ترجمه

motarjem : *translator*

مترجم

tarjom : *speech, statement*

ترجم (ترجمان)

غير حرف و غير ايماء و سجلّ
صد هزاران ترجمان خيزد ز دل

Molavi

Hebrew 𐎱𐎠𐎼𐎿 KLN:1573

targum : *translation*

(*of the old testament*)

English 𐎱𐎠𐎼𐎿 KLN:1573; AHD:1316

Targum : *Aramaic translations of the Old Testament*

Targumist

Old Persian HRN:142; BRT

Raika : sand, gravel

Pahlavi PHD:73

rēg : sand

Persian HUB:68; BQT:989; HRN:142

rīg : sand, gravel

Rūdakī ریگ (ریگزار، ریگستان)
ریگ آموی و درشتی های او - زیر پایم پرنیان آید همی**Raud**

see root: Raup

Indo-Schythian ISS:251

Raup, Raud : to sweep away

Pahlavi ISS:252

rōpet, rōp 2 : sweep

givāk-rōp : "room sweeper", broom Ei

Persian ISS:252

roftan : to sweep (روفتن، روبیدن)
جاروب، لایروبی

Sogdian ISS:251

rwp : to sweep

Semitic VDQ:214; KLN:1293

R.b.b : to be great, large or numerous

Arabic

KLN:1293; VDQ:214

r.b.b : to be great,
also to be thick
and dense

Persian VDQ:214; FVA:153,155

rab, rabb : master, teacher, developer, God

ربائی، ارباب، مربی، تربیت
ربا

morabbâ : developed (food), jam

robb : concentrated (dense) juice

ربا
یارب بقدر قدر تو نشناختم تو را - در حد فکر کوته خود ساختم تو را
Vajdf

Aramaic KLN:1293

rabb : great, chief, master

Pahlavi VDQ:215

raba : great respectful

This word had entered Pahlavi
language in pre-Islamic era.

Hebrew KLN:1293

r.b.b : to be great or numerous
rabb : great, master
rabbi : my master

Greek

Latin

English KLN:1293

rabbi : my master, my teacher,
a Jewish title of respect.**Re**

see root: Ere 1

Indo-European KNT:205

Redh, Regh : *to separate, isolate*

Old Persian KNT:205; BQT:949

rad 2, radh, ras 2 : *set free*
ava-rad : *abandon*

Persian BRT:1505; KNT:205; BQT:949; FFD:55

rahīdan : *escape, become free* رهیدن (رستن)
وارهیدن، وارستن، وارسته، رستگار
بمیر تا برهی ای حسود، کاین رنجی است
که از مشقت آن جز بمرگ نتوان رست
Sa`dī

Avestan KNT:205; NYB:167

rah : *to escape, set free*
razah : *isolation*

Persian BQT:926; HRN:134

râz : *secret* راز

Indo-European 📖 POK:854; KNT:206

Reg 1, Rēkto : move straight, right

Avestan 📖 POK:854

râsta : right
 erezu : straight (line)
 razma : lined up
 (for a fight)
 aiwi-reg : to
 straighten up 🌀 Ambhi

Persian 📖 BQT:134,944,946; HRN:136

râst : right, straight
 raj : line, row
 radeh : a row of soldiers
 razm : battle (with rows of soldiers)
 afrâštan : to elevate
 Asadī کمان را ز بالای سر بر فراشت - به انگشت چون چرخ گردان بکاشت

راست

رج

رده (رژه)

رزم

افراشتن ، افراختن (فرازیدن)

Old Persian 📖 KNT:171,206

arštā : rectitude
 ardu : upright
 rāsta : right, true

Sanskrit 📖 AHD:785

maha-rājā : great ruler 🌀 Meg

Persian

Māhārājah

مهاراجه

Germanic 📖 AHD

rehtaz : right
 rakô : rake

English

right, rich, rake

Latin 📖 AHD

regere : to guide
 regula : straight bar
 surgere : to surge

French

Persian 📖 MON

âdres : address
 režīm : government, diet

آدرس

رژیم

اسکورت ، ریل ، ریگل

English 📖 AHD

escort, address, regime, regular, rail, rule

English 📖 AHD

direct, dress, correct, source

Latin 📖 AHD

rex : ruler, king

Spanish 📖 AHD

real : royal coin

Persian 📖 BQT:985

rīyāl : unit of money

ریال

Currency after the Spanish domination of the Persian Gulf.

French 📖 AHD

Persian 📖 VOP:193

royâl : royal

روبال

English 📖 AHD

royal

English 📖 AHD

Rex

Reg 2

see root: Rek

Indo-European POK:854

Reg 3: to dye, color

Sanskrit SYN:1051

raj, rāga, ranga: be colored,
grow red

Pahlavi

HRN:138; BQT:964; PHD:72

rang: color

Persian MON:1677

rang: color رنگ (آبرنگ، رنگرز، رنگ آمیزی)

rang-â-rang: colorful رنگارنگ (رنگ برنگ، رنگین)

rangîn kamân: rainbow رنگین کمان

غلام همت آنم که زیر چرخ کبود
زهرچه رنگ تعلق پذیرد آزاد است

Hâfêz

Persian IEC:1065; MON:1640

rajīdan: to color, to paint رَجیدن (رژیدن، رنگرز)

Sanskrit OEW:333; AHD:1536

rākṣā, lākṣa: (red) color

lāc: an insect with red eyes,

a swarm of such insects,

a large number (100,000).

POK:32 and KLN:47,856 derive
these words from the Indo-European
root "Alek:to protect".

Persian KLN:856; BQT:1878

lāk: red resin, lacquer لاک

همی گفت و پیچید بر خشک خاک

ز خون دلش خاک هم رنگ لاک

Onsori
See "Alek" for another possible root.

Portuguese

French

English SKT:281

lacquer, Shellac

Persian KLN:856; BQT:1900

lak: hundred thousand (soldiers) لَک

Onsori در آن نه سایر مانند نه طایر از بر خاک - دو لک ز لشکر او شد به زیر خاک نهان

See "Alek" for another possible root.

Arabic

AFM:141; FVF:613

lajj: a large number of people,
also the deepest point of sea.

Persian MON:3569

lojeh: the deepest point of sea لَجّه

کشتی هر که در این لَجّه خُونخوار افتاد

نشنیدیم که دیگر به کران می آید

Sa'di
See "Alek" for another possible root.

Greek SYN:1051; OEW:333

rhegos: color, dye (red)

rego-lith: red stone

English SYN:333

regolith

Regh

see root: Redh

Rei

see root: Leudh

Indo-European POK:860

Rei 1 : *possession*

Avestan POK:860

râ 2 : *to give*
râiti, a-râiti 2 : *generous* Apo
raëvant : *rich*

Persian BQT:926

râd : *generous* راد ۲

Latin AHD

rēs : *thing*

English

real, republic

Indo-European POK:857, IEC:1067

Rei 2, Reig : *to scratch, tear, cut*
Rekp : *to pull, break*

Avestan

POK:858

raesah, raeš : *wound, injury*

Persian BQT:988

rīš 1 : *wound, wounded*

Bābā Tāher

ریش ۱
تو که مرخص نه ای زخم دلم را - نمک پاش دل ریشم چرایی

Avestan / Old Persian

FFD:56

rīš 2, rīz : *to spin threads*

Persian BQT:951; HUB:12; FFD:56

rīštan : *to spin threads*

rīsidan : *to spin threads*

abrīšam : *silk*

ریشتن (رشتن، رشته)
ریشیدن (رسمان، ریسندگی)
ابریشم
قدح مگیر چو حافظ مگر بناله چنگ - که بسته اند بر ابریشم طرب دل شاد
Hāfez

Persian IEC:1067

rīzeh : *fragment, small piece*

rīz 2 : *small (piece)*

ریشه
ریز
سپهر برشده پرویز نیست خون افشان - که ریزه اش سرکسری و تاج پرویز است
Hāfez

Sanskrit POK:858; HRN:17,137

rēš, rīcate : *to tear*
lēkha : *to sketch, design*

Sogdian SOD:148

dykh : *letter*

Germanic AHD

raigwa : *row*
raipaz : *rope*
rīp : *ready to be reaped*

English

row
rope
ripe

Latin AHD

rīpa : *land cut by water flow*

English

river, arrive

Greek AHD

replon : *to remove seeds*

English

ripple

Reig

see root: Rei 2

Indo-European POK:863; WLD2:362

Rek, Reg 2 : *to tie*

Sanskrit

WLD2:362; POK:863

račana, rašanā : *rope, strap, belt*

Pahlavi SNS:227

rasan : *rope*

Persian HRN:137; SNS:227

rasan : *rope, string*
to measure with a rope (tape)

Ferdowsi

MON:1654 & AFM:72 claim "rasan" is the Arabic pronunciation of Persian "rīsmān". PLA:138 claims Arabic "rasan" is from Pahlavi "rasan".

رَسن

رَسن زدن

برو کتف و یالش همانند من - تو گویی که داننده برزد رَسن

Rekp

see root: Rei 2

Rēkto

see root: Reg 1

Indo-European POK:864

Rem : *to rest*

Avestan

POK:864; KLN:1335; SYN:841; AEF:351

râman : *quiet*
airime : *quietly*
hu-rama : *well rested* ^{Per 1} Su 1
paiti-râman : *well arranged, pleasant* ^{Per 3}

Persian

BQT:737,960; HRN:5; AEF:351; FAF:251; FFD:25

râm : *quiet* (شهرام، رامش، رامین، رمه)
ârâm : *quiet* (آرام، آرامش، آرمیدن، رامیدن)
xorram : *fresh, pleasant, cheerful* خرم
pedrâm : *"pleasant", a male name* پدram
اگر چه راه ناپدram باشد
بپدramد چو خوش فرجام باشد
Vis-o-Râmîn

Old Persian KNT:206

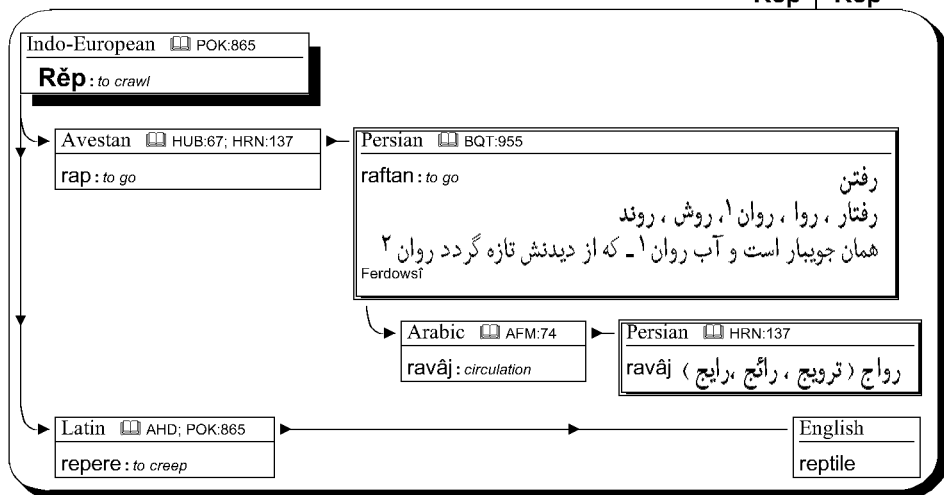
ram : *to be at peace*

Old High German KLN:1335

rasta : *to rest*

English

rest



Indo-European POK:866

Ret: to roll, run

Avestan POK:866; LEW:904

rad 2: to run
 ratha: chariot
 ratha-eštra: standing on
 the chariot, soldier ^{Stā}

Pahlavi

BQT:934

rās: path, way

Persian BQT:97,1895; MON:191; ARB:203

arrādeh: chariot اراده
 arteštār: chariot rider, soldier ارتشتار (ارتش)
 laškar: army لشکر (عسکر)

Persian HUB:66; BQT:984; PLA:133; FFD:56

rāh: path, way, manner راه (زه، رهرو، راهرو)

Persian HUB:66; BQT:984; PLA:133

rahbar: guide رهبر (رهبر، راهنما)
 rāygân: "found on the road", free رایگان
 rāhbân: road guard راهبان
 rāheb: one who watches his manners, monk راهب (راهبه)

Arabic TAD:17

torrahât: minor paths,
 insignificant things

Persian MON:1074

torrahât: worthless things تَرَهَات
 نخوت و دعوی و کبر و تَرَهَات
 دور کن از دل که تا یابی نجات
 Molavī

Old Persian KNT:176

ratha: chariot
 u-ratha: having good chariots ^{Su 1}

Latin AHD

rota: wheel
 ret-undus: wheel

French AHD

Persian MON

رولت، کنترل

English AHD

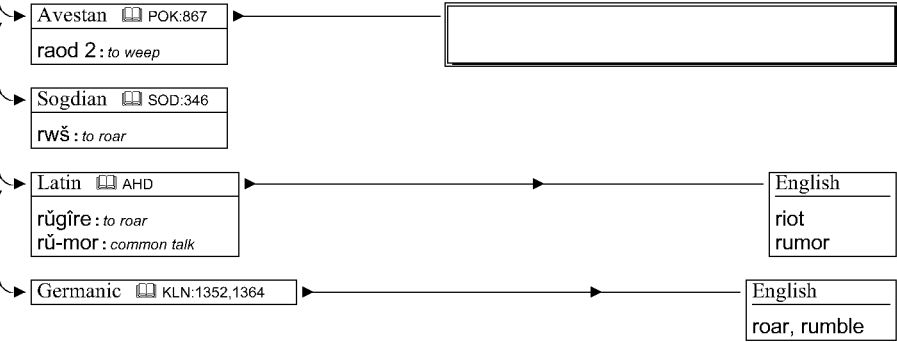
round, roll, roulette, control

English AHD

rotate, rotary

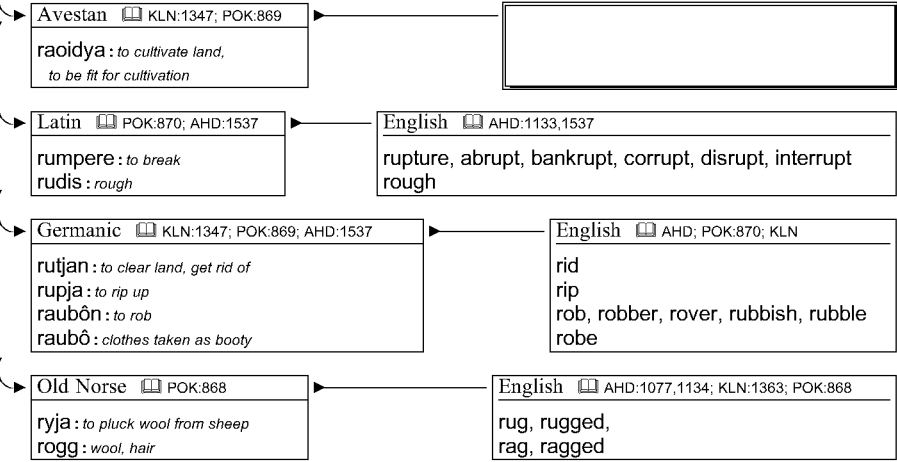
Indo-European POK:867

Reu 1, Rėu 3, Rŭ 1, Reud 1 : *to cry, roar*



Indo-European POK:869

Reu 2, Reua, Rŭ 2, Reup : *to dig up, tear out, snatch*
Reudh 2 : *to clear land*
Reud 2 : *rough*



- Rėu 3**
- Reua**
- Reud 1**
- Reud 2**

see root: Reu 1

see root: Reu 2

see root: Reu 1

see root: Reu 2

Reudh 1 | Reup

Indo-European POK:872

Reudh 1 : *red*

Avestan

POK:872

raoidita : *red*

Pahlavi

MON:1695

rōdīk, rōy : *zinc*

Persian

BQT:980,981; HRN:141; MON:1696

rūy 2 : *zinc*

روی ۲ (رویگر ، روپین ، روپینه)
روناس (روپناس ، روپنگ)

ronās : *a plant used for dying*

Latin

AHD

rōbeus : *red*

French

AHD

Persian

MON

rūž : *red, lipstick*

روژ

English

rouge, ruby

Germanic

AHD

English

red, rust

Reudh 2

see root: Reu 2

Indo-European POK:871

Reug : *to vomit, belch, produce smoke or vapor*

Persian

POK:871; MON:44

roğ : *belch*

âroğ : *belch*

رُغ (روغ)

آرغ ، آروغ ، آروق

Germanic

AHD

riukan : *to produce vapor, smell, stink*

English

reek

Indo-European POK:837

Reughmen : *oil, cream*

Avestan

POK:837; KLN:1307

raoğna : *oil*

Pahlavi

BQT:978

rōğn : *oil*

rōvn : *oil*

Persian

BQT:978

roğan : *oil*

Molavī

روغن
گر بسینم خانه ات را من دوام
روغن و شیرت بیارم صبح و شام

Sogdian

SOD:345

rwğn : *fat, oil*

Germanic

KLN:1307; AHD

raugna : *cream, oil*

English

AHD; KLN:1307

ream 1 : *cream*

ramekin

Reup

see root: Reu 2

Indo-European POK:873

Reuto, Routo, Rut : *intestines, bowels*

Avestan POK:874

uruthwara, uruthwan, uruthwasča : *abdomen, belly*

Pahlavi SNS:36

aškumb : *abdomen*

Persian SNS:36

eškam : *abdomen, belly*

اشکم (شکم، شکمبه)
شیر بی دم و سر و اشکم که دید؟ - این چنین شیری خدا هم نافرید
Molavi

Pahlavi POK:874

rôt 1 : *intestine*

Persian POK:874; HRN:139; BQT:970

rûdeh : *intestine*

روده

Indo-European POK:874

Rewe, Rũ 3 : *to open, open space*

Avestan POK:874; SYN:465; KLN:1356

ravah : *space*

ravas-čarât : *moves in free space (freely)* Kwel

Germanic AHD

rumaz : *space, room*

English AHD

room

ream 2 : *to widen*

reamer

Latin POK:874

rūs : *open land*

English AHD

rural

Semitic KLN:1301

R.f.a' : *to repair*

Arabic KLN:1301

r.f.a', rafû : *to repair*
(damaged cloth)

Persian FVA:167

rofû : *to repair torn cloth*

نه بدستی زده ام چاک گریبان سلامت - گر ملامت کشم از کرده توان کرد رفویی
Yaghimā Jandaghi

Hebrew KLN:1301; FSD:2051

râphâ : *he repaired, healed*

râphâ-e'l : *God has healed or is a healer* Layh

Greek

KLN:1301

Raphael

Latin

French

Persian

Râfâel : "God is a healer"

رافائل

English KLN:1301

Raphael, Raffael

Rk-so

see root: Rk-tho

Indo-European  POK:875; SOD:70**Rk-tho, Rk-so** : *bear (animal)*Avestan  POK:875areša : *bear*
areša-ama : *with power*
of a bear  OmePersian  BQT:31,733xers : *bear*Aršām : *"with power of a bear", a male name*خرس
ارشام (آرشام)Greek  AHDarktos : *bear*
arktikos : *northern bear-shaped constellation*

Latin

arcticus : *north pole*

English

Arctic

Celtic  AHDartho : *bear*

English

Arthur

Sogdian  SOD:70`ššh : *bear***Ros**

see root: Eres 1

Ruto

see root: Reuto

Rũ 1

see root: Reu 1

Rũ 2

see root: Reu 2

Rũ 3

see root: Rewe

Rut

see root: Reuto

Syriac  SAP:617**R.y.m** : *to depart*Arabic  FVQ:262r.y.m : *to depart*
Maryam : *mother of Jesus*Persian  MON:4053Maryām : *Mary*

Molavī

مریم
روح کی گردد فدای آن دمی - کز نسیمش حامله شد مریمیHebrew  AHD:802,1530; FVQ:262; KLN:943Miryām : *"rebellion", sister of Moses, mother of Jesus*

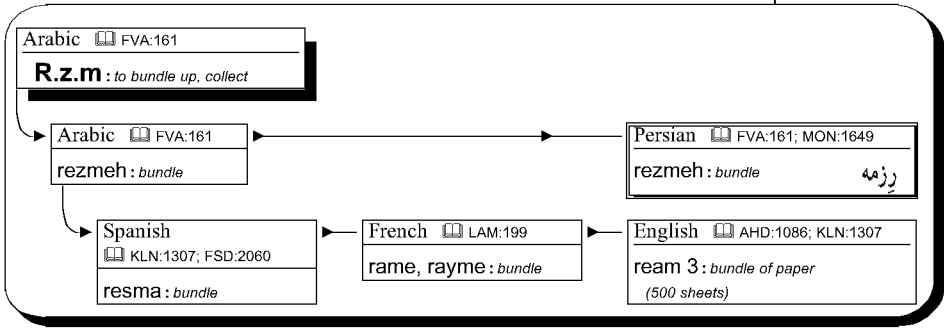
Aramaic

Maryām

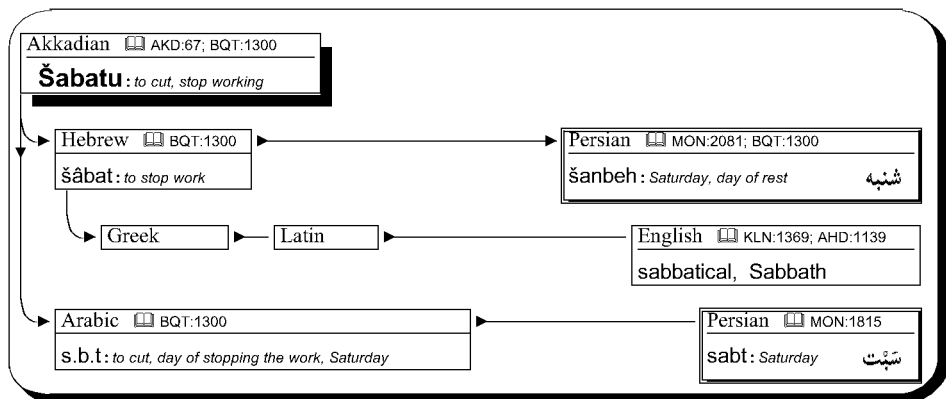
Greek

Maria, Mariam

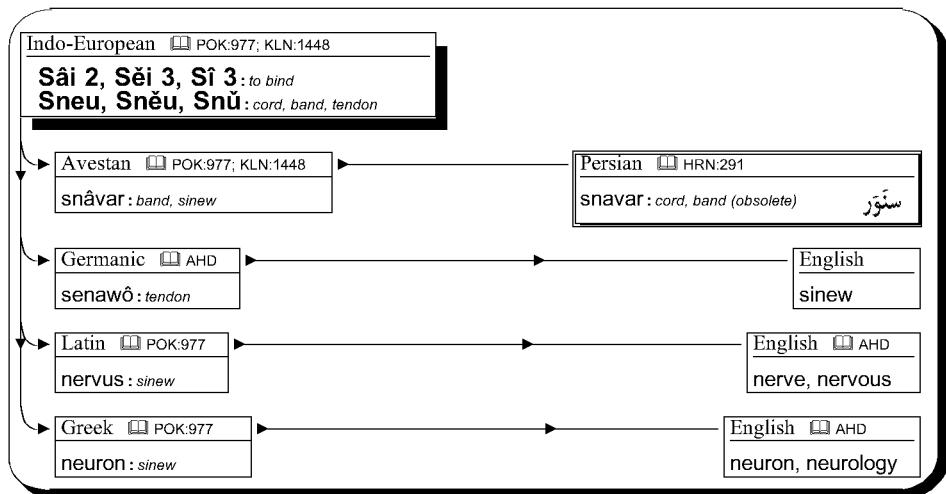
English  AHD:802; KLN:943Mary, Marilyn, Maria, Marvin
Marianne, marijuana, marihuana



S



Sabha	<i>see root: Abâ</i>
Sâen	<i>see root: Sě 2</i>
Saēna-mereĝa	<i>see root: Mereĝa</i>
Sâi 1	<i>see root: Sě 1</i>



Indo-European 𐎵 MON5:772; BQT:1158

Saka : name of an Aryan tribe N.E. of Iran, Scythians

Avestan / Old Persian 𐎵 BQT:1158

saka 1 : Scythians

saka-stāna : "land of Sakas", referring
to an area S.E. of Iran after Sakas
defeated its native people in 130 B.C.

Persian 𐎵 BQT:1158; MON5:772

sakâ : Scythians

sagzî : of or pertaining to Scythians

sîstân : an area in S.E. Iran

سکا (سکه ، ساک ، ساس ا)

سگزى (سجزى)

سپستان (سگستان)

Greek 𐎵 BQT:1158; MON5:772

Scythe : Scythians

English 𐎵 AHD:1169

Scythia, Scythian

Sanskrit 𐎵 KLN:1578

Sakah : teak wood

Hindustani 𐎵 HJB:910

sâgun : teak

Arabic 𐎵 HJB:910; KLN:1578

sâj : teak

Persian 𐎵 MON:1783

sâj : teak tree

ساج

Malaysian 𐎵 KLN:1578

tëkka : teak

Portuguese

teca : teak

English 𐎵 AHD

teak

Greek 𐎵 FSD:2161; AHD:1144

Salamandra : salamander

Persian 𐎵 FSD:2161; BQT:1166; MON:1921

samandar : a lizard-like amphibian believed not to burn in fire

سمندر

سالامندر ، سمندور

Rūdakī

به آتش درون بر مثال سمندر - به آب اندرون بر مثال نهنگان

Arabic 𐎵 TAD:37

samandar

Latin 𐎵 AHD; KLN:1374

salamandra

French 𐎵 AHD

salamandre

English 𐎵 AHD; FSD:2161

salamander

Sanskrit 𐎵 BQT:1229

Šali : grains, cereals

Persian 𐎵 BQT:1229; MON:2000

šālī : rice, especially in the husk

شالی

Persian 𐎵 BQT; MON:2070

šālīzār : rice field 𐎵 Kwel

شالیزار

šaltūk : rice in the husk

شلتوک (چلتوک)

Salībā | Sarpu

Aramaic  BQT:656; MON:1310

Salībā : *cross*

Persian  MON:1310; BQT:656

čalīpā : *cross*

Farrokhī چلیپا (چلیپایی)
تا مایهٔ ایمان بود شهادت - تا قبلهٔ ترسا بود چلیپا

Arabic

 MON:1310,2161

salīb : *cross*

Persian  MON:2161

salīb : *cross*

Hāfez صلیب (مصلوب)
آنجا که کار صومعه را جلوه میدهند - ناقوس دیر راهب و نام صلیب هست

Sogdian  SOD:126

clyb` : *cross*

Arabic  SAP:818

Šalla : *to paralyze (hand)*

Persian  BQT:1287

šal 2 : *lame, crippled*

šalīdan : *to lame*

شل ۲
شلیدن

Sam

see root : Sem 2

Šamsēr

see root : Ššyr

Akkadian  AHD:1206; KLN:1445

Sarāpu : *to melt, refine*

Sarpu : *refined silver*

Arabic  KLN:1445

s.r.f. : *to purify silver*

sarrāf : *coin and money exchanger*

Persian  MON:2144

sarrāf : *money exchanger*

Hāfez صراف
خمش حافظ و این نکته های چون زر سرخ
نگاهداری که قلاب شهر صرافست

Old English  AHD:1206

seolfor : *silver coin*

English

silver

Sarpu

see root : Sarāpu

Indo-European POK:881

Saus, Sus : dry

Avestan / Old Persian

POK:881; SOD:373; ETM:64

hauš : to dry

hauš-a, huška : dry

Sogdian SOD:373

škw : dry

Old Persian KNT:178

uška : dry

Greek AHD

austēros : harsh

Persian BQT:752; MON:1461; ETM:64

xošk : dry

خشک

خشکیدن ، خوشیدن ، خشکیده ، خوشیده

Sa'dī بخوشید سرچشمه های قدیم - نمائد آب جز آب چشم یتیم

English

austerity

Avestan HRN:166; NYB:181

Sav 1 : to benefit

Savah 1 : welfare

Pahlavi HRN:166

sūt : benefit, interest

Sogdian SOD:366

swt : interest, benefit

Persian HRN:166

sūd : interest, benefit, advantage

سود (سودمند)

خود را مپسند دلپسند همه باش - نقصان بپذیر و سودمند همه باش
Khāqānī Shervānī

Savah 1

see root: Sav 1

Sanskrit HJB:824

Šavala : (a fabric) marked with colors

Persian HJB:824; KLN:1432; MON:2000; FRS:171; BQT:1228

šāl 1 : scarf

شال ۱ (شال کلاه)

šāl 2, šālang : a thin rough and inexpensive rug

شال ۲ ، شالنگ

Onsori ز آن مثل حال من بگشت و بتافت - که کسی شال ۲ جست و دیبا یافت

KLN:1432 derives these from "Šaliat" an Indian town famous for its shawls

Hindustani AHD:1192

šawl : shawl

Through Urdu language

English AHD:1192; KLN; SKT

shawl

Arabic BQT:1228; FVF:391

šal : a rough rug or thick cloth

French BQT:1228

châle

Indo-European  POK:881

Sâwel, Sũ 3 : sun

PART 1

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Avestan
 POK:881

hvare, xvar 1 :
sun, light

Persian  MON:5220; BQT:2389

hūr 2 : sun, star

xor : sun

Ferdowsī ستاره نتابد هزاران چو هور - شیری نترسد ز یک دشت گور -

هور

خور

Persian  FVF:189; AFM:50

hūr-bân : "sun guard",
chameleon, it is called
"âftâb-parast: sun worshipper"
in modern Persian.
"hûrbân" was not found in MON.

هوربان

Arabic  FVF:189; AFM:50

horbâ : chameleon

حُرباء

Persian  MON:1347

herbâ : chameleon

جربا

Avestan

 POK:881; KLN:1469; HRN:111

hvare-xšâeta : bright sun  Ksel 2
hvare-âsân : sun rise, east
hvare-varân : where sun
goes, west  Bher 1

Persian  BQT:723; MON:1395

xoršîd : sun

xorâsân : an eastern state in Iran

xâvar[ân] : west

Fakhr Gorgânî

خورشید

خراسان

خاور ، خاوران

زبان پهلوی هر کو شناسد

خراسان آن بود کزوی خور آسد

Persian  BQT:2220; IEC:1334

no-hūr : sun light, sight, eye

bad-nohūr : unsightly, ugly

Sanâ'yî از آن با بزرگان نیارم نشستن - که ایشان چو حورند و من بد نهوم

نهور

بد نهور

Avestan  POK:881; BQT:1451

hvarenah, xvarenah, farnah :
brilliance, elegance
farnavant : with bright fate,
blessed

Persian  BQT:180,789,1443,1451; FSF:250

farr : elegance

farrox : blessed

Farîborz : with elegant height,
well posed  Bhergh

فَرّا (فره ، فرهی ، فرهمند)

فَرّخ (فرخنده)

فربرز

فردوست ، فرزاد ، فرشاد ، فرشید ، فرناز

چو آن شاه پالوده گشت از بدی - بتابید از او فره ایزدی

Ferdowsī

Sogdian  SOD:155

frn : elegance

Avestan  POK:881

xvang : son

Germanic  AHD

sunnôn : sun

English

sun, Sunday, south

Latin  AHD

sôl : sun

English

solar

PART 2

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Indo-European 📖 POK:881

Sâwel, Sũ 3 : *sun*

Greek 📖 AHD

alos, helios : *sun*

Persian 📖 MON:5091; TAD:75

hâleh : *halo, hue*

هاله
مه در حصار هاله نخواهد مدام ماند - از آسمان برون دل آگاه میروند

English

helium

Indo-European 📖 POK:1045

Swel 2 : *to shine, burn*

Greek 📖 AHD:611

helenē : *torch*

Helenē : *goddess of light*

English 📖 AHD

Helen, Aileen

Germanic 📖 AHD

swiltan : *to perish from heat*

English 📖 AHD

swelter

Arabic 📖 KLN:1756

Šay' : *thing*

Persian 📖 MON; FVA:223

šey' : *thing* (اشياء، اشيا)

Spanish 📖 PRT:813; KLN:1756

X : a letter sounding "š,sh" used as a short form for the Arabic word "šay' : thing"

English 📖 KLN:1756

X : used in mathematics to mean an unknown "thing"
X-ray : a kind of radiation that was not understood well when named so

Arabic 📖 SAP:857; KLN:1468

S.d.a` : *to split*

Arabic 📖 SAP:857

sodā` : a head-splitting headache

Persian 📖 MON:2137

sodā` : *headache*

صداع
مطرب عشق این زند وقت سماع - بندگی بند و خداوندی صداع

Latin 📖 KLN:1468

soda : *headache*

sodanum : *an alkaline used to cure headaches*

English

soda
sodium

Persian 📖 MON:1947

sodā : *soda water*

سودا

French

Persian 📖 MON:1847

sodyom : *sodium*

سدیم

Sě 1 | Sě 3

Indo-European 📖 POK:891

Sě 1, Sěi 1, Sî 1, Sâi 1 : *to bind, tie*

Soito : *band, dam*

Avestan

📖 POK:891,892; BRT:1800; FFD:74

sâ 1, hâ 1, hây : *to tie*

hinu, haētu : *band, dam*

wi-sâ, vi-hây : *untie, let go, open* 🗨️ WI

Pahlavi

📖 BQT:1818

višâtan : *to open*

Persian

📖 BRT:1801; HRN:205; FFD:74

gošâdan : *to open*

گشادن
گشایش، گشاد، جهانگشای

Latin

📖 POK:892

saeta : *stiff hair*

English

📖 AHD:1186

seta, setae : *stiff hair*

Indo-European 📖 POK:889

Sě 2, Sěi 2, Sî 2 : *to throw, leave*

Sâen : *release, relax, be late, do slowly, a period of time*

Avestan

📖 POK:890

hâti : *a piece*

hâthra : *a time period*

Pahlavi

📖 SNS:3

hâsr, hâsar : *a unit of time,*

one and a half to two hours.

Persian

📖 HRN:280

hâsr : *a unit of time (obsolete)*

هاسر

Germanic

📖 AHD

sîdo : *long part, side*

sîth : *later*

English

side

since

Indo-European 📖 POK:889; AHD:1537

Sě 3 : *to sift*

Latin

📖 POK:889; WLD2:459

situla : *a sift, bucket, pail*

Persian / Arab 📖 ARK:221; TAD:35; FVF:361

satl : *bucket, pail*

MON believes it is Arabic but PLA:160 claims it is borrowed from Persian.

سطل

Greek

📖 AHD

ēthein : *to sift*

ēthmoeidēs : *perforated*

French

English

📖 AHD

ethmoid bone : *a spongy bone in the nasal cavity*

PART 1

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Indo-European POK:884,887; KLN:1075

Sed : to sit, to place
also to place a step, to go

Avestan POK:884-887; FFD:78

had, hd, zd, šas 2: to sit
šādayeiti: sits
ni-šādaiti: sits down ^{En} Nt 1
ni-šasti: mating ^{En} Nt 1

Persian BQT:2145-7; HRN:231

nešastan: to sit down نشستن (نشین)
našim: place where birds sit down, nest نشیم (نشیمن)
که ای بلند نظر شاهباز سدره نشین
نشیمن تو نه این کنج محنت آباد است
Hāfez

Avestan HRN:71; FFD:43

sad, sand: settlement, agreement
upa-sad: (good for) agreement ^{En} Upo
avara-sad: settle down, satisfy ^{En} Au 2

Persian BQT:406

pasandīdan: to admire, select پسندیدن
p s n d, d l p s n d
xorsand: satisfied, happy خرسند

Avestan POK:886-887

nazdyô: sat very close, near
nazd-ištâ, nazdištâ: closest, first ^{En} Isto
âsna: near
âsnaoiti: to get close to

Persian BQT:2117-33; HRN:230

nazd: near نزد (نزدیک)
naxost: closest, first نخست

Avestan POK:885-887

hastra: assembly, meeting
hadiš: residence, palace
pasuš-hasta: ?
apo-had: to put away ^{En} Apo

Avestan POK:885-887

syazd: to step back
siždyamna: recess
siždyô: to give up
siždra: shy

Old Persian KNT:212,213

had: to sit
had-iš: seat, palace
ni-had: set down, established ^{En} Nt 1

Greek AHD

hodos: way, path
ana-hodos: up way (for electric charges), anode
kata-hodos: down way (for electric charges), cathode
met-hodos: (path) for proceeding, method
epi-eis-hodos: going in besides, episode ^{En} En

French

Persian MON:2782,3797

ânod: "up way" آند
kâtod: "down way" کاتد
metod: "proceeding way" متد

English

anode, cathode, method, episode, period

Indo-European 📖 POK:884,887; KLN:1075

Sed : *to sit, to place*
also to place a step, to go

PART 2

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Germanic 📖 AHD

English

sit, set, settle, nest, seat, saddle

Greek 📖 AHD

English

chair

Latin 📖 AHD

English

sedan, soil, session, hostage, president

Akkadian 📖 AKD:69

Šedū : *devil, mad person*

Aramaic 📖 BQT:1320

šedā, šātān : *demon*

Persian 📖 BQT:1320

šeydā : *crazy, frenzied (with love)*

شیدا

جز من اگر عاشق شیداست بگو - ورمیل دلت به جانب ماست بگو
Molavi

Arabic 📖 BQT:1320

šeytān : *devil*

Persian 📖 MON

šeytān : *devil*

شیطان

Hebrew 📖 KLN:1385

sātān : *adversary*

English

Satan

Indo-European 📖 POK:888

Segh : *to hold, overrule*

Avestan 📖 POK:888

haz : *to gain*
hazah : *victory*

Greek 📖 POK:888; AHD

sxēma : *a holding, form, shape*
sxolē : *a holding back, stop, rest*

Latin

English 📖 AHD

scheme, sketch
school, scholar**Sěi 1**

see root: Sě 1

Sěi 2

see root: Sě 2

Sěi 3

see root: Săi 2

Indo-European  OEW:340; POK:893**Seiku, Seikw** : *to flow*Avestan  POK:893haek 2, hinčaiti, hičaiti : *flows from*hixra : *liquid increment*fra-šaēkam : *spilling*  Per 1Persian  AEF:391; MON:799pašanjīdan : *sprinkle*پشنجیدن (پشنگ، پشنگه)
به خنجر همه تنش انجیده اند
بر آن خاک و خوش پشنجیده اند
LabīfSogdian  SOD:303pšync : *to sprinkle*Latin  AHDsiccus : *flowed out, dry*French  AHD:1141sec : *without water*Persian  VOP:213sek : *non-diluted drink*

سیک

English  AHD:1141; OEW:346sack : *a dry strong wine*Sanskrit  POK:893sincati : *flows from*English  AHD; OEWdesiccate : *to dry out***Seikw***see root: Seiku*Indo-European  POK:894**Seip** : *to pour out, drip*Latin  POK:894; AHDsāpō : *soap*Greek  BQT:1330sapôn : *soap*Arabic  TAD:43sāboun : *soap*Persian  MON:2118sābūn : *soap*

صابون

Germanic  AHD

English

soap, sip, sieve

Indo-European

📖 AHD; POK:920,926,930,931,941; IEC:640,1155

Sek : to cut, scrape, separate, tear, etc.

Sked 1, Sker 2, Skei, Skhed, Skep, Skel 2, Skaf, Ker 2

PART 1

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Avestan

📖 POK:919,930; SOD:61

sčand : to break

skenda : crippled, broken

scapti : to split

kaf, káf : to break

Persian 📖 BQT:1275, 1279; HRN:175

šekastan : to break

šekāftan : to split

kaftan, koftan : to break open, split

Rūdakī کفیدش دل از غم چو آن کفته نار - کفیده شود سنگ تیمار خوار

شکستن (شکین)

شکافتن، شکستن، کافتن

شگفت، شکوفه، شکاف

کفتن

کاویدن، کاوش، کاو

Avestan 📖 POK:919

sâ 2, sâna, sya 1 : to sharpen ?

fra-sanam : destruction

Compare with the Avestan

words from root "Ak"

Persian 📖 BQT:1184, 1462

sūdan : to rub, grind

farsūdan : to wear out, rub off

Manūchehr توی کوبی پلپل سوده بکف داشت - پراکند از دو کف در دیده پلپل

سودن (سود)

فرسودن

Avestan

📖 POK:941; KLN:1432; HRN:188; SYN:321

kereta : knife, a cut trench

kareman, čareman : hide cut off animals

karena_oša : cut from hearing, deaf

ha-keret : cut once Sem 1

skarenā : cut round

Persian

📖 BQT:1559; HRN:25,98,221,244; MON:2935; SYN:321

kârd : knife

kart : a trench cut for irrigation

čarm : hide (cut from animals)

kar : deaf (with cut hearing)

agar : if "cut once"

کارد

کرت

چرم

کر

اگر (مگر، هرگز)

Sogdian 📖 SOD:128,193,194

crm : leather

krm : deaf

krt : knife

Avestan 📖 POK:578,920,947

sâri, sari, said, sid : fragment

wi-sis, vi-saēd : cut apart, send away Wi

sairi-gaona : like cut (dropped) from the body, dung Gəu 1

Persian 📖 HRN:205; BQT:1816; POK:578,947

gosîxtan : cut apart (گسیختن، گسیل)

sargin, sergin : animal dung

Molavi هردو گون آهو گیا خوردند و آب زاین یکی سرگین شد و ز آن مشک ناب

سرگین

Latin 📖 AHD; IEC:1155

secare : to cut

re-secare : cut against

risecum : rock at sea that cuts ships,

danger, risk

cortus : short

French 📖 AHD

risque : danger

Persian 📖 MON:1703

rîsk : risk

ریسک

English 📖 AHD

section, insect, risk

PART 2

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Indo-European

AHD; POK:920,926,930,931,941; IEC:640,1155

Sek : to cut, scrape, separate, tear, etc.

Sked 1, Sker 2, Skei, Skhed, Skep, Skel 2, Skaf, Ker 2

Avestan POK:926

xerpta : cut, shaped

hu-xerpta, hu-kehrpta : shaped like a boar, pig  Su 2

Persian BQT:794

xūk : "boar-shaped animal", pig

خوک

Persian IEC:640; MON:1982

sīlī : slap, blow

سیلی

Germanic AHD

skith : a cut branch or piece of wood
used for walking on snow, snow ski

French

ski

Persian MON:272

eskī : ski

اسکی

English AHD

ski

Latin AHD

crī-bellāre : to sieve, separate

Arabic AHD:543

ġarbala : a sieve

Persian MON:2397

ġarbāl : a sieve

غربال (غریبیل)

Germanic AHD

words meaning to cut,
shape, peel or skin, etc.

English AHD

shelf, half, shape, shave, skin, skirt, saw,
scrap, sharp, shirt, shears, score, short

Latin AHD

scīre : to know, distinguish

English AHD

science, conscience, nice

Latin AHD

carō : flesh
carni-levare : reduce flesh,
a festivity before fasting,
carnival  Legwh

French AHD

carnaval

Persian VOP:269

kārnāvāl : carnival

کارناوال

English AHD

carnival, carnivorous

Indo-European IEC:1155

Skēl : division, part, thought

Old Iranian FFD:61

kar 3, kār 3 : to think
us-kār-a : to think

Pahlavi FFD:61

uskār, uskārd : thought

Persian FFD:61; MON:1903

segāl : thought, (a bad) idea

سیگال (سیکال)

سگالیدن ، سگالاش

باخود غزلی همی سگالید - که نوحه نمود و گاه نالید

Nezāmī Ganjavī

Seks

see root: Sweks

Indo-European POK:896

Sekw : to follow

Avestan ZAW:38,242; POK:896

haša-kerta, aša-gerd : follower Kwer
haxay, haši : follower, companion, friend
haxa-maniš : friendly mannered Men 1

Persian MON:1999; BQT:2316

šâgerd : student, "follower" شاگرد
Haxâmanes̥ : هخامنش
"with friendly thoughts and manners"

Avestan POK:896

hačâ : followed from
hačâ-adairi : from under En

Pahlavi HRN:12,150

aj : from
azêr : from under, under

Persian BQT:113,1051

az : from از
zîr : under زیر

Old Persian KNT:212

hačâ : follow, from
haxâ : friend
haxâ-maniš : with friendly manners Men 1

Latin AHD

signum : sign, mark
sigillatus : a record

Arabic AHD:1159

siqillât : with little images
sejell : a sealed record

Persian AHD:1159; ARK:221

saqarlât : a type of cloth سقرلات
sejel : a record سجل
غير حرف و غير ايما و سجل
صد هزاران ترجمان خيزد ز دل
Molavî

English AHD

seal, sign, resign, assign

Latin AHD:1159

scarlatum : a purple cloth

English

scarlet

French

assignat : assigned bonds

Russian DMO:220

assignatsia : money bill

Persian DMO:220; ARK:239

eskenâs : money bill اسکناس

Latin AHD

socius : companion
sequi : to follow
secondus : coming next

English AHD

society, association
pursue, sequence, execute
second

Indo-European POK:900

Selg : to let go, release

Avestan

POK:900; HRN:245

harz, herezaiti : to allow, release

Persian BQT:2361, 2339

haštan, heštan : to let go

هشتن

halīdan : to let go

هلیدن

چمن حکایت اریب هشت میگوید

نه عاقل است که نسیه خرید و نقد بهشت

Hāfez

Germanic AHD

sulk : to become sluggish

English AHD

sulk, sulky

Indo-European POK:902-904

Sem 1, Sm : one

PART 1

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Avestan POK:902-904

ham 1 : with, also, too

hamo-gaona : everyone Gəu 1

ham-mana : like that Men 1

ha-karat : one cut, once Sek

han-dāma : put together, shaped Dhē 2

hama 1 : same, equal, flat level

Persian BQT; HRN

ham : too, together

هم (همه ، همگی)

ham-šīreh : sibling, sister

همشیره

hamân : same thing

همان (همانا)

agar : if

اگر (مگر ، هرگز)

andām : shape (put together)

اندام

hāmūn : land with same (flat) elevation

هامون

Pahlavi MON:5176

ham-ēmāl, hamahl : equal, similar

Persian IEC:1244; MON:5167

hamāl : like

همال (هامال)

farrox-hamāl : auspicious, prosperous

فرّخ همال

ز زندان به ایوان گذر کرد زال

Ferdowsī

بر او زار بگریست فرّخ همال

Avestan POK:902-904

ham-par : store together Pel 1

ham-tax : throw together,

compare Teku 1

han-kar : to do Kwer

hama-bāga : share with Bhag

Persian BQT; HRN

anbāštan : to store

انباشتن (انبار)

andāxtan : throw

انداختن (انداز ، هنده ، مهندس)

engāštan : think

انگاشتن (انگار دن ، انگار)

anbāz, anbāg : partner

انباز (انباغ)

زیبش فریدون چنان باز گشت - که گفتی که با باد انباز گشت

Ferdowsī

Indo-European POK:902,904

Sem 1, Sm

PART 2

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Avestan POK:902-904; HRN:30

han-jâmana : come together Gwa

han-jâma : come to end Gwa

han-gmatana : place to get together Gwa

han-vaëg : swing together, excite Weik 1

Persian BQT:166,167,2368

anjoman : association

anjâm : ending, conclusion

Ekbâtân : name of a city

angixtan : to excite

انجمن

انجام (سرانجام)

اکباتان (همدان)

انگيختن (انگيزه)

Avestan BQT:172

han-davatha : depressed Dheu 2

han-du : to smear together Dheu 3

han-dareza : pull together, fortify, advise Dher 1

han-gama : at the same time, during Gwa

Persian BQT; MON

andûh : sorrow

andûdan : to smear

andarz : advice

hengâm : time

اندوه

اندودن

اندرز

هنگام

Old Persian KNT:211,212

ha 1 : one, with

ha-dâ : with

ham : together

ham-karta : cooperation Kwer

Greek AHD; KLN:1557; IEC:1246

homos, homalos : same

sun : together

sun-phonos : harmonious sound Bhâ 2

sun-ballein : throw together,

compare, symbol Gwel 1

sun-posion : drink together Pô 2

French

homogene
symphonie
symbole
symposium

Persian MON:1921; VOP:372

homožen

samfonî

sambol

sampozîyom

هموزن

سمفونی

سمبول

سمپوزيم

English AHD

symphony

Latin

English

homogenous, symbol, symposium

Russian AHD:1148

samo-war, samo-vari, samo-varitî : self boiler Wer 5

Persian MON:1918

samâvar : "self boiler"

سماور

Germanic AHD

English

same, some, seem

Latin AHD

English AHD

single, simple, sincere, similar

simulate, simultaneous, resemble, assemble

Indo-European 📖 POK:905

Sem 2, Sam : *summer*

Avestan 📖 POK:905; KLN:1541

ham 2, hama 2 : *summer*

Sanskrit 📖 KLN:1541

samâ : *half-year*

Germanic 📖 POK:905; AHD

sumaraz : *summer*

Persian 📖 HRN:280

hamîn : *summer (obsolete)*

همین

English 📖 AHD

summer

Greek 📖 KNT:209; MON:1982

Sěma : *marked, stamped (coin)***A-sěma** : *unmarked, unstamped (silver)*

Pahlavi 📖 KNT:209

asēm, sīm : *silver*sīmēn : *made of or shining
like silver, white*

Persian 📖 BQT:1212; KNT:209; MON:1982

sīm 2 : *silver*sīm 3 : *electric wire (originally made of silver)*sīm 4 : *mercury (due to its white shiny color)*سیم و زر دنیا پرستان را منافق میکند - پشت و رو باشد یکی آیینۀ بی سیم را
Tāher Vahidسیم ۲
سیم ۳
سیم کشی، بی سیم
سیم ۴ (سیماب)

Old Persian 📖 KNT:209

siyaman : *made of silver*

Indo-European 📖 POK:907

Sen 1, Seno : *old*

Avestan 📖 POK:907

hana, hanâ : *old*

Persian 📖 HRN:280

hân : *old (obsolete)*

هان

Latin 📖 POK:907; AHD

senex : *old*senior : *old, old man*

French 📖 AHD

monsieur : *sir*seinat : *an assembly of old wise men*senateur : *a member of the senate*

Persian 📖 MON:1925,4125

mosyo : *sir*senâ : *senate*senâtor : *senator*مسیو
سنا
سناتور

Sanskrit 📖 POK:907

sana : *old*

English 📖 AHD

sir, senior, senile, senate, senator

Sen 2 | Ser 1

Indo-European POK:907

Sen 2, Seni : *apart, separated, without*

Avestan POK:907

hanare : *without*

Sanskrit POK:907

sanu-tar : *apart from*

Latin POK:907

sine : *without*

sincērus : *not affected, pure*

English KLN:1447

sans : *without*
sans serif
sincere

Seni

see root: Sen 2

Seno

see root: Sen 1

Indo-European POK:909

Septm : *seven*

Avestan / Old Persian POK:909; KLN:1426; GPL:41

hapta : *seven*

hapta-dasa : *seventeen* ^{De} Dekm

haptâiti : *seventy*

Persian BQT:2341

haft : *seven* (هفت , هفده , هفتاد) هفت

Germanic AHD

sibum : *seven*

English

seven, seventeen, seventy

Latin AHD

septem : *seven*

English

September

Indo-European POK:909

Ser 1 : *to flow*

PART 1

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Avestan / Old Persian POK:909

hareva, haraiva : *name of a river in Afghanistan*

Persian

harât : *"the flowing"* هرات

Latin AHD

serum : *liquid from animal tissue*

French

Persian MON

serom : *liquid from animal tissue* سرم

English AHD

serum

PART 2

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Indo-European POK:909

Ser 1 : to flow

Indo-European POK:1003; KNT:205; IEC:1276

Sreu, Sru : to flow

Srēm : flow, running

Avestan / Old Persian
POK:1003; HRN:139rautah, raodah : river,
flow
raodaiti : flows

Sogdian SOD:346

rwt : river

Avestan POK:1003

ravan : river
raonami : the rivers
urvant, sru-vant : fluently

Germanic AHD

strau-maz : stream

Greek AHD

rhein : to flow
rheuma : stream
rhutmos : rhyme

Latin

Persian IEC:1276

ram : flight

ramīdan : to shy, to be scared

Hâfêz Esfahâni

رَمَ
رمیدن
رماندن، رمانیدن، رمیده، رموک
تو آن وحشی غزال و هر قدم از من رمیدنها - من و این دشت بی پایان و بی حاصل دویدنها

Pahlavi MON

rôt 2 : river

Arabic VDG:226

rauza : land of rivers, garden

PLA:138 derives it from Persian "raz: garden". See "Leudh".

Persian MON

rowzeh : garden

روضه
روضه خلد برین خلوت درویشانست
مایه محترشی خدمت درویشانست
Hâfêz

English

stream

French

Persian MON:1693,1701

româtism : rheumatism

rîtm : rhythm, rhyme

روماتیسیم
ریتیم

English AHD

rheumatism, rhythm

English AHD

diarrhea, hemorrhoid, rhyme

Ser 2 | Serô

Indo-European POK:910

Ser 2 : *protect*

Avestan POK:910; KLN:338

haraiti, haurvaiti : *protects*
haurva 2 : *protecting*

Latin KLN:724

servâre : *to keep, preserve*

French AHD

conserver, observer, etc.

Persian MON:3097

konserve : *conserve* کنسرو

English AHD

conserve, observe, reserve, preserve

Greek KLN:724

heros : *protector*
Heracles : *a legendary strong man*

French

Persian MON:2269

herkûl : *"protector"* هرکول

English AHD

hero, Hercules

Indo-European POK:911; IEC:1131

Ser 3, Serô : *to line up, arrange, sort*

Sanskrit

IEC:1131; MON:5081

sarat : *thread*
hâra : *string of beads*

Persian IEC:1131; MON:5081

hâr : *string of beads, necklace, neck* هار

Ferdowsî گزیده سواران برون از شمار - بران باد پایان آهسته هار

Avestan IEC:1131

hara : *mountain range*

Latin AHD:1538

serere : *to arrange, join*
sors : *lot, fortune*

English AHD

series, assert, insert
sort, sorcerer, assort, consort

French VOP:212

seri, seriya

Persian VOP:212

serî : *series* (سریال) سری

Serô

see root: Ser 3

Indo-European POK:882; AHD:1538

Seu 1 : *one's own self*

Avestan

POK:882; BQT:718; BRT:1862;

hva, hava, xva, xváothra : *self*
xvâjo-ayâo, xvadâya :
alive from self, self destined,
with eternal life [⚡] Aiw

Pahlavi

HUB:54; SNS:79

xvat, xveš : *self*
Xvatây : *God*

Persian

BQT:779; HRN:104

xod : *self*
Xodâ : *"alive from self"*
خودا، خدا
خديو، خواجه (خدايچه)
See "Ghu" for another possible root

Avestan

POK:842; SNS:267; IEC:1351

xwa-tam, xwa-tô : *the self, character, habit*
xvaē-pati, xvaē-paithya : *one's own self* [⚡] Pa
"pati, paithya" means self or own in this combination

Persian

POK:842; SNS:267; IEC:1351

xū : *character, habit*
xīš 1 : *self*
خو (بدخو، خوشخو)
خویش ۱

Germanic

AHD; KLN

English

AHD

so, such, also, self, sibling

Latin

AHD

English

solo, sole, secret, secure, separate, seduce,
select, sure, custom, suicide, segregate

Greek

AHD

English

AHD

ethics, ethnic

Indo-European

SYN 85,108

Swe-sor : *one's own female*

Avestan

xvan-har : *sister*

Persian

xâhar : *"one's own female relative"*
خواهر

Germanic

AHD

English

sister

Latin

English

sorority, cousin

Seu 2 | Sew

Indo-European POK:912
Seu 2 : juice, to take liquid, squeeze

Avestan POK:912; KNT:211
hau 1 : to press, squeeze
haoma : ephedra plant, mahuang shrub

Persian HRN:249; BQT:2398
howm : a juicy plant which was considered very holy by the ancient Aryan people
هوم

Germanic AHD
sūp : soup

French AHD:1234
soupe

Persian MON:1944
sūp : soup
سوپ

Sanskrit KNT:211
sū : press

English AHD:1234
soup

Germanic AHD
sūk : suck
suk : soak

English AHD
suck, soak

Indo-European POK:913
Seu 3, Sũ 4, Sũtus : to give birth

Avestan POK:913; KLN:1473
hav, hunâmi : to give birth
hunuš : son

Germanic KLN:1473
sunuz : son

English
son

Indo-European POK:914
Seu 4, Sew : to boil

Avestan POK:914; KLN:1411
hâvayan : they boil, roast
hâvayeiti : roasts

Germanic AHD; KLN:1411
siuthan : to boil
suth : swamp

English
seethe, sod

Sew

see root: Seu4

Semitic 📖 KLN:275

Š.f.f : *it is transparent*

Arabic 📖 KLN:275

šaffa : *to be transparent*

Persian 📖 MON

šaffâf : *clear, transparent*

شَفَّاف (شَفَّافِيَّت)

Arabic 📖 KLN:275

šiff : *light garment*

French

chiffe : *rag*

English 📖 KLN:275

chiffon : *silk fabric used for women's dresses*
AHD derives this word from a different root.

Arabic 📖 FVA:232

S.f.r : *(to be) yellow***Asfar** : *yellow*

Arabic 📖 FSD:2157

za'farân : *saffron, a plant with purple flowers and orange stigmas*
PLA:145 claims "za'farân" is from Persian "zar-parân:with gold petals".
CEL6:185 derives it from Indo-European "Kesuro: hair" (hairy plant).
CEL6:233 claims that Arabs imported it from Kashmir in the 9-10th century

Persian 📖 MON:1739

za'farân : زعفران
saffron

Middle Latin

DEV:199; PRT:581; KLN:1372

safranum : *saffron*

Old French 📖 AHD:1142

safron

English 📖 AHD

saffron, safranine

Arabic 📖 FSD:2157

safrâ : *yellow, bile*

Persian 📖 FVA:232

safrâ : *bile* صفرا ، صفراء

Italian

AHD:1142; KLN:1372

saf-fior : *yellow flower*

Old French

saflor

English 📖 AHD

safflower : *a plant with orange flowers*

Pahlavi 📖 MPP:88; BQT:1294; NYB:186

Šššyr, Šypšyr, Šamšēr : *sword*

Persian 📖 BQT:1294

šamšîr : *sword*

شمشیر

Asjadī Marvazī

چون شاه بگیرد بکف اندر شمشیر - از بیم بیفکند ز کفها شم شیر

BQT rejects derivation of "šamšîr" from "šam-šîr:lion's paw" by SKT:468.

English 📖 KLN:1397; SKT:468; HJB:804

scimitar, cimetar

S.h.r | Skaf

Arabic KLN:1373

S.h.r : a yellowish red color

Arabic

KLN:1373; FVA:226; AHD:1143

as-har : yellowish red

sahrâ : anything which has a yellowish red (sand) color, desert (due to its color)

Persian FVA:226

sahrâ : desert صحرا (صحاری)

English AHD:1143; KLN:1373

Sahara

Shu-shu

see root: Chou-shu

Sî 1

see root: Sě 1

Sî 2

see root: Sě 2

Sî 3

see root: Sâi 2

Sindhu

see root: Syand

Old Persian MON:2083

Sinkadruš : the red ore of mercury (mercuric sulfide) used as a pigment

Persian MON:2083; BQT:1302

šangarf : red lead, cinnabar, red pigment

Kasâf Marvzî شنکرف (زنجرف) بنفشه زار بپوشید روزگار به برف - چنار گشت دوتا و زیر شد شنکرف

Greek KLN:289

kinnabari : red lead

Latin

AHD:243

cinnābaris

French

KLN:289

cinbare

English

AHD:243

cinnabar

Indo-European POK:916

Skabh : to support

Avestan POK:916; SOD:152

skambem : support

upa-skambem : for support, a pillar Upo

fra-sčimbana : universe, world Per 1

Sogdian SOD:152

fcmbd : world

Persian POK:916; BQT:410; MON:798; FRS:183

pečkam : a roof on

pillars, a room open all around, a porch

از تو خالی نگارخانه جم - فرش دیبا کشیده بر بچکم
Rūdakī

Latin AHD; KLN:1430

scamnum : a support (for seating), bench

English

shamble : bench

Skaf

see root: Sek

Indo-European POK:917

Skai : shining, bright

Avestan POK:700,916; BQT:2047,674; KNT:184

čitra : clarity, face, also race and origin
hu-čitra : with nice face [☞] Su 1
manuš-čitra : with a manly face,
or from the race of "Manush" [☞] Men 1

Persian BQT:674, 2047, 2336; MON:5140

čehreh : face چهره
hožir : beautiful هژیر
Manučehr : "from Manush family" منوچهر
ای فخر آل اردشیر ای مملکت را ناگزیر
ای همچنان چون جان و تن آثار و افعالت هژیر
Daqīqī

Avestan POK:917; SOD:367

čâyâ, asaya : shade

Sogdian SOD:367

sy'k : shade

Greek POK:917; AHD

skena : tent

Latin AHD

scaena : stage

French

Persian MON

senârîo : scenario سناریو

English

scene, scenario

Germanic AHD

skīnan : to shine

English

shine

Old Iranian FFD:63

Skaif, Skaip : to wait

Pahlavi FFD:63

škēb : patient

Persian FFD:64; MON

šakīb : patient شکیب (شکیبا، شکیبایی)
šakībīdan : to be patient شکیبیدن (شکیفتن)

Skaip

see root: Skaif

Indo-European WLD2:537; IEC:1146

Skaivos : sinister, odd, strange

Greek IEC:1146

skaivos : awkward

Latin IEC:1146

scaevus : sinister

Persian IEC:1146; MON:2085

šūx : vulgar, rude, a joker, also beautiful شوخ (شوخی)
خمی که ابروی شوخ تو در کمان انداخت
بقصد جان من زار ناتوان انداخت
Háfēz

Skand | Skēl

Indo-European WLD:540; AHD:1539

Skand, Skend, Sqand, Kand 2 : to climb, leap

Skand-slâ : step, ladder

Latin WLD:540

scandere : to climb

scâlae : step, ladder

Italian

scalo : ladder,
platform, wharf

Arabic TAD:4

eskeleh : ladder,
wharf

Persian MON:271

eskeleh : wharf

اسکله

French

ascenseur : elevator

eschele : ladder

Persian MON:51,288

âsânsor : elevator

ešel : scale

آسانسور

اشل

Sanskrit WLD:540

skandati : jumps, speeds

English AHD

scan, ascend, descend, escalator, scale

Greek WLD:540

skandalon : stumbling block, trap

English AHD

scandal

Skand-slâ

see root: Skand

Skarna

see root: Sukurna

Sked 1

see root: Sek

Indo-European POK:919

Sked 2 : to cover

Sanskrit POK:919

čadaiti : to cover

čattrā : cover, umbrella

Persian BQT:609,622

čador : veil

čatr : umbrella

چادر

چتر

Avestan POK:919

sâdayantī : an article of clothing

Skei

see root: Sek

Skēl

see root: Sek

Indo-European POK:928

Skel 1 : *bent, curved*

Persian HRN:175; BQT:1288

šal 1 : *leg, thigh*šalvâr : "like legs", pants  Wel 3šelang : *step, also a leg exercise*šalpûy : *sound from foot steps*

Būshakūr Balkhī

توانگر بنزدیک زن خفته بود - زن از خواب شلپوی مردی شنود

شل ۱

شلوار

شلنگ

شلپوی (شکپوی، شکپوی)

Greek POK:928

skelos : *leg*

English AHD

isosceles

Greek WLD:597; OEW:363

skhelos, kellos : *crooked*

Persian WLD:597; HRN:192; MON:3012

kol : *crooked*

کل

Greek POK:928; AHD

kulindein : *bend, roll up*

French

Persian MON

sīlandr : *cylinder*

سیلندر

English AHD

cylinder, calender

Greek AHD

kōlon : *limb, part, member, large intestine*

Arabic TAD:59

Persian

MON:2749; BQT:1548; ETM:45

qūlūn (قولنج، كولنج)

Latin AHD

English AHD

colon, semicolon

Skel 2

see root: Sek

Skend

see root: Skand

Indo-European POK:930

Skeng : *crooked, bent*

Avestan POK:930

haxti : *that which bends, leg, shank*

Pahlavi SNS:2

haxt : *thigh*

Persian HRN:279

hax : *foot sole (obsolete)*

هَخ

Sanskrit POK:930; SNS:2

sākthi : *leg, shank*

Germanic POK:930; AHD

skankô : *that which bends, leg*

English AHD

shank

Skep

see root: Sek

Indo-European POK:935

Sker 1 : to turn, bend

Indo-European POK:935; IEC:535

Kor-ôna : bent

Avestan / Old Persian

SYN:857; BRT:46,451

Karana : end, edge

Pahlavi

BQT:1611,1699; HRN:189

kanâr : edge, side

Persian

BRT:451; SYN:857; IEC:535

karân : edge

کران
کراہ، کنار، کناره

Avestan / Old Persian BRT:46

a-karana : endless Ne 1

Greek IEC:535; POK:935

koeōnos : curved

English AHD

crown, corona

Indo-European POK:935

Kur-wo : bent, curly

Old Persian FAF:513; KNT:180

Kūru : "curly hair", name of the founder of
Persian empire who was born in 559 BC

Kūruš, Kūrauš, Kū-raš, Kū-ra-aš

Persian BQT; KNT:180

Kūrosh : "sun", a male name

کوروش، کوروش

Greek FSD:644

Kuros

Persian FAF:513

کوروس، سپروس

English FSD:644

Cyrus

Latin POK:935

curvus : bent

crista : crest

crispus : curly

English AHD

curve, curb, curvature
crest
crisp, crepe

Greek POK:935

krikos : ring

Latin POK:935

circus : circle

English AHD

circus, circle, search

Germanic POK:935

skrink : to shrivel up

hringaz : circle

hrugjaz : edge

English AHD

shrink

ring, ranch, range, rink, arrange, derange, ribbon
ridge**Sker 2**

see root: Sek

Indo-European 📖 POK:838,953

Skëu 1 : *to sneeze***Pneu** : *to breathe*

Persian 📖 POK:953; BQT:1102,1304

šonūšeh : *sneeze*

شنوشه (شنوسه، اشنوسه)

Rūdakī مرا امروز تویه سود دارد - چنان چون دردمندان را شنوشه

Germanic 📖 AHD:1535

fniu : *to sneeze*

English

sneeze

Greek 📖 AHD

pneuma : *wind, breath*

English

pneumatic, pneumonia

Indo-European 📖 POK:952,953; IEC:1193AHD:1540

Skeu 2, Sku, Keu 3, Kū 3 : *to cover***Skūr, Ku-z-dho, Kut-no** : *cover, shell*

Avestan / Old Persian 📖 POK:952; KNT:180; BQT:785

xaōda, xaudā : *helmet*tigra-xaudā : *pointed (sharp) helmet* Steig

Persian 📖 POK:952; KNT:180; BQT:785

xūd : *helmet*

خود (کلاهخود)

Persian 📖 BQT:1562; MON:2821; SOD:187

kâz : *hut, cover*

کاز (کازه، کاژ، کاژه)

امید وصل تو نیست در وهم من که آخر
در کازه گدایان سلطان چگونه گنجد

Molavī

BQT claims these words are cognates of the Sogdian word "k'z'k'kh".

Greek 📖 IEC:595

kutos : *hollow, belly, body*

Avestan 📖 POK:953

kusra : *vault, hole, cavity*

Persian 📖 POK:953

kos : *external female genitalia*

کس ۲

Germanic 📖 POK:953; AHD

husôn, hūdjon : *cover*hudiz, hudjan : *skin, hide*skūma : *foam or scum covering water*

English 📖 AHD

hose, hut

hide : *skin*

skim, scum

Latin 📖 POK:953; IEC:595

cutis : *skin*ob-scūrus : *covered, unclear*

English 📖 AHD

curium, cutis,

obscure

Persian 📖 IEC:594,1193; MON:1899,3114

skūreh : *earthen bowl*

سکوره (سکره، اسکوره، سکره)

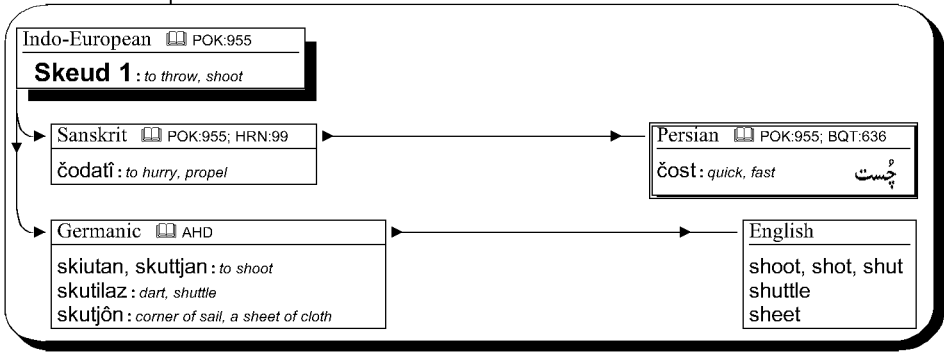
kūč : *household, family, tribe*

کوچ

Skeu 3

see root: Keu 3

Skeud 1 | Skeud 2



Skeud 2

see root: Keued

Indo-European 📖 POK:917

Skhai : to cut, strike

Old Persian

📖 ISS:84

kai, či : to cut

Pahlavi 📖 ISS:84

čēlān : metal objects

čēlānkar : metal worker

Persian 📖 MON:1327

čīlān : small objects made of iron

čīlāngar : metal worker

چیلان

چیلنگر (چلنگر)

Latin 📖 POK:917; AHD:186,217; ISS:84

caedere : to cut

â caesô mâtiris ūterē : "from the incised womb of his mother",

Julius Cesar (or his ancestor) was born by this operation.

caementum : stone chips used to make lime

caelum : chisel

Greek 📖 AHD; KLN:839

kaisar : Caesar, born by
"cesarean" section

Arabic

📖 BQT:1551

qaysar : Caesar

Persian 📖 BQT:217

qeysar : Caesar

به قیصر سپارد همه یک به یک

از این پس نوشته فرستیم و چک

Ferdowsī

قیصر

French 📖 BQT:1551

Persian 📖 BQT

sezâr : Caesar

سیزار (سزارین)

English 📖 KLN:839

Caesar

Russian 📖 BQT:1551

tsar

French

Persian 📖 BQT

tezâr : Russian emperor

تزار

English 📖 AHD

czar, tsar, tzar

French 📖 AHD:217

Persian 📖 MON:1983

sement : cement

سیمنت (سیمان)

English 📖 AHD

cement

English 📖 AHD

scissors, chisel, concise, precise, circumcise, incision

Latin 📖 FSD:1317; AHD:186

Caesaria : an ancient
seaport in Roman Palestine

French

📖 AHD:703; FSD:1317; NAT:166

Jersey : name of an Island north of
France famous for its wool clothes

Persian 📖 VOP:203

žerseh :

a fine cloth

ژرسه

English 📖 FSD:1317; NAT:166

Jersey, New Jersey

jersey : originally a woolen sweater peculiar to fishermen of Jersey Isle

Skhed

see root: Sek

Skou

see root: Keu 3

Sku

see root: Skeu 2

Skūr

see root: Skeu 2

Indo-European 📖 POK:958

Skwalo, Skwalos, Kwalo, Kwalos, Kwal : a big fish, whale

Avestan 📖 POK:958; SOD:194

kara 2: whale

Sogdian 📖 SOD:194

krw : big fish, whale

Persian 📖 SOD:194

karv : a kind of fish

کَرَو

Germanic 📖 AHD

hwaliz : whale

English 📖 AHD

whale, walrus

Latin 📖 AHD

squalus : a kind of fish

English 📖 AHD

squalene

Skwalos

see root: Skwalo

Semitic KLN:1430; AHD:1541

S.l.m, Š.l.m : to be healthy and intact

Arabic KLN:1430; SAP:726; AHD:1541

salâm : good health, peace (greetings)

taslîm : surrendering (for peace)

Islâm : surrendering (to will of God)

Persian MON; FVA:196

salâm : peace (greetings)

سلام
تسليم، اسلام، سلمى، سليم، سلامت
سليمان، تسليم، مسلم، مسلم
قاصد منزل سلمى که سلامت بادش
چه شود گر بسلامی دل ما شاد کند
Hâfez

English AHD

Islam, Moslem

Malaysian OEW:451

salang : peace, greetings, fare well

English OEW:451; FSD:2316

so long : fare well

Started as a colloquial among British soldiers.

Hebrew KLN:828,1430,1471; AHD:1541

šalôm : peace, good health (greetings)

yrrû-šalôm : city of peace (Jerusalem) ^{Yârâh}Ab-šalôm : father is peace (Absalom) ^{Ab 2}

French

Persian MON:195

Ūršalîm : اورشلیم
"city of peace"

English KLN:828

šalom, Jerusalem, Absalom, Solomon

Greek AHD:1541

salômě : peace

Salome : a female name

English AHD:1145

Salome : an old female name

Š.l.m

see root: S.l.m

Sm

see root: Sem 1

Semitic KLN:1434

S.m.`a : to hear, listen

Arabic KLN:1434

samî`a : he heard

Persian MON; FVA:197

sam`a : hearing

سمع
سَمَاع، سَمِيع، اسْتِمَاع، مُسْتَمِع، سامع
بشنو سماع آسمان، خیزید ای دیوانگان
جانم فدای عاشقان امروز جان افشان کنیم
Molavi

Hebrew KLN:817,1434

shâma` : he heard
shema` : sound, a prayer
Yishma`-ël : God hears
Layh

Arabic KLN:817

Ismâ`îl : "God hears",
name of son of Abraham

Persian MON

Esmâ`îl : "God hears", اسماعیل
a male name, son of Abraham
حلق پیش آورد اسماعیل وار
کارد بر حلقش نیارد کرد کار
Molavi

Persian

Šam`ûn : Shimeon, Simeon, a follower of Jesus

شمعون
همان رازهایبی که عیسای پاک - به شمعون بگفت از لب تابناک
Sorûsh

English KLN

Shema, Simon, Simeon, Shimeon, Ishmael

Indo-European POK:968

Smeit : to throw, send forward

Avestan

POK:968; KLN:988

maëth : to send, throw
hamista : thrown down,
put down
hamaëstar : one who
throws down, enemy

Pahlavi SNS:53

hamëštâr : enemy
hamëstagân : awkward situation

Persian HRN:279; MON:5185

hamîstar : enemy
hamîstakân : a place between hell and heaven
Almost obsolete words.

همیشتر
همیستکان

Latin AHD

mithere : to send off

French AHD

Persian MON:3079

komîsiyon : commission (کمیته)

English AHD; KLN:988

commit, emit, omit, remit, submit, admit, permit, transmit,
mission, commission, committee, missile, promise

Smelo

see root: Mel 2

Smer

see root: Mer 1

Smerd

see root: Mer2

Semitic KLN:1379

Š.m.š : *sun*

Arabic

KLN:1379

šams : *sun*

Persian MON:2075

šams : *sun*شمس (شمسی، شمسہ، شمس)
 یاد باد آن شب کہ آن شمسہ خوبان تراز - بہ طرب داشت مرا تا بگہ بانگ نماز
 Farokhi

Hebrew

KLN:1379

šemeš : *sun*šimšon : *a name*

Greek

KLN:1379

Samson

Latin

KLN:1379; AHD

Samson

French

Persian MON:719

Sâmsoun

a male name

سامسون

English KLN:1379

Samson, Sampson

Arabic FVA:236

S.n.`a : *to make, manufacture*

Persian MON; FVA:236

san`at : *industry*صنعت
 مصنوع ، مصنوعات ، تصنع ، صانع

Arabic KLN:108

dâr-as-sanâ` : *house of construction, factory*

D.v.r

Greek

Italian KLN:108; LAM:95

darsena, arsenale : *naval dockyard*

English AHD

arsenal

Indo-European POK:971

Snâ : *to flow, swim*

Avestan

POK:971; KLN:1030; HUB:15

snâ : *wash, swim*us-snâ : *wash* Ud 1

Persian BQT:1298; HRN:176; AEF:118

šenâ : *swim*ošnân : *an alkaline plant used in washing, soap*اُشنان (اشق)
 کنون اختر گازر اندر گذشت - به دکان شد و برد اشنان به دست
 Ferdowsi

شنا

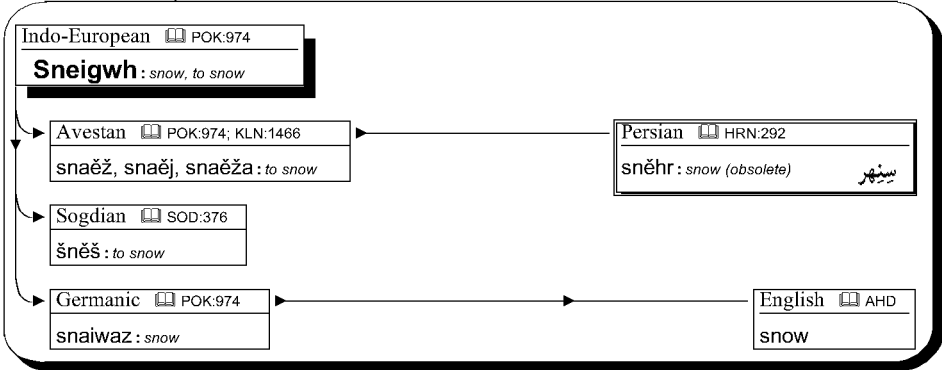
Greek AHD

nēsos : *island*

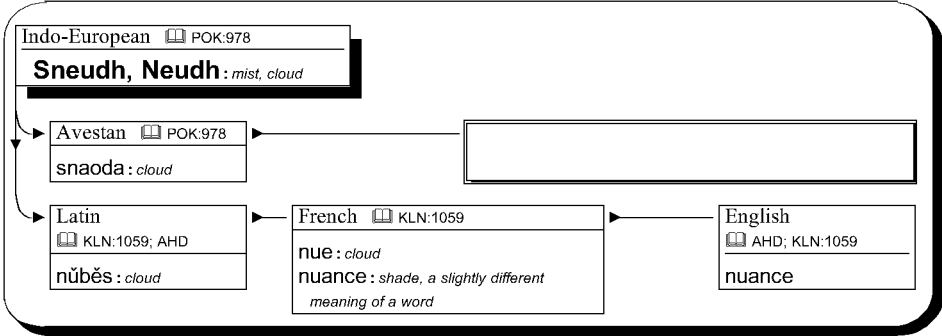
English

Polynesia, Indonesia

Sneigwh | Snũ



- Sner** see root: Ner 2
- Snerq** see root: Ner 2
- Sneu** see root: Sâi 2
- Sněu** see root: Sâi 2



- Snôġ** see root: Nôġ
- Snũ** see root: Sâi 2

Indo-European POK:979

So, To : *this, that*

Avestan / Old Persian

POK:979; ZFS:51

hâ 2, hô, hâu 2, hauv, hya : *it, that, the*
 ava-hya, awa, awam : *he, she*
 šim, šâm : *him, her*

Pahlavi BQT:197

kē : *that*
 avâ : *he, she*
 avâ-šâm : *plural form*
used as a sign of respect for he/she

Persian BQT:1230; HRN:31,170

Keh : *that* که (اینکه، آنکه)
 oũ : *he, she* او
 îšân : *he/she, him/her* ایشان

Avestan AHD:1541

ha-mazan : *the warrior*
 Magh 2

Latin

French

Persian MON:58

woman warrior (obsolete) آمازن ۱
 name of a river آمازن ۲

English AHD:40,1541

Amazon 1 : *woman warrior*
 Amazon 2 : *name of a river*

Germanic

English AHD

the, this, they, there, than, then, that, them, she

Arabic KLN:1468

Soffeh : *seat, saddle, varendah*

Persian MON:2156

soffeh : *seat, saddle, varendah*

Tâhereh Ghazvinî در دل خویش طاهرا گشت و ندید جز ترا - صفه به صفه لابه لا پرده به پرده تو به تو صَفَه

Turkish KLN:1468

sofa

English AHD:1227; KLN:1468

sofa

French KLN:1468

sofa

Soito

see root: Së 1

Sol | Sophos

Indo-European POK:979

Sol, Solo : *whole*

Avestan POK:979

haurva 1 : *whole, all, each*
haurvatāt : *completeness, perfection*

Persian BQT:729,2318

har : *each* هر
Xordād : *"perfect"* خرداد

Greek

POK:979; AHD; WEB:286

holos : *whole*
kata-holos : *whole, universal*
holo-kaustos : *burnt whole* Kū 1

Greek AHD

katholikos :

whole undivided church of Christ

French

AHD

catholique

Persian MON:2783

kâtolfik : کاتولیک
"general"

English

Catholic

Arabic TAD:19

jâselîq : *universal, a rank in the Catholic church.*

Persian MON:1199; FSF:141

jâselîq : *a Catholic rank* جائلیق
زبطریق وز جائلیقان شهر
هر آنکس کش از مردمی بود بهر
Ferdowsî

English AHD

holograph, hologram, holocaust

Latin AHD

solidus : *intact, solid*
salūs : *whole condition, good health (salutation)*
salvus : *healthy, safe*

English AHD

solid
salute
safe, save, salvation

Solo

see root: Sol

Greek AHD:1232

Sophos : *skilled, wise*

Greek AHD:1232

sophisma : *a skilled but false reasoning, fallacy*
philo-sophos : *fond of wisdom*
 Bhili

Arabic TAD:35,53

safsatah : *fallacy*
falsafah : *philosophy*

Persian MON:1889,2567

safsateh : *fallacy* سفسطه
falsafeh : *philosophy* فلسفه
فلا سفه ، فیلسوف

Latin

French

English AHD:1332

sophist, sophism, sofist, sofism, Sophia
sophisticated, sophomore, philosophy,

Egyptian  KLN:1548**Šōšen** : *lotus*

Arabic

 KLN:1548sausan : *lily*Pahlavi  MON:1954sawsan, sūsan : *lily*Persian  MON:1954sūsan : *lily*

سوسن

بسان سوسن اگر ده زبان شود حافظا

Hāfez چو غنچه پیش تو اش مَهر بر دهن باشد

Hebrew

 KLN:1548šōšannah : *lily*

Greek

 KLN:1548

sousanna

Late Latin

 KLN:1548; AHD:1296

sausanna

English

 AHD:1296; KLN:1548Susan : *a female name*Akkadian  KLN:1548

šēšānu

Aramaic  KLN:1548

šūšan

Indo-European POK:984

Spek : to look, examine

Avestan POK:984

spasyeiti : to observe, watch, wait on (serve)
spas, spasânô : guard, watcher

Pahlavi HRN:154

spâs : to serve,
wait on

Persian BQT:1086

sepâs : thanks

سپاس

Pahlavi SNS:117

pâsbân : guard, police

Persian SNS:117

pâsbân : policeman

پاسبان

بیار باده که در بارگاه استغنا

چه پاسبان و چه سلطان چه هوشیار و چه مست
Hâfez

Latin AHD

specere : to look at

English

respect, suspect, expect, inspect
specimen, spectrum, special, species

Greek AHD

skopos : one who watches
epi-skopos : one who oversees, a bishop Epi

Persian MON:1901; FSF:228

sekubâ : a Christian bishop

سکوبا

نوشته نام به هر کشوری

سکوبا و بطریق و هر مهتری
Ferdowsî

Old Persian MON:1901; FSF:228

skuba : bishop, priest

Arabic MON:270

osqof : bishop

Persian MON:270; FSF:44

osqof : bishop

اسقف

به اسقف چنین گفت کای دستگیر - ز ایران یکی نام جویم دبیر
Ferdowsî

Latin AHD

micro-scopium : showing small objects Gwei
tele-scopium : showing far objects Kwel
peri-scopium : showing around Per 1

French

Persian MON

تلسکوپ

میکروسکوپ

English AHD

scope, microscope, telescope, periscope

Germanic AHD

spehôn

English

spy, espionage

Indo-European POK:987

Spelgh, Sphelghen : *spleen*

Avestan POK:987; KLN:1492

sperezan : *spleen*

Sanskrit SNS:176

splihân : *spleen*

Greek AHD

splên : *spleen*

Persian HRN:155; MON:1827

seporz : *spleen*

سپرز

English

spleen

Indo-European IEC:971; POK:988

Spen, Pen, Poin : *twist*

Pend : *turn, spin*

Persian IEC:971; MON:970

pîneh : *patch of cloth, calluses*

پینه

Dehkhodâ بر زبان ذکر و خاتمش پیمین - سبچه در دست و پینه بار جبین

Germanic AHD:1542

spinnan : *to spin*

spithra : *spinner, spider*

spin-ilôn : *spindle*

spannjan : *to bind, span*

English AHD

spin, spider, spindle, span

Latin AHD:1542

pendêre : *to hang*

English AHD

pendant, pension, append, compensate, depend, expend, perpendicular, suspend, pendulum

Latin AHD:1542

pondô : *by weight*

English AHD

pound

Indo-European POK:997; IEC:613,1056

Sper, Qusëros, Këros : *sparrow*

Pahlavi MON:1789

sâr : *sparrow*

Persian IEC:613,1056; MON:1789

sâr : *sparrow*

سار ۳ (سارک، ساری، سارچ، سارچه)

Sanskrit IEC:1056

çârah : *sparrow*

Germanic AHD:1542

sparwan : *sparrow*

English AHD

sparrow

Greek IEC:613,1056

psâros, psër : *starling*

Spereg | Spergh

Indo-European POK:996,998; OEW:337

Spereg, Sphereg, Spergh : *to swell, sprout, jump, begin*

Avestan

PRT:645; KLN:1481; SYN:525

spareğa : *a kind of sprout*

fra-spareğa : *twig* ^{Per 1}

Pahlavi

SNS:175,177

sparm : *a plant*

spëg : *blossom*

Persian BQT:1118

esparğam : *a plant*

šâh-esperam : *an aromatic plant*

اسپرغم
شاه اسپرم

Greek

FSD:168; PLA:18

asparagos : *a sprout*

Arabic

PLA:18

esferâj : *asparagus*

Persian

MON:268; BQT:130

esferâj : *asparagus*

اسفراج

Sogdian

SOD:63,94

ʿspʾrgmy : *sprout*

ʿsprxs : *twigs*

English AHD

asparagus, sparse, spark

Avestan

POK:998

â-sperez-ata, a-speren-ah : *result of efforts, prize*

Sogdian

SOD:10

âspʾnh : *compensation, prize*

Germanic

AHD

spreg : *sprinkle*

English

sprinkle

Middle German

POK:997; KLN:1481; AHD:1542

spar : *bird, a bird's sound, bird's trap ?*

Middle English

KLN:1481; AHD:1542

sparwe : *a small bird*

English

KLN:1481

sparrow

German

KLN:1481

Sperling : *sparrow*

Persian MON:232; AEF:105; HRN:19; HUB:13

esparūd : *sparrow*

Loghatnâmeh

اسپرود (اسپرو ، اسفرود)
پیش عمان کی نماید آب رود - پیش شاهین کی بیازد اسفرود

These are cognates with the German word "Sperling:sparrow".

Germanic

POK:998; OEW:337

springan : *to jump*

See "Spher" for another possible root

English

POK:998; OEW:337

spring

Indo-European

KLN:1483; POK:996

Sprek, Spreg : *to cry out, make noise, speak*

Germanic

AHD

sprek : *to speak*

English

speak, speech

Spergh

see root: Spereg

Greek 📖 KLN:114; AHD:78

Sphallein : *cause to fall, slip*

From an unknown Semitic root

Greek 📖 AHD:78

a-sphallein : *not slippery, a bonding agent* ^{⚠️} Na 1**asphaltos** : *tar*

Persian 📖 BQT:1024

zeft : *tar*

زفت

Latin 📖 AHD

French

Persian 📖 MON:264; VOP:12

âsfâlt (آسفالت , آسفالت)

English 📖 AHD

asphalt

Indo-European 📖 POK:985

Sphel : *to split*

Avestan 📖 POK:985

spâra : *shield*

Persian 📖 HRN:155

separ : *shield*

سپر

Sanskrit 📖 POK:985

sphal : *to open*

Persian 📖 BQT:1085

spâr : *the cutting tip of plow*

سپار

Latin 📖 POK:986

spelta : *split ore*

English

spelter : *zinc ore***pewter** : *tin alloys***Sphelghen**

see root: Spelgh

Spher | Spinakion

Indo-European 📖 POK:992

Spher : ankle, also to move fast, spread

Avestan 📖 POK:992; BQT:1086; HRN:154

spar : to walk

apa-spar : walk up to, trust (BQT:1086) 🗨️ Apo

us-spar : to walk away, trust (HRN:154) 🗨️ Ud 1

Persian 📖 BQT:1086; SNS:19

sepârdan : walk, trust

سپاردن^۱ (سپردن^۱)

separf : past, walked by

سپری

Greek 📖 POK:992

spairen : to walk in a bouncing manner

sphaira : a bouncing object, ball

French

Persian 📖 MON:32

âtmosfer : "sphere of vapor"

آتمسفر

English 📖 AHD

sphere, atmosphere

Pahlavi

📖 ETM:68

spihr : sphere,

sky

Persian 📖 ETM:68; MON:1827

sepehr : sky, fate (See "Kuei" for another possible root)

سپهر

Hâfez سیر سپهر و دور قمر را چه اختیار - در گردشند در اثر اختیار دوست

Germanic 📖 KLN:1497

springan : to jump

English 📖 KLN:1497

spring : to jump

AHD & POK:998 claim this is from root "Spereg: to jump"

Sphereg

see root: Spereg

Spheud

see root: Peud

Spñieu

see root: Spyeu

Greek 📖 MON:227

Spinakion : spinach

Arabic

📖 MON:227

spânâj

Persian 📖 MON:227

espenâx : spinach (اسفناج , اسباناج)

Arabic 📖 KLN:1489; SKT:507

isbânâx : spinach

Spanish 📖 KLN:1489

espinacia

Middle Latin

📖 KLN:1489

spinachia

French

📖 KLN:1489

espinaud, epinaud

English

📖 SKT:507; AHD

spinach

Avestan 𐬨𐬀 BQT:1249

Spiš : *an insect, bug, flea*

Pahlavi 𐬨𐬀 BQT:1249

spiš : *flea*

Persian 𐬨𐬀 BQT:1249; MON:2022

šepes̄ : *flea*شپش (شپشه، شپشک، ایشپش)
جامه ات شویم شپشهایت کشم - شیر پشست آورم ای محتشم
Molavi

Indo-European 𐬨𐬀 WLD2:621

Spongo : *fluffy, empty*

Greek 𐬨𐬀 WLD2:621

spongos : *sponge*spoggos : *sponge*

Pahlavi 𐬨𐬀 SOD:64

spynj : *sponge,
hollow, a
temporary
house, inn*

Persian 𐬨𐬀 VFO:22; BQT:1090

sepanj : *hollow, worthless material world, inn*سپنج
سپنجی سرائیست دنیای دون
بسی چون تو میرفت غمگین برون
Ferdowsi

Sogdian 𐬨𐬀 SOD:64

`spnc : *inn, rest house*

Arabic 𐬨𐬀 TAD:35

al-esfanj : *sponge*

Persian 𐬨𐬀 BQT:130; MON:269

esfanj : *sponge*

اسفنج

Latin 𐬨𐬀 KLN:1494

spongia, fungus

English

sponge, fungus

Spreg

see root: Spereg

Sprek

see root: Spereg

Indo-European 𐬨𐬀 POK:1000

Spyeu, Sp̥hiu : *to spit*

Sanskrit 𐬨𐬀 IEC:1005

sthīvāmī : *spit*

Persian 𐬨𐬀 POK:1000; BQT:502

tof : *spit*tofang : *"spitter", gun*تف^p
تفنگ

Germanic

English 𐬨𐬀 AHD

spit, sputter

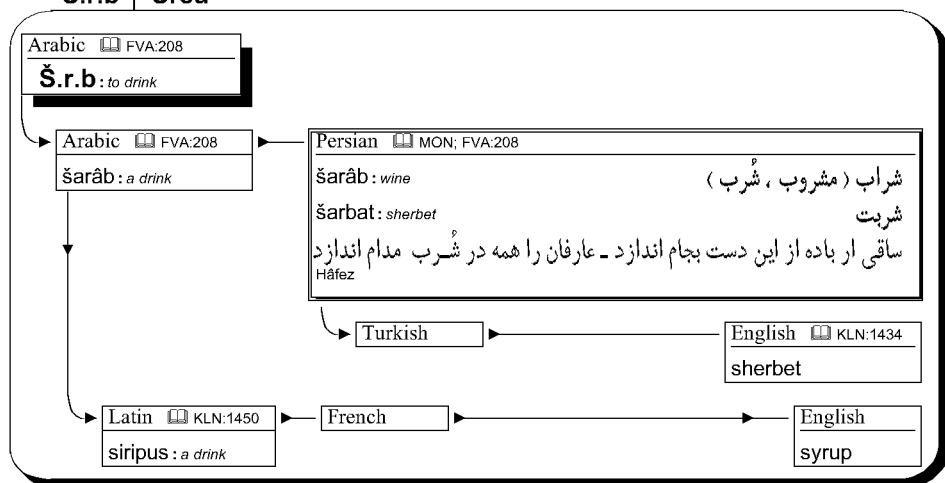
Greek 𐬨𐬀 IEC:1005

ptuō : *spit***Sqand**

see root: Skand

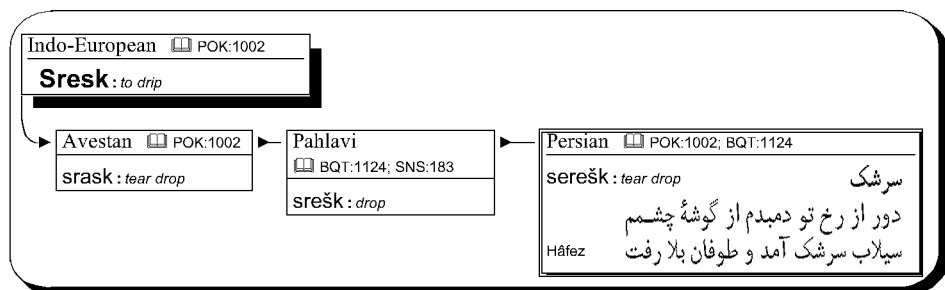
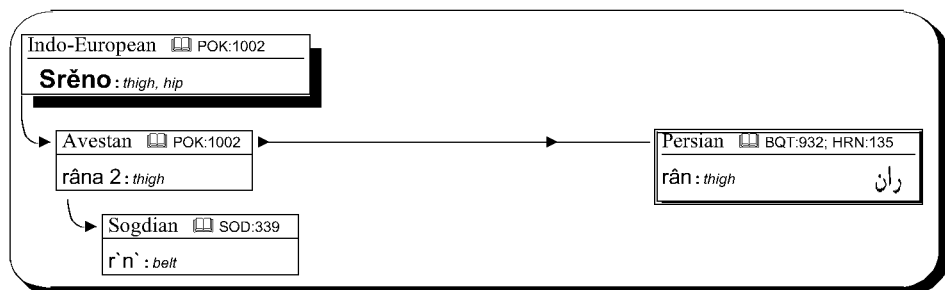
Sqombh-no

see root: Kamma



Srēm

see root: Ser 1



Sreu

see root: Ser 1

Sanskrit KLN:823; MON:2050

Srgāla, Črġāla : *howler*

BQT:1270 indicates the root may be from Babylonia

Pahlavi MON:2050

šaḡāl : *coyote*

Persian KLN:823

šaḡāl, šoḡāl : *coyote*

(شغال (شکال، شگال)

Turkish

English KLN:823

jackal

Avestan BLY:78

Srīra : *satisfied*Avestan "srīra" was found in POK:618
with the meaning of "pretty".

Pahlavi BLY:78

sēr : *satisfied, not hungry*

Persian BLY:78

sîr : *not hungry, satisfied, full*

سیر (سیراب)

Attār گر سیر نشد ترا دل از ما - یک لحظه مباش غافل از ما

Indo-European IEC:1277

Srisâ, Srisnâ : *file, saw*

Persian IEC:1277; MON:209

arreh : *saw*

اره

Anvarî درخت اگر متحرک شدی زجای به جای - نه جور اَرِه کشیدی و نه جنای تبر

Latin IEC:1277

serra : *file*

English AHD; KLN:1424

serra : *a saw-like organ*serrate : *notched*

serradela, serranoid, serriferous, serriform, serrulate

Greek IEC:1277

rhinë : *file***Srisnâ**

see root: Srisâ

Sru

see root: Ser 1

Avestan BQT:1116; SYN:617; BRT:1649; SNS:183

Sru 3, Srva 2 : *lead (metal)*

Pahlavi HRN:161; BQT:1116; SNS:183

srpîn, srubēn : *lead, made of lead*

Persian MON:266,1854; BQT:1116; SNS:614

sorb : *lead*

سرب (اَسْرَب، اُسْرَف)

Srva 2

see root: Sru 3

Indo-European POK:1008,1009

Stā, Stha, Stāk : to stand

PART 1

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Avestan / Old Persian

BQT:123; HRN:20; POK:1008

sta 1 : to stand, to set

stā 1, stata, šta 1, šti

Persian BQT:289,1097, HRN:20

- stān : location of , center of

bağstān : location (mountain) of god[☞] Bhag

setāk : branch

Kasāf Marvzī

ستان -

بَغستان (بِیستون)

سِتاک (سِتاخ ، استاک ، اِستاخ)

سوسن لطیف و شیرین چون خوشه های سیمین

شاخ و ستاک نسرین چون برج ثور و جوزا

Avestan / Old Persian

BQT:123; HRN:20; POK:1008; KNT:210

adi-sta : in standing[☞] En

tap-stana : place (time) of heat[☞] Tep

â-stana : entrance

stuna, stūnâ : column, pillar

Persian BQT: MON

istâdan (استادن ، استان ، ستاد)

tâbestân : "heat season" تابستان

âstân : entrance (آستانه) آستان

sotûn : pillar (ستون ، استن) ستون

Sogdian SOD:67

`st'wn : pillar

Avestan

KLN:1222; POK:1008; SYN:1376; SOD:439

ava-stata, hvô-îstâ : standing in front (of students)

fra-sta : "stand forward", send[☞] Per 1

fra-aiš, fraēšta : "sent forward"[☞] Per 1

par-šta : [stand around], worship[☞] Per 1

par-šti : "stand up", back[☞] Per 1

â-x-stâ, axšfi : put in place, put in peace

Persian BQT:1463; HRN:66,182

ostâd : teacher استاد

ferestâdan : send فرستادن (فرشته)

parastitan : worship[☞] پرستیدن (پرستار)

pošt : back پشت

âšfi : peace آشتی

کنون پندار مُردم ، آشتی کن

که در تسلیم ، ما چون مردگانیم

Molavī

Old Persian KNT:210

ava-stâ : set down, restore

ni-stâ, ništâ : command

Avestan

POK:1009,1011; KLN:1508; HRN:205

sta-xra : firm, hard

sta-xma, sta-mba : hardship, cruelty

vi-stâ-ka : harsh, rude[☞] Wi

stūra : thick, large, husky

Persian HRN:158-9,205; BQT:1099,1816

estaxr : "firm" استخر

setam : "hardship" ستم

gostâx : "hard mannered" گستاخ (اِستاخ)

sotorg : "large and strong" سترگ

چو بشنید پیغام شاه بزرگ - زمین را ببوسید سام سترگ

Ferdowsī

Avestan

POK:866; MON:191; AVG:237; LEW:904

ratha-eštra : "standing on

a chariot", warrior[☞] Ret

Persian BQT:97, 1895; ARB:203

arteštâr : soldier ارتشتار (ارتش)

laškar : army لشکر (عسکر)

PART 2

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Indo-European POK:1008,1009

Stâ, Stha, Stāk : to stand

Latin AHD

stabulum : standing place

Arabic MON

Persian MON:266

establ : stable

استابل

English AHD

stable 1 : horse shelter

Germanic

standan : to stand

French AHD:1257

estandard : (a flag)

standing firmly Kar 1

Persian MON:239

estândârd : standard,

a hard standing rule"

استاندارد

English AHD

standard

English AHD

stand, station, steel

Latin AHD

English AHD

constant, cost, distance, exit, instant, substance
store, resist, statistics, system,
stable 2 : steady

Indo-European POK:1010

Stâi 1, Tâi : to steal

Old Persian

FFD:59

stan, sta 3 : to steal

Persian HRN:157; BQT; FFD:59

setâdan : to grab, steal

ستادن (استدن، سندن)

Ferdowsî

چنین گفت کاین را نشاید سَند - بد آمد به روی من از راه بد

Avestan POK:1010

tâyu : thief

Sogdian SOD:384

t'y : thief

Sanskrit POK:1010; SYN:790

stena, sta : to steal, grab

stâyu, tâyu : thief

Stâi 2

see root: Stei

Stāk

see root: Stâ

Indo-European 📖 POK:1012

Stebh : *support, stem*

Avestan 📖 POK:1012; BQT:1098; SOD:363

stawra : *firm*
stambana : *support*
stembya : *hard*

Pahlavi

📖 BQT:1098; FVQ:59; MON:261,262

stapr, stawr : *strong*
hōstubār, astō-bār : *firm* 📖 Bher
astō-bân : *firm* 📖 Pa

Sogdian 📖 SOD:63

stmb : *stern*

Persian 📖 BQT:127, 1098; FVQ:59; MON:240

setabr : *strong, thick* ستبر (استبر)
estabrak : *strong cloth* استبرک (استبرق)
ostovâr : *firm, an army rank* استوار (ستوار)
ostovân : *firm, an army rank* استوان^۲ (ستوان)
چو چندی برآمد بر این سالیان
مران سرو استبر گشتش میان
Ferdowsī

Old Persian 📖 BQT:1100; KNT:210

stambaka : *strong*
stamb : *stand firm, revolt*

Sogdian 📖 SOD:66

ʾst`np : *strong, violent*

Persian 📖 BQT; FSF:223

setonbeh : *strong, violent, ugly* ستنبه
گرفتش دایه و گفتش چه بودت ؟
Vis-o-Râmīn
ستنبه دیو بدخو چه نمودت ؟

Germanic 📖 AHD

English

stamp, stump, staple, step, staff

Greek

English 📖 AHD

Steven , Stephen

Indo-European POK:1013

Steg, Teg : to cover

Old Persian KNT:186

tačara : cover, house, castle

Persian HRN:84; BQT:472

tajar : winter house, castle

تَجَر (تَزَر، طَزَر)

میان این تَجَر و گنبد فلک فرق است

Nazâri Qahestânî

که هست این بُشبات، آن نباشد آرامش

Persian
AHD:1543; KLN:1510

tâj : crown

تاج

Persian HRN:81; BQT:458

Tâjîk

tâzî : Arab

تاجیک (تاجیکستان)

تازی

Sa'dî عرب دیده و تُرک و تاجیک و روم - زهر جنس در نفس پاکش علوم

Originally, "tazî, tajî: royal" referred to Iranians in Yemen. Later it referred to Arabs. MON:996 derives "tâjîk" from Turkish :tât: farmer".

Persian MON:996

tâj-var : crown wearer, king Bher 1

تاجور

Greek PRT:719; SHP:358

tiara : a head dress (crown)

English PRT:358

tiara, tire, attire

Persian MON:1014

tâyer : tire, "wheel crown"

تایر

Hindustani

English PRT

Taj Mahal : royal place (palace), a mausoleum in India

Germanic POK:1013; AHD

thakjan : to cover

thakam : roof

English AHD

thatch : foliage used for building roofs
deck

Latin AHD

tegere : to cover

tegula : tile

English AHD

tile, toga
detect, protect

Old Irish AHD

tech : house

Irish AHD:1191

sean tig : old house

English AHD:1191

shanty : cabin

Indo-European POK:1010

Stei, Stâi 2 : stone

Avestan POK:1010; KLN:1518

stâ 2, stây : heap

Germanic AHD

stainaz : stone

stîfaz : stiff

Swedish AHD:1381

tung-sten :

heavy stone

French

Persian AMD:628

tangstan : "heavy stone"

تنگستن

English AHD

stone, tungsten, stiff

Steig | Steig

Indo-European POK:1016

Steig, Stig, Teig : pointed, sharp

Avestan / Old Persian

POK:1016

tīgra : sharp, pointed
taēža, taēga : sharp
tigrā : Tigris,
"fast moving" river

Persian BQT:543,1104,1105

tīr : "pointed" thing, sharp, arrow

tīr-kaš : a bag for carrying arrows, quiver^{Kenk 1}

setīz : "sharp"

setīhīdan : to fight

Sa'dī

تیر (تیز، تیج)
تیرکش (توکش)
ستیز (ستیزیدن، ستیزه، ستیغ)
ستیهیدن (ستهیدن)
چون نداری ناخن درنده تیز - با دادن آن به که کم گیری ستیز

Semitic IRN:112

Diglat : Tigris

Arabic

IRN:112

Dijlat

Persian MON5:520, IRN:112

Dejleh : "fast river", Tigris

Diyāleh : name of another river in Iran

Ferdowsī

دجله
دیاله
اگر پهلوانی ندانی زبان - بتازی تو ارونند را دجله خوان
"Arvand : swift (river)" is translation of "Dejleh : fast (river)".

Greek PRT:667

tigris : fast running

English PRT:667

tiger : a fast running animal
Tigris : a fast moving river

Greek AHD

stizein : to prick

a-stigmat : without a (focal) point

French

Persian MON:54

âstīgmât آستیگمات

English

astigmatism

Germanic AHD

stik : to prick, attach

French AHD:451

etiquette : label, a set of instructions

Persian MON:140

etīket : manners

اتیکت

English

etiquette

English

stick, ticket

Latin AHD

stinguere : to separate, distinguish

English

distinguish, extinguish, instinct

Indo-European POK:1017

Steigh, Stoigh : to stride, step, rise

Greek POK:107; AHD

stoixeion : shadow line, element

Arabic TAD:3

estoqos : element

Persian MON:266

ostoqos : substance, strength

اَسْتَقْس

Sanskrit POK:1017

stiṅnōti : he climbs

English AHD:1269

stoichiometry : determining different elements in a chemical compound

Greek AHD

stixos : row, line

English AHD:1268

stitch

Germanic AHD

staigrī : stair, step

English AHD

stair

Stena

see root: Ten 2

Indo-European POK:1029

Ster 1, Stor, Str : to spread

Avestan KLN:1522; FFD:73

star 1 : to spread
wi-star : to spread
apart Wi

Pahlavi BQT:278,1816; HRN:205

vi-startan : to spread
out Wi
vi-starak : bed (spread
for sleeping) Wi
xāk-astar : spread dust
(fire ashes)

Persian BQT:702,1816; SNS:273; FFD

gostardan : to spread
گستریدن
گسترانیدن، گستریدن، گسترش
bastar : bed
بستر
xākestar : ashes
خاکستر
بگسترد فرشی زدیباي چین
که گفتی مگر آسمان شد زمین
Ferdowsi

Latin KLN:1522

strata : paved
path

Greek KLN

Aramaic KLN:56

isrāta : paved path

Arabic POK:56; FVQ:195; TAD:34

serāt : path, way

Persian MON

serāt : road
صراط
اهدئا گفتی صراط مستقیم
دست تو بگرفت و بُردت تانعم
Molavi

English AHD; KLN

stray, street

Latin AHD

struere : to construct
industria : activity

English

construct, destroy, instruction
industry, structure

Greek AHD:1273

stratos : multitude, army
stratos-agein : army leader Ag

French AHD:1273

strategie : a military plan

Persian MON:246

esterātezi استراتژی

English AHD:1273

strategy

Germanic AHD

strawam : scattered

English

straw

Ster 2 | Ster 3

Indo-European  POK:1027

Ster 2 : *star*

Avestan  POK:1027

star 2

Persian  AHD

setāreh : *star*

Farrokhzād

چون ستاره با دو بال زر نشان - آمده از دور دست آسمان

IEC:260 derives "setāreh" and "axtar" from the same root. See "Apānak".

ستاره

Germanic  AHD

sterron : *star*

English

star

Greek  AHD:81

aster

aster-lambanein : *taking (measuring) stars*

Persian  MON:248; ETM:45

ostorlāb : *astrolabe*

استرلاب (اسطرلاب)

English  AHD

asterisk, astrolabe, disaster

Latin  AHD

sterron : *star*

English

constellation

Indo-European  POK:1022

Ster 3, Sterp : *stiff*

Pahlavi  HRN:86

turuš : *sour (stiff) taste*

Persian  POK:1022; BQT:485

toroš, torš : *sour*

تُرَش (تُرْشَا , تُرْشِي)

Latin  AHD

torpere : *to be stiff*

English

torpedo

Germanic  AHD

sterk : *to move stiffly*

staren : *to look with stiff eyes (stare)*

strūt : *to stand firm*

starkjan : *to stiffen*

sterben : *to become rigid (die)*

English

start

stare

strut

starch

starve

Persian  MON:238

estārt : *start*

استارت

Greek  AHD

steros : *solid*

English  AHD

stereo

cholesterol

Persian

esterīyo : *"solid, three dimensional"*

kolestrol : *"hard gall, first found in gallstones"*

استریدو
کیستروول

Indo-European POK:1031

Ster 4 : *barren*

Sanskrit POK:1031

stari : *infertile, barren*

Persian BQT:1100; MON:1833

satarvan : *sterile* (سَتَرَوَن) (اَسْتَرَوَن)

Latin AHD

sterilis : *unfruitful*

French

Persian MON:249

esterilîzeh : *sterilized* اِستِریلیزه

English AHD

sterile, sterilize

Sterp

see root: Ster 3

Indo-European POK:1035

Steu 1 : *to praise*

Avestan POK:1035

stav : *to praise*
staoiti : *praised*

Pahlavi

BQT:747,1098; SNS:31

stâyītan : *to praise*
âstvân : *believer, trusted*
âstôbân : *confessor*

Persian

BQT:1101; HRN:159; NYB:180; SNS:31; MON:261

setâyīdan : *to praise* سَتَائِیدَن (سَتَائِش، سَتودن)
ostovân : *believer, confessor* اُسْتَوَان ۱ (سَتَوَان ۱)
xastû : *believer, confessor* خَسْتُو ۲ (خَسْتَوَان)
تو خَسْتو شو آنرا که هست و یکپست
روان و خرد را جز این راه نیست
Ferdowsī

Steu 2 | Stoigh

Indo-European POK:1032

Steu 2, Teu 2, Teup : to push, beat, hit, also throw

Avestan SNS:147

tap 1 : to hit,
hurt, destroy

Persian SNS:147

tabâh : ruined, destroyed, bad

تباه (تبه)

Ferdowsî بسی شیر و دیو و پلنگ و نهنگ - تبه شد به چنگم به هنگام جنگ

IEC:1365 derives these words from Indo-European root "Tābh: to rot"

Sanskrit POK:1034; SNS:147

tup, tub : to hurt, destroy

Sanskrit POK:1032

tuj : to press, push, throw

Old Persian BQT:172; FFD:32

ham-tauj, ham-taug, ham-taux : to throw together, pile up, store [⌚] Sem 1

Pahlavi

BQT:172; AEF:159

ham-tôxtan, han-dôzh :
to store, add up, save

Persian BQT:171; AEF:159

andûxtan : to save, store

اندوختن (اندوزیدن)

Sa'dî ترک دنیا به مردم آموزند - خویشتن سیم و غله اندوزند

Germanic AHD:1543

stap : deep , projecting
stubb : stump, stub
stukkjam : fragment, covering

English AHD

steep
stub
stucco

Latin AHD:1544

stupĕre : to be stunned, stupid
studĕre : pressing forward, study

English AHD

stupid, stupendous,
study, student

Indo-European POK:1035

Stewe : to cluster, condense

Sanskrit POK:1035; AHD

stupa : a round mass, ball

Turkish HJB:933

top, tob : ball, cannon ball

Persian HJB:933; BQT:526

tûp : ball, cannon

توپ

Greek AHD

stupĕ : tuft, toe

Latin AHD

stuppāre : to stop with toe

English

stop, stuff

Stha

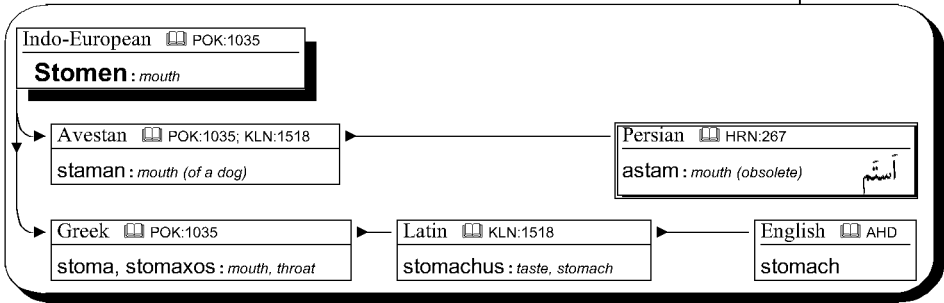
see root: Stâ

Stig

see root: Steig

Stoigh

see root: Steigh



Stor

see root: Ster 1

Str

see root: Ster 1

Indo-European POK:342,1037,1174; KLN:548

Su 1, Esu, Wesu : well, good

PART 1

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Avestan

POK:1037

hu 1 : good

Avestan

POK:780,1037; HRN:111; HUB:57

hu-apah : good deed Op

hu-čitra : nice faced Skai

hu-nara : good virtue, art Ner 1

hu-vaeda : well known Weid

Persian BQT:2174,2297,2401

xūb : good

خوب

hožīr : "well faced"

هزیر

honar : "nice work"

هنر

hovaydā : "well apparent"

هویدا

Hindustani

AHD:328

xuši : pleasant

English

cushy

Avestan

POK:780,1037; HRN:111; HUB:57

hu-nivāk : nice sound Wekw

hu-šnúta : well satisfied Kes 2

Persian BQT:2174,2297,2401

xonyā : "nice sound"

خنیا (خنیاگر)

xošnūd : "well satisfied"

خشنود (خوش)

همی پاده خوردند تا نیمه شب

Ferdowsī ز خنیاگران برگشاده دلب

Avestan BQT:717,737,748,2365; HRN:108

hu-jasta : well wished, blessed Gwhedh

hu-parathwa : good to be crossed Per 2

hu-rama : well rested Rem

hu-srav : well famed, famous (ruler)

Kleu 1

hu-mâyā : well, blessed

Persian BQT

xojasteh : "blessed"

خجسته

Forât : a river "to cross over"

فرات

xorram : "well rested"

خرم

xosor : "well known" king

خسرو (کسری)

xosrow : "famous" in-law

خسر (خسور، خسوره)

homâ : blessed

هما (همای، همایون)

همای بر همه مرغان از آن شرف دارد

Sa' dī که استخوان خورد و جانور نیاز دارد

Greek AHD

Euphrates : Euphrates river

English

Euphrates

Avestan BQT; FAF:708; ZMA:48

hu-mana : well mannered Men 1

hav-sivanga, hao-šyangh : good

builder, with good household

Persian BQT; FAF:708; ZMA:48

Hūman : "well mannered"

هومن

Hūšang : "good builder"

هوشنگ

ای به لشکر شکنی بیشتر از صد رستم

Farrokhī ای به هشیار دلی بیشتر از صد هوشنگ

Avestan VDQ:39; MAG:186

hava-rd : well grown, well-built Leudh

Pahlavi MAG:186

hu-rust : well built,

beautiful

Arabic

VDQ:39; MAG:186

hūr : heavenly women

Persian MON:1378

hūr 1 : heavenly women

حور

حوری، حوروش

Indo-European POK:342,1037,1174; KLN:548

Su 1, Esu, Wesu : well, good**PART 2**

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Old Persian KNT:175

hu, u, uv : good

Avestan / Old Persian KNT:177u-vâra-zmî : good ... land ^{𐬨𐬀𐬭𐬀𐬰𐬭𐬀} Ghdhem

The meaning of "vâra" is not clear

Avestan / Old Persian BQT:22(Introduction),781; MON5:488

huvârazmîš, xvarazmîš, xvârizem : One of the original residences of the Aryan people (Airyanemwaejō). Now it is known as "Khiva" in central Asia between Uzbekistan and Turkmenistan, along the Amu Darya

Persian BQT:781,805; MON5:488,491; KLN:49

Xârazm, Khârazm : a city in central Asia, modern Khiva

Xârazmî : from Khârazm

Xîveh, Xîvaq : Khârazm

Hâfêz حافظ تو ترک غمزہ خوبان نمیکنی - دانی کجاست جای تو خوارزم یا خجند

Khârazmî is surname of Abū Ja'far Mohammad ebn Musā, the great mathematician of the ninth century. His great work "Al-Jabr wal Moqābeleh" introduced the Arabic numerals and Algebra in Europe.

Arabic

Al-Xwârazmî : the ninth century mathematician

Middle Latin AHD:33; KLN:49

algorismus : the Arabic system of numerals

French

AHD:33

algorithme, algorithm

Persian VOP:17âlgoritm : ^{آلگوریتم} algorithm**English** KLN:49

algorithm, algorithm

Old Persian KNT:175,176,177u-vaxštra : well grown, former king of Media ^{𐬨𐬀𐬭𐬀𐬰𐬭𐬀} Aueg

u-xšnav : well satisfied, happy

u-kâra : good army ^{𐬨𐬀𐬭𐬀𐬰𐬭𐬀} Korou-câra : well done ^{𐬨𐬀𐬭𐬀𐬰𐬭𐬀} Kweru-tâna : with good extension (children) ^{𐬨𐬀𐬭𐬀𐬰𐬭𐬀} Ten 1uv-aspa : with good horses ^{𐬨𐬀𐬭𐬀𐬰𐬭𐬀} Ekwos**Persian** KNT:177

Hovaxšatar :

^{هو خشر} a former king of Media**Old Persian** KNT:175,176,177u-frašta : well investigated ^{𐬨𐬀𐬭𐬀𐬰𐬭𐬀} Park 1u-barta : well born, esteemed ^{𐬨𐬀𐬭𐬀𐬰𐬭𐬀} Bher 1u-martiya : containing good men ^{𐬨𐬀𐬭𐬀𐬰𐬭𐬀} Mer 2ūv-nara : having good men ^{𐬨𐬀𐬭𐬀𐬰𐬭𐬀} Ner 1u-ratha : having good chariots ^{𐬨𐬀𐬭𐬀𐬰𐬭𐬀} Retuv-asštika : good spearmen ^{𐬨𐬀𐬭𐬀𐬰𐬭𐬀} Eres 2

Indo-European POK:342,1037,1174; KLN:548

Su 1, Esu, Wesu : *well, good***PART 3**

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Avestan POK:1174vohu, vahu : *good*
vahya, vahištō**Persian** BRT:1405; BQT:322beh : *good* (به بهتر، بهترین)
بهداشت، بهبود، بهداری، بهرخ
بهنام، بهداد، بهروز، بهراد، بهزاد**Avestan** SYN:1176; KLN:169, 401vahu-man : *well mannered* Men 1
vah-išta : *best (place), heaven* Isto
vau-misa : ?**Persian** BQT:101,326,328,1819; MON:327; ZMA:19Bahman : "*well mannered*" بهمن
behešt : "*best*" بهشت
goštây : "*best*", *heaven* گشتایم
زانکه گشتای خوب کاران راست
جمله عقبی حلال خوارانست
Sanâf**Avestan** SYN:1176; KLN:169, 401aša-vahišta, artha-vahišta : *best justice*
Ar
dâraya-vauš, dârayat-vahu : *he holds goodness* Dher 1**Persian**BQT:101,326,328,1819; MON:327; ZMA:19
Ordibehešt : "*best justice*" اردیبهشت
Dâriūš : "*he holds goodness*" داریوش**Greek** AHDhu, eus : *good***Greek** KLN:548,549; AHDeu-kalipptos : *well covered (flowers)* Kel 2
eu-klidos : *well famed,*
(a 300 BC. mathematician)
ev-angelion : *good news (Bible)* Agarū
eu-genos : *well born* Gene 1
hu-gies : *living in good health* Gwei**Persian** MON:404; MON5:165,190okâliptus : *a type of plant* اوکالیپتوس
Oqlidos : "*famous*" اقلیدوس
Angelyūn : *Bible* انگلیون (انجیل)
ولی خط مرا افزون، کرم کن تاکنم موزون
کلامی همچو انگلیون، به لحنی همچو یوحنا
Sohbat Lārī**English** AHD

eucalyptus, Euclid, Evangelical, Eugene, hygiene

Sanskrit AHD:1298su : *good*
su-asti, svasti : *well being, good luck* Es 2**English** AHD:1298swastica, swastika : *an ancient religious symbol*
adopted in 1935 as an emblem of Nazi Germany

Indo-European POK:1038

Su 2 : wild boar, pig

Avestan POK:1038

hu 2 : wild boar

hu-xerpa : boar-shaped, pig [☞] Sek

Persian HRN:113

xūk : pig

خوک

Greek AHD

sūs : swine

sūs-philos : friend

... of swine [☞] Bhili

huaina : hyena

Latin AHD:1306; KLN:1561

Syphilus : name of a shepherd in
a poem by a physician (1530)who was the first victim of
a disease that was later named

after his poem hero, Syphilis.

hyaena : hyena

French

Persian

MON:1979

sîfflis

سیفلیس

sefflis

سفلیس

English AHD; KLN

hyena, syphilis

Germanic AHD

swīnam : swine

English

swine

Celtic AHD

sukko : hog

English

hog

Latin AHD

SUS : pig, anything dirty

English

soil

Sū 3

see root: Sâwel

Sū 4

see root: Seu 3

Sua

see root: Kwon

Indo-European IEC:1354

Suīg : jump, dance

Avestan / Old Persian HRN:103; ETM:66

haiz : to rise

xvīsat : he rises

xaezanuha : raise, rise

pairi-xaezanuha :

raise, rise [☞] Per 1

Pahlavi

NYB:39; FVS:199

xāstan, xēzistan :

to rise

rist-axež : (the day of)

rising dead [☞] Leith

Persian BQT:700,745,948; HRN:103; IEC:1354

xāstan : to rise

خاستن ، برخاستن

خیز، خیزیدن، برخیزیدن، خزیدن، خز

rastāxīz : rising of the dead

رستاخیز

رستخیز

Avestan HRN:102

haxš : to rise

Middle German IEC:1354

swicken : to jump, dance

Avestan 📖 HRN:164

Sukurna, Skarna : *porcupine*

Pahlavi

📖 MON:1905

sukur : *a large porcupine*

Persian 📖 BQT:1157; HRN:164; MON:1905; FRS:100

sogor : *a large porcupine*

سُگَر (سُگَرَنَه، سُغَر)
چون رسن گر زپس آید همه رفتار مرا - بسفر ماتم کز باز پس اندازم تیر
Būshakūr

Sanskrit 📖 BQT:1310

Šūlaka : *wild horse*

Persian 📖 MON:2092; BQT:1310; FSF:242

šūlak : *wild or fast horse*

شولک
نشست از بر شولک اسفندیار - برفت از پیش لشگر نامدار
Ferdowsī

Syriac 📖 KLN:1541

Summâq : *red*

Arabic 📖 KLN:1541

summâq : *the sumac tree*
(has red fruit that is dried and used as a spice)

Persian 📖 MON:1917

somâq : *sumac* سماق (سماقیل)
somâk : *sumac* سُماک (سماکیل)
somâq-pâlâ : *sumac shaker* سماق پالا

Middle Latin 📖 KLN:1541

sumach

Old French 📖 KLN:1541

English 📖 KLN:1541

sumac, sumach

Sup 1

see root: Swep

Sup 2

see root: Kup 1

Akkadian 📖 BQT:1130; AKD:53

Šurmēnu : *cypress tree*

Aramaic 📖 AKD:53; BQT:1130

šurbîna, šarwainâ : *cypress*

Arabic

📖 BQT:1130

sarv : *cypress*

Pahlavi 📖 BQT:1130

sarv, sarb : *cypress*

Persian 📖 BQT:1130

sarv : *cypress tree, also referred to as a tall and well-built lover* سرو

sarvestân : *cypress garden* سروستان
سرو چپان من چرا میل چمن نمیکند
همدم گل نمیشود یاد سمن نمیکند
Hâfēz

Sus

see root: Saus

Sūtus

see root: Seu3

Indo-European  SYN:510**Svas** : *thresh, beat grain*Avestan  SYN:510xvasta : *threshed*a-xvasta : *unthreshed*  Ne 1Persian  SYN:510; MON:1455xost : *pressed, squeezed, mashed*خُوست (خُست)
آبخوست، پای خوست، چنگال خوستIndo-European  POK:1039**Swād** : *sweet*Avestan  POK:1040; FFD:51xwās, xwād : *to desire*xvāsto : *sweetened by cooking*xvand : *sweet taste*xvandra-kara : *pleasing*  Kwer

Pahlavi

 HRN:110; BQT:783xvāstan : *to desire, want*Persian  BQT:783xāstan : *to want*خواستن
خواست، خواستار، خواهش، خواهSanskrit  POK:1039; KLN:1552svad : *sweet, desirable*svādati : *to desire, want*Germanic  AHD; KLN:1552swōtja : *sweet*

English

sweet

Latin  AHDsuādēre : *to advise as good (sweet) option*per-suādere : *to advise intensively, persuade*

English

persuade

Indo-European  POK:1041**Swei** : *to bend, twist***Sweib** : *move swiftly like a snake*Avestan  POK:1041xšvira : *swift*xšvaewa : *swift*Pahlavi  BQT:1319,1329šēpāk : *fast, easy to understand*

Persian

 BQT:1319,1329; HRN:178,179; MON:2115šībā : *a large snake*šīvā : *easy to understand, clear*

شیبا

شیوا ۱

Germanic  AHDswīp : *sweep*swīf : *fast move*

English

sweep

swift, swap, sway, swivel

Sweib

see root: Swei

Sweid | Swekwo

Indo-European 📖 POK:1043

Sweid : *sweat*

Avestan 📖 POK:1043

xvaeza : *sweat*

Persian 📖 BQT:797

xay, xoy : *sweat, saliva*

Ferdowsī زپیش دهستان سوی ری کشید - زاسبان به رنج و به تگ خوی کشید خوی

Persian 📖 HRN:114; BQT:805; MON:1472

keyŭ : *saliva*

Ferdowsī زدیدار پیران فرو ماندند - خیو زیر لبها برافشانند خیو (خیوه ۲)

Sogdian 📖 SOD:180

xwys : *to sweat*

Germanic 📖 AHD

swaidaz : *sweat*

English

sweat, sweater

Indo-European 📖 POK:1044

Sweks, Seks : *six*

Avestan / Old Persian 📖 POK:1044; GPL:41

xšvaš : *six*

xšvaš-dasa : *sixteen* 🗨 Dekm

xšvašti : *sixty*

Persian 📖 BQT:1266

šēš : *six* شیش (شانزده، شست)

Germanic 📖 AHD

seks : *six*

English

six, sixteen, sixty

Latin

sex : *six*

English

semester

Greek

hex : *six*

English

hexagon, hexadecimal

Indo-European 📖 POK:1044

Swekwo : *resin, juice*

Greek 📖 AHD

hopos, opos : *juice*

opion : *poppy juice*

Persian 📖 BQT:86

apyūn : *opium* اپیون (افیون)

Latin

English

opium

Indo-European POK:1045

Swel 1 : to eat

Avestan POK:1045; AEF:10

xvar 2, xwar : to eat
 avō-xvarena : animal shelter
 for drinking and eating ^{Ab 1}

Pahlavi

MON:1455; BQT:788

xvartan : to eat
 xvariš : stew
 av-xur : stable

Persian MON:1455; FVF:221

xordan : to eat خوردن (خور ، خوره)
 xoreš : stew خورش
 xorangâh : dining room ^{Gwâ} خورنگاه (خورنگه)
 xavarnağ : royal dining room (castle) خَوَرَنَق
 âxor : animals' "drinking place" آخور (آخر ، آبخور)
 برافراشت قصری که قصر خَوَرَنَق - به بازار کالای آن گشت مغبون
 Sohbat Lâri

IEC:1348 derives "xoreh: leprosy" from
 Indo-European root "Swer: to cut".

Germanic AHD
 swel-han : to swallow

English
 swallow

Swel 2

see root: Sâwel

Indo-European POK:1046

Swen : to sound

Avestan POK:1046

xvan, xwan : to call, sound

Pahlavi BQT:784

xvântan : to read,
 sing, call

Persian HRN:110; BQT:784

xândan : to read, sing, call خواندن (خوان ۲)
 xanîdan : to echo, to be famous خنیدن
 âxünd : preacher آخوند
 Ferdowsî خنیده به گیتی به مهر و وفا - ز آهرمنی دور و دور از جفا

Latin AHD
 sonus : sound

English
 sound, sonic

Germanic AHD
 swanon : singer

English
 swan

Swep | Swe-sor

Indo-European POK:1048

Swep, Sup 1 : to sleep

Avestan

POK:1048; HRN:107; FFD:50

xwap, xvap, xwaf: to sleep

xvafna, xwafsa: sleep

hufsa: to sleep

Pahlavi

PFFD:50

xwâb, xuft: sleep

Sogdian

PSOD:173

xwbn: dream

`wbs: to sleep

Persian PBQT:746,760,780; HUB:56; MON:1431

xâb: sleep, dream

خواب (خوابیدن)

xoftan: to sleep

خفتن (خُسبیدن، خُسپیدن)

xoftak: nightmare

خفتک (خفتو، بختک)

xafj: nightmare

خَفَج (خَفَجَا)

Greek

PAHD

hupnos: sleep

French

Persian PAMD:1985

hîpnôtîsm: hypnosis

هیپنوتیزم

English PAHD

hypnotism

Indo-European POK:1050; IEC:1348

Swer : to press, cut, hurt

Avestan

POK:1050; KLN:1554

xvara: thorn, to pierce

Persian PHRN:109; BQT:766; DMO:110

xalîdan: to pierce, dip in water

خَلِیدن

xaleh: thorn, also an oar

خَلِه

xale-bân: pilot, originally one who rows a boat

خَلَبان

Nezâmî خونی که گرفت گردنت را - خاری که خلید دامنّت را

Avestan PIEC:1348

xwarô: wound

Persian PIEC:1348

xoreh: gangrene, leprosy, corruption

خوره

MON:1455 derives this from Persian "xordan: to eat". See Swel 1.

Germanic PKLN:1554; AHD

swerdam: sword

English

sword

Swer

see root: Wer 6

Swe-sor

see root: Seu 1

Arabic 📖 SAP:683

S.x.r : to ridicule

Arabic 📖 SAP:683

masxarah : mockery

Italian 📖 KLN:944

maschera : mockery

French 📖 KLN:944

masque : mask

Persian 📖 MON:4109

masxareh : funny, clown

مسخره

Persian 📖 MON:3699

mâsk : mask

ماسک

English

mask, masque, masquerade, mascara

Sanskrit 📖 SKT:260; HJB:433

Syand : to flow**Sindhu** : the sea

Avestan / Old Persian 📖 KLN:787

hend : India (a name due to
the river Indus in India)

hendî : Indian

Persian

Hend : India

هند (هندوستان)

hendevâneh : watermelon "from India"

هندوانه

English 📖 AHD

Hindu, tamarind

Greek 📖 AHD

Indos

Latin

Indus

English

India, Indian, indigo, indium

Šypšyr

see root: Šššyr

Syriac / Aramaic 📖 TZF:77

Šypwr : trumpet

Pahlavi 📖 TZF:77

šayfur

Persian 📖 TZF:77; MON:2101; BQT:1319

šaypūr : trumpet

شیپور (شیپور)

Ferdowsī همان سنج و شیپور و هندی درای - بشیرمود تا برکشیدند نای -

T

Caribbean 📖 KLN:1623

Tabaco : a pipe for smoking, roll of tobacco leaves

Hindustani 📖 KLN:1623

tambāka : tobacco

Portuguese
📖 KLN:1623

tabaco

Spanish 📖 KLN:1623

tabaco

AHD:1350 claims this Spanish word is probably from Arabic "tabāq: a euphoria-causing herb".

French 📖 KLN:1623

tabac : tobacco

tabaquiere : snuffbox

Persian 📖 MON:1147

tanbākū : tobacco (تنباکو (تمباکو)

English

📖 KLN:1623; AHD:1350

tobacco

English 📖 KLN:1563

tabatiere : snuffbox

Pahlavi 📖 MON:1025

Tabūrāk : a drum

Persian 📖 MON:1025

tabūrāk : a kind of drum

تبوراک (تبیر، تبیره)
پس تبیری دید نزدیک درخت - هرگهی بانگی بجستی تند و سخت Rūdakī

Arabic

📖 DEV:215; AHD:1313

tanbūr : a drum, also
a kind of stringed
musical instrument

Persian 📖 MON:1147

tanbūr : a stringed musical instrument

tonbak : a musical drum

تنبور (طنبور)
تنبک (طنبک، دُنْبک)
عیسی چو توئی مارا هم کاسه مریم کن - طنبور دل مارا هم ناله سُرنا کن Molavi

Arabic 📖 DEV:215

tabūl : drum

tabbāl : drummer

Persian 📖 VFO:23; MON:2211

tabl : drum (طبل (طبّال)

Old French

English 📖 AHD:1025

tambour, tambourine, tambour

Old French 📖 AHD:1303

English 📖 AHD:1303

tabor : a kind of drum

taboret : a round low stool

Tafriq

see root: F.r.q

Tâi

see root: Stâi 1

Indo-European 📖 POK:1055; WLD1:705

Tâl : *to grow, growth, twig, wood,
a piece of wood used as a unit of length*

Latin 📖 POK:1055; ISS:88

tâlea : *a (wooden) rod*

Armenian 📖 ISS:88

talauar : *tent*

Sanskrit 📖 WLD1:705

tâla : *vine*

Persian 📖 ISS:88

tâlâr : *a roof or room on top of (wooden) pillars*

تالار

Persian 📖 MON:1133; BQT:509

Talk : *a mineral, talc, talcum powder*

تلك

Arabic 📖 MON:1133; SHP:349; AHD:1312

talq : *talc*

Persian 📖 MON:2232; BQT:1358

talq : *mica*

طالق

Middle Latin 📖 AHD:1312

talcum

French 📖 AHD:1312

talc

Persian 📖 VOP:135

tâlk : *talcum powder*

تالک

English 📖 AHD:1312

talc, talcum

Tannūr

see root: Tanūr

Tanūr | Tât

Indo-European 📖 FVQ:92-94

Tanūr, Tannūr : *fire, oven*

ARB:84 claims it is an Iranian word. TAD:18 and FSD:178 derive it from root "N.w.r:light, fire". FVQ:92 claims it is a word from the pre-Indo-European and pre-Semitic tribes. See FWK for more details.

Avestan

📖 FVQ:94; BQT:523

tanūra : *oven*

Pahlavi 📖 FVQ:94

tanūr : *oven*

Henning (MPP:88) gives "tnwr" as a Parthian form.

Persian 📖 BQT:523

tanūr : *oven*

تنور

Sogdian 📖 SOD:388

tn`wr : *oven*

Hebrew

📖 KLN:121

tannūr : *oven*

Arabic 📖 TAD:18

at-tannūr : *the oven used by alchemists*

French

English 📖 FSD:178; KLN:121

athanor : *a self feeding furnace*

Arabic 📖 FVQ:92

tannūr : *oven*

Akkadian 📖 KLN:121; FVQ:94

tinnūra : *oven*

Tar

see root: Ter 3

Targumānu

see root: Ragāmu

Ta`rîf

see root: A`r.f

Greek 📖 KLN:1574

Tartaros : *hell, a place of punishment*

KLN indicates it is a word of imitative origin but DEV:218, SHP:351, SKT:543, and FSD:2468 all indicate that the Greek word is taken from the Arab/Persian word "dord:sediment"

Persian 📖 FSF:175

dord : *sediment in casks*

دُرد

Ferdowsî

از این آشتی جنگ بهر منست - همه نوش تو دُرد و زهر منست

Arabic 📖 TAD:27

durdi : *sediment, an acid salt in casks*

Latin 📖 KLN:1574; SKT:543

tartarum : *potassium bitartrate, so called due to its burning effect*
FSD:2468 & SKT:543 derive it from Arabic "durdi: sediment"

Arabic 📖 TAD:46

tarteer : *tartaric acid*

Persian 📖 MON:2221

tartîr : *tartaric acid*

طرطیر
ترتیر

French 📖 AHD:1317; DEV:218

tartre : *tartaric acid*

English 📖 AHD:1317; SKT:543; FSD:2468

tartar : *tartaric acid, a hard deposit on the teeth*

Tât

see root: Âtos

Turkish 📖 KLN:1574

Tata : *Name of a Mongol tribe*

Persian 📖 MON:994

tâtâr : *a Mongol Tribe*

Hâfez تاتار (تتار، تتر) در آن زمین که نسیمی وزد ز طرّه دوست - چه جای دم زدن نافه های تاتاریست

English 📖 AHD; KLN:1574

Tatar : *a Mongol tribe*

Sogdian 📖 SOD:392

tt'r

Tâta

see root: Âtos

Tauro

see root: Tëu 1

Pahlavi 📖 MON:1131; BQT:508

Taxl : *bitter***Tâxlik** : *bitterness*

Persian 📖 MON:1131; BQT:508

talx : *bitter***talx-šakūk** : *a bitter herb (chicory)*

Molavi زان حديث تلخ ميگويم تورا - تا ز تلخی ها فرو شويم تورا

Note the change of the last two letters and compare with "mağz / mazǧ"

Arabic 📖 BQT:508; KLN:1573

tarax-šaqūq : *chicory*

English 📖 KLN:1573; WEB:1865

taraxacum : *a kind of chicory***Tâxlik**

see root: Taxl

Tebh

see root: Teub

Tebhos

see root: Teub

Teg

see root: Steg

Teig

see root: Steig

Teks

see root: Tex

Teku 1 | Tekw

Indo-European POK:1059

Teku 1, Tekw : to run, flow

Avestan

POK:1059; BQT:503

tak, taka, tač : to run
tačaiti : runs

Persian BQT; MON:5176; IEC:1372

tâxtan : to ride fast

tâzîdan : to ride fast

takîdan : to run

ham-tak : road companion

Sharîf
ما و مجنون بړه بادیه هم تګ بودیم - قدمی چند زهمراهی ما دور افتاد

تاختن

تازیدن (تازان ، تازیانه)

تکیدن (تګ ، تکاپو ، تکاور)

هم تګ ، هم تګ

Avestan

BQT:380; HRN:66

pairi-tak : to run
around Per 1

Persian

pardâxtan : to pay, to do, to attend

Ferdowsî

به جنگ زمین سربسر تاختی - کنون به آسمان نیز پرداختی

پرداختن (پرداز)

Avestan

BQT:128; HRN:27

ham-tač, ham-tak : to throw Sem 1

Pahlavi

handâčak : throw, measure

Persian

andâxtan : to throw, measure, think

Sa'dî

andâzeh : size

انداختن

نباید سخن گفت ناساخته - شاید بریدن نینداخته

اندازه

Arabic

Persian BQT:2379; HRN:27

hendeseh : science of "size measurements"

mohandes : engineer

Ferdowsî

یکی در ز آهن برو ساخته - مهندس بر آذگونه پرداخته

هندسه

مهندس

Avestan

POK:1059

vi-taxti : to melt (run apart) Wi

Persian NYB:217; BQT:1777

godâxtan : to melt

Compare with derivations from root "Dhogh:to heat"

گداختن

Avestan

POK:1059

tačar : road
tačan : haste, hurry
tahra : swift

Old Persian

POK:1059

taxša : a type of
bow & arrow

Persian BQT:476

taxš : bow and arrow

Ferdowsî

همه بنده در پیش رخس منند - جگر خسته تیغ و تخش منند

تخش

Greek

AHD:1545

toxon : bow and arrow

Latin

AHD:1359

toxicum : poison for arrows

English

toxic

Teku 2

see root: Tex

Tekw

see root: Teku 1

Indo-European POK:1060; KLN:122

Tel : to lift

Sanskrit POK:1060; AHD

tulâ, tulya : balance weight

Avestan PLA:194

tara-âz, tara-âzu : balance, scale ^{Ter} Ag

Persian BQT:480

tarâz : level, balanced, nice

tarâzu : scale, balance

تراز ، طراز
ترازو
یاد باد آن شب که آن شمسہ خوبان تراز
به طرب داشت مرا تا بگه بانگ نماز
Farrokhf

Greek AHD

a-tlâ : lift together

Atlas : a titan holding the heavens

Arabic

Persian BQT:143; MON5:5155

atlas : world

atlas : world map, map

atlas : Atlantic ocean

اطلس ۱
اطلس ۲
اطلس ۳

French

Persian MON5:8

Âtlântik : "(ocean) by the Atlas mountain"

آتلانتیک

English AHD

atlas 1 : world, map
Atlantic

Greek AHD

telos : charge, toll

talanton : weight of gold

English

toll
talent

Latin AHD

tolĕre : carry, bear

lātus : carried

trans-latūs : carried across, translated ^{Ter} 1

English

tolerate
relate
translate

Tem | Temp

Indo-European 📖 POK:1063

Tem : *dark*

Avestan 📖 POK:1063

temah : *darkness*

tethra : *dark*

Sogdian 📖 SOD:387

tm : *hell*

Latin 📖 AHD

temēre : *to fear*

Persian 📖 BQT:456,511,544

tam : *dark* (تم تار ، تاریک ، تیره)

English 📖 AHD

timid, temerity

Sanskrit 📖 KLN:1626

tām-rah : *dark red, coppery*

Malaysian

📖 KLN:1626

tambaga : *copper*

Portuguese

📖 KLN:1626

tombac

French

📖 KLN:1626

tombac

English

📖 OXF:435; KLN:1626

tombac, tambaga

Aramaic 📖 KLN:948

Temar : *he concealed*

Arabic 📖 KLN:948

temara, t.m.r : *he concealed*

matmūrah : *a hiding place, storage*

Persian 📖 FVA:251; MON

matmūreh : *an underground storage place*

مطموره

آن بلبل کاتوره ، برجسته ز مطموره

Manūchehrf

چون دسته تنبوره ، گیرد شبن از چنگل

French 📖 KLN:948

matamore : *a dwelling place*

English 📖 KLN:948

mattamore : *a sub-terranean dwelling*

Temp

see root: Ten 1

Indo-European POK:1064,1067

Ten 1, TENGh, Temp : to stretch, pull**PART 1**

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Avestan

BQT:1481,2376,2381; SNS:7

thang, â-thax, hanč : to pull,
also a path, wayfar-thang : pull forward,
educate ^{Per 1}

Persian

BQT:70,516,2381; MON; HRN:14; SNS:126; FFD:28,67

hanjîdan : to pull or dig out

هنجیدن (آهنجیدن)

hanjâr : path

هنجار (ناهنجار)

âhang : intention

آهنگ

farhîxtan : to educate

فروختن (فرهنگ، فرهنگ)

Zehnjâr digar darâmde be rom - فرومائد گنج اندرون مرز و بوم

Persian

BQT:70, 516, 2381; HRN:14; SNS:126

âhîxtan : to pull out

آهیختن

هیختن، برهیختن، فروهیختن

Nâser-Khosrow خوب گفتن پیشه کن با هر کسی - کاین برون آهیخت از دل بیخ کین

Avestan

SNS:147

tan : to pull,
stretch

Persian

POK:1064

tâbîdan : to spin

تابیدن (تافتن)

Hâfez خواب آن نرگس فتان تو بی چیزی نیست - تاب آن زلف پریشان تو بی چیزی نیست

French

English

SKT:542; KLN:572

taffeta, tape, tapestry

Avestan

KLN:1585

tauruna : stretched,
tender, young

Persian

HRN:90; BQT:217, 532; FIB:217

tar 2 : wet

تر ۲

tarâneh : "a tender" love song

ترانه

tûleh : "a tender" animal baby

توله

tûrah : jackal

توره

تنها من و یک شهر پر از خصم و تو با من - شیری و یکی دشت پراز روبه و توره

Qatrân Tabrizî

Avestan

POK:1065

tathra : string

thri-thatra : sitar ^{Trei}

Persian

târ : a stringed musical instrument

تار (سه تار)

musical instrument

Hindustani

AHD:1210

English

sitar

Greek

KLN:687

kithara : sitar

Arabic

SAP:1381

qîţâr, qêtarah

Spanish

French

KLN:687

guitare

Persian

MON:3502

gîtâr

گیتار

English

KLN:687

guitar

Latin

AHD

cithara

English

AHD

zither, zithern, cither, cittern

Ten 1 | Ten 2

Indo-European POK:1064,1067

Ten 1, Tengh, Temp : to stretch, pull

PART 2

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Latin AHD; POK

tendere : to stretch
tenere : to hold, keep
ana-tempa : stretched sail,
antenna

French KLN:1587

Persian

ânten : "stretched out (sail)"
tenis

آنتن
تنیس

English

tent, contain, tennis, antenna, temperature, tension

Indo-European AHD; POK

Tenu : thin

Avestan POK:1069; BQT:411,515

tanu : body
a-puthra-tanu : with child in body Pôu
taxma-tanu : with strong body Tenk
pešô-tanu : with condemned body

Persian HRN:88; BQT:524; VSF:16

tanîdan : to stretch, pull (تَنِیدن)
tan : "stretched" body تَن
âbestan : "holding child in body" آبستن
Tahamtan : "with strong body" تهمن
Pašūtan : "with condemned body" پشوتن
کای خرد و نیروی تو زال و تهمن
پیکر و رایت سفندیار و پشوتن
Qâânî

Sanskrit POK:1069

tanuka : thin, soft

Persian HRN:89; BQT:519; MON:1154

tonok : thin, little تَنُک
tonekeh : underwear from thin soft cloth تَنَکَه
See root "Kitu" for another possible root of "tonekeh"

Greek AHD

tonos : string

French AHD

Persian MON:1145

ton : tone تَن

English AHD

tone

Germanic AHD

thunw : stretched, thin

English

thin

Indo-European POK:1021

Ten 2, Stena : to thunder

Parthian POK:1021

tndwr : thunder

Persian BQT:517; KLN:1613

tondar : thunder تَنَدَر

Germanic AHD

thunaraz

English AHD

thunder

Latin AHD

tonâre : to thunder

English AHD

tornado, detonate, astonish

Tengh

see root: Ten 1

Indo-European POK:1068

Tenk: to become firm and thick

Avestan

POK:1068; KLN:1617; MON5:405; BQT:511

tanj-išta: most pulled together, strongest ^{Sto}

taxma: pulled together, strong

taxma-tanu: (with) strong body ^{Ten 1}taxma-urupa: (with) strong dogs ^{Wel 2}raodha-taxma: grown strong ^{Leudh}

Persian BQT:491,519,538; POK:1068

tang: tight

tanjīdan: to squeeze, pull

tahamtan: "with strong body"

Tahmūras: "with strong dogs"

Rostam: "grown strong"

Ferdowsī
ترنجید بر بارگی تنگ تنگ
بنتجید عذرا چو مردان جنگ
رستم

Germanic AHD

thinhatz: tight

thangul: thick mass

English

tight, thick,
tangle**Tenu**

see root: Ten 1

Indo-European POK:1069

Tep: to be warm

Avestan

POK:1069; KLN:1589

tap 2, tab: warm

Persian BQT; HRN; FFD:46

tab: fever

تابیدن ^۲ (تابش، تابان)تافتن ^۲ (تفتن، تفسیدن، تفت)

tapīdan: beat

تپیدن (تپش)

Avestan

BQT:49,453,1252,1958

tab-stana: place (time) of heat, summer ^{Stā}ap-tab: heat emitting glitter, sun ^{Ab 1}māh-tab: moonshine ^{Me}para-tab: shine forward, light ray ^{Per 1}aiwiš-tap: in heat, in hurry ^{Ambhi}

Persian BQT; HRN

tābestān: summer

āftāb: sun

mahtāb: moonshine

parto: light rays

šetāftan: to hurry (شتاب)

Sogdian SOD:11

ātp`k: heat

Latin KLN:1589

tepēre: to be warm

English

tepid

Ter 1 | Ter 2

Indo-European 📖 POK:1075; KLN:1639

Ter 1, Tr : *to cross over, surpass, overcome*

Avestan 📖 POK:1075; KLN:1639

taro, tarya, tar : *surpass*

thrā : *shelter, cover*

vi-tar : *to pass by* 🌀 Wi

Persian 📖 BQT:1778; HRN:161; TLM:92; MON:1790

tar 1, tarīn : *more, most*

sarā : *house, place* (سرای، سارا، کوهسار)

gozaštan : *to pass by* (گذشتن، گذر، گذشت)

گذاشتن، گذاردن

Old Persian

📖 MON:1850; VDQ:255

srād, srāda : *house, shelter*

Arabic

📖 VDQ:255; MON:1850; MAG:189

sorādeq : *tent*

This word may have been borrowed from Persian "sarā-pardeh: tent".

Persian 📖 MON:1850

sorādeq : *tent, house*

سُرادیق
سرادقات

Latin 📖 AHD

trāns : *across*

terminus : *boundary*

truncus : *overcome*

French

Persian 📖 MON; AMD

ترانسپورت، ترانزیت، ترانزیستور
ترانسفورماتور، ترم، ترمینال

English 📖 AHD

trans-, transport, transform, transistor, transfer, translate
term, terminate, determine
trunk, truncate, trench

Germanic 📖 AHD; KLN

thr : *bore through, drill*

English

drill, through, thorough, nostril

Greek 📖 AHD

nek-tar : *overcoming death* 🌀 Nek 1

English

nectar, nectarine

Indo-European 📖 IEC:27

An-teros : *second, other, step parent* 🌀 AN 2

Persian 📖 IEC:27; MON:373

andar : *a suffix meaning step as in step father*

۲ اندر

پدراندر، مادراندر، دختراندر، پسراندر

Sanskrit 📖 IEC:27; POK:37

antarāh : *other*

Ter 2

see root: Tres

Indo-European 📖 PRT:863; KAS:10; POK:369; AHD:1500

Ter 3, Tar : a kinship term, a suffix indicating
someone who performs the action indicated by the root verb

Indo-European 📖 POK; SYN:103-107

Mā-ter : feeder (of the family). 📖 Mā
Pa-ter : protector/ feeder (of the family). 📖 Pa
Dhugh-tar : milker (of the family). 📖 Dheugh
Bhra-ter : load carrier (of the family). 📖 Bher 1
Geme-tar : married (to the family) 📖 Geme

Avestan 📖 KLN; SYN:103-107

mā-tar : mother
 pi-tar : father
 duǵ-dâr : daughter
 brâ-tar : brother
 zâmâ-tar : son-in-law

Germanic 📖 AHD

môthar, fadar, dohter, brôthar

Persian 📖 BQT

mâdar : "feeder", mother	مادر
pedar : "protector", father	پدر
doxtar : "milker", sister	دختر
barâdar : "load carrier" brother	برادر
dâmâd : "married", in-law	داماد

English 📖 AHD

mother, father, daughter, brother

Indo-European 📖 POK:1077; KLN:1592

Terp, Trep 2, Trp : to satisfy

Avestan 📖 POK:1077; KLN:1592

thrafza, thrafda : satisfied
 tarep : to steal

Persian 📖 POK:1077

tulf : fully satisfied (obsolete)

تولف

Pahlavi 📖 POK:1077

tirft : theft

Sogdian 📖 POK:1077; SOD:125

cft, cf : to steal
 cftu : stolen

Sanskrit 📖 POK:1077

trpti : satisfied

Greek 📖 POK:1077; AHD

terpo : to fill, satisfy

Latin 📖 POK:1077

terpsi-chorē : satisfaction
 from dancing

English 📖 AHD; KLN:1592

terpsichore, euterp

Ters | Teter

Indo-European POK:1078

Ters : dry, to dry

Avestan POK:1078; KLN:1592

taršu : dry

taršna : thirsty

Pahlavi

tišn : thirst

tišnak : thirsty

Persian BQT:499

tešneh : thirsty

تشنه (تشنگی)

آب دریا گر همه نتوان کشید

Molavi

پس بقدر تشنگی باید چشید

Latin AHD; KLN

terra : dry land, earth

medi-terrâneous : midland (sea)

Medhyo

turrêre : to dry, toast

French AHD:1329

terrasse : pile of earth

Mediterranee

Persian

MON:1060; MON6:1941

تیراس ، مدیترانه

English AHD

terrace

English AHD

terrain, terrestrial, territory
Mediterranean, subterranean
toast

Germanic AHD

thurs : thirst

English

thirst

Indo-European POK:1079

Teter : chatter

Pahlavi

POK:1079; KLN:1596

titar : pheasant

Sogdian SOD:392

tt'rw : pheasant

Persian BQT:478; IEC:1388

tazarv : pheasant

تذرو

به بالا بکردار آزاد سرو - به رخ چون بهار و به رفتن تذرو

Ferdowsi

Medit IEC:1388

tetatos, taturas : pheasant

Sanskrit IEC:1388

tittirah : pheasant

Greek POK:1079; KLN:1596

tetraon : a bird

POK claims this is derived from Persian

Latin

tetrâô, turtur, turtura

English

turtle, tortoise

Indo-European POK:1082

Těu 1 : to swell

Avestan

POK:1082; HRN:89; NYB:196

tav : power, to be powerful

tavant : fast, quick

tum-âspa : (with) strong horses Ekwo

us-tavah : out of power, tired Ud 1

ni-us-tavah : not tired (of fighting) Ne 1

Persian

BQT:517,526,1102,1362,2138

tavân : power

tond : fast

Tahmâsb : "with strong horses"

sotûh : tired

nastûh : energetic in fighting

Ferdowsî

توان (توانستن)

تند

تهماسب (طهماسب)

ستوه

نستوه

بیایزد هوشنگ چون شیر چنگ

جهان کرد بر دیو نستوه تنگ

Persian IEC:1450,1458

tûbreh : bag

توبره

Latin AHD

tumēre : to swell

tûber : lump, bag

English AHD

tumor

Greek AHD

turus : coagulated milk, cheese, butter

tumbus : mound of earth, tomb

English

butter, tomb

Germanic AHD

thūmon : fat finger, thumb

thus-hundai : swollen hundred, thousand

thiuham : fat part of leg, thigh

English

thumb

thousand

thigh

Indo-European POK:1085

Teuk : egg, seed, offspring

Avestan POK:1085

taoxman : seed, egg

Sogdian SOD:387

txm : seed, family

Persian HRN:84; MON:1052

toxm : egg, seed, testicle

تخم
تخمه، تخمک

Old Persian KNT:185; HID:211; BST:233

taumâ : family

Indo-European

POK:1083; AHD

Tauro : bull

Avestan

staura, staora : strong
domestic animals

Persian BQT:1102; HRN:152

sotûr : load carrying animals

ستور
تو را نفس رعنا چو سرکش ستور
دوان می برد تا سر شیب گور
Sa'dî

Arabic POK:1083; KLN:1509

thwr : bull

Persian BQT:550

SOWF : cow, bull

ثور

Latin POK:1083

taurus : bull

English

Taurus

Germanic AHD

situraz : ox

English

steer

Teu 2

see root: Steu 2

Indo-European IEC:1371,1676

Teub, Tebh, Tebhos : *side*

Persian IEC:1371,1676; MON:1158

tũ : *fold, plait, inside*

تو ۲ (توی، توه)
در دل خویش طاهرا گشت و ندید جز ترا - صغه به صغه لابه لا پرده به پرده تو به تو

Pahlavi

HRN:165; MON:1942

sũk, sôk : *side, direction*

Persian BQT:1182; MON:1942; IEC:1371,1676

Sũ : *direction, path*

سو (سوی، چهارسو)
بجان او که بشکرانه جان برافشانم - اگر بسوی من آری پیامی از بر دوست

Hâfez

Arabic

FVF:380

sôq : *path*

Persian BQT:1182; MON:1955

sũq : *inroads of a bazaar*

سوق
چهارسوق، اسواق
سوقی (سوقیه)
sũqî : *bazaar man, businessman*

Armenian

IEC:1371,1676

kov : *side, rib*

Teuk

see root: Tëu 1

Teuk-os

see root: Keku

Teup

see root: Steu 2

Indo-European POK:1085

Teus : *empty*

Avestan / Old Persian

POK:1085; SYN:933

taoš, tuš, tusen, tussya : *empty*

Pahlavi BQT:539; SNS:151

tihîk, tuhîk : *empty*

Latin POK:1085

tesqua : *empty*

Persian BQT:539,537; HRN:90

tah : *bottom*

tahî : *empty*

ته
تهی (تهی)
ای سرو و گل بستان، بنگر به تهی دستان
نانی ده و صد بستان، ها ده چه بدرویشان

Molavî

Indo-European POK:1058

Tex, Text, Teks, Teku 2 : to build from wood, to build

Avestan

KLN; HRN; POK:1058

taš : to cut, carve

taša : ax

tašta : cup

Persian IEC:1374,1409; MON

tīšeh : hatchet

taxteh : board, plank, lumber

tašt : a flat wash tub

tâs : cup

همچو فرهاد بود کوه کنی پیشه ما - سنگ ما سینه ما ، ناخن ما پیشه ما
Zahiroddoleh

Arabic

French

English KLN:1575

tass : cup

Avestan FFD:46; MON:1080

traš 2, trâš 2 : to cut

Persian FFD:46

tarâšīdan : to cut, shave, scrape

تراشیدن (تراش)

Sogdian SOD:384

t'š : to cut, tablet

Greek AHD

texnē : art

tektôn : carpenter

arxi-tektôn : master builder

Arxein

French AHD

Persian AMD:25; MON:1128

āršitekt : "master builder"

teknîk : technique

آرشیئتکت

تکنیک

English AHD:68,1321

architect, technique

Latin AHD

texere : to weave

testum : pot

English

context, test, text, textile, tissue

Text

see root: Tex

Indo-European POK:1086

Tiegu : to approach shyly

Avestan POK:1086

ithyajah, ithyejah : abandonment

Pahlavi SNS:314

sēj : trouble, pain

Persian SNS:314; BQT:1202

sīj : suffering, pain

سیج (سیچمند)

جهان سیچمند و پر انائی

Ardāvrāf-Nāmeḥ

که او را پیشه باشد بیوفائی

Tien | Tôgei

Chinese 𠩺 ETM:63

Tien : *store, shop*

Sogdian

𐭪 ETM:63; SOD:394

bazaar, inn

Persian 𐭪 ETM:63; MON; BQT:547

tîm : *bazaar, caravansary*

Farhang Fors

تیم (تیمچه)
من ز تیم تو بتیمار گرفتار شدم - نو بتیمار مهل باز بنیم آ آر مرا

Indo-European 𐭪 POK:1086

Titi, Titil : *imitation of a bird song*

Sanskrit 𐭪 POK:1086

tittibha : *a water bird*

Latin 𐭪 POK:1086

titiō : *sparrow*

Persian 𐭪 BQT:1364

tītū : *a water bird* (طیتو)

Titil

see root: Titi

Avestan 𐭪 BQT:1755; HRN:196

Tkaeša : *agreement, commitment*

Pahlavi 𐭪 MON:3153

kēš : *religious
belief, religion*

Persian 𐭪 HRN:196; BQT:1755; MON:3153

kîš 3 : *religion*

Daqīqī Tūsī

کیش ۳
لب یاقوت رنگ و ناله چنگ - می پر لعل و کیش ۳ زرتشتی

Arabic 𐭪 KLN:122; SAP:964

T.L.S : *to wipe out, clean*

Arabic 𐭪 SAP:964

atlas : *a wiped, clean silk cloth*

Persian 𐭪 MON

atlas : *silk or satin cloth*

اطلس ۴

English 𐭪 KLN:122

atlas 2 : *silk, satin*

To

see root: So

Tôgei

see root: Tôkei

Tamil 📖 KLN:1143; SKT:378

Tôkei, Tôgei : *peacock*

Tamil is a Dravidian language spoken in south India

Sanskrit 📖 BQT:1346

Arabic

📖 BQT:1346

tawoos : *peacock*

Aramaic

📖 MON:2203

tausâ : *peacock*

Persian 📖 BQT:1346; MON:2203

tāvūs : *peacock*

طاووس (طاووس)

tāvōsî : *a plant*

طاوسی (طاوسان)

زلف مشکین تو در گلشن فردوس عذار
چیت طاووس که در باغ نعیم افتادست
Hâfez

Latin 📖 SKT:378

pâuo, pâvô : *peacock*pâvonis : *peacock*

Greek 📖 KLN:1143; SKT:378

taws, taos : *peacock*

Old English

📖 AHD

pea : *peacock*

English

📖 SKT:378

peacock
peafowl**Tr**

see root: Ter 1

Indo-European 📖 POK:1090

Trei : *three*

Avestan / Old Persian 📖 POK:1090; SYN:941; KLN:1611; GPL:41

thri, thrâyô : *three*thrisat : *thirty*thri-dasa : *thirteen* 📖 Dekmthri-thatra : *a three-stringed musical instrument* 📖 Ten 1

Persian 📖 BQT:1096

se-târ : *a musical instrument,
originally with only three strings*

سه تار

Greek

📖 KLN:687

kithara : *sitar*

Arabic

📖 SAP:1381

qītâr

qeetarah

Spanish

French

📖 KLN:687

guitare

Persian 📖 BQT:1194

seh : *three*

سه

سی ، سپرده

Hindustani

English 📖 AHD:1210

sitar

Persian 📖 MON:3502

gītâr

گیتار

English 📖 KLN:687

guitar

Sogdian 📖 SOD:143

dry : *three*

Germanic 📖 AHD

thrijiz : *three*

English

three, thirty, thirteen

Latin

teri, tri : *three*tes-tis : *third person, witness*tribus : *third class citizens*

in Roman empire, tribes

English 📖 AHD

tertiary, tricycle

testimony, contest, protest

tribe, tribune, tribute

Trenk | Trep 2

Indo-European POK:1093

Trenk : *to push*
Tronkus : *pressed, oppressed*

Avestan POK:1093; KLN:1612

traxtanam : *pressed together*

Germanic KLN:1612

dringan : *to press on, oppress*

Latin POK:1093; KLN:1660

trancus : *tree stem*
AHD:1546 derives this word from the Indo-European root "Ter 1:to overcome".

English

throng

English

trunk, truncate, trench

Indo-European POK:1094

Trep 1 : *to tremble, be restless*
May be related to the root "Tres:to tremble"

Old Iranian BQT:1083

thrapu : *restless, quick*

Old Persian BQT:1083

čapu-ka : *restless, quick*

Pahlavi BQT:607, 1083

čāpūk : *swift*
sapūk : *light, swift*

Persian BQT:607, 1083

čābok : *swift* چابک
sabok : *light, fast* سبک
چو آمد به نزدیکی بارگاه
سبک نزد شاهش گشادند راه
Ferdowsī

Sanskrit POK:1094; BQT:1083; KLN:1646

trprāh : *hasty*

Latin POK:1094

trepidus : *agitated, alarmed*

English

trepid

Trep 2

see root: Terp

Indo-European 📖 POK:1095

Tres, Ter 2 : *to tremble*

May be related to the root "Trep:to tremble"

Avestan

📖 KLN:1592; HRN:86; NYB:172

tras 1 : *fear*taršta, thrāsa : *frightened*

Persian 📖 BQT:484; FFD:81

tarsīdan : *to be afraid*

ترسیدن (ترس)

tarsā : *one who is afraid (of God), Christian*

ترسا

harāsīdan : *to be afraid*

هراسیدن (هراس)

Sa'dī ای کریمی که از خزانه غیب - گهر و ترسا وظیفه خور داری

Old Persian 📖 BQT:1197

thrah : *fear*thrah-man, thras-man, čah-man, čath-man : *afraid*

Persian 📖 BQT:1197

sahm : *fear*

سهم (سهمگین، سهمناک)

Latin 📖 AHD; KLN

terēr : *to frighten*

French

terreur : *terror*

Persian 📖 AMD:569

ترور، تروریست، تروریسم

English

terrible, terror, tremble, terrific

Arabic 📖 FVA:247

T.r.h : *to throw*

Arabic 📖 KLN:949

tarh : *a plan laid out for discussion*matrah : *place where something is laid*

Persian 📖 MON; FVA:246

tarh : *plan, idea, program*

طرح (طراح)

matrah : *set forth for discussion*

مطرح (مطروح)

Italian

materasso : *mattress*

French

English

mattress

Tronkus

see root: Trenk

Trp

see root: Terp

Indo-European 📖 POK:1097

Tu, Tū : *you*

Avestan / Old Persian 📖 POK:1097; BQT:525

taiy, tū, tūm, tuvam, tava, tvām : *you*

Sogdian 📖 SOD:383

ty, tw : *you*

Persian 📖 BQT:525

to : *you*

تو

Germanic 📖 AHD

thū : *you*thūmaz : *yours*

English

thou, thee, thy, thine

Tũ

see root: Tu

Indo-European WLD1:747; IEC:1472

Tuardo : quartz

Turd, Turt : hard, strong

Persian IEC:1472; MON:1066

tord : brittle, stiff

ترد^p

Old Persian IEC:1472

sparda, sfard : stiff, hard

Latin IEC:1472

tardus : thick, sluggish

Greek IEC:1472

sard : hard

Chinese PRT:743; SKT:578

Tu-küe : strong people

Persian BQT:487

tork : a Turk, a beautiful woman

ترک^p

ترکمن، ترکیه، ترکمنستان

Sa'df عرب دیده و ترک و تاجیک و روم - زهر جنس در نفس پاکش علوم

PHN:363 derives these from Arabic "T.r.k: to leave",
as Turks were originally nomads

Greek

Latin

turcus

French

English KLN:1665; AHD:1382

Turk, Turkey,
turkey, turquoise

Indo-European IEC:1455

Tulupos : lump, ball, mass, crowd

Persian IEC:1455

torob, torb : radish

ترب^p

Greek IEC:1455

tolupě : ball of thread

Turkish IEC:1455

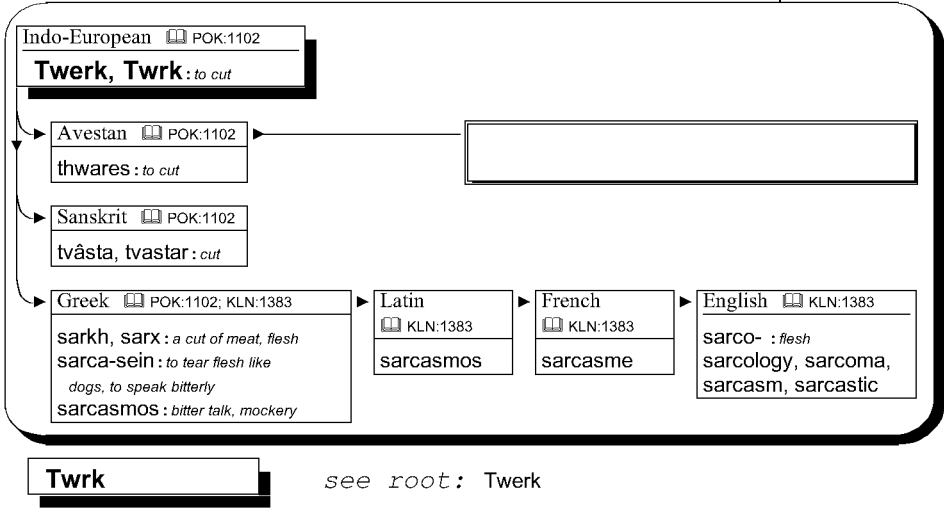
turp : radish

Turd

see root: Tuardo

Turt

see root: Tuardo



U

Indo-European POK:1103

Ud 1 : up, out, away

Avestan

POK:1103; HRN:154; BQT:1049; DZA:57

ud, us, uz : up, out

us-tavah : out of power, tired Těu 1

ni-us-tavah : not tired (of fighting) Ne 1, Těu 1

us-spar : walk away, trust Spher

uz-ah, zâ 2 : push out of opening, give birth Ōus 2

uz-ah-âp : where water comes out, spring Ab 1

Persian

BQT:1049,1086,1102; IRN:108; MON:1763

sotûh : tired ستوه

nastûh : energetic in fighting نستوه

sepârdan : to entrust سپاردن ۲, سپردن ۲

zeh 2 : to give birth زه ۲ (زاهیدن، زهیدن)

zehdân : womb زهدان Dhē 2

zahâb : spring, river زهاب (زاب) Ab 1

Ferdowsî بیازید هوشنگ چون شیر چنگ

جهان کرد بر دیو نستوه تنگ

Avestan

POK:1104

us-tema : outmost, extreme

usča : above, overhead, on top

Old Persian

KNT:176

ud : up

ud-zma, uzma : grown up from ground Ghdhem

Sanskrit

POK:1104

ucca, učča :

high, top

Arabic

MON:399

awja : tip, high top

Spanish

SKT:357

auge : top

French

SKT:357

ogive, ogee

Persian

MON:399

owj : top اوج

English

SKT:357; TYL:568

ogee, ogive : a pointed

double-curved arch

Germanic

AHD

ūt : out

English

out, but, about

Greek

AHD

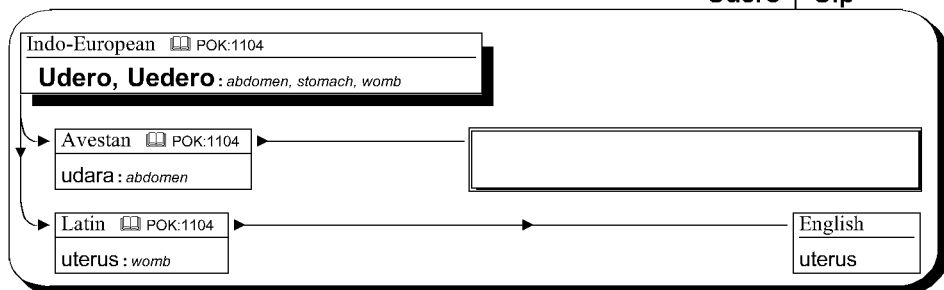
hus-teros : later

English

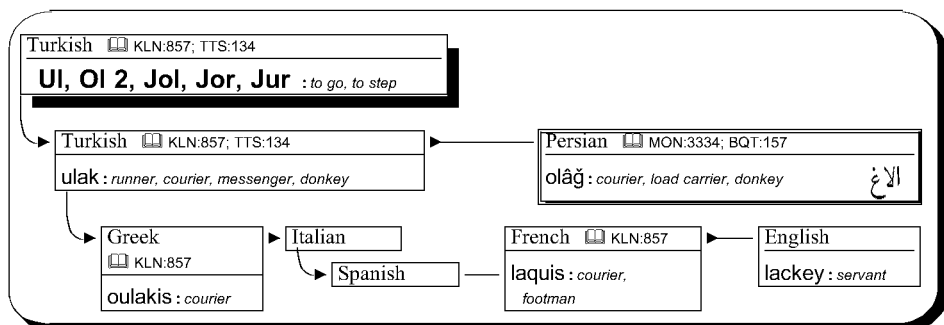
hysteresis

Ud 2

see root: Wed



Uě	<i>see root: I2</i>
Uedero	<i>see root: Udero</i>
Ues	<i>see root: Yu</i>
Ug	<i>see root: Aueg</i>
Ugw	<i>see root: Wegw</i>
Uks	<i>see root: Wegw</i>
Uksen	<i>see root: Wegw</i>



Ulp	<i>see root: Wel 2</i>
------------	------------------------

Semitic KLN:160

Umm : *mother*

Arabic KLN:160

umm : *mother*
umme-ġilân : "mother of
demons", referring to
desert bushes believed
to nourish demons Ġ.v.1

Persian FVA:34

omm : *mother*
ommî : *as if just born from the mother, illiterate*
moġilân : *desert bushes*

اُمّ (اُمّهات)

اُمّی (اُمّی)

مغیلان

در بیابان گر بشوق کعبه خواهی زد قدم
سرزنشها گر کند خار مغیلان غم مخور

Hâfêz

Turkish KLN:160

beg-umm : *mother of ruler,
a female title of respect* Bhag
xân-umm : *mother of Khan ?,
a female title of respect*

Persian BQT:339

baygom : *a female title of respect*
xânom : *a female title of respect*

بیگم

خانم

English KLN:160

begum : *a female title of respect*

Uo

see root: 12

Uog

see root: Aueg

Uper

see root: Upo

Indo-European POK:1106; KLN:1105

Upo : to, from below**PART 1**

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Avestan / Old Persian POK:1106; KLN:1105

upa, upâ : to, toward

Pahlavi HRN:33; AEF:190,191

pat, pa, pad : to, toward

HRN:33 claims these prefixes are a combination of Avestan "upa" and "paiti". See AEF:190,191 for further discussion.

Persian MON:605; AEF:190,191

beh : to, toward

به (په ۲)

See "Per 3" for a different derivation

Avestan HRN:41,65,71,72,73

upa-diti : to (in) sight, apparent Dheye

upa-sad : to agreement, selection Sed

upa-var : in belief Wer 1

upa-drava : to good health Deru 1

upa-gâh : to time, morning

upa-ni-dâ : hidden Dhe 2

Persian BQT:2230,373,406

padîd : apparent پدید (پندیده، پدیدار)

pasand : selection پسند (پسندیدن)

bâvar : belief باور

bedrûd : farewell بدرود (پدرود)

pegâh : early morning پگاه

penhân : hidden پنهان

بخشب امشب و بامداد پگاه

Ferdowsî برو تا به ایوان او بی سپاه

Avestan POK:916

upa-skambem : for support, a column or pillar Skabh

Persian POK:916; BQT:410; MON:798; FRS:183

peçkam : roof on columns, a room open all around, porch

پچکم (پشکم، بچکم، بشکم)

Rûdakî از تو خالی نگار خانه جم - فرش دیبا کشیده بر پچکم

Germanic AHD

upp : up

upamaz : open up

ubilaz : over limit, evil

English

up
open
evil

Latin AHD

s-up : to below, under

French

sujet, sublime'

Persian MON:1944,1952

سوژه، سوبلمه

English AHD

sub- : under

subject, sublime, submarine

Upo | Urigh

Indo-European POK:1106; KLN:1105

Upo : to, from below

PART 2

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Indo-European POK:1105; KLN:1105

Uper : over, above, beyond

Avestan

POK:1105; KLN:1105

upairi : above,
over, beyond

Pahlavi

HRN

apar : on,
over, more
than

Persian BQT:79

abar : super

bar 2 : over Bhergh (ابر قدرت ، ابر مرد ، ابر قدرت)
(برتر ، برترین ، برین ، بر ۲)

See root "Bhergh" for another possible derivation.

Latin AHD

super : over

French

Persian AMD:1242; VOP:220

sūper : super (سوپرمارکت)

English AHD

super, supreme, superior, sirloin

Latin KLN

s-upper-mo, summus : peak

English

sum, summit

Greek AHD

huper : over

English

hyper

Germanic AHD

uberi : over

English AHD

over

Urdu

see root: Urmak

Indo-European IEC:1681

Urigh : rice

Sanskrit

AHD:1116

Vrihi : rice

Avestan / Old Persian

KLN:1346

brīzi, vriz, urvinj : rice

Greek

SYN:519; AHD:1116

oruza : rice

Persian BQT:265; MON:198,5014; IEC:1681

oroz : rice

varīzeh : rice

berenj 2 : rice

ارز
وریزه
برنج ۲

Latin

oryza

Italian

riso

French

ris, riz

English

AHD:1116

rice

Mongolian 📖 KLN:742

Urmak : *to strike***Urdu** : *camp of strikers, army camp*

Turkish

📖 KLN:742,1861

ordu : *camp*

Persian 📖 KLN:1861; MON:197; NAT:14

ordū : *camp, army, also a "camp language" that was originally spoken by an Indian army of Hindi, Persian, Turkish and Arab soldiers.*

اردو

اردوگاه ، اردو کشی ، اردو بیگ

Hindustani 📖 KLN:1681

urdu : *Hindustani language*

English 📖 KLN:1681

Urdu : *an Indian language*

French 📖 KLN:742; AHD

English 📖 AHD:634; KLN

hoard : *a wandering tribe, group, camp*

Indo-European 📖 IEC:704,1593

Uroiks, Loik : *twist, twine, wicker, beard*

Avestan

📖 HRN:142; IEC:104,1593

raeša : *hair, beard*

Pahlavi

📖 BQT:988; SOD:348

rēš : *beard*rēšak : *(hairy) root*

Persian

📖 BQT:988,989; HRN:142; IEC:704,1593

rīš 2 : *beard*rīšeh : *root*

ریش ۲

ریشه

Sogdian 📖 SOD:348

ryš`kk : *beard*

Latin 📖 IEC:704

līcium : *woof, yarn*

Avestan 📖 SYN:1088; BQT:967

Urvan : *spirit, soul*

Pahlavi 📖 BQT:967

ruvân : *spirit*

Persian 📖 BQT:967

ravân : *spirit*

روان ۲ (روانکاو ، روانپزشک)

همان جویبار است و آب روان ۱ - که از دیدنش تازه گردد روان ۲
Ferdows

Sogdian 📖 SOD:59

`rw`n : *spirit*

This may be a cognate rather than a derivative of Avestan "urvan".

V

Avestan AEF:323

Vaenâ 1, Vaëñâ 1 : *nose*

Pahlavi AEF:323

vēnik, bēnik : *nose*

Persian BQT:341

bīnī : *nose*

بینی

Vaëñâ 1

see root: Vaenâ 1

Vaidūrya

see root: Velūr

Indo-Schythian ISS:234

Var : *to cover, enclose*

Pahlavi ISS:234

varm 1 : *container, reservoir*

Persian ISS:234; MON:511

barm : *reservoir, pool*

بَرم

Varaka

see root: Varekahe

Avestan BQT:1779

Varâza : *boar (animal)*

Cognate with Sanskrit "varâha"

Pahlavi

MON:3212

varâz : *boar*

Persian MON; HRN:200; BQT:1780,2263

vorâz : *boar*

وَرَاَز

gorâz : *boar, also a bold and strong person*

گَرَاَز

Amîd Lobakî دور سپهر مثل تو هرگز نیاورد - از هفت پشت پهلو شیرافکن و گراز

Avestan SNS:281; SYN:525; EAV:86

Varekahe, Varaka : *leaf*

Pahlavi

BQT:260; AEF:259

varg, valg

Persian MON:571; AEF:259

barg : *leaf, page, sustenance*

برگ (بلگ، بلگه، برگه)

Molavî رُبغ رُبغ تلخ آن درهای مرگ - نشنود گوش حریص از حرص برگ

Avestan 📖 BQT:253

Vareta : *slave*

Pahlavi

📖 BQT:253; HUB:26

vartak 1 : *slave*

Persian 📖 HUB:26; BQT:253

bardeh : *slave*

برده

Arabic 📖 KLN:148

bardaj

Italian 📖 KLN

French 📖 KLN:148

bardache

English 📖 KLN:148

bardash : *slave***Vata**

see root: Bata

Sanskrit 📖 KLN:125; AHD:86

Vatin-ganah : *eggplant*

POK:383 shows "ganah: bundle, group" from the Indo-European root "Ger: to tie together".

Persian 📖 KLN:125; BQT:213; MON:444

bâdengân : *eggplant*

بادنگان (باتنگان)

Arabic 📖 KLN:125,165

bâdenjân, al-bâdenjân : *eggplant*

Persian 📖 BQT:213; MON:444

bâdenjân : *eggplant*

بادنجان (بادمجان)

Spanish 📖 KLN:125

berengina, au-berengina : *eggplant*

French 📖 AHD:86

aubergine

English 📖 AHD:86

aubergine : *eggplant*

English 📖 KLN:165

berengina : *eggplant*

Sanskrit KLN:166; AHD:126

Velūr, Bēlūr : a city in southern India (from a Dravidian root)
Vaidūrya, Veluryia : a crystal "from Velūr".

Greek

AHD:126; KLN:166

beryllos, bērullōs :
the beryl crystal

Arabic MON:575

bolūr : crystal
tabalvor
motebalver

Persian MON:575

بُلور (تبلور، متبلور)
bolūr : crystal, clear
بی تو بی جان تنی است جام بلور
تن پاکیزه جام را جان باش
Mas'ūd Sa'd Salmān

Latin AHD:126

beryllus : beryl

French AHD:126,166

beryl, brillat

Persian MON:511

berelyān : cut diamond
برلیان

English AHD:126,166; KLN:200

beryl, beryllium, brilliant

Veluryia

see root: Velūr

Vēno

see root: Wes 5

Vesno

see root: Wes 5

Veso

see root: Wes 5

Old Persian BQT:1794

Vrsa, Vrsna : hunger

Pahlavi BQT:1794

gursak : hungry
gursakîh : hunger
gursîtan : to be hungry

Sogdian SOD:79,414

wš'y : to be hungry
wšn, `wšnty : hungry

Persian BQT:1794; HUB:92

گرس ۱ (گورس، گرسنگی، گشنگی)
gors 1 : hunger
گرسنه (گشنه)
goresneh : hungry
گرس از دلم ببرد غم زلف و خال دوست
جان با خیال رشته فتاد از خیال دوست
Bes-hâq

Vrsna

see root: Vrsa

W

Wâ

see root: Eu 1

Wag

see root: Wegh

Indo-European 📖 POK:1110; IEC:351,354

Wag 2, Gwag, Gwâk : cry, quack, squeak, squeal
Gweguos : a cracking bird

Sanskrit 📖 POK:1110

vagnu : tone, call, cry

Greek 📖 IEC:351

bazô : talk

bagma : talking

Latin 📖 IEC:351

vâgîre : scream

vâgio : scream

Persian 📖 IEC:351,352,354; BQT:1057; MON:1742

žâž : worthless speech

zâğ : crow

zakîdan : bluster, rage, talk to oneself in rage

زآژ (زآژخا)
 زآغ
 زکیدن (زکان)
 ژکیدن
 کسیکه زآژ درآید به درگهش نشود - که چرب گویان آنجا شوند کند زبان
 Farrokhi

Indo-European 📖 POK:1110

Wai : alas

Avestan 📖 POK:1110

vayôî, âvôya : alas

Germanic 📖 KLN:1749

wai

Persian 📖 BQT:2255

vây : alas, woe

وای

English

woe

Semitic 📖 KLN:1609

W.a`.m : to match, agree, pair up

Arabic 📖 KLN:1609

taw`am : twin child, accompanying

Persian 📖 MON:1159

tow`am : together with, twin

توأم

tow`amân : twins

توآمان

Syriac 📖 KLN:1609

tômâ : twin

Greek 📖 KLN:1609

tomas

English 📖 KLN:1609

Thomas, Tom

Waq

see root: Wegh

Wās

see root: Wes 1

Indo-European POK:81

Wě 1, Aũ 1 : to blow

Avestan POK:81; KLN:1745; BQT:170

vâta : wind

vâiti : blows

vât-âs : wind mill Ak

antara-vâyū : in the wind,
wandering, poor En

Persian BQT:170,205

bâd : wind

باد ۱ (بادبان، بادبادک، بادخَن)

bâdâs : wind mill

بادآس

andarvâ : wandering, poor

اندروا، اندرواژ، اندروای

Sanskrit KLN:1049

nir-vanah : blowing out, extinction Nis

Persian MON:4882

nîrvânâ : extinction of soul by
absorption into the Supreme Being

نیروانا

English AHD:889

Nirvana : extinction of soul by
absorption into the Supreme Being

Germanic AHD

windaz, wedram : wind

vind-auga : wind eye (window) Okw

wē-ingia : wing

English

wind, weather
window
wing

Latin AHD

ventus : wind

English AHD

vent, fan

Greek AHD

atmo : air

Latin

French

Persian MON:32

âtmosfer : atmosphere

آتمسفر

English

atmosphere

Greek AHD

aër : air

English

air

Latin

mal-aria : bad

(sick) air

Mel 2

Italian

French MON:3709

Persian MON:3709

mâlâriyâ : malaria

مالاریا

English AHD

malaria

We 2

see root: Au 2

Indo-European POK:1114

Webh : *to weave*

Avestan POK:1114

ubdaena : *woven fabric*

Persian HRN:38; BQT:2461; MON:1462; POK:1114; OEW:424

bâftan : *to weave*

بافتن (بافته ، باف ، بافندگی)

بافته با محبتتم ، رشته تار و پود جان - نخ بتار ، رشته برشته ، پو بهو
Raf at Semnānī

Germanic AHD

weban, wefta, wabila

English KLN; OEW:425

weave, web, wave 1, Webster, wafer, woof, wobble

Indo-European AHD:1550; POK:1179; KLN:1731; OEW:425

Wopsā : *insects with web-shaped nests, wasps*

Iranian POK:1179

vawža : *wasp*

Avestan POK:1179

vawžaka : *scorpion*

Pahlavi POK:1179

vassz : *wasp*

Germanic KLN:1731; OEW:425

wafsa, wosp : *wasp*

English KLN:1731

wasp

Latin KLN:1731; OEW:425

vepsa, vespa : *"weaver" insect, wasp*

English KLN:1731

vespiary

Indo-European POK:78; AHD:1547,1549; KLN:1732

Wed, Wer 4, Aũ 2, Ud 2 : *water, wet*

PART 1

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Avestan

POK:78; KLN:1682

vâr 1, wâr, vâra 1 : *rain*

Pahlavi

BQT:218; AEF:209

vârân, vâritan

Persian BQT:218; AEF:209

bârân : *rain*

باران (بارش ، باریدن ، بارندگی)

bârgîn : *pond, storage of rain water*

بارگین (پارگین)

خوشتن هم جنس خاقانی شمارند از سخن
پارگین را ابر نیسانی شناسند از سخا
Khâqânī

Avestan POK:78

udra : *otter, water bird*

Pahlavi HRN:242

vartak 2 : *a water bird*

Persian MON:5001; BQT:2262

vardfj : *a water bird*

وردیج (ودخین)

Avestan POK:78

aoda : *fountain*vaidi : *water way*vairi : *sea*varašnī : *testicles*

Old High German AHD

wazzar : *water*

French

vaseline : *moisturizing oil*

Persian MON:4944

vâzelîn : *Vaseline*

وازلین

English

Vaseline

Indo-European POK:78; AHD:1547,1549; KLN:1732

PART 2

Wed, Wer 4, Aũ 2, Ud 2 : *water, wet*

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Greek AHD

hudôr : *water*

French

hydrogene : *water maker* ^{Gene 1}

Persian MON:5230

hîdorgen هیدروژن

English

hydrogen, hydrant, hydro

Old Irish AHD:1410

uisce : *water*
uisce beathadh : *water of life*

English AHD:1460

usquebaugh, usquabae,
whiskey, whisky

Persian MON:5072

vîskî : *"water of life"*

ویسکی

Russian AHD

voda : *water*
vodka : *a drink*

Persian MON:4994

vodkâ : *"water, drink"*

ودکا

English AHD

vodka

Germanic AHD

water : *water*
wêd : *wet*
wat-skan : *wash*
wintruz : *wet season, winter*

English

water, wet, wash
winter, otter

Latin AHD

unda : *wave*

Latin AHD

super-undere : *wave around*
red-undare : *over flow*

English AHD

surround
redundant

Latin AHD

ŭrîna : *urine*

English

urine

Wedh

see root: Wen

Indo-European POK:1115

Wedh 1 : *to marry*

Avestan POK:1115

vadhu, vadũ 1 : *marry*
vadhu-upa : *to marry*
^{Upo}

Persian BQT:342; FRS:160; AEF:264

bayũg : *bride*

بیوگ (بیوک ، بیو)

bayũgânî : *marriage*

بیوگانئی

Rûdakî بس عزیزم ، بس گرامی ، شاد باش - اندر این خانه بسان نو بیوک

Sogdian SOD:403

wd : *wife*

Indo-European  POK:1115

Wedh 2 : *to push, strike, hit*

Avestan  POK:1115

vâdâya : *push, push back*
vada : *wedge*
vadar : *weapon for striking*
vadhğan : *ax*

Greek

 POK:1115; AHD

ôthein : *to push*
ôsmos : *act of pushing (liquids)*

Latin

French

 KLN:1100

osmose

Persian  VOP:52

osmoz : *osmosis* اَسْمُز (اَسْمُزِي)

English  AHD

osmosis

Indo-European  POK:1117, 1180

Weg 1 : *to weave*

Wokso : *woven (by the bees), wax*

Russian  ?

Persian  MON:4958

vâks : *wax* واکس

Germanic  AHD:1550

wahsam, weke

English

wax, wick

Latin  KLN:1695

velum : *woven fabric*

English

veil, reveal

Weg 2 | Weg 2

Indo-European POK:1117

Weg 2: to be lively, strong

Iranian

AEF:201; IEC:1499

vâz, wâz: a root
indicating power,
largeness, being
active or rising.

Old Persian

POK:1117

vazraka: large

Pahlavi HRN

vajarg, bazurk: big

Persian

BQT:272; POK:1117

bozorg: large بزرگ

Sogdian SOD:429

wz`rk: big

Avestan POK:1117

vazra: a club

Pahlavi HRN:202

vazr: a club

Persian BQT:1793

gorz: a club گرز

Pahlavi HUB:22; AEF:201

vâzîtan: to rise up, be active, play
bâxtan: to rise up, play
HUB:22 does not accept
the "bâxtan" form

Persian AEF:201; HUB:22; IEC:1499

bâzîdan: to play

بازیدن (بازنده، بازی)

bâxtan: to play, also to lose in a game

باختن

شاه دل گم گشت و چون شطرنج را شه گم شود

Manüchehr

کی تواند باختن شطرنج را، شطرنج باز

Sanskrit POK:1117

vâja: power, to rise up

Germanic AHD

waken: wake
wakjan: watch
waht: wait

English

wake, awake
watch
wait

Latin AHD

vegēre, vîgere: to be lively
vêlôx: lively

English

vegetable, vigor, vigilant
velocity

Indo-European POK:1119

Wegh, Waq, Wag : to go, carry

Avestan POK:1119

vaz : fly
 vaza 1 : a bird, hawk
 pairi-vaza : fly around
 Per 1
 vaza 2, vâzišta : travel
 vazya : load

Persian BQT:217,391,2279; MON:4949

bâz : hawk, falcon باز ۲ (باشه، واشه)
 parvâz : flight پرواز
 vazîdan : to blow (wind) وزیدن
 Ferdowsî پس اندر دوان هفتصد باز ۲ دار - ابا واشه و چرخ و شاهین کار

Avestan POK:1119

vašta 2 : curved
 vaštar : load carrying animal
 uždard, uždri : carrier

Latin AHD

vehere : to carry
 vectus : carried
 con-vexus : carried to a point, curved

English

vehicle, vector, convection, convex

Germanic AHD

wegaz : course of travel
 wigan : to carry a load

English

way, away, always, wagon, wave 2, Norway
 weigh, weight

Indo-European IEC:1499

Wěǵo : lizard?

Avestan IEC:1499

vazaghâ : lizard, frog

Persian IEC:1499; BQT:2278; HRN:242; MON:5018

vazaǵ : frog وَزَغ (وزق، وزک)
 vazaǵeh : a small lizard وزغه

Indo-European POK:1118

Wegw, Ugw, Uks : wet
Uksen : to make wet, inseminate

Avestan POK:1118; KLN:1106; SYN:153

uxšan : ox, bull,
 inseminating animal

Germanic AHD

uhsôn : ox

English

ox

Latin AHD

hūmēre : to be wet

English

humid, humor

Wegwh | Wei 1

Indo-European POK:348

Wegwh, Ewegwh, Eueguh : to speak solemnly

Old Persian TZF:29

aok : to speak

paiti-aok : counter speech, response ^{Per 3}

Connection to this root is doubtful

Persian TZF:29

pâsox : response

پاسخ

See Root "Kâs 2" for another possible derivation

Avestan POK:348; KLN:1722; SYN:1256; AVG:237

aog, aoj, aox : to speak

aojaiti, aoxia, aogeda

duš-uxta : ill-spoken ^{Dus}

Latin AHD

vovĕre : to pledge

English

vote, devote, vow

Indo-European POK:1120

Wei 1 : to bend, turn, twist

Avestan KLN:1749; ISS:42

vay 3 : twist

vaēiti : willow tree

varaša : tree

Pahlavi MON:58; SNS:287; BQT:338; ISS:42

vēt : willow

vîsag, vîsak : wooded area

Persian BQT:332,338; SNS:287; ISS:42

bēd : willow tree

بید

bîšeh : grove, woods

بیشه

دل صنوبریم همچو بید لرزانست

ز حسرت قد و بالای چون صنوبر دوست

Hâfez

Germanic AHD

wi-ra

English

wire

Greek AHD

iris : rainbow

English

iris

Indo-European POK:1123,1177; KLN:1714

Wei 2 : *vital force*
Wiros : *man*

Avestan POK:1177; KLN:1714

vîra : *man, (his mind)*

Pahlavi BQT:334; ZAP:159

vîr : *awareness*
varm 2 : *memory*
varm kartan : *to memorize*

Persian MON:489; BQT:2298; ZAP:159; BQT:262

vîr : *memory, intelligence* ویر (بیر)
bar 1 : *memory* بر (برم)
بهر سید نامش ز فرسخ هجیر
بدو گشت نامش ندانم به ویر
Ferdowsî

Avestan POK:1123

vôi, vâv 2, vîvâiti, vayeiti 2 : *to chase*
vyâna 1 : *followed*
vâtay : *persecution*
vîtar 1 : *persecutor*
vôi-thwa : *chased*

Germanic AHD

weraldh : *man's world*

English

world

Latin AHD; POK:1123,1177

vîr : *man*
violere : *treat with force*

English

virtue
violent

Weib

see root: Weip

Indo-European POK:1125

Weid, Woid, Wid : to see, to know

Avestan POK:1125, 1126

vaeda, vîdada : I know

vîd- : knowing

vidya : knowledge

vista- : well known

hu-vaeda : well known, apparent [☞] Su 1

Persian MON:5069,5669; BQT:2297,2401

vîdâ : apparent

ویدا

Avestâ : well known, knowledge,

اوستا

Holy Book of Zoroastrians

hovaydâ : apparent

هویدا

Avestan POK:1121; AEF:379; HRN:70

vîdaiti, vînosti, vîvaēda : find, finds

paitiś-vaēd : to search for

HUB:41 does not agree with this etymology.

Persian AEF:379

pažuhîdan : search (پژوهیدن، پژوهش، پژوه)

Latin AHD

vidēre, visus : to see, look

French

television

visite

Persian MON:1136,5071

televîzion : television

تلوزیون

vîzît : visit (ويزت، ويزا)

English

view, review, interview, advice, envy, evident,

vision, television, visa, visit, provide, survey, video

Persian

vîdîyo : video

ویدیو

Welsh AHD

pen-gwyn : white-headed (bird), penguin

French

Persian AMD:487

panguwan : penguin

پنگوئن

Greek POK:1127; AHD

histôr : wise

istoria : history,

historical tales

idea : form

Arabic TAD:3; FVQ:56

ostûreh : historical tale

asâtîr : fables, myths

FVQ:56 & VDQ:113,257 derive these

from Arabic "s.t.r. write"; from

Akkadian "šatarû:to write".

Persian MON:225

ostûreh : myth

اسطوره

asâtîr : myths, fables

اساطير

که اساطیر است و افسانه نژند

نیست تعمیقی و تحقیقی بلند

Molavi

English

story, history, idea

Germanic AHD

wîtan : to look after, guide

wîssaz : wisdom

wit : wit

English

wit, wise, wisdom

guide

Indo-European POK:1127

Weidh : *to separate, divide*

Avestan POK:1127

vidhavâ : *separated, widow*

Persian BRT:1443

bîveh : *widow* بیوه

Germanic AHD

widewaz : *widow*

English

widow

Latin AHD

dīvidere : *to separate*

English

divide

Indo-European POK:1130

Weik 1 : *to bend, swing*

Avestan / Old Persian POK:1130

waix, waik, waig, vaëg, vaëca : *to swing*
vyâxa, vyâxman : *assembly, collection*

Persian BQT:67,333; HRN:14; MON:620

vîxtan : *to sling* و یختنâvîxtan : *to hang* آو یختن (آویز)âvang : *pendulum* آونگbîxtan : *to sieve* بیختن (بیز ، بیزش)parvîzan : *sieve* پرویزنیک شبی محمود می شد بی سپاه
خاک بیزی دید سر بر خاک راه
Attâr

Pahlavi AEF:169; HRN:30

han-vêxt-an : *to motivate, excite* Sem 1

Persian BQT:178; AEF:169

angîxtan : *to excite, motivate* انگیختن

انگیزیدن ، انگیزاندن ، انگیزه

Sogdian SOD:417

wye : *to stir, shake*

Germanic AHD

wik : *willow twig (soft and bending), wicker*
waikwaz : *bent, soft, weak*
wikôn : *a turning (of time), week*

English

wicker
weak
week

Latin AHD

vicis : *turn, change, substitute*

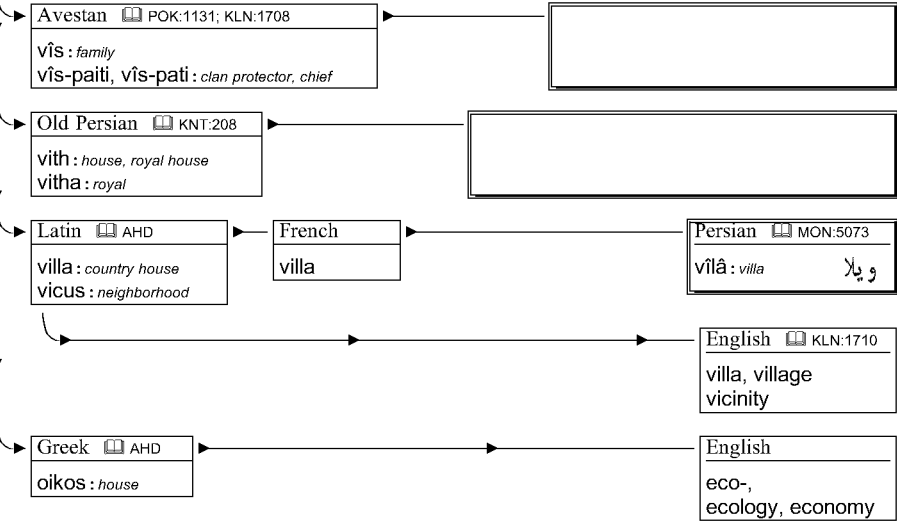
English AHD

vice-versa
vice president, viceroy

Weik 2 | Weip

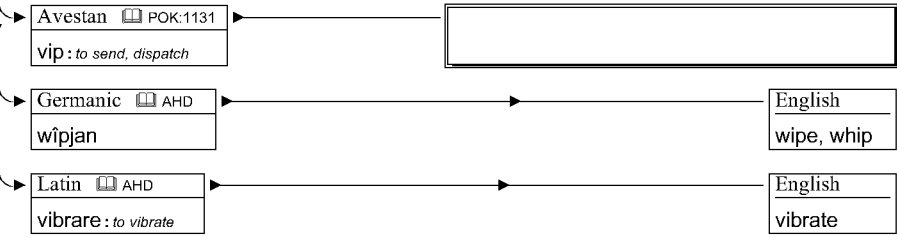
Indo-European POK:1131

Weik 2 : *clan, a social club above the household*



Indo-European POK:1131

Weip, Weib : *to go back and forth*



Indo-European POK:1134

Weis : to rot, melt away, flow

Avestan POK:1134; KLN:1714

vaeša : mold

viš 1, viša : rotten food, poison

Pahlavi BQT:338

bēš 2 : a poisonous plant

See "Dwei" for an alternative root.

Persian BQT:338

bīš 2 :

بیش ۲

a poisonous plant

Latin AHD

virus : slime, poison

viscum : slime

French

virus

Persian MON:5070

vīrūs : virus

ویروس

English

virus

viscous

Germanic AHD

wisōn : slime

wisolon : stinking animal, weasel

wisand : a bison with musky smell

English

ooze 2 : mud, sediment

weasel

bison

Indo-European POK:1135; KNT:207

Wek : to wish, desire

Old Persian KNT:207; BST:234

vas : to wish, desire

vašna : will, desire

vasiy : at will

Pahlavi MON:537; KNT:207; BQT:276

vas : enough

vas-yâr : plenty

Persian KNT:207; BQT:276; MON:537

bas : enough, sufficient

بس (بسی)

basand : sufficient

بَسند (بسنده)

besyâr : plenty, many

بسیار (بسیاری)

به آورد با او بسنده نبود

Ferdowsî

بیچید از او روی و برگاشت زود

Avestan POK:1135

vasami, usâmahî : I wish

an-usant : not willing, reluctant ^{Ne 1}

vasah : desired

vasnah : wish

Greek POK:1135

exôn : willing

a-exôn : not willing, reluctant

Indo-European POK:1135

Wekw, Weqw : voice, to speak

Avestan / Old Persian

POK:1135

vak, vačah, vaxš 1:

word, voice, sound

Persian BQT:204,218,2260; FSF:64; ZMA:28

vâk : sound

vâzeh : word

vâžgân : any word (original or borrowed) used in a language

vâž : quietly said prayers

Ferdowsī

پرستنده آذر زردشت - همی رفت با باز و برسم بمشت

واک

واژه

واژگان

واژ، باز ۳، باج ۲

Avestan / Old Persian

POK:1135; KLN:1719; SYN:26

â-vač : voice, song

fra-vaxš : call out, sell Per 1

paurvatâ-vac : mountain voice,

echo Parvan

vi-vačah : to speak out ironically Wi

Persian BQT:401,1473,2260; HRN:263

âvâ : voice, song

forūxtan : to sell

pažvâk : echo

govâzeh : blame, sarcasm

Ferdowsī

گوازه همی زد پس او فرود

که این نامور پهلوان را چه بود

آوا (آواز)

فروختن

پژواک

گوازه (گواژیدن)

Avestan HRN:241

vaxš-ô-bara : voice carrier Bher 1

Pahlavi MON:4992

vaxš-war : messenger

Persian MON:4992; BQT:2260; HRN:241; VSF:17

vaxšūr : prophet, Zoroaster

Ferdowsī

و‌خ‌ش‌ور

به گفتار و‌خ‌ش‌ور خود راه جوی

دل از تیر گیها بدین آب شوی

Avestan BQT:2174

ni-vak : sound, music

hu-ni-vak : good sound Su 1

Persian BQT:2174,2178

navâ : sound, melody

نوا نوازیدن، نواختن، نوازش، نوازشگر

خ‌ن‌یا (خ‌ن‌یاگر) xonyâ : melody, music

نوا

Old Persian

ETM:61

wâk : to speak

wânk : call, called

Pahlavi BQT:229

vang : call, loud sound, crying

Persian ETM:61; BQT:229

vang 2 : call, crying

bâng : call, loud sound

و‌نگ ۲

بانگ

Avestan / Old Persian ETM:72

ux : word

hu-ux-tay : good words Su 1

Persian ETM:72; BQT:2388

hūxt : good words,

prayer, prayer house

هوخت (هوخت، هوخت)

Latin AHD

VOX, VOC : voice

vocâre : to call

English

voice, vocabulary

Indo-European POK:1137

Wel 1 : *to wish, desire*

Avestan POK:1137; DVS:198

var 2, ver 1, varena : *to wish*
upa-var : *to believe* Upo
adi-var : *in truth* En
xšatra-vairya : *desired city, heavenly country* Ksei 1

Pahlavi BQT:1316,1303

varavistan : *to believe*
paver : *belief*
ēvar : *indeed*
šatri-var : *name of a month*

Sogdian SOD:412

wrn : *belief*

Germanic AHD

Latin AHD

velle, vol : *desire*

Persian BQT:1316,1803; HRN:203; MON:2098

geravīdan : *to believe* گرویدن
bāvar : *belief* باور
ārī : *yes, indeed* آری
Šahrīvar : *name of a Persian month, also the forth day of each month* شهرپور
Ferdowsī به شهرپور بهمن از بامداد - جهاندار داراب را بار داد
See "Wer 1" for another possible root of "bāvar"

English AHD

well 1 : *good*
wealth, will, William

English

volunteer

Indo-European POK:1144

Wel 2 : *to tear, pull, wound*

PART 1

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Sanskrit BQT:2253

vṛana : *wound*

Persian MON:4966; POK:1145

vâlâneh, valâneh : *wound*

والانه ، ولانه

Latin AHD

vulmus : *wound*

vellere : *to tear*

English

vulnerable
vulture

Indo-European POK:1139

Welâ, Wlnâ, Wolko : *plucked off (wool)*

Avestan

POK:1139

varesa : *hair*

Pahlavi

HRN:202

vars : *curly hair*

Persian MON:5004; SNS:285; BQT:1794; KLN:856

vares : *a string used in
Zoroastrian ceremonies*

وَرِس (وريس)

gors 2 : *curly hair*

گرس ۲

Sogdian SOD:412

wrs : *hair*

Germanic AHD

wullâ : *wool*

English

wool

Latin AHD

villus : *shaggy hair*

English

velvet

Indo-European KLN:1750

Wikwo : *tearing animals, wolf*

Avestan KLN:1750; SOD:423

vherka, vehrka : *wolf*

Pahlavi HRN:202

gurg

Persian BQT:1797

gorg : *wolf*

گَرگ

Old Persian KNT:206

varkana : *wolf land*

Pahlavi KNT:206

gorgân

Persian KNT:206

Gorgân : *a district S.E. of the Caspian sea*

گَرگان

Sogdian SOD:423

wyrk : *wolf*

Germanic AHD

wulfaz : *wolf*

English

wolf

PART 2

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Indo-European POK:1144

Wel 2 : to tear, pull, wound

Indo-European POK:1179

Wip, Ulp, Lup : wolf, dog

Avestan POK:1179

urpa, urupis,
lupis, raopias : dog
taxma-urupa : (with)
strong dogs [⚡] Tenk

Persian BQT:968; MON5:405

gorbeh : "an animal that tears up"

گر به (روباه)

Tahmūres : "(with) strong dogs"

تهمورث (طهمورث)

Ferdowsī پسر بد مر او را یکی هوشمند - گرانمایه طهمورث هوشمند

Old High German KLN:27

athal-wolf : noble wolf (Adolph) [⚡] Átos

English KLN; AHD

Adolph

Indo-European POK:1140

Wel 3 : to turn, roll

Avestan POK:1140

var 3 : turn, time (as in one time)
varemi, varamiš : wave
varanavaity : covered

Persian POK:1140; SNS:98; MON:511; SOD:411

bâr 2 : time (as in two times), it also refers
to time of admission as in the following words:

بار ۲ (چند بار)

darbâr : court

در بار (بارعام ، بار خدا)

barm : pool, pond, wave

بَرم

عنان را بپیچید بر دست راست - یزد باریگر بران سو که خواست

Ferdowsī

Avestan POK:1140

-var 4 : similar to, like
var 5 : ceremony

Persian BQT:1137

vâr 2 : like

- وار ۲

شلوار ، سزاوار ، شاهوار ، دیوانه وار

ham-vâr : like each other, even [⚡] Sem 1

هموار

vâr 3 : a custom or ceremony

وار ۳

وار آذر گذشت و شعله آن - شعله لاله را زمان آمد

Rūdakī

Pahlavi

HRN:241; BQT:2373

varišn : conduct,
way of living

Germanic AHD

wel : willow tree (bending branches)
welk : walk
wall : rolling water, a cavity, wallet

English

willow
walk
well 2 : water well
wallet

Latin AHD

volvere : to roll, make cavity
vallēs : valley

English

revolve, involve, evolution,
valve, vault, volume, valley

Greek AHD

hel-ix

English

helix

Welâ

see root: Wel 2

Indo-European POK:1146

Wem : to spit, vomit

Avestan POK:1146; KLN:1722

vam : to spit, vomit

Pahlavi POK:1146; HRN:296

vâmitan : to vomit
vâtâk : saliva

Latin AHD

vomere : to vomit

English

vomit

Indo-European POK:1146; OEW:434

Wen : to wish, desireThis root has derivative related
to sexual or hunting desires

PART 1

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Avestan POK:1146; KLN:1697

vanaiti : he wishes
vantar : victorious
vayeiti 1 : he hunts
vîtar 2 : pursuer
vyâna 2 : pursued
vâti : persecution

Pahlavi POK:1146

vânîtan : to be victorious

Avestan WLD1:259

vanâ : woods, tree
(hunting place)
OEW:434 explains that Indian
hunters used to trade animal
skins under "banyan" trees.

Pahlavi WLD1:259

van : tree

Persian WLD1:259; AEF:287

van : tree
bon 2 (ban) : tree, tree stump
سروبن ، گلبن ، خاربن ، نارون ، ناروان
یکی گفت زیشان که ای سرو بن
نگر تا نداند کسی این سخن
Ferdowsî

Avestan AEF:291

vana-vaxša : grown in the woods,
wild pansy, violet Aug

Pahlavi AEF:291

vana-vašak : pansy, violet
HUB:33 doubts this derivation

Persian AEF:291

banafšeh : pansy
banafsh : violet, blue
هر روز که روی لاله شب‌نم گیرد
بالای بنفشه در چمن خم گیرد
Khayyâm

Avestan / Old Persian KNT:260

van : overpower, win

Sanskrit OEW:434; AHD:1549; WLD1:259

vanîja : Hindu trader of animal skins (obtained from hunting)
vana : forest, trees (place of hunting or trading animal skins)

English AHD:104

banian : Hindu trader
banyan : a large type of
tree in tropical India

PART 2

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Indo-European POK:1146; OEW:434

Wen : to wish, desireThis root has derivative related
to sexual or hunting desires

Latin AHD

vener : to love
 venus : love
 venēnum : love potion
 venetī : beloved people
 (of Venice)

French

Venus
 Venezia : (through Italian)
 Vennezuēla : little Venice
 (through Spanish)

Persian MON6:2222,2223

Venūs : Venus ونوس
 Venīz : Venice ونیز
 Venezūelā : Venezuela ونزوئلا

English

venereal, Venus
 venom, Venice

Germanic AHD

winnan : seek to gain, overpower, win
 wunsk : desire

English

win
 wish

Latin KLN:1697

vēnārī : to hunt

English KLN:1697

venery : hunting

Indo-European KLN:1697

Wedh : to lead

Avestan KLN:1687

vadū 2 : to lead
 vādayeiti : leads

Indo-European POK:1149

Wep : to throw, spray ?

Avestan POK:1149

vafra : snow

Pahlavi POK:1149

vafr

Persian POK:1149; AEF:258

barf : snow برف

به برفاب رحمت مکن بر خسیس
 چو کردی مکافات بر یخ نویس

Sa'df

Sogdian SOD:401

wfr : snow

Sanskrit POK:1149

vapati : throws

Latin POK:1149

veprēs : a kind of bushy plant

Weqw

see root: Wekw

Wer 1 | Wer 2

Indo-European POK:1162

Wer 1 : to speak

Avestan POK:1162; KLN:1751; SYN:1254

ver 2 : to decide, command
verāta, urvata, vrvata, varah, wrvāta
upa-var : in belief ^U Upo

Persian MON:4995; BQT:230

var : tests, such as passing through fire, used
to judge the innocence of a defendant

bāvar : believing as true

See root "Wel 1" for another possible root of "bāvar"

وَر

باور

Germanic AHD

wurdam : word

English

word

Latin AHD

verbum : word

English

verb, adverb, proverb

Greek AHD

eirein : to say

English

irony

Indo-European POK:1142-1157

Wer 2 : to turn, bend

**Werb, Werg 3, Wermi,
Kwermi, Werp, Wert, Wrei**

PART 1

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Avestan / Old Persian

KLN:1703; ISS:223; KNT:207

varet, wars, vart : to turn
ni-vart : roll down ^{Ni} 1

Persian HRN:198,201; BQT:1820,1787; BLY:75

gardidan : to turn

گردیدن
گردش، گشتن، گشتن، گرد، جهانگرد
گردانیدن، گردان، گردون، گردونه
گردن (گردنه، گردنکش)
بفرمود تا گاو و گردون برند - سراپرده از شهر بیرون برند
Ferdows†

Persian HRN:198, 201; BQT:1820, 1787

gerd : round

gerdū : walnut

gard : dust, makeup powder

Ferdows†

گرد ۲
گردو
گرد ۳ (گرده)
زگرده به رخ بر نگارش نمود - جز آرایش کرد گارش نمود

Persian HRN:235; BQT:2186

vardaneh : rolling pin

navardīdan : to roll, travel

Ferdows†

وَرَدَنَه
نوردیدن (نورد)
دریانورد، کوهنورد
بر این باره گامزن برنشین - که زیر تو اندر نوردد زمین

Sogdian SOD:176

gwrtdq : kidney

Avestan POK:1157

verdeka, veredka : kidney
(because of its round shape)

Pahlavi MON:3255

gurtak : kidney

Persian MON:3255

gordeh : kidney

گرده

PART 2

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Indo-European POK:1142-1157

Wer 2 : to turn, bend

Werb, Werg 3, Wermi, Kwermi, Werp, Wert, Wrei

Sanskrit POK:1154

varj : to turn around

Persian BQT:258,2273; HRN:242

varġ : a dam made to turn water around

ورغ (برغ، برغاب)
دل برد و مرا نیز بمردم نشمرد - گفتارچه سوداست که ورغ آب ببرد
Farrokhi

Avestan KLN:1752,1755; POK

urvisyeiti : turns

varep : to mark

a-vareta : a valuable object

Latin AHD

vetere : to turn

vergere : to turn

vermis : worm

French

vermicelle

Persian MON:5011

vermišel : vermicelli

ورمیشل

English AHD

adverse, anniversary, convert, divert, invert, version, versus, universe, university, vertebra, vice-versa, vertical, transverse, verse, verge, vermicelli, vermoult

Avestan / Old Persian POK:649

kermi, kerma, karem : worm

Persian BQT:1625

kerm : worm

کرم

Sanskrit POK:649

krmi : worm

krmi-ja : made from worms (a red dye) ^{Gene 1}

Persian MON:2663

qermez : red

قرمز

Sogdian SOD:203

kyrm : worm, snake

Arabic BQT:1527

qermez : red

English AHD:205,303

kermes, carmine, crimson

Indo-European IEC:1596

Wropal : club, mace

Persian IEC:1596; MON:3109

kūpāl : mace, club

کوپال (گوپال)
وزوباد بر سام نیرم درود - خداوند شمشیر و کوپال و خود
Ferdowsi

Greek IEC:1596; DEW:435; POK:1156

rhopalon : club, mace

Indo-European POK:1116; IEC:1599

Wer 3 : to cover

Werg 2, Wreg 2, Wrg : to enclose, constrict

Avestan / Old Persian

POK:1116; AEF:212; KNT:207; SPG:230

var 6, vara 2, vâra 2 : cover, wall

vardana, paru-zana : walled-in area, city

Persian BQT:216, 254, 1473

vâr 1 : wall

وار - ۴

bâru : castle wall

بارو (باره)

barzan : suburb, street

بَرزن

سر باره دژ بُد اندر هوا - ندیدند جنگ هوا کس روا
Ferðowsî

Avestan / Old Persian

POK:1116; AEF:268

dēǰa-vâra : clay wall Dheigh

fra-vârna, upairi-vâra : with walls
around or cover over Per 1 & Upo

pairi-vâra : walled around, barn Per 1

paiti-vâra : castle (defense) wall Per 3

Persian BQT:391,1473; AEF:268

dîvâr : "clay wall"

دیوار

farvâr : a summer house

فَروار (فرواره، پرواره)

with doors or windows on all sides

parvâr : barn, barn raised animal,
fat animal

پروار

آن کن که درین وقت همی کردی هر سال
خز پوش و به کاشانه رو از صفه و فروار
Rūdakî

Avestan / Old Persian BQT:1476,1478

fra-var, fra-vahr, fravaši : a protecting angel Per 1

fra-var-tinam : descent of holy spirits

Pahlavi BQT

farvahr : a guarding angel

farvartin : the month of
"Farvahr"

Persian BQT:1476-1478

Farvahr : a protecting angel

فَرَوَهَر

Farvardîn : the first month of year

فروردین (فردین)

Avestan POK:1116

varethra : defender,

also name of a demon

varethra-jan, varethra-ǰam :

demon killer Gwhen 2

Pahlavi BQT:324

varhrām : victorious

Persian

vahrām : victorious

وهرام

bahrām : "demon killer",

بهرام

a male name

Persian IEC:1599; MON:3505

gijj : dizzy, dumb

گیج

گفتگو بسیار گشت و خلق گیج - در سر و پایان این چرخ بسیج
Molavî

Latin AHD

op-erire : to cover Epi

ap-erire : to uncover, open Apo

English

cover

aperture

Germanic AHD

war-n

English

warn

Wer 4

see root: Wed

Indo-European POK:1166

Wer 5 : to burn

Russian POK:1166; AHD:1148

varit: to boil, cook

samo-variti, samo-war: self boiler used for boiling water ^{FC} Sem 1

Persian MON:1918

samâvar: "self boiler"

سماور

Indo-European POK:1150; IEC:1347; WLD1:264

Wer 6, Swer : to bind, hang on the scale, heavy

Avestan IEC:1347

xwâiris: blame, weight

Persian IEC:1348

xwâr: indigent, low in value

خوار

See root "Ēter" for a different derivation

Latin AHD:1549

sērius: grave, serious

English AHD

serious

Greek IEC:1347; AHD:1150

aeirein: to raise

arteria: artery

AHD is not sure of this derivation

English AHD

aorta, artery, meteor

French

aorte

Persian VOP:1

â'ort: aorta

آئورت

Indo-European IEC:1577; POK:1151

Wer 6, Werd : raised point

Wordos, Worda, Wordia : wart, frog

Persian IEC:1577; MON:467; FRS:201

bâlû: wart

بالو، پالو

Shâker Bokhârî

ای عشق ز من دور که بر دل همه رنجی - همچو زبر چشم یکی محکم بالو

Germanic POK:1151

war, wartôn: wart

English AHD

wart, warble

Latin POK:1151; IEC:1577

verrûka: wart

English AHD

verruca

Werb

see root: Wer 2

Werd

see root: Wer 6

Werdh

see root: Ered

Weredh

see root: Ered

Indo-European 📖 POK:1170

Weren : *lamb*

Avestan / Old Persian 📖 POK:1170

varnak : *lamb*

Pahlavi 📖 POK:1170; BQT:268

varrak : *lamb*

vâra-ğna, vâre-ğna, vâren-žar, varâğ : *lamb*

killer (referred to falcon or crow) 🦅 Gwhen 2

Sogdian 📖 SOD:398

w`rğn`k : *falcon*

Persian

📖 BQT; POK:1170; HRN:192; SOD:398

barreh : *lamb*

برّه

varğeneh : *falcon*

ورغنه

kalâğ : *crow*

کلاغ

Indo-European POK:1168

Werg 1 : to work

Avestan

POK:1168; KLN:1751; SYN:537

vareza : work

Persian

BQT:254,2268; MON:5002

varzîdan : to work

ورزیدن (ورزده ، ورزنده ، ورزیده)

barz, varz : work, farming

برز ، برز

barz-gar : farmer

برزگر (ورزگر ، ورزکار)

varzâv : strong cow

ورزاو (ورزا ، ورزو)

varzeš 1 : activity, farming, occupation, sports

ورزش

شما دیر مانید و خُرم بزیّد - به رامش سوی ورزش خود شوید
Ferdowsi

Old Persian KNT:207

vard : work

Greek AHD

organon : tool

Arabic MON:203

Persian BQT:106; MON:203

arghanûn

ارغنون

French AHD:296

Persian MON:205

org : organ

آرگ

English AHD:926

organ, organon

Middle German KLN:209; AHD:155

bolwerk : fortification work

French

Persian MON

bolvâr (بولوار)

English AHD:155

boulevard

Germanic AHD

werkam : work

English

work

Greek AHD

ergon : work

French

Persian MON

انرژی ، متالورژی ، آلرژی

English

argon, energy, allergy, metallurgy, surgery, George

Werg 2

see root: Wer 3

Werg 3

see root: Wer 2

Wermi

see root: Wer 2

Werp

see root: Wer 2

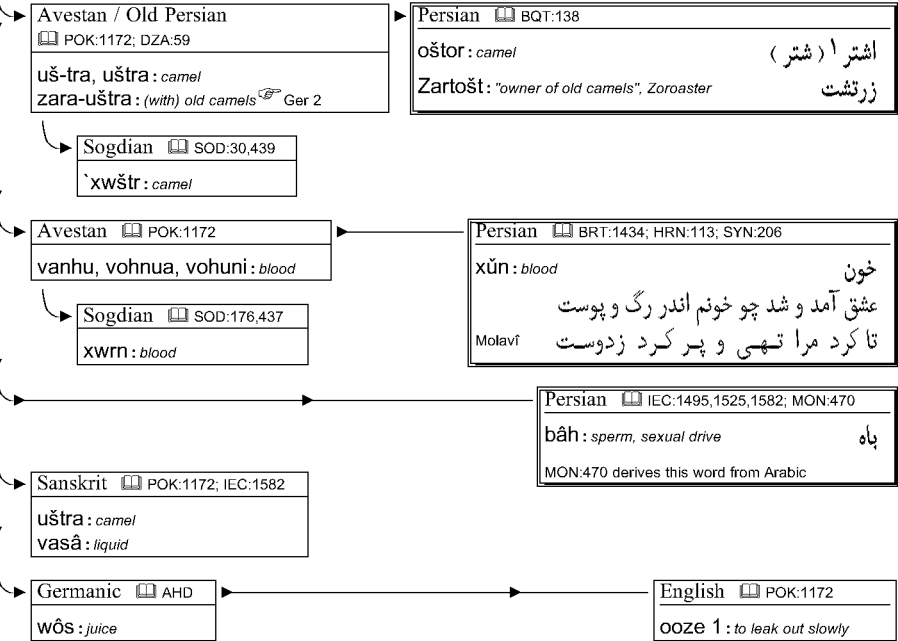
Wert

see root: Wer 2

Wes 1 | Wes 2

Indo-European POK:1171,1172; IEC:1582

Wes 1, Wesâ, Wâs, Wôs, Wôsos : wet, also male animal



Wes 2

see root: Aus 2

Indo-European POK:1172

Wes 3, Ew-es, Eu-es : to wear, put on

Avestan POK:1172; KNT:219

vastra 1, vasta 1 : clothing
 vaste, vašaiti, aothra,
 vah, vahna, vanhna : cover

Sanskrit POK:1172

vasman, vasana : roof, cover

Old Persian

HUB:32; AEF:305

vahāna : cover

Pahlavi HUB:32

vahānak : hidden reason, excuse

Persian AEF:230

bām 2 : shelter, house, roof

بام ۲ (بان ۲)

bānū : house lady

بانو

سرفرو کن یک دمی از بان چرخ - تا زرم من چرخها بر سان چرخ

Mōlavi

HUB:25 does not agree with this derivation of "bānū".

Persian AEF:305

bahāneh : excuse

بهانه

Avestan / Old Persian BRT:904; AEF:410; KLN:1223; KNT:196

apa-vasta, pavasta, pastō : outer cover, skin, bark ^{Per} Apo

Pahlavi SNS:410; SNS:139

pōst : skin, bark, cover

Sogdian SOD:331

pwst : skin

pwst'k : writing tablet

Persian BQT:427; AEF:410; MON:830

pūst : skin, hide

پوست (پوسته، پوستین)

بگو آن سخن ها که سود اندر دست

Ferdowsi

سخن گفته مغز است و نا گفته پوست

Avestan BRT:904; AEF:410

pastō-fratha : as wide as the skin gets ^{Per} 1

Germanic AHD

wazjan : to wear

English

wear

Latin AHD

vestis : garment

English AHD

vest, divest, invest

Indo-European POK:1171; WLD1:307

Wes 4 : eat, feed

Compare with "Ed to eat".

Avestan POK:1171; WLD1:307

vastra 2, vāstra 2 : food, feed,
 fodder, also a lining and cover

Pahlavi SNS:260

vāstr : farm, meadow

vastruš : farmer

Persian SNS:260; MON:4946

vāstar : meadow, farm

واستر

vāstriuš : farmer

واستریوش

The relationship of the Persian word
 "vās:wheat" to these words is not clear

Wes 5 | Wet

Indo-European 📖 POK:1173; OEW:440; AEF:302

Wes 5 : *to buy*

Wes-no : *buying price, value*

Wesn : *sell*

Veso, Vêno, Vesno

Pahlavi 📖 AEF:302

vah-âk : *value*

Persian 📖 AEF:302; FSF:91

bahâ : *value*

bahâ-gîr : *valuable*

Ferdowsî

بها
بهاگیر
جهاندار بنشست بر تخت عاج - بیاوختند آن بهاگیر تاج

Latin 📖 AHD:1550; OEW:440

věnum : *sale*

ven-dere : *to sell*

English 📖 OEW:440

vend, vendor

Wesâ

see root: Wes 1

Wesn

see root: Wes 5

Wes-no

see root: Wes 5

We-spero

see root: Au 2

Wesr

see root: Aus 2

Wesu

see root: Su 1

Indo-European 📖 POK:1175; OEW:441

Wet : *year, also referring to things with few years (young) or many years (old)*

Iranian 📖 HRN:43

vasa : *one year old, young child*

Pahlavi 📖 HRN:43; HUB:26

vhat-čak, cačak : *one year old, child*

Persian 📖 BQT:237; HRN:26

bačeh : *child, baby*

بچه

Sanskrit 📖 SKT:592

vasta : *young*

Latin 📖 OEW:441; AHD

vitulus : *having few years, young cow, calf*

vetus : *having many years, old*

veterinus : *old cattle*

English 📖 AHD

veal
veteran
veterinary

Indo-European POK:1175,1176

Wi : part, apart

PART 1

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Avestan / Old Persian POK:1175; KNT:204

wi, vî 2, vi 3 : apart, away, opposite

Avestan HRN:205

vî-čira, vîčâra : to judge Kwer

wi-čâr : to move, do Kwer

Pahlavi FFD:73

vičir : judge

wi-zârišn : to do, to translate

Arabic KLN:1718

vazîr

Persian BQT:1809,2258; MON:4988

vačar : judgment

vačargar : judge

gozârdan : to translate

وچر
وچرگر
گزاردن
گزارش، ناگزیر
بوسه و نظرت حلال باشد، باری
حجت دارم بر این سخن ز وچرگر
Labîf

Persian BQT:2279

vazîr : minister

Avestan HRN:205

vi-stâr : to spread out Ster 1

vi-stâka : to stand against, rude Stâ

vi-saëd : to cut off Sek

vi-šâ, vi-sâ, vi-hây : to open Sâ 1

Persian BQT:1800,1816,1818

gostardan (گسترش، بستر) گستردن

gostâx : "(one who) stands against" گستاخ

gosastan : "cut apart" (گیختن، گسیل) گستن

gošâdan گشادن

Avestan HUB:95

vi-mad : to cure Me

vi-radh, vi-raiti : to set separate, edit Ar

vi-manah : think apart, guess Men 1

vi-mar : to designate Mer 1

Persian BQT:437,834

bîmâr بیمار

vîrâstan : "to set apart", edit ویراستن (ویراستار)

gomân : "think apart", guess گمان

gomârdan : "to designate" (گماشتن، گماشته) گماردن

Avestan POK:1176; HRN:199,203

vi-kâs : see apart Kwek

vi-raeč : run away Leigh 2

vi-saiti : (two) separate tens Dekm

vi-tar : to go further, cross Ter 1

Persian BQT:1776,1778,1806

govâh (گواهینامه) گواه

gorixtan : run away (گریز) گریختن

bîst : two "separate" tens بیست

gozaštan (گذاشتن، گذاردن) گذشتن

گذر، گذار، گذار، گذرنامه

Avestan NYB:217; FFD:75

vi-čay, vi-kay : choose apart Kwei 2

vi-žainti : to hit against, harm Gwhen 2

vi-maik : mix different things Meig

Persian BQT:1813,1835; FFD:75

gozîdan : "choose apart" (گزینش، برگزیدن) گزیدن^۱gazîdan : "hit against" (گزند) گزیدن^۲

gomîxtan : "mix different things" (گمیز) گمیختن

Indo-European  POK:1175,1176**Wi** : *part, apart*

PART 2

SEE OTHER PART(S) FOR MORE DERIVATIVES

Avestan / Old Persian  POK:1175; KNT:204wī, vī 2, vī 3 : *apart, away, opposite*Avestan  NYB:217; FFD:75vi-vačah : *to speak against* Wekwvi-taxtī : *melt apart*  Dhoghvi-kar : *to digest*  KwerPersian  BQT:1813,1835; FFD:75govâžidan : *"to speak against"*

گواژیدن (گواژه)

godâxtan : *"to melt apart"*

گداختن (گدازیدن، گدازه)

govârdan : *to digest*

گواردن (گوارا، گوارش)

گواژه که خندانمندت کند - سرانجام بادوست جنگ افکند
AbūšakūrAvestan  POK:1175viš 3, vīt : *apart, away, opposite*Avestan  POK:1176; KNT:208viš-patha : *all around*viš-pat : *depart*višpa : *all*višpa-dahyu : *all provinces*  DhīsAvestan  POK:1176; KNT:208; SOD:73vītarem : *sideways*vītara : *further, later, tomorrow, morning*vīthra : *separate*ōithara : *lonely*Old Persian  KNT:208visa, vispa : *all*Sogdian  SOD:73`wc`q : *tomorrow*`yw-wšy : *lonely*Germanic  AHD; KLN:1748withro : *apart with*

English

with

Indo-European  KLN:1743**Wi-itos** : *to go apart (wide)*  Ei

Germanic

wīdaz : *wide*

English

wide

Wid

see root: Weid

Wi-itos

see root: Wi

Win

see root: Woin

Wiros

see root: Wei 2

Wlkwo

see root: Wel 2

Wlnâ

see root: Wel 2

Wlp

see root: Wel 2

Woid

see root: Weid

Indo-European

AHD:1547; ROE:265

Woin, Win

: wine

This is probably a Mediterranean word.

Persian

FVF:695; AFM:159; BQT:2302; FSF:341

vîn

: black grape, color, vineyard (world ?)

Ferdowsî

وین

اگر زندگانی بود دیر یاز - براین وین خرم بمانم دراز

Latin

AHD:1547

vînum

: wine

vînum-acer

: sharp (sour) wine, vinegar

Ak

vinea

: vine

English

AHD

wine, vinegar, vine

Wokso

see root: Weg 1

Wolko

see root: Wel 2

Wopsâ

see root: Webh

Worda

see root: Wer 6

Wordia

see root: Wer 6

Wordos

see root: Wer 6

Wôs

see root: Wes 1

Wôsos

see root: Wes 1

Indo-European KLN:1357; SYN:527

Wrdho, Wrod : *thorn, flower*

Avestan / Old Iranian KLN:1357; BQT:1822

wrda, varedha : *rose*

suxra-varð : *red rose, town near Tehran* Keuk 1

Pahlavi

vardâ, vard, vart

Persian MON:5000; AHD:1550; SYN:527

vard : *rose*

وَرْد

sohrvard : *red rose, name of a town*

سُهرورد

Khâqânî نیست درموکب جهان مردی - نیست بر گلبن وفا وِردی

Persian BQT:2290; IRN:129

val, vel, vol : *flower, rose*

وَل ، وِل ، وُل

valgūneh : *(red cheeks), facial powder*

ولگونه ، والگونه

Bâbâ Tâher

مسلسل زلف بر رو ریسته دیری - وُل و سنبل بهم آمیته دیری

This pronunciation change took place in early Aškânî era.

Persian SKT:454; AHD:129,1550

gol : *flower*

گُل (گلاب)

Hâfez در کار گلاب و گُل حکم ازلی این بود - کان شاهد بازاری وین پرده نشین باشد

Arabic PLA:88

julâb : *rosewater*

English AHD

julep Ab 1

Greek

SYN:527; KLN:1357;

rhodon : *rose*

Latin

rosa

French

Persian MON:1647

roz : *a rose*

رُز ۲

Sogdian SOD:411

wrð : *rose*

English

rose

Indo-European  POK:1181**Wreg 1** : *to push, drive*Sanskrit  POK:1181vrâj : *to walk, go*Persian  HRN:200; BQT:1781gorâzîdan : *to walk proudly, stride*Ferdowsî گرازیدن
نوازشنده بلبل به باغ اندرون - گرازنده آهو به راغ اندرونGermanic  AHDwrekjan : *wreck*wrakjo : *exile*French  KLN:640,642garçon : *waiter*garcette : *waitress*Persian  MON:3164

gârson

گارسن

English

gasket

Latin  AHDurgere : *to urge*

English

urge

Wreg 2

see root: Wer 3

Wrei

see root: Wer 2

Wrg

see root: Wer 3

Wrod

see root: Wrldho

Wropal

see root: Wer 2

Arabic  KLN:1000**W.s.m** : *to mark*Arabic  KLN:1000wasama : *he marked*mousim : *marking
of the year, season*Persian  FVA:430; MON:5026vasm : *mark, brand*

وسم

vasmeh : *eyebrow makeup, the plant used in producing it*

وسمه

semat : *marking, rank, position*

سِمَت

mowsem : *season*

موسم

کس نتواند گرفت دامن دولت بزور
کوشش بیفایده است وسمه بر ابروی کور

Sa' dî

Portuguese

 KLN:1000; AHD:850monção : *season*

Dutch

 KLN:1000; AHD:850monssoen : *seasonal
winds (obsolete)*

English

 KLN:1000; AHD:850; OXF:269monsoon : *the seasonal
winds of the Indian ocean*

X

Sanskrit 𑀧𑁆𑀭 SYN:620

Xac 1 : *shine through*

Sanskrit 𑀧𑁆𑀭 SYN:620; BQT:1556

kāca : *glass, pearl*

Persian 𐭠𐭮𐭲 MON:2834 BQT:1556,1568

kāč : *glass, pearl*kāčī : *a thin glazed tile*کاچ
کاچی (کاشی)**Xăc 2**

see root: Khăc

Indo-Schythian 𑀧𑁆𑀭 ISS:60

Xad : *to beat, to wound***Xasta** : *beaten*

Avestan 𑀧𑁆𑀭 ISS:60; FFD:50

vi-xada : *beaten*xad 2, xas : *to tear, beat*

Pahlavi 𑀧𑁆𑀭 ISS:60

xvastan : *to beat*xastak : *beaten*

Persian 𐭠𐭮𐭲 ISS:60; BQT:747

xastan : *to beat*xasteh : *beaten, tired*خاستن
خسته

Pahlavi 𑀧𑁆𑀭 BQT:701

Xāk : *dust, soil, earth*

Persian 𐭠𐭮𐭲 MON:1390

xāk : *dust, earth, country*

خاک (خاکی, خاک انداز)

خاکبیز, خاکدان, خاکسار, خاکستر

مرغ باغ ملکوتم نیم از عالم خاک - دو سه روزی قفسی ساخته اند از بدنم
Nezāmī

Hindustani 𑀧𑁆𑀭 AHD:719; KLN:844

xākī, khaki

English 𑀧𑁆𑀭 AHD:719; KLN:844

khaki : *dust-colored (clothes)*

Chinese 𐎠 SIN:552

Xalen : birch tree, birch wood

A common tree in north China and Tabarestân.

The artifacts from this wood were exported to Iran.

Altaic 𐎠 SIN:553

Persian 𐎠 SIN:553; BQT:719; FSF:158

xadang : hard wood, arrow made of this wood

خندنگ

Ferdowsî

کمان کیانی گرفتم به چنگ - به پیکان پولاد و تیر خندنگ

Xartēs

see root: Čartēs

Xasta

see root: Xad

Avestan / Old Persian 𐎠 FFD:35

Xšad : to forgive

Avestan / Old Persian 𐎠 FFD:35

apa-xšad-a : to forgive 𐎠 Apo

Pahlavi 𐎠 FFD:35

abaxšay, abaxšâyîd

Persian 𐎠 FFD:35

baxšîdan : to forgive

بخشیدن

بخشای , بخشاینده , بخشنده , بخشایش

Due to the similarity in sounds / meanings of "baxšûdan: to forgive" and "baxšîdan: to give", these words are often confused with each other.

Xšaivan

see root: Xšî 1

Old Iranian 𐎠 BLY:75

Xšarta : to press, squeeze

Pahlavi 𐎠 BLY:75; PHD:5

afsârtan, asšârdan : to squeeze

Persian 𐎠 BLY:75

afšârdan : squeeze, crush

افشاردن (افشردن، فشردن)

fešâr : pressure

فشار

afšoreh : juice (squeezed out of a fruit)

افشره

Avestan / Old Persian 𐎠 BQT:1329

Xšî 1 : grief, poverty**Xšaivan** : grief, crying

Pahlavi

šēvan : crying

Persian 𐎠 BQT:1329

šîvan : crying

شیون

Sogdian 𐭪𐭥 SOD:28

Ṭṣṣnk : *nice*

Sogdian 𐭪𐭥 SOD:28

gašṣnaka : *nice*

Persian 𐭪𐭥 SOD:28; MON

qašang : *beautiful*

قشنگ

زی فرنگستان سه کرت شاه ایران راند خنگ

Bahār خواست تا ایران شود همچون فرنگستان قشنگ

Avestan 𐭪𐭥 SNS:59; HRN:110

Xvaini : *cover, carpet*

Pahlavi 𐭪𐭥 HRN:110; AEF:640

xvân : *table cloth, food table*

Hubshmán does not agree

with this derivation

Persian 𐭪𐭥 BQT:783

xân : *food table, table cloth*

خوان^۱ (خوانچه)

آدیم زمین ، سفره عام اوست

Sa'dī

چه دشمن بر این خوان یغما، چه دوست

Y

Indo-European 📖 POK:501

Yâ, lâ 2 : to be aroused

Avestan

📖 POK:501

yâ-tu : magic

yâsâ : wish

Pahlavi

📖 BQT:553,2419

žâtūk : magic

yâsak : wish

Persian

📖 BQT:553,2419; HRN:92; HUB:107; ARP:218

jâdû : magic

yâseh : wish

Compare with the root "Ei" from which the Sanskrit word "jadoo:sorcery" is derived.

جادو

ياسه

Greek

📖 AHD

zēlos : zeal

English

zeal, jealous

Yâ 3

see root: Yah 5

Indo-European 📖 POK:501

Yag, lag : to worship

Avestan

📖 POK:501; HRN:95,252; KLN:1759; ZAW:38

yaz : to worship

yazatanam : God

yesnya : worship

mazda-yasna : God worshiper [☞] Men 1yazato-kerata : God's creation [☞] Kwer

Persian

📖 BQT:752,2432; ETM:64

īzad

yasnâ : worship ceremony

jašn : celebration

Yazdgerd : "God's creation"

ایزد (یزدان ، یزد)

یسنا (مزدیسنا)

جشن

یزدگرد

Greek

📖 AHD

hagnos : sacred, holy

English

Agnus

Avestan 📖 POK:521,618,699,708,800

Yah 5, Yâ 3 : comparative suffix

Avestan

📖 POK:521,618,699,708,800; KLN:371,958; SYN:880

maz-yah, mathi-yah : greater [☞] Megmas-yah, mas-yâ 2 [☞] Mākfrâ-yah : more plentiful [☞] Pel 1kas-yah : smaller [☞] Kak 3sra-yah : better [☞] Krei

Yârah | Yâvarenâ

Semitic / Hebrew 📖 KLN:828

Yârah : *he threw, cast*

Hebrew 📖 KLN:828

yârah, yerû : *foundation, base, city*
yerû-šâla'yim : *city of peace* 🌀 S.I.m

Persian 📖 MON5:195; IRN:28

Ūršalîm : *"city of peace", Jerusalem*

Ūrmîyeh : *"city of water", a city north of Iran*

اورشليم

اورميه

English 📖 KLN:828

Jerusalem

Arabic 📖 ARB:32

al-avâra : *place, location*

Hebrew 📖 BQT:2434; KLN:826

Yâšfa, Yâšfeh : *an opaque variety of quartz*

Arabic 📖 BQT:2434

yašb : *a kind of quartz*

Persian 📖 BQT:2434

yašm : *a grayish green quartz*

یشم (یشپ ، یشمی)

Greek 📖 KLN:826

iaspis

Latin 📖 KLN:826

iaspis

Old French 📖 KLN:826

jaspe, jaspre

Middle English 📖 KLN:826

iaspre, jaspre

English 📖 KLN:826

jasper 2 : *a kind of quartz*

Yâšfeh

see root: Yâšfa

Indo-Schythian 📖 ISS:91

Yau : *move, movement*

Gyûna : *gait (of a lion or horse)*

Old Persian 📖 ISS:91; KNT:204

yauviya : *channel (to move water)*

Pahlavi

📖 BQT:602

yôî, jôî : *stream*

Persian 📖 ISS:91; BQT:602

jû : *stream*

جو ا، جوی ا، جوب

jûy-bâr : *river bank* 🌀 Per 2

جوببار

بوی جوی مولیان آید همی

Rûdakî

یاد یار مهر بان آید همی

Avestan 📖 ISS:91

yaona : *movement*

Sogdian 📖 SOD:450

ywn : *place*

Avestan 📖 HRN:252

Yâvarenâ : *a stone or tool for beating and crushing grains*

Persian 📖 BQT:2422

yâvar : *stone or other objects used for crushing grains*

یاور

Nazâfî Qahestânî

قدر از سر گرز او ساخت یاور - قضا از سر خصم او کرد هاون

Egyptian 📖 KLN:507,821; AHD:423

Yb, Âbu : *elephant, ivory***Elu, Elu-ephas** : *elephant*

These words had appeared in the Hamitic (old Egyptian) language

Old Persian 📖 KNT:197; PLA:214

piru : *ivory*

Aramaic 📖 MON:953

p-ila, pūla, pīlā : *elephant*

Hebrew 📖 KLN:507

el-eph : *ox, elephant*p-īl : *elephant*yēbh : *elephant*

Greek 📖 AHD:423; SYN:189

el : *Indian elephant*elephas : *elephant*

WEB & FSD suggest that these words may have been taken through Hebrew "eleph: ox"

Latin 📖 AHD:697; KLN:821

ebur : *ivory*eboreus : *made of ivory*

Persian 📖 PLA:214; BQT:446; MON:953; KLN:507

pīl : *elephant*pīl-ās : "elephant's bone", *ivory* [👉] Ost

Ferdowsī

چو شب تیره شد پهلوان سپاه - به پیلان آسوده بر بست راه

پیل (فیل)

پیل‌اس (پیلسته)

Latin 📖 KNT:507; AHD:423

elephantus : *elephant*

English 📖 AHD; KLN

elephant

Latin 📖 KLN:507

elephantum : *ivory (principal) letters*elementum : *principal*

English

AHD; KLN:507

element

Old French 📖 KLN:821

ivurie

English 📖 KLN:821

ivory

Yë

see root: Ei

Indo-European 📖 POK:504

Yekwer : *liver*

Avestan 📖 POK:504

yākara : *liver*

Pahlavi 📖 SNS:317

jakar, jagar : *liver*

Persian 📖 BQT:579; POK:504

jegar : *liver*jegar-band : *a dear person, child*

Ferdowsī

بیايد پس آنگاه فرزندان من - ببسته میان را جگر بند من

جگر

جگر بند

Latin 📖 AHD

gigeria : *bird's stomach*

English

gizzard

Greek 📖 AHD

heepar : *liver*

English

heparin, hepatic

Latin 📖 AHD

jecur : *liver*

English 📖 KLN:827

jecoral

Yelek

see root: Ijlak

Yem | Yes

Indo-European 📖 POK:505

Yem : *restrain, hold together (pair)*

Avestan 📖 KLN:1763; BRT:1301; IRN:5

yemô, yemâ, yîma : *twin, also a king.*

yima-xšaetem : *brilliant king, title of king Jamšîd* 🌀 Ksei 2

King Jamšîd had a twin sister who was nicknamed "Yimâ.twin".

Pahlavi 📖 BQT:587

yam : *king*

yam-šît : *shining king*

Persian 📖 BQT:587; MON:5:433; TZF:28

jam : *king*

Jamšîd : *"brilliant king", a male name*

ای عمارت را چو جمشید ای ولایت را چو جم
ای شجاعت را چو سهراب ای سیاست را چو سام
Farrokhi

Avestan 📖 POK:505

yata, yâta, ya 2 : *hold, keep, remember*

Pahlavi 📖 HRN:250

yât, âyât

Persian 📖 BQT:2412; SNS:85; TZF:22

yâd : *memory*

došyâd : *backbite* 🌀 Dus

یاد
دُشیاَد

Latin 📖 AHD; POK:505

geminus : *twin (stars)*

English

Gemini

Yero

see root: Ei

Indo-European 📖 POK:506

Yes : *to boil*

Avestan 📖 POK:506; KLN:1761

yah 3 : *to boil*

yaešyaiti : *boils*

Persian 📖 BQT:571

jastan : *to jump up*

jahîdan : *to jump up*

جستن
جهیدن

Greek 📖 KLN:1761; POK:506

zein, zeein : *to boil*

ek-zema : *boiling out (pimples), a skin disease*

French

eczema

Persian 📖 MON:331

ekzemâ : *eczema*

اکزما

Swedish 📖 AHD:1488

zeolit : *boiling stone, an aluminum silicate mineral*

French 📖 VOP:197

zeolite

Persian 📖 VOP:197

zeolyt : *a mineral*

زئولیت

English 📖 AHD

zeolite

Germanic 📖 AHD

jest : *yeast*

English

yeast

Indo-European POK:509

Yeu 1, Yeug : *to join*

Avestan BQT:577,1228,2458; POK:509

yaoj, yuj : *I harnessed*
yuxta : *harnessed, joined*

Persian

yūğ : *yoke*
joft : *pair (union)*یوغ
جفت

Greek POK:509; AHD; VDQ:346

zugon, zygos, sextarius : *yoke, arm of a pair of balances, scale*

Arabic VDQ:239

zawj : *yoke, pair, couple, spouse*
This apparently reached Arabic
through another language.

Persian FVA:180

ZOWj : *pair, even, spouse, couple*زوج
زوجه، تزویج، ازدواج، مزدوج

Arabic VDQ:346

qest : *balance,*
scale, justice

Persian MON:2674

qest : *justice, loan payment*qestâs : *balance, scale*

Khâqânî بقسطاسی بسنجم راز موبد - که جو سنگش بود قسطای لوقا

قسط (اقساط)
قسطاس

Germanic AHD

yukam

English

yoke

Sanskrit AHD

yuga : *yoke*
yoga : *union*

English

yoga

Latin AHD

jungere : *to join*
jugum : *yoke*
yugista : *nearby*

English

join
conjugate
adjust

Indo-European POK:510

Yeu 2, Yuwn, Yuwnkos, leu : *young*

Compare with root "Aiw: vitality"

Avestan POK:510; KLN:1764; HRN

yuvan, yvan : *young*

Persian BQT

javân : *young*

جوان

جوانی شمع ره کردم که جویم زندگانی را

Shahrîyâr نجستم زندگانی را و گم کردم جوانی را

Sanskrit KLN:1764

yavan : *young*
yuvasah : *youth*

Germanic AHD; KLN

juncaz, jungaz

English

young, youth, youngster

Latin AHD; KLN

juvenis : *young*
juvencus : *young man*
juvenca : *young woman*

English

junior, juvenile

Yeu 3 | Yewo

Indo-European  POK:507

Yeu 3 : *to mix, blend*

Sanskrit  POK:507

yuš : *juice, broth*
made by boiling in water

Persian  BQT:600; MON:1254

jūšīdan : *to boil* جوشیدن (جوش، جوشش)

Avestan  SOD:117

yaēš : *to boil*

Sogdian  SOD:117

byēš : *to boil*

Greek  AHD

zumē : *leaven*
en-zumē : *leavened*

French

ensyme : *enzyme*

Persian  AMD:57

ânzîm : *enzyme* آنزیم

English

enzyme

Latin  AHD

jūs : *juice*

English

juice

Indo-European  KLN:833; POK:512

yeu-dh : *shaken, active, fight*

yeug : *ready to fight*

Avestan

 KLN:833; POK:512; IEC:446

yaod, yaošti : *active, searching*
yaoz, yaozaiti : *search, fight*

Pahlavi

 BQT:571

jōyšn : *search*

Persian  BQT:571; FFD:47

jostan : *search* جستن (جویدن)
جو^۲، جوی^۲ (دانشجوی)

Persian  BQT:2457; MON:5272

yūz : *hunting dog, fighting*

yūzpalang : *a small fast leopard*  Pard یوزپلنگ

yūzīdan : *to be active, to search*

یوز یوزک یوزیدن
زهر طلایه یکی کینه توز - فرستاد بالشکری رزم یوز
Ferdowsi

yeu-dh

see root: Yeu 3

Yeu

see root: Yeu 1

yeug

see root: Yeu 3

Yewo

see root: leuo

Semitic 📖 KLN:164

Y.m.n : south, right hand (prosperous) side, prosperity

Arabic 📖 KLN:164

yamîn : right hand, south side,
fortunate and happy

Yemen : the southern country

maymûn : blessed, fortunate, monkey

Arabs used "maymûn" euphemistically
to denote the monkey whose sight is
supposed to bring misfortune.

Persian 📖 FVA:453

yomn : good fortune

Yaman : Yemen

meymûn, maymûn : monkey, blessed

يَمِين (ميمنت ، تيمَن)
يَمِين
ميمون
شد از فروغ رياحين چو آسمان روشن
زمين به اختر ميمون و طالع مسعود
Háfèz

Turkish 📖 PRT:413; KLN:164,997

maymûn : monkey

Italian 📖 KLN:997; PRT:413

monna : monkey

Several references, including AHD,
derive "mona" from "Moneke", name of
a monkey in a famous story in Europe.

Middle German

📖 KLN:997

meneke : ape

English

📖 KLN:997; PRT:413

monkey, mona

English 📖 KLN:1762

Yemen

Hebrew 📖 KLN:164

yâmîn : right hand

Ben-yâmin : son of
the right (fortunate)
side 📖 B.n.v

Persian 📖 MON5

Benyâmîn : Benjamin

بنيامين
چون نه يعقوبی و نه بن يامين - زين دعا نشنوی مگر آمين
Hadîqat-ol-Haqlqat

English 📖 KLN:164

Benjamin

Yôs | Yuwnkos

Indo-European POK:513

Yôs : *to gird, belt*

Avestan / Old Persian POK:513; KLN:1770; SYN:434

yâh 4 : *to put belt on*
yâhma : *cover, clothes*
yâsta, yâhæiti : *belted*

Pahlavi

HUB:49; HRN:93

yâmak : *clothes*

Persian BQT:556, 660

jâmeš : *clothes*

جامه

pâ-jâmeš : *pants, pajamas* Ped

پاجامه

jâmeš-dân : *suitcase* Dhë 2

جامه دان

Hindustani HJB:748

pâë-jâma

English AHD; KLN

pajamas

French ETM:63

Russian ETM:64

čamadan : *suitcase*

Persian MON:868,902

pîjâmeš

پی جامه

پیراما

Persian ETM:64

čamedân : *suitcase*

چمدان

Greek AHD

zônē : *girdle*
zonarion : *a girdle worn by non-Moslems to be identified*

Persian BQT:1033; MON

zonnâr : *belt worn by non-Moslems*

زَنَار

ای بر سر بازارت صد خرّقه به زَناری - وز روی تو در عالم هر روی به دیواری
Molavi

English

zone

Indo-European POK:513

Yu, lu, Ues : *you*

Avestan POK:513

yūš, yūšmat : *you*

Persian HRN:176; BQT:1291

šomâ : *you*

شما

Germanic AHD

jüz : *you*

English

you, your

Yuwn

see root: Yeu 2

Yuwnkos

see root: Yeu 2

Z

Arabic 📖 KLN:657; AHD:558

Zarâfah : giraffe

This word is of an African root.

Persian 📖 BQT:1009

zarrâfeh : giraffe (زرافه (زراف)

Italian 📖 KLN:657; AHD:558

giraffa

Note the "z" to "j, g" sound change in Italian.

French

📖 KLN:657

girafe

English 📖 KLN:657; AHD:558

giraffe

Avestan 📖 AHM:220

Zauša : raising a noise, being violent or bad tempered

Persian 📖 AHM:220; BQT:1044; MON:1762

zôš : talk loudly, be violent, a bad tempered person

زوش
بانگ کردمت ای بت سیمین - زوش خواندم ترا که هستی زوش

Rūdakī

Indo-Schythian 📖 ISS:16

Zay, Zi : to adorn

Āysan : to decorate

Persian 📖 ISS:16

zīb : beauty

زیب (زیبا)

zībīdan : to befit, deserve

زیبیدن (زمینده)

zīvar : ornament

زیور

Pahlavi 📖 ISS:16

dēpāk : a beautiful cloth, brocade

BQT:908 indicates that it may have come from Sanskrit "dīp.to shine".

Persian 📖 BQT:908

dībā : a colorful cloth

دِیبا

دیهه ، دیباج

در گنج دینار و پرمایه تاج - همان گوهر و دیبه و تخت و تاج
Ferdowsī

See root "Dei" for another possible derivation.

Sogdian 📖 ISS:16

zywr : ornament

Z.b.d | Zi

Arabic 📖 FVA:176

Z.b.d : to extract butter from milk (or foam from liquid)

Arabic 📖 FVA:176

zobd : butter or milk fat, best of anything
zobdeh : best of anything, skilled, talented
zabad : foam or froth on liquid

Persian 📖 MON:1722

zobdeh : milk fat, best of anything, talented
zabad : foam or froth on top of liquid

زَبَدِه
زَبَد

Arabic 📖 KLN:293

zabâd : musk cat and its foam like musk

Persian 📖 MON:1718

zabâd : musk cat and its musk

زَبَاد

Italian 📖 KLN:293

zibetto : musk cat
and its musk

French 📖 KLN:293

civette

English 📖 KLN:293; TYL:568

civet, zibet : musk cat and its musk

Zgwes

see root: Gwes

Semitic 📖 KLN:816

Z.h.k : he laughed

Arabic 📖 KLN:816

z.h.k, zahika : he laughed
mozhek : laughable, funny

Persian 📖 FVA:239

mozhek : funny

مُضَحَك

Hebrew 📖 KLN:816

tzâhaq : he laughed
Yitzhâq, Yišâq : he
laughs

Arabic

Persian 📖 AKM:31

Es-hâq : "he laughs", a biblical name

اسحاق (اسحق)

همچو جر جیس شود کشته عشقش صد بار
یا چو اسحاق شود بسمل از آن خنجر او

Molavî

Greek 📖 KLN:816

Isaak

Late Latin 📖 KLN:816

Isaacus

English 📖 KLN:816

Isaac

Zi

see root: Zay

Semitic 📖 KLN:1766

Z.k.r. : to remember, mention

Arabic 📖 KLN:1766

z.k.r. : to remember, mention

Persian 📖 FVA:150

zehr : mention, remembrance (of God)

ذکر ، تذکر ، تذکار ، تذکره
مذکره ، متذکر ، مذکور ، اذکار
مردم دیده ما جز برخت ناظر نیست
دل سرگشته ما غیر تو را ذاکر نیست

Hāfez

Hebrew 📖 KLN:1766

zākar : he remembered
zekhar-yāh : God has
(is) remembered

Arabic 📖 VDQ:233

Zakarīfa

It is not quite clear through
what language this word
has reached Arabic.

Persian

Zakarīya : "God is
remembered"

زکریا

Greek 📖 KLN:1766

zakaris

Latin 📖 KLN

zacharias

English 📖 AHD

Zachary, Zacharias, Zachariah

Arabic 📖 FVA:180

Z.n.y. : he commits adultery

Arabic 📖 LKT:44

zīnā : adultery
abū-zīnā : father of whoredom
(referring to gibbons) 🐒 Ab 2

Persian 📖 MON:602; FVA:180

zenā : adultery

زنا، زناء
او زنا کرد و جزا صد چوب بود
گوید او من کی زدم کس را به عود

Molavi

Persian 📖 MON:602; FVA:180

būzīneh : gibbon

بوزینه (بوزنه)
چون دل بوزینه گردد آن دلش - از دل بوزینه شد خوار آن گلش

Molavi

Hindustani 📖 PRT:253

bojīna : gibbon

French 📖 KLN:655

This monkey was brought to France
from India in the early 18th century.

English 📖 KLN:655

gibbon

Turkish 📖 SYN:188

ebuzine : gibbon

فهرست واژگان فارسی

فارسی

واژه	صفحه / ریشه	واژه	صفحه / ریشه	واژه	صفحه / ریشه
آ		آبادانا	Apo/29	آدمیرال	A'.m.r/23
			Dhē 2/94		Al 3 /17
آ-	Apo/29	آبتین	Âtos/38	آدمیزاد	Âdhâmah/5
آب ۱	Ab 1/1	آتش	Ater/37	آدیش	Ater/37
آب ۲	Ab 1/2	آتشپاره	Per 4/368	آدینه	Dheye/102
آبادان	Ab 1/1	آتلانتیک	Tel/469	آذر	Ater/37
	Pa/349	آتمسفر	Spher/440	آذربایجان	Ater/37
آبان	Ab 1/1		Wē 1/496		Pa/349
آبتین	Âtos/38	آجدن	Gwhen 2/185	آذین	Dheye/102
آبخور	Swel 1/461	آجر	Agurru/7	آر	As/35
آبخوست	Svas/459	آجیدن	Gwhen 2/185	آراستن	Ar/31
آبرنگ	Reg 3/388	آچار	Ak/12		Apo/29
آبرو	Ab 1/2	آخ	Agh/7	آرام	Rem/390
آبریز	Leigh 2/277	آخِر	Swel 1/461	آرامش	Rem/390
	Ab 1/1		Ab 1/1	آران	El 3 /122
آبزَن	Ghei 2/154	آخور	Swel 1/461	آرای	Ar/31
آبزی	Gwei/175		Ab 1/1	آرایش	Ar/31
آبزین؟	Ghei 2/154	آخوند	Swen/461	آرتروز	Ar/32
آبسال	Kel 1/220	آداب	Dub/111	آرتیست	Ar/32
آبسالان	Kel 1/220	آدامس	Âdhâmah/5	آرد ۱	Al 2/16
آبستن	Pôu/376	آدر	Ater/37	آرد ۲	Ar/31
	Ten 1/472	آدرس	Reg 1/387	آرزو	Bhergh/62
آبشار	Ab 1/1	آدریاتیک	Ater/37	آرزومند	Bhergh/62
	Gwhder/181	آدریان	Ater/37	آرسنیک	Al 3 /17
آبنوس	Hebni/190	آدرین	Ater/37		Ghel/155
آب نیک	Nei 1/325	آدم	Âdhâmah/5	آرش	Leuk/282
آبنیک	Ab 1/1	آدمک	Âdhâmah/5	آرشم	Rk-tho/396

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
آرشیئتکت	Arxein/35	آزغ	Ozgho/348	آسیا ۲	Âsû /36
آرشیو	Arxein/35	آزمایش	Me 2/293	آسیاب	Ab 1/1
آرغ	Reug/394	آزمودن	Me 2/293		Ak/12
آرغده	Er 1/127	آزمون	Me 2/293	آسیدن	Neku/328
آرغنده	Er 1/127	آژان	Ag/5	آش	Ed/117
آرمیدن	Rem/390	آژانس	Ag/5	آشتی	Stâ/444
آرن	El 3 /122	آژدن	Gwhen 2/185	آشفتن	Kseubh/250
آرنج	El 3 /122	آژندن	Gwhen 2/185	آشفته	Kseubh/250
آرنگ	El 3 /122	آژیدن	Gwhen 2/185	آشکار	Ôus 1/346
آروغ	Reug/394	آژیئر	Gwei/175	آشنا	Gnô/168
آروق	Reug/394	آس	Ak/12	آشوب	Kseubh/250
آری	En/124	آسانسور	Skand/422	آشیان	Kweye/266
	Wel 1/509	آستان	Stâ/444	آشپانه	Gwhen 1/182
آریا	Al 1/15	آستانه	Stâ/444		Gwhen 1/182
آریغ	Er 1/126	آستن	Ghesto/161	آغار	Gherto/160
آزاد	Gene 1/141	آستیگمات	Steig/448	آغاردن	Gherto/160
آزار	Gher 1/158	آستیم	Ghesto/161	آغاریدن	Gherto/160
آزاردن	Gher 1/158	آستین	Ghesto/161	آغال	Gheugh/163
آزارش	Gher 1/158	آسفالت	Ambhi/21	آغر	Gherto/160
آژدن	Gwhen 2/185		Ne 1/322	آگردن	Gherto/160
آژردن	Gher 1/158	آسفالته	Sphallein/439	آغستن	Gherto/160
آژرده	Gher 1/158		Ne 1/322	آغل	Gheugh/163
آزرمیدخت	Dheugh/101	آسم	Sphallein/439	آغیل	Gheugh/163
	Ger 2/144	آسمان	An 1/24	آفتاب	Ab 1/2
	Ne 1/321	آسیا ۱	Ak/12		Tep/473
			Men 1/301	آفدم	Apo/29

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
آفریدگار	Apo/29	آلک	El 2/122	آمر	A'.m.r/23
	Prî/377	آلکالی	Al 3 /17	آمرزش	Mēlg/300
آفریدن	Apo/29	آلکساندر	Alek/19	آمرزیدن	Mēlg/300
	Prî/377	آلگوریتم	Al 3 /17	آملج	Amalaka/20
آفرین	Apo/29		Ghdhem/150	آمله	Amalaka/20
	Prî/377		Su 1/455	آمو	Âmon/23
آک	Agh/7	آلگونه	El 2/122	آموختن	Meug/308
آکروبات	Ak/12	آلمینیم	Alu/20	آمودن	Âmon/23
	Gwa/173	آلودن	Leu/280	آموز	Meug/308
آکندن	Apo/29	آلومینیم	Alu/20	آموزاندن	Meug/308
	Gwhen 1/184	آلوه	Akwa/14	آموزش	Meug/308
آکواریوم	Akwa/14	آله	Akwa/14	آموزشگاه	Meug/308
آکوردئون	Kerd 1/229		El 2/122	آموزگار	Meug/308
آکوستیک	Keu 3/233	آلیختن	Leig/276	آمون	Âmon/23
آگاه	Kwek/260	آلیز	Leig/276	آمیختن	Meig/298
آگندن	Gwhen 1/184	آلیزدن	Leig/276	آمیزش	Meig/298
آگور	Agurru/7	آلیزش	Leig/276	آمین	A.m.n/22
آگورگر	Agurru/7	آلیزیدن	Leig/276	آمیننه	A.m.n/22
آگورگری	Agurru/7	آمار	Mer 1/304	آن	An 2/24
آل	Akwa/14	آمازن ^۱	Magh 2/289	آناهیتا	Ne 1/321
آل ^۱	El 2/122		So/433		Ahu/8
آلا	El 2/122	آمازن ^۲	Magh 2/289	آنتن	Ten 1/472
آلاله	Lâl/272		So/433	آنتیموان	Al 3 /17
آلای	Leu/280	آمانوئل	A'.m.m/22	آند	Sed/405
آلرژی	Werg 1/519		Layh/273	آنزیم	Yeu 3/536
آلغ	Akwa/14	آمدن	Gwa/172	آنفلوآنزا	Bhel/55
آلفا آلفا	Al 3 /17		Apo/29	آنکه	So/433

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
آذیلین	Nei 1/326	آگورت	Wer 6/517	ابن سینا	B.n.v/70
آوا	Wekw/508	آیین	Dheye/102	آبو	Ab 2/3
آوار	Al 4/18			ابوالحسن	Ab 2/3
آواره	Al 4/18			ابوالفتح	Ab 2/3
آواز	Wekw/508			ابوالفضل	Ab 2/3
آوام	Ap 2/28	-ا-	Apo/29	ابوالقاسم	Ab 2/3
آورد	Apo/29	-ا-	Apo/29	ابوعلی سینا	Ab 2/3
	Per 3/366	آباردن	Au 2/39	ابوی	Ab 2/3
آوردگاه	Apo/29	آباشتن	Pel 1/359	آبّهت	Ab 1/2
	Per 3/366		Pel 1/359	ابی -	Apo/29
آوردن	Bher 1/58	آبتکار	B.k.r/69	آبیورد	Kwer/262
	Apo/29	آبر	Upo/490	آپرا	Op/344
آونگ	Weik 1/505	آبر	Nebh/323	آپسان ؟	Ghei 2/154
آویختن	Weik 1/505	آبرآمون	Âmon/23	آپیون	Swekwo/460
آویز	Weik 1/505		Nebh/323	آتابک	Bhag/51
آهرمن	Ens/125	آبراهیم	Ab 2/3	آتر	Aidh/9
آهن	Aios/10	آبرقدرت	Upo/490	آتم	Ne 1/322
آهن بُر	Bher 3/60	آبرمرد	Upo/490	آتوبان	Autos/42
آهنجیدن	Ten 1/471	آبرو	Bhru 1/67		Bhen/56
آهنربا	Leup/283	آبریشم	Rei 2/389	آتوبوس	Autos/42
آهنگ	Ten 1/471	آبریق	Ab 1/1	آتوماتیک	Autos/42
آهنگر	Kwer/262		Leigh 2/277		Men 1/302
آهوا	Ôku/343	آبزار	Geu 2/147	آتوموبیل	Autos/42
آهوا ۲	Ahu/8		Ghei 2/154	آتیکت	Steig/448
آهیختن	Ten 1/471	آبلیس	Dwo/115	آثیر	Aidh/9
آینده	Gwa/172		Gwel 1/176	آجاره	Agaru/6
آیمه	Dheye/102	آبن	B.n.v/70	آجبار	J.b.r/200

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
آجر	Agaru/6	ارتش	Ret/392	ارزاق	Leuk/282
اجرت	Agaru/6		Stâ/444	ارزان	Algwh/20
احترام	H.r.m/192	ارتشتار	Ret/392	ارزش	Algwh/20
احرام	H.r.m/192		Stâ/444	ارزن	Ger 2/144
احسان	H.s.n/192	اُرتودوکس	Dek/83	ارزیدن	Algwh/20
احسن	H.s.n/192	ارج	Algwh/20	ارزیز	Arg/34
احیاء	H.y.y/193	ارجاسب	Algwh/20	ارژن	Ger 2/144
اخ	Agh/7	ارجاسپ	Ekwos/121	ارس	Akru/14
اختاپوس	Okto/342	ارجمند	Algwh/20	ارشاسپ	Ekwos/121
	Ped/354		Menth/304		Eres 1/130
اختر	Apânk/28	ارد ۱	Ar/31	ارشام	Ome/344
اخترشناس	Apânk/28	ارد ۲	Ar/31		Rk-tho/396
اداره	D.v.r/114	اردشیر	Ar/31	ارشان	Eres 1/130
آدب	Dub/111		Ksei 1/248	ارشک	Eres 1/130
ادبیات	Dub/111	اردلان	Al 1/15	ارغنده	Er 1/127
إدریس	Ner 1/331		Ar/31	ارغنون	Werg 1/519
ادکلن	Akwa/14	اردو	Urmak/491	ارکستر	Er 1/127
ادوکلن	Akwa/14	اردوان	Ar/31	ارکیده	Orghi/345
ادیان	Dheye/102		Pa/349	اُرگ	Werg 1/519
ادیب	Dub/111	اردوپیگ	Urmak/491	اروپا	Erëbu/128
اذکار	Z.k.r/541	اردوکشی	Urmak/491	اروند	Er 1/126
ازابه	Ar/32	اردوگاه	Urmak/491	ازّه	Srisâ/443
ازاده	Ret/392	اردیبهشت	Ar/31	آریغ	Er 1/126
اراک	Al 1/15		Isto/197	اریکه	Kei 4/219
آران	Al 1/15		Su 1/456	از	Sekw/410
ارایک	Kei 4/219	ارز	Algwh/20	ازدواج	Yeu 1/535
ارباب	R.b.b/385	اُرز	Urigh/490	ازغ	Ozgho/348

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
ازگ ۱	Ozgho/348	اُستاخ	Stâ/444	استوار	Stebh/446
ازگ ۲	Aig-/9	استاد	Stâ/444	اُستوان ۱	Steu 1/451
ازم	Ozgho/348	استارت	Ster 3/450	استوان ۲	Stebh/446
ازمنه	Gwa/172	استاک	Stâ/444	اسحاق	Z.h.k/540
اژدر	Angwhi/27	استان	Stâ/444	اسحق	Z.h.k/540
اژدها	Angwhi/27	استاندارد	Kar 1/212	اسرائیل	Layh/273
اژدهاک	Angwhi/27		Stâ/445	اُسْرُب	Sru 3/443
اژغ	Ozgho/348	استبر	Stebh/446	اُسْرَف	Sru 3/443
اساطیر	Weid/504	استبرق	Stebh/446	اسطبل	Stâ/445
اسانس	Es 2/131	استبرک	Stebh/446	اسطربلاب	Ster 2/450
اسب	Ekwos/121	استخر	Stâ/444	اُسْطُقُس	Steigh/449
اسباناخ		استخوان	Ost/346	اسطوره	Weid/504
	Spinakion/440	استدن	Stâi 1/445	اسفالت	Ne 1/322
اسپاردن	Apo/29	استر	Ekwos/121		Sphallein/439
اسپرت	Per 2/365	استراژی	Ag/5	اسفراج	Spereg/438
اسپرغم	Spereg/438		Ster 1/449	اسفرود	Spereg/438
اسپرو	Spereg/438	استرلاب	Ster 2/450	اسفناج	
اسپرود	Spereg/438	استرون	Ster 4/451		Spinakion/440
اسپست	Ekwos/121	استریلیزه	Ster 4/451	اسفنج	Spongo /441
	Ed/117	استریو	Ster 3/450	اسفند	Kwen 1/261
اسپناخ		استشراق	Cîrâğ/75	اسفندیار	Dô 2/109
	Spinakion/440		Stomen/453		Kwen 1/261
اسپوختن ۱	Peuk/372	اَسْتَم		اسقُف	Epi/125
اسپوختن ۲	Peuk/372	استماع	S.m.`a/430		Spek/436
اسپهر	Kuei/254	اَسْتِن	Ak/12	اسکله	Skand/422
است ۱	Es 2/131	استن	Es 2/131	اسکناس	Sekw/410
است ۲	Ost/346	اُسْتِن	Stâ/444	اسکندر	Alek/19
اِستاخ	Stâ/444	استنساخ	Ned/324		Ner 1/331

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
اسکورت	Reg 1/387	اطلس ۲	Tel/469	افسانیدن	Ak/13
اسکوره	Skeu 2/425	اطلس ۳	Tel/469	افسر	Ker 1/226
اسکی	Sek/409	اطلس ۴	T.L.S/480	Ambhi/21	
اسلام	S.l.m/429	اعتراف	A`.r.f/33	افسردن	Kel 1/220
اسلاو	Kleu 1/240	إعراب	A`.b.r/4	افسنهتین	Kwen 1/261
اسماعیل	Layh/273	آعرابی	A`.b.r/4	افسوس	Ambhi/21
	S.m.`a/430	اغتراف	Gh.r.f/165	Keuk 1/235	
اُسْمَز	Wedh 2/499	افتادن	Au 2/39	افشاردن	Xšarta/529
اسمزی	Wedh 2/499		Pet 1/370	افشان	Ambhi/21
اسواق	Teub/478	افدُم	Apo/29	Fšân/135	
اسید	Ak/12	افراختن	Reg 1/387	افشاندن	Ambhi/21
اسید فرمیک	Morwi/311	افراز	Ambhi/21	Fšân/135	
اشپش	Spiš/441	افراشتن	Ambhi/21	افشردن	Xšarta/529
اشتر ۱	Wes 1/520		Reg 1/387	افشره	Xšarta/529
آشتر ۲	Ag/5	افرنجی	Frankon/134	افشون	Ambhi/21
اشراق	Cîrâğ/75	افروختن	Ambhi/21	Fšân/135	
اشق	Snâ/431		Leuk/282	افشین	Ksei 1/248
اشک	Akru/14	افزار	Geu 2/147	افکن	Gwhen 1/184
اشکم	Reuto/395		Ghei 2/154	افکندن	Gwhen 1/184
اشل	Skand/422	افزایش	Geu 2/147	Ambhi/21	
اُشنان	Snâ/431	افزودن	Ambhi/21	افگندن	Gwhen 1/184
اشنوسه	Skëu 1/425		Geu 2/147	افلاس	Gwel 2/177
اشو	Ar/31	افزون	Geu 2/147	افندی	Autos/42
اشیاء	Šay'/403	افسار	Ker 1/226	افیون	Swekwo/460
اشیا	Šay'/403		Ambhi/21	اقدام	Q.d.m/380
اصفهان	Kwon/268	افسان	Ak/13	اقساط	Yeu 1/535
اطلس ۱	Tel/469	افسانه	Kens/225	اقلام	Kolemos/242

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
اقلیدس	Su 1/456	الوند	Er 1/126	اُمّهات	Umm/488
اقلیم	Klei/239	الّٰه	Layh/274	اُمّی	Umm/488
اکیانوس	Keanos/216	الّٰهی	Layh/274	امید	Men 2/303
	Ôku/343	الّٰهیّات	Layh/274	امیدوار	Men 2/303
اک	Agh/7	الیاس	Layh/273		Bher 1/58
اُکازیون	Kad 2/202	الیزابت	Layh/273	امیر	A'.m.r/23
اکالپتوس	Kel 2/220	الیزه	Layh/273	انار	Nôr/340
اکباتان	Sem 1/412	- آم	Es 2/131	انار ؟	Naranga/319
	Gwa/172	ام	I 2/195	انبار	Pel 1/359
اکزما	Yes/534	اُمّ	Umm/488		Sem 1/411
اکسیر	Ksero/250	امارات	A'.m.r/23	انباردن	Pel 1/359
اکسیژن	Gene 1/141	إمارت	A'.m.r/23	انباز	Sem 1/411
	Ak/12	امّاره	A'.m.r/23		Bhag/51
اکنون	Newo/334	امان	A.m.n/22	انباشتن	Sem 1/411
اکواب	Gëu 1/147	امانت	A.m.n/22		Pel 1/359
اگر	Sek/408	امانوئل	A`.m.m/22	انباغ	Sem 1/411
	Sem 1/411	امر	A'.m.r/23		Bhag/51
الاغ	Ul/487	اُمرا	A'.m.r/23	انبر	Bher 1/59
الغام	Mel 3/300	امرداد	Mer 2/305		Ambhi/21
الکساندر	Alek/19	امروز	I 2/195	انبردست	Bher 1/59
الکل	Al 3 /17	امسال	I 2/195		Ambhi/21
	Al 3 /17	امشب	I 2/195	انبره	Ambhi/21
	K.h.1/236	اُمّل	Umm/488		Bher 1/59
الّٰله	Al 3 /17	املاح	M.l.h/310	انبست	Bhendh/57
الّٰله	Layh/274	امن	A.m.n/22	انبوب	N.b.b/320
الماس	Dema/87	امنیّت	A.m.n/22	انبیق	Ab 1/1
المشّتی	Al 3 /17	امور	A'.m.r/23		Nei 1/325

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
انجام	Sem 1/412	اندودن	Dheu 3 /101	Peî/355	
	Gwa/172		Sem 1/412	Gwhen 2/185	انگَرَد
انجامیدن	Gwa/172	اندوزیدن	Steu 2/452	Gwhen 2/185	انگَره
انجمن	Gwa/172	اندوه	Dheu 2/100	Ang/26	انگشت
	Sem 1/412		Sem 1/412	Ang/26	انگشتر
انجیدن	Kwei 2/259	اندوهگین	Dheu 2/100	Ang/26	انگلستان
انجیل	Su 1/456	اندیش	Dheye/102	Ang/26	انگُلک
	Agaru/6	اندیشمند	Dheye/102	Ang/26	انگلیس
اندا	Dheu 3 /101	اندیشه	Dheye/102	Ang/26	انگلیسی
انداختن	Sem 1/411	اندیشیدن	Dheye/102	Su 1/456	انگلیون
	Teku 1/468	انرژی	Werg 1/519	Agaru/6	
اندازه	Sem 1/411	انغوزه	Gwhen 2/185	Gwhen 2/185	انگُوَرَد
	Teku 1/468	انغوزه	Embhi/123	Ang/26	انگولک
اندام	Dhě 2/94	انفست	Bhendh/57	Sem 1/412	انگیختن
	Sem 1/411	انفلوآنزا	Bhel/55	Weik 1/505	
اندای	Dheu 3 /101	انقلاب	Kū 1/253	Weik 1/505	انگیزاندن
اندر ۱	En/124		Ped/354	Sem 1/412	انگیزه
- اندر ۲	An 2/24	انکار	Ne 1/321	Weik 1/505	
	Ter 1/474	انگ ۱	Ang/26	Weik 1/505	انگیزیدن
اندران	En/124	انگ ۲	Embhi/123	N.w.r/341	انوار
اندرز	Dher 1/98	انگار	Kwer/262	N.w.r/341	انور
	Sem 1/412		Sem 1/411	Ne 1/321	انوشه
اندروا	Wě 1/496	انگاردن	Kwer/262	Ôus 1/346	
اندرواژ	Wě 1/496		Sem 1/411	Ne 1/321	انوشیروان
اندروای	Wě 1/496	انگاشتن	Kwer/262	Ôus 1/346	
اندرون	En/124		Sem 1/411	So/433	او
اندوختن	Steu 2/452	انگبین	Embhi/123	Ap 2/28	اوام

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
اوامر	A'.m.r/23	ایران	Al 1/15	Pa/350	
اوباردن	Pel 1/359	ایرانویج	Al 1/15	Baba/45	بابوبوالخیر
اوباش	Au 2/39	ایرج	Al 1/15		باتنگان
	Pel 1/359	ایرلند	Al 1/15	Vatin-ganah/493	
اوباشتن	Au 2/39	ایرمان	Al 1/15	Bhag/51	باج ۱
	Pel 1/359	ایزد	Yag/531	Wekw/508	باج ۲
اوج	Ud 1/486	ایستادن	Stâ/444	Apânk/28	باختر
اورشلیم	S.l.m/429		En/124	Weg 2/500	باختن
	Yârâh/532	ایشان	So/433	Wě 1/496	باد ۱
اورمزد	An 1/24	ایمان	A.m.n/22	Bheu 3/64	باد ۲
اورمیه	Yârâh/532	ایمن	A.m.n/22	Ak/12	باد آس
اورور	Bheu 3/64	این	I 2/195	Wě 1/496	
اوریشل	Layh/273	ایتکه	So/433	Bheu 3/64	بادا
اوژدن	Gwhen 2/185	ب		Wě 1/496	بادبادک
- اوژن	Gwhen 2/185			Wě 1/496	بادبان
اوژندن	Gwhen 2/185			Wě 1/496	بادخن
اوژنیدن	Gwhen 2/185				بادمجان
اوستا	Weid/504			Vatin-ganah/493	
اوکالیپتوس	Su 1/456	باب ۱	Pa/350		بادنجان
اهریمن	Ens/125	باب ۲	N.b.b/320	Vatin-ganah/493	
	Men 1/301	باب ۳	Baba/45		بادنگان
اهورا	An 1/24	بابا	Pa/350	Batiaxě/47	باده
اهورا مزدا	Dhě 2/94	بابک	Pa/350	Batiaxě/47	بادیه
اهورامزدا	An 1/24	بابکان	Pa/350	Bher 1/58	بار ۱
	Men 1/302	بابل	Layh/273	Wel 3/511	بار ۲
ایدِر	I 2/194	بابِل	N.b.b/320	Per 2/365	- بار ۳
ایدون	I 2/194	بابو	Baba/45	Wed/497	باران

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
بارخدا	Wel 3/511	باژ ۳	Wekw/508	بالن ۲	Bhel/54
بارش	Wed/497	باسن	Gwa/173	بالو	Wer 6/517
بارعام	Wel 3/511	باش	Bheu 3/64	بالون	Bhel/54
بارقه	B.r.q/71	باشد	Bheu 3/64	بالیدن	Ered/128
بارگین	Wed/497	باشنده	Bheu 3/64	بالین	Bhel/54
بارندگی	Wed/497	باشه	Wegh/501	بام ۱	Bhâ 1/49
بارو	Wer 3/516	باشیدن	Bheu 3/64	بام ۲	Wes 3/521
باروت	Pel 3/360	باطیه	Batiaxe/47	بامداد	Bhâ 1/49
بارومتر	Gwer 1/178	باغ	Bhag/52	- بان ۱	Pa/349
باره	Wer 3/516	باف	Webh/497	بان ۲	Wes 3/521
	Bher 1/58	بافتن	Webh/497	بانگ	Wekw/508
باریدن	Wed/497	بافته	Webh/497	بانمک	Nebh/323
باریم	Gwer 1/178	بافدم	Apo/29	بانو	Wes 3/521
باز ۱	Bhengh/58	بافندگی	Webh/497	باور	Upo/489
باز ۲	Wegh/501	باک	Bhôi/67		Wel 1/509
باز ۳	Bhe/53	بال ۱	Bhel/54		Wer 1/514
بازار	Kwel/260	بالا	Bhergh/62	باه	Wes 1/520
	Abâ/4	بالاخانه	Bhergh/62	باید	Ei/118
بازرگان	Kwel/260		Gwhen 1/183	بایست	Ei/118
	Abâ/4	بالالایکا	Baba/45	بایستن	Ei/118
بازنده	Weg 2/500	بال ۲	Ered/128	بَبر	Bher 4/60
بازو	Bhâghu /52	بالت	Gwel 1/176	بُت	Bheu 3/64
بازه	Bhengh/58	بالش ۱	Bhel/54		Pwt/379
بازی	Weg 2/500	بالش ۲	Ered/128	بت پرست	Bheu 3/64
بازیدن	Weg 2/500	بالکن	Bhergh/62		Pwt/379
باژ ۱	Bhengh/58		Gwhen 1/183	بتخانه	Bheu 3/64
باژ ۲	Bhag/51	بالن ۱	Bhel/54		Pwt/379

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
بتکده	Bheu 3/64	بذله	Bhag/52	بُرز	Bhergh/62
	Pwt/379	بَر ۱	Wei 2/503	برزخ	An 1/24
	Ket/232	بَر ۲	Bhergh/62		Bhergh/62
بجز	Bhe/53		Upo/490	برزگر	Werg 1/519
بچکم	Upo/489	بَر ۳	Bher 1/58	بَرزن	Wer 3/516
بچکم	Skabh/420	-بَر ۵	Bher 3/60	برزوی	Bhergh/62
بچه	Wet/522	برابر	Apo/29	برسم	Bhel/54
بخت ۱	Bhag/51	برادر	Bher 1/59	بُرش	Bher 3/60
بخت ۲	Bheug/65		Ter 3/475	برشتن	Bher 2/59
بختک	Swep/462	برازنده	Bhereg/61	برشته	Bher 2/59
بختیار	Bhag/51	برازیدن	Bhereg/61	برغ	Wer 2/515
بخش	Bhag/51	بَرّاق	B.r.q/71	برغاب	Wer 2/515
بخشای	Xšad/529	براوو	Baba/45	برف	Wep/513
بخشایش	Xšad/529	بربط	Baba/45	برفت	Bhě/53
بخشاینده	Xšad/529	برتر	Bhergh/62	برق	B.r.q/71
بخشنده	Xšad/529		Upo/490	برکت	B.r.k/71
بخشیدن	Bhag/51	برترین	Bhergh/62	برگ	Varekahe/492
	Xšad/529		Upo/490	برگزیدن	Kwei 2/259
- بد	Per 3/366	بَرخ	Bhag/51		Wi/523
بَد	Bata/46	برخاستن	Suīg/457	برگستوان	Kost/245
بدخش	Apânk/28	برخوردار	Bher 1/58	برگه	Varekahe/492
بدخشان	Apânk/28	برخی	Bhag/51	برلیان	Velūr/494
بدخو	Seu 1/417	برخیزیدن	Suīg/457	بَرَم	Wei 2/503
بدخیم	Haem/189	بردن	Bher 1/58		Var/492
بدرود	Upo/489	بَرده	Vareta/493		Wel 3/511
	Deru 1 /91	بردیه	Bhergh/62	برمنش	Bhergh/62
بدنهور	Sâwel/402	بَرز	Werg 1/519	برنا	Pel 1/359

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
بُرنا	Aiw/11	بزرگ	Weg 2/500	بِکارت	B.k.r/69
برنج ۱	Berenža/47	بزم	Bhag/52	بِکر	B.k.r/69
برنج ۲	Urigh/490	بزم آرا	Bhag/52	بِگ	Bhag/51
بُرَنده	Bher 3/60	بَس	Wek/507	بِلخ	Apânk/28
برنز	Berenža/47	بَساک	Puk/378	بِلخش	Apânk/28
بُرو	Bhru 1/67	بستر	Wi/523	بِلسام	Busmâ/72
برواره	Wer 3/516	بستن	Ster 1/449	بِلقیس	Parîkâ/351
برو جرد	Kwer/262	بسکویت	Bhendh/57	بِلگ	Varekahe/492
بروزیه	Bhergh/62	بسند	Dwo/115	بِلگه	Varekahe/492
برومند	Menth/304	بسند	Wek/507	بِلند	Bhergh/62
برونشیت	Gwer 3/180	بسی	Wek/507	بِلوا	Bher 5/61
بَرّه	Weren/518	بسیار	Wek/507	بِلوار	Werg 1/519
برهمن	Bhergh/63	بسیاری	Wek/507	بِلور	Bhel/54
برهمه	Bhergh/63	بَش	Bhergh/62	بِلوط	Velür/494
برهنه	Būnai/72	بَشام	Busmâ/72	بِله	Balüt/46
برهیختن	Nogw/339	بَشکَم	Upo/489	بِلی	Bhě/53
بریان	Ten 1/471	بَشکَم	Skabh/420	بِم	Bhě/53
بریچن	Bher 2/59	بغ	Bamb/46	بِمب	Bamb/46
بَرید	Bher 2/59	بغچه	Bamb/46	بِمب افکن	Bamb/46
بریدن	Bher 1/58	بغداد	Bhag/51	بُن ۱	Bhun/68
بریز	Bher 3/60	بغستان	Dô 2/109	بُن ۲	Wen/512
بَریزن	Bher 2/59	بغ شن	Bhag/51	بِنادر	Dhwer/106
برین	Bher 2/59	بِقچه	Stâ/444	بند	Bhendh/57
بُز	Bhergh/62	بَک	Upo/490	بندر	B.n.v/70
	Bhugo/68		Bhag/51		Dhwer/106

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
Bhendh/57	بوزنه	Ab 2/3	بهبانه	Wes 3/521	ریشه
Bhendh/57	بنده	Z.n.y/541	بهبود	Su 1/456	
L.b.n/274	بنزین	Ab 2/3	بهتر	Su 1/456	
Aueg/40	بنفش	Z.n.y/541	بهترین	Su 1/456	
Wen/512		Bu/72	بهداد	Su 1/456	
Aueg/40	بنفشه	Bheudh/65	بهداری	Su 1/456	
Wen/512		Bu/72	بهداشت	Su 1/456	
Bhun/68	بُنه	Bheu 3/64	بهر	Bhag/51	
B.n.v/70	بنی	Boqčâ/70	بهراد	Su 1/456	
B.n.v/70	بنی آدم	Beu 2/48	بهرام	Gwhen 2/185	
Bhun/68	بنیاد	Werg 1/519		Wer 3/516	
B.n.v/70	بنیامین	Beu 1/48	بهرخ	Su 1/456	
Y.m.n/537		Bheu 3/64	بهروز	Su 1/456	
B.n.v/70	بنی هاشم	Bheu 3/64	بهره	Bhag/51	
Bheudh/65	بو ۱	Bheu 3/64	بهباد	Su 1/456	
Bheu 3/64	بو ۲	Bheudh/65	بهشت	Isto/197	
Ab 2/3	بوالهوس	Bhōu/67		Su 1/456	
Dhě 2/95	بوتیک	Bhōu/67	بهمن	Men 1/301	
Beu 1/48	بوتیمار	Bheudh/65		Su 1/456	
Bheudh/65	بودا	Per 3/366	بهنام	Su 1/456	
Bhel/54	بودجه	Upo/489	بی -	Apo/29	
Bheu 3/64	بودن	Su 1/456		Bhě/53	
Bher 4/60	بور	Wes 5/522	بیاض	B.y.z/73	
Bhergh/63	بورژوا	Bhag/52	بیامد	Bhě/53	
Bher 4/60	بورق	Dher 1/98	بی بهره	Apo/29	
Bher 4/60	بورک	Aus 2/41	بیت	B.y.t/73	
Bher 4/60	بوره	Wes 5/522	بیختن	Weik 1/505	

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
بید	Wei 1/502	بیگم	Bhag/51	پ	
بیدار	Ger 3/145		Umm/488		
بیدخت	Bhag/51	بیگی	Bhag/51	پا	Ped/353
	Dheugh/101	بیل	Bher 3/60	پاپژ	Parvan/353
بیدستر	Apo/29	بیم	Bhôi/67	پاپوش	Pôš/375
	Dâ 1/78	بیمار	Me 2/294	پاتیل	Batiaxě/47
بیدمشک	Mu/313		Wi/523		Pô 2/374
بیر	Wei 2/503	بیمه	Bhôi/67	پاتیله	Batiaxě/47
بیز	Weik 1/505	بین	Dheye/102		Pô 2/374
بیزش	Weik 1/505	بینا	Dheye/102	پاجامه	Ped/353
بیست	Dekm/84	بینش	Dheye/102		Yôs/538
	Wi/523	بینی	Vaenâ 1/492	پاچه	Ped/353
بیستون	Bhag/51	بی نیاز	Apo/29	پاچیدن	Prs/377
	Stâ/444	بیو	Wedh 1/498	پاد	Pa/349
بیسکویت	Pekw/358	بیور	Byŕrru/73	پاداش	Dô 2/109
بی سیم	Sěma/413	بیوراسپ	Byŕrru/73		Per 3/366
بیش ۱	Dwo/115		Ekws/121	پاداشت	Dô 2/109
بیش ۲	Dwei/114	بیوس	Bheudh/65	پاداشن	Dô 2/109
	Weis/507	بیوسنده	Bheudh/65		Per 3/366
بی شمار	Apo/29	بیوسیدن	Bheudh/65	پادافراه	Perk 1 /368
بیشه	Wei 1/502	بیوک	Wedh 1/498	پادزهر	Gwhen 2/185
بیضا	B.y.z/73	بیوگ	Wedh 1/498		Per 3/367
بیضه	B.y.z/73	بیوگانی	Wedh 1/498	پادشاه	Pa/349
بیضی	B.y.z/73	بیوه	Weidh/505		Ksei 1/248
بیغاره	Gwer 2/179			پادگان	Pa/349
بیک	Bhag/51			پادن	Pa/349
بیگ	Bhag/51			پادو	Dheu 1/99

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
پار	Per 1/364	پاسخ	Kâs 2/214	پای ۲	Pa/349
پارازیت	Per 1/364		Per 3/366	پای خوست	Svas/459
پارافین	Pôu/376		Wegwh/502	پای زهر	Gwhen 2/185
پارامتر	Per 1/364	پاش	Prs/377	پایه	Ped/353
پارامونت	Men 3/303	پاشنه	Persna/369	پاییدن	Pa/349
پارت	Parth/352	پاشیدن	Prs/377	پایین	Ped/353
پارد	Prs/377	پاک	Peu/371	پتیاره	Er 1/126
پارس ۱	Pârsa/352	پاکت	Beu 2/48		Per 3/367
پارس ۲	Prs/377	پالان	Leu/280	پتیره	Er 1/126
پارسا	Pel 2/360		Pa/349		Per 3/367
پارسال	Per 1/364	پالایش	Pa/349	پچگم	Skabh/420
پارسای	Pel 2/360		Leu/280		Upo/489
پارسه گاد	Pârsa/352	پالو	Wer 6/517	پختن	Pekw/358
پارگین	Wed/497	پالودن	Leu/280	پدر	Ter 3/475
پارلمان	Gwel 1/176		Pa/349	پدر	Pa/349
	Per 1/364	پالوده	Leu/280	پدرام	Per 3/366
پاره	Per 4/368		Pa/349		Rem/390
پارینه	Per 1/364	پالونه	Leu/280	پدراندر	An 2/24
پازهر	Gwhen 2/185	پالیدن ۱	Leu/280		Ter 1/474
	Per 3/367	پالیدن ۲	Pôl /375	پدرو	Upo/489
پاس	Pa/349	پالیز	Dheigh/96	پدید	Dheye/102
پاسارگاد	Pârsa/352		Per 1/363		Upo/489
پاساژ	Pet 2/371	پانچ	Penkwe/362	پدیدار	Dheye/102
پاسبان	Pa/349	پانزده	Penkwe/362		Upo/489
	Spek/436	پانصد	Penkwe/362	پدیده	Upo/489
پاسپورت	Per 2/365	پانکراس	Kreu/246		Dheye/102
	Pet 2/371	پای ۱	Ped/353	پذیر	Ghrehb/164

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
پذیرفتن	Ghrehb/164	Per 1/363	پروفیل	Gwhi/186	ریشه
	Per 3/367	پرس	Per 3/367	Weik 1/505	پرویزن
پذیره	Er 1/126	پرستار	Per 1/363	Pel 1/359	پروین
	Per 3/367		Stâ/444	Leigh 2/277	پرهیختن
پَر	Per 2/365	پرستیدن	Per 1/363	Per 3/366	
پُر	Pel 1/359		Stâ/444	Leigh 2/277	پرهیز
پراکن	Per 1/363	پریش	Perk 1 /368	Per 3/366	
پراکندن	Gwhen 1/184		Perk 1 /368	Parîkâ/351	پری
	Per 1/363	پَرسنگ		Parîkâ/351	پریچهر
پراگندن	Gwhen 1/184		Fra-sanga/134	Parîkâ/351	پریدخت
	Per 1/363	پرسیدن	Perk 1 /368	Per 2/365	پریدن
	Dhē 2/95		Perk 1 /368	Ayer/44	پَریر
پرافتَز	En/124	پرگار	Kwer/262	Per 1/364	
	Per 1/364		Per 1/363	Ayer/44	پریروز
پُرْتَره	Per 1/364	پَرَن	Pel 1/359	Per 1/364	
پُرْتُکَل	Per 1/364		Per 1/364	Parîkâ/351	پریسا
پرتو	Per 1/363	پَرَندوش	Per 1/364	Parîkâ/351	پریوش
	Tep/473	پرنسس	Per 1/364	Pekw/358	پَز
پرتئین	Per 1/364	پَرو	Pel 1/359	Bhâ 2/50	پزشک
پرچین	Kwei 2/259	پروار	Per 1/363	Pekw/358	پَزیدن
	Per 1/363		Wer 3/516	Parvan/353	پَز۱
پرداختن	Teku 1/468	پرواز	Per 1/363	Bazda/47	پَز۲
	Per 1/363		Wegh/501	Per 3/366	پژمان
پرداز	Teku 1/468	پروانه	Per 2/365	Men 1/301	
پردگی	Pele/361	پروردگار	Bher 1/58	Mer 2/305	پژمردن
پرده	Pele/361	پروردن	Bher 1/58	Mer 2/305	پژمربدن
پرده دار	Pele/361		Per 1/363	Parvan/353	پژواک
پردیس	Dheigh/96	پرورش	Bher 1/58		

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
پژوه	Weid/504	پشنجیدن	Seiku/407	پنجاه	Dekm/84
پژوهش	Weid/504	پشنگ	Seiku/407	پنچک	Penkwe/362
پژوهیدن	Weid/504	پشنگه	Seiku/407	پنچگان	Penkwe/362
پس ۱	Apo/30	پشوتن	Ten 1/472	پنجم	Penkwe/362
پُس ۲	Pôu/376	پشیمان	Men 1/301	پنجم	Ėmos/123
پَساک	Puk/378	پگاه	Per 3/366	پنجمین	Penkwe/362
پس انداز	Apo/30	پَل	Upo/489	پنچول	Penkwe/362
پست ۱	Pet 1/370	پُل	Ped/353	پنجه	Penkwe/362
پست ۲	Pis/374	پَلا	Per 2/365	پُنچ	Penkwe/362
پستان	Pestěno/369	پلاتین	Pulâka/379	پنچر	Peuk/372
پسته	Bistak/69	پلاستیک	Pele/361	پند	Pent/362
پسر	Pôu/376	پلاσμα	Pele/361	پندار	Dher 1/98
پسراندر	An 2/24	پَلاو	Pele/361	پنداشتن	Dher 1/98
پسند	Ter 1/474	پلپل	Pulâka/379	پنکه	Peg/355
پسندیدن	Upo/489	پلنگ	Pippalî/373	پَنگان	Pin/373
	Upo/489	پلو	Prs/377	پَنگوئن	Weid/504
	Sed/405	پلی تکنیک	Pulâka/379	پنهان	Dhě 2/94
پسوند	Apo/30	پلی ۱/359	Pel 1/359		Upo/489
پسین	Apo/30	پلی کپی	Pel 1/359	پنیر	Pei/355
پَش	Bhergh/62	پنام	Dhě 2/94	پو	Peud/371
پشت	Per 1/363	پنامیدن	Pa/349	پوپک	Opop/345
	Stâ/444	پناه	Dhě 2/94	پوپو	Opop/345
پشکم	Skabh/420		Nâ 2/316	پوپه	Opop/345
پشکم	Upo/489		Pa/349	پودر	Pel 3/360
پشم	Pek/357	پنبه	Pambak/351	پوده	Pŭ 4/378
پشملبا	Pârsa/352	پنچ	Penkwe/362	پور	Pôu/376
		پنچاب	Penkwe/362	پورسانتاژ	Dekm/85

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
پوره	Pôu/376	په ۲	Per 3/366	پیرایه	Ar/31
پوز	Bheug/65		Upo/489	پیروز	Aueg/40
پوزش	Bheug/65	پهلُبد	Parth/352	پیرثاما	Yôs/538
پوزیدن	Bheug/65	پَهْلُو ۱	Parth/352	پیرثامه	Ped/353
پوس	Pũ 4/378	پَهْلُو ۲	Perk 2 /369	پیسِه	Peig/356
پوست	Wes 3/521	پهلوی	Parth/352	پِیسی	Peig/356
پوسته	Wes 3/521	پَهَن	Pet 2/371	پیش	Per 3/366
پوستین	Wes 3/521	پهنا	Pet 2/371	پیشانی	Per 3/366
پوسیدن	Pũ 4/378	پهنه	Pet 2/371	پیشخدمت	Per 3/366
پوش	Pôš/375	پِی	Ped/353	پیشرفت	Per 3/366
پوشا	Pôš/375	پِیاده	Ped/353	پیشوا	Per 3/366
پوشاک	Pôš/375	پِیاله	Gwer 3/180	پیشه	Peig/356
پوشک	Pôš/375	پیام	Gwa/172	پیشینه	Per 3/366
پوشنه	Pôš/375		Per 3/366	پیغماره	Gwer 2/179
پوشه	Pôš/375	پیامبر	Bher 1/58		Per 3/366
پوشیدن	Pôš/375		Gwa/172	پیغماله	Gwer 3/180
پوک	Pu 2/378		Per 3/366	پیغمام	Per 3/366
پول	Gwel 2/177	پِی جامه	Ped/353		Gwa/172
پوی	Peud/371		Yôs/538	پیغمبر	Gwa/172
پویا	Peud/371	پِیختن	Piko/372		Per 3/366
پویان	Peud/371	پیر	Pel 2/360	پیک	Ped/353
پویاندن	Peud/371	پیرار	Ayer/44	پیکار	Kwer/262
پویانیدن	Peud/371		Per 1/364		Per 3/366
پوینده	Peud/371	پیرار سال	Ayer/44	پیکان	Gwhen 1/184
پویه	Peud/371		Per 1/364		Per 3/366
پویدن	Peud/371	پیراستن	Ar/31	پیکر	Per 3/367
په ۱	Peî/355	پیرامون	Per 1/363		Kwer/262

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
پیکره	Per 3/367	تابیدن ^۱	Ten 1/471	تبریک	B.r.k/71
پیل	Yb/533	تابیدن ^۲	Tep/473	تبلور	Velūr/494
پیلای	Yb/533	تاتار	Tata/467	تبوراک	Tabūrāk/464
پیلسته	Yb/533	تاج	Steg/447	تبه	Steu 2/452
پیلله	Pilo/373	تاجور	Steg/447	تبیر	Tabūrāk/464
پیمان	Me 2/293	تاجیک	Steg/447	تبیره	Tabūrāk/464
	Per 3/366	تاجیکستان	Steg/447	تپش	Tep/473
پیمانه	Me 2/293	تاختن	Teku 1/468	تپیدن	Tep/473
	Per 3/366	تأدیپ	Dub/111	تتار	Tata/467
پیمودن	Me 2/293	تار	Ten 1/471	تتر	Tata/467
	Per 3/366		Tem/470	تتّر	Steg/447
پینو	Peî/355	تاریک	Tem/470	تحریم	H.r.m/192
پینه	Spem/437	تازان	Teku 1/468	تحسین	H.s.n/192
پیوستن	Bhendh/57	تازی	Steg/447	تخته	Tex/479
	Per 3/366	تازیانه	Teku 1/468	تخش	Teku 1/468
پیوند	Bhendh/57	تازیدن	Teku 1/468	تخم	Těu 1/477
	Per 3/366	تاس	Tex/479	تخمک	Těu 1/477
پیه	Peî/355	تاشو	Kei 2/218	تخمه	Těu 1/477
ت		تافتن ^۱	Ten 1/471	تخیل	Ghel/156
		تافتن ^۲	Tep/473	تدوین	Dub/111
		تالار	Tâl/465	تدین	Dheye/102
تاب	Tep/473	تالک	Talk/465	تذرو	Teter/476
تابان	Tep/473	تأمین	A.m.n/22	تذکار	Z.k.r/541
تابستان	Stâ/444	تایر	Steg/447	تذکر	Z.k.r/541
	Tep/473	تب	Tep/473	تذکره	Z.k.r/541
تابش	Tep/473	تباه	Steu 2/452	تّر ^۱	Ter 1/474
تابه	Tep/473	تبرک	B.r.k/71	تّر ^۲	Ten 1/471

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
تراخم	Dher 2/99	تُرَش	Ster 3/450	تَسْلیم	S.l.m/429
تراز	Ag/5	تُرْشا	Ster 3/450	تشت	Tex/479
	Tel/469	تُرشی	Ster 3/450	تشنگی	Ters/476
ترازو	Ag/5	تُرک	Tu-küe/484	تشنه	Ters/476
	Tel/469	ترکش	Kenk 1/224	تَصَنِّع	S.n.`a/431
تِراس	Ters/476		Steig/448	تعارف	A`.r.f/33
تراش	Tex/479	ترکمن	Tu-küe/484	تَعْرِفه	A`.r.f/33
تراشیدن	Tex/479	ترکمنستان	Tu-küe/484	تعریف	A`.r.f/33
ترافیک	F.r.q/135	ترکیه	Tu-küe/484	تعقیب	A`.q.b/30
ترانزیت	Ter 1/474	تِرم	Ter 1/474	تعمیم	A`.m.m/22
	Ei/118	ترموس	Gwher/186	تُف	Spyeu/441
ترانزیستور	Ter 1/474	ترموستات	Gwher/186	تفت	Tep/473
ترانسپورت	Per 2/365	ترمومتر	Gwher/186	تفتن	Tep/473
	Ter 1/474	ترمینال	Ter 1/474	تفرقه	F.r.q/135
ترانسفورماتو	Ter 1/474	ترنجید	Tenk/473	تفریق	F.r.q/135
تراذه	Ten 1/471	ترور	Tres/483	تفسیدن	Tep/473
تُرْب	Tulupos/484	تروریست	Tres/483	تفنگ	Spyeu/441
تریبت	R.b.b/385	تروریسم	Tres/483	تقدیم	Q.d.m/380
ترتیر	Tartaros/466	ترویج	Rěp/391	تَقْلَب	Kü 1/253
تَرْجُم	Ragâmu/384	تُرْهات	Ret/392		Ped/354
ترجمان	Ragâmu/384	-ترین	Ter 1/474	تَک	Teku 1/468
ترجمه	Ragâmu/384	تِز	Dhě 2/95	تکاپو	Teku 1/468
ترخون	Derk/90	تزار	Skhai/427		Peud/371
تُرْد	Tuardo/484	تَزَر	Steg/447	تکاور	Teku 1/468
ترس	Tres/483	تزویج	Yeu 1/535	تَکَدِّی	Gwhedh/182
ترسا	Tres/483	تزویر	Ghuel/166	تکنیک	Tex/479
ترسیدن	Tres/483	تسکین	K.w.n/266	تکوین	K.w.n/266

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
تکیدن	Teku 1/468	تُندر	Ten 2/472	توزیدن	Kwei 2/259
تلخ	Taxl/467	تندیس	Deik/82	تولف	Terp/475
تلخ جوک	Taxl/467	تنش	Ten 1/472	توله	Ten 1/471
تلخ شکوک	Taxl/467	تُنُک	Ten 1/472	تونیک	Kitu/238
تلخک	Taxl/467	تُنکه	Kitu/238	توه	Teub/478
تلخکام	Taxl/467		Ten 1/472	توی	Teub/478
تلخه	Taxl/467	تَنگ	Isto/197	تَه	Teus/478
تلسکوپ	Kwel/261		Tenk/473	تهماسب	Těu 1/477
	Spek/436	تنگستن	Stei/447		Ekwos/121
تلفن	Bhâ 2/50	تنگنا	Isto/197	تهمتن	Ten 1/472
تَلک	Talk/465	تنگه	Isto/197		Tenk/473
تلگراف	Kwel/261	تنور	Tanür/466	تهمورث	Wel 2/511
تلوزیون	Kwel/261	تنویر	N.w.r/341		Tenk/473
	Weid/504	تَنیدن	Ten 1/472	تَهی	Teus/478
تَم	Tem/470	تنیس	Ten 1/472	تُهی	Teus/478
تِم	Dhě 2/95	تو ۱	Tu/483	تیمتو	Titi/480
تماس	M.s.s/313	تو ۲	Teub/478	تیج	Steig/448
تمباکو	Tabaco/464	توأم	W.a`.m/495	تیر	Steig/448
تمدن	Dînu/108	توأمان	W.a`.m/495	تیرکش	Kenk 1/224
تَن	Ten 1/472	توان	Těu 1/477		Steig/448
تُن	Ten 1/472	توانستن	Těu 1/477	تیروئید	Dhwer/106
تنباکو	Tabaco/464	توبره	Těu 1/477	تیره	Tem/470
تنبک	Tabürâk/464	توپ	Stewe/452	تیز	Steig/448
	Dumb/112	توختن	Kwei 2/259	تیشه	Tex/479
تنبور	Tabürâk/464	توده	Gwou/187	تیفوس	Dheu 2/100
تنجیدن	Tenk/473	توره	Ten 1/471	تیفوئید	Dheu 2/100
تُنْد	Těu 1/477	توز	Kwei 2/259	تیم ۱	Tien/480

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
تیم ۲	Deuk/92	جاوید	Aiw/11	جلیقہ	Ijlak/196
تیمچہ	Tien/480	جاویدان	Aiw/11	جم	Yem/534
تیمن	Y.m.n/537	جاویدن	Geu 3/148	جمشید	Ksei 2/249
		جہ	Gwa/172		Yem/534
		جاییدن	Geu 3/148	جمل	Jamal/198
		جبار	J.b.r/200	جن	Ei/118
ثور	Těu 1/477	جبال	J.b.l /199	جناح	Nek 1/327
		جبر	J.b.r/200	جنازہ	Gzn/188
		جبران	J.b.r/200	جنبان	Gwa/173
		جبروت	J.b.r/200	جنمش	Gwa/173
		جبرئیل	J.b.r/200	جنیندہ	Gwa/173
جا	Ei/118	جبرئیل	Layh/273	جنیندن	Gwa/173
جاذلیق	Sol/434	جبسین	Gassu/138	جنحہ	Nek 1/327
جادو	Yâ/531	جبل	J.b.l /199	جنگ	Ghengh/157
جادہ	Iâtos/196	جبل الطارق	J.b.l /199	جنگاور	Bher 1/58
جارو	Ei/118	جبتہ	J.b.b/198	جنگل	Jangalah/198
جاروب	Ei/118	- جرد	Kwer/262	جو	Ieuo/196
	Raup/385	جرم	Gene 1/141	جو ۱	Yau/532
جالیز	Dheigh/96	جرہ	K.r.v/247	جو ۲	Yeu 3/536
	Per 1/363	جستن	Yes/534	جوان	Yeu 2/535
جاماسب	Ekwas/121	جستن	Yeu 3/536	جواہر	Gôtra/169
جامہ	Yôs/538	جشن	Yag/531	جوب	Yau/532
جامہ دان	Yôs/538	جفت	Yeu 1/535	جوجہ	Dus/113
جان	Dheye/102	جک	A`.q.b/30	جوراب	Gûrb/170
جانسوز	Keuk 1/235	جگر	Yekwer/533	جوڑہ	Dus/113
جانگداز	Dhogh/104	جگر بند	Yekwer/533	جوش	Yeu 3/536
جانور	Dheye/102	جلیقہ	Ijlak/196	جوشش	Yeu 3/536
	Bher 1/58				

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
جوشیدن	Yeu 3/536	چانه	Genu 2/142	چفسیدن	Kap/210
جوهر	Gôtra/169	چاه	Gwhen 1/183	چک	Ksei 1/248
جوی ۱	Yau/532	چای	Č'a/74	چکاد	Keku/219
جوی ۲	Yeu 3/536	چپ	Kam 2/207	چکاده	Keku/219
جویبار	Per 2/365	چپسیدن	Kap/210	چکش	Keku/219
	Yau/532	چپق	Čop/77	چکوچ	Keku/219
جویدن	Geu 3/148	چَپه	Kam 2/207	چکوسلوواکی	Kleu 1/240
جویدن	Yeu 3/536	چتر	Sked 2/422	چگونه	Gěu 1/146
جهان	Gwei/175	چَتر	Kwetwer/265	چلپاسه	Kahrpu/204
جهانگرد	Wer 2/514	چرا؟	Ar/32	چلتوک	Šâli/399
جهانگشای	Sě 1/404	چراغ	Cîrâğ/75	چلنگر	Skhai/427
جهیدن	Yes/534	چَرتَه	Ker 4/228	چلیپا	Salîbâ/400
جیموه	Gwei/175	چرخ	Kwel/260	چلیپایی	Salîbâ/400
		چَرد	Ker 4/228	چلیدن	Kwel/260
		چَردَه	Ker 4/228	چَم	Kwen 2/262
		چَرزَه	Ker 4/228	چَمان	Kam 2/207
		چرم	Sek/408	چماندن	Kam 2/207
چابک	Trep 1/482	چرمه	Kel 4/222	چمبر	Kam 2/207
چادر	Sked 2/422	چریدن	Kwel/260	چمدان	Dhě 2/94
چارلی	Ger 2/144	چسب	Kap/210		Yôs/538
چاره	Kwer/263	چسبیدن	Kap/210	چمنزار	Kwel/260
چاشت	Kwek/260	چسپیدن	Kap/210	چَمیدن ۱	Kam 2/207
چاشنی	Kwek/260	چُست	Skeud 1/426	چَمیدن ۲	Kwen 2/262
چاقو	Keku/219	چشایی	Kwek/260	چند	Kwo/267
چاکوچ	Keku/219	چشم	Kwek/260	چند بار	Wel 3/511
چالاک	Kwel/260	چشیدن	Kwek/260	چُندل	Kand 1/209
چالش	Kwel/260	چفته	Kam 2/207	چُندن	Kand 1/209
چالیدن	Kwel/260				

چ

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
چنگ	Keg/217	چیز	Kwo/267		Su 1/454
چنگال	Keg/217	چیلان	Skhai/427	حوری	Leudh/281
چنگال خوست	Svas/459	چیلانگر	Skhai/427		Su 1/454
چنگک	Keg/217			حَیّ	H.y.y/193
چوب	Čop/77	ح		حیات	H.y.y/193
چوپان	Pa/349			حَیَوَان	H.y.y/193
	Pek/357	حَبل	Habl/189		
چوزه	Dus/113	حَرَام	H.r.m/192	خ	
چوگان	Čop/77	حِرْبَا	Sâwel/402		
چون	Gěu 1/146	حرف شنو	Kleu 1/240	خاج	Khâč/235
	Kwo/267	حَرَم	H.r.m/192	خار	Kar 1/212
چه	Kwo/267	حِرمان	H.r.m/192	خارا	Kar 1/212
چهار	Kwetwer/265	حُرمت	H.r.m/192	خاربن	Wen/512
چهارده	Kwetwer/265	حَریم	H.r.m/192	خارش	Kar 1/212
چهارسو	Teub/478	حَسَن	H.s.n/192	خاریدن	Kar 1/212
چهارسوق	Teub/478	حُسن	H.s.n/192	خازن	Gzn/188
چهارک	Kwetwer/265	حسین	H.s.n/192	خاستن	Suîğ/457
چهارگاه	Gěi/138	حشیش	H.š.š/193	خاک	Xâk/528
چهارم	Ēmos/123	حَتّان	H.n.n/191	خاک انداز	Xâk/528
چهره	Skai/421	حنان	H.n.n/191	خاکبیز	Xâk/528
چهل	Dekm/84	حَتّانه	H.n.n/191	خاکدان	Xâk/528
	Kwetwer/265	حنین	H.n.n/191	خاکسار	Xâk/528
چی	Kwo/267	حوّا	H.y.y/193	خاکستر	Ster 1/449
چیدن	Kwei 2/259	حور	Leudh/281		Xâk/528
چیر	Čirya/76		Su 1/454	خاکی	Xâk/528
چیرگی	Čirya/76	حورالعین	Leudh/281	خاموش	Mer 3/306
چیره	Čirya/76	حوروش	Leudh/281	خان	Gwhen 1/183

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
خانسانمان	Khan/236	خدنگ	Xalen/529	خروار	Bher 1/58
خانقاه	Khan/236	خدبو	Seu 1/417		Kar 1/212
	Gwa/172		Aiw/11	خروج	Ker 3/227
	Gwhen 1/183		Ghu 1/165	خروس	Ker 3/227
خانگاه	Gwa/172	خر	Kar 1/212	خروشیدن	Ker 3/227
	Gwhen 1/183	خراسان	Sâwel/402	خرید	Kwri/269
خانم	Khan/236	خرام	Kram/245	خریدار	Kwri/269
	Umm/488	خرامان	Kram/245	خریدن	Kwri/269
خانه	Gwhen 1/183	خرامیدن	Kram/245	خَز	Suig/457
خانی	Gwhen 1/183	خربزه	Kar 1/212	خزانه	Gzn/188
خاور	Bher 1/58	خرچنگ	Kar 1/212	خزیدن	Suig/457
	Sâwel/402	خرخره	Gwer 3/180	خزینه	Gzn/188
خاوران	Sâwel/402	خُرد	Kar 1/212	خُسپیدن	Swep/462
خاویار	Aw/43	خُرد	Ksudros/252	خسپیدن	Swep/462
خاویار	Bher 1/58	خرداد	Sol/434	خُست	Svas/459
خای	Khâd/235	خردسال	Ksudros/252	خِستَر	Kwer/263
خایه	Aw/43	خردومند	Menth/304	خَستن	Xad/528
خاییدن	Khâd/235	خرده	Ksudros/252	خستوا	Ost/346
خَتا	Khitan/236	خرس	Rk-tho/396	خَستوا	Steu 1/451
خُتن	Khitan/236	خرسند	Au 2/39	خستوان	Steu 1/451
خجسته	Gwhedh/182		Sed/405	خسته	Xad/528
	Su 1/454	خِرَفستَر	Kwer/263	خُسَر	Kleu 1/240
خدا	Seu 1/417	خرگوش	Kar 1/212		Su 1/454
	Aiw/11	خَرَم	Rem/390	خسرو	Kleu 1/240
	Ghu 1/165	خُرم	Su 1/454		Su 1/454
خدای	Seu 1/417	خرمگس	Kar 1/212	خسور	Kleu 1/240
خدایچه	Seu 1/417	خرمهره	Kar 1/212	خُسور	Su 1/454

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
خسوره	Kleu 1/240	خفتان	Kaftân/203	خوابیدن	Swep/462
خُسوره	Su 1/454	خُفتک	Swep/462	خواجه	Seu 1/417
خسوف	Leigh 2/277	خُفتن	Swep/462		Aiw/11
خسپدن ؟	Kes 2/231	خُفتو	Swep/462		Ghu 1/165
خشاپار	Eres 1/130	خَفج	Swep/462	خوار	Ēter/132
	Ksei 1/248	خَفجا	Swep/462		Wer 6/517
خشت ۱	Aidh/9	خفدان	Kaftân/203	خوارزم	Ghdhem/150
خِشت ۲	Eres 2/131	خلبان	Swep/462		Su 1/455
خشک	Saus/401	خلنج	Kulanjâ/255	خوارزمی	Ghdhem/150
خشکیدن	Saus/401	خلنگ	Kulanjâ/255		Su 1/455
خشکیده	Saus/401	خَلِه	Swep/462	خواست	Swâd/459
خشم	Eis 1/119	خَلیدن	Swep/462	خواستار	Swâd/459
خَشَن	Ksei 2/249	خُم ۱	Gëu 1/147	خواستن	Swâd/459
خَشَن	Ne 1/321	خَم ۲	Kam 2/207	خوان ۱	Xvaini/530
خشنسار	Ne 1/321	خماندن	Kam 2/207	خوان ۲	Swen/461
	Ksei 2/249	خمره	Gëu 1/147	خوانچه	Xvaini/530
خشنود	Su 1/454	خمیدن	Kam 2/207	خواندن	Swen/461
	Kes 2/231	خَن	Gwhen 1/183	خواه	Swâd/459
خُشو	Kleu 1/240	خندق	Gwhen 1/183	خواهر	Seu 1/417
خَشی	Ksei 2/249	خنگ	Ghengh/157	خواهش	Swâd/459
خَشیسار	Ksei 2/249	خُنیا	Su 1/454	خوب	Op/344
خشیسار	Ne 1/321		Wekw/508		Su 1/454
خَشیشار	Ksei 2/249	خنیارگر	Wekw/508	خود ۱	Seu 1/417
خَشین	Ksei 2/249		Su 1/454	خود ۲	Skeu 2/425
خشینه	Ksei 2/249	خنیدن	Swen/461	خور	Swel 1/461
خطا	Khitan/236	خو	Seu 1/417		Sâwel/402
خطان	Khitan/236	خواب	Swep/462	خوردن	Swel 1/461

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
خورش	Swel 1/461	خیزیدن	Suîğ/457	دارافزین	Kwetwer/265
خورشید	Ksei 2/249	خیش	Oies/342		Ped/354
	Sâwel/402	خیشکار	Oies/342	دارکوب	Deru 1 /91
خَوَرَق	Swel 1/461	خیم	Haem/189	دارو	Deru 1 /91
خورنگاه	Swel 1/461	خیو	Sweid/460		Dher 1/98
خورنگه	Swel 1/461	خیوق	Ghdhem/150	داروخانه	Deru 1 /91
خوره	Swel 1/461		Su 1/455	داروزین	Ped/354
	Swer/462	خیوه ^۱	Ghdhem/150		Kwetwer/265
خُوست	Svas/459		Su 1/455	داریوش	Dher 1/98
خوش	Kes 2/231	خیوه ^۲	Sweid/460		Su 1/456
	Su 1/454			داریه	D.v.r/114
خوشخو	Seu 1/417	د			Deru 1 /91
خوش خیم	Haem/189			داس	Dâ 1/78
خوشیدن	Kes 2/231	داد	Dhě 2/94	داستان	Dhě 2/94
	Saus/401	دادار	Dô 2/109	داشتن	Dher 1/98
خوشیده	Saus/401	دادرس	Dhě 2/94	داشن	Dô 2/109
خوک	Sek/409	دادستان	Dhě 2/94	داغ	Dhogh/104
	Su 2/457	دادسرا	Dhě 2/94	دام ^۱	Dema/87
خولیا	Ghel/156	دادن	Dô 2/109	دام ^۲	Dě 1/80
خون	Wes 1/520	دار ^۱	D.v.r/114	داماد	Geme/140
خوی	Sweid/460	دار ^۲	Deru 1 /91		Ter 3/475
خویش ^۱	Pa/349	دار ^۳	Dher 1/98	دامپروری	Dema/87
	Seu 1/417	دارا	Dher 1/98	دامپزشکی	Dema/87
خویش ^۲	Oies/342	داراب	Dher 1/98	دامداری	Dema/87
خویشکار ^۲	Oies/342	دارابزین	Kwetwer/265	دامغان	Gwhen 1/183
خیال	Ghel/156		Ped/354	دان ^۱	Dhě 2/94
خیز	Suîğ/457	دارابگرد	Dher 1/98	دان ^۲	Gnô/168

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
دانا	Gnô/168	دختر	Dheugh/101	درزمان	Dher 1/98
دانستن	Gnô/168		Ter 3/475		Men 1/301
دانش	Gnô/168	دختراندر	An 2/24	درزن	Dher 1/98
دانشجوی	Yeu 3/536		Ter 1/474	درزه	Dher 1/98
دانشکده	Ket/232	دخش ۱	Dek/83	درزی	Dher 1/98
دانشگاه	Gwa/172	دخش ۲	Dhogh/104	درست	Deru 1 /91
دانشمند	Menth/304	دخمه	Dhogh/104	درشت	Dhars/93
دانشومند	Menth/304	دخو	Dhîs/103	درشکه	Dhragh 1/105
دانگ	Dhě 1 /93	دَد	Denk/87	درفش ۱	Ksei 2/249
دانوب	Dâ 2/79	دده ۱	Âtos/38		Leuk/282
دانه	Dhě 1 /93	دده ۲	Dhedh 2/95	درفش ۲	Der 1/89
دانیال	Layh/273	در	Dhwer/106	درفشیدن	Ksei 2/249
دانیل	Layh/273	درایزین	Kwetwer/265	دُرگر	Deru 1 /91
داو	Dâ 1/78		Ped/354	دِرَم	Drassoman/110
داو دار	Dâ 1/78	دراز	Del/86	درمان	Dher 1/98
دا و ر	Dhě 2/94	درب	Dhwer/106	درنگ	Del/86
داور	Bher 1/58	دربار	Wel 3/511	دِرو	Der 1/89
داوطلب	Dâ 1/78	دربان	Dhwer/106	دروازه	Dhwer/106
دایر	D.v.r/114		Pa/349	دُرود ۱	Deru 1 /91
دایره	D.v.r/114	دربند	Bhendh/57	دُرود ۲	Deru 1 /91
دایه	Dhě 1 /93		Dhwer/106	درودرگر	Deru 1 /91
دایی	Dhě 1 /93	درخت	Deru 1 /91	دُرودن	Der 1/89
دبستان	Dub/111	درخش	Leuk/282	دروغ	Dhreugh/105
دبیر	Dub/111	درخشیدن	Ksei 2/249	درون ۱	Der 2 /90
دبیرستان	Dub/111	دَرَد	Der 1/89	دُروند	Dhreugh/105
دجله	Steig/448	دُرَد	Tartaros/466	درونه	Deru 1 /91
دخت	Dheugh/101	درز	Dher 1/98	درویش	Dregh/110

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
دَرّه	Der 1/89	دُژمناک	Dus/113	دَف	Dub/111
دِرهم	Drassoman/110	دُژنام	Dus/113		Deru 1 /91
دریا	Glei/167	دُژوار	Dus/113	دفتر	Deph/88
دریابار	Per 2/365	دست	Ghesto/161	دقل	Daqal/79
دریانورد	Wer 2/514	دستار	Ghesto/161	دکا -	Dekm/84
دریدن	Der 1/89	دستان	Dhē 2/94	دکامتر	Dekm/84
دریوز	Dregh/110	دستگاه	Ghesto/161	دکتر	Dek/83
دریوزگی	Dregh/110	دستگرد	Kwer/262	دکور	Dek/83
دریوش	Dregh/110	دستور	Bher 1/58	دگر	Dwo/115
دزد	Dus/113		Dhē 2/94	دل	Kerd 1/229
دزفول	Dheigh/96	دسی -	Dekm/84	دلپذیر	Ghrehb/164
دژ	Dheigh/96	دسیمتر	Dekm/84	دُلفین	Gwelbh/177
دُژآگاه	Dus/113	دُشپیل	Dus/113	دلمه	Dolmak/109
دُژآلود	Dus/113	دُشپیه	Peî/355	دلپله	D.1.1/108
دُژآهنگ	Dus/113	دشت ۱	Dek/83	دَم	Dhem/97
دژبان	Dheigh/96	دشت ۲	Dô 2/109	دُم	Dumb/112
دُژبرو	Dus/113	دشخوار	Dus/113	دما	Dhem/97
دژپل	Dheigh/96	دشمن	Dus/113	دمادم	Apo/29
دُژپیه	Dus/113		Men 1/301	دماوند	Dhem/97
	Peî/355	دشن	Dek/83		Dumb/112
دُژخیم	Dus/113	دشنام	Dus/113	دُمَل	Dus/113
دژخیم	Dus/113		Nomn/340		Dumb/112
	Haem/189	دشوار	Dus/113	دموکرات	Dâ 1/78
دژدار	Dheigh/96		Bher 1/58	دموکراسی	Dâ 1/78
دُژک	Dus/113		Ēter/132		Kar 1/212
دُژم	Dus/113	دشیاد	Dus/113	دمیدن	Dhem/97
دُژمان	Dus/113	دُشیاد	Yem/534	دَن	Dhen/97

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
دَنان	Dhen/97	دوز	Deuk/92	دهبان	Dhîs/103
دُنب	Dumb/112	دوزخ	An 1/24	دهخدا	Dhîs/103
دنباله	Dumb/112		Dus/113	دهدار	Dhîs/103
دنبک	Dumb/112	دوزندگی	Deuk/92	دهر	D.v.r/114
دُنبک	Tabûrâk/464	دوزیدن	Deuk/92	دهره	Dâ 1/78
دُنبَل	Dumb/112	دوست	Geus/148	دهستان	Dhîs/103
دنبلان	Dumb/112	دوش ۱	Deu 1/92	دهش	Dô 2/109
دنبه	Dumb/112	دوش ۲	Dous/110	دهقان	Dhîs/103
دندان	Denk/87	دوش ۳	Deuk/92	دهکده	Ket/232
دنده	Denk/87	دوش ۴	Dheugh/101		Dhîs/103
دَنیدن	Dhen/97	دوشیدن	Dheugh/101	دهکیا	Dhîs/103
دو ۱	Dwo/115	دوشیزه	Dheugh/101	دهگان	Dhîs/103
دو ۲	Dheu 1/99	دوغ	Dheugh/101	دی ۱	Ghei 1/153
دوآر	D.v.r/114	دوک	Dhûs/106	دی ۲	Dô 2/109
دوچین	Dekm/84	دول	Der 1/89	دی ۳	Ghdies/151
	Dwo/115	دولبند	Bhendh/57	دیابت	Gwa/173
دوختن ۱	Deuk/92	دوّم	Ēmos/123		Dwo/115
دوختن ۲	Dheugh/101	دونده	Dheu 1/99	دیّار	D.v.r/114
دود	Dheu 2/100	دویدن	Dheu 1/99	دیار	D.v.r/114
دودمان	Dem/86	دویست	Dekm/85	دیافراگم	Dwo/115
	Dheu 2/100		Dwo/115	دیاله	Steig/448
دوده	Dheu 2/100	دِه ۱	Dekm/84	دیالیز	Dwo/115
دور ۱	Deu 2/92	دِه ۲	Dhîs/103		Leu/280
دور ۲	D.v.r/114	دِه ۳	Dô 2/109	دیانت	Dhey/102
دوران	D.v.r/114	دهات	Dhîs/103	دیبا	Dei/81
دوربین	Dhey/102	دهاتی	Dhîs/103		Zay/539
دوره	D.v.r/114	دهان	Geph/142	دیباچ	Dei/81

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
دیباجه	Dub/111	دیوان	Dub/111	رازی	Ragâ/384
دیبه	Dei/81	دیوانه	Dei/81	راست	Reg 1/387
دیپلم	Zay/539	دیوانه وار	Wel 3/511	رافائل	Layh/273
دیپلمات	Dwo/115	دیه	Dhîs/103	رام	R.f.a'/395
دیدن	Dwo/115	دیهمیم	Dě 1/80	رامش	Rem/390
دیر	Dheye/102		Dwo/115	رامیدن	Rem/390
دیروز	Del/86			رامین	Rem/390
- دیز	Ghdies/151	ذ		ران	Srěno/442
دیزی	Deik/82			راه	Ret/392
- دیس	Dheigh/96	ذاکر	Z.k.r/541	راهب	Ret/392
دیسک	Deik/82	ذره بین	Dheye/102	راهبان	Ret/392
دیشب	Deik/82	ذغال	Dhogh/104	راهبه	Ret/392
دیفتری	Ghdies/151	ذکر	Z.k.r/541	راهرو	Ret/392
دیكتاتور	Deph/88	ذالّت	D.1.1/108	راهنما	Ret/392
دیكته	Deik/82	ذلّت	D.1.1/108	رایج	Rěp/391
دیگ	Deik/82	ذلیل	D.1.1/108	رائج	Rěp/391
دیگر	Dheigh/96			رایگان	Ret/392
دیم	Dwo/115	ر		رَب	R.b.b/385
دیمه	Dheye/102			رُبّ	R.b.b/385
دین ۱	Dheigh/96	را	Ar/32	- رُبا	Leup/283
دین ۲	Dheye/102	راد ۱	Ar/31	رَبّانی	R.b.b/385
دین ۳	Dînu/108	راد ۲	Rei 1/389	رباییدن	Leup/283
دینار	Dînu/108	راز	Redh/386	ربودن	Leup/283
دیو	Dekm/84	رازق	Leuk/282	رج	Reg 1/387
دیوار	Dei/81	رازقی	Ragâ/384	رَجیدن	Reg 3/388
	Dheigh/96	رازگی	Ragâ/384	رختشوی	Kseud/250

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
رخش	Ksei 2/249	رَسَن زدن	Rek/390	رنجور	Lanġ/272
رخشیدن	Ksei 2/249	رسیدن	Er 1/126		Bher 1/58
رَد	Ar/32	رشتن	Rei 2/389	رنجیدن	Lanġ/272
رده	Reg 1/387	رشته	Rei 2/389	رنده	Er 1/126
رَزَا	Leudh/281	رَشک	Eres 1/130	رندیدن	Er 1/126
رُز ۱	Leudh/281	رِشک	Erek/129	رنگ	Reg 3/388
رُز ۲	Wrdho/526	رطل	Lithra/284	رنگ آمیزی	Reg 3/388
رَزاق	Leuk/282	رُغ	Reug/394	رنگارنگ	Reg 3/388
رَ زبان	Leudh/281	رفتار	Rěp/391	رنگ برنگ	Reg 3/388
رَ زبان	Leudh/281	رُفتن	Raup/385	رنگرز	Reg 3/388
رزق	Leuk/282	رفتن	Rěp/391		Reg 3/388
رزم	Reg 1/387	رُفو	R. f. a' /395	رنگین	Reg 3/388
رِزمه	R. z. m/397	رفوزه	Gheu 1/162	رنگین کمان	Reg 3/388
رزیدن	Reg 3/388	رگ	Eres 1/130	رو	Leudh/281
رژه	Reg 1/387	رِگل	Reg 1/387	روا	Rěp/391
رژیم	Reg 1/387	رَم	Ser 1/415	رواج	Rěp/391
رس	Er 1/126	رماندن	Ser 1/415	روان ۱	Rěp/391
رستاخیز	Leith/278	رمانیدن	Ser 1/415	روان ۲	Urvan/491
	Suiġ/457	رموک	Ser 1/415	روانپزشک	Urvan/491
رستخیز	Leith/278	رمه	Rem/390	روانکاو	Urvan/491
	Suiġ/457	رمیدن	Ser 1/415	روباه	Wel 2/511
رستگار	Redh/386	رمیده	Ser 1/415	روبیدن	Raup/385
رُستم	Leudh/281	رنج	Lanġ/272	رود	Ser 1/415
	Tenk/473	رنجانندن	Lanġ/272	رودبار	Per 2/365
رَسَن	Redh/386	رنجانیدن	Lanġ/272		Ser 1/415
رُسن	Leudh/281	رنجبر	Lanġ/272	رودخانه	Ser 1/415
رَسَن	Rek/390	رنجش	Lanġ/272	روده	Reuto/395

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
روز	Leuk/282	رویناس	Reudh 1/394	ریشه	Uroiks/491
روزنه	Leuk/282	روینگ	Reudh 1/394	ریغ	Er 1/126
روزی ده	Dô 2/109	روپیدن	Leudh/281	ریگ	Raika/385
روژ	Reudh 1/394	رویین	Reudh 1/394	ریگزار	Raika/385
روستا	Leudh/281	روپینه	Reudh 1/394	ریگستان	Raika/385
روستای	Leudh/281	رّه	Ret/392	ریل	Reg 1/387
روش	Rěp/391	رهبر	Ret/392	ریم	Er 1/126
روشن	Ksei 2/249	رهرو	Ret/392	ریمن	Er 1/126
	Leuk/282	رهنما	Ret/392	ریمه	Er 1/126
روشنایی	Ksei 2/249	رهیدن	Redh/386	ریو	Leip/278
روضه	Leudh/281	ری	Ragâ/384	ریواس	Eres 1/130
	Ser 1/415	ریاض	Leudh/281	ریوند	Eres 1/130
روغ	Reug/394	ریال	Reg 1/387	ریوه	Leip/278
روغن	Reughmen/394	ریتم	Ser 1/415		
روفتن	Raup/385	ریختن	Leigh 2/277		
رولت	Ret/392	ریدن	Er 1/126		
روماتیسیم	Ser 1/415	ریز	Rei 2/389	ز	
روناس	Reudh 1/394	ریز ۱	Leigh 2/277	ز	
روند	Rěp/391	ریزش	Leigh 2/277	ز	
رونق	Leudh/281	ریزه	Rei 2/389	ز	
	Nei 1/325	ریسک	Sek/408	ز	
رونیک	Nei 1/325	ریسمان	Rei 2/389	ز	
	Leudh/281	ریسندگی	Rei 2/389	ز	
روی ۱	Leudh/281	ریسیدن	Rei 2/389	ز	
روی ۲	Reudh 1/394	ریش ۱	Rei 2/389	ز	
رویال	Reg 1/387	ریش ۲	Uroiks/491	ز	
رویگر	Reudh 1/394	ریشتن	Rei 2/389	ز	

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
زال	Ger 2/144	Wes 1/520	زمهریر	Ghei 1/153	ریشه
زانو	Genu 1/142	Ghel/155	زمین	Ghdhem/150	ریشه
زاو	Geu 2/147	Ger 2/144	زمین لرزه	Lrġ/285	ریشه
زاوَر	Geu 2/147	Ghel/155	زن	Gwen 1/178	ریشه
زاهیدن	Ôus 2/348	Kwer/262	زناء	Z.n.y/541	ریشه
	Ud 1/486	Gĕu 1/146	زنا	Z.n.y/541	ریشه
زائو	Gene 1/141	Ghel/155	زَنّار	Yôs/538	ریشه
زاییدن	Gene 1/141	Ger 2/144	زناشوئی	Kseud/250	ریشه
زَباد	Z.b.d/540	Ghel/155	زنبور	D.b.r/80	ریشه
زبان	Dinghw/107	Ger 2/144	زنجبیل	Ker 1/226	ریشه
زَبَد	Z.b.d/540	Ghlâd/163	زنجرف	Sinkadruš/420	ریشه
زُبده	Z.b.d/540	Ghel/155			
زخم	Gwes/181	Gheis/155	زنجیر	Ghei 2/154	ریشه
زخمه	Gwes/181	Isto/197	زنفخ	Genu 2/142	ریشه
زدا	Dheu 3 /101	S.f.r/419	زنخندان	Genu 2/142	ریشه
زدای	Dheu 3 /101	Dhogh/104	زند	Gnô/168	ریشه
زدن	Gwhen 2/185	Gan/137	زندان	Ghei 2/154	ریشه
زدودن	Dheu 3 /101	Sphallein/439	زندگی	Gwei/175	ریشه
زرا	Ghel/155	Geph/142	زنده	Gwei/175	ریشه
زَر	Ger 2/144	Wag 2/495	زندیق	Gnô/168	ریشه
زَراد	Ghlâd/163	Z.k.r/541	زنگ	Ghengh/157	ریشه
زَرادخانه	Ghlâd/163	Wag 2/495	زنگبار	Per 2/365	ریشه
زَرادگاه	Ghlâd/163	Dhogh/104	زنودن	Neu/333	ریشه
زراف	Zarâfah/539	Ghei 1/153	زنویه	Neu/333	ریشه
زرافه	Zarâfah/539	Gwa/172	زنویدن	Neu/333	ریشه
زراه	Glei/167	B.r.q/71	زنهار	Dher 1/98	ریشه
زرتشت	Ger 2/144	Ghei 1/153	زوج	Ghei 2/154	ریشه
				Yeu 1/535	ریشه

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
زوجہ	Yeu 1/535	زیبندہ	Zay/539	ژرسہ	Skhai/427
زود	Geu 2/147	زیبیدن	Zay/539	ژرف	Gwebh 1/174
زور ^۱	Geu 2/147	زیر	En/124	ژرفا	Gwebh 1/174
زور ^۲	Gheu 1/162		Sekw/410	ژکیدن	Wag 2/495
زور ^۳	Ghuel/166	زیرک	Gwei/175	ژگال	Dhogh/104
زورق	Ĝaulos/138	زیر کونیم	Gěu 1/146	ژن	Gene 1/141
زورقی	Ĝaulos/138		Ghel/155	ژنراتور	Gene 1/141
زوش	Zauša/539	زیرہ	Ger 2/144	ژنرال	Gene 1/141
زہ ^۱	Gwhi/186	زیرہ با	Ger 2/144	ژوپ	J.b.b/198
زہ ^۲	Ōus 2/348	زیست	Gwei/175	ژوپن	J.b.b/198
	Ud 1/486	زیستن	Gwei/175	ژورنال	Dei/81
زہ ^۳	Gwhen 2/185	زین	Ghei 2/154	ژوژ	Ang/26
زہاب	Ōus 2/348	زینہار	Ghei 2/154		Dus/113
	Ud 1/486		Dher 1/98	ژوژہ	Ang/26
	Ab 1/1	زیور	Zay/539		Dus/113
زہدان	Dhě 2/94	ژئولیت	Yes/534	ژہ	Gwhen 2/185
	Ōus 2/348			ژیر	Gwei/175
	Ud 1/486	ژ		ژیلٹ	Ijlak/196
زہر	Gwhen 2/185			ژیلہ	Ijlak/196
زہرہ	Ghel/155	ژاژ	Wag 2/495	ژیمناستیک	Nogw/339
زہیدن	Ōus 2/348	ژاژخا	Wag 2/495	ژیوہ	Gwei/175
	Ud 1/486	ژاک	A`.q.b/30		
زی	Gwei/175	ژاکلمین	A`.q.b/30		
زیان	Gweie/176	ژالہ	Gheled/156		
زیب	Zay/539	ژاندارم	Gene 1/141	ساب	Ak/13
زیبا	Zay/539	ژانویہ	Ei/119	ساتراپ	Ksei 1/248
زیبق	Gwei/175	ژد	Gwhen 2/185	ساج	Sakah/399

س

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
ساجد	Masgdâ/292	سامع	S.m.`a/430	سپوختن ^۱	Peuk/372
ساخارین	Korkâ/243	ساموئل	Layh/273	سپوختن ^۲	Peuk/372
ساختن	Kak 1/204	سان	Ak/13	سپوزگار	Peuk/372
- سار ^۱	Ter 1/474	سافتیگراد	Gredh/169	سپوزیدن	Peuk/372
سار ^۲	Kâd 1/202	سافتمتر	Dekm/85	سپه	Kwon/268
سار ^۳	Sper/437	سانسکریت	Kwer/263	سپهبد	Kwon/268
ساریان	Ker 1/226	سانسور	Kens/225	سپهر	Per 3/366
سارجه	Sper/437	ساو	Ak/13	سپهسالار	Kuei/254
سارچ	Sper/437	سای	Ak/13	سپید	Spher/440
سارک	Sper/437	سایه	Skai/421	سپیدبا	Kwon/268
ساری	Sper/437	ساییدن	Ak/13	سپیده	Kuei/254
سازش	Kak 1/204	سَبَت	Šabatu/398	سِتاخ	Pekw/358
سازگار	Kak 1/204	سَبک	Trep 1/482	ستاد	Kuei/254
سازیدن	Kak 1/204	سپار	Sphel/439	ستادن	Stâ/444
ساس ^۱	Saka/399	سپاردن ^۱	Spher/440	ستاره	Stâ/444
ساس ^۲	Kiës/237	سپاردن ^۲	Ud 1/486	ستاک	Stâ/444
ساستا	Kâs 2/214	سپاس	Spek/436	- ستان	Stâ/444
ساستار	Kâs 2/214	سپاه	Kwon/268	ستایش	Stâ/444
ساک	Saka/399	سپر	Sphel/439	ستاییدن	Steu 1/451
ساکارز	Korkâ/243	سپردن ^۱	Spher/440	ستبر	Steu 1/451
ساکن	K.w.n/266	سپردن ^۲	Ud 1/486	ستدن	Stebh/446
سال	Kel 1/220	سپرز	Spelgh/437	سُترگ	Stâ/444
سالار	Ker 1/226	سپری	Spher/440	سُترون	Stâ/444
سالامندر	Salamandra /399	سپست	Ed/117	ستم	Ster 4/451
سالم	S.l.m/429	سپیل	Kapho/211	ستمبه	Stâ/444
سام	Kei 1/217	سپنج	Spongo /441		Stebh/446
سامسون	Š.m.š/431				

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
سُتوار	Stebh/446	سدیم	S.d.a`/403	سِرْم	Ser 1/414
ستوان ۱	Steu 1/451	سر	Ker 1/226	سرما	Kel 1/220
سُتوان ۲	Stebh/446	سرا	Ter 1/474	سرنا	Nedo/324
ستودن	Steu 1/451	سراپرده	Pele/361	سرنگون	Gëu 1/146
ستور	Tëu 1/477	سراج	Cîrâğ/75	Nî 1/335	
ستون	Stâ/444	سُرادیق	Ter 1/474	سَرو	Šurmënu/458
ستوه	Tëu 1/477	سرادقات	Ter 1/474	سُرو	Ker 1/226
	Ud 1/486	سراسر	Apo/29	سروا	Kleu 1/240
ستهیدن	Steig/448	سرامیک	Ker 5/228	سرواد	Kleu 1/240
ستیز	Steig/448	سرانجام	Sem 1/412	سرواده	Kleu 1/240
ستیزه	Steig/448	سرای ۱	Ter 1/474	سروان	Pa/349
ستیزیدن	Steig/448	سرای ۲	Kleu 1/240	سروبن	Wen/512
ستیغ	Steig/448	سراییدن	Kleu 1/240	سرود	Kleu 1/240
ستهیدن	Steig/448	سرب	Sru 3/443	سرودن	Kleu 1/240
سجّاد	Masgdâ/292	سرخ	Keuk 1/235	سروستان	Šurmënu/458
سجّاده	Masgdâ/292	سرخاب	Keuk 1/235	سُروش	Kleu 1/240
سجده	Masgdâ/292	سرد	Kel 1/220	سُرون ۱	Ker 1/226
سجزی	Saka/399	سردار	Ker 1/226	سُرون ۲	
سجّل	Sekw/410	سرده	Kerd 2/229	Klou-ni/242	
سجود	Masgdâ/292	سِرش	Klis/241	Ser 3/416	سری
سخت	Kak 1/204	سرشار	Gwhder/181	Ser 3/416	سربال
سختن	Ak/12	Ker 1/226		Klis/241	سِریش
سختیدن	Ak/12	سرشت	Klis/241	Klis/241	سِریشم
سخن	Kâs 2/214	سرشتن	Klis/241	Klou-ni/242	سُربن
	Kens/225	سرشک	Sresk/442	Kak 1/204	سزا
سخندان	Gnô/168	سرفه	Ker 3/227	Skhai/427	سِزار
سِدر	Q.t.r/382	سرگین	Sek/408	Skhai/427	سزارین
				Kak 1/204	سزاوار

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
سزیدن	Wel 3/511	سکوره	Spek/436	Wer 5/517	
سطل	Kak 1/204	سکون	Skeu 2/425	Gwel 1/176	سَمُول
سُغَر	Sě 3/404	سَکه	K.w.n/266	Sem 1/412	سَمُول
سُفت	Sukurna/458	سَکینه	Saka/399	Keu 2/232	سُمپه
سُفتن	Kup 1/256	سگ	K.w.n/266	Pô 2/374	سمپوزیم
سفسطه	Keu 2/232	سِگال	Kwon/268	Sem 1/412	
سَقَل	Sophos/434	سگالش	Sek/409	W.s.m/527	سِمَت
سفلیس	Kapho/211	سگالیدن	Sek/409	Mei 3/297	سمت
	Bhili/66	سُگَر	Sek/409	Gwhen 1/184	سمرقند
	Su 2/457	سُگرَنه	Sukurna/458	Gwhen 1/184	سمر کند
سفید	Kuei/254	سگزی	Sukurna/458	S.m.`a/430	سَمع
سفینه	Ghei 2/154	سگستان	Saka/399	Bhâ 2/50	سمفونی
سقرلات	Sekw/410	سگک	Saka/399	Sem 1/412	
سِک	Seiku/407	سلام	Kakis/206	Skhai/427	سمنت
سکا	Saka/399	سلامت	S.l.m/429		سمندر
سکار	Dhogh/104	سلمی	S.l.m/429	Salamandra /399	سمندور
سکار آهنج	Dhogh/104	سلمیم	S.l.m/429		سمندور
سکارو	Dhogh/104	سلمیمان	S.l.m/429	Salamandra /399	
سکاروا	Dhogh/104	سَم	Kapho/211	Ghei 1/153	سمیران
سِکال	Sek/409	سَماع	S.m.`a/430	Ghei 1/153	سمیرم
سکالو	Dhogh/104	سماق	Summâq/458	S.m.`a/430	سَمیع
سِکبا	Pekw/358	سماق پالا	Summâq/458	Sen 1/413	سنا
سکربه	Skeu 2/425	سماقیل	Summâq/458	Sen 1/413	سناطور
سکره	Skeu 2/425	سَماک	Summâq/458	Skai/421	سناریو
سکنجبین	Embhi/123	سماکیل	Sem 1/412	Kapho/211	سُنَب
	Pei/355	سماور		Keu 2/232	سُنپه
سکوبا	Epi/125			Keu 2/232	سُنپیدن
				Pôl /375	سنتور

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
سَنج	Gěu 1/147	سور	Keu 4/234	سه تار	Ten 1/471
سَنجَش	Ak/12	سوراخ	Keu 2/232		Trei/481
سَنجِه	Ak/12	سورنا	Keu 4/234	سهراب	Keuk 1/235
سَنجِیدَن	Ak/12	سورنای	Keu 4/234	شُهر وُرد	Keuk 1/235
سَنَدَروس	Kand 1/209		Nedo/324		Wrdho/526
سَنَدِرِه	Kand 1/209	سوز	Keuk 1/235	سه گاه	Gěi/138
سَنَدَل	Kand 1/209	سوزاک	Keuk 1/235	سهم	Tres/483
سَنَسکَرِیت	Kwer/263	سوزان	Keuk 1/235	سهمگین	Tres/483
سَنگ	Ak/12	سوزش	Keuk 1/235	سهمناک	Tres/483
سَنگ بُر	Bher 3/60	سوزن	Kū 2/254	سی	Dekm/84
سَنگلاخ	Lēs/279	سوژه	Upo/489		Trei/481
سَنَوَر	Sâi 2/398	سوسن	Šôšen/435	سیامک	Kei 1/217
سَنِهر	Sneigwh/432	سوسنگرد	Kwer/262	سیاوش	Kei 1/217
سو	Teub/478	سوق	Teub/478		Eres 1/130
سوار	Bher 1/58	سوقی	Teub/478	سیاه	Kei 1/217
	Ekwos/121	سوقیّه	Teub/478	سیاه چرده	Ker 4/228
سو بِلِمِه	Upo/489	سوگ ۱	Keuk 1/235	سیاه گوش	Kei 1/217
سو پ	Seu 2/418	سوگ ۲	Kū 2/254	سیج	Tiegu/479
سو پَر	Upo/490	سوگ ۱	Keuk 1/235	سیچمند	Tiegu/479
سو پَر مار کت	Upo/490	سوگ ۲	Kū 2/254	سیخ	Čîxâ/76
سو خاری	Korkâ/243	سو گند	Keuk 1/235	سیخونک	Čîxâ/76
سو ختن	Keuk 1/235	سَوَل	Kapho/211	سیر	Srîra/443
سود	Sav 1/401	سولاخ	Keu 2/232	سیراب	Srîra/443
	Sek/408	سوهان	Ak/13	سیروس	Sker 1/424
سودا	S.d.a`/403	سوی	Teub/478	سیزده	Dekm/84
سودمند	Sav 1/401	سو یا	Chiang-yu/75		Trei/481
سودن	Sek/408	سه	Trei/481	سیستان	Saka/399

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
سیف	Kiph/237	Men 1/301	شاه اسپرم	Spereg/438	ریشه
سیفلیس	Su 2/457	Kweye/266	شادی	Pôu/376	شاهپور
سیفیلیس	Bhili/66	Gwhder/181	شار	Wel 3/511	شاهوار
سیکل	Kwel/261	Cîrâğ/75	شارق	Kei 1/217	شاهین
سیلندر	Kwel/261	Ger 2/144	شارل	Ksei 1/248	شایان
	Skel 1/423	Čar/74	شارلاتان	Ksei 1/248	شاید
سیلی	Sek/409	Gwhder/181	شاریدن	Ksei 1/248	شایستن
سیم ۱	Kem 1/223	Kap/210	شاسی	Ksei 1/248	شایسته
سیم ۲	Ne 1/322	Kwer/262	شاگرد	Ksei 1/248	شایگان
	Sěma/413	Sekw/410		Kwsep/269	شب
سیم ۳	Sěma/413	Šavala/401	شال ۱	Pek/357	شبان
سیم ۴	Sěma/413	Šavala/401	شال ۲	Pa/349	
سیما	Dheye/102	Šavala/401	شال کلاه	Kwsep/269	شباهنگ
سیماب	Sěma/413	Šavala/401	شالنگ	Deik/82	شبذیز
سیمان	Skhai/427	Šâli/399	شالی	Kwsep/269	
سیم پیچ	Sěma/413	Šâli/399	شالیزار	Kwsep/269	شبرنگ
سیمرغ	Kei 1/217	Kwsep/269	شام	Kwsep/269	شبستان
	Mereğa/306	Kam 2/207	شامپاین	Kwsep/269	شبگرد
سیم کشی	Sěma/413	Kwsep/269	شامگاه	Kwsep/269	شبگیر
سینما	Kei 2/218	Gwhen 1/182	- شان	Gwa/172	شب هنگام
		Sweks/460	شانزده	Spiš/441	شپش
		Dekm/84		Spiš/441	شپشک
		Layh/273	شانزه لیزه	Spiš/441	شپشه
شاخ	Kâk 2/205	Kad 2/202	شانس	Ambhi/21	شتاب
شاخه	Kâk 2/205	Gwhen 1/182	- شانزده	Tep/473	
شاد	Kweye/266	Kes 2/231	شانزده ۱	Ambhi/21	شتافتن
شادمان	Kweye/266	Ksei 1/248	شاه	Tep/473	

ش

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
شتر	Wes 1/520	شَقَل	Kapho/211	شَل ۱	Skel 1/423
شترنگ	Ang/26	شکار	Kwer/262	شَل ۲	Šalla/400
	Kwetwer/265		Ambhi/21	شَلپوی	Skel 1/423
شدن	Kei 2/218	شکاف	Sek/408	شَلتوک	Šâli/399
شراب	Š.r.b/442	شکافتن	Sek/408	شلنگ	Skel 1/423
شُران	Gwhder/181	شکال	Srgâla/443	شلوار	Wel 3/511
شُرَب	Š.r.b/442	شکپوی	Skel 1/423		Skel 1/423
شریت	Š.r.b/442	شِکر ۱	Korkâ/243	شِلیدن	Šalla/400
شُرُشُر	Gwhder/181	شِکر ۲	Kwer/262	شما	Yu/538
شرق	Cîrâğ/75	شِکردن	Kwer/262	شمار	Mer 1/304
شرم	Kormo/243	شِکستن	Sek/408	شمارش	Mer 1/304
شِریدن	Gwhder/181	شِکفتن	Sek/408	شماره	Mer 1/304
شُست	Sweks/460	شِکله	Kâk 2/205	شمردن	Mer 1/304
شست	Dekm/84	شِکم	Reuto/395	شمس	Š.m.š/431
شستن	Kseud/250	شِکمبه	Reuto/395	شمسه	Š.m.š/431
شِش	Sweks/460	شِکن	Sek/408	شمسی	Š.m.š/431
شُش	Kwes/264	شِکوفه	Sek/408	شمشیر	Šfšyr/419
شطرنج	Ang/26	شِکوه	Keu 3/233	شمعون	S.m.`a/430
	Kwetwer/265	شِکیب	Skaif/421	شَمَن	Klem/239
شغال	Srgâla/443	شِکیبا	Skaif/421	شمیران	Ghei 1/153
شَقّاف	Š.f.f/419	شِکیبایی	Skaif/421	شُمیز	Kem 2/223
شَقّافیت	Š.f.f/419	شِکیبیدن	Skaif/421	شَن	Gwhen 1/182
شِفْتا هنج	Kiph/237	شِکیفتن	Skaif/421	شنا	Snâ/431
شَفش	Kiph/237	شِگار	Dhogh/104	شناختن	Gnô/168
شِفْشا هَنگ	Kiph/237	شِگال	Srgâla/443	شناس	Gnô/168
شَفْشَف	Kiph/237	شِگپوی	Skel 1/423	شنبه	Šabatu/398
شَفْشه	Kiph/237	شِگفت	Sek/408	شَنَدف	Deru 1 /91

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
شهرام	Rem/390	شیمفتن	Ksîp/251	شنودن	Kleu 1/240
شهردار	Ksei 1/248	شیمفته	Ksîp/251	شنوسه	Skëu 1/425
شهریار	Ksei 1/248	شیمی	Gheu 1/162	شنوشه	Skëu 1/425
شهریور	Ksei 1/248	شیوا ۱	Kers 2/230	شنیدن	Kleu 1/240
شیء	Wel 1/509	شیوا ۲	Swei/459	شو	Kei 2/218
شیب ۱	Šay'/403	شیون	Kei 4/219	شوخ	Kseud/250
شیب ۲	Ksîp/251	ص	Xšî 1/529	شوخی	Skaivos/421
شیب ۳	Ksîp/251	صابون	Seip/407	شور	Kes 2/231
شیبا	Ksîp/251	صانع	S.n.`a/431	شور ۲	Kseud/250
شیبور	Ksîp/251	صحاری	S.h.r/420	شوربا	Pekw/358
شیمیدن	Swei/459	صحرا	S.h.r/420	شوره	Kes 2/231
شیپور	Šypwr/463	صد	Dekm/85	شوشو	Chou-shu/75
شید	Ksîp/251	صداع	S.d.a`/403	شوفاز	Kel 1/220
شیدا	Šypwr/463	صراط	Ster 1/449	شوفر	Kel 1/220
شیده	Ksei 2/249	صراف	Sarâpu/400	شولک	Šulaka/458
شیر ۱	Šedũ/406	صفر	Keu 2/232	شوهر	Kseud/250
شیر ۲	Ksei 2/249	صفراء	S.f.r/419	شوی ۱	Kseud/250
شیراوژن	Ksîro/252	صفر ۱	S.f.r/419	شوی ۲	Kseud/250
شیردوش	Ksei 1/248	صنجه	Soffeh/433	شهر	Ksei 1/248
شیروشکر	Gwhen 2/185	صلیب	Salîbâ/400		
شیرین	Dheugh/101	صنچ	Gëu 1/147		
شیرینی	Ksîro/252	صندلی	Keg/217		
شیش کباب	Ksîro/252	صنعت	Kand 1/209		
شیشلیک	Čîxâ/76		S.n.`a/431		
شیشه بُر	Čîxâ/76				
شیطان	Bher 3/60				
	Šedũ/406				

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
ض		طیتو	Titi/480	عفریته	Apo/29
ضخاک	Angwhi/27	ع			Prî/377
ط		عابر	A`.b.r/4	عقارب	A.q.r/31
طاس	Tex/479	عار	`Awar/43	عقب	A`.q.b/30
طاقدیس	Deik/82	عارف	A`.r.f/33	عقبی'	A`.q.b/30
طاوس	Tôkei/481	عاقبت	A`.q.b/30	عقرب	A.q.r/31
طاوسان	Tôkei/481	عام	A`.m.m/22	عقربه	A.q.r/31
طاوسی	Tôkei/481	عبرانی	A`.b.r/4	عقوبت	A`.q.b/30
طاووس	Tôkei/481	عبری	A`.b.r/4	علفزار	Kwel/260
طَبال	Tabŭrâk/464	عبرور	A`.b.r/4	عمو	A`.m.m/22
طبل	Tabŭrâk/464	عزّاده	Ar/32	عموم	A`.m.m/22
طزّاح	T.r.h/483	عراق	Al 1/15	عمّه	A`.m.m/22
طراز	Ag/5	عرب	A`.b.r/4	عنبر	A.n.b/25
طرح	Tel/469	عُرف	A`.r.f/33	عوار	`Awar/43
طرطیر	T.r.h/483	عرفات	A`.r.f/33	عوام	A`.m.m/22
طَرَر	Tartaros/466	عرفان	A`.r.f/33	عود	Agaruh/6
طلسم	Steg/447	عرق	A.r.q/34	غ	
طلق	Kwel/261	عزرائیل	Layh/273	غاز	Ghans/149
طنبک	Talk/465	عسکر	Ret/392	غان	Gwhen 1/183
طنبور	Tabŭrâk/464	عصار	Stâ/444	غانغرایا	Gras/169
طوفان	Tabŭrâk/464	عصاره	A`.s.r/36	غانغرایا	Gras/169
طهماسپ	Dheu 2/100	عصیر	A`.s.r/36	غانه	Gwhen 1/183
طهمورث	Těu 1/477	عفریت	A`.s.r/36	غانله	Ĝ.v.1/171
	Wel 2/511		Prî/377	غر	Ger 4/145
			Apo/29	غرّان	Ger 4/145

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
غرب	Erēbu/128	فاژ	Ghēi/152	فرامشت	Mer 3/306
غربال	Sek/409	فاژه	Ghēi/152	فرامشی	Mer 3/306
غربیل	Sek/409	فاژیدن	Ghēi/152	فراموش	Mer 3/306
غرش	Ger 4/145	فاشیست	Bhendh/57	فراموشانیدن	Mer 3/306
غرغره	Gwer 3/180	فاشیسم	Bhendh/57	فراموشیدن	Mer 3/306
غروب	Erēbu/128	فالوده	Leu/280	فرانسه	Frankon/134
غرییدن	Ger 4/145		Pa/349	فرانک	Frankon/134
غزال	Ĝ. z. 1/188	فام ۱	Bhâ 1/49	فرانکلین	Frankon/134
غزاله	Ĝ. z. 1/188	فام ۲	Ap 2/28	فراوان	Pel 1/359
غُزم	Ghrem/164	فانتوم	Bhâ 1/49	فریه	Pei/355
غژ	Kaž/216	فانوس	Bhâ 1/49	فرجام	Gwa/172
غژغاو	Kaž/216	فَرا	Sâwel/402		Per 1/363
غُرم	Ghrem/164	فِر ۲	Gwher/186	فرجامیدن	Gwa/172
غلغل	Gwer 3/180	فرا	Per 1/363	فَرخ	Sâwel/402
غوز	Ĝeu 1/146	فُرات	Per 2/365	فرخار	Aus 2/41
غوزک	Ĝeu 1/146		Su 1/454	فرخجسته	Gwhedh/182
غوق	Ghūk/166	فراتر	Per 1/363	فرخندِه	Sâwel/402
غوک	Ghūk/166	فراخ	Pele/361	فَرخِ همال	Sem 1/411
غول	Ĝ. v. 1/171	فرارون	Ardha/33	فردوس	Per 1/363
		فراز	Per 1/363		Dheigh/96
		فرازیدن	Reg 1/387	فردوست	Sâwel/402
		فراسو	Per 1/363	فردین	Per 1/363
فارس	Pârsa/352	فراق	F. r. q/135	فردین	Wer 3/516
فارق	F. r. q/135	فراگرفتن	Per 1/363	فرزاد	Sâwel/402
فاروق	F. r. q/135	فرامرز	Per 1/363	فرزانه	Per 1/364
فارینه	Gwher/186		Mēlg/300		Gnô/168
فاز	Bhâ 1/49	فرامش	Mer 3/306	فرزند	Gene 1/141

ف

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
فرزین	Per 1/364	فُرَن	Gwher/186	فره‌نج	Ten 1/471
	Gnô/168	فرناز	Sâwel/402	فره‌نگ	Per 1/363
فرستادن	Per 1/363	فَرَناس	Nek 1/327		Ten 1/471
	Stâ/444	فرنگ	Frankon/134	فره‌هی	Sâwel/402
فرسخ	Fra-sanga/134	فرنگستان	Frankon/134	فره‌یختن	Ten 1/471
فرسنگ		فرنی	Gwher/186	فریاد	Per 1/363
	Fra-sanga/134	فُرَنیه	Gwher/186	فریب	Leip/278
فرسودن	Sek/408	فرو	Per 1/364	فریبا	Leip/278
فرشاد	Sâwel/402	فَروار	Wer 3/516	فریبرز	Bhergh/62
فرشته	Per 1/363	فرواره	Wer 3/516		Sâwel/402
	Stâ/444	فروتن	Per 1/364	فریبش	Leip/278
فرشید	Sâwel/402	فروختن	Per 1/363	فریب‌بنده	Leip/278
فرغار	Gherto/160		Wekw/508	فریبیدن	Leip/278
فرغاریدن	Gherto/160	فرو د	Per 1/364	فریرون	Ardha/33
فرغر	Gherto/160	فروردین	Per 1/363	فریفتن	Leip/278
فرگردن	Gherto/160	فروردین	Wer 3/516	فزون	Ambhi/21
فرغن	Gherto/160	فروزان	Leuk/282		Geu 2/147
فرغنده	Gherto/160	فروغ	Leuk/282	فژ	Bazda/47
فَرَقَر	Per 1/364	فَرَوهر	Per 1/363	فژاغند	Bazda/47
فرق	F.r.q/135		Wer 3/516	فژاک	Bazda/47
فُرَقان	F.r.q/135	فرو‌هیختن	Ten 1/471	فژاکن	Bazda/47
فرقه	F.r.q/135	فَرِه	Pel 1/359	فژاگین	Bazda/47
فرمان	Me 2/293	فِرِه	Pel 1/359	فژغند	Bazda/47
	Per 1/363	فَرِه	Sâwel/402	فژگند	Bazda/47
فرمانده	Me 2/293	فَره‌ست	Isto/197	فسان	Ak/13
فرمایش	Me 2/293		Pel 1/359	فسانه	Kens/225
فرمودن	Me 2/293	فرهمند	Sâwel/402	فسانیدن	Ak/13
فرموشیدن	Mer 3/306				

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
فُسْتُقُ	Bistak/69	فلوت	Agaruh/6	قایق	Kayik/216
فستقی	Bistak/69	فلورسانت	Bhel/55	قیاب	Gabbah/136
فسفات	Bher 1/59	فلوئور	Bhel/55	قِمَارِیس	Kapparis/211
فسفر	Bher 1/59	فنجان	Pin/373	قِبان	Kam 2/207
	Bhâ 1/49	فوتو	Bhâ 1/49	قَبَر	Kapparis/211
فسفسه	Ed/117	فیروز	Aueg/40	قُبَّه	Gabbah/136
	Ekwos/121	فیرون	Ardha/33	قِبان	Kam 2/207
فَش	Bhergh/62	فیل	Yb/533	قَدَم	Q.d.m/380
فشار	Xšarta/529	فیلا دلفیا	Bhili/66	قَدَم	Q.d.m/380
فشاندن	Fšân/135		Gwelbh/177	قدمت	Q.d.m/380
فشردن	Xšarta/529	فیلامونیک	Bhili/66	قُدوم	Q.d.m/380
فصفصه	Ed/117	فیلسوف	Bhili/66	قدیم	Q.d.m/380
	Ekwos/121		Sophos/434	قرا	Kar 2/213
فغ	Bhag/51	فیله	Gwhi/186	قَراب	Qirbah/381
فغچور	Pôu/376	فیلمپ	Bhili/66	قَرابَه	Qirbah/381
فغستان	Bhag/51		Ekwos/121	قراقوش	Kar 2/213
فغفور	Bhag/51	فعودال	Pek/357	قرطاس	Čartēs/74
فلاخان	Dhogh/104	فیوز	Gheu 1/162	قرمز	Gene 1/141
فلاخن	Dhogh/104				Wer 2/515
فلاسفه	Sophos/434	ق		قَرَن	Gher 1/158
فلاسفه	Bhili/66			قرنطین	Kwetwer/265
فلخم	Dhogh/104		قابوس	قرنطیمه	Kwetwer/265
فلخمان	Dhogh/104		قاتر	قرنی	Nedo/324
فَلَس	Gwel 2/177		قاطر	قرون	Gher 1/158
فلسفه	Bhili/66		قالب	قره	Kar 2/213
	Sophos/434			قره قروت	Kar 2/213
فلفل	Pippalî/373		قانون	قَره قولاق	Kar 2/213

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
قره نی	Kar 2/213	قنداب	Gwhen 1/182	کابلی ۱	Kapül/211
قَز	Nedo/324	قنداغ	Gwhen 1/182	کابلی ۲	Kapül/211
قزاغند	Kaž/216	قنددان	Gwhen 1/182	کاتد	Sed/405
قزاگند	Kaž/216	قندران	Gwhen 1/182	کاتور	Kâtara/214
قسط	Gwhen 1/184	قندیل	Kand 1/209	کاتوره	Kâtara/214
قسطاس	Yeu 1/535	قنطار	Dekm/85	کاتولیک	Sol/434
قشنگ	Yeu 1/535	قوز	Gëu 1/146	کاچ	Xac 1/528
قصر	`Xšnk/530	قوزک	Gëu 1/146	کاچی	Xac 1/528
قفس	Kes 1/231	قولنج	Skel 1/423	کادر	Kwetwer/265
قفقاز	Kap/210	قولون	Skel 1/423	کادمیم	Q.d.m/380
قفیز	Kreu/246	قونسول	Kel 3/221	کار ۱	Kwer/262
قلاب	Kü 1/253	قهرمان	Kwer/262	کار ۲	Koro/244
قلب	Kap/210	قهوه	Men 1/301	کار ۳	Kwel/260
قلقل	Kü 1/253	قیر	Kaffa/203	کارامل	Kolemos/242
قلم	Ped/354	قیراط	Kîru/238	کاربن	Ker 5/228
قلیا	Kü 1/253	قیصر	Ker 1/226	کاربوراتور	Ker 5/228
قلیه	Ped/354	قیفال	Skhai/427	کارت	Čartës/74
قمیص	Gwer 3/180	ک	Ghebh-el/152	کارتون	Čartës/74
قمیصه	Kolemos/242			کارد	Sek/408
قنات	Q.1.y/381			کاردار	Koro/244
قناری	Q.1.y/381			کاردان	Gnô/168
قناطر	Kem 2/223			کارزار	Koro/244
قند	Kem 2/223				Kwel/260
	Gwhen 1/184	کاباره	Kam 2/207	کارل	Ger 2/144
	Kwon/268	کابل	Kap/210	کارلوس	Ger 2/144
	Dekm/85		Habl/189	کارناوال	Legwh/275
	Gwhen 1/182		Kapül/211		Sek/409

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
کارنای	Nedo/324	کالا	Kũ 1/253	کاهربا	Kuâtos/254
کاروان	Koro/244		Ped/354	کاهش	Kak 3/205
کارولینا	Ger 2/144	کالب	Kũ 1/253	کاهیدن	Kak 3/205
کاریدن ^۱	Kwel/260		Ped/354	کاینات	K.w.n/266
کاریدن ^۲	Kwer/262	کالبید	Kũ 1/253	کائینات	K.w.n/266
کاز	Skeu 2/425		Ped/354	کَبر	Kapparis/211
کازه	Skeu 2/425	کالری	Kel 1/220	کبریت	Kupriti/256
کاژ	Skeu 2/425	کالسه	Kwel/261	کَست	Kapastay/210
کاژه	Skeu 2/425	کالنجار	Koro/244	کَستو	Kapastay/210
کاس ^۱	Kel 5/222	کالیبر	Kũ 1/253	کچک	Kau 2/215
کاس ^۲	K`s/247		Ped/354	کبوتر	Kavũta/215
کاسبرگ	Kel 5/222	کام ^۱	Kâ 1/201	کبود	Kavũta/215
کاست	Isto/197	کام ^۲	Kwen 2/262	کُبه	Gabbah/136
	Kak 3/205	کامکار	Kâ 1/201	کچان	Kam 2/207
کاستن	Kak 3/205	کامیاب	Kâ 1/201	کپسول	Kap/210
کاسموی	K`s/247	کان	Gwhen 1/183	کُبه	Gabbah/136
کاسه	Kel 5/222	کانال	Gwhen 1/184	کچی	Kũp 2/256
کاشان	Gwhen 1/182	کاندید	Kand 1/209	کچی	Kũp 2/256
کاشانه	Gwhen 1/182	کاندید ^۱	Kand 1/209	کَچیدن ^۱	Gabbah/136
کاشتن	Kwel/260	کانون ^۱	Kânũnu/210	کتان	Kitu/238
کاشی	Xac 1/528	کانون ^۲	Gwhen 1/184	کَترنگ	Kwetwer/265
کاغذ	Kagaš/204	کاو	Sek/408	کَترنگ	Ang/26
کافتن	Sek/408	کاوش	Sek/408	کَملت	Kost/245
کافور	Karpurah/213	کاووس	Keu 3/233	کج	Keg/217
کاف و نون	K.w.n/266	کاویدن	Sek/408	کجا	Kwo/267
کافه	Kaffa/203	کاه ^۱	Kuâtos/254	کچل	Kelewo/223
کاک	Kak 4/205	کاه ^۲	Kak 3/205	کَحال	K.h.1/236

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
کُحل	K.h.1/236	کِرس	Ker 4/228	کریسمس	Gher 3/159
کُمول	K.h.1/236	کِرست	Kwer/263	کَریشنا	Kers 2/230
کد-	Ket/232	کِرسنه ۱	Ker 4/228	کَز	Kaž/216
کدام	Kwo/267	کِرسنه ۲	Ker 4/228	کَزاکند	Kaž/216
کدبانو	Ket/232	کَرش	Kahrpu/204	کَز	Kaž/216
کدخدا	Ket/232	کَرک	Ker 3/227	کَز	Keg/217
- کده	Ket/232	کِرکس	Ed/117	کَزاکند	Gwhen 1/184
کَر	Sek/408		Ker 3/227		Kaž/216
کُر	Gher 1/158	کُرکُم	Kurkanü/257	کَزدم	Keg/217
کُرَات	K.r.v/247	کَرگ			Dumb/112
کران	Sker 1/424	Kurkizannu/257		کَس ۱	Kwo/267
کرانه	Sker 1/424	کِرگدن	Kurkizannu/257	کَس ۲	Skeu 2/425
کراوات	Gwer 4/181		Gher 3/159	کُستی	Kost/245
کرب	Koro/244	کِرِم	Wer 2/515	کَسری	Su 1/454
کَرپاس	Karpâsah/213	کِرِم	Gher 3/159	کَسری	Kleu 1/240
کرباسو	Kahrpu/204	کُرُم	Gher 3/159	کَسک	Ôku/343
کربسو	Kahrpu/204	کِرْموزُم	Gher 3/159		Pet 1/370
کربن	Ker 5/228	کُرنا	Nedo/324	کَسنی	Ker 4/228
کربنات	Ker 5/228		Koro/244	کَسوف	Leigh 2/277
کربنیک	Ker 5/228	کَرَو	Skwalo/428	کَشاله	Kenk 1/224
کربور	Ker 5/228	کَرَوِبی	B.r.k/71	کَشاورز	Kwel/260
کَرپاس	Karpâsah/213	کَرَوِپان	B.r.k/71	کِشت	Kwel/260
کَرپاسو	Kahrpu/204	کَرَوِپیون	B.r.k/71	کِشتن	Kwel/260
کَرپاشه	Kahrpu/204	کُرَوِه ۱	Ker 3/227	کُشتن	Kau/215
کَرَت	Sek/408	کُرَوِه ۲	Kelewo/223	کَشتن	Kost/245
کردن	Kwer/262	کُرِه	K.r.v/247	کَشتی	Kasyapa/214
کَرَس	Ker 4/228	کَرِه ۱	Ker 4/228	کَشَف	Kseubh/250
		کَرِستال	Kreu/246	کَشفت	

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
کَشَفْتگی	Kseubh/250	Werēn/518		کمونیزم	Mei 3/297
کَشَفْتَن	Kseubh/250	Kel 2/220	کلاه	کمونیسیم	Mei 3/297
کَشَک	Ôku/343	Skeu 2/425	کلاهخود	کمیتَه	Smeit/430
	Pet 1/370	Kel 2/220	کلبک	کمیسپون	Smeit/430
کَشَکَرک	Ôku/343	Kel 2/220	کلبه	کمین	Kamma/208
کَشَکَرک	Pet 1/370	Ghel/156	کلر	کمپنه	Kamma/208
کشکول	Kenk 1/224	Morwi/311	کلروفرم	کُن	K.w.n/266
کَشَنک	Ker 4/228	Ghel/156		کنار	Sker 1/424
کشور	Karšvar/214	Ghel/156	کلروفیل	کناره	Sker 1/424
کشیدن	Kenk 1/224	Bhel/55		کتّاس	Kel 3/221
کَعب	K.a`.b/201	Ster 3/450	کُلیسترویل	کنترل	Ret/392
کعبه	K.a`.b/201	Koro/244	کلنچار	کُنچ	Kung/255
کعبک	Kak 4/205	Kel 6/222	کلند	کنجکاو	Kung/255
کف	Kafa/202	Kel 6/222	کلنگ	کُنَد ۱	Kund/255
کف آلود	Kafa/202	Gel/139	کلوب	کُنَد ۲	Kund/255
کَفّاش	Kafš/203	Kreu/246	کلوخ	کُندا	Kund/255
کفتر	Kavūta/215	Klëu 2/241	کلید	کُنداور	Kund/255
کَفْتَن	Sek/408	Kel 3/221	کلیسا	کُندر	Kand 1/209
کفچ	Kafa/202	Kel 3/221	کلیسیا	کندره	Gwhen 1/183
کفچلیمز	Kafa/202	Klei/239	کلینیک	کَنَدَک	Gwhen 1/183
کفش	Kafš/203	Kamma/208	کم	کندن	Gwhen 1/183
کفیز	Kap/210	Per 3/367	کمپرس	کندو	Gwhen 1/183
کَل	Kelewo/223	Me 2/294	کمد	کندوج	Gwhen 1/183
کُل	Skel 1/423	Kam 2/207	کمر	کندور	Gwhen 1/183
کلاچ	Gel/139	Kam 2/207	کمرا	کندوک	Gwhen 1/183
کلاس	Kel 3/221	Kam 2/207	کمربند	کندوله	Gwhen 1/183
کلاغ	Gwhen 2/185	Kam 1/206	کمند	کُنَدی ۱	Kund/255

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
کُندی ^۲	Kund/255	کوره	Ker 5/228	Kwo/267	صفحه , ریشه
کَنز	Gzn/188	کوز ^۱	Kel 5/222	Kwo/267	کی ^۲
کَنس	Kel 3/221	کوز ^۲	Gëu 1/146	Keu 3/233	کی ^۳
کنسرو	Ser 2/416	کوزه	Kel 5/222	Keu 3/233	کیا
کنسول	Kel 3/221	کوزه گر	Kwer/262	Keu 3/233	کیان
کِنِشت	Kel 3/221	کوژ	Gëu 1/146	Keu 3/233	کیانوش
کُنشت	Kel 3/221	کوسن	Kenk 1/224	Keu 3/233	کیانی
کنگره ^۱	Kar 1/212	کوشش	Kau/215	Keu 3/233	کیمخسرو
کنگره ^۲	Gredh/169	کوشک	Gëu 1/146	Kenk 1/224	کیش ^۱
کَند	Gwhen 1/183	کوشه	Gëu 1/146	Kenk 1/224	کیش ^۲
کنوز	Gzn/188	کوشیدن	Kau/215	Tkaeša/480	کیش ^۳
کنون	Newo/334	کوفیه	Ghebh-el/152	M. v. t/315	کیش مات
کنیز	Ken/224	کولنج	Skel 1/423	Keu 3/233	کیمباد
کنیزک	Akos/13	کولی	Kapül/211	Keu 3/233	کیمکاس
	Ken/224	کون	Keu 2/232	Gheslo/161	کیلو
کَنیسه	Kel 3/221	کوه	Gëu 1/147	Gheslo/161	کیلو گرم
کو	Kwo/267	کوهان	Gëu 1/147	Gheslo/161	کیلومتر
کوپال	Wer 2/515	کوهسار	Ter 1/474	Gheslo/161	کیلوات
کوتاه	Kut/258	کوهنورد	Wer 2/514	Gheu 1/162	کیموس
کوچ	Skeu 2/425	کوهه	Gëu 1/147	Gheu 1/162	کیمیا
کوچک	Kut/258	کویز	Kap/210	Kers 2/230	
کود	Gwou/187	کویژ	Kap/210	Kwei 1/259	کین
کودک	Kut/258	که	So/433	Kwei 1/259	کینه
کور	Kür/257	کهربا	Kuâtos/254	Kwei 2/259	کینه توز
کورش	Sker 1/424		Leup/283	Gëu 1/146	کیوسک
کوروس	Sker 1/424	کهرمان	Kwer/262	Gwei/175	کیومرث
کوروش	Sker 1/424	کی ^۱	De 2/80	Mer 2/305	

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
کیهان	Gwei/175	گپتن	Ghu 1/165	گرامافون	Bhâ 2/50
گ		گچ	Gassu/138	گرامی	Gwer 2/179
		گدا	Gwhedh/182	گران	Gwer 1/178
		گذاختن	Wi/524	گرافیت	Ger 2/144
				گرای	Gredh/169
گابریل	J.b.r/200	گدار	Teku 1/468	گرایستن	Gredh/169
	Layh/273	گدازه	Wi/523	گرایش	Gredh/169
گات	Gěi/138	گدازیدن	Wi/524	گراییدن	Gredh/169
گاتها	Gěi/138		Dhogh/104	گر به	Gredh/169
گاد	Gweie/176		Wi/524	گرد -	Wel 2/511
گادن	Gweie/176	گذار	Wi/523	گرد	Kwer/262
گارسن	Wreg 1/527	گذاردن	Wi/523	گرد ۱	Gurdos/170
گاز	Kaž/216	گذاشتن	Ter 1/474	گرد ۲	Wer 2/514
گاشتن	Wer 2/514		Ter 1/474	گرد ۳	Wer 2/514
گام	Gwa/172	گذر	Wi/523	گرداگرد	Wer 2/514
گانگستر	Ghengh/157		Ter 1/474	گردان	Apo/29
گاو	Gwou/187	گذرنامه	Wi/523	گردان	Wer 2/514
گاو میش	Moiso/310	گذشت	Wi/523	گردانیدن	Gurdos/170
گاه ۱	Gěi/138	گذشتن	Ter 1/474	گرداوژن	Wer 2/514
گاه ۲	Gwa/172		Wi/523	گردزاد	Gwhen 2/185
گای	Gweie/176		Ter 1/474	گردش	Gurdos/170
گاییدن	Gweie/176	گر ۱	Wi/523	گردن	Wer 2/514
گب	Ghu 1/165	گر ۲	Gwer 4/181	گردنکش	Wer 2/514
گبر	J.b.r/200	گر ۳	Kwer/262	گردنه	Wer 2/514
گبرک	J.b.r/200	گرا	Garenu/137	گردون	Wer 2/514
گبرکان	J.b.r/200	گراز	Gredh/169	گردونه	Wer 2/514
گبرکی	J.b.r/200	گرازیدن	Varâza/492		Wer 2/514
گپ	Ghu 1/165		Wreg 1/527		

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
گرده	Wer 2/514	گره	Ger 1/143	Kwel/260	
گرده	Wer 2/514	گری ۱	Gwer 2/179	Wi/523	
گردیدن	Wer 2/514	گری ۲	Garenu/137	Wi/523	گزینش
گроз	Weg 2/500	گریبان	Gwer 3/180	Gwhen 2/185	گزیدن
گرمزبان	Dem/86	گریختن	Leigh 2/277	Gwedh/174	گست
گرمزبان	Gwer 2/179		Wi/523	Stâ/444	گستاخ
گرس ۱	Vrsa/494	گریز	Wi/523	Wi/523	
گرس ۲	Wel 2/510		Leigh 2/277	Ster 1/449	گستر
گرسنگی	Vrsa/494	گریس	Kîru/238	Ster 1/449	گسترانیدن
گرسنه	Vrsa/494	گریستن	Gwer 2/179	Wi/523	گستردن
گرسیوز	Kerk/230	گریوه	Gwer 3/180	Ster 1/449	
گرشاسپ	Ekwas/121	گریه	Gwer 2/179	Wi/523	گسترش
	Kerk/230	گزاردن	Kwel/260	Ster 1/449	
گرشاه	Gwer 4/181		Wi/523	Ster 1/449	گستریدن
گرفتن	Ghrehb/164	گزارش	Kwel/260	Wi/523	گستن
گرگ	Wel 2/510		Wi/523	Sek/408	
گران	Wel 2/510	گزاره	Kwel/260	Sek/408	گسیختن
گرگین	Garenu/137	گزانگبین	Embhi/123	Wi/523	
گرگین	Garenu/137		Pei/355	Sek/408	گسیل
گرم	Gwher/186	گزر	Gogel/168	Wi/523	
گرما	Gwher/186	گزند	Gwhen 2/185	Së 1/404	گشاد
گرمابه	Gwher/186		Wi/523	Së 1/404	گشادن
گرو	Ghrehb/164	گزیدن ۱	Kwei 2/259	Wi/523	
گروگان	Ghrehb/164		Wi/523	Së 1/404	گشایش
گروگر	Gwer 2/179	گزیدن ۲	Wi/523	Ekwas/121	گشتاسپ
گروه	Ger 1/143		Gwhen 2/185	Su 1/456	گشتای
گرویدن	Wel 1/509	گزیر	Kwer/263	Wer 2/514	گشتن ۱

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
گشتن ۲	Gwhen 2/185	گیله	Gal/136	گندم با	Gantuma/137
گُشن	Eres 1/130	گماردن	Mer 1/304	گندمک	Gantuma/137
گشناسب	Eres 1/130		Wi/523	گندمگون	Gantuma/137
گشناسپ	Ekwas/121	گماشتن	Mer 1/304	گندم وا	Gantuma/137
گشنسپ	Eres 1/130		Wi/523	گندمپنه	Gantuma/137
گشنگی	Vrsa/494	گماشته	Mer 1/304	گُنده	Gëu 1/146
گشنه	Vrsa/494		Wi/523	گَندیدن	Gwedh/174
گُشنی	Eres 1/130	گمان	Men 1/301	گُنگ	Gang/137
گفتار	Ghu 1/165		Wi/523	گو	Ghu 1/165
گفتن	Ghu 1/165	گمبرون	Merk/307	گوارا	Kwer/262
گَل	Gwer 3/180	گمرک	Merk/307		Wi/524
گُل	Wrdho/526	گمیختن	Wi/523	گواردن	Kwer/262
گلاب	Wrdho/526	گُمیختن	Meig/298		Wi/524
	Ab 1/1	گَمیز	Meig/298	گوارش	Kwer/262
گلادیاتور	Kel 6/222	گَمیز	Wi/523		Wi/524
گلاویز	Gwer 3/180	گناه	Nek 1/327	گواژه	Wekw/508
گلبن	Wen/512	گنبد	Gëu 1/146		Wi/524
گلبول	Gel/139	گنج	Gzn/188	گواژیدن	Wekw/508
گلچین	Kwei 2/259	گنجاندن	Gzn/188		Wi/524
گلخن	Gwhen 1/183	گنجایش	Gzn/188	گوال	Ered/128
گلدان	Dhë 2/94	گنجور	Bher 1/58	گوالاندن	Ered/128
گلزار	Kwel/260		Gzn/188	گوالیدن	Ered/128
گلشاه	Gwer 4/181	گنجه	Gzn/188	گواه	Wi/523
گلشن	Gwhen 1/182	گَند	Gwedh/174		Kwek/260
گلو	Gwer 3/180	گُندا	Kund/255	گواهینامه	Wi/523
گل و لای	Lëi/275	گُنداور	Kund/255	گوپال	Wer 2/515
گلوله	Gel/139	گندم	Gantuma/137	گویان	Gwou/187

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
گور	Ghou-ro-s/164	گوهرآمود	Âmon/23	لاف	Lep/279
گوراب ^۱	Ghou-ro-s/164	گوهران	Gôtra/169	لاک	Alek/19
گوراب ^۲	Gurb/170	گوی	Gel/139	Reg 3/388	
گورابه	Ghou-ro-s/164	گویش	Ghu 1/165	لال	Lâl/272
گورب	Gurb/170	گهر	Gôtra/169	لالس	Lâl/272
گورس	Vrsa/494	گهواره	Bher 1/58	لالک	Lâl/272
گوزک	Gëu 1/146	گیتار	Ten 1/471	لالکا	Lâl/272
گوزن	Gÿysna/171	گیتتی	Gwei/175	لاله	Lâl/272
گوساله	Gwou/187	گیج	Wer 3/516	لاله سار	Lâl/272
گوسپند	Gwou/187	گیس	Ghait/149	لای	Lëi/275
گوسفند	Gwou/187	گیسو	Ghait/149	لایروبی	Lëi/275
	Kwen 1/261	گیلاس ^۱	Ghel/156	رایم	Raup/385
	Ôus 1/347			لاییدن	Nîmbû/336
گوش	Gwou/187			لب	Lâ/270
گوشت	Bher 1/58			لبالب	Lëb/274
گوشواره	Ôus 1/347			لبچین	Lëb/274
	Gëu 1/146			لبخند	Lëb/274
گوشه	Gurdos/170			لبدیس	Lëb/274
گول	Gurdos/170			لبریز	Lëb/274
گول خوردن	Gurdos/170			لبنیات	L.b.n/274
گول زدن	Gel/139			کت	Lëk/279
گولّه	Gëu 1/146			کت	Letro/280
گون	Genu 1/142			کتیره	Letro/280
گونیا	Gwou/187			کت و پار	Letro/280
گوه	Gôtra/169			کتّه	Alek/19
گوهر				Reg 3/388	

ل

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
لخت	Lĕk/279	لیسیدن	Leigh 1/276	ماسیدن	Mad/287
لرزاندن	Lrġ/285	لیشتن	Leigh 1/276	ماشین	Magh1/288
لرزش	Lrġ/285	لیطر	Lithra/284	ماغ	Mad/287
لرزه	Lrġ/285	لیلک	Nei 1/326	ماکسیمم	Meg/295
لرزیدن	Lrġ/285	لیمو	Nîmbŭ/336	ماکیان	Mâ/286
لیشتن	Leigh 1/276	لیموناد	Nîmbŭ/336	مال	Mĕlg/300
لشکر	Ret/392			مالاریا	Mel 2/299
	Stâ/444				Wĕ 1/496
لعل	Lâl/272	م		مالاگا	M. l. h/310
لغد	Lek/278	مَ -	Mĕ 1/292	مالش	Mĕlg/300
لغلغ	Laqalaqa/272	م ۲	Ēmos/123	ماله	Mĕlg/300
لغلغه	Laqalaqa/272	ما	Ne 2/322	مالیخولیا	Ghel/156
لقلق	Laqalaqa/272	مات	M. v. t/315		Mel 1/299
لقلقه	Laqalaqa/272	ماتاذر	M. v. t/315	مالیدن	Mĕlg/300
لک	Alek/19	ماتیک	Kens/225	مام	Mâ/286
	Reg 3/388	مادام	Dem/86	ماما	Mâ/286
لکلیک	Laqalaqa/272	مادر	Mâ/286	مامان	Mâ/286
لگاریتم	Ar/32		Ter 3/475	مأمن	A. m. n/22
لگد	Lek/278	مادراندر	An 2/24	مأمور	A'. m. r/23
لگن	Lignu/283		Ter 1/474	مأموریت	A'. m. r/23
لَنگ	Longos/284	مادگان	Mâ/286	مأمون	A. m. n/22
لنکر	Ang/26	ماده	Mâ/286	مان ۱	Men 1/301
لوستر	Leuk/282	مادیان	Mâ/286	مان ۲	Dem/86
له	Akwa/14	مار	Mel 2/299	مانتو	Mantellum/291
لهراسب	Ekws/121	ماساژ	M. s. s/313	ماندن ۱	Men 1/301
لهراسپ	Er 1/126	ماست	Mad/287	ماندن ۲	Men 2/303
لیتر	Lithra/284	ماسک	S. x. r/463	مانستن	Men 1/301

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
مانکن	Men 1/302	مَحْرَم	H.r.m/192	مردن	Mer 2/305
مانند	Men 1/301	مُحَرَّم	H.r.m/192	مرز ۱	Merg/307
مانور	Op/344	محروم	H.r.m/192	مُرز ۲	Mēlg/300
ماه	Me 2/293	محسن	H.s.n/192	مُرزیدن	Mēlg/300
ماهی	Mad/287	مخزن	Gzn/188	مرسی	Merk/307
مایده	Mei 1/296	مَدَار	D.v.r/114	مُرغ ۱	Mereġa/306
مائده	Mei 1/296	مداین	Dînu/108	مَرغ ۲	Mareġâ/291
مایه	Mâ/286	مدرن	Me 2/294	مرغزار	Kwel/260
مباد	Mě 1/292	مدل	Me 2/294	Mareġâ/291	
مبارک	B.r.k/71	مدنی	Dînu/108	مرغک	Akos/13
مبتکر	B.k.r/69	مدوّر	D.v.r/114	Kak 3/205	
متالورژی	Werg 1/519	مُدوّن	Dub/111	مرقشیشا	Maġšîsa/289
متبلور	Velür/494	مدیترانه	Medhyo/295	مرکور	Merk/307
متد	Sed/405	Ters/476		مرکور کرم	Merk/307
متدین	Dheye/102	D.v.r/114		مرگ	Mer 2/305
متذکر	Z.k.r/541	Dînu/108		مَرمر	Mer 2/305
متر	Me 2/293	مدیوم	Medhyo/295	مرمرین	Mer 2/305
مترجم	Ragâmu/384	مذاکره	Z.k.r/541	مرو	Mě 1/292
متعارف	A`.r.f/33	مذکور	Z.k.r/541	مروارید	Murvârît/315
متفترق	F.r.q/135	مَر	Mer 1/304	مریم	R.y.m/396
متفترقه	F.r.q/135	مراکش	Erēbu/128	مُرّد	Miždho/310
مُتکدّی	Gwhedh/182	مربّا	R.b.b/385	مزدا	Dhě 2/94
متمدّن	Dînu/108	مربّی	R.b.b/385	Men 1/302	
مجبور	J.b.r/200	مرجان	Murvârît/315	مزدوج	Yeu 1/535
مجوس	Magh1/288	مرد	Mer 2/305	مزدور	Bher 1/58
محترم	H.r.m/192	مرداد	Mer 2/305	Miždho/310	
		مردم	Mer 2/305	مزدیسنا	Yag/531

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
مزغ	Mozgo/312	مِسکین	K.w.n/266	مُضحک	Z.h.k/540
مزغان	Men 1/302	مُسَلِّم	S.l.m/429	مطرح	T.r.h/483
مزقان	Men 1/302	مُسَلِّم	S.l.m/429	مطروح	T.r.h/483
مزکت	Men 1/302	مسیح	M.s.h/312	مطموره	Temar/470
مزگت	Masgdâ/292	مُسیو	Sen 1/413	معابر	A`.b.r/4
مزمن	Masgdâ/292	مُشت ۱	Meuk/309	معبر	A`.b.r/4
مِزنا	Gwa/172	مُشت ۲	Mēlg/300	معرب	A`.b.r/4
	Mâk/290	مُشتن	Mēlg/300	مُعرف	A`.r.f/33
	Meg/295	مشرق	Cîrâğ/75	معرفت	A`.r.f/33
مزوّر	Ghuel/166	مشروب	Š.r.b/442	معروف	A`.r.f/33
مژدگانگی	Miždho/310	مُشک ۱	Mu/313	مُغ	Magh1/288
مژده	Miždho/310	مِشک ۲	Mu/313	مَغ ۱	Magh1/288
مژگان	Meig/298	مَشک ۳	Mašakah/291	مَغ ۲	Mağa/287
مژه	Meig/298	مَشکوا ۱	Mašakah/291	مغازه	Gzn/188
مَسّ	M.s.s/313	مَشکوا ۲	Mašakah/291	مَغاک	Mağa/287
مساحت	M.s.h/312	مَشکول	Mašakah/291	مَغاک	Mağa/287
مست ۱	Mad/287	مَشکوله	Mašakah/291	مغرب	Erëbu/128
مُست ۲	Moudh/311	مِشکی	Mu/313	معز	Mozgo/312
مستشرق	Cîrâğ/75	مِشکین	Mu/313	مغیلان	Umm/488
مُسْتَمع	S.m.`a/430	مُشْتَمَس	Š.m.š/431		Ğ.v.1/171
مُسْتَمند	Moudh/311	مشیا	Mer 2/305	مفارقت	F.r.q/135
مسجد	Masgdâ/292	مشیانہ	Mer 2/305	مفت	Meug/308
مسح	M.s.h/312	مشیوئی	Mer 2/305	مُفلس	Gwel 2/177
مسخره	S.x.r/463	مصطکی	Menth/304	مقالید	Klëu 2/241
مِسک	Mu/313	مصلوب	Salîbâ/400	مقدّم	Q.d.m/380
مسکن	K.w.n/266	مصنوع	S.n.`a/431	مقدّمه	Q.d.m/380
مُسکَن	K.w.n/266	مصنوعات	S.n.`a/431	مقدونیه	Mâk/290

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
مِقَرَمَه	Q. r. m/382	من ۱	Eg/118	موژ	Moudh/311
مقلاد	Klěu 2/241	من ۲	Mana/290	موژَه	Moudh/311
مقلوب	Kũ 1/253	منار	N. w. r/341	موسم	W. s. m/527
	Ped/354	مناره	N. w. r/341	موش	Mu/313
مقنّی	Gwhen 1/184	منجنیق	Magh1/288	موک	Mũk/314
مکان	K. w. n/266	منجنیک	Magh1/288	موم	Mũm/314
مکانیزم	Magh1/288	مند	Menth/304	مؤمن	A. m. n/22
مکانیک	Magh1/288	مندیل	Mantellum/291	مونترال	Men 3/303
مَکَرُمَه	Q. r. m/382	منش	Men 1/301	مونتکارلو	Men 3/303
مکعب	K. a. `b/201	منقلب	Kũ 1/253	مونتگمری	Men 3/303
مگر	Sek/408		Ped/354	موی	Moudh/311
	Sem 1/411	مُنکِر	Ne 1/321	مویه	Moudh/311
مگس	Mako/290	منوچهر	Men 1/302	موبیدن	Moudh/311
مگو	Mě 1/292		Skai/421	مِه ۱	Meig/298
مُل	Medhu/294	منوّر	N. w. r/341	مِه ۲	Mâk/290
	Mer 2/305	مُنیر	N. w. r/341		Meg/295
ملاحت	M. l. h/310	موبد	Magh1/288	مهاجر	H. j. r/190
مِلح	M. l. h/310		Per 3/366	مهاجرت	H. j. r/190
ملخ	Madhaxa/287	موت	M. v. t/315	مهاراجه	Meg/295
ملغم	Mel 3/300	مؤدّب	Dub/111		Reg 1/387
ملغمه	Mel 3/300	مور	Morwi/311	مهتاب	Me 2/293
ملیح	M. l. h/310	مورچه	Morwi/311		Tep/473
ملیحه	M. l. h/310	موریانه	Morwi/311	مهجور	H. j. r/190
مَمات	M. v. t/315	موزائیک	Men 1/302	مِهَر	Mei 4/297
مُماس	M. s. s/313	موزه ۱	Men 1/302	مُهر	Mũrâ/314
ممه	Mâ/286	موزه ۲	Meuk/309	مهربان	Mei 4/297
ممه‌ور	Mũrâ/314	موزیک	Men 1/302	مهرداد	Mei 4/297

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
مهرگان	Mei 4/297	میگ	Madhaxa/287	نارد	Nedo/324
مهره	Mūrâ/314	میگرن	Ker 1/226	ناردین	Nedo/324
میّهست	Isto/197	میگو	Madhaxa/287	نارگیل	Nârikelah/320
	Mâk/290	میل	Gheslo/161	نارگیله	Nârikelah/320
میّهست	Meg/295	میلی	Gheslo/161	نارنج	Naranga/319
مehشید	Ksei 2/249	میلیارد	Gheslo/161	نارنجک	Naranga/319
مهمان	Meit/299	میلیگرم	Gheslo/161	نارنجی	Naranga/319
مهندس	Sem 1/411	میلیمتر	Gheslo/161	نارنگ	Naranga/319
	Teku 1/468	میلیون	Gheslo/161	نارنگی	Naranga/319
می	Medhu/294	میمنت	Y.m.n/537	ناروان	Wen/512
میان	Medhyo/295	میمون	Y.m.n/537	نارون	Wen/512
میّت	M.v.t/315	مینا	Men 1/301	ناز	Nôğ/338
میترآ	Mei 4/297	مینو	Men 1/301	نازک	Nôğ/338
میخ	Mei 2/296	مینی ژوپ	J.b.b/198	نازنین	Nôğ/338
میختن	Meig/298	میهمان	Meit/299	نازیدن	Nôğ/338
میخک	Mei 2/296	میهن	Meit/299	ناسخ	Ned/324
میرزا	A'.m.r/23			ناسیونال	Gene 1/141
	Gene 1/141			ناشتا	Ed/117
میز	Meig/298			ناف	Nobh/337
میزبان	Mei 1/296	نا -	Ne 1/321	نافه	Nobh/337
میزد	Mei 1/296	ناب	Ab 1/1	ناگزیر	Kwer/263
میزراه	Meig/298	نابیوسان	Bheudh/65		Kwel/260
میش	Moiso/310	ناخدا	Na 1/316		Wi/523
میغ	Meig/298	ناخن	Nogh/338	نال	Neu/333
میکائیل	Layh/273	نار	Nôr/340		Nedo/324
میکرب	Gwei/175		N.w.r/341	نالّه	Neu/333
میکروسکوپ	Spek/436	ناربا	Pekw/358	نالیدن	Neu/333

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
نام	Nomn/340	نبرد	Nî 1/335	نژاد	Gene 1/141
ناموس	Nem 1/329		Per 3/366	نژند	Nî 1/335
نامه	Nomn/340	نَبَس	Nepôt/330	نژند	Gwhen 2/185
نان	Nagan/318	نپسه	Nepôt/330	نسا	Nek 1/327
نانوا	Pekw/358	نُبی	Peig/356	نستوه	Ne 1/321
ناو	Na 1/316	نپیره	Nepôt/330		Těu 1/477
ناوانیدن	Na 1/316	نپتون	Nebh/323	نستوه	Ud 1/486
ناوبان	Na 1/316	نُت	Gnô/168	نُسخ ۱	Ned/324
ناودار	Na 1/316	نخ	Naks/318	نُسخ ۲	Ned/324
ناودان	Dâ 2/79	نخست	Isto/197	نُسخه	Ned/324
	Na 1/316		Sed/405	نُسک	Ned/324
ناودیس	Na 1/316	نر	Ner 1/331	نشان	Okw/343
ناوران	Na 1/316	نرد ۱	Ar/31	نشتر	Někš/327
ناوس	Nes 1/332	نرد ۱	Nei 1/325	نشستن	Nî 1/335
ناوسار	Na 1/316	نرد ۲	Nedo/324		Sed/405
ناوشکن	Na 1/316	نرگس	Ner 2/332	نشیب	Ksîp/251
ناوک	Na 1/316	نرگسه	Ner 2/332		Nî 1/335
ناوگان	Na 1/316	نرگسی	Ner 2/332	نشیم	Nî 1/335
ناووس	Nes 1/332	نرم	Namra/318		Sed/405
ناووس	Nes 1/332	نُرمال	Gnô/168	نشیمین	Nî 1/335
ناوه	Na 1/316	نرمک	Namra/318		Sed/405
ناویدن	Na 1/316	نرمه	Namra/318	نشین	Sed/405
ناهنجار	Ten 1/471	نریمان	Men 1/301	نظرون	Nitiru/337
ناهنگام	Gwa/172		Ner 1/331	نغام	Nogw/339
ناهید	Ne 1/321	نزد	Sed/405	نغوشا	Ôus 1/347
	Ahu/8	نزدیک	Isto/197	نغوشاک	Ôus 1/347
نای	Nedo/324		Sed/405	نغوشه	Ôus 1/347

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
نغوشیدن	Ôus 1/347	Nî 1/335	نو	Newo/334	ریشه
نفت	Nebh/323	Nebh/323	نم	Wekw/508	نوا
	Nabatu/317	Me 2/293	نما	Wekw/508	نواختن
نفتالین	Nabatu/317	Nî 1/335	نواده	Nepôt/330	نوازه
نفرین	Apo/29	Namra/318	نمارق	Wekw/508	نوازش
	Prî/377	Nem 1/329	نماز	Wekw/508	نوازشگر
نفظ	Nabatu/317	Nem 2/329	نمازیدن	Wekw/508	نوازیدن
	Nebh/323	Nî 1/335	نمایان	Nepôt/330	نواسه
نقره	Kwer/263	Nî 1/335	نمایش	Nepôt/330	نواشه
	Ne 1/321	Me 2/293	نوبل	Gnô/168	نوبل
نکره	Ne 1/321	Nî 1/335	نماینده	Gnô/168	نوت
نکوهش	Keued/234	Me 2/293	نود	Newn/333	نود
نکوهیدن	Keued/234	Nî 1/335	نماییدن	Dekm/84	نور
نکیر	Ne 1/321	Nemata 2/329	نمد	N.w.r/341	نور
نگار	Kwer/262	Nem 1/329	نمرات	N.w.r/341	نورانی
نگاردن	Kwer/262	Namra/318	نَمَرَق	Nî 1/335	نورد
نگارش	Kwer/262	Namra/318	نمرقه	Wer 2/514	نوردیدن
نگاریدن	Kwer/262	Nem 1/329	نمره	Nî 1/335	نوردیدن
نگاشتن	Kwer/262	Nebh/323	نمک	Wer 2/514	نورسیده
نگاه	Kwek/260	Nebh/323	نمکدان	Er 1/126	نورسیده
	Nî 1/335	Nebh/323	نمکین	Dekm/84	نوزده
نگرستن	Kwer/262	Nî 1/335	نمود	Newn/333	نوزده
نگریدن	Kwer/262	Me 2/293	نمودار	Ôus 1/346	نوش
نگریستن	Kwer/262	Nî 1/335	نوشابه	Ôus 1/346	نوشابه
نگون	Gëu 1/146	Me 2/293	نمودن	Nî 1/335	نوشتن
	Nî 1/335	Nî 1/335	ننّه	Peig/356	نوشدارو
نگونسار	Gëu 1/146	Nana/319	ننّه	Ôus 1/346	نوشدارو

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
نوشیدن	Ôus 1/346	Nî 1/335	نیمروز	Naëma/317	ریشه
نوشین	Ôus 1/346	Gëi/138	نیمشب	Naëma/317	ریشه
نوک	Nabja/317	Nitiru/337	نیمه	Naëma/317	ریشه
نول	Nabja/317	Nitiru/337	نیو	Nei 1/325	ریشه
نوه	Nepôt/330	Nitiru/337	نیوان	Nei 1/325	ریشه
نوید	Newo/334	Ner 1/331	نیوشه	Ôus 1/347	ریشه
نُویدن	Neu/333	Wë 1/496	نیوشیدن	Ôus 1/347	ریشه
نَه	Ne 1/321	Nis/336		Nî 1/335	ریشه
نُه	Newn/333	N.w.r/341			ریشه
نهاد	Dhë 2/94	Naëza/318			ریشه
نهادن	Dhë 2/94	Naëza/318			ریشه
	Nî 1/335	Nëkš/327			ریشه
نهان	Dhë 2/94	Der 1/89			ریشه
	Nî 1/335	Nëkš/327			ریشه
نهفتن	Gwou/187	Der 1/89			ریشه
نُهور	Sâwel/402	Nëkš/327			ریشه
نی	Nedo/324	Nei 1/325			ریشه
نیا	Nyâka/341	Nei 1/325			ریشه
نیاز	Angh/27	Leudh/281			ریشه
	Nî 1/335	Nei 1/325			ریشه
نیازمند	Angh/27	Nei 1/326			ریشه
	Menth/304	Nei 1/326			ریشه
نیازومند	Angh/27	Nei 1/326			ریشه
	Menth/304	Nei 1/326			ریشه
نیازی	Angh/27	Nei 1/326			ریشه
نیاکان	Nyâka/341	Naëma/317			ریشه
نیام	Gwa/172	Naëma/317			ریشه

و

I 2/195

I 2/195

Pekw/358

Apo/30

Bher 1/58

Wel 3/511

Wel 3/511

Wer 3/516

Redh/386

Redh/386

Ardha/33

Apo/29

Apo/29

Ardha/33

Redh/386

Wed/497

وَ

وُ

- وا

واپسین

- وار ۱

- وار ۲

وار ۳

- وار ۴

وارستن

وارسته

وارون

وارونه

وارهیدن

وازلین

نیایش

نیترات

نیترورژن

نیتریک اسید

نیرو

نیروانا

نیّره

نیزه

نیزه

نیش

نیشتر

نیشدر

نیک

نیکرو

نیکروی

نیکو

نیل

نیلُپر

نیلُفر

نیلوفر

نیله

نیم

نیم رخ

فارسی

واژه	صفحه / ریشه	واژه	صفحه / ریشه	واژه	صفحه / ریشه
واژ	Wekw/508	- ورد	Kwer/262	وزک	Wěgo/501
واژگان	Wekw/508	وَرَد	Wrdho/526	وزیدن	Wegh/501
واژه	Wekw/508	وَرَدَنه	Wer 2/514	وزیر	Kwer/263
واستر	Wes 4/521	وردیج	Ker 3/227	Wi/523	
واستریوش	Wes 4/521	Wed/497		وسم	W.s.m/527
واشه	Wegh/501	ورز	Werg 1/519	وَسْمه	W.s.m/527
واک	Wekw/508	ورزا	Werg 1/519	وضو	Āsū /36
واکس	Weg 1/499	ورزاو	Werg 1/519	وَل	Wrdho/526
والا	Ered/128	ورزش	Werg 1/519	وِل	Wrdho/526
والانه	Wel 2/510	ورزکار	Werg 1/519	وُل	Wrdho/526
والغونه	Wrdho/526	ورزگر	Werg 1/519	ولانه	Wel 2/510
وام	Ap 2/28	ورزنده	Werg 1/519	ولغونه	Wrdho/526
وای	Aw/43	ورزو	Werg 1/519	وَن	Wen/512
	Wai/495	ورزه	Werg 1/519	ونزوئلا	Wen/513
وچر	Kwer/263	ورزیدن	Werg 1/519	وَنگ ۱	Eu 1/132
	Wi/523	ورزیده	Werg 1/519	وَنگ ۲	Wekw/508
وچرگر	Wi/523	وَرَس	Wel 2/510	ونوس	Wen/513
وَحْشور	Wekw/508	ورغ	Wer 2/515	ونیز	Wen/513
وَد	Bata/46	ورغنه	Gwhen 2/185	وهرام	Wer 3/516
ودخین	Wed/497		Weren/518	ویتامین	Gwei/175
ودکا	Wed/498	ورمیشل	Wer 2/515	ویختن	Weik 1/505
وَر	Wer 1/514	ورید قیفالی		ویدا	Weid/504
وَرَاز	Varâza/492	Ghebh-el/152		ویدیو	Weid/504
ورتک	Ker 3/227	وریزه	Urigh/490	ویر	Wei 2/503
ورج	Algwh/20	وریس	Wel 2/510	ویراستار	Wi/523
ورجاوند	Algwh/20	وَرَغ	Wěgo/501	ویراستن	Wi/523
ورجمند	Algwh/20	وزغه	Wěgo/501		Ar/31
		وزق	Wěgo/501		

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
ویروس	Weis/507	هر	Sol/434	هکتولیتتر	Dekm/85
ویزا	Weid/504	هرآینه	Dheye/102	هکتومتر	Dekm/85
ویزیت	Weid/504	هرات	Ser 1/414	هلبیدن	Selg/411
ویسکی	Wed/498	هراس	Tres/483	هلبیکوپتر	Pet 1/370
ویش	Aw/43	هراسیدن	Tres/483	هم	Sem 1/411
ویلا	Weik 2/506	هرکول	Ser 2/416	هما	Su 1/454
وین	Woin/525	هرگز	Sek/408	همال	Sem 1/411
			Sem 1/411	همان	Sem 1/411
		هرمز	Men 1/302		Men 1/301
			An 1/24	همانا	Sem 1/411
هابیل	Hebhel/190	هرمزد	An 1/24	همای	Su 1/454
هاجر	H.j.r/190	هزار	Gheslo/161	همایون	Su 1/454
هار	Ser 3/416	هزوان	Dinghw/107	هم تک	Teku 1/468
هارمونی	Ar/32	هژیر	Skai/421	هم تک	Teku 1/468
هاسر	Sě 2/404		Su 1/454	همدان	Sem 1/412
هاله	Sâwel/403	هسته	Ost/346		Gwa/172
هامال	Sem 1/411	هشت	Okto/342	همشیره	Ksîro/252
هامون	Sem 1/411	هشتاد	Dekm/84		Sem 1/411
هان	Sen 1/413		Okto/342	همگی	Gěu 1/146
هاون	Hâvana/189	هشتن	Selg/411		Sem 1/411
هجر	H.j.r/190	هفت	Septm/414	هموار	Wel 3/511
هجران	H.j.r/190	هفتاد	Dekm/84	هموزن	Sem 1/412
هجرت	H.j.r/190		Septm/414	همه	Sem 1/411
هجری	H.j.r/190	هفته	Septm/414	همیستر	Smeit/430
هخ	Skeng/423	هفده	Septm/414	همیستان	Smeit/430
هخامنش	Men 1/301	هکتار	As/35	همین	Sem 2/413
	Sekw/410		Dekm/85	هتجار	Ten 1/471

ه

فارسی

واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
هنجیدن	Ten 1/471	هوشیار	Dô 2/109		I 2/195
هند	Syand/463		Ôus 1/346	یاسه	Yâ/531
هندسه	Sem 1/411	هوم	Seu 2/418	یافت	Ap 2/28
	Teku 1/468	هومن	Men 1/301	یافتن	Ap 2/28
هندوازه	Syand/463		Su 1/454	یاقوت	
هندوستان	Syand/463	هویدا	Su 1/454	یاکند	Hyakinthos/193
هندولاخ	Lës/279		Weid/504		Hyakinthos/193
هنر	Ner 1/331	هیپنوتیسم	Swep/462	یاور	Yâvarenâ/532
	Su 1/454	هیجده	Okto/342	یحیی'	H.n.n/191
هنرمند	Menth/304	هیج	I 2/195	یخ	Eis 2/120
هنگام	Gwa/172		Kwo/267	یزد	Yag/531
	Sem 1/412	هیختن	Ten 1/471	یزدان	Yag/531
هوا	Kwes/264	هیدروژن	Gene 1/141	یزدگرد	Kwer/262
هواپیما	Me 2/293		Wed/498		Yag/531
هوخ	Wekw/508	هیربد	Per 3/366	یسنا	Yag/531
هوخت	Wekw/508	هیرک	Ei/119	یشپ	Yâšfa/532
هوختست	Wekw/508	هیزم	Aidh/9	یشم	Yâšfa/532
هوختستر	Aueg/40	هیمالیا	Ghei 1/153	یشمی	Yâšfa/532
	Su 1/455	هیমে	Aidh/9	یعقوب	A`.q.b/30
هور	Sâwel/402			یک	I 2/195
هوربان	Sâwel/402			یَمَن	Y.m.n/537
هورمزد	An 1/24			یُمن	Y.m.n/537
هوش ۱	Ôus 1/346	یا	I 2/195	یوحنّا	H.n.n/191
هوش ۲	Aus 2/41	یاب	Ap 2/28	یوز	Yeu 3/536
هوشبام	Aus 2/41	یابیدن	Ap 2/28	یوزپلنگ	Prs/377
هوشنگ	Gwhen 1/182	یاد	Yem/534		Yeu 3/536
	Su 1/454	یازده	Dekm/84	یوزک	Yeu 3/536

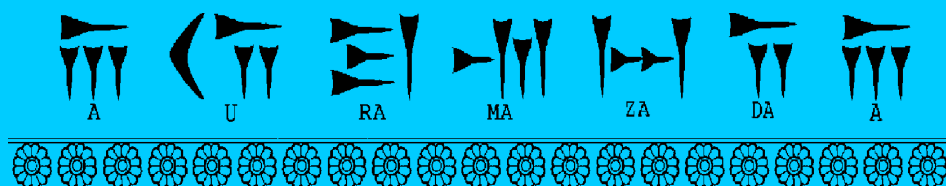
ی

فارسی

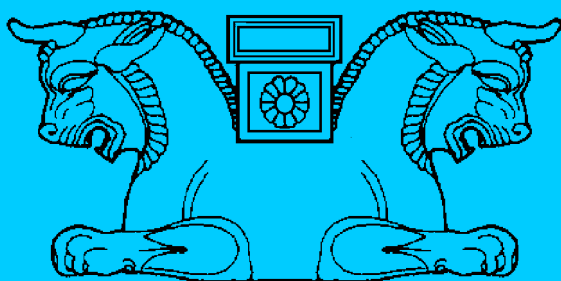
واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه	واژه	صفحه , ریشه
یوزه	Yeu 3/536				
یوزیدن	Yeu 3/536				
یوغ	Yeu 1/535				
یوگوسلاوی	Kleu 1/240				
یون	Ei/119				
یونان	H.n.n/191				

Index of Persian Words

(In Persian Alphabet)



An Etymological Dictionary
of
Persian , English
and other
Indo-European Languages



A l i N o u r a i

Tracing Words to their Origins
Will help us Understand our Cultures

The Main Features of this Dictionary

- 1) Over 1600 **COMMON ROOTS** for 4700 Persian and 3300 English words
- 2) Over 9400 **COGNATES** in more than fifty other languages
- 3) **NON INDO-EUROPEAN ROOTS** are also included
- 4) **GRAPHIC CHARTS** showing word relations
- 5) **WORD INDEX** for each recorded language
- 6) **DOCUMENTATION** of word relations

CONTENTS

PREFACE	A-1
INTRODUCTION.....	A-2
THE SCIENCE OF ETYMOLOGY	A-5
BIBLIOGRAPHY	A-7
GUIDE TO USING THE DICTIONARY	A-16
PRONUNCIATION KEYS	A-18

ETYMOLOGICAL CHARTS	1 - 541
----------------------------------	----------------

INDEX OF ROOTS AND WORDS.....	545
INTRODUCTION AND SELECTED ARTICLES IN PERSIAN	۱ - ۲۱

LIST OF TABLES

IN THE ENGLISH ARTICLES

TABLE I	THREE MAJOR LANGUAGE GROUPS OF THE WORLD	A- 4
TABLE II	SAMPLE OF CONSONANT SOUND CHANGES IN INDO-EUROPEAN LANGUAGES	A- 6
TABLE III	LIST OF REFERENCES BY LANGUAGE AND AUTHOR NAMES	A-8
TABLE IV	ABBREVIATION OF REFERENCES	A-9
TABLE V	GUIDE FOR INTERPRETING ETYMOLOGICAL CHARTS	A-17
TABLE VI	PRONUNCIATION KEYS	A-19

PREFACE

Words are the elements of a language used to identify objects, formulate ideas and express feelings. These words are also a mirror in that they are a reflection of the cultural history and development of a people.

Tracing words to their origins will open a new window to human civilization and culture and help us understand the roots of some of our present social trends and attitudes. For example, the etymology of words for family members clearly shows the division of responsibilities and position of each member in the most basic unit of society - the family. *Father* was the “protector” of the family, *mother* was the “feeder”, *brother* was the load “carrier” and *daughter* was the “milker”. If one makes the effort to read beyond the shallow shell of sounds and symbols, one can recognize our human oneness portrayed in our words and their historical roots. Consider, for example, the English word **family**, referring to “a group of people belonging to the same house.” The equivalent of this word, in Persian, is *dûdmân* (family دودمان), meaning “a group of people sitting around the same fire.” These words have been derived from different roots and have evolved in distant places on earth. Yet, the “feelings and ideas” behind the composition of both words are expressive of the same intimacy innate to all human beings. *Family* and *dûdmân* both portray a parallel human situation: a group of people from the same “home” who sit around the same “fire.”

Unfortunately, the superficial differences in our colorful words have disguised our oneness. The intolerance of differences has penetrated so deeply that, throughout history, many nations have attempted to use the differences in languages as a means to subjugate or humiliate others. For example, the word “barbarian,” which literally means “*people who speak a different language*,” has been so widely abused that today its meaning is all inclusive to mean wild and uncivilized.

The primary motivation for writing this dictionary is the hope that it may foster a greater appreciation of the variances among different languages and cultures, and ultimately nurture a greater understanding among those who speak apparently different languages. After all, we have all come from the same “home”, have gathered around the same “fire” and share the same innate “Human Language.”

A. Nourai

INTRODUCTION

When we go through the process of tracing words to their origins, we are, in essence, tracing our civilization to its most basic roots. While archeology brings us physical facts about our ancestors, etymology portrays a clearer picture of their emotions, ideas and inner world.

Persian belongs to the family of Indo-European languages which also includes English, French, German and many other languages (See Table I). It is quite evident that in tracing any Persian word to its origins, its cognates in other Indo-European languages must be considered. In this dictionary, English cognates are regularly referred to along with some other Indo-European equivalents. Since the Persian and English languages have borrowed many words from Semitic, Turkish and other languages that do not belong to the Indo-European group, these words are also analyzed and presented in this dictionary.

Altogether, over 1,600 roots and 17,400 derived words are presented in this dictionary. About half of the entries are from Persian and other Iranian languages. These words can be divided into the following approximate language groups:

Persian	4,700 words
Other Iranian Languages (Avestan, Old Persian, Pahlavi, Sogdian, etc.)	4,300 words
English	3,300 words
Greek & Latin	1,500 words
Indo-European roots	1,400 words
Arabic, Hebrew & other Semitic languages	800 words
French, German, Italian & Spanish	400 words
Sanskrit & Indian (Hindustani)	400 words
Other languages	700 words

If we look at all languages collectively, and with a truly open mind, we see that there is little difference between what is considered as a “foreign” word and what is believed to be a “native” word. The difference is mainly in the time of entry into a language. Some words have entered a language “sooner” in history and are, therefore, better rooted and more widely accepted than others. All languages have exchanged words throughout their history. A “pure” language is nothing more than a myth.

Probably the first known massive word exchanges among Indo-Europeans took place about four thousand years ago when they began to migrate

out of their homeland. They went west to establish the European nations and south to establish the Indian and Iranian nations. There were undoubtedly massive word exchanges among the Indo-Europeans and the local tribesmen.

Throughout its long history and for various social, cultural and political reasons, the Persian language has enriched itself by exchanging words with many other languages while maintaining its original identity. Besides having a direct lineage, many Indo-European words have reached Persian through other languages. For example, *serât* صراط , *ebîs* إبليس and *khîyâl* خیال are Indo-European words that have reached Persian after going through and accepting the shape and accent of Semitic languages. Yet other words such as *hendeseh* هندسه , *zamân* زمان and *rezq* رزق are examples of old Iranian words that have reached Persian through Arabic.

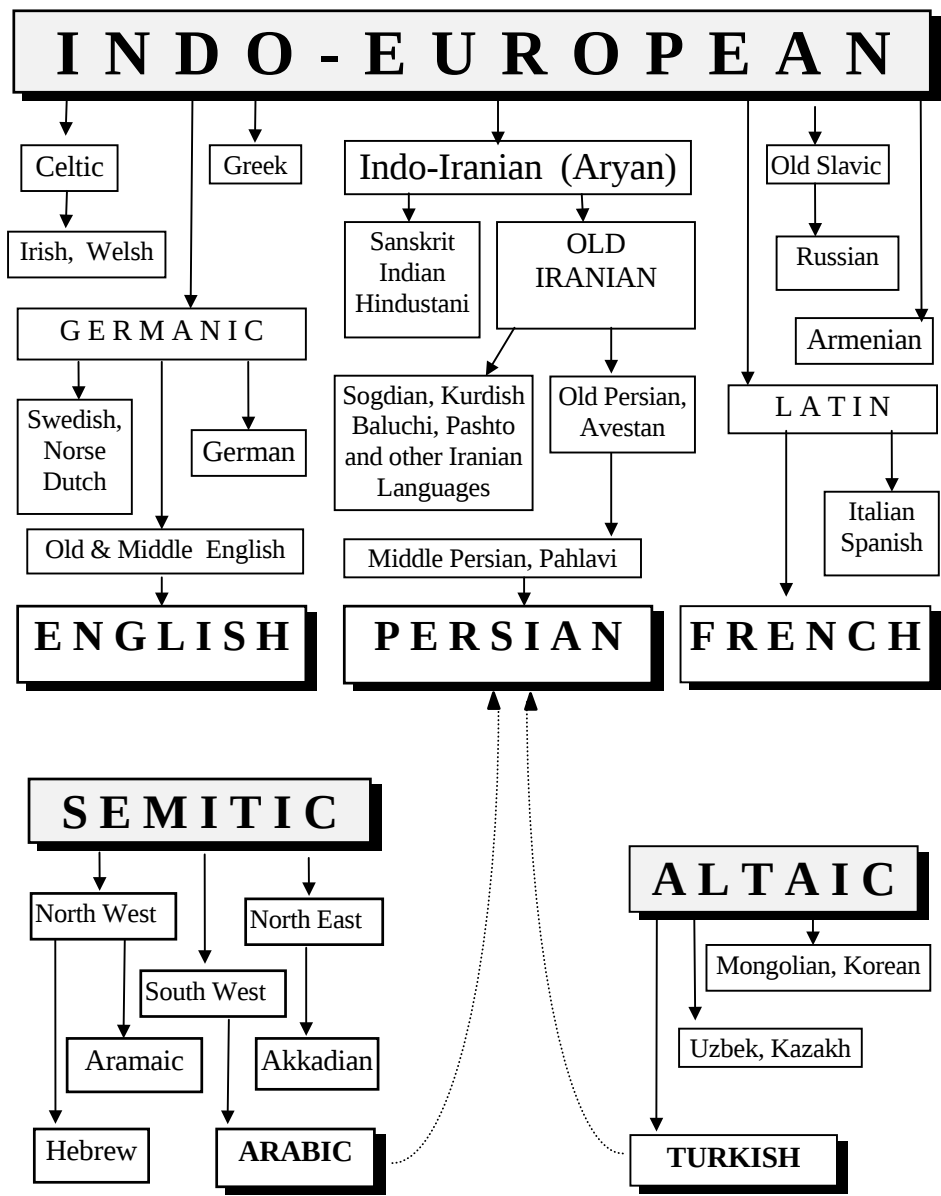
Some borrowed words are used internationally appearing in almost all languages. Examples of these words are *volt* ولت , *mîkrob* ميكروب , *metr* متر and *telefon* تلفن . *Algorithm* (âlgôrîtm آلگوریتیم) is another international word which was coined after the Iranian mathematician of the ninth century, Mohammad Khârazmî خوارزمی , who introduced algebra to the world.

Many of the borrowed words have been so *Persianized* and have penetrated so deeply throughout the literature and poetical heritage that it is almost impossible to separate them from the Persian language. Considering the beauty and the depth of the spiritual thoughts expressed in the poems of Molavî, Hâfez, Sa`dî and other poets who have used so many Persianized Arabic words, it is futile to even think about abandoning these words. Omitting these Persianized words is like erasing a significant part of the Persian heritage and identity. This assimilation of foreign words, of course, is not a unique feature of the Persian language. Imagine omitting all the Greek and Latin words from English, or other European languages: the result would be impractical and severely restricted languages.

Having an open mind about accepting foreign words, however, does not mean we should arbitrarily borrow words from other languages and use them carelessly. While proper borrowing of words can actually enrich a language and contribute to its survival, wanton usage of foreign words can easily corrupt a language, inhibit its growth and obscure its identity.

TABLE I
Three Major Language Groups of the World

(Some languages are not shown)



THE SCIENCE OF ETYMOLOGY

In 1786, a British judge in India, Sir William Jones, himself familiar with the Greek and Latin languages, declared that there was a strong affinity among Latin, Greek and Sanskrit. He postulated that they all sprang from a common root which was later referred to as the Indo-European family of languages. His announcement marked the beginning of the modern science of linguistics.

Indo-European was not a written language. However, about two thousand of its root words have been reconstructed by comparing words of similar sound and meaning among its derived languages. As the Indo-European people started to migrate, their language split into many different dialects that stemmed from the phonetic habits or preferences of different tribes. The key to the science of comparative linguistics and etymology, is the fact that these sound changes followed a rather systematic pattern that is used to determine relationships among dissimilar words in different languages.

A detailed discussion of sound changes among languages is beyond the scope of this dictionary. However, as an example for obtaining a sense of how the word roots were discovered, consider the "P" sound at the beginning of Indo-European words that is preserved in Persian and Greek, but is changed to "F" in Germanic. Therefore, the Indo-European word "Pa-ter: protector" became "Pedar: father: پدر" in Persian but changed to "Father" in English (through Germanic). Table II shows more examples of such sound changes.

In addition to established patterns of sound changes among languages, there are also certain sound shiftings that occur within a language. For example, the R/L (ر / ل) sound change is noticed all over the world in old and new languages and is also observed in many Persian words such as *sûrâkh* and *sûlâkh* (سوراخ / سولاخ). Transposition of letters in a word is another source of sound change within or among languages such as English *bird* from older Germanic *brid* and Persian "*mağz* : brain مغز" from its older form "*mazğ* مغز ."

The rules and known patterns of sound changes are used to trace words back to their origins. It should also be noted that the patterns of many sound and word changes are not fully understood yet, therefore, there is some uncertainty about the correct roots of some words.

TABLE II
Sample of Consonant Sound Changes
in Indo-European Languages

Indo - European ROOT	English Words through:			Persian through Avestan and Old Persian
	Germanic	Greek	Latin	
<u>BH</u> Bhue: to be Bhudh: base	<u>B</u> be bottom	<u>PH</u> physics	<u>F</u> future foundation	<u>B</u> bûdan: to be بودن bon: base بن
<u>D</u> Dwo: two Dekm: ten	<u>T</u> two ten	<u>D</u>	<u>D</u> dime	<u>D</u> do: two دو dah: ten ده
<u>G</u> Gel: form into a ball Gene: to give birth to	<u>K</u> club king	<u>G</u> gene	<u>G</u> globe generate	<u>Z / G</u> golûleh: bullet گلوله zâîdan: to bear زاییدن
<u>GH</u> Ghel: yellow color	<u>G</u> gold	<u>KH</u> chlorine	<u>H</u>	<u>Z</u> zar: gold زر
<u>Y</u> Yeu 1: young Yeu 2: to join	<u>J</u> (Y) young yoke	<u>H</u>	<u>J</u> juvenile join	<u>Y</u> (J in Persian) javân: young جوان yûġ: yoke یوغ
<u>L</u> Leuk: light	<u>L</u> light	<u>L</u>	<u>L</u> luster	<u>R</u> rošan: bright روشن
<u>P</u> Pa-ter: protector Ped: foot Peî: fat Pel: to fill Penkwe: five	<u>F</u> father foot fat full five	<u>P</u> Pope podium poly- pentagon	<u>P</u> paternal pedicure pine plenty	<u>P</u> pedar: father پدر pâ: foot پا pîh: fat پیه por: full پر panj: five پنج
<u>S</u> Sem: one Septm: seven	<u>S</u> same seven	<u>H</u> Homo-	<u>S</u> single September	<u>H</u> ham: same هم haft: seven هفت
<u>W</u> Wê: to blow Werg: to work	<u>W</u> wind work		<u>V</u> vent	<u>V</u> (B in Persian) bâd: wind باد varzeš: sport ورزش

BIBLIOGRAPHY

With the exception of a very few, Persian dictionaries have categorically neglected to address the etymology of words. Besides a few etymological dictionaries written expressly for the Persian language, the information on roots of Persian words is sparsely scattered and buried in dictionaries written for other Indo-European languages. Extracting this information, however, is difficult and time consuming as most of these books neither provide an index of Persian words, nor follow the derivations up to the forms which are used in modern Persian.

It took more than twelve years to search hundreds of references and uncover the word relations presented in this dictionary. Many days were spent searching for “missing links” between the sets of incomplete etymological data available in different references. The established links identified among words are documented with the reference names and page numbers. Observed differences of opinion among references are discussed in appropriate footnotes.

Cited references are abbreviated with three letters followed by a page number (e.g. BQT:128). If a reference has identical page numbers in different volumes, the volume number is shown after the abbreviation and before the colon (e.g. MON5:168, which is interpreted as reference MON, volume 5, page 168). Table III provides a list of cited references by language and author name. Table IV lists the reference abbreviations in alphabetical order. The four most frequently cited references in compiling this dictionary are:

POK	Indo-European roots,
BQT (<i>footnotes</i>)	Persian derivatives,
AHD	English derivatives,
KLN	Semitic roots and English derivatives.

More than half of the 11,000 documented references quoted in this dictionary are cited from these four sources.

TABLE III

List of References by Language and Author Name

(See Table IV for Reference Abbreviations)

PERSIAN

Authors	Ref.
Abolghâsemî M.	ETM FFD TZF ZFS
Ahmad Soltânî M.	VFO
Akhavân Zanjânî K.	SOR
A`lam A. J.	AKM
A`mîd H.	AMD
Âryan, A.	ARM
Asadî Tûsî	FRS
Badreh-î	VDQ
Bahâr M. T.	SBK
Dânâyî F.	FNI
Dâneshgar A.	FAF
Emâm Shûstari	FVF
Farahvashî B.	IRN
Gharîb B.	SOD
(in Persian & English)	
Hasanî dâ`î Al-Eslâm	KAS
Jonaydî F.	NFI ZMA
Khadrî Jam H.	VGH
Khâleqî Motlaq Jalâl	AEF
Khalîlî K.	MMF
Kowsar B.	SNB
Mehrâvand K.	VSF
Mo`în M.	MON
Moshîrî M.	VOP
Nafîsî S.	DMO
Nahvî S. M.	FVA
Nâtel Khânlarî P.	MZF
Noushîn A. H.	FSF
Orânskî & Keshâvarz	MFL
Pûr Dâvûd	FIB
Râshed Mohassel	DZA
Rokn Zâdeh -	
Âdamîyyat M.H.	ARK
Sajjâdiyyeh M. A.	IRT VIE
Sayyâh A.	SAP
Tabrizî M.H.(Borhân)	BQT
Tavoosî M.	SNS

ENGLISH

Authors	Ref.
Baily H.W.	BLY ZAP ISS NAT FWE SYN WEB ROW DVS AHM CEL FSD LST MPP SLW SOG BST AVG FVQ KNT
Berlitz	
Bliss A. J.	
Buck C. D.	
Collins W.	
Claiborne R.	
Davis P.	
Gershevitch I.	
Gupta S. K.	
Funk I. K.	
Henning W. P.	
Horn P.	
Jackson A.V.W.	
Jeffrey A.	
Kent R. G.	
Kinder H. &	
Hilgemann W.	AWH
Klein E.	KLN
Laufer B.	SIN
MacKenzie	PHD
Mann S. E.	IEC
Morris W.	AHD
Nyberg H.S.	NYB
Partridge E.	PRT
Pei M.	PEI
Platts J. T. &	
Ranking G.S.A.	GPL
Richardson J.	RCH
Shipley J. T.	SHP
Skeat W. W.	OEW
Speake J.	SKT
Taylor W.	OXF
Tolman H. C.	TYL
Unvala J. M.	TLM
Unvala J. M.	UNV
Widengren G.	MAG
Withworth G. C.	AID
Yule H. &	
Burnel A. C.	HJB

FRENCH

Authors	Ref.
Darmester J.	DRM
Devic L. M.	DEV
Duchesne -	
Guillemin	EAV
Ernout A.&	
Meillet	LAT
Lammens H.	LAM
Pihan A. P.	PHN

ARABIC

Authors	Ref.
Addi Shir	AFM
Jawâlîqî	ARB
Tha`âlebî	KFL
Unaysî T.	TAD

GERMAN / DUTCH

Authors	Ref.
Asbaghi A.	PLA
Bartholoma	BRT
	HID
	ZAW
Dozy (Dutch)	DOZ
Dvorak R.	FWK
Frankel S.	AFA
Horn P.	HRN
Hubschmann	HUB
Ibrâhîm J.	KGW
Lagarde P.	LAG
Liden E	AIN
Lokotsch K.	LKT
Pokorny J.	POK
Siddiqi A.	SDQ
Spiegel F.	SPG
	ARP
Vamberg H.	TTS
Walde A.	LEW
	WLD
Zimmern H	AKD

TABLE IV - Reference Abbreviations

1	AEF	Jalâl Khâleqî Motlaq, <u>Asâs Eshtegâq Fârsî</u> , Vol. I (a - kh), Bonyâd Farhang Irân, 1977.	اساس اشتقاق فارسی
2	AFA	Siegmund Fraenkel, <u>Die Aramäischen Fremdwörter im Arabischen</u> , Hildesheim, 1962.	
3	AFM	Addi Shir, <u>Al-Alfâz Al-Fârsîyya Al-Mu`arraba</u> , (A Dictionary of Persian Words in the Arabic Language), Library of Lebanon, 1980..	
4	AHD	W. Morris, <u>The American Heritage Dictionary</u> , New College Edition, 1975, Appendix on Indo-European Roots, pp 1505-1550.	
5	AHM	I. Gershevitch, <u>The Avestan Hymn to Mithra</u> , Oriental Publications No.4, Cambridge University Press, 1959.	
6	AID	G. C. Withworth, <u>Anglo-Indian Dictionary</u> , Kegan Paul, Trench & Co, London 1885.	
7	AIN	E. Liden, <u>Studien zur Altindischen und Vergleichenden Sprachgeschichte</u> , Almqvist & Wiksells, Upsala 1897.	
8	AKD	H. Zimmern, <u>Akkadische Fremdwörter Als Beweise Fur Babylonischen Kultureinfluss</u> , Leipzig 1917.	
9	AKM	Amir J. A`lam, <u>Farhang A`alâm Ketâb Moqaddas</u> or, <u>A Dictionary of Proper Names in the Bible</u> , English - Persian, Iran University Press, Tehran 1988.	فرهنگ اعلام کتاب مقدس
10	AMD	H. A`mîd, <u>Farhang Fârsî Amîd</u> , Two volumes, Amîr Kabîr Press, Tehran, 1369 (1990).	فرهنگ فارسی عمید
11	ARB	Jawâlîqî, <u>Al-Mu`arrab</u> , Tehran 1966.	
12	ARK	M. H. Rokn Zâdeh - Âdammîyat, <u>Arkân Sokhan</u> , Sharq Press, Tehran 1347 (1968).	ارکان سخن
13	ARM	A. Âryan, <u>Farhang Vâiheh-hâv Hamânand, Armani - Avestâi, Pahlavî, Fârsî</u> , Vol. I (a), Bonyâd Nayshâbûr, Tehran 1363 (1984).	فرهنگ واژه های همانند ارمنی اوستایی پهلوی فارسی
14	ARP	F. Spiegel, <u>Die Arische Periode und ihre Zustände</u> , Leipzig ,1887.	
15	AVG	A. V. W. Jackson, <u>An Avesta Grammar</u> , W. Kohl Hammer, Stuttgart 1892.	
16	AWH	H. Kinder & W. Hilgemann, <u>Atlas of World History</u> , 2 vol., Anchor Books, 1974.	

TABLE IV - Reference Abbreviations (continued ...)

17	BLY	H. W. Baily, " Hvatanica II ", (Glossary of some Khotanese words with reference to Avestan and Persian words), Bulletin of the School of Oriental and African Studies (BSOAS IX:1937-39) pp 69-78, University of London.	
18	BQT	M. H. Tabrîzî (Borhân), <u>Borhân Qâte`</u></b> , Etymological footnotes by Dr. M. Mo`în, 4 vol, Amîr Kabîr Press, Tehran 1362 (1983).	برهان قاطع
19	BRT	C. Bartholomae, <u>Altiranisches Worterbuch Zusammen Mit Den Nacharbeiten Und Vorarbeiten</u> , Walter de Gruyter Press, 1979.	
20	BST	Paul Horn, " Some Inscriptions on Sâssânian Gems ", Avesta, Pahlavi and Ancient Persian Studies, First Series, pp 224-263, Bombay Educational Society's Press, 1904.	
21	CEL	S. K. Gupta, <u>A Comparative Etymologic Lexicon of Common Indo-European Words</u> , 6 Vol., Sverge Haus Publishers, Milton, Ma, 1997	
22	DEV	L. M. Devic, <u>Dictionnaire Etymologique des Mots Francais D'Origin Orientale</u> , Oriental Press 1876.	
23	DMO	S. Nafîsî, <u>Dar Maktab Ostâd</u> , Zohreh Press, Tehran 1344 (1965).	در مکتب استاد
24	DOZ	R. Dozy, <u>Verklarende Lisjt der Nederlandsche Woorden, Die Uit Het Arabisch, Hebreeuwsch, Chaldeeuswch, Perzisch en Turksch Afkomstig Zijn</u> , Leiden 1867.	
25	DRM	J. Darmester, <u>Etudes Itaniennes</u> , Paris 1883.	
26	DVS	P. Davis, <u>Roots – Family History of Familiar Words</u> , McGraw-Hill Book Company 1981.	
27	DZA	M. T. Râshed Mohassel, <u>Darâmadi Bar Dastûr Zabân Avestâi</u> , Khâjeh Press, Tehran 1364 (1985).	درآمدی بر دستور زبان اوستایی
28	EAV	J. Duchesne-Guillemin, " Etymologies Avestiques ", Bulletin of the school of Oriental and African Studies (BSOAS IX:1937-39) pp 861-869, University of London.	
29	ETM	M. Abolghâsemî, <u>Rîsheh Shenâsî – Etîmologî</u> , Ghoghnoos Press, Tehran 1374 (1995).	ریشه شناسی - اتیمولوژی
30	FAF	A. Dâneshtar, <u>Farhang A`alâm Fârsî</u> , Hâfez Novîn Press, (1991).	فرهنگ اعلام فارسی
31	FFD	M. Abolghâsemî, <u>Fe`lhây Farsî Darî</u> , Ghoghnoos Press, Tehran 1374 (1995).	فعلهای فارسی دری

TABLE IV - Reference Abbreviations (continued ...)

32	FIB	Pûr Dâvûd, <u>Farhang Irân Bâstân</u> , Vol. I, University of Tehran Press 1326 (1947).	فرهنگ ایران باستان
33	FNI	F. Dâni, <u>Farhang Nâmây Irânî</u> , Negâh Publishers, Tehran 1370 (1991).	فرهنگ نامهای ایرانی
34	FRS	Asadî Tûsî, <u>Farhang Fors</u> , Khârazmî Press, Tehran 1365 (1986).	فرهنگ فرس
35	FSD	Funk and Wagnalla, <u>New Standard Dictionary of the English Language</u> , Funk & Wagnalls Company, New York, 1940.	
36	FSF	A. H. Noushîn, <u>Farhang Shâhnâmeh Ferdowsî</u> , واژه‌نامه فردوسی - واژه‌نامه <u>Vâjehh Nâmak</u> , Donyâ Press, Tehran 1363 (1984).	فرهنگ شاهنامه فردوسی - واژه‌نامه
37	FVA	S. M. Nahvî, <u>Farhang Vâm</u> فرهنگ وام واژه‌های عربی در فارسی - دخیل <u>Vâjehhây Arabî dar Fârsî, Dakhîl</u> , Tolû Âzâdî Press 1368 (1989).	فرهنگ وام واژه‌های عربی در فارسی - دخیل
38	FVF	S. M. A. Emâm Shûshhtarî, فرهنگ واژه‌های فارسی در زبان عربی <u>Farhang Vâjehhây Fârsî dar zabân Arabî</u> , Anjoman Âsar Mellî, No 58, Bahman Press, Tehran, 1347 (1968).	فرهنگ واژه‌های فارسی در زبان عربی
39	FVQ	A. Jeffrey, <u>The Foreign Vocabulary of the Qur'ân</u> , (see VDQ). Oriental Institute, Baroda, Stephen Austin & Sons Press, Great Britain 1938	
40	FWE	A. J. Bliss, <u>A Dictionary of Foreign Words and Phrases</u> <u>in Current English</u> , Warner Books, 1966.	
41	FWK	R. Dvorak, " <u>Fremdwörter im Korân</u> ", Doctoral Dissertation, Akademische Buchdruckerei von F. Straub (1884).	
42	GPL	J.T. Platts and G.S.A. Ranking, <u>A Grammar of the Persian Language</u> , Oxford University Press (1911).	
43	HID	B. Bartholomae, <u>Handbuch der AltIranischen Dialekte</u> , Breitkopf & Hartel, Leipzig 1883.	
44	HJB	H. Yule & A. C. Burnel, <u>Hobson Jobson, A Glossary of Colloquial Anglo-</u> <u>Indian Words</u> , Oriental Publishers, Delhi 1903-1968.	
45	HRN	Paul Horn, <u>Grundriss der NeuPersischen Etymology</u> , Verlag von Karl J. Trubner, Strassburg 1893-1974.	
46	HUB	H. Hubschmann, <u>Persische Studien</u> , Verlag von Karl J. Trubner, Strassburg 1895.	
47	IEC	Stuart E. Mann, <u>An Indo-European Comparative Dictionary</u> , Helmut Buske Verlag, Hamburg 1987	

TABLE IV - Reference Abbreviations (continued ...)

48	IRN	C. Farahvashî, <u>Irânvi</u> , Tehran University Press, 1368 (1989).	ایرانویج
49	IRT	M. A. Sajjâdiyyeh, <u>Tabâr Moshtarek Irânîân va Turânîân</u> , Bonyâd Nayshâbûr 1368 (1989).	تبار مشترک ایرانیان و تورانیان
50	ISS	H. W. Baily, <u>Indo-Scythian Studies (Khotanese Texts - volume VI)</u> , Cambridge University Press, 1967.	
51	KAS	M. A. Hasanî Dâ'î Al-Eslâm, <u>Khod Âmôz Zabân Sanskrît</u> , Danesh Press, Tehran 1361 (1982).	خودآموز زبان سنسکریت
52	KFL	Tha`âlebî, <u>Ketâb Feqh al-Logheh</u> , Beirut, 1885.	
53	KGW	Jamshid Ibrâhîm, <u>Kulturgeschichtliche Wortforschung. (Persisches Lehnwort in Europäischen Sprachen)</u> , Wiesbaden 1991.	
54	KLN	D. Klein, <u>A comprehensive Etymological Dictionary of the English Language</u> , Two volumes, Elsevier Publishing Co., 1966.	
55	KNT	R. G. Kent, <u>Old Persian - Grammar, Text, Lexicon</u> , American Oriental Society, 1953.	
56	LAG	P. Lagarde, <u>Persische Studien</u> , Dieterichsce Verlag, Gottingen 1884.	
57	LAM	Henri Lammens, <u>Remarques sur les Mots Francais Derives de l'Arabe</u> , Imprimerie Catholique, Beyrouth 1890.	
58	LAT	A. Ernout & A. Meillet, <u>Dictionnaire Etymologique de la Langue Latine</u> , Paris, 1951.	
59	LEW	A. Walde, <u>Latinisches Etymologisches Wörterbuch</u> , (With Avestan and Persian Indices), Heidelberg 1938.	
60	LKT	K. Lokotsch, <u>Etymologisches Wörterbuch der Europäischen Wörter Orientalischen Ursprunges</u> , Heidelberg 1927.	
61	LST	W. B. Henning, <u>Bibliography of Important Studies on Old Iranian Subjects</u> , Ketâb Khâneh Dâneshteh, Tehran 1950.	
62	MAG	G. Widengren, <u>Mohammad, The Apostle of God</u> , Chapter VIII, "Iranian Elements in the Kurânic Vocabulary", Uppsala Universitets Arsskrift, Uppsala, 1955	
63	MFL	A. M. Orânskî, <u>Moqaddameh Feqh Al-Logheh Irânî</u> , Translated into Persian by K. Keshâvarz, Payâm press, Tehran 1358 (1979).	مقدمه فقه اللغة ایرانی

TABLE IV - Reference Abbreviations (continued ...)

64	MMF	K. Khalîlî, <u>Dictionary of Derivatives of the Persian Infinitives</u> or <u>Farhang Moshtagqât Masâder Fârsî</u> , Institute of Cultural Studies and Research, Tehran, 1993. فرهنگ مشتقات مصادر فارسی
65	MON	M. Mo`în, <u>Farhang Fârsî Mo`în</u> . Six volumes, Amîr Kabîr press 1363 (1984). فرهنگ فارسی معین
66	MPP	W. Henning, "A List of Middle – Persian and Parthian Words", Bulletin of the School of Oriental and African Studies (BSOAS IX:1937-39) pp 79-92, University of London.
67	MZF	P. Nâtel Khânlarî, <u>Mabâhes Adabî va Honarî darbâreh Zabân Fârsî</u> , Sokhan press, Tehran 1340 (1961). مباحث ادبی و هنری دربارهٔ زبان فارسی
68	NAT	C. Berlitz, Native Tongues, Grosset & Dunlapp Publishers, New York, 1982
69	NFI	F. Jonaydî, <u>Nâmeh Farhang Êrân</u> , Bonyâd Nayshâbûr, Tehran 1368 (1989). Section 4, translated from C.H. Rempis' "Persische Wörter im Deutschen," in Mitteilungen, Institut für Auslands-Beziehungen, Iran-Nummer, 3/4, Stuttgart, 1960, S.229-233. نامه فرهنگ ایران
70	NYB	H. S. Nyberg, <u>A Manual of Pahlavi</u> , Wiesbaden 1974.
71	OEW	J. T. Shipley, <u>The Origins of English Words</u> , The John Hopkins University Press, Baltimore 1984.
72	OXF	Jennifer Speake, <u>Oxford Dictionary of Foreign Words and Phrases</u> , Oxford University Press, New York 1997
73	PEI	M. Pei, <u>The Families of Words</u> , Harper & Brothers press, New York 1962.
74	PHD	D. N. MacKenzie, <u>A Concise Pahlavi Dictionary</u> , Oxford University press, London 1971.
75	PHN	A. P. Pihan, <u>Dictionnaire Etymologique des Motes de la Langue Francaise Derives de L'Arabe, du Persan ou du Turc</u> , Paris 1866.
76	PLA	Asya Asbaghi, <u>Persische Lehnwörter im Arabischen</u> , Otto Harrassowitz, Wiesbaden 1988
77	POK	J. Pokorny, <u>Indogermanisches Etymologisches Wörterbuch</u> , Two volumes, Francke verlag, Bern 1959.
78	PRT	E. Partridge, <u>Origins - A short Etymological Dictionary of Modern English</u> , MacMillan Co., New York 1958.
79	RCH	J. Richardson, <u>Dictionary, Persian, Arabic and English with Dissertation on the Languages, Literature and Manners of Eastern Nations</u> , Sange-e-Meel Publications, Lahore 1829-1984.

TABLE IV - Reference Abbreviations (continued ...)

80	ROE	R. Caliborne, <u>The Roots of English, A Reader's Handbook of Word Origins</u> , Anchor Books, New York, 1989.	
81	SAP	A. Sayyâh, <u>Farhang Savvâh, Arabic - Persian Dictionary</u> , Three volumes, Translation of the Arabic "Al-Monjed" Dictionary, Eslâm Publications, Tehran 1368 (1989).	فرهنگ سیاح
82	SBK	M. T. Bahâr, <u>Sabk Shenâsî – Târikh Tatavvor Nasr Fârsî</u> , Vol I, Tehran 1321 (1942).	سبک شناسی
83	SDQ	A. Siddiqi, <u>Studien über die Persischen Fremdwörter im Klassischen Arabisch</u> , Vandenhoeck & Ruprecht, Gottingen 1919.	
84	SHP	J. T. Shipley, <u>Dictionary of Word Origins</u> , Philosophical Library press, New York 1945.	
85	SIN	G. Laufer, <u>Sino-Iranica, Chinese Contributions to the History of Civilization in Ancient Iran</u> , Field museum of natural History, publication 201, Anthropological Series, Vol XV, No. 3, Chicago 1919.	
86	SKT	W. W. Skeat, <u>A Concise Etymological Dictionary of the English Language</u> , Clarendon press, Oxford 1882-1967.	
87	SLW	W. B. Henning, "Sogdian Loan-words in New Persian", Bulletin of the School of Oriental and African Studies (BSOAS X:1939-42) pp 93-106, University of London	
88	SNB	H. Kowsar, <u>Sang Nebeshteh-hâ Sokhan Mîguyand</u> , Military Public Relations, Iranian Military Press, Tehran (1960's).	سنگ نبشه ها سخن میگویند
89	SNS	M. Tavooosî, <u>A Glossary of Shâvast Nê Shâvast</u> , Shirâz University publications, 1986.	واژه نامه شایست نشایست
90	SOD	B. Gharîb, <u>Sogdian – Persian – English Dictionary</u> , Farhangân Press, Tehran, 1374 (1995).	فرهنگ سغدی - فارسی - انگلیسی
91	SOG	W. B. Henning, <u>Sogdica</u> , The Royal Asiatic Society, London, 1940.	
92	SOR	K. Akhavân Zanjânî, <u>Pajhuhesh Vâjheh-hây Sorvânî dar Zabân Fârsî</u> , Bahman Press, Tehran 1369 (1990).	پژوهش واژه های سریانی در زبان فارسی
93	SPG	Fr. Spiegel, <u>Keilinschriften im Grundtexte mit Uebersetzung, Grammatik und Glossar</u> , (cuneiform glossary of the Old Persian and Avestan), Leipzig 1862.	
94	SYN	C. D. Buck, <u>A Dictionary of the Selected Synonyms in the Principal Indo-European Languages</u> , University of Chicago press, 1949-1988.	
95	TAD	T. Unaysî , <u>Tafsîr al-Alfâz al-Dakhîleh fe al-Loghat al-Arabîyeh</u> , Dâr al-Arab, Cairo, 1964.	

TABLE IV - Reference Abbreviations (continued ...)

96	TLM	F. C. Tolman, <u>Ancient Persian Lexicon</u> , The Vanderbilt Oriental Series, American Book co. 1890-1908.	
97	TTS	G. Vambery, <u>Etymologisches Wörterbuch der Turko-Tatarischen Sprachen</u> , Biblio Verlag, Osnabrück, 1972.	
98	TYL	W. Taylor, <u>Arabic Words in English</u> , Clarendon Press, London 1933.	
99	TZF	M. Abolghâsemî, <u>Târikh Mokhtasar Zabân Fârsî</u> , Bonyâd Andîsheh Eslâmî Press, Tehran, 1373 (1994).	تاریخ مختصر زبان فارسی
100	UNV	J. M. Unvala, <u>King Husrav and His Boy – Pahlavi Text and Glossary</u> , Paul Geuthner publishers, Paris 1963.	
101	VDQ	F. Badreh-î, <u>Vâjheh-hây Dakhîl dar Qurân-e Majîd</u> , Translation of A. Jeffrey's book with Comments (see FVQ). Toos Publishers, Tehran 1372 (1993).	واژه های دخیل در قرآن مجید
102	VFO	M. Ahmad Soltânî, <u>Vâjhgân Fârsî dar Zabân-hây Orûpâi</u> , Âvây Nûr Press, Tehran, 1372 (1993).	واژگان فارسی در زبانهای اروپایی
103	VGH	H. Khadîv Jam, <u>Vâjheh NâmeH Ghazalhây Hâfez</u> , Elmî Press, Tehran, 1371 (1992).	واژه نامه غزلهای حافظ
104	VIE	M. A. Sajjâdiyyeh, <u>Vâjheh-hây Irânî dar Zabân Engelîsî</u> , Bonyâd Nayshâbûr, Tehran 1364 (1985).	واژه های ایرانی در زبان انگلیسی
105	VOP	M. Moshîrî, <u>Farhang Vâjheh-hây Orûpâvî dar Fârsî</u> , Alborz Press, Tehran 1371 (1992).	فرهنگ واژه های اروپایی در فارسی
106	VSF	K. Mehrâvand, <u>Vâjheh Sâzî dar Zabân Fârsî</u> , Râstî press, Tehran 1349 (1970).	واژه سازی در زبان فارسی
107	WEB	W. Collins, <u>Webster's New Twentieth Century Dictionary of the English Language</u> , second edition 1978.	
108	WLD	A. Walde, <u>Vergleichendes Worterbuch der Indogermanischen Sprachen</u> , two volumes, Walter de Gruyter & co., Leipzig 1930-1973.	
109	ZAP	H. W. Bailey, <u>Zoroastrian Problems in the Ninth-Century Books</u> , Clarendon press, Oxford 1943-1971.	
110	ZAW	C. Bartholomae, <u>Zum Altiranischen Worterbuch Nacharbeiten and Vorarbeiten</u> , Vorlag von Karl J. Trubner, Strassburg 1906.	
111	ZFS	M. Abolghâsemî, <u>Zabân Farsî va Sargozasht Ân</u> , Hîrmand Press, Tehran, 1375 (1996).	زبان فارسی و سرگذشت آن
112	ZMA	F. Jonaydî, <u>Zendeġî va Mohâjerat Âryâiân</u> , Bonyâd Nayshâbûr, Tehran, 1374 (1995).	زندگی و مهاجرت آریائیان

GUIDE TO USING THE DICTIONARY

One of the most unique features of this dictionary is its graphical presentation of etymological data. The derivations of words are indicated with arrows rather than lengthy text. The arrows greatly simplify the process of tracing words to their roots.

The words examined in the etymological charts are shown in ‘word boxes’. Each word box is divided into two parts. The language and one or more references (See Table IV) are shown in the top part. The bottom part of a word box contains one or more cognate words, in the specified language. Persian words are written with the Persian alphabet, but their pronunciation is shown with a modified English alphabet. Wherever necessary, the usage of Persian words is clarified in the context of a poem. If a word has more than one root, the symbol of a pointing hand [☞] refers the reader to the other root(s). Additional notes at the bottom of word boxes are provided as needed.

All Charts begin with a shadowed root box located at the upper left corner of each chart. The flow of word derivations moves from top-to-bottom and from left-to-right as shown by the arrows.

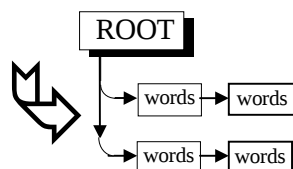


Table V illustrates a typical etymological chart that contains the most common derivatives from the Indo-European root ‘Kâ’ or Qâ , meaning *to wish or desire*. Derivatives of these words in Avestan, Old Persian, Pahlavi, Persian, Germanic, Latin and English languages have been extracted from different references as cited (See Table IV, Reference Abbreviations).

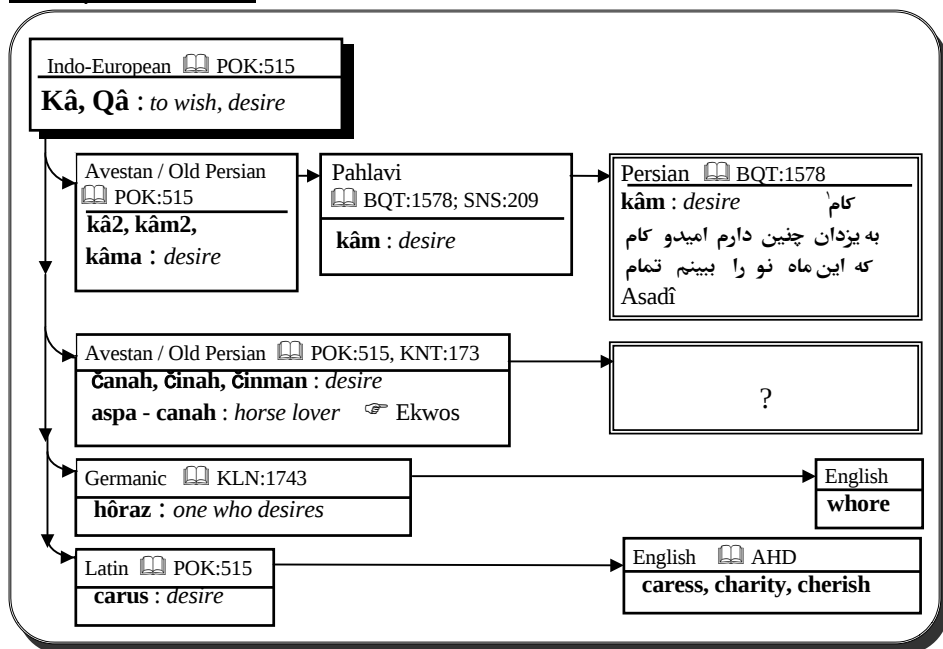
In order to locate a word in this dictionary, such as Persian ‘kâm کام’, Avestan ‘kâ’, Latin ‘carus’ or English ‘caress’, the reader needs to refer first to the word index for each language at the end of this book. The word index refers the reader to both the page number of the chart, where the word is analyzed, and the root(s) of the word. Thus, once a word is found in any index, the reader can locate it in the dictionary by using the page number or the root of the word (charts are organized in alphabetical order of their root words).

There are two indexes for Persian words. One is written and sorted in the Persian alphabet, while the other is a sorted list of their pronunciations in the modified English alphabet. The index of Persian alphabet words is provided at the end of the index section.

TABLE V

Guide for Interpreting Etymological Charts

Example of a Chart



Parts of a Chart

Contents of a typical Word Box

Language Reference (s): page numbers
Word : meaning , other roots, Persian words فارسی
Word : meaning , other roots, Persian words فارسی
One line of poem showing usage of Persian words
Notes on other possible derivations or special discussion

Word Box Borders

Root Box
Persian Word Box
Other Word Boxes

Arrow lines between boxes showing direction of word derivation →

Book symbol preceding references(s)

Hand symbol pointing to other roots

Dotted lines inside boxes separate words into groups -----

PRONUNCIATION KEYS

The pronunciation of words in different languages is facilitated by a set of pronunciation keys shown in Table VI. These keys are very similar to transliteration characters. A complete transliteration character set, to suffice all the languages in this dictionary, would be much larger and more difficult to use than what is presented in Table VI.

In Persian, there are several groups of letters that have a similar sound. For example, there are four Persian letters with a ‘z’ sound (ظ, ض, ز and ذ); and three letters with an ‘s’ sound (ث, ص and س). Since pronunciation, rather than transliteration, has been the purpose of using these characters, only one symbol, such as ‘z’ or ‘s’, has been used for each group of letters with the same sound.

Besides a basic set of symbols, which is used to help the readers in pronunciation of words, a few other character combinations like ‘ch’ for č, ‘kh’ for x, ‘sh’ for š, etc. are used to ‘write’ words in English. For example, the Iranian city of Khorram Shahr (خرمشهر) is pronounced “xorram-šahr,” but is written as “Khorram Shahr” in an English text.

TABLE VI

Pronunciation Keys for Persian and other Languages

Symbol	Persian Alphabet	Persian Example	English Example
â	آ	âb آب	far
a	ا	asb اسب	man
'	ء	ma'xaz مأخذ	glottal stop
b	ب	bâr بار	boy
p	پ	par پیر	pet
t	ت ط	talâtom تلاطم	toy
s	ث س ص	salâm سلام	son
j	ج	jabr جبر	joy
č [ch]	چ	čâh چاه	church
h	ح ه	hâdî هادی	hot
x [kh]	خ	xâr خار	Scottish loch
d	د	dast دست	day
z	ذ ز ض ظ	zan زن	zebra
r	ر	râh راه	ray
ž [jh , zh]	ژ	žarf ژرف	vision
š [sh]	ش	šab شب	shop
`	ع	Sa`dî سعدی	strong guttural sound
ğ [gh]	غ	ğâz غاز	gargling sound
f	ف	fîl فیل	fun
q [gh]	ق	qû قو	emphatic k
k	ک	ketâb کتاب	cake
g	گ	gol گل	goat
l	ل	lab لب	lip
m	م	man من	man
n	ن	nân نان	noon
v	و	vâhed واحد	voice
y	ی	yâr یار	yard
û (long)	او	pûl پول	boot
o (short)	ا	ostâd استاد	old
ô, ow (long)	او	owrâq اوراق	toe
î (long)	ای	îmân ایمان	machine
ê (long)	ئی	Jebra ê l جبرئیل	bee

- 1) The keys in brackets [] are used for spelling words in English text
- 2) Sogdian (a) sound is shown with (')

ETYMOLOGICAL CHARTS

